

## Contents

4	مقدمه
20	هدف رسالت
52	نظر علما در این مورد
65	دعوت؛ اساساً قتال و جهاد بوده و فرض می باشد...
79	ترک قتال
84	نظر علما:
91	بدعت جدید فرد گرائی، رهبانیت قدیمی
94	حاکمیت با عدل و قتل بهتر از عبادت است
	نظریات بعضی علما در مورد فرضیت نظام حکومت
109	داری اسلام
144	افضل جهاد
159	امر به معروف و نهی از منکر
184	فقه بهتر از عبادت است
215	بصیرت و آگاهی سیاسی در مقابل اعمال دینی
221	عین اشتباهه نباید تکرار گردد
227	قوی ترین عروه اسلام و ایمان
234	الولی والبراء، الولایه فی الله سبحانه و تعالی
255	وحدت
268	عدم وحدت و جنگ های داخلی
293	تکفیر
310	خوارج
335	انزوا گرائی، طغیان و جدا گرائی
349	معنی یا مفهوم دعوت جاهلیت
352	عواقب دعوت به جاهلیت حتی اگر مسلمان باشد ...
354	معنی فارق الجماعة
364	کمک به عصبیت یا تحت پرچم غلط جنگیدن

367	..... زمان فتنه
395	..... حب دنیا
406	..... تنها باید تحت حاکمیت امام یا خلیفه زنده گی کرد
420	..... امامان و مسؤالیّت
429	..... امارت ( رهبری ) برای اشخاص ضعیف و ناتوان نیست که توانایی رهبری نداشته باشند
430	..... سیاست در های بسته
436	..... اطاعت
447	..... نبوت، خلافت، ملک
457	..... بیعت
475	..... خلفاء بعد از پیامبر صلی الله علیه و سلم
482	..... خلافت حضرت ابوبکر رض
494	..... قریشی بودن
501	..... امامان بد به حیث مجازات
509	..... امیران یا حکام گمراه
514	..... دوری سالم از حکام
520	..... امر به معروف و نهی از منکر
530	..... بی اطاعتی
538	..... حکومت پولیسی
542	..... شکنجه
545	..... بهترین امیر ( رهبر )
564	..... میثاق با الله سبحانه و تعالی
573	..... فی سبیل الله سبحانه و تعالی
594	..... ابتلا
623	..... دید تکلیفی در زنده گی
628	..... درجات جنت و دوزخ

هجرت؛ احکام که در محور اعلاى کلمة الله سبحانه و

تعالى مى چرخد.....641

حدیث (از خود تان مواظبت نمائید).....654

نتیجه گیری .....683

این کتاب شامل مراجع و مجموع احادیث در باره حاکمیت و سیاست می باشد. شرح آن به حیث وسیله کمک کننده، به حیث ساختار و رهنمود برای فهم منطق نظم آن درج شده است. در این کتاب از نظریات علما نیز استفاده شده، زیرا بعضی افراد مریض و جاهل وجود دارند که با شنیدن آیات و احادیث می گویند که این فهم یا برداشت شخصی شما است؛ در حالی که نه از قرآن و سنت فهم دقیق و درست دارند و نه نظریات علما را می دانند. هنوز اشخاص وجود دارد که دارای فهم درست از قرآن و سنت اند، اما فکر می کنند که زمان تغییر کرده و نمی توانند که دین را به شکل که امت تا اواخر خلافت عثمانی ها تطبیق نمودند، تطبیق کنند. به طور کاملاً واضح باید گفت که مفکوره حاکمیت و سیاست مختص به یک مذهب یا مکتب فکری

نمی‌گردد. مکان و مکتب فقهی و فکری آن را گرفته‌ام.

اکثریت کامل احادیث آن صحیح، بعضی احادیث آن حسن و تعدادی آن‌ها قسمأ صحیح و یا صحیح نمی‌باشند. ممکن‌ست بعضی احادیث ضعیف باشد اما هنوز صحیح لغیره‌اند. هم‌چنان، تعداد احادیث با اسناد و کلمات متفاوت از بعضی صحابی‌های مختلف روایت شده‌است. چرا تمام آن‌ها با تغییرات جزئی در کلمات نقل شده‌اند، در حالی که اساساً مفهوم واحد را ارائه می‌کنند؟ اول‌تر از همه اگر دیده‌شود، بعضی این احادیث بسیار قوی و تقریباً متواتر‌اند؛ تعداد دیگر آن‌ها اقل متواتر بالمعنی یا بالمفهوم می‌باشند. دلیل دیگر برای آوردن چنین احادیث (با کلمات مختلف و مفهوم واحد) این است تا فهم و درک محتوا یا سیاق موضوع مورد بحث و تفسیر صحابا آسان‌گردد. بدون شک؛ تنها یک تعدادی از

احادیث متواتر بالفظ را در دست داریم، لذا آن ها بر اساس پیام و فهم و درک سنت همان طوری که توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش درک شده بود، روایت می گردند. پس؛ وقتی که سه صحابی یک موضوع را با سه کلمات مختلف روایت می کنند، در واقع فهم و درک موضوع را آسان می سازد. این کلمات مختلف ممکن از خود پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیده شده باشد و یا هم از جانب صحابا که بر اساس چیزی که درک کرده اند این کلمات را نسبت داده باشند. هر کسی که زبان شناسی و تاریخ زبان ها را مطالعه کرده باشد، با رغبت و آسانی این روش "موضوع واحد با کلمات مختلف" را تحسین می نماید. این، بهترین روش برای حفظ مفاهیم که ممکن است به دلیل پیش رفت و تغییر لسان ها در طول زمان، معنی و مفهوم خود را از دست دهند، می باشد. و چرا تنها یک حدیث طویل نقل روایت نشده؟ بعضی از موضوعات تنها در یک جمله

بدون تشریح اضافی مانند این حدیث روایت شده:

مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَاقْتُلُوهُ

ترجمه: هر کسی که از جماعت جدا شد، آن را بکشید.

اگر مفهوم جماعت غلط درک شود، این حدیث ممکن به سمت تباه کننده هدایت کند. اما، با بررسی تمام احادیث مرتبط به این موضوع که توسط راویان متفاوت با کلمات و درازی مختلف روایت شده، می توان هدف و مقصد این موضوع را به شکل دقیق و ماهرانه فهمید. و یا حدیث:

مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ

کاملاً با احادیث ذیل این پاراگراف دارای موضوع یکسان اند در حالی که کلمات آن مختلف می باشد.

1. مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ
2. مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ
3. عَلَيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ إِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَالْفِدْ مَعَ الشَّيْطَانِ
4. مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْكُنَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ
5. مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ مِنْ فَارَقِ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَمَاتَ
6. إِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَالشَّيْطَانُ مَعَ مَنْ فَارَقِ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ
7. وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مِنْ خَرَجٍ مِنْ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ

اساساً اين احاديث يك موضوع را تشریح می دارند. درين روز ها بيشتر مردم احاديث را نمی خوانند و تنها به مطالعه علوم حديث اكتفا می کنند و تعداد اندک که احاديث را می خوانند تنها به خوانش احاديث بخاری می پردازند. برعلاوه اين اکثريت مسلمانان تنها يك حديث را در باره يك موضوع می خوانند. تعداد مسلمانان متدين

حتی نمی دانند که در مورد موضوع یک حدیث  
الفاظ زیاد وجود دارد و یا نمی دانند که بیش تر  
از هزار ها جلد کتاب وجود دارد که می توانید  
حدیث صحیح را با الفاظ مختلف دریابید که می  
توانیم در شش کتاب مشهور این احادیث را  
دریابیم. برای بعضی ها موجودیت الفاظ متفاوت  
آزار دهنده است، زیرا آن ها واقعیت مجموع  
احادیث را درک نمی کنند. آن ها توقع دارند که  
احادیث نیز مانند مجموع از قرآن باشد؛ در حالی  
که روش ها و الفاظ متفاوت در مورد یک موضوع  
یکی از عالی ترین مزایای است که در دستخط  
قدیمی وجود دارد. هر کسی که لسان های  
قدیمی را مطالعه کرده باشد به آسانی به مزایای  
آن پی می برد.

من از گنج‌نیدن احادیث زیاد مرتبط به موضوع  
فوق خود داری کردم، اما به اندازه کافی احادیث  
را آورده ام تا نشان دهد که چطور الفاظ مختلف

فهم و درک محتوا یا سیاق یک حدیث را می تواند ساده سازد. بیائید دو مثال دیگر را نیز مطالعه کنیم که محتوا یا سیاق آن واضحاً فرق دارد و تنها در صورت دست فهمیده می شود که حدیث کامل یا طولانی آن مطالعه گردد.

**فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ، خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ**

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُدْعَى مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ

این دو فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم بسیار مشهور اند، اما تا هنوز مردم سیاق که این احادیث در آن گفته شده را نمی دانند. حدیث اولی اگر بدون سیاق خوانده شود، یک شخص از دعوت درک متفاوتی پیدا خواهد کرد نسبت به این که با سیاق حدیث را بخواند. سیاق این حدیث واضحاً قتال است و کاملاً واضح می سازد که دعوت جهاد و قتال است.

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ الْقَعْنَبِيُّ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ  
الْعَزِيزِ بْنُ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَهْلِ بْنِ  
سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ :

يَوْمَ خَبِيرَ لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى  
يَدَيْهِ، فَقَامُوا يَرْجُونَ لِذَلِكَ أَيُّهُمْ يُعْطَى فَعَدُوا وَكُلُّهُمْ  
يَرْجُو أَنْ يُعْطَى، فَقَالَ : أَيُّنَّ عَلِيٍّ قَبِيلَ يَشْتَكِي  
عَيْنَيْهِ فَأَمَرَ فَدَعِيَ لَهُ فَبَصَقَ فِي عَيْنَيْهِ قَبْرًا مَكَانَهُ  
حَتَّى كَانَهُ لَمْ يَكُنْ بِهِ شَيْءٌ، فَقَالَ : نُقَاتْلُهُمْ حَتَّى  
يَكُونُوا مِثْلَنَا، فَقَالَ : عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزَلَ  
بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا  
يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ، خَيْرٌ  
لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ

حدیث دومی نیز دارای سیاق بوده و سیاق آن  
سیاق سیاسی می باشد، سیاق این حدیث نشان  
می دهد که ضعف سیاسی در اسلام ارجحیت  
ندارد. این حدیث نشان می دهد که یک مومن  
باید مخصوصاً از سیاست با خبر باشد.

وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَنبَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ  
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْبَهَانِيُّ ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ  
الْجَهْمِ ، ثنا الْحُسَيْنُ بْنُ الْفَرَجِ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ  
، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ

سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ ، قَالَ : " أَمَّنَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الْأَسَارَى يَوْمَ بَدْرٍ أَبَا عَزَّةَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْجَمْحِيِّ ، وَكَانَ شَاعِرًا ، وَكَانَ قَالَ لِلنَّبِيِّ : يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ لِي خَمْسَ بَنَاتٍ لَيْسَ لِهِنَّ شَيْءٌ، فَتَصَدَّقْ بِي عَلَيْهِنَّ، فَفَعَلَ، وَقَالَ أَبُو عَزَّةَ : أُعْطِيكَ مَوْتَقًا أَنْ لَا أَقَاتِلَكَ، وَلَا أَكْثَرَ عَلَيْكَ أَبَدًا، فَأَرْسَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا حَرَجَتْ قُرَيْشٌ إِلَى أُحُدٍ جَاءَهُ صَفْوَانُ بْنُ أُمَيَّةَ، فَقَالَ : أَخْرُجْ مَعَنَا، فَقَالَ : إِنِّي قَدْ أُعْطِيتُ مُحَمَّدًا مَوْتَقًا أَنْ لَا أَقَاتِلَهُ، فَضَمَّنَ صَفْوَانُ أَنْ يَجْعَلَ بَنَاتِهِ مَعَ بَنَاتِهِ إِنْ قُتِلَ، وَإِنْ عَاشَ أَعْطَاهُ مَا لَا كَثِيرًا، فَلَمْ يَزَلْ بِهِ، حَتَّى خَرَجَ مَعَ قُرَيْشٍ يَوْمَ أُحُدٍ، فَأَسِرَ وَلَمْ يُؤَسِرْ غَيْرَهُ مِنْ قُرَيْشٍ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ، إِنَّمَا أَخْرَجْتُ كَرَاهًا وَلِي بَنَاتٍ فَاْمُنُنْ عَلَيَّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: أَيْنَ مَا أُعْطِيتَنِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ؟ لَا، وَاللَّهِ لَا تَمْسَحُ عَارِضِيكَ بِمَكَّةَ، تَقُولُ : سَخَرْتُ بِمُحَمَّدٍ مَرَّتَيْنِ، قَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ : فَقَالَ النَّبِيُّ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُلْدَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ يَا عَاصِمُ بْنُ ثَابِتٍ، قَدَّمَهُ فَاضْرِبْ عُقَّةَهُ "، فَقَدَّمَهُ فَضْرِبَ عُقَّةَهُ

مشکل دیگری که تا هنوز در میان مسلمانان دیده می شود این است که توضیح داده نمی توانند چیزی که به آن ها ارتباط دارد ظاهراً در تناقض است مانند این سه حدیث ذیل.

1. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ كَلِمَةٌ حَقٌّ يُقْتَلُ عَلَيْهَا

صَاحِبُهَا عِنْدَ سُلْطَانٍ جَانِرٍ

2. دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يَعْدِلُ الْجِهَادَ، قَالَ: **لَا**

**أَجْدُهُ**

3. سَأَلْتُ النَّبِيَّ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيَّ؟

قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى وَفْتِهَا، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟

قَالَ: ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ:

الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي بِهَوْنٍ

وَلَوْ اسْتَرَدُّنْهُ لَرَدَدْتَنِي

کدام عمل بهترین عمل است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب این سوال، پاسخ های متفاوت ارائه نموده است. آیا در میان آن ها کدام تناقض وجود دارد؟ نخیر، اما به سوال کننده های

مختلف جواب های مختلف داده است. برای عایشه رض که یک زن است جواب حج المبرور است، برای شخص دیگر بر با والدین، اما برای یک بیشتر افراد جهاد است و بهترین جهاد که گفتن کلمه حق به سلطان جائز می باشد. با بررسی همه جانبه سوالات و جوابات؛ یک فرد می تواند به این نتیجه برسد که حد اقل برای اکثریت بهترین عمل جهاد است. و محاسبه حکام از جمله افضل جهاد به حساب می آید. پس؛ بهترین عمل امر به معروف حکام می باشد. در لسان معاصر، مفهوم امر به معروف فعالیت سیاسی به هدف محاسبه حکام می باشد.

مشکل جدی دیگر که میان عام مسلمانان دیده می شود بی خبری از علم زبان شناسی است. هدف من عدم دانش لسان عربی نیست و آن یکی از شرط های ضروری می باشد که هیچ کس نمی تواند انتقاد کند، بلکه هدف من عدم فهم

حساسیت واقعیت های لسان بشر است. هیچ لسان وجود ندارد که در حال تغییر نباشد و لسان عربی از این امر مستثنی نیست. لسان ها و کاربرد اصطلاحات هر دو تغییر کرده اند، برعلاوه روش که هر نسل بر اساس آن به طرف دنیا را تعبیر کند نیز تغییر کرده است. شما هیچ حدیثی را نمی توانید پیدا کنید که اصطلاح دولت در آن به مفهوم فعلی آن استفاده شده باشد، زیرا این کلمه در دو قرن اخیر به شکل معاصر بکار رفته است. "مدینة النبی" اصطلاح قدیمی است که معادل با مفکوره دولت اسلامی می باشد. شما نمی توانید تنها یک حدیث در مورد دولة النبی را با معنی و مفهوم "دولت اسلامی پیامبر صلی الله علیه و سلم" دریابید. هم چنان نمی توانید اصطلاحات مانند سیاست خارجی یا رشد اقتصادی را دریابید. آیا بدین معنی است که مدینة پیامبر صلی الله علیه و سلم دارای سیاست خارجی نبود؟ برعلاوه؛ بعضی اصطلاحات وجود

دارند که در سه قرن اول هجرت استفاده شدند که معنی و مفهوم آن برای ما نا آشنا یا عجیب است و یا در طول تاریخ تا اندازه به طور متفاوت بکار رفتند که معنی اصلی خود را از دست داده اند. اگر لغت نامه های قدیمی وجود نمی داشت، معانی آن ها حفظ نمی گردید. به طور مثال:

### الْوَلَايَةُ فِي اللَّهِ

این تابعیت از دولت اسلامی ست. ما این را از روش که در احادیث مختلف بکار رفته می دانیم. یا مثال دیگر:

### هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

هدف از دین چیست؟ شیوه زنده گی ست که توسط دولت یا حاکم تطبیق می گردد. و چگونگی آن در قرآن و سنت واضح شده است. و یا اصطلاح امر به معروف مفهوم فردی و مذهبی را به خود گرفته در حالی که اگر همه جانبه

مطالعه گردد به این نتیجه نمی‌رسیم. ابن تیمیه در باره آن می‌نویسد:

بر اساس قرآن امر کردن به حق فرض دسته جمعی است، اما بالای هر فرد مسلمان واجب نمی‌باشد بلکه به حیث جمع یا گروه بالای آن‌ها فرض می‌باشد.

پس؛ مشکل ما در فهم لسان و الفاظ است که علما به کار برده‌اند. با مطالعه کتاب‌های ابن تیمیه در قرن 8 هـ.ق، شاه ولی دهلوی در قرن 12 هـ.ق و نیهانی در قرن 14 هـ.ق به این نتیجه می‌رسیم که تمام آن‌ها در مورد جهاد کاملاً نظر واحد دارند، اما برای رساندن مفهوم جهاد الفاظ مختلف را به کار برده‌اند. ابن تیمیه امر به مروف و نهی را سختر عمومی خوانده است، دهلوی اصطلاح اظهار دین را و نیهانی دولت خلافت و جهاد را سیاست خارجی اسلام دانسته‌اند. اشخاص عام که در هنر خواند کتاب مهارت

ندارند اکثریت واقعیت لسان ها و زبان شناسی را نمی دانند و توقع دارند که لسان ها باید در طول تاریخ یکسان باشند. بیائید مثال رئیس دولت را مورد مطالعه قرار دهیم. یک زمانی بود که رئیس دولت را امام می گفتند، سپس به امام عامه، امام اعظم، امام عظاما، سلطان، رئیس دولت تبدیل شد. مثال های دیگر آن جماعت امت، ملا، ملک، مملوک، جمهور، جمهوریت بوده که تمام آن ها الفاظ مختلف و دارای واقعیت های متفاوت اند. بدون شک که میان امام و جمهوریت فرق وجود دارد. من فقط می خواستم واضح سازم که چگونه در عصر ها و مکان های مختلف، الفاظ مختلف برای یک واقعیت بکار رفته است. اکثر اوقات وقتی که یک شخص یک کتاب کامل را می خواند و تمام نظم فکری یک عالم را درک می کند و سپس از شخص دیگر را، به این نتیجه می رسد که تمام آن ها موضوعات یکسان را تشریح می کنند اما با الفاظ مختلف مطابق عصر و مکان.

این موضوع را چگونه برای عام مردم واضح ساخت؟

اساسی ترین مشکل که هنوز میان مسلمانان در مدت 200 سال به خصوص در 100 سال اخیر به وجود آمده عدم اعتماد بالای مفاهیم اسلام است. آن ها نسبت به مفاهیم و افکار اسلام بیشتر بالای یک مفکر غربی، دانشمند یا داکتر غربی اعتماد زیاد دارند. در لسان عربی قدیم عدم اعتماد را اساساً به معنی ضعف "ایمان لی" بکار برده اند. اصطلاح "ایمان به" عقیده داشتن بر و "ایمان لی" به اعتماد کردن بر کسی استفاده شده است.

## هدف رسالت

هیچ شک وجود ندارد که هدف رسالت اقامه دین، اظهار دین یا اعلاى کلمة الله، تطبيق نظام بالای امت و حمل آن به سایر کشور های جهان مشروط بر توانمندی مسلمان ها ست. این کار توسط پیامبر صلی الله علیه و سم و خلفای راشدین الی اواخر خلافت عثمانی ها با وجود بعضی اشتباهات بعد از خلفای راشدین، تطبيق گردید. حضرت عمر رض باور نمی کرد که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم وفات نموده زیرا وی می دانست که هدف رسالت اظهار دین بود، لذا چگونه ممکن بود که قبل از رسیدن به این هدف وفات نماید؟

الکتاب : شرح نهج البلاغة

المؤلف : عبد الحمید بن هبة الله بن محمد بن الحسين بن أبي الحديد، أبو حامد، عز الدين (المتوفى : 656هـ)

إن عمر لم يمنع من جواز موته عليه السلام ،  
ولا نفى كونه ممكنا ، ولكنه تأول في ذلك قوله  
تعالى : ( هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين  
الحق ليظهره على الدين كله ) (2) وقال : كيف  
يموت ولم يظهر صلوات الله عليه على الدين كله  
؟ فقال أبو بكر ، إذا ظهر دينه فقد ظهر هو ،  
وس يظهر دينه بعد وفاته

تكمیل مکارم اخلاق به معنی اتمام دین است  
یعنی نهی از منکر و اجازه به معروف که برای امت  
های قبل از ما این مسئله نبود و آن به معنی  
ممانعت از جهاد نیست. این کار ممکن نیست تا  
زمانی که دین حاکم نگردد و هدف آن قتال  
نباشد، زیرا آن جوهر رسالت پیامبر صلی الله علیه  
و سلم را تشکیل می دهد. پنداشتند جهاد و قتال  
تنها به حیث وسیله دفاع یکی از بدترین غلط  
فهمی های مسلمانان معاصر است. دفاع فردی،  
دفاع از جان، مال و ملکیت جهاد محسوب می  
گردد و کسی که می میرد شهید گفته می شود  
اما هدف اصلی جهاد آن نیست هم چنان حکمت

آن نیز نمی باشد. در واقع؛ مسلمانان از اواخر قرن 19 بدن سو؛ از لحاظ فکری، سیاسی، اقتصادی و در بعضی موارد از لحاظ نظامی تابع غرب شده است و تا هنوز توسط افکار و ارزش های غربی گیج و مسموم شده اند. یکی از آن مفکوره ها، مفکوره جنگ عادلانه است. در حقیقت توجیه جنگ های یکی از وظایف اصلی مفکرین سیاسی غربی می باشد. وقتی که آن ها عهده دار منافع ملی، دفاع از سر زمین و ملکیت افراد شدند، جنگ ها را توجیه می کنند. به غیر از این دلایل دیگر جنگ ها نادرست بوده و به نام های جنگ رادیکال و افراطی یاد می گردند. در حالی که اسلام به جهاد (که اساساً قتال است) به عنوان خیر امر کرده اگر چه ما خوش نداشته باشیم. (سوره بقره) هدف آن حمل نظام حکومت داری اسلام به سایر کشور های جهان است.

نداشتن چنین دید جهانی غیر قابل قبول بوده و فرق نمی کند که یک فرد چند سند یا لقب را در جیب اش دارد. این وجیبه امت محمد صلی الله علیه و سلم است تا اسلام را بالای خود و سایر بشر تطبیق نمایند. تطبیق اسلام بالای خود به معنی تطبیق تمام احکام طوری که لازم است می باشد و هدف از تطبیق اسلام بالای سایر بشر، حمل نظام حکومت داری اسلام به آن ها است و نشانه قبولیت آن ها قبول کردن جزیه می باشد. این کار توسط پیامبر صلی الله علیه و سلم و سپس توسط خلفای راشدین تا اواخر خلافت عثمانی ها انجام شد.

از این که مسلمانان قری 19 و 20 در اوج انحطاط قرار داشتند، آن ها جنگ که توسط اجداد شان برای 1200 سال ادامه داشت را از دست دادند. آن ها حاکمیت خود را زیر سوال نبردند بلکه در مورد طریقه دعوت-جهاد، دید در مرود دنیا و این

شکل زنده گی شک کردند. حتی اشخاص وجود داشت که می گفتند مدل سیاسی اسلام هرگز چنین نبوده، اسلام دین صلح و مسلمانان تنها به جنگ دفاعی پرداخته اند. جالب این که حتی غیر مسلمانان به این افسانه باور مند نیستند. بعضی اشخاص دیگر می دانند که اصل قضیه چیست اما می گویند که در این رابطه باید خاموشی اختیار کرد، زیرا ما از ادامهٔ رسالت و اگر آن هم قتال باشد عاجز هستیم . تعدادی می گویند که ما به اسلام ضرورت نداریم، به هیچ چیز آن نه به مدل صلح آن و نه به مدل جنگ آن نیاز داریم. چیزی که به آن نیاز داریم پیشرفت است و آن تنها با پیروی از مسیر غرب مانند رنسانس، اصلاحات، روشن فکری و سیکولریزم امکان پذیر است. این کار واضحاً گمراهی و انحطاط بوده و بودن شک کسانی که از آن ها پیروی می کنند گمراه اند و اگر موارد واضح اسلام را که تعبیر ظنی ندارند را رد می کنند در واقع از دایره اسلام

خارج است. فرق نمی کند که نماز بخواند و در تمام زنده گی روزه گیرد، چگونگی محاسبه اعمال و باور آن با الله سبحانه و تعالی ست، اما باید کاملاً واضح باشد که این چنین کارها کفر است. برای جلوگیری از بعضی سوالات اشخاص مریض و شکست خورده در مورد اصطلاح اظهار دین، می خواهیم واضح سازیم که چگونه لسان عربی و بعضی علما آن را بکار برده اند.

أَنَّ الْكُوْثَرَ الْإِسْلَامَ وَالنَّبُوَّةَ وَجَمِيعَ مَا جَاءَ فِي تَفْسِيرِ الْكُوْثَرِ قَدْ أُعْطِيَهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُعْطِيَ النَّبُوَّةَ **وَإِظْهَارَ الدِّينِ** الَّذِي بَعَثَ بِهِ عَلَى كُلِّ دِينٍ وَالنَّصْرَ عَلَى أَعْدَائِهِ

الكتاب : تفسير القرآن العظيم المنسوب للإمام الطبراني

المؤلف : أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي الطبراني

قَوْلُهُ تَعَالَى : { فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفاً وَعَدِهِ رُسُلُهُ } ؛ أَي لَا تَظُنَّنَّ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ مُخْلِفاً رُسُلِهِ مَا وَعَدَهُم مِّنَ النَّصْرِ وَإِظْهَارِ الدِّينِ

جای شک نیست که اظهار دین به معنی غالب بودن دین بالای دیگر ادیان است. به همین هدف در قرآن، توسط بعضی فقها و مفسرین استفاده شده است. نشانه غالب بودن دین؛ آشکار، واضح و قابل دسترس بودن آن است. و اصطلاحات اظهار دین و اعلاى کلمة الله و گاهی اوقات اقامه دین مترادف یک دیگر اند.

الكتاب : جامع البيان في تفسير القرآن للطبري  
المؤلف : أبو جعفر محمد بن جرير الطبري  
(224 - 310)

{هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ} .

يَقُولُ تَعَالَىٰ ذِكْرُهُ : اللَّهُ الَّذِي يَأْتِي إِلَّا إِتْمَامَ دِينِهِ وَلَوْ كَرِهَ ذَلِكَ جَاحِدُوهُ وَمُنْكَرُوهُ ، الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْهُدَىٰ ، يُعْنِي : بَيَانِ فَرَائِضِ اللَّهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ ، وَجَمِيعِ اللَّازِمِ لَهُمْ ، وَبَدِينِ الْحَقِّ وَهُوَ الْإِسْلَامُ {لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ} يَقُولُ : لِيُعْلَىٰ الْإِسْلَامُ عَلَىٰ الْمَلَلِ كُلِّهَا

الكتاب : معالم التنزيل

المؤلف : محيي السنة ، أبو محمد الحسين بن

مسعود البغوي (المتوفى : 510هـ)

{ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ }  
يعني: الذي يأتي إلا إتمام  
دينه هو الذي أرسل رسوله  
محمدا صلى الله عليه وسلم ،  
{ بِالْهُدَى } قيل: بالقرآن .  
{ وَقِيلَ: ببيان الفرائض، }  
{ وَدِينِ الْحَقِّ } وهو الإسلام ،  
{ لِيُظْهِرَهُ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَيُنصِرَهُ }  
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ { على سائر  
الاديان

الكتاب : زاد المسير في علم التفسير

المؤلف : جمال الدين عبد الرحمن بن علي بن

محمد الجوزي (المتوفى : 597هـ)

قال ابن عباس : يريد بوعده  
: النصر والفتح وإظهار  
الدين

الكتاب : مدارك التنزيل وحقائق التأويل

المؤلف : أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود

النسفي (المتوفى : 710هـ)

{ إِنَّ وَعَدَ اللَّهُ } بنصرتك على  
أعدائك وإظهار دين الإسلام  
على كل دين

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع  
المثاني (نسخة محققة)

المؤلف : شهاب الدين محمود ابن عبد الله  
الحسيني الألويسي - 1270 هـ = 1854

وقد وعدك عزّ وجلّ بالنصرة  
وإظهار الدين وإعلاء كلمة  
الحق

الكتاب : تفسير روح البيان

المؤلف : إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي  
الحنفي الخلوتي 1127 هـ - 1715 م

فإن أريد الله في قوله ولو  
كره المشركون يكون إيراده  
ثانياً لوصفهم بوصف قبيح  
آخر وإن أريد الثاني فلعل  
إيراد الكافرين أولاً لما أن  
إتمام الله نوره يكون بنسخ  
غير الإسلام والكافرون كلهم  
يكرهون ذلك وإيراد  
المشركين ثانياً لما أن  
إظهار دين الحق يكون بإعلاء  
كلمة الله

الكتاب : التحرير والتنوير المعروف بتفسير ابن  
عاشور

المؤلف : محمد الطاهر بن محمد بن محمد  
الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى :  
1393هـ)

فلما أخبر الله بأنه أراد  
إظهار دين الإسلام على جميع  
الأديان علم أن أمره لا يزال  
في ازدياد حتى يتم المراد .  
والإظهار: النصر ويطلق على  
التفضيل والإعلاء المعنوي

اين دين كامل است، زیرا چنان ساختار يا  
ميکانيزم را در نظام اش داراست که اظهار دين را  
ممکن می سازد، اما در صورت که آن تطبيق گردد  
و به شکل درست فهم شود.

الكتاب : الجامع لأحكام القرآن

المؤلف : أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر  
بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين  
القرطبي (المتوفى : 671 هـ)

{ وَأَنْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي } أي بإكمال الشرائع  
والأحكام وإظهار دين الإسلام كما وعدتكم ، إذ  
قلت : { وَلَأَتِيَنَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ } وهي دخول مكة

درين جا نظريات علمای مختلف را در مورد هدف  
جهاد و امامت از عصر ها و مكاتب مختلف آورده  
ايم.

أبو محمد محمود بن أحمد الحنفى بدر الدين  
العينى (المتوفى: 855هـ)

الكتاب: البناية شرح الهداية

المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن  
أحمد بن حسين الغيتابى الحنفى بدر الدين العينى  
(المتوفى: 855هـ)

باب كيفية القتال

أي هذا باب في بيان كيفية القتال، لما فرغ من  
بيان فرضية القتال وشرائطه، شرع في بيان  
كيفية..... **(الحصول المقصود) ش: وهو**  
**إعلاء كلمة الله تعالى وإظهار الدين في بلاد**  
**الكفر** وقد قال النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: م:  
«أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله»

شيخ الإسلام ابن تيمية (المتوفى: 728هـ)

الكتاب: الصارم المسلول على شاتم الرسول

المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد  
الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم  
بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي  
(المتوفى: 728هـ)

والإغلاظ على الكافرين  
والمنافقين وإظهار دين الله  
وإعلاء كلمته ومعلوم أن هذا  
واجب

الكتاب: مجموع الفتاوى

وَإِذَا كَانَ أَوَّلُ الْقِتَالِ الْمَشْرُوعِ هُوَ الْجِهَادُ  
وَمَقْصُودُهُ هُوَ أَنْ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَأَنْ تَكُونَ  
كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَمَنْ ائْتَمَعَ مِنْ هَذَا قُوتِلَ بِاتِّفَاقِ  
الْمُسْلِمِينَ. وَأَمَّا مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْأَمَانَةِ  
وَالْمُقَاتِلَةِ كَالنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ وَالرَّاهِبِ وَالشَّيْخِ  
الْكَبِيرِ وَالْأَعْمَى وَالزَّمِنِ وَنَحْوِهِمْ فَلَا يُقْتَلُ عِنْدَ  
جُمْهُورِ الْعُلَمَاءِ؛ إِلَّا أَنْ يَقَاتِلَ بِقَوْلِهِ أَوْ فِعْلِهِ وَإِنْ  
كَانَ بَعْضُهُمْ يَرَى إِبَاحَةَ قَتْلِ الْجَمِيعِ لِمَجَرَّدِ الْكُفْرِ؛  
إِلَّا النِّسَاءَ وَالصَّبِيَّانَ؛ لِكُونِهِمْ مَالًا لِلْمُسْلِمِينَ.  
وَالْأَوَّلُ هُوَ الصَّوَابُ؛ لِأَنَّ الْقِتَالَ هُوَ لِمَنْ يَقَاتِلُنَا  
إِذَا أَرَدْنَا إِظْهَارَ دِينِ اللَّهِ

الكتاب: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

هذه الأمة خير الأمم للناس: فهم أنفعهم لهم، وأعظمهم إحسانا إليهم؛ لأنهم كملوا أمر الناس بالمعروف ونهيههم عن المنكر من جهة الصفة والقدر، حيث أمروا بكل معروف ونهوا عن كل منكر لكل أحد، وأقاموا ذلك بالجهاد في سبيل الله بأنفسهم وأموالهم، وهذا كمال النفع للخلق.

وقوله سبحانه في صفة نبينا، صلى الله عليه وسلم: {يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ} [الأعراف: 157] (سورة الأعراف: من الآية 157) هو بيان لكمال رسالته؛ فإنه صلى الله عليه وسلم هو الذي أمر الله على لسانه بكل معروف، ونهى عن كل منكر وأحل كل طيب وحرم كل خبيث، ولهذا روي عنه أنه قال: «إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق»

وأما من قبله من الرسل فقد كان يحرم على أممهم بعض الطيبات، كما قال: {فَيُظْلَمُ مِنْ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ} [النساء: 160] (سورة النساء: من الآية 165) . وربما لم يحرم عليهم جميع الخبائث، كما قال تعالى: {كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلاًّ لِّبَنِي

إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ  
عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ  
التَّوْرَةُ { [آل عمران: 93]

... أن هذه الأمة خير الأمم للناس: فهم  
أنفعهم لهم، وأعظمهم إحساناً إليهم؛ لأنهم كملوا  
أمر الناس بالمعروف ونهيبهم عن المنكر من  
جهة الصفة والقدر، حيث أمروا بكل معروف  
ونهبوا عن كل منكر لكل أحد، وأقاموا ذلك  
بِالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ، وَهَذَا  
كِمَالِ النِّفْعِ لِلْخَلْقِ. وسائر الأمم لم  
يأمروا كل أحد بكل معروف  
ولا نهوا كل أحد عن كل  
منكر، ولا جاهدوا على ذلك.

عبد الملك بن عبد الله بن يوسف الملقب بإمام  
الحرمين (المتوفى: 478هـ)

الكتاب: نهاية المطلب في دراية المذهب

المؤلف: عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن  
محمد الجويني، أبو المعالي، ركن الدين، الملقب  
بإمام الحرمين (المتوفى: 478هـ)

كتاب أدب القضاء

وذكر العراقيون تفاصيل نستعملها في الطريقة  
المرضية، فنقول والله المستعان: التصدي للقضاء  
من فروض الكفايات، ولو فرض القيام به على

حقه، كان في مرتبة الجهاد في سبيل الله؛ فإن **الجهاد دعوة** قهرية لتأسيس الإسلام بدءاً في أقوام،

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ)

الكتاب: روضة الطالبين وعمدة المفتين  
كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَقِتَالِ الْبُغَاةِ

الفصل الثاني: في وجوب الإمامة وبيان طرقها، لا بُدَّ لِلأُمَّةِ مِنْ إِمَامٍ يُقِيمُ الدِّينَ، وَيَنْصُرُ السُّنَّةَ، وَيَنْتَصِفُ لِلْمَظْلُومِينَ، وَيَسْتَوْفِي الحُقُوقَ وَيَضَعُهَا مَوَاضِعَهَا.

المؤلف: زكريا بن محمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنكي (المتوفى: 926هـ)

الكتاب: أسنى المطالب في شرح روض الطالب

(باب الإمامة العظمى) ، قَالَ قَوْمٌ الْإِمَامَةُ رِئَاسَةٌ عَامَّةٌ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا لِمَنْ خُصَّ مِنَ الْأَشْخَاصِ. فَقَبِلَ الْعُمُومُ اخْتِرَافَ عَنِ الْقَاضِي وَالرَّئِيسِ وَغَيْرِهَا، وَنُقِضَ هَذَا التَّعْرِيفُ بِالْبُيُوتَةِ، وَالأَوَّلَى أَنْ يُقَالَ هِيَ خِلَافَةُ الرُّسُولِ فِي إِقَامَةِ الدِّينِ وَحِفْظِ حَوَازِةِ الْمِلَّةِ بِحَيْثُ يَجِبُ اتِّبَاعُهُ عَلَى كُلِّ كَافَّةِ الأُمَّةِ (قوله: وهي فرض كتابية) للإجماع، وقد نادى الصحابة الثبنا.

وَتَرَكُوا الشَّاعِلَ يَتَجَهَّزُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَخَافَةَ أَنْ يَدْهَبَهُمْ  
أَمْرٌ، وَأَيْضًا لَوْ تَرَكَ النَّاسُ قَوْصَى لَا يَجْمَعُهُمْ عَلَى الْحَقِّ جَامِعٌ، وَلَا يَدْعُهُمْ  
عَنِ الْبَاطِلِ زَادٌ لَهْلُكُوا، وَلَا سَتَّخُودٌ أَهْلُ السُّنَادِ عَلَى الْعِبَادِ، قَالَ اللهُ  
تَعَالَى {وَلَوْلَا دَفْعُ اللهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ [البقرة: 251]}

شهاب الدين النفراوي الأزهري المالكي  
(المتوفى: 1126هـ)

الكتاب: الفواكه الدواني على رسالة ابن أبي زيد  
القيرواني

المؤلف: أحمد بن غانم (أو غنيم) بن سالم ابن  
مهنا، شهاب الدين النفراوي الأزهري المالكي  
(المتوفى: 1126هـ)

وَلَمَّا ذَكَرَ أَنَّ الصَّحَابَةَ - رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُمْ -  
أَفْضَلُ الْقُرُونِ قَطْعًا وَقَبْلَ ظَنًّا، شَرَعَ فِي بَيَانِ  
الْأَفْضَلِ مِنْهُمْ بِقَوْلِهِ: (وَأَفْضَلُ الصَّحَابَةِ الْخُلَفَاءُ)  
الْأَرْبَعَةُ (الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ) وَالْمَعْنَى: أَنَّ مِمَّا  
يَجِبُ اعْتِقَادُهُ أَنَّ أَفْضَلَ الصَّحَابَةِ الَّذِينَ وُلُوا  
الْخِلَافَةَ بَعْدَهُ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَهِيَ النَّبَايَةُ  
عَنْهُ فِي عُمومِ مَصَالِحِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ إِقَامَةِ الدِّينِ

شاه ولي الله الدهلوي» (المتوفى: 1176هـ)

الكتاب: حجة الله البالغة

المؤلف: أحمد بن عبد الرحيم بن الشهيد وجيه الدين بن معظم بن منصور المعروف بـ «الشاہ ولي الله الدهلوي» (المتوفى: 1176هـ)

وَذَلِكَ لِأَن قَصْدَهُ فِي تَعْرِيزِ الْمُسْلِمِينَ قَوْلًا أَوْ فِعْلًا إِقَامَةَ الدِّينِ الَّذِي ارْتَضَى اللَّهُ لَهُمْ فِيهِمْ، وَأَنْ يَسْتَقِيمُوا، وَيَذْهَبَ عَنْهُمْ اعْوَجَاجُهُمْ، وَقَصْدَهُ فِي التَّغْلِيظِ عَلَى الْمُقْضِي عَلَيْهِم بِالْكَفْرِ مُوَافَقَةَ الْحَقِّ فِي غَضَبَةٍ عَلَى هَؤُلَاءِ فَاخْتَلَفَ الْمَشْرَعَانِ وَإِنْ اتَّحَدَتِ الصُّورَةُ.

Ayaat

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ {29} وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزِيزُ ابْنِ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ {30} اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَأِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ {31} يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنَجِّمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ {32} هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ  
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ {33} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّي  
كَثِيرٌ مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْنَانَ لْيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ  
بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ  
الدَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم  
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ  
لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا {28}  
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ  
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ  
اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاءُ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ  
السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ  
كَزَّرَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهَا فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَى  
سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ  
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا  
عَظِيمًا {29}

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ  
إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ {7}  
يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرُ نُورِهِ  
وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ {8} هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ  
بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ  
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ {9} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ  
عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ {10} تُوْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ  
وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ {11}

إِلَّا تَتَفَرُّوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ  
وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ {39}  
إِلَّا تَتَصَرَّوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا  
تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ  
بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى  
وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ {40}

هَآأَنْتُمْ هُوَآءَ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنكُمْ  
مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ  
الْعَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا  
غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ {38}

إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِينَةِ، وَأَخَذْتُمْ أَذْنَآبَ الْبَقْرِ، وَرَضِيْتُمْ بِالرِّزْقِ، وَتَرَكْتُمُ الْجِهَادَ،  
سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذَلَا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ

إِنَّ الْعَرْبَ إِذَا اتَّبَعَتْ أَذْنَآبَ الْبَقْرِ صَبَّ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْمَدَائِدَ، وَسَلَطَ عَلَيْهِمُ  
وَأَدَّ فَارِسٌ فَدَعَوْا فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ

لَمْ يَكُنْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ أَخَذَ الْحَرْبَةَ مِنَ الْمَجُوسِ حَتَّى شَهِدَ عَبْدُ  
الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَخَذَهَا مِنْ مَجُوسٍ هَجَرَ

فَأَمَرْنَا نَبِيَّنَا رَسُولَ رَبِّنَا أَنْ : " تَقَاتِلْهُمْ حَتَّى تَعْبُدُوا اللَّهَ وَحْدَهُ أَوْ تُؤَدُّوا

الْحِزْبَةَ

## Ahadith

### 1. عَنْ جَابِرٍ

a. فَأِدَا قَالُوا عَصَمُوا مِنِّي  
دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا

### 2. عَبْدُ اللَّهِ بْنِ قَيْسِ الْأَشْعَرِيِّ

a. لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
b. مَنْ قَاتَلَ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ  
أَعْلَى

### 3. عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ

a. أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى  
يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

### 4. أَبَا بَكْرٍ

a. أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى  
يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَأِدَا  
قَالُوا عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ  
وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا  
b. وَاللَّهِ لِأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ  
الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، فَإِنَّ الزَّكَاةَ

حَقُّ الْمَالِ، وَاللَّهُ لَوْ مَنَعُونِي  
عَنَّا قَا كَانُوا يُؤَدُّونَهَا إِلَيَّ  
رَسُولِ اللَّهِ لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَيَّ  
مَنَعَهَا،

#### 5. عن عمر

a. قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ :  
فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ قَدْ شَرَحَ  
اللَّهُ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُ، فَعَرَفْتُ، أَنَّهُ الْحَقُّ

#### 6. عن ابن عمر

a. وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا  
الرِّكَاتَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ  
عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ  
وَأَمْوَالَهُمْ، إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ  
b. وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،  
وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا  
الرِّكَاتَ، فَإِذَا فَعَلُوا، عَصَمُوا  
مِنِّي، دِمَاءَهُمْ، وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا  
بِحَقِّهَا

#### 7. عن أنس بن مالك

a. فَإِذَا قَالُواهَا وَصَلُّوا صَلَاتِنَا  
وَاسْتَقْبَلُوا قِبَلَتَنَا وَدَبَّحُوا  
دَبِيحَتَنَا، فَقَدْ حَرَمْتَ عَلَيْنَا  
دِمَاؤَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا

b. وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،  
وَأَنَّ يَسْتَقْبِلُوا قِبَلَتَنَا، وَيَأْكُلُوا  
دَيْبِحَتَنَا، وَأَنْ يُصَلُّوا صَلَاتَنَا،  
فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ حُرِّمَتْ عَلَيْنَا  
دِمَاؤُهُمْ وَأَمْوَالُهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا،  
لَهُمْ مَا لِلْمُسْلِمِينَ، وَعَلَيْهِمْ مَا  
عَلَى الْمُسْلِمِينَ

8. أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ

9. عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ

a. نُفَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا،

فَقَالَ : عَلَى رِسَالِكَ حَتَّى تَنْزِلَ  
بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى  
الْإِسْلَامِ وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ  
عَلَيْهِمْ فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ  
رَجُلٌ وَاحِدٌ، خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ

النَّعَمِ

10. المغيرة بن شعبة الثقفي

a. فَأَمَرَنَا نَبِيُّنَا رَسُولُ رَبِّنَا أَنْ :

" نُفَاتِلْكُمْ حَتَّى تَعْبُدُوا اللَّهَ  
وَحْدَهُ أَوْ تُؤَدُّوا الْجَزِيَّةَ

عبد الله بن قيس الأشعري

حَدَّثَنَا عُمَانُ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا جَرِيرٌ ، عَنْ مَنْصُورٍ  
، عَنْ أَبِي وَائِلٍ ، عَنْ أَبِي مُوسَى ، قَالَ : جَاءَ

رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْقِتَالُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَإِنَّ أَحَدَنَا يُقَاتِلُ غَضَبًا وَيُقَاتِلُ حَمِيَّةً، فَرَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ، قَالَ : وَمَا رَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ فَائِمًّا، فَقَالَ :

" مَنْ قَاتَلَ لِتُكُونَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، قَالَ : قَالَ لِي عَمْرُو بْنُ مَرْة ، حَدَّثَنِي أَبُو وَائِلٍ حَدِيثًا أُعْجِبَنِي ، حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ ، أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ،

الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِیُذْكَرَ، وَيُقَاتِلُ لِیُرَى مَكَانُهُ، وَيُقَاتِلُ لِكَذَا، فَمَنْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " مَنْ قَاتَلَ لِتُكُونَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ أَعْلَى، فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أَبَا بَكْرٍ

نا سُفْيَانُ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ، أَنَّ أَبَا بَكْرٍ  
جِئَ مَعَهُ النَّاسُ الزَّكَاةَ أَرَادَ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ، فَقِيلَ لَهُ  
: أَلَيْسَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،  
فَإِذَا قَالُواهَا عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا  
بِحَقِّهَا "

قَالَ : فَهَذَا مِنْ حَقِّهَا أَنْ لَا يُفَرِّقُوا بَيْنَ مَا جَمَعَ  
اللَّهُ، وَلَوْ مَنَعُونِي شَيْئًا مِمَّا أَقْرَأُوا لِرَسُولِ اللَّهِ  
قَاتَلْتُهُمْ عَلَيْهِ

عَنِ ابْنِ عَمَرَ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُسَدِّيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
أَبُو رَوْحِ الْحَرَمِيُّ بْنُ عُمَارَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا شُعْبَةُ  
، عَنْ وَاقِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ،  
عَنِ ابْنِ عَمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" **أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ** النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا  
اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ،  
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي  
دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَحِسَابِهِمْ عَلَى  
اللَّهِ

حَدَّثَنَا أَبُو عَسَانَ الْمَسْمَعِيُّ مَالِكُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ ،  
حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ الصَّبَّاحِ ، عَنْ شُعْبَةَ ، عَنْ  
وَاقِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، عَنْ  
أَبِيهِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ:

" أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ ، حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ ، لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ ،  
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ، فَإِذَا فَعَلُوا ، عَصَمُوا مِنِّي ، دِمَاءَهُمْ ،  
وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ "

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا نَعِيمٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُبَارَكِ ، عَنْ حُمَيْدِ  
الطَّوِيلِ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ:

" أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ،  
فَإِذَا قَالُوهَا وَصَلُّوا صَلَاتِنَا وَاسْتَقْبَلُوا قِبَلَتِنَا  
وَدَبَّحُوا دَبِّحَتِنَا ، فَقَدْ حَرَمْتُ عَلَيْنَا دِمَاؤَهُمْ  
وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ "

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ يَعْقُوبَ الطَّلَقَانِيُّ ، حَدَّثَنَا ابْنُ  
المُبَارَكِ ، أَخْبَرَنَا حُمَيْدُ الطَّوِيلُ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ  
مَالِكٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا  
اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنْ يَسْتَقْبِلُوا قِبَلَتَنَا،  
وَيَأْكُلُوا دَبِيحَتَنَا، وَأَنْ يُصَلُّوا صَلَاتَنَا، فَإِذَا فَعَلُوا  
ذَلِكَ حُرِّمَتْ عَلَيْنَا دِمَاؤُهُمْ وَأَمْوَالُهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا، لَهُمْ  
مَا لِلْمُسْلِمِينَ، وَعَلَيْهِمْ مَا عَلَى الْمُسْلِمِينَ "

، وفي الباب عن مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، وَأَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ  
أَبُو عَيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ مِنْ  
هَذَا الْوَجْهِ وَقَدْ رَوَاهُ بَيْهَقِيُّ بْنُ أَبِي بَرْزَةَ، عَنْ حُمَيْدٍ،  
عَنْ أَنَسٍ نَحْوَ هَذَا

عَنْ جَابِرٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ  
مَهْدِيٍّ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ ، عَنْ جَابِرِ  
، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا : لَا إِلَهَ إِلَّا  
اللَّهُ، فَإِذَا قَالُواهَا عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا  
بِحَقِّهَا وَجَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ، ثُمَّ قَرَأَ : فَ إِنَّمَا أَنْتَ  
مُدَكَّرٌ { 21 } أَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُسَيْطِرٍ { 22 } ق

قَالَ أَبُو عَيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
بِشْرَانَ الْعَدْلُ ، بِبِعْدَادٍ ، أَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ  
الْصَّفَّارِ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّاعَانِيُّ ، ثنا  
يَعْلَى بْنُ عُبَيْدٍ ثنا الْأَعْمَشُ ، عَنْ أَبِي سُفْيَانَ ، عَنْ  
جَابِرٍ ، وَعَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ  
: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا : لَا إِلَهَ إِلَّا  
اللَّهُ، فَإِذَا قَالُواهَا عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا  
بِحَقِّهَا، وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ

أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ الْحَكَمُ بْنُ نَافِعٍ ، أَخْبَرَنَا شُعَيْبُ  
بْنُ أَبِي حَمْزَةَ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْبَةَ بْنِ مَسْعُودٍ ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ : " لَمَّا تُوفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَانَ أَبُو  
بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ ،  
فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ؟ وَقَدْ  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،  
فَمَنْ قَالَهَا فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ، وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ،

وَجِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ، فَقَالَ : وَاللَّهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ  
بَيْنَ الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ، وَاللَّهِ  
لَوْ مَنَعُونِي عَنَاقًا كَانُوا يُؤَدُّونَهَا إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ  
لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهَا، قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ :  
فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ قَدْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَعَرَفْتُ، أَنَّهُ الْحَقُّ

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ ، حَدَّثَنَا لَيْثٌ ، عَنْ عُقَيْلٍ ،  
عَنِ الزُّهْرِيِّ ، أَخْبَرَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
عُثَيْبَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : لَمَّا تُوَفِّي رَسُولُ  
اللَّهِ وَاسْتُخْلِفَ أَبُو بَكْرٍ بَعْدَهُ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنْ  
الْعَرَبِ، قَالَ عُمَرُ لِأَبِي بَكْرٍ : كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ،  
وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" **أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا : لَا إِلَهَ إِلَّا**  
اللَّهُ، فَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ  
إِلَّا بِحَقِّهِ وَجِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ، فَقَالَ : وَاللَّهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ  
فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ،  
وَاللَّهِ لَوْ مَنَعُونِي عَقَالًا كَانُوا يُؤَدُّونَهُ إِلَيَّ رَسُولِ  
اللَّهِ لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهِ " ،

فَقَالَ عُمَرُ : فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ رَأَيْتُ اللَّهَ قَدْ شَرَحَ  
صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ لِلْقِتَالِ ، فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ ، قَالَ ابْنُ  
بُكَيْرٍ وَعَبْدُ اللَّهِ : عَنِ اللَّيْثِ عَنَّا قَا وَهُوَ أَصْحُ

حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ ، أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ  
، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" **أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ** النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
فَمَنْ ، قَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي نَفْسَهُ وَمَالَهُ  
إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابُهُ عَلَى اللَّهِ " رَوَاهُ عُمَرُ وَابْنُ  
عُمَرَ ، عَنِ النَّبِيِّ

سَمِعْتُ أَوْسًا

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ قَالَ :  
حَدَّثَنَا شُعَيْبٌ ، عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ سَالِمٍ ، قَالَ : **سَمِعْتُ**  
**أَوْسًا** ، يَقُولُ : أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي وَفْدِ ثَقِيفٍ  
فَكُنْتُ مَعَهُ فِي قُبَيْةٍ ، فَنَامَ مَنْ كَانَ فِي الْقُبَيْةِ غَيْرِي  
وَعَظِيرُهُ فَجَاءَ رَجُلٌ فَسَارَهُ ، فَقَالَ : " أَذْهَبُ فَأَقْتُلُهُ  
" ، فَقَالَ : " أَلَيْسَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي  
رَسُولُ اللَّهِ؟ " قَالَ : يَشْهَدُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَذَكَرَ  
كَلِمَةً مَعْنَاهَا يَعْني دَرُهُ ، ثُمَّ قَالَ :

" أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَإِذَا قَالُوا حَرُمْتَ دِمَاؤَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا ، "

قَالَ مُحَمَّدٌ : فَقُلْتُ لِشُعْبَةَ : أَلَيْسَ فِي الْحَدِيثِ ثُمَّ قَالَ : " أَلَيْسَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ؟ " قَالَ : أَظْنُهَا مَعَهَا، وَلَا أُدْرِي

عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو الْبِرَّارُ ، ثنا عَمَّارُ بْنُ خَالِدِ الْوَاسِطِيِّ ، ثنا الْقَاسِمُ بْنُ مَالِكِ الْمُزَنِيِّ ، عَنْ أَبِي مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَإِذَا قَالُوا حَرُمْتُ دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ الْقَعْنَبِيُّ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ :

يَوْمَ خَبِرَ الْأَعْطَبِيَّ الرَّأْيَةَ رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى  
يَدَيْهِ، فَقَامُوا يَرْجُونَ لِذَلِكَ أَيُّهُمْ يُعْطَى فَعَدَّوْا وَكُلُّهُمْ  
يَرْجُو أَنْ يُعْطَى، فَقَالَ : أَيْنَ عَلِيٌّ فَقِيلَ يَشْتَكِي  
عَيْنَيْهِ فَأَمَرَ فَدُعِيَ لَهُ فَبَصَقَ فِي عَيْنَيْهِ فَبَرَأَ مَكَانَهُ  
حَتَّى كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ بِهِ شَيْءٌ، فَقَالَ : نُقَاتْلُهُمْ حَتَّى  
يَكُونُوا مِثْلَنَا، فَقَالَ : عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزِلَ  
بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا  
يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ، خَيْرٌ  
لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ

## صحابه

نظر صحابا در ارتباط به این موضوع:

المؤلف : شيخ الإسلام ابن تيمية

الكتاب: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

قال أبو هريرة: كنتم خير الناس للناس، تأتون بهم  
في الأقياد والسلاسل حتى تدخلوهم الجنة

ابو هريره رض يكي از اصحاب پیامبر صلی الله  
عليه و سلم كه بيشتريں احاديث را روايت کرده  
می گوید:

شما بهترین مردم برای سایر مردم هستید، آن‌ها را در زنجیرها و قیدها بند کرده و به سوی جنت به زور می‌کشانید.

حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ يَعْقُوبَ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الرَّقِيِّ ، حَدَّثَنَا الْمُعْتَمِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ ، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ النَّقْفِيُّ ، حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَبِّيُّ وَزِيَادُ بْنُ جُبَيْرٍ ، عَنْ جُبَيْرِ بْنِ حَيَّةَ ، قَالَ : بَعَثَ عُمَرُ النَّاسَ فِي أَفْنَاءِ الْأَمْصَارِ يُقَاتِلُونَ الْمُشْرِكِينَ ، فَأَسْلَمَ الْهَرَمُرَّانُ ، فَقَالَ : إِنِّي مُسْتَشِيرُكَ فِي مَعَارِي هَذِهِ ، قَالَ : " نَعَمْ مَثَلُهَا وَمَثَلُ مَنْ فِيهَا مِنَ النَّاسِ مِنْ عَدُوِّ الْمُسْلِمِينَ مَثَلُ طَائِرٍ لَهُ رَأْسٌ وَلَهُ جَنَاحَانِ وَلَهُ رِجْلَانِ ، فَإِنْ كُسِرَ أَحَدُ الْجَنَاحَيْنِ نَهَضَتِ الرَّجْلَانِ بِجَنَاحِ وَالرَّأْسُ ، فَإِنْ كُسِرَ الْجَنَاحُ الْآخَرُ نَهَضَتِ الرَّجْلَانِ وَالرَّأْسُ وَإِنْ شُدَّ الرَّأْسُ ذَهَبَتِ الرَّجْلَانِ وَالْجَنَاحَانِ وَالرَّأْسُ ، فَالرَّأْسُ كِسْرَى وَالْجَنَاحُ قَيْصَرُ وَالْجَنَاحُ الْآخَرُ فَارِسٌ فَمَرِ الْمُسْلِمِينَ فَلْيَنْفِرُوا إِلَى كِسْرَى ، وَقَالَ بَكْرٌ وَزِيَادٌ جَمِيعًا ، عَنْ جُبَيْرِ بْنِ حَيَّةَ ، قَالَ : فَتَدْبِنَا عُمَرُ وَاسْتَعْمَلَ عَلَيْنَا النُّعْمَانَ بْنَ مَفْرَئٍ حَتَّى إِذَا كُنَّا بِأَرْضِ الْعُدُوِّ وَخَرَجَ عَلَيْنَا عَامِلٌ كِسْرَى فِي

أَرْبَعِينَ أَلْفًا فَقَامَ تَرْجُمانًا، فَقَالَ : لِيُكَلِّمَنِي رَجُلٌ  
مِنْكُمْ، فَقَالَ الْمُغِيرَةُ

سَلْ عَمَّا سُئِيتَ قَالَ : مَا أَنْتُمْ؟ قَالَ : نَحْنُ أَناسٌ مِنَ  
العَرَبِ كُنَّا فِي شَقَاءٍ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ شَدِيدٍ نَمَصُّ الجُلْدَ  
وَالنَّوَى مِنَ الجُوعِ، وَنَلْبَسُ الوَبْرَ وَالشَّعْرَ، وَنَعْبُدُ  
الشَّجَرَ وَالْحَجَرَ، فَبَيَّنَّا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ بَعَثَ رَبُّ  
السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الأَرْضِينَ تَعَالَى ذِكْرَهُ وَجَلَّتْ  
عَظَمَتُهُ إِلَيْنَا نَبِيًّا مِنْ أَنْفُسِنَا نَعْرِفُ أَبَاهُ وَأُمَّهُ،  
فَأَمَرَنَا نَبِيُّنا رَسُولُ رَبِّنا أَنْ : " نُقاتِلْكُمْ حَتَّى تَعْبُدُوا  
اللهَ وَحْدَهُ أَوْ تُؤَدُّوا الجزيةَ ، وَأَخْبِرَنَا نَبِيُّنا عَن  
رِسالةِ رَبِّنا أَنَّهُ مَنْ قُتِلَ مِنْنا صَارَ إِلى الجَنَّةِ فِي  
نَعِيمٍ لَمْ يَرَ مِثْلَها قَطُّ وَمَنْ بَقِيَ مِنْنا مَلِكٌ رِقابُكُمْ،  
فَقَالَ النُّعْمانُ : رَبِّما أَشْهَدُكَ اللهُ مِثْلَها مَعَ النَّبِيِّ فَلَمْ  
يُذَمِّمْكَ وَلَمْ يُخْزِكَ وَلَكِنِّي شَهِدْتُ القِتالَ مَعَ رَسُولِ  
اللهِ كانَ إِذا لَمْ يُقاتِلْ فِي أَوَّلِ النَّهارِ انْتظَرَ حَتَّى  
تَهَبَّ الأرواحُ وَتَحْضُرَ الصَّلواتُ

نظر علما در اين مورد

نظر علمای قدیم در ارتباط با این موضوع طوری  
که در کتاب ها ثبت شده است. ما تنها به آوردن  
یک تعداد مثال ها اکتفا می کنیم. به طور خلاصه  
در می یابیم که قتال جز لاینفک دعوت، هدف

رسالت می باشد. در این قضیه اختلاف وجود ندارد، اما اختلاف در این است که قبل از قتال هشدار دادن آن ها فرض است یا مستقیماً باید حمله کرد. دلایل برای هشدار قبل از قبل طوری که علما درک کرده اند بی خبری آن ها از اسلام است. بنابراین آن؛ برای هر کسی که اسلام برسد و آن را به حیث نظام کامل قبول کند مسلمان می گردد و یا حد اقل به نظام حکومت داری آن تسلیم شده و فرصت عدم پذیرش اسلام برایش داده می شود. اگر آن ها مسلمان شدند، پس اسلام بالای آن ها تطبیق می گردد همان طور که بالای سایر مسلمانان تطبیق می شود. اگر آن ها از پذیرش اسلام امتناع ورزیدند، باید به عنوان نشانه پذیرش نظام حکومت داری اسلام جزیه بپردازند و اگر این را نیز رد کردند، پس هیچ راهی به جز از جنگ باقی نمی ماند.

الکتاب: المدونة

المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر  
الأصبحي المدني (المتوفى: 179هـ)

فَفَرَّأَ عَلَيْهِمْ فَكَرِهَتْ الْيَهُودُ وَالْمَجُوسُ الْإِسْلَامَ  
وَأَحَبُّوا الْجَزْيَةَ، فَقَالَ مُنَافِقُو الْعَرَبِ: زَعَمَ مُحَمَّدٌ  
أَنَّهُ إِنَّمَا يُعْتَبَرُ يُقَاتِلُ النَّاسَ كَافَّةً حَتَّى يُسْلِمُوا وَلَا  
يُقْبَلُ الْجَزْيَةَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، وَلَا نَرَاهُ إِلَّا وَقَدْ  
قَبِلَ مِنْ مُشْرِكِي أَهْلِ هَجَرَ مَا رَدَّ عَلَى مُشْرِكِي  
الْعَرَبِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا  
اهْتَدَيْتُمْ} [المائدة: 105] ابْنُ وَهْبٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَالِمٍ، قَالَ: هَذَا كِتَابٌ أَخَذْتَهُ مِنْ مُوسَى  
بْنِ عُقَيْبَةَ فِيهِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ  
النَّبِيِّ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مُنْذِرِ بْنِ سَاوِي هَلُمَّ أَنْتَ فَإِنِّي  
أَحْمَدُ اللَّهَ إِلَيْكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَمَا بَعْدُ: فَإِنَّ  
كِتَابَكَ جَاءَنِي وَسَمِعْتُ مَا فِيهِ فَمَنْ صَلَّى صَلَاتِنَا  
وَأَسْتَقْبَلَ قِبَلَتَنَا وَأَكَلَ ذَبَابِحَنَا فَإِنَّ ذَلِكَ الْمُسْلِمَ الَّذِي  
لَهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَهُوَ آمِنٌ  
وَمَنْ أَبِي فَعَلَيْهِ الْجَزْيَةُ.

المؤلف: الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس  
(المتوفى: 204هـ)

الكتاب: اختلاف الحديث  
مُدَمَّةُ الْمُؤَلَّفِ

فَدَلَّ أَمْرُ اللَّهِ جَلَّ تَنَاوُهُ بِقِتَالِ الْمُشْرِكِينَ مِنْ أَهْلِ  
الْكِتَابِ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَلَى أَنَّهُ إِنَّمَا أَرَادَ  
بِالْأَيْتِنِ اللَّتَيْنِ أَمَرَ فِيهِمَا بِقِتَالِ الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ  
وُجِدُوا حَتَّى يُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَأَنْ يُقَاتِلُوا حَتَّى لَا  
تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ مَنْ خَالَفَ أَهْلَ  
الْكِتَابِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَكَذَلِكَ دَلَّتْ سُنَّةُ رَسُولِ  
اللَّهِ عَلَى قِتَالِ أَهْلِ الْأَوْثَانِ حَتَّى يُسْلِمُوا، وَقِتَالِ  
أَهْلِ الْكِتَابِ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ

الكتاب: اختلاف الحديث

بَابُ الْمُجْمَلِ وَالْمُفَسَّرِ حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ

وَفَرَضَ اللَّهُ قِتَالَ أَهْلِ الْكِتَابِ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ  
عَنْ يَدَيْهِ وَهُمْ صَاغِرُونَ، إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا. وَكَذَلِكَ  
حَدِيثُ ابْنِ بَرِيْدَةَ فِي أَهْلِ الْكِتَابِ خَاصَّةً، كَمَا كَانَ  
حَدِيثُ أَبِي هُرَيْرَةَ فِي أَهْلِ الْأَوْثَانِ خَاصَّةً، قَالَ:  
فَأَفْرَضُ فِي قِتَالِ مَنْ دَانَ وَأَيَّاهُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَوْثَانِ  
مِنَ الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُقَاتِلُوا، إِذَا قُدِرَ عَلَيْهِمْ، حَتَّى  
يُسْلِمُوا، وَلَا يَحِلُّ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ جِزْيَةٌ بِكِتَابِ اللَّهِ  
وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ، قَالَ: وَالْفَرَضُ فِي أَهْلِ الْكِتَابِ وَمَنْ  
دَانَ قَبْلَ نَزْوِلِ الْقُرْآنِ كُلُّهُ بَيْنَهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوا حَتَّى  
يُعْطُوا الْجِزْيَةَ أَوْ يُسْلِمُوا، وَسِوَاءَ كَانُوا عَرَبًا أَوْ  
عَجَمًا

المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله /المتوفى:

463

الكتاب: الاستنكار  
بَابُ جِزْيَةِ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمَجُوسِ

وَقَالَ الْأَوْزَاعِيُّ وَمَالِكٌ وَسَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ إِنَّ  
الْفَرَّازَنْدَةَ وَمَنْ لَا دِينَ لَهُ مِنْ أَجْناسِ التُّرْكِ وَالْهِنْدِ  
وَعِبْدَةِ النَّيِّرَانِ وَالْأوثانِ وَكُلِّ جاحِدٍ وَمَكْذِبِ يَدِينِ  
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُقَاتَلُونَ حَتَّى يُسَلِّمُوا أَوْ يُعْطُوا  
الْجِزْيَةَ فَإِنْ بَدَلُوا الْجِزْيَةَ قُبِلَتْ مِنْهُمْ وَكَانُوا  
كَالْمَجُوسِ فِي تَحْرِيمِ مَنَاجِحِهِمْ وَدَبَائِحِهِمْ وَسَائِرِ  
أُمُورِهِمْ

المؤلف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن  
أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد الحفيد  
(المتوفى: 595هـ)

الكتاب: بداية المجتهد ونهاية المقتصد  
[الْفَصْلُ السَّادِسُ فِي جَوَازِ الْمُهَادَنَةِ]

فَأَمَّا هَلْ تَجُوزُ الْمُهَادَنَةُ فَإِنَّ قَوْمًا أَجَازُوهَا ابْتِدَاءً  
مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ إِذَا رَأَى ذَلِكَ الْإِمَامُ مُصْلِحَةً  
لِلْمُسْلِمِينَ. وَقَوْمٌ لَمْ يُجِيزُوهَا إِلَّا لِمَكَانِ الضَّرُورَةِ  
الدَّاعِيَةِ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ مِنْ فِتْنَةٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ؛ إِمَّا

بِشَيْءٍ يَأْخُذُونَهُ مِنْهُمْ لَا عَلَى حُكْمِ الْجَزِيَّةِ؛ إِذْ كَانَتْ الْجَزِيَّةُ إِنَّمَا شَرْطُهَا أَنْ تُؤْخَذَ مِنْهُمْ، وَهُمْ بِحَيْثُ تَنَفُّدِ عَلَيْهِمْ أَحْكَامُ الْمُسْلِمِينَ. وَإِنَّمَا بِلَا شَيْءٍ يَأْخُذُونَهُ مِنْهُمْ. وَكَانَ الْأَوْزَاعِيُّ يُجِيزُ أَنْ يُصَالِحَ الْإِمَامَ الْكُفَّارَ عَلَى شَيْءٍ يَدْفَعُهُ الْمُسْلِمُونَ إِلَى الْكُفَّارِ إِذَا دَعَتْ إِلَى ذَلِكَ ضَرُورَةٌ فَتَنَّهُ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ مِنَ الضَّرُورَاتِ.

وَقَالَ الشَّافِعِيُّ: لَا يُعْطَى الْمُسْلِمُونَ الْكُفَّارَ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافُوا أَنْ يُصْطَلَمُوا لِكَثْرَةِ الْعَدُوِّ وَقَلَّتْهُمْ، أَوْ لِمَحَنَةٍ نَزَلَتْ بِهِمْ. وَمَنْ قَالَ بِإِجَارَةِ الصُّلْحِ إِذَا رَأَى الْإِمَامَ ذَلِكَ مَصْلَحَةً مَالِكٌ وَالشَّافِعِيُّ وَأَبُو حَنِيفَةَ، إِلَّا أَنَّ الشَّافِعِيَّ لَا يَجُوزُ عِنْدَهُ الصُّلْحُ لِأَكْثَرِ مِنَ الْمُدَّةِ الَّتِي صَالِحَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - الْكُفَّارَ عَامَ الْخُدَيْبِيَّةِ.

وَسَبَبُ اخْتِلَافِهِمْ فِي جَوَازِ الصُّلْحِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ مَعَارِضُهُ ظَاهِرٌ قَوْلُهُ تَعَالَى: {فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ} [التوبة: 5] ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى: {قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ} [التوبة: 29] ؛ لِقَوْلِهِ تَعَالَى: {وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ} [الأنفال:

فَمَنْ رَأَى أَنَّ آيَةَ الْأَمْرِ بِالْقِتَالِ حَتَّى يُسَلِّمُوا أَوْ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ نَاسِخَةٌ لِآيَةِ الصُّلْحِ - قَالَ: لَا يَجُوزُ الصُّلْحُ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ. وَمَنْ رَأَى أَنَّ آيَةَ الصُّلْحِ مُخَصَّصَةٌ لِنَتِكَ قَالَ: الصُّلْحُ جَائِزٌ إِذَا رَأَى ذَلِكَ الْإِمَامُ، وَعَصَدَ تَأْوِيلُهُ بِفِعْلِهِ ذَلِكَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، وَذَلِكَ أَنَّ صُلْحَهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَامَ الْحُدَيْبِيَّةِ لَمْ يَكُنْ لِمَوْضِعِ الضَّرُورَةِ.

وَأَمَّا الشَّافِعِيُّ فَلَمَّا كَانَ الْأَصْلُ عِنْدَهُ الْأَمْرَ بِالْقِتَالِ حَتَّى يُسَلِّمُوا أَوْ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ، وَكَانَ هَذَا مُخَصَّصًا عِنْدَهُ بِفِعْلِهِ - عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - عَامَ الْحُدَيْبِيَّةِ - لَمْ يَرَ أَنَّ يُزَادَ عَلَى الْمُدَّةِ الَّتِي صَالَحَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - . وَقَدْ اخْتَلَفَ فِي هَذِهِ الْمُدَّةِ، فَقِيلَ: كَانَتْ أَرْبَعَ سِنِينَ، وَقِيلَ: ثَلَاثًا، وَقِيلَ: عَشْرَ سِنِينَ. وَبِذَلِكَ قَالَ الشَّافِعِيُّ.

المؤلف: شمس الدين محمد بن عبد الله الزركشي  
المصري الحنبلي (المتوفى: 772 هـ)

الكتاب: شرح الزركشي

«أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله» الحديث خرج من ذلك أهل الكتاب والمجوس بالآية الكريمة وبالحديث، فيبقى فيما عداه

على العموم، ثم في قول النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «سنوا بهم سنة أهل الكتاب» دليل على أن أهل الكتاب هم المختصون ببذل الجزية وإلا فليس للتخصيص فائدة. ومما يرشح ذلك أيضا توقف عمر - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - فيهم حتى أخبره عبد الرحمن بما أخبره، ولو جاز أخذ الجزية من كل كافر لم يكن لتوقفه معنى. (وعن أحمد) رواية أخرى: يقبل من جميع الكفار، إلا عبدة الأوثان من العرب، لأنهم يقرّون على دينهم بالاسترقاق، فأقروا بالجزية كالمجوس

زين الدين عبد الرحمن الدمشقي، الحنبلي  
(المتوفى: 795هـ)

المؤلف: زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795هـ)

الكتاب: الحكم الجديرة بالإذاعة من قول النبي صلى الله عليه وسلم بعثت بالسيف بين يدي الساعة

قال ابن عيينة: أرسل محمد صلى الله عليه وسلم بأربعة سيوف: سيف على المشركين من العرب حتى يسلموا، وسيف على المشركين من غيرهم حتى يسلموا أو يسترقوا أو يقادوا بهم، وسيف على أهل القبلة من أهل البغي

المؤلف: شمس الدين محمد بن عمر بن أحمد السفيري الشافعي (المتوفى: 956هـ)

الكتاب: المجالس الوعظية في شرح أحاديث خير البرية صلى الله عليه وسلم من صحيح الإمام البخاري

«أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَإِنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»

والمعنى: أمرني ربي أن أقاتل عبدة الأوثان إلى أن يشهدوا أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله، ويقوموا الصلاة ويؤتوا الزكاة، وإنما خص الصلاة والزكاة بالذكر مع أنه يجب قتال من منع واجباً من واجبات الإسلام، لأنهما أصل العبادات البدنية والمالية، فذلك تسمى الصلاة عماد الدين، والزكاة قنطرة الإسلام.

وقوله: «فإذا فعلوا ذلك» أي: قالوا أشهد أن لا إله إلا الله، وأقاموا الصلاة وآتوا الزكاة، وفي قوله: «فعلوا ذلك» التعبير بالفعل عما بعضه قول إما على سبيل التغليب، وإما على إرادة المعنى الأعم إذا القول فعل ذلك.

وقوله - صلى الله عليه وسلم -: «أمرت» قال ابن حجر: معناه أمرني الله حيث لا أمر لرسول الله - صلى الله عليه وسلم - إلا الله، وقياسه في الصحابي إذا قال: «أمرت» فالمعنى: أمرني رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ولا يحتمل أن يريد أمرني صحابي آخر، لأنهم من حيث أنهم مجتهدون لا يحتجون بأمر مجتهد آخر وإذا قاله التابعي احتتمل، والحاصل: أن من اشتهر بطاعة رئيس إذا قال ذلك فهم منه أن الأمر له هو ذلك الرئيس.

والمراد «بالناس» عبده الأوثان دون أهل الكتاب، لأن أهل الكتاب سقط عنهم القتال بقبول الجزية لقول الله تعالى: «فَاتَّبَعُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» [التوبة: 29].

ومعنى: «وحسابهم على الله» أي: إنها أدعى على أفعالهم الظاهرة، فلا أدع أحداً أن يترك فرضاً من فرائض الله تعالى، وإن يظلم أحداً فإن ما يخفون في بواطنهم ويسرون في ضمائر من النيات والعقائد فليس له إليه سبيل، فيثيب المخلص ويعاقب المنافق، ويجزي المصير بفسقه أو يعفو عنه، وليس معنى: «على» هنا الوجوب فإن الله لا يحب عليه شيء، بل يكون بمعنى اللام أي: على سبيل التشبيه أي: هو كالواجب على الله في تحقق الوجوب

وفي هذا الحديث فوائد:

الأولى: وجوب قتال الكفار إذا طاقه المسلمون حتى يسلموا أو يبذلوا الجزية إن كانوا ممن تقبل منهم

المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: 1014هـ)

الكتاب: مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح

(وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا) : مَرَّ ذِكْرُهُ [قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : (أَمْرٌ) ] : لَمْ يَذْكُرِ الْأَمْرَ لِلْعِلْمِ بِهِ، أَيْ أَمْرَنِي

رَبِّي بِالْوَحْيِ الْجَلِيِّ أَوْ الْخَفِيِّ ] [ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ ]  
 [ أَي: بِأَنْ أُجَاهِدَهُمْ وَأَحَارِبَهُمْ. فَ " أَنْ " مَصْدَرِيَّةٌ، أَوْ مُفَسَّرَةٌ لِمَا فِي الْأَمْرِ مِنْ مَعْنَى الْقَوْلِ  
 [ حَتَّى يَشْهَدُوا ] وَفِي رِوَايَةٍ: حَتَّى يَقُولُوا ] [ أَنْ ]  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ] [ أَكْثَرُ  
 الشُّرَاحِ عَلَى أَنَّ الْمُرَادَ بِالنَّاسِ عِبْدَهُ الْأَوْثَانَ دُونَ  
 أَهْلِ الْكِتَابِ؛ لِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا  
يُرْفَعُ عَنْهُمْ السِّيفُ إِلَّا بِالْأَقْرَارِ بِنُبُوَّةِ مُحَمَّدٍ -  
عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ - أَوْ إِعْطَاءِ الْجُزْيَةِ،  
 وَيُؤَيِّدُهُ رِوَايَةُ النَّسَائِيِّ: أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ  
 الْمُشْرِكِينَ، وَلَا يَتِمُّ هَذَا إِلَّا عَلَى رِوَايَةٍ لَمْ يُوجَدْ  
 فِيهَا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. وَقَالَ الطَّبْرِيُّ: الْمُرَادُ  
 الْأَعْمُ، لَكِنْ خُصَّ مِنْهُ أَهْلُ الْكِتَابِ بِالْآيَةِ. قِيلَ:  
 وَهُوَ الْأَوْلَى لِأَنَّ الْأَمْرَ بِالْقِتَالِ نَزَلَ بِالْمَدِينَةِ مَعَ  
 كُلِّ مَا يُخَالِفُ الْإِسْلَامَ

شرح صحيح البخارى - لابن بطلال

وأباح أكثر أهل العلم قتالهم قبل أن يدعوا ؛ لأنهم  
 قد بلغهم الدعوة ، هذا قول الحسن البصرى  
 والنخعى وربيعه والليث وأبى حنيفة والثورى  
 والشافعى وأحمد وإسحاق وأبى ثور ، قال  
 الثورى : ويدعون أحسن . واحتج الليث

والشافعي بقتل ابن أبي الحقيق ، وكعب بن الأشرف ، وذكر ابن القصار عن أبي حنيفة : إن بلغتهم الدعوة فحسن أن يدعوهم الإمام إلى الإسلام أو أداء الجزية قبل القتال . قال : ولا بأس أن يغيروا عليهم بغير دعوة . وقال الشافعي : لا أعلم أحدًا من المشركين لم تبلغه الدعوة اليوم إلا أن يكون خلف الغور ، والترك أمة لم تبلغهم ، فلا يقاتلوا حتى يدعوا ، ومن قتل منهم قيل ذلك فعلى قاتله الدية . وقال أبو حنيفة : لا شيء عليه . قال الطحاوي : قد لبث الرسول بعد النبوة سنين يدعو الناس إلى الإسلام ، ويقوم عليهم الحجج والبراهين كما أمره الله

### كتاب تحفة الأحوادي

وَفَرَّقَ الْحَنْفِيَّةُ فَقَالُوا تُؤْخَذُ مِنْ مَجُوسِ الْعَجَمِ دُونَ مَجُوسِ الْعَرَبِ، وَحَكَى الطَّحَاوِيُّ عَنْهُمْ يُقْبَلُ الْجِزْيَةُ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَمِنْ جَمِيعِ كُفَّارِ الْعَجَمِ وَلَا يُقْبَلُ مِنْ مُشْرِكِي الْعَرَبِ إِلَّا الْإِسْلَامُ أَوْ السَّيْفُ. وَعَنْ مَالِكٍ يُقْبَلُ مِنْ جَمِيعِ الْكُفَّارِ إِلَّا مَنْ إِرْتَدَّ، وَبِهِ قَالَ الْأَوْزَاعِيُّ وَفُقُهَاءُ الشَّامِ انْتَهَى. وَقَالَ الْقَارِي فِي شَرْحِ حَدِيثِ بُرَيْدَةَ الْآتِي فِي بَابِ وَصِيَّةِ النَّبِيِّ فِي الْقِتَالِ مَا لَفْظُهُ : وَالْحَدِيثُ مِمَّا يَسْتَدِلُّ بِهِ مَالِكٌ وَالْأَوْزَاعِيُّ وَمَنْ وَافَقَهُمَا عَلَى جَوَازِ أَخْذِ الْجِزْيَةِ مِنْ كُلِّ كَافِرٍ عَرَبِيًّا كَانَ أَوْ

عَجْمِيًّا كِتَابِيًّا أَوْ غَيْرَ كِتَابِيٍّ. وَقَالَ أَبُو حَنِيْفَةَ :  
تُؤَخَذُ الْجَزِيَّةُ مِنْ جَمِيعِ الْكُفَّارِ إِلَّا مِنْ مُشْرِكِي  
الْعَرَبِ وَمَجُوسِهِمْ. وَقَالَ الشَّافِعِيُّ : لَا تُقْبَلُ إِلَّا مِنْ  
أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمَجُوسِ أَعْرَابًا كَانُوا أَوْ أَعَاجِمَ،  
وَيَحْتَجُّ بِمَفْهُومِ الْآيَةِ وَبِحَدِيثٍ : سُنُّوا بِهِ سُنَّةَ أَهْلِ  
الْكِتَابِ، وَتَأَوَّلَ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَى أَنَّ الْمُرَادَ  
بِهَؤُلَاءِ أَهْلَ الْكِتَابِ لِأَنَّ اسْمَ الْمُشْرِكِ يُطْلَقُ عَلَى  
أَهْلِ الْكِتَابِ وَغَيْرِهِمْ وَكَانَ تَخْصِيصُهُ مَعْلُومًا عِنْدَ  
الصَّحَابَةِ إِنَّهِيَ مَا فِي الْمَرْقَاةِ.

دعوت؛ اساساً قتال و جهاد بوده و فرض می  
باشد

جای شک نیست که دعوت برای هر امت فرض  
بوده و این امت با الله سبحانه و تعالی میثاق بسته  
اند تا رسالت آخرین پیامبر صلی الله علیه و سلم  
را ادامه دهند. دعوت؛ امر کردن مردم به خیر و  
ممانعت آن ها از شر (امر به معروف و نهی از  
منکر) می باشد. بدون شک وفا به میثاق تنها از  
طریق قتال و جهاد امکان پذیر است. (قرآن،  
سنت و تطبیق عملی آن توسط خلفای راشدین)

سقوط خلافت عثمانی ها دلیل بر آن است). قتال و جهاد برای اظهار دین مطابق سنت بوده نمی تواند مگر این که توسط امام با بیعت شرعی انجام گردد یعنی توسط امت یا اهل العقد بیعت صورت گیرد. در این خصوص باید گفت که میان دفاع فردی که جهاد محسوب می شود و جهاد فی سبیل الله فرق وجود دارد. جهاد فی سبیل الله برای اعلاى کلمة الله یا برای اظهار دین صورت می گیرد یعنی برای غالب ساختن نظام حکومت داری اسلام. دعوت که پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از اخذ بیعت از امت به حمل آن پرداخت تک تک کردن دروازه های مردم و تقاضای پیوستن آن ها برای روز ها و ماه ها نبود و نه نوشتن مقالات، ثبت نوار های صوتی و تصویری و یا فتوا دادن آنلاین بود. دعوت پیامبر صلی الله علیه و سلم کشتن افراد عام و بی گناه بر اساس هوای نفس نبود و یا شکل جنگ غیر منظم بدون رضایت بسته امت را نداشت و نه اساساً برای دفاع

از زمین و ملکیت بود. از نظر فردی آن قضیه تغییر می کند، اما از نظر کار دسته جمعی این حقیقت قابل تغییر نیست. فرق نمی کند که تا چقدر اندازه جهان تغییر کند، اما این سنت تغییر پذیر نیست. رسالت پیامبر صلی الله علیه و سلم حمل این پیام، این دین به تمام جهان است.

قال أبو هريرة: كنتم خير الناس للناس، تأتون بهم في الأقياد والسلاسل حتى تدخلوهم الجنة

ابو هریره رض یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم که بیشترین احادیث را روایت کرده می گوید:

ترجمه: شما بهترین مردم برای سایر مردم هستید، آن ها را در زنجیر ها و قید ها بند کرده و به سوی جنت به زور می کشانید.

این کار از طریق جهاد و قتال از آغاز اولین سال هجری الی سال 1856 صورت می گرفت و بعد از

آن انگلیس عثمانی‌ها را مجبور کرد تا این قانون را تغییر دهد. آیات و احادیث بسیاری در این مورد وجود دارد که انکار از آن‌ها منجر به کفر می‌گردد. پس؛ چرا بعضی اشخاص ادعای غیر آن را کرده و این قضیه را اختلافی می‌دانند؟ بدون شک اختلاف یک امر طبیعی بوده و با دلایل از سنت و اجماع جایز است. اختلاف یک واقعیت بشری انکارناپذیر می‌باشد، اما عدم توافق یا وحدت نظر خاصاً در این موضوع اختلاف نه بلکه تفرقه است. حتی به طور واضح در سوره شوری بیان شده که در این مورد نباید اختلاف کرد و دلیل مخالفت اهل کتاب مرتبط به این موضوع را بیان کرده است. اشخاصی که این دلایل را نمی‌فهمند یا درک نمی‌کنند در واقع جاهل یا در قلب خود مرض دارند.

ابن تیمیه می‌نویسد:

وسائر الأمم لم يأمرُوا كل  
أحد بكل معروف ولا نهوا كل

أحد عن كل منكر، ولا جاهدوا  
على ذلك. بل منهم من لم  
يجاهد، والذين جاهدوا كبني  
إسرائيل فعامة جهادهم كان  
لدفع عدوهم عن أرضهم، كما  
يقاتل الصائل الظالم؛ لا  
لدعوة المجاهدين وأمرهم  
بالمعروف ونهيهم عن المنكر

هیچ یکی از اقوام یا امت های قبلی همه مردم را  
به تمام آنچه حق بود امر نمی کرد و نه از تمام  
چیز های که باطل بود مردم را منع می کرد.  
برعلاوه؛ آن ها در این قضیه به جهاد نیز نمی  
پرداختند. بعضی آن ها هرگز جنگ مسلحانه نمی  
کردند و کسانی که این کار را می کردند مانند  
یهودی ها، جنگ ها اساساً به هدف بیرون کردن  
دشمن از سر زمین شان بود قسمی که هر قوم  
مظلوم علیه ظالم جنگ می کند، نه به هدف  
دعوت مردم دنیا به سوی هدایت و حق و نه برای  
امر به حق کردن.

این آید را با دقت بخوانید حتی اگر فکر می کنید  
که آن ها را می دانید یا حتی اگر صد بار خوانده  
باشید.

اقامه دین حکم است که بالای تمام پیامبران  
از نوح ع الی محمد صلی الله علیه و سلم نازل  
شده است و انکار از آن کفر می باشد.

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي  
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى  
وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ  
عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ  
يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ {13} وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا  
مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ  
الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ  
مُرِيبٍ {14} فَلَذَلِكَ فَادَعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا  
تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ  
وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا  
وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا  
وَاللَّهِ الْمَصِيرُ {15} وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ  
بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ  
وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ {16}

المؤلف : شيخ الإسلام ابن تيمية

المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد  
الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم  
بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي  
(المتوفى: 728هـ)

الكتاب : اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة  
أصحاب الجحيم

وهذا لأن مقصود الدعوة : أن  
تكون كلمة الله هي العليا

الكتاب: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

وكذلك وصف الأمة بما وصف به  
نبيها حيث قال: {كُنْتُمْ خَيْرَ  
أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ  
بِالمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ المُنْكَرِ  
وَتُؤْمِنُونَ بِاللهِ} [آل عمران:  
110] (سورة آل عمران: من  
الآية 110) . وقال تعالى:  
{ وَالمُؤْمِنُونَ وَالمُؤْمِنَاتُ  
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ  
بِالمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ  
المُنْكَرِ } [التوبة: 71]  
(سورة التوبة: من الآية 71)  
. ولهذا قال أبو هريرة:  
كنتم خير الناس للناس،  
تأتون بهم في الأقياد

والسلاسل حتى تدخلوهم الجنة. فبين سبحانه أن هذه الأمة خير الأمم للناس: فهم أنفعهم لهم، وأعظمهم إحسانا إليهم؛ لأنهم كملوا أمر الناس بالمعروف ونهيبهم عن المنكر من جهة الصفة والقدر، حيث أمروا بكل معروف ونهوا عن كل منكر لكل أحد، وأقاموا ذلك بالجهاد في سبيل الله بأنفسهم وأموالهم، وهذا كمال النفع للخلق.

وسائر الأمم لم يأمرُوا كل أحد بكل معروف ولا نهوا كل أحد عن كل منكر، ولا جاهدوا على ذلك. بل منهم من لم يجاهد، والذين جاهدوا كيني إسرائيل فعامة جهادهم كان لدفع عدوهم عن أرضهم، كما يقاتل الصائل الظالم؛ لا لدعوة المجاهدين وأمرهم بالمعروف ونهيبهم عن المنكر

وإذا كان كذلك؛ فمعلوم أن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وإتمامه بالجهاد هو من أعظم المعروف الذي أمرنا به؛

ولهذا قيل: ليكن أمرك بالمعروف ونهيبك عن المنكر غير منكر، وإذا كان هو من أعظم الواجبات والمستحبات فالواجبات والمستحبات لا بد أن تكون المصلحة فيها راجحة على المفسدة؛ إذ بهذا بعثت الرسل ونزلت الكتب، والله لا يحب الفساد؛

جهاد دعوت است و به منظور آن صورت می گیرد.

جهاد بالای تمام امت فرض کفائی می باشد.

فإن الجهاد دعوة قهرية لتأسيس

الإسلام بدءاً في أقوام

وهم لم يَرُوا التخصيص بالسنة، ولكن

رأوا أن الجهاد دعوة قهرية، فيجب إدامته على

حسب الإمكان والإطاقة

وَقَالَ الْإِمَامُ: الْمُخْتَارُ عِنْدِي فِي هَذَا

مَسْأَلَتِكَ الْأُصُولِيِّينَ، فَإِنَّهُمْ قَالُوا: الْجِهَادُ دَعْوَةٌ

قَهْرِيَّةٌ

الْجِهَادُ هُوَ الدُّعَاءُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ

وَالْقِتَالُ مَعَ مَنْ امْتَنَعَ عَنِ الْقَبُولِ بِالنَّفْسِ وَالْمَالِ

نُفَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا، فَقَالَ : عَلَى

رِسَالِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ

وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ

رَجُلٌ وَاحِدٌ، خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ

أَخْبَرَنَا ابْنُ لَهْيَعَةَ ، عَنِ ابْنِ أَبِي جَعْفَرٍ ، أَنَّ رَسُولَ

اللَّهِ حِينَ بَعَثَ مُعَاذًا يُعَلِّمُ الدِّينَ ، قَالَ لَهُ : " لِأَنَّ

يَهْدِي اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا، خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا

أبو رافع القبطي

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، ثنا أَبُو غَسَّانَ مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، ثنا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ حَرْبٍ ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الدَّالَانِيِّ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ زِيَادٍ ، عَنْ أَبِي رَافِعٍ ، قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ : " لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَعَرَبَتْ "

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ ، عَنْ النَّبِيِّ قَالَ : " وَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِهِدَاكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ "

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ الْقَعْنَبِيُّ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ :

يَوْمَ خَيْرَ الْأَعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ ، فِقَامُوا يَرْجُونَ لِذَلِكَ أَنَّهُمْ يُعْطَى فَعَدُوا وَكُلُّهُمْ يَرْجُو أَنْ يُعْطَى ، فَقَالَ : أَيْنَ عَلِيٌّ فَقِيلَ يَشْتَكِي

عَبَّيْتِهِ فَأَمَرَ فُدْعِي لَهُ فَبَصَقَ فِي عَبَّيْتِهِ فَبَرَأَ مَكَانَهُ  
حَتَّى كَانَتْهُ لَمْ يَكُنْ بِهِ شَيْءٌ، فَقَالَ : نُقَاتْلُهُمْ حَتَّى  
يَكُونُوا مِثْلَنَا، فَقَالَ : عَلَى رِسَالِكَ حَتَّى تَنْزِلَ  
بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا  
يَجِبُ عَلَيْهِمْ فَوَاللَّهِ لَأَنْ يُهْدَى بِكَ رَجُلٌ وَاحِدٌ، خَيْرٌ  
لَكَ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ

أبو المعالي، ركن الدين، الملقب بإمام الحرمين  
(المتوفى: 478هـ)

الكتاب: نهاية المطلب في دراية المذهب

المؤلف: عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن  
محمد الجويني، أبو المعالي، ركن الدين، الملقب  
بإمام الحرمين (المتوفى: 478هـ)

كتاب أدب القضاء

وذكر العراقيون تفاصيل نستعملها في الطريقة  
المرضية، فنقول والله المستعان: التصدي للقضاء  
من فروض الكفايات، ولو فرض القيام به على  
حقه، كان في مرتبة الجهاد في سبيل الله؛ فإن  
الجهاد دعوة قهرية لتأسيس الإسلام بدءاً في  
أقوام، والقيام بمصالح المسلمين ضبطاً لما  
تحصل. والأمر الذي يُطلب ازدياده، فضبط  
الحاصل منه إذا قيس بالازدياد أعظم الركنين،

والأجرُ على قدر النَّصَبِ، والدرجات العلا لا تنال بالهوينات. هذا كذلك.

فأما القول في الجهاد؛ فإنه يثبت فرضاً على الكفاية، ويثبت فرضاً على الأعيان، فأما حيث يكون فرضاً على الكفاية، فهو إذا كان الكفار قارّين في ديارهم غير متعلّقين بأطراف ديار الإسلام، فمقاتلتهم فرض على الكفاية، ثم قال الفقهاء: يتعين على الإمام أن يقيم في كل سنة قتالاً مع الكفار، ويجب أن يُغزي إلى كل صوب منهم جنداً إذا أمكن ذلك، وزعموا أن فرض الكفاية يسقط بقتال واحد في كل صوب، كما سنفصل هذا إن شاء الله، وتمسكوا فيه بأن السنة مدّة الجزية، فلا يجوز تعريضها عن الجهاد.

والمختار عندي [في] (2) هذا مسالك [الأصوليين] (3) ، وهم لم يرُوا التخصيص بالسنة، ولكن رأوا أن الجهاد دعوة قهرية، فيجب إدامته على حسب الإمكان والإطاقة

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ)

الكتاب: روضة الطالبين وعمدة المفتين  
كِتَابُ السِّيَرِ

وَقَالَ الْإِمَامُ: الْمُخْتَارُ عِنْدِي  
فِي هَذَا مَسْئَلُ الْأَصُولِيِّينَ،  
فَإِنَّهُمْ قَالُوا: الْجِهَادُ دَعْوَةٌ  
قَهْرِيَّةٌ،

محمد بن محمد بن محمود الرومي البابرتي  
(المتوفى: 786هـ)

الكتاب: العناية شرح الهداية

المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين  
أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ  
جمال الدين الرومي البابرتي (المتوفى: 786هـ)

الْجِهَادُ هُوَ الدُّعَاءُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ وَالْقِتَالُ مَعَ مَنْ  
امْتَنَعَ عَنِ الْقَبُولِ بِالنَّفْسِ وَالْمَالِ. وَسَبَبُهُ كَوْنُ  
الْكَفَّارِ حَرْبًا عَلَيْنَا، وَهُوَ فَرَضٌ كِفَايَةٌ (إِذَا قَامَ بِهِ  
فَرِيقٌ مِنَ النَّاسِ سَقَطَ عَنِ الْبَاقِيْنَ. أَمَّا الْفَرَضِيَّةُ  
فَلَقَوْلِهِ تَعَالَى {فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ} [التوبة: 5]  
وَهُوَ دَلِيلٌ قَطْعِيٌّ فَيُفِيدُ الْفَرَضِيَّةَ

فقط به عنوان مثال بدانید که قتال و دعوت لازم  
و ملزوم یک دیگر اند.

شرح صحیح البخاری - لابن بطال

واستحب العلماء أن يدعى الكافر إلى الإسلام قبل القتال ، فقال مالك : أما من قربت داره منا فلا يدعون ؛ لعلمهم بالدعوة ولتأمين غرتهم ، ومن بعدت داره وخيف ألا تبلغه فالدعوة أقطع للشك . وذكر ابن المنذر عن عمر بن عبد العزيز أنه كتب إلى جعونة وأمره على الدروب أن يدعوهم قبل أن يقاتلهم ، وأباح أكثر أهل العلم قتالهم قبل أن يدعوا ؛ لأنهم قد بلغهم الدعوة ، هذا قول الحسن البصرى والنخعى وربيعه والليث وأبى حنيفة والثورى والشافعى وأحمد وإسحاق وأبى ثور ، قال الثورى : ويدعون أحسن . واحتج الليث والشافعى بقتل ابن أبى الحقيق ، وكعب بن الأشرف ، وذكر ابن القصار عن أبى حنيفة : إن بلغتهم الدعوة فحسن أن يدعوهم الإمام إلى الإسلام أو أداء الجزية قبل القتال . قال : ولا بأس أن يغيروا عليهم بغير دعوة . وقال الشافعى : لا أعلم أحدًا من المشركين لم تبلغه الدعوة اليوم إلا أن يكون خلف الغور ، والترك أمة لم تبلغهم ، فلا يقاتلوا حتى يدعوا ، ومن قتل منهم قبل ذلك فعلى قاتله الدية . وقال أبو حنيفة : لا شيء عليه . قال الطحاوى : قد لبث الرسول بعد النبوة سنين يدعو الناس إلى الإسلام ، ويقم عليهم الحجج والبراهين كما أمره الله

## ترک قتال

همان طوری که در قرآن واضح است اقامهٔ دین و اظهار دین در واقع از جملهٔ اساسی ترین وجیبه ها یا فرایض دسته جمعی برای امت است. در حقیقت هر امتی که نعمت الله سبحانه و تعالی را می خواهد، قتال برای امتی که با الله سبحانه و تعالی میثاق بسته اند حیاتی ترین حکم می گردد. انکار از این فرض عواقب وخیم را در پی دارد. در واقع، حتی دولت های سیکولر برای پیش رفت و یا بقای خود، اهمیت جنگ را درک کرده اند. اما متأسفانه بعضی مسلمانان قتال را به دفاع جان، مال و سرزمین محدود کرده و هدف اصلی آن را فراموش نمودند که اعلاى کلمة الله است. در لسان معاصر؛ قتال به معنی حمل نظام حکومت داری اسلام به سایر کشور های دنیا است.

[المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي البابرني (المتوفى: 786هـ)]

الكتاب: العناية شرح الهداية

بَابُ الْمَوَادِعَةِ وَمَنْ يَجُوزُ أَمَانَهُ]

وَالْمَوَادِعَةُ الْمَصَالِحَةُ، وَسُمِّيَتْ بِهَا لِأَنَّهَا مُتَارِكَةٌ وَهِيَ مِنَ الْوَدْعِ وَهُوَ التَّرْكُ، وَذِكْرُ تَرْكِ الْقِتَالِ بَعْدَ ذِكْرِ الْقِتَالِ ظَاهِرٌ الْمُنَاسَبَةِ (قَوْلُهُ وَكَانَ ذَلِكَ مَصْلَحَةً) قِيلَ عَلَيْهِ بَأَنَّ قَوْلَهُ تَعَالَى {وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ} [الأنفال: 61] لَيْسَ بِمَقْيَدٍ بِالْمَصْلَحَةِ فَكَانَ الْإِسْتِدْلَالُ بِهِ مُخَالَفًا لِلْمُدَّعَى. وَأَجِيبَ بَأَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ مَحْمُولَةٌ عَلَى مَا إِذَا كَانَتْ فِي الْمَصْلَحَةِ مَصْلَحَةً لِلْمُسْلِمِينَ بِدَلِيلِ آيَةٍ أُخْرَى وَهِيَ قَوْلُهُ تَعَالَى {فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ} [محمد: 35] وَبَدِيلِ الْآيَاتِ الْمَوْجِبَةِ لِلْقِتَالِ وَإِلَّا لَزِمَ التَّنَاقُضُ لِمَا أَنَّ مُوجِبَ الْأَمْرِ بِالْقِتَالِ مُخَالَفٌ لِمُوجِبِ الْأَمْرِ بِالْمَصْلَحَةِ فَلَا بُدَّ مِنَ التَّوْفِيقِ بَيْنَهُمَا وَهُوَ بِمَا

ذَكَرْنَا بِدَلِيلِ «مَوَادِعَةِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَهْلُ مَكَّةَ» عَلَى مَا ذُكِرَ فِي الْكِتَابِ (وَلَا يَتَّقِصِرُ الْحُكْمُ عَلَى الْمُدَّةِ الْمَرْوِيَّةِ) وَهِيَ عَشْرُ

سِنِينَ فَكَانَتْ هَذِهِ الْمُدَّةُ الْمَرْوِيَّةُ مِنَ الْمُقَدَّرَاتِ الَّتِي لَا تَمْنَعُ الزِّيَادَةَ وَالنَّقْصَانَ لِأَنَّ مُدَّةَ الْمَوَادِعَةِ تَدُورُ مَعَ الْمَصْلَحَةِ وَهِيَ قَدْ تَزِيدُ وَقَدْ تَنْقُصُ. وَقَوْلُهُ (لِتَعْدِي الْمَعْنَى) وَهُوَ دَفْعُ الشَّرِّ. وَقَوْلُهُ (بِخِلَافِ مَا إِذَا لَمْ يَكُنْ خَيْرًا) حَيْثُ لَا يَجُوزُ لِلْإِمَامِ أَنْ يُوَادِعَهُمْ عَمَلًا بِقَوْلِهِ تَعَالَى {فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ} [محمد: 35] وَلِأَنَّ الْمَوَادِعَةَ تَرُكُ الْجِهَادِ صُورَةً وَمَعْنَى، أَمَا صُورَةً فَظَاهِرٌ حَيْثُ تَرَكُوا الْقِتَالَ، وَأَمَا مَعْنَى فَلِأَنَّهُ لَمَّا لَمْ يَكُنْ فِيهِ مَصْلَحَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ لَمْ يَكُنْ فِي تِلْكَ الْمَوَادِعَةِ دَفْعُ الشَّرِّ فَلَمْ يَحْصُلِ الْجِهَادُ مَعْنَى أَيْضًا

## 1. عَنْ ابْنِ عَمَرَ

- a. وَتَرَكْتُمْ الْجِهَادَ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ دُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ
- b. حَتَّى تَرْجِعُونَ إِلَى مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِ، وَتَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ

## 2. عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ

- a. إِنَّ الْعَرَبَ إِذَا اتَّبَعَتْ أَدْنَابَ الْبَقَرِ صَبَّ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْمَدْلَةَ، وَسَلَطَ عَلَيْهِمْ وَاَدَّ فَارِسَ

حَدَّثَنَا عَبْدَةُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْمَرْزُوقِيُّ ، أَخْبَرَنَا ابْنُ الْمُبَارَكِ ، أَخْبَرَنَا وَهَيْبُ ، قَالَ عَبْدَةُ يَعْنِي ابْنَ

الْوَرْدِ، أَخْبَرَنِي عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُكَدِّرِ ، عَنْ سُمَيٍّ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنْ النَّبِيِّ قَالَ : " **مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ مَاتَ عَلَى شَعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ**

عَنِ ابْنِ عُمَرَ

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمَهْرِيُّ ، أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهْبٍ ، أَخْبَرَنِي حَبِوَةُ بْنُ شُرَيْحِ . ح وَحَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُسَافِرِ النَّبَّيْسِيِّ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْبُرْهُسِيُّ ، حَدَّثَنَا حَبِوَةُ بْنُ شُرَيْحِ ، عَنْ إِسْحَاقَ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، قَالَ سُلَيْمَانُ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ ، أَنَّ عَطَاءَ الْخُرَّاسَانِيَّ حَدَّثَهُ ، أَنَّ نَافِعًا حَدَّثَهُ ، **عَنِ ابْنِ عُمَرَ** ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : "

إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعِينَةِ ، وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ ، وَرَضِيْتُمْ بِالزَّرْعِ ، **وَتَرَكْتُمُ الْجِهَادَ** ، سَاطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ دُلًّا لَا يَنْزِعُهُ **حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ** قَالَ أَبُو دَاوُدَ : **الْإِخْبَارُ لِجَعْفَرٍ ، وَهَذَا لَفْظُهُ**

وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" لَئِنِ أَنْتُمْ آتَيْتُمُ أَذْنَآبَ الْبَقَرِ، وَتَبَايَعْتُمْ بِالْعِيَّةِ،  
وَتَرَكْتُمُ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَيُلْزِمَنَّكُمْ اللَّهُ مَذَلَّةً  
فِي أَعْنَاقِكُمْ، ثُمَّ لَا تَنْزِعَ مِنْكُمْ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى  
مَا كُنْتُمْ عَلَيْهِ، وَتَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ

عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلِ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ  
يَحْيَى بْنِ صَالِحٍ وَأَبُو الْحُسَيْنِ إِبرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ  
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَنُونَ ، فِي آخِرِينَ ، قَالُوا :  
ثَنَا مُسْأَوِرُ بْنُ شِهَابِ بْنِ مَسْرُورٍ ، حَدَّثَنِي أَبِي ،  
عَنْ أَبِيهِ مَسْرُورٍ ، عَنْ جَدِّهِ سَعْدِ بْنِ أَبِي الْعَادِيَةِ

أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ وَهُوَ بِالْجَابِيَةِ  
وَكَانَ يَقْطَعُ الْعَرَبَ فَاتَّكَأَ عَلَى قَائِمِ سَيْفِهِ، فَقَالَ :  
إِذْ مِنِّْي يَا مَرْيُ فَإِنَّتِ أَكْبَرُ الْقَوْمِ عِنْدِي، فَقَالَ :  
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ، عَنِ النَّبِيِّ  
وَإِلَّا فَصَمَّ اللَّهُ أُنْتِيهِ :

إِنَّ الْعَرَبَ إِذَا اتَّبَعَتْ أَذْنَآبَ الْبَقَرِ صَبَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ  
الْمَذَلَّةَ، وَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ وَلَدَ فَارِسٍ فَدَعَوْا فَلَا  
يُسْتَجَابُ لَهُمْ "

حَدَّثَنَا قَتَادَةُ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مِحْصَنِ  
، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنَكِّرُونَ ، فَمَنْ عَرَفَ  
بِرِيءٍ ، وَمَنْ كَرِهَ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ " ،  
قَالُوا : أَفَلَا نُفَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : " لَا مَا صَلَّوْا "

نظر علما:

أبو الحسن برهان الدين (المتوفى: 593هـ)

الكتاب: متن بداية المبتدي في فقه الإمام أبي  
حنيفة

المؤلف: علي بن أبي بكر بن عبد الجليل  
الفرغاني المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين  
(المتوفى: 593هـ)

فصل في كَيْفِيَّةِ الْقَطْعِ وَإِثْبَاتِهِ

الْجِهَادُ فَرَضٌ عَلَى الْكَيْفِيَّةِ  
إِذَا قَامَ بِهِ فَرِيقٌ مِنَ النَّاسِ  
سَقَطَ عَنِ الْبَاقِينَ فَإِنْ لَمْ يَقْمِ  
بِهِ أَحَدٌ أَثِمَ جَمِيعُ النَّاسِ  
بِتَرْكِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ النِّفِيرُ  
عَامًا وَقَتَالَ الْكُفَّارَ الَّذِينَ  
لَمْ يَسْلُمُوا وَهُمْ مِنْ مُشْرِكِي  
الْعَرَبِ أَوْ لَمْ يَسْلُمُوا وَلَمْ

يُعْطُوا الْجَزِيَّةَ مِنْ غَيْرِهِمْ  
وَاجِبٌ

ابن قدامة المقدسي الحنبلي (المتوفى: 620هـ)

المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد  
بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم  
الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي  
(المتوفى: 620هـ)

الكتاب: المغني لابن قدامة

[فَصْلٌ أَقَلَّ الْجِهَادَ مَرَّةً فِي كُلِّ  
عَامٍ .]

(7415) **وَأَقَلُّ مَا يُفْعَلُ مَرَّةً فِي  
كُلِّ عَامٍ؛** لِأَنَّ الْجَزِيَّةَ تَجِبُ عَلَى  
أَهْلِ الدِّمَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ، وَهِيَ  
بَدَلٌ عَنِ النَّصْرَةِ، فَكَذَلِكَ  
مُبَدَّلُهَا وَهُوَ الْجِهَادُ، فَيَجِبُ  
فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً، إِلَّا مِنْ عُدْرٍ

أبو البركات، مجد الدين الحنبلي (المتوفى:  
652هـ)

الكتاب: المحرر في الفقه على مذهب الإمام أحمد  
بن حنبل

المؤلف: عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد، ابن تيمية الحراني، أبو البركات، مجد الدين (المتوفى: 652هـ)

كتاب الجهاد

وهو فرض كفاية ولا يجب على مكلف حر ذكر مستطيع بنفسه وهو الصحيح الواجد بملك أو بذل من الإمام زادا ومركوبا يحمله إذا كان بعيدا وعنه يلزم العاجز ببذنه في ماله.

وأقل ما يفعل مرة في كل عام إلا أن تدعو الحاجة إلى تأخيره لضعف المسلمين وعنه للإمام تأخيره أيضا مع القوة والاستظهار لمصلحة رجاء إسلام العدو ونحوها

أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ)

الكتاب: روضة الطالبين وعمدة المفتين

كِتَابُ السَّيْرِ

الطَّرْفُ الثَّانِي فِي وُجُوبِ الْجِهَادِ

قَدْ يَكُونُ فَرَضَ كِفَايَةٍ، وَقَدْ يَتَّعَيْنُ كَمَا سَيَأْتِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ

تَعَالَى. وَهَلْ كَانَ فَرَضَ كِفَايَةٍ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ، أَمْ فَرَضَ عَيْنٍ فِيهِ وَجْهَانِ ، أَصْحَهُمَا : فَرَضُ كِفَايَةٍ لِقَوْلِهِ تَعَالَى : ( لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ ) الْآيَةَ ، وَأَمَّا الْيَوْمُ فَهُوَ ضَرْبَانِ ، أَحَدُهُمَا : أَنْ يَكُونَ الْكُفَّارُ مُسْتَقِرِّينَ فِي بُلْدَانِهِمْ ، فَهُوَ فَرَضُ كِفَايَةٍ ، فَإِنْ امْتَنَعَ الْجَمِيعُ مِنْهُ ، أَثِمُوا ، وَهَلْ يَعْتَمِدُ الْإِثْمُ ، أَمْ يَخْتَصُّ بِالَّذِينَ يَدْنُوا إِلَيْهِ ؟ وَجْهَانِ .

قُلْتُ : الْأَصْحَحُ أَنَّهُ يَأْتِمُ كُلُّ مَنْ لَا عُذْرَ لَهُ كَمَا سَيَأْتِي بَيَانُ الْأَعْدَارِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . وَاللَّهُ أَعْلَمُ .

وَإِنْ قَامَ مَنْ فِيهِ كِفَايَةٌ ، سَقَطَ عَنِ الْبَاقِيْنَ

**.... أَنْ يَدْخُلَ الْإِمَامُ دَارَ الْكُفْرِ غَازِيًا بِنَفْسِهِ ، أَوْ بِجَنَاحِ يَوْمَرٍ عَلَيْهِمْ مَنْ يَصْلُحُ لِذَلِكَ ، وَأَقْلَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً فِي كُلِّ سَنَةٍ ، فَإِنْ زَادَ فَهُوَ أَفْضَلُ ، وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَبْدَأَ بِقِتَالِ مَنْ يَلِي دَارَ الْإِسْلَامِ مِنَ الْكُفَّارِ ، فَإِنْ كَانَ الْخَوْفُ مِنَ الْأَبْعَدِينَ أَكْثَرَ ، بَدَأَ بِهِمْ ، وَلَا يَجُوزُ إِخْلَافُ سَنَةٍ عَنِ جِهَادِ إِلَّا**

لِضُرُورَةٍ ، بِأَنْ يَكُونَ فِي  
الْمُسْلِمِينَ ضَعْفٌ وَفِي الْعَدُوِّ  
كَثْرَةٌ ، وَيَخَافُ مِنْ ابْتِدَائِهِمْ  
الِاسْتِئْصَالَ ، أَوْ لِعُدْرِ بِيَأْنَ يَعَزُّ  
الزَّادُ وَعَلْفُ الدَّوَابِّ فِي  
الطَّرِيقِ ، فَيُؤَخَّرُ إِلَى زَوَالِ  
ذَلِكَ ، أَوْ يَنْتَظِرُ لِحَاقِ مَدِدِ ،  
أَوْ يَتَوَقَّعُ إِسْلَامَ قَوْمِ ،  
فَيَسْتَمِيلُهُمْ بِتَرْكِ الْقِتَالِ ،  
هَذَا مَا نَصَرَ عَلَيْهِ الشَّافِعِيُّ ،  
وَجَزَى عَلَيْهِ الْأَصْحَابُ - رَحِمَهُمُ  
اللَّهُ

أبو الفرج، شمس الدين (المتوفى: 682هـ)

الكتاب: الشرح الكبير على متن المقنع

المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن أحمد بن قدامة  
المقدسي الجماعيلي الحنبلي، أبو الفرج، شمس  
الدين (المتوفى: 682هـ)

(وأقل ما يفعل مرة في كل عام إلا أن تدعو  
الحاجة إلى تأخيره) أقل ما يفعل الجهاد في كل  
عام مرة لأن الجزية تجب على أهل الذمة مرة  
في كل عام وهي بدل عن النصره فكذلك مبدلها  
وهو الجهاد فإن دعت الحاجة إلى تأخيره مثل أن  
يكون بالمسلمين ضعف في عدد أو

عدة أو يكون منتظرا لمدد يستعين به أو يكون في الطريق إليهم مانع أو ليس فيها علف أو ماء أو يعلم من عدوه حسن الرأي في الإسلام ويطمع في إسلامهم إن أضر قتالهم ونحو ذلك مما يرى المصلحة معه في ترك القتال فيجوز تركه بهدنة ويغير هدنة فإن النبي صلى الله عليه وسلم قد صالح قريشاً عشر سنين وأخر

الكتاب: مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر

المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده, يعرف بداماد أفندي (المتوفى: 1078هـ)

وَيَجُوزُ لِلْإِمَامِ (صَلْحُهُمْ إِنْ كَانَ) الصُّلْحُ  
(مَصْلَحَةٌ لَنَا) كَمَا إِذَا نَزَلَ بَعْضُ حُصُونِهِمْ وَأَلَمْ  
يَكُنْ لِلْمُسْلِمِينَ قُوَّةٌ فَلَا بَأْسَ بِالصُّلْحِ عَلَى تَرْكِ  
الْجِهَادِ مُدَّةً مُعَيَّنَةً أَي: مُدَّةً كَانَتْ مَعَهُمْ؛ لِأَنَّ هَذَا  
جِهَادٌ مَعْنَى، فَإِنْ كَانَ بِهِمْ قُوَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُصَالِحَ  
لِمَا فِيهِ مِنْ تَرْكِ الْجِهَادِ صُورَةً وَمَعْنَى أَوْ تَأْخِيرِهِ  
وَيَجُوزُ أَخْذُ مَالٍ لِأَجَلِهِ أَي: لِأَجْلِ الصُّلْحِ (إِنْ)  
كَانَ (لَنَا بِهِ) أَي: بِأَخْذِ الْمَالِ (حَاجَةً) فَلَا يُصَالِحُ  
عِنْدَ عَدَمِ الْحَاجَةِ (وَهُوَ) أَي: الْمَالُ الَّذِي يُؤْخَذُ  
مِنْهُمْ بِالصُّلْحِ (كَالْجِزْيَةِ)

المؤلف: عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد البعلبي  
الخلوتي الحنبلي (المتوفى: 1192هـ)

الكتاب: كشف المخدرات والرياض المزهرات  
لشرح أخصر المختصرات

كتاب الجهاد

ختم به العبادات لِأَنَّهُ أَفْضَلُ تَطَوُّعِ الْبَدَنِ، وَهُوَ  
مَشْرُوعٌ بِالإِجْمَاعِ لِقَوْلِهِ تَعَالَى 19 ((كُتِبَ عَلَيْكُمُ  
الْقِتَالُ)) إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ، وَلَفَعْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ السَّلَامُ  
وَأَمْرُهُ بِهِ، وَأَخْرَجَ مُسْلِمٌ (مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزِ وَلَمْ  
يَحْدِثْ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنَ النَّفَاقِ)  
وَهُوَ مَصْدَرٌ جَاهِدَ جِهَادًا وَمَجَاهِدَةً مِنْ جَاهِدٍ إِذَا  
بَالَغَ فِي قَتْلِ عَدُوِّهِ، وَلِغَةِ بَذْلِ الطَّاقَةِ وَالْوَسْعِ.  
وَشَرَعًا قِتَالُ الْكُفَّارِ خَاصَّةً. وَهُوَ أَيُّ الْجِهَادِ  
فَرَضَ كِفَايَةً أَيْ إِذَا قَامَ بِهِ مِنْ يَكْفِي سَقَطَ عَنِ  
الْبَاقِيْنَ وَإِلَّا أَثَمَ النَّاسُ كُلَّهُمْ. وَفَرَضَ الْكِفَايَةَ مَا  
قَصَدَ حُصُولَهُ مِنْ غَيْرِ شَخْصٍ مَعِيْنٍ، فَإِنْ لَمْ  
يُوجَدِ إِلَّا وَاجِدٌ تَعَيَّنَ عَلَيْهِ كَرْدُ السَّلَامِ وَالصَّلَاةِ  
عَلَى الْجِنَازَةِ. وَيَسُنُّ بِتَأَكُّدٍ مَعَ قِيَامِ مَنْ يَكْفِي بِهِ.  
وَلَا يَجِبُ إِلَّا عَلَى ذَكَرِ مُسْلِمٍ حُرِّ مُكَأَفٍ صَحِيحٍ  
وَاجِدٍ مِنَ الْمَالِ مَا يَكْفِيهِ وَأَهْلُهُ فِي غَيْبَتِهِ وَمَعَ  
مَسَافَةِ قَصْرِ مَا يَحْمَلُهُ. وَيَسُنُّ تَشْيِيعَ الْغَازِي لَا  
تَلْقِيَهُ، وَأَقْلَ مَا يَفْعَلُ مَعَ قَدْرَةِ كُلِّ عَامٍ مَرَّةً إِلَّا أَنْ

تَدْعُو حَاجَةً إِلَى تَأْخِيرِهِ فَيَجُوزُ تَرْكُهُ، وَإِنْ دَعَتْ حَاجَةً إِلَى أَكْثَرِ مِنْ مَرَّةٍ فِي عَامٍ فَعَلٌ وَجُوبًا، وَتَحْرِيمُهُ فِي الْأَشْهُرِ الْحَرَمِ مَنْسُوخٌ نَصًا إِلَّا إِذَا حَضَرَهَ أَيُّ حَضَرَ الرَّجُلَ صِفَ الْقِتَالِ فَهُوَ فَرَضٌ عَيْنٌ عَلَيْهِ أَوْ إِلَّا إِذَا حَصَرَهُ أَوْ حَصَرَ بَلَدَهُ عَدُوٌّ وَلَمْ يَكُنْ عَذْرٌ وَاحْتِيجَ إِلَيْهِ فَفَرَضٌ عَيْنٌ، أَوْ إِذَا كَانَ النِّفِيرَ عَامًا فَهُوَ حِينَئِذٍ فَرَضٌ عَيْنٌ وَلَوْ عَبْدًا.  
وَعَزَّو الْبَحْرَ أَفْضَلَ مِنْ عَزَّو الْبِرِّ، وَتَكْفَرُ شَهَادَتُهُ جَمِيعَ الدُّنُوبِ لِأَنَّ الْبَحْرَ أَعْظَمُ خَطَرًا وَمَشَقَّةً بِخِلَافِ شَهَادَةِ الْبِرِّ فَلَا تَكْفَرُ الدِّينَ

## بدعت جدید فرد گرائی، رهبانیت قدیمی

در حقیقت دعوت فردی یا تطبیق فردی اسلام بالای خود، به تنهای بدعت عجیب زمان معاصر است. جمع شدن به حیث یک گروه یا بدتر از آن یا انجام چنین کار به شکل فردی بدون تلاش برای وحدت امت تحت حاکمیت یک امام یکی از عجیب ترین نوآوری "بدعت" های ست که ضرر زیاد به امت، به این امر یعنی این دین رسانده است. هیچ شکی نیست که این کار بدعت جدید

است، زیرا ما به طور کاملاً واضح تاریخ این نوع دعوت را می دانیم که تحت حاکمیت انگلیس ایجاد و حالا تقریباً به تمام قاره ها رسیده است.

ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَجِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ : إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَاصَحَةُ أَوْلَادِ الْأَمْرِ، وَلُزُومُ الْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ

.....ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْأَقْبَالِ، وَلَمْ تُطِقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَحِقَتْ بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ وَتَرَهَّبَتْ، فَهُمْ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا

قَالَ أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ ، ثنا شُعْبَةُ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ سُلَيْمَانَ ، سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبَانَ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : خَرَجَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ مِنْ عِنْدِ مَرْوَانَ قَرِيبًا مِنْ نِصْفِ النَّهَارِ ، فَقُلْنَا : مَا بَعَثَ إِلَيْهِ إِلَّا لِشَيْءٍ سَأَلَهُ ، فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ ، فَقَالَ : أَجَلٌ سَأَلْنَا عَنْ أَشْيَاءَ سَمِعْنَاهَا أَوْ سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " نَضَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا ، فَحَفِظَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ غَيْرَهُ ، فَرَبِّ حَامِلِ فَفَههُ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ، وَرَبِّ حَامِلِ فَفَههُ لَيْسَ بِفَقِيهِ ، ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَجِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ أَبَدًا : إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَمُنَاصَحَةُ وِلَاةِ الْأَمْرِ، وَلُزُومُ

الْجَمَاعَةَ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحِيطُ مَنْ وَرَائِهِمْ، وَمَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ، وَمَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ أَمْرَهُ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ " وَسَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْوُسْطَى، فَقَالَ : " هِيَ الظُّهُرُ "

عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ حَبِيبَانَ ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ : " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ ! " قُلْتُ : لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ :

.... هَلْ سَمِعْتَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقَتْ عَلَى اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، لَمْ يَبْجُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثُ فِرَقٍ، فِرْقَةٌ مِنْهُمْ قَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بَعْدَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَبَّرَتْ حَتَّى لَحِقَتْ بِاللَّهِ فَجَحَتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ، فَقَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بِالْقِسْطِ، وَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأُخِذَتْ فَفُطِعَتْ بِالْمَنَاشِيرِ، وَحُرِّقَتْ بِالنَّيِّرَانِ، فَصَبَّرَتْ حَتَّى لَحِقَتْ بِاللَّهِ فَجَحَتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ،  
وَلَمْ تُطِيقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَجِئَتْ بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ  
وَتَرَهَّبَتْ، فَهُمْ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً  
ابْتَدَعُوهَا

### حاکمیت با عدل و قتل بهتر از عبادت است

بدون شک اعمال که به شکل دسته جمعی ارتباط به دین دارد نسبت به اعمال عبادی فردی دارای درجه و ثواب بی نهایت زیاد است و فرق نمی کند که چقدر عمل باشد. لذا؛ حاکمیت اسلام به طور درست برای یک ساعت بهتر از ده ها سال عبادت است. این نوع تطبیق اسلام در حقیقت دعوت است. اسلام دین عیسویت نیست و رهبانیت، بدعت یا نوآوری عیسویان ضعیف بود که قادر به محاسبه حکام نبودند و در قتل شرکت نمی کردند. آن ها هم در قرآن و هم در سنت مورد انتقاد قرار گرفتند.

در سنت کاملاً واضح شده است که نشستن در خانه با کمپیوترها و انجام دعوت با قلم و لب تاپ نشانه ضعف ایمان است، مگر این که این تلاش ها در سیاق یا اعمال کاملاً سیاسی ارتباط گیرد **(فَقَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بِالْقِسْطِ)** و فرق نمی کند یک شخص تا چی حد عالم باشد. بهترین عمل جهاد بوده و افضل جهاد محاسبه حکام با گفتن کلمه حق یا عدل می باشد حتی اگر به قیمت جان شما تمام گردد. قوی ترین عروة برای انجام افضل جهاد نماز یا زکات یا صیام نیست، بلکه ولایة فی الله یعنی "الولی والبر" می باشد و واضحاً در احادیث بسیار که به طور صحیح روایت شده ذکر گردیده است و آیات زیاد در قرآن این موضوع را کاملاً روشن می سازد. به عبارت دیگر، بهترین کاری که می توان در زمان فتنه انجام داد طوری که در آغاز قرن 21 وجود دارد، میثاق با الله سبحانه و تعالی از طریق جماعت یا امام مسلمین است. در عصر معاصر و زمان فتنه

هیچ چیزی قوی تر از چنگ زدن به نظام حکومت داری اسلام نیست که توسط امت از طریق بیعت تأسیس شده باشد. اگر هیچ امام یا جماعتی موجود نباشد؛ پس از تمام بخش های حکومت داری باید فاصله گرفت. اقدام منطقی دیگر این است که برای ایجاد شرایط بیعت با امام مشروع تلاش صورت گیرد. این یک نیاز شرعی است و فرق نمی کند که به نظر کسی خیالی معلوم شود یا خیر. فرق نمی کند که تمام گروه ها و حرکت های 100 سال گذشته برای آن زمینه سازی نکردند. این نا درست است اگر بگوئیم که ازین بیش تر نماز نمی خوانیم، زیرا ظاهراً هیچ کسی به رضایت یا خوشی خود درین روز ها نماز نمی خواند. بلی، بدون شک مسلمانان در انحطاط اند، بلی تقریباً تمام حرکات اسلامی در 100 سال گذشته برای اظهار دین کار نکرده اند. بلی، حتی بعضی مسلمانان با کشتن افراد بی گناه و ایجاد فتنه بیش تر به عوض اصلاح آن، کار بسیار زشت را

انجام دادند، که شرایط میثاق که با الله سبحانه و تعالی داریم را تغییر نمی دهد. اگر زمینه آن را در زنده گی خود مساعد ساختیم، نصرت بزرگ خواهد بود و اگر تا هنگام مرگ به آن کار کردیم، آن افضل جهاد خواهد بود و احتمالاً امتیاز غربا را نصیب خواهیم شد. اگر در این راه کشته شدیم، سید الشهداء خواهیم بود، پس آیا این کافی نیست؟

و بدون شک تعیین امام برای انجام این کار به شکل درست آن بالای امت فرض می باشد. فرد گرائی مسلمانان، پدیده جدید است که بعد از استعمار و سقوط دولت اسلامی به میان آمده است. در لسان های قدیم اصطلاح فرد گرائی به رهبانیت مشهور بود.

در این مورد بعضی سوالات خلق می شود نیاز به جواب واضح دارد و بدون وضاحت آن ها برای مسلمانان غلط فهمی رخ خواهد داد.

1. رهبانیت چیست؟

2. رهبانیت و روی آوردن مسلمانان به آن

چی تأثیری بالای حکومت داری دارد؟

برای بر طرف ساختن این غلط فهمی، نیاز است تا بعضی چیزها تعریف گردد. رهبانیت تطبیق جزئی دین الله سبحانه و تعالی به خاطر ترس از حکام ظالم مخصوصاً بدون جهاد است و امر و نهی تطبیق اسلام توسط حکام و محاسبه آن ها توسط امت می باشد. به عبارۀ دیگر، رهبانیت تطبیق جزئی دین الله سبحانه و تعالی بدون بخش های سیاسی و نظامی آن می باشد که تنها بالای عبادات دینی خالص تمرکز کرده و کاملاً دنیا (که سیاست بخش اساسی آن می باشد) را ترک می کنند مخصوصاً به دلیل که یک شخص از تطبیق دین به خاطر ترس حکام عاجز می گردد. در واقع دو نوع رهبانیت وجود دارد.

شکل افراطی آن طور نیست که چیزی را منع کنی  
که الله سبحانه و تعالی هرگز منع ننموده است.

الکتاب: فتح الباری شرح صحیح البخاری  
المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل  
العسقلانی الشافعی

...الْمُرَادُ بِالسُّنَّةِ الطَّرِيقَةُ لَا الَّتِي تُقَابِلُ الْفَرَضَ  
وَالرَّغْبَةَ عَنِ الشَّيْءِ الْإِعْرَاضُ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ  
وَالْمُرَادُ مَنْ تَرَكَ طَرِيقَتِي وَأَخَذَ بِطَرِيقَةِ غَيْرِي  
فَلَيْسَ مِنِّي وَلَمْحَ بِذَلِكَ إِلَى طَرِيقِ الرَّهْبَانِيَّةِ فَإِنَّهُمْ  
الَّذِينَ ابْتَدَعُوا الشَّدِيدَ كَمَا وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى

پس یک نوع رهبانیت این است که طریقه های  
جدیدی را برای تقرب جستن به الله سبحانه و  
تعالی توسط اعمال که خواسته نشده، ابداع  
نمائی و نوع دیگر آن رها نمودن تطبیق کلی  
اسلام و تنها عمل به بخشی از آن می باشد مانند  
ترک حکم و جهاد و تمرکز محض بالای جنبه های  
روحی به شکل فردی مخصوصاً به خاطر ترس از  
جان. به هر حال؛ رهبانیت یک بدعت است که  
عیسویان ضعیف و ترسو آن را از پیش خود

ساختند، زیرا آن ها قادر به انجام قتال نبودند.  
این حالت به وضعیت بیش تر علمای مسلمان  
معاصر و حاملین دعوت صدق می کند.

صرف نظر از نظریات ما در مورد رهبانیت، حقیقت  
ریشه کلمه رهبان که از رهبانیت مشتق شده  
است، کافی است تا واقعیت آن درک گردد. رَهَبَ  
به معنی ترس با احتیاط را می گوید و رهبانیت از  
همین ریشه گرفته شده است.

الكتاب: النهاية في غريب الحديث والأثر  
المؤلف: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن  
محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني  
الجزري ابن الأثير (المتوفى: 606هـ)

رَهَبَ

(س) فِي حَدِيثِ الدُّعَاءِ «رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ»  
الرَّهْبَةُ: الخَوْفُ وَالْفَزَعُ، جَمَعَ بَيْنَ الرَّغْبَةِ  
وَالرَّهْبَةِ، ثُمَّ أَعْمَلَ الرَّغْبَةَ وَحَدَّهَا. وَقَدْ تَقَدَّمَ فِي  
الرَّغْبَةِ.

وَفِي حَدِيثِ رِضَاعِ الْكَبِيرِ «فَبَقِيَتْ سَنَةٌ لَا أُحَدِّثُ بِهَا رَهْبَةً» هَكَذَا جَاءَ فِي رِوَايَةٍ:

أَيُّ مِنْ أَجْلِ رَهْبَتِهِ، وَهُوَ مَنْصُوبٌ عَلَى الْمَفْعُولِ لَهُ، وَتَكَرَّرَتْ الرَّهْبَةُ فِي الْحَدِيثِ.

(هـ) وَفِيهِ «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ» هِيَ مِنْ رَهْبَةِ النَّصَارَى. وَأَصْلُهَا مِنَ الرَّهْبَةِ: الْخَوْفُ، كَانُوا يَتَرَهَّبُونَ بِالتَّخْلِى مِنْ أَشْغَالِ الدُّنْيَا، وَتَرَكُوا مَلَادَّهَا، وَالزُّهُدَ فِيهَا، وَالْعُزْلَةَ عَنْ أَهْلِهَا، وَتَعَمَّدُوا مَشَاقَّهَا، حَتَّى إِنَّ مِنْهُمْ مَنْ كَانَ يَخْصِي نَفْسَهُ، وَيَضَعُ السَّلْسِلَةَ فِي عُنُقِهِ، وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنْ

هم چنان ما حدیث و نظریات علما را درین مورد در دسترس داریم. رهبانیت مربوط به تمام انواع دعوت به دین الله سبحانه و تعالی به شکل فردی می شود که امر به معروف را از ترس حکام ترک می نمایند.

الكتاب: تفسير القرآن

المؤلف: أبو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزي السمعاني التميمي الحنفي ثم الشافعي (المتوفى: 489هـ)

أَنْ سَبَّ ابْتِدَاعَهُمُ الرّهْبَانِيَّةَ أَنَّ الْمُلُوكَ بَعْدَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَدَلُوا دِينَ عَيْسَى، وَقَتَّلُوا الْعِبَادَ وَالْأَخْيَارَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حِينَ دَعَوْهُمْ إِلَى الْحَقِّ؛ فَقَالَ الْأَخْيَارُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَهُمْ الَّذِينَ يَقُولُ إِنَّهُمْ وَإِنْ قَتَلْنَا لَا يَسْعُنَا الْمَقَامَ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَالسُّكُوتَ، فَلَحِقَ بَعْضُهُمْ بِالْبَرَارِيِّ وَسَاحُوا، وَبَنَى بَعْضُهُم الصَّوَامِعَ وَتَفَرَّدُوا فِيهَا لِلْعِبَادَةِ، فَكَانَ أَسْلُ الرّهْبَانِيَّةِ بِهَذَا السَّبِّ

الكتاب: الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل  
المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد،  
الزمخشري جار الله (المتوفى: 538هـ)

...والرهبانية: ترهبهم في الجبال فارين من  
الفتنة في الدين، مخلصين أنفسهم للعبادة، وذلك  
أنَّ الجبابرة ظهروا على المؤمنين بعد موت  
عيسى، فقاتلوه ثلاث مرات، فقتلوا حتى لم يبق  
منهم إلا القليل، فخافوا أن يفتنوا في دينهم،  
فاختاروا الرهبانية: ومعناها الفعلة المنسوبة إلى  
الرهبان، «وهو الخائف: فعلان من رهب،  
كخشيان من خشى. وقرئ: ورهبانية بالضم،  
كأنها نسبة إلى الرهبان: وهو جمع راهب كراكب  
وركبان،

Hadith

وَرُوِيَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : كُنْتُ  
رَدِيفَ النَّبِيِّ عَلَى حِمَارٍ ، فَقَالَ لِي : " يَا بْنَ أُمِّ عَيْدٍ ،  
هَلْ تَدْرِي مِنْ أَيْنَ اتَّخَذْتُ بَنُو إِسْرَائِيلَ الرَّهْبَانِيَّةَ ؟  
" قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ .

قَالَ : " ظَهَرَتْ عَلَيْهِمُ الْجَبَابِرَةُ بَعْدَ عَيْسَى عَلَيْهِ  
السَّلَامُ يَعْمَلُونَ بِالْمَعَاصِي ، فَعَضِبَ أَهْلُ الْإِيمَانِ ،  
فَقَاتَلُوهُمْ ، فَهَزِمَ أَهْلُ الْإِيمَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، فَلَمْ يَبْقَ  
مِنْهُمْ إِلَّا الْقَلِيلُ ، فَقَالُوا : إِنْ ظَهَرْنَا لَهُؤُلَاءِ أَفْنُونًا ،  
وَلَمْ يَبْقَ لِلدَّيْنِ أَحَدٌ يُدْعُو لَهُ ، فَقَالُوا : تَعَالَوْا نَتَفَرَّقْ  
فِي الْأَرْضِ إِلَى أَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ النَّبِيَّ الَّذِي وَعَدْنَا بِهِ  
عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ، يَعْزُونَ : مُحَمَّدًا فَتَفَرَّقُوا فِي  
غَيْرَانِ الْجِبَالِ ، وَأَحْدَثُوا رَهْبَانِيَّةً ، فَمِنْهُمْ مَنْ  
تَمَسَّكَ بِدِينِهِ ، وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : فِ  
وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا " الْآيَةَ فَفَاتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا  
مِنْهُمْ ق

هَلْ سَمِعْتَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقَتْ عَلَى اثْنَيْنِ  
وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ، لَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثُ فِرَقٍ ..... ثُمَّ  
قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ ، وَلَمْ  
تُطِقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ ، فَلَجَّحَتْ بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ  
وَتَرَهَّبَتْ ، فَهَمَّ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً  
ابْتَدَعُوهَا

إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقَتْ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ  
فِرْقَةً، وَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ  
فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ، إِلَّا وَاحِدَةً وَهِيَ الْجَمَاعَةُ

مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ،  
فَإِنَّهُ مِنْ **فَارَقِ الْجَمَاعَةَ** شَبْرًا فَمَاتَ

إِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَالْفُذُ مَعَ الشَّيْطَانِ

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْكُنَ بِحُبُوحَةِ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزَمْ الْجَمَاعَةَ،  
فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ

مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامُ جَمَاعَةٍ، فَإِنَّ مَوْتَهُ  
مَوْتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ

الكتاب: المنهاج في شعب الإيمان

المؤلف: الحسين بن الحسن بن محمد بن حليم  
البخاري الجرجاني، أبو عبد الله الحليمي  
(المتوفى: 403 هـ)

النصارى كانت تترهب بالتخلي عن إشغال  
الدنيا، فلا تخل أكثر من بذل النفس في سبيل الله  
فتقتل. وأيضًا فإن أولئك المترهبة كانوا يزعمون  
أنهم إنما يخلون بالصوامع والأديرة لئلا يؤذوا  
أحدًا، ولا أذى أشد من ترك المبطل على باطله،  
لأن ذلك يعرضه للنار. فإن لم تكن الرهبانية دفع  
الأذى عن الناس، فالجهاد دافع عن المجاهدين،

أعظم الأذى فهو الرهبانية إذا لا يتوهمه  
النصارى والله أعلم

با در نظر داشت احادیث ذیل و دیگر احادیث که  
در مورد امر به معروف و فتنه آمده ما به آسانی می  
توانیم به همین نتیجه برسیم. ما تنها به ذکر  
تعداد آن ها اکتفا می کنیم.

a. وَلَا يُقَرَّبُ أَجْلًا، وَإِنَّ الْأَجْبَارَ مِنَ  
الْيَهُودِ، وَالرُّهْبَانِ مِنَ النَّصَارَى لَمَّا  
تَرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ، ثُمَّ  
عُمُوا بِالْبَلَاءِ

b. عَلَيْنَا بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ  
الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ

c. إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرْكُمْ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ  
: عَلَيْنَا بِالْجِهَادِ، وَالسَّمْعِ، وَالطَّاعَةِ،  
وَالهَجْرَةِ، فَمَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ قَوْسٍ  
لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ وَلَا صِيَامٌ، وَأَوْلَانِكَ  
هُمْ وَقُودُ النَّارِ

d. وَمَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا،  
فَعَلَيْكُمْ بِمَا عَرَفْتُمْ مِنْ سُنَّتِي وَسُنَّةِ

الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ، وَعَلَيْكُمْ  
بِالطَّاعَةِ، وَإِنَّ عَبْدًا حَبَشِيًّا عَضُوا عَلَيْهَا  
بِالنَّوَاجِذِ

e. ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ

بِالْقِتَالِ، وَلَمْ تُطِقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَجَعَتْ  
بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ وَتَرَهَّيَتْ، فَهُمْ الَّذِينَ  
ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا

f. مَنْ فَارَقَ أُمَّةً، أَوْ عَادَ أَعْرَابِيًّا بَعْدَ

هَجْرَتِهِ فَلَا حُجَّةَ لَهُ

g. وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَنْ

خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ

h. إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَ رَجُلٍ جَمَاعًا يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ

عَصَا الْمُسْلِمِينَ، وَيُفَرِّقَ جَمْعَهُمْ فَاقْتُلُوهُ

i. إِذَا خَرَجَ عَلَيْكُمْ خَارِجٌ وَأَنْتُمْ مَعَ رَجُلٍ

جَمِيعًا يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ

وَيُفَرِّقَ جَمْعَهُمْ، فَاقْتُلُوهُ

j. ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ

بِالْقِتَالِ، وَلَمْ تُطِقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَجَعَتْ

بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ وَتَرَهَّيَتْ، فَهُمْ الَّذِينَ

ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا

k. مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ جَمَاعَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَلَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ فِي غَيْرِ طَاعَةٍ

مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً "

1. وَمَنْ مَاتَ قَدْ نَزَعَ يَدًا مِنْ بَيْعَةٍ، كَانَ

عَلَى ضَلَالٍ

m. وَمَنْ مَاتَ مُفَارِقًا لِلْجَمَاعَةِ، مَاتَ مَيْتَةً

جَاهِلِيَّةً

عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ حَيَّانَ ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ  
اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ  
يَوْمٍ : " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ ! " قُلْتُ : لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ  
اللَّهِ ، قَالَ :

.... هَلْ سَمِعْتَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقَتْ عَلَى اثْنَيْنِ  
وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، لَمْ يَنْجُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثٌ فِرَقٍ،  
فِرْقَةٌ مِنْهُمْ قَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بَعْدَ عِيسَى  
بْنِ مَرْيَمَ، فَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ  
مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَبَرْتُ حَتَّى لَحِقْتُ بِاللَّهِ  
فَنَجَّتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ،  
فَقَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بِالْقِسْطِ، وَدَعَتْ إِلَى  
دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
فَأَخَذَتْ فَفُطِعَتْ بِالْمَنَاشِيرِ، وَحُرِّقَتْ بِالنَّيْرَانِ،  
فَصَبَرْتُ حَتَّى لَحِقْتُ بِاللَّهِ فَنَجَّتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ،  
وَلَمْ تُطِقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَحِقَتْ بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ

وَتَرَهَّبْتُ، فَهُمْ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً  
ابْتَدَعُوهَا

بخش انحرافی رهبانیت را در میان بعضی هندو  
ها و مسلمانان هندی مشاده می کنیم که خود را  
فقیر می نامند. در اسلام ناجی فرد گرا اصلاً وجود  
ندارد، اما حد اقل گروه ناجی وجود دارد.

حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ هِشَامٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا جَعْفَرٌ ، حَدَّثَنَا بَرِيدُ بْنُ  
الْأَصَمِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ ذَكَرَ حَدِيثًا  
رَوَاهُ، عَنِ النَّبِيِّ لَمْ أَسْمَعْهُ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ حَدِيثًا غَيْرَهُ، أَنَّ  
النَّبِيَّ قَالَ :

مَنْ يُرِدْ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ، وَلَا تَزَالُ عَصَابُهُ مِنْ  
الْمُسْلِمِينَ، يُفَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَارَاهُمْ إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ النَّتَوَخِيُّ أَبُو الْجَمَاهِرِ ، حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ  
بْنُ حُمَيْدٍ ، أَخْبَرَنِي الْعَلَاءُ بْنُ الْحَارِثِ ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ ، عَنْ أَبِي أُمَامَةَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ انْدُنْ  
لِي فِي السِّيَاحَةِ، قَالَ النَّبِيُّ: " إِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى "

## نظريات بعضى علما در مورد فرضيت نظام حكومت دارى اسلام

1. إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي  
(المتوفى: 476هـ)

a. الإمامة فرض على الكفاية

2. محمد بن أحمد بن رشد القرطبي  
(المتوفى: 520هـ)

a. ولا اختلاف بين الأمة في

**وجوب الإمامة** ولزوم طاعة  
الإمام.

b. ولا اختلاف بين أحد من

العلماء في وجوب الإمامة  
ولزوم طاعة الإمام

3. شمس الدين القرطبي (المتوفى:  
671هـ)

a. أَحْكَامُ الْخَلِيفَةِ. وَلَا خِلَافَ فِي

وَجُوبِ ذَلِكَ بَيْنَ الْأُمَّةِ وَلَا  
بَيْنَ الْأَيْمَةِ

b. فَدَلَّ عَلَى وُجُوبِهَا وَأَنَّهَا رُكْنٌ

مِنْ أَرْكَانِ الدِّينِ الَّذِي بِهِ قَوَامُ  
المُسْلِمِينَ

4. أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف  
النووي (المتوفى: 676هـ)

a. قُلْتُ: تَوَلَّى الْإِمَامَةَ فَرَضُ  
كَفَايَةِ

5. أبو العباس شهاب الدين أحمد بن  
إدريس بن عبد الرحمن المالكي الشهير  
بالقرافي (المتوفى: 684هـ)

a. وَأَنَّ نَصَبَ الْإِمَامِ لِلأُمَّةِ  
وَاجِبٌ

6. أبو حفص سراج الدين عمر بن علي  
بن عادل الحنبلي الدمشقي النعماني  
(المتوفى: 775هـ)

a. هذه الآية دليلٌ على وجوب  
نصب إمام وخليفة يسمع له  
ويطاع

7. أبو عبد الله المواق المالكي (المتوفى:  
897هـ)

a. (وَالْإِمَامَةُ) قَالَ إِمَامُ الْخَرَمِيِّينَ  
أَبُو الْمَعَالِي: لَا يُسْتَدْرَكُ  
بِمُوجِبَاتِ الْعُقُولِ نَصَبُ إِمَامٍ  
وَلَكِنْ يَتَّبَعُ بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ  
وَأَدِلَّةِ السَّمْعِ وَجُوبُ نَصَبِ  
إِمَامٍ فِي كُلِّ عَصْرِ

8. أحمد بن محمد بن علي بن حجر  
الهيتمي السعدي الأنصاري، شهاب

الدين شيخ الإسلام، أبو العباس

(المتوفى: 974هـ)

a. اعلم أيضا أن الصحابة

رضوان الله تعالى عليهم

أجمعين أجمعوا على أن

نصب الإمام بعد انقراض

زمن النبوة واجب بل جعلوه

أهم الواجبات حيث اشتغلوا

به عن دفن رسول الله صلى

الله عليه وسلم

9. الرملي (المتوفى: 1004هـ)

a. (فرض على الناس إمام

ينصب) أى أنه يجب على

الناس نصب إمام.....

b. ذلك لإجماع الصحابة بعد

وفاته صلى الله عليه وسلم

على نصبه حتى جعلوه أهم

الواجبات وقدموه على دفنه

صلى الله عليه وسلم ولم تزل

الناس في كل عصر على

ذلك

10. : منصور بن يونس البهوتي الحنبلي

(المتوفى: 1051هـ)

a. (وَنَصَبُ الْإِمَامِ فَرَضٌ كِفَايَةٌ)

: لِحَاجَةِ النَّاسِ

11. د وهبة بن مصطفى الزحيلي

a. أحكام الخليفة. ولا خلاف

بين العلماء في وجوب ذلك،

إلا ما روي عن أبي بكر

الأصم من المعتزلة

12. شمس الدين، أبو العون محمد بن أحمد

بن سالم السفاريني الحنبلي (المتوفى):

(1188هـ)

a. قَالَ عَلَمًاؤُنَا كَغَيْرِهِمْ: نَصَبُ

الْإِمَامِ الْأَعْظَمِ فَرَضٌ كِفَايَةٌ

لِأَنَّ الصَّحَابَةَ - رَضِيَ اللَّهُ

عَنْهُمْ - أَجْمَعُوا عَلَى أَنَّ

نَصْبَهُ وَاجِبٌ بَعْدَ انْقِرَاضِ

زَمَنِ النَّبُوَّةِ، بَلْ جَعَلُوهُ أَهَمَّ

الْوَاجِبَاتِ حَيْثُ اشْتَعَلُوا بِهِ

عَنْ دَفْنِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

المؤلف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن رشد

القرطبي (المتوفى: 520هـ)

الكتاب: البيان والتحصيل والشرح والتوجيه

والتعليق لمسائل المستخرجة

## [ما يزرع الإمام الناس]

فيما يزرع الإمام الناس قال مالك: بلغني أن عثمان بن عفان قال: ما يزرع الإمام الناس أكثر مما يزرعهم القرآن، قال: يزرعهم يكفهم.

قال محمد بن رشد: المعنى في هذا أن الذين ينتهون من الناس عن محارم الناس مخافة السلطان، أكثر من الذين ينتهون عنها لأمر الله، ففي الإمام صلاح الدين والدنيا، ولا اختلاف بين الأمة في وجوب الإمامة ولزوم طاعة الإمام.

## [ما يزرع الله بالإمام]

فيما يزرع الله بالإمام قال وقال مالك قال العبد الصالح عثمان بن عفان: ما يزرع الإمام أكثر مما يزرع القرآن، يعني ما يكف الناس عنه بالحدود.

قال محمد بن رشد: تفسير مالك لقول عثمان صحيح، والمعنى فيه أن الذين ينتهون من الناس عن محارم الله مخافة السلطان أكثر من الذين ينتهون عنها انتهاء لأمر الله عز وجل، ففي الإمام صلاح الدين والدنيا. ولا اختلاف بين أحد من العلماء في وجوب الإمامة ولزوم طاعة الإمام. وقد مضى هذا في رسم نذر سنة من سماع ابن القاسم، وبالله التوفيق.

شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ)  
الكتاب: الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي

هَذِهِ الْآيَةُ أَصْلُ فِي نَصَبِ إِمَامٍ وَخَلِيفَةٍ يُسْمَعُ لَهُ  
وَيُطَاعُ، لِتَجْتَمِعَ بِهِ الْكَلِمَةُ، وَتَنْفُذَ بِهِ أَحْكَامَ الْخَلِيفَةِ.  
وَلَا خِلَافَ فِي وُجُوبِ ذَلِكَ بَيْنَ الْأُمَّةِ وَلَا بَيْنَ  
الْأَيْمَةِ إِلَّا مَا رُوِيَ عَنِ الْأَصَمِّ

وَأَجْمَعَتِ الصَّحَابَةُ عَلَى تَقْدِيمِ الصِّدِّيقِ بَعْدَ  
اِخْتِلَافٍ وَقَعَ بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فِي سَقِيْفَةِ  
بَنِي سَاعِدَةَ فِي التَّعْيِينِ، حَتَّى قَالَتِ الْأَنْصَارُ: مَنْ  
أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ، فَدَفَعَهُمْ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ  
وَالْمُهَاجِرُونَ عَنْ ذَلِكَ، وَقَالُوا لَهُمْ: إِنَّ الْعَرَبَ لَا  
تَدِينُ إِلَّا لِهَذَا الْحَيِّ مِنْ قُرَيْشٍ، وَرَوَوْا لَهُمُ الْخَبَرَ  
فِي ذَلِكَ، فَرَجَعُوا وَأَطَاعُوا لِقُرَيْشٍ. فَلَوْ كَانَ  
فَرَضُ الْإِمَامَةِ غَيْرَ وَاجِبٍ لَا فِي قُرَيْشٍ وَلَا فِي  
غَيْرِهِمْ لَمَا سَاعَتُ هَذِهِ الْمُنَاطَرَةُ وَالْمَحَاوَرَةُ  
عَلَيْهَا، وَلَقَالَ قَائِلٌ: إِنَّهَا لَيْسَتْ بِوَاجِبَةٍ لَا فِي  
قُرَيْشٍ وَلَا فِي غَيْرِهِمْ، فَمَا لِنَتَّازِعَكُمْ وَجْهٌ وَلَا  
قَائِدَةٌ فِي أَمْرِ لَيْسَ بِوَاجِبٍ ثُمَّ إِنَّ الصِّدِّيقَ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ لَمَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ عَهْدَ إِلَى عُمَرَ فِي  
الْإِمَامَةِ، وَلَمْ يَقُلْ لَهُ أَحَدٌ هَذَا أَمْرٌ غَيْرٌ وَاجِبٍ عَلَيْنَا  
وَلَا عَلَيْكَ، فَدَلَّ عَلَى وُجُوبِهَا وَأَنَّهَا رُكْنٌ مِنْ  
أَرْكَانِ الدِّينِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ الْمُسْلِمِينَ

المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف  
النوي (المتوفى: 676هـ)

الكتاب: روضة الطالبين وعمدة المفتين

كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَقِتَالُ الْبُعَاةِ  
الْفَصْلُ الثَّانِي: فِي جُوبِ الْإِمَامَةِ وَبَيَانِ طُرُقِهَا،  
لَا بُدَّ لِلْأُمَّةِ مِنْ إِمَامٍ يُقِيمُ الدِّينَ، وَيَنْصُرُ السُّنَّةَ،  
وَيَنْتَصِفُ لِلْمَظْلُومِينَ، وَيَسْتَوْفِي الْحُقُوقَ وَيَضَعُهَا  
مَوَاضِعَهَا.

قُلْتُ: تَوَلَّى الْإِمَامَةَ فَرَضُ كِفَايَةِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَنْ  
يَصْلُحُ إِلَّا وَاحِدًا، تَعَيَّنَ عَلَيْهِ وَلَزِمَهُ طَلِبُهَا إِنْ لَمْ  
يَبْتَدِئُوهُ. وَاللَّهُ أَعْلَمُ.

المؤلف: أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف  
الشيرازي (المتوفى: 476هـ)

الكتاب: التنبيه في الفقه الشافعي

باب أدب السلطان

الإمامة فرض على الكفاية فإن لم يكن من يصلح  
الا واحد تعين عليه ويلزمه طلبها وإن امتنع أجبر  
عليها

الكتاب: الذخيرة

المؤلف: أبو العباس شهاب الدين أحمد بن إدريس  
بن عبد الرحمن المالكي الشهير بالقرافي  
(المتوفى: 684هـ)

وَأَنَّ نَصَبَ الْإِمَامِ لِلْأُمَّةِ وَاجِبٌ مَعَ الْقُدْرَةِ وَأَنَّهُ  
مَوْكُولٌ إِلَى أَهْلِ الْحَلِّ وَالْعَقْدِ دُونَ النَّصِّ وَأَنَّهُ مِنْ  
فُرُوضِ الْكِفَايَةِ

المؤلف: أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن  
عادل الحنبلي الدمشقي النعماني (المتوفى:  
775هـ)

الكتاب: اللباب في علوم الكتاب

هذه الآية دليلٌ على وجوب نصب إمام وخليفة  
يسمع له ويُطَاع

أبو عبد الله المواق المالكي (المتوفى: 897هـ)  
الكتاب: التاج والإكليل لمختصر خليل

(وَالْإِمَامَةُ) قَالَ إِمَامُ الْحَرَمَيْنِ أَبُو الْمَعَالِي: لَا  
يُسْتَدْرَكُ بِمُوجِبَاتِ الْعُقُولِ نَصَبُ إِمَامٍ وَلَكِنْ يَثْبُتُ  
بِاجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ وَأَدْلَةُ السَّمْعِ وَجُوبُ نَصَبِ إِمَامٍ  
فِي كُلِّ عَصْرِ يَرْجِعُ إِلَيْهِ فِي الْمَلِمَاتِ وَتَفَوُّضُ إِلَيْهِ  
الْمَصَالِحِ الْعَامَّةِ (وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ) قَالَ إِمَامُ  
الْحَرَمَيْنِ: قَدْ جَرَى رَسْمُ الْمُتَكَلِّمِينَ بِذِكْرِ بَابِ  
الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فِي الْأَصُولِ

وَهُوَ بِمَجَالِ الْفِقْهِ أَجْدَرُ، فَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ  
وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ بِالْإِجْمَاعِ عَلَى الْجُمْلَةِ  
إِلَّا مَا اخْتَصَّ مُدْرِكُهُ بِالْإِجْتِهَادِ، فَلَيْسَ الْقَوْلُ فِيهِ  
أَمْرٌ وَنَهْيٌ بَلْ الْأَمْرُ فِيهِ مَوْكُولٌ إِلَى أَهْلِ الْإِجْتِهَادِ.  
ثُمَّ لَيْسَ بِالْمُجْتَهِدِ أَنْ يَعْتَرِضَ عَلَى مُجْتَهِدٍ آخَرَ فِي  
مَوْضِعِ الْخِلَافِ إِذْ كُلُّ مُجْتَهِدٍ فِي الْفُرُوعِ مُصِيبٌ  
عِنْدَنَا، وَمَنْ قَالَ الْمُصِيبُ وَاحِدٌ فَهُوَ غَيْرُ مُتَعَيِّنٍ،  
ثُمَّ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ فَرَضٌ عَلَى الْكُفَايَةِ وَاللَّامِرُ  
بِالْمَعْرُوفِ أَنْ يَصُدَّ مُرْتَكِبَ الْكَبِيرَةِ بِفِعْلِهِ إِنْ لَمْ  
يُنْذَفِعْ عَنْهَا بِقَوْلِهِ، وَيَسُوعُ لِأَحَادِ الرَّعِيَّةِ ذَلِكَ مَا  
لَمْ يَنْتَهِ الْأَمْرُ إِلَى شَهْرِ السَّلَاحِ، فَإِذَا انْتَهَى الْأَمْرُ  
بِذَلِكَ إِلَى ذَلِكَ رُبِطَ الْأَمْرُ بِالسُّلْطَانِ.

الكتاب: غاية الوصول في شرح لب الأصول  
المؤلف: زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا  
الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنيكي  
(المتوفى: 926هـ)

(ويجب على الناس نصب إمام) يقوم بمصالحهم  
كسَدِّ الثغور وتجهيز الجيوش وقهر المتغلبة  
والمتلصصة لإجماع الصحابة بعد وفاة النبي  
صلى الله عليه وسلّم على نصبه حتى جعلوه أهم  
الواجبات، وقدّموه على دفنه صلى الله عليه وسلّم  
ولم يزل الناس في كل عصر على ذلك

شمس الدين محمد بن أبي العباس الرملي  
(المتوفى: 1004هـ)

الكتاب: غاية البيان شرح زيد ابن رسلان  
(فرض على النَّاسِ إِمَامٌ يَنْصَبُ) أَي أَنَّهُ يَجِبُ  
عَلَى النَّاسِ نَصْبُ إِمَامٍ يَقُومُ بِمَصَالِحِهِمْ كِتْفِيذِ  
أَحْكَامِهِمْ وَإِقَامَةَ حُدُودِهِمْ وسد ثغورهم وتجهيز  
جيوشهم وَأَخَذَ صَدَقَاتِهِمْ إِنْ دَفَعُوهَا وَقَهْرَ الْمُتَغَلِّبَةِ  
وَالْمُتَلَصِّصَةِ وَقَطَاعَ الطَّرِيقِ وَقَطْعَ الْمَنَازِعَاتِ  
بَيْنَ الْخُصُومِ وَقِسْمَةَ الْأَعْنَانِمْ وَغَيْرَ ذَلِكَ لِإِجْمَاعِ  
الصَّحَابَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى  
نَصْبِهِ حَتَّى جَعَلُوهُ أَهْمَ الْوَاجِبَاتِ وَقَدَمُوهُ عَلَى  
دَفْنِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ تَزَلِ النَّاسُ فِي كُلِّ  
عَصْرٍ عَلَى ذَلِكَ

الكتاب: رسالة رد الروافض  
المؤلف: أحمد بن عبد الأحد بن زين العابدين،  
العمرى الفاروقى نسباً، السُّرْهَنْدِيّ مولداً ووطناً،  
الحنفى مذهباً (المتوفى: 1034هـ)

والصحابه رضي الله عنهم بعد وفاة النبي - صلى  
الله عليه وسلم - قبل دفنه إنما اشتغلوا بنصب  
الإمام لأنهم رأوه واجبا بعد انقراض زمان النبوة  
بل أهم الواجبات، وذلك لأنه - صلى الله عليه  
وسلم - أمر بإقامة الحدود وسد الثغور وتجهيز

الجيوش وجهاد الكفار وحفظ بيضة الإسلام وذلك لا يتأتى إلا بنصب الإمام، وما لا يتأتى الواجب المطلق إلا به وكان مقدورا فهو واجب

: منصور بن يونس البهوتي الحنبلي (المتوفى: 1051هـ)

الكتاب: دقائق أولي النهى لشرح المنتهى المعروف بشرح منتهى الإرادات (وَنَصَبُ الْإِمَامِ فَرَضٌ كِفَايَةٌ) ; لِحَاجَةِ النَّاسِ لِذَلِكَ لِحِمَايَةِ الْبَيْضَةِ وَالذَّبِّ عَنِ الْحَوَازَةِ وَإِقَامَةِ الْحُدُودِ وَاسْتِيفَاءِ الْحُقُوقِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَخَاطَبُ بِذَلِكَ مَنْ تَوَجَّدَ فِيهِ شَرَائِطُ الْإِمَامَةِ حَتَّى يَنْتَصِبَ أَحَدُهُمْ لَهَا وَتَأْتِي شُرُوطُهَا، وَأَهْلُ الْإِجْتِهَادِ حَتَّى يَخْتَارُوا وَشَرَطَهُمْ: الْعَدَالَةُ وَالْعِلْمُ الْمُوَصِّلُ إِلَى مَعْرِفَةِ مُسْتَحِقِّ الْإِمَامَةِ وَأَنْ يَكُونُوا مِنْ أَهْلِ الرَّأْيِ وَالتَّنْذِيرِ الْمُؤَدِّينَ إِلَى اخْتِيَارِ مَنْ هُوَ لِلْإِمَامَةِ أَصْلَحُ (وَيَنْبُتُ) نَصَبُ إِمَامٍ (بِاجْتِمَاعِ) أَهْلِ الْحَلِّ وَالْعَقْدِ عَلَى اخْتِيَارِ صَالِحٍ لَهَا مَعَ إِجَابَتِهِ كَخِلَافَةِ الصِّدِّيقِ فَيَلْزَمُ كَافَّةَ الْأُمَّةِ الدُّخُولُ فِي بَيْعَتِهِ وَالْإِنْفِيَادُ لِبَطَاعَتِهِ.

الكتاب: حاشية العطار على شرح الجلال المحلي على جمع الجوامع المؤلف: حسن بن محمد بن محمود العطار الشافعي (المتوفى: 1250هـ)

(وَيَجِبُ عَلَى النَّاسِ نَصْبُ إِمَامٍ) يَقُومُ بِمَصَالِحِهِمْ  
كَسَدِّ الثُّغُورِ وَتَجْهِيزِ الْجُيُوشِ وَقَهْرِ الْمُتَغَلِّبَةِ  
وَالْمُتَلَصِّصَةِ وَقَطَاعِ الطَّرِيقِ وَغَيْرِ ذَلِكَ لِإِجْمَاعِ  
الصَّحَابَةِ بَعْدَ وَفَاةِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -  
عَلَى نَصْبِهِ حَتَّى جَعَلُوهُ أَهَمَّ الْوَاجِبَاتِ وَقَدَّمُوهُ  
عَلَى دَفْنِهِ

الكتاب: الأصل الجامع لإيضاح الدرر المنظومة  
في سلك جمع الجوامع  
المؤلف: حسن بن عمر بن عبد الله السيناوي  
المالكي (المتوفى: بعد 1347هـ)

ويجب على الناس نصب امام ولو مفضولا أي  
ويجب على الناس نصب امام يقوم بمصالحهم  
كسد الثغور وتجهيز الجيوش وقهر المتغلبة  
والمتلصصة وقطاع الطريق وغير ذلك لاجماع  
الصحابه بعد النبي صلى الله عليه وسلم على  
نصبه حتى جعلوه اهم الواجبات وقدموه على  
دفنه

الكتاب: شرح ثلاثة الأصول  
المؤلف : عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى  
: 1420هـ)

وهذه هي المسألة الثالثة وهي من أهم الواجبات  
أن يعلم كل مسلم ومسلمة أنه لا يجوز له أن يوالي

المشركين أو يحبهم. فكل من أطاع الله ورسوله  
ووجد الله جل وعلا يلزمه أن يعادي الكفار  
ويبغضهم في الله, ولا يجوز له موالاتهم ومحبتهم

المؤلف: ناصر بن علي عائض حسن الشيخ

الكتاب: عقيدة أهل السنة والجماعة في الصحابة  
الكرام رضي الله عنهم (أصل الكتاب رسالة  
دكتوراه)

إليه في أمورهم وكذلك في كل عصر من  
الأعصار واستقر ذلك إجماعاً دالاً على وجوب  
نصب الإمام.

ومما تقدم تبين أن الصحابة رضي الله عنهم  
أجمعوا على أن نصب الإمام بعد انقراض زمن  
النبوة واجب بل جعلوه رضي الله عنهم من أهم  
الواجبات حيث اشتغلوا به عن دفن رسول الله  
صلى الله عليه وسلم واختلافهم رضي الله عنهم  
في التعيين لا تأثير له على الإجماع المذكور.

المؤلف : د وهبة بن مصطفى الزحيلي

الكتاب : التفسير المنير في العقيدة والشريعة  
والمناهج

ثم إن هذه الآية أصل في نصب إمام حاكم، وخليفة يسمع له ويطاع، لتجتمع به الكلمة، وتنفذ به أحكام الخليفة. ولا خلاف بين العلماء في وجوب ذلك، إلا ما روي عن أبي بكر الأصم من المعتزلة أنه قال: الإمامة غير واجبة في الدين

## Ahadith

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ سُلَيْمَانَ الرَّازِيُّ ، قَالَ : سَمِعْتُ زَكَرِيَّا بْنَ سَلَامٍ يُحَدِّثُ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ رَجُلٍ قَالَ : انْتَهَيْتُ إِلَى النَّبِيِّ وَهُوَ يَقُولُ :

" أَيُّهَا النَّاسُ ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ ، أَيُّهَا النَّاسُ ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ " ، ثَلَاثَ مَرَارٍ ، قَالَهَا إِسْحَاقُ

مَعْرُوفٍ ، عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ حَيَّانَ ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ : " يَا ابْنَ مَسْعُودِ ! " فُلْتُ : لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ :

" هَلْ تُدْرِي مَا أُوتِنَا **عَرَى الْإِيمَانَ**؟، قَالَ :  
الْوَلَايَةُ فِي اللَّهِ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ  
 "، ثُمَّ قَالَ : " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ " ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ  
 ذَلِكَ أَقُولُ : لَيْبِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : " هَلْ تُدْرِي  
 أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ " قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
 قَالَ : " إِذَا مَا هُمْ عَرَفُوا الدِّينَ أَحْسَنُهُمْ عَمَلًا "،  
 ثُمَّ قَالَ : " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ " ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ ذَلِكَ  
 أَقُولُ : لَيْبِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : " هَلْ تُدْرِي أَيُّ  
الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمُ؟ " قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ :  
 " إِذَا اخْتَلَفُوا، وَشَبَّكَ رَسُولُ اللَّهِ أَصَابِعَهُ،  
أَبْصَرَهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِي عِلْمِهِ تَقْصِيرٌ، ( )  
**أَبْصَرَ النَّاسَ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ** ) وَإِنْ  
 كَانَ يَزْحَفُ عَلَى اسْتِنِهِ زَحْفًا "، ثُمَّ قَالَ : " يَا ابْنَ  
 مَسْعُودٍ " ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ ذَلِكَ أَقُولُ : لَيْبِكَ  
 رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : " هَلْ سَمِعْتَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ  
 افْتَرَقَتْ عَلَى اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، لَمْ يَنْجُ مِنْهُمْ إِلَّا  
 ثَلَاثُ فِرَقٍ،

فِرْقَةٌ مِنْهُمْ قَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بَعْدَ عَيْسَى  
 بِنِ مَرْيَمَ، فَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عَيْسَى بِنِ  
 مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَبَّرَتْ حَتَّى لَحِقَتْ بِاللَّهِ  
 فَتَجَّتْ .

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ،  
فَقَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بِالْقِسْطِ، وَدَعَتْ إِلَى  
دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
فَأَخَذَتْ فَقُطِعَتْ بِالْمَنَاشِيرِ، وَحُرِّقَتْ بِالنَّيِّرَانِ،  
فَصَبَرَتْ حَتَّى لَحِقَتْ بِاللَّهِ فَنَجَتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ،  
وَلَمْ تُطِقِ الْقِيَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَحِقَتْ بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ  
وَتَرَهَّبَتْ، فَهُمْ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةٌ  
ابْتَدَعُوهَا، مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ  
أَجْرُهُمْ فَهُمْ الَّذِينَ آمَنُوا بِي وَصَدَّقُونِي، وَكَثِيرٌ  
مِنْهُمْ فَاسِقُونَ الَّذِينَ لَمْ يُؤْمِنُوا بِي وَلَمْ يُصَدِّقُونِي،  
وَهُمُ الَّذِينَ لَمْ يَرَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، وَهُمْ الَّذِينَ  
فَسَفَهُمُ اللَّهُ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ خَلَادٍ الْقَطَّانُ الْبَصْرِيُّ  
، حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ الْأُبَلِيُّ ، حَدَّثَنَا الصَّعْقُ  
بْنُ حَزْنٍ ، عَنْ عَقِيلِ الْجَعْدِيِّ ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ  
الْهَمْدَانِيِّ ، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ : دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ : " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ  
أَيُّ عَرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟"، قُلْتُ : اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
قَالَ :

**أَوْثَقُ عَرَى الْإِسْلَامِ : الْوَلَايَةُ فِي اللهِ، وَالْحُبُّ**  
فِي اللهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللهِ، ثُمَّ قَالَ : يَا ابْنَ مَسْعُودٍ،  
قُلْتُ : لَيْبِكَ يَا رَسُولَ اللهِ، قَالَ : أَتَدْرِي أَيُّ النَّاسِ  
أَفْضَلُ؟، قُلْتُ : اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ : **فَإِنَّ أَفْضَلَ**  
**النَّاسِ أَفْضَلُهُمْ عَمَلًا إِذَا فَفَهُوا فِي دِينِهِمْ،** ثُمَّ قَالَ  
: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، قُلْتُ : لَيْبِكَ يَا رَسُولَ اللهِ، قَالَ :  
أَتَدْرِي أَيُّ النَّاسِ أَعْلَمُ؟، قُلْتُ : اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
قَالَ : **إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ بِالْحَقِّ، إِذَا اخْتَلَفَ**  
**النَّاسُ وَإِنْ كَانَ مُقْصِرًا فِي عَمَلِهِ،** وَإِنْ كَانَ  
يَرْحَفُ عَلَى اسْتِهِ رَحْفًا، وَاخْتَلَفَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ  
عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً نَجَا مِنْهَا ثَلَاثٌ، وَهَلَاكَ  
سَائِرُهُنَّ،

- فِرْقَةٌ أَرَبَتِ الْمُلُوكَ وَقَاتَلُوهُمْ عَلَى دِينِهِمْ  
وَدِينِ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
فَأَخَذُوهُمْ فَقَتَلُوهُمْ وَتَسَرَّوهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ،  
with saw

- وَفِرْقَةٌ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ طَاقَةٌ بِمُورَاةِ الْمُلُوكِ  
وَلَا أَنْ يُقِيمُوا بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ يَدْعُوهُمْ

إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ،  
فَسَاحُوا فِي الْأِبْلَادِ وَتَرَهَّبُوا وَهُمْ الَّذِينَ  
قَالَ اللَّهُ: فَرْهَاتِيئَهُ ابْتَدَعُوا مَا  
كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ

### 1. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. يَوْمٌ مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ أَفْضَلُ مِنْ

عِبَادَةٍ سِتِّينَ سَنَةً

b. وَحَدٌّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ بِحَقِّهِ

أَرْكَى فِيهَا مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ

يَوْمًا "

### 2. عَنْ ابْنِ عَمَرَ

a. إِقَامَةُ حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ خَيْرٌ

مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً

### 3. أَبَا هُرَيْرَةَ

a. لَعْدْلُ الْعَامِلِ فِي رَعِيَّتِهِ يَوْمًا

وَاحِدًا أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ

فِي أَهْلِهِ مِائَةَ عَامٍ

b. عَدْلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ

سِتِّينَ سَنَةً، قِيَامَ لَيْلِهَا، وَصِيَامَ

نَهَارِهَا

c. حَدُّ يُعْمَلُ فِي الْأَرْضِ خَيْرٌ

لِلْأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ أَنْ يُمَطَّرُوا

ثَلَاثِينَ صَبَاحًا

d. وَجُورُ سَاعَةٍ فِي حُكْمِ أَسَدٌ

وَأَعْظَمُ مِنْ مَعْصِيَةِ سِتِّينَ

سَنَةً

e. أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ

وَيُدْخِلَكُمُ الْجَنَّةَ؟ اغْرُزُوا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ، مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ فُوقَ نَاقَةٍ، وَجَبَتْ لَهُ

الْجَنَّةُ

4. عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ

a. لَمْ وَقِفْ سَاعَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الرَّجُلِ سِتِّينَ

سَاعَةً

b. مَقَامُ الرَّجُلِ فِي الصَّفِّ : أَيُّ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَفْضَلُ مِنْ

عِبَادَةِ رَجُلٍ سِتِّينَ سَنَةً

5. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

a. لَعْدَوَةٌ أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا

6. عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ

a. رَبَّاطُ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ

7. عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ

a. رَبَّاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ

مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا،

8. أَنَّسَ بْنَ مَالِكٍ يُحَدِّثُ،

a. مَنْ حَرَسَ لَيْلَةً عَلَى سَاحِلِ

الْبَحْرِ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ

رَجُلٍ فِي أَهْلِهِ أَلْفَ سَنَةٍ

9. عُثْمَانُ

a. حَرَسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلُهَا،

وَيُصَامُ نَهَارُهَا

10. عَنِ الْحَسَنِ

a. وَامْوَقَفُ الرَّجُلِ فِي الصَّفِّ

أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً

11. عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ

a. ، أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ؟ قَالَ : "

رَجُلٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ، وَمَالِهِ

b. وَرَجُلٌ فِي شَعْبٍ مِنَ الشَّعَابِ

يَعْبُدُ رَبَّهُ وَيَدْعُ النَّاسَ مِنْ

شَرِّهِ

c. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ وَشَرِّ

النَّاسِ؟ إِنَّ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ

رَجُلًا عَمِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى

ظَهْرِ فَرَسِهِ،

d. وَإِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ، رَجُلًا  
فَاجِرًا، يَفْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ لَا  
يَزْعُمُ إِلَى شَيْءٍ مِنْهُ

## 12. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ؟  
رَجُلٌ مُمَسِّكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ

b. وَأُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ "، قُلْنَا :  
نَعَمْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : "  
الَّذِي يُسْأَلُ بِإِلَهِهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ

## 13. عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ

a. رَجُلٌ أَخَذَ بِعِنَانِ فَرَسِهِ،  
يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

عَنْ ابْنِ عُمَرَ

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ ،  
حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ سِنَانٍ ، عَنْ أَبِي الزَّاهِرِيَّةِ ، عَنْ  
أَبِي شَجْرَةَ كَثِيرِ بْنِ مُرَّةَ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

إِقَامَةُ حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً

فِي بِلَادِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذِ الْعَنْبَرِيِّ ، حَدَّثَنَا أَبِي ،  
حَدَّثَنَا عَاصِمٌ وَهُوَ ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ زَيْدِ  
بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ نَافِعٍ ، قَالَ : " جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ  
عُمَرَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُطِيعٍ ، حِينَ كَانَ مِنْ أَمْرِ  
الْحَرَّةِ مَا كَانَ زَمَنَ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ ، فَقَالَ :  
اطْرُحُوا لِأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَسَادَةً ، فَقَالَ : إِنِّي لَمْ  
آتَاكَ لِأَجْلِ أَنْتَيْتِكَ لِأَحَدٍ حَدِيثًا سَمِعْتُ رَسُولَ  
اللَّهِ يَقُولُهُ

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ  
لِقِيَّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ  
فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً "

أنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ ، أنا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، حَدَّثَنِي  
عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي جَعْفَرٍ ، عَنْ بُكَيْرٍ ، عَنْ نَافِعٍ ،  
عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، أَنَّهُ أَتَى ابْنَ مُطِيعٍ ، فَقَالَ : جِئْتُكَ ؛  
لِأَخْبِرَكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُهُ يَقُولُ :

مَنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ طَاعَةٍ ، مَاتَ لَا حُجَّةَ لَهُ ، وَمَنْ  
مَاتَ قَدْ نَزَعَ يَدًا مِنْ بَيْعَةٍ ، كَانَ عَلَى ضَلَالٍ

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو زَكَرِيَّا بْنُ أَبِي إِسْحَاقَ الْمُرَكِّي ، أَنَّ  
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ  
الْوَهَّابِ ، أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ عَوْنٍ ، أَنَّ عَفَّانَ بْنَ جُبَيْرِ  
الطَّائِي ، عَنْ رَجُلٍ قَدْ سَمَاهُ لِي ، عَنْ عِكْرِمَةَ . ح  
وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ وَأَبُو سَعِيدِ بْنِ أَبِي  
عَمْرٍو ، قَالَا : ثنا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ ،  
ثنا أَبُو أُمَيَّةَ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ ، ثنا سَعْدُ أَبُو  
عِيْلَانَ ، ثنا عَفَّانُ بْنُ جُبَيْرِ الطَّائِي ، عَنْ أَبِي  
جَرِيرٍ أَوْ حَرِيرِ الْأَزْدِيِّ ، عَنْ عِكْرِمَةَ ، عَنِ ابْنِ  
عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "

يَوْمٌ مِنْ إِمَامٍ عَدَلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً ،  
وَحَدُّ يَقَامُ فِي الْأَرْضِ بِحَقِّهِ أَزْكَى فِيهَا مِنْ مَطَرٍ  
أَرْبَعِينَ يَوْمًا "

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ ، حَدَّثَنَا ابْنُ لُهِيعَةَ ، عَنْ بُكَيْرِ بْنِ عَبْدِ  
اللَّهِ بْنِ الْأَسَجِّ ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنْ ابْنِ  
عَبَّاسٍ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ؟ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعَنَانِ  
فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَتْلُوهُ؟

رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غَنِيمَةٍ لَهُ يُؤَدِّي حَقَّ اللَّهِ فِيهَا، أَلَا  
أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ؟ رَجُلٌ يُسْأَلُ بِاللَّهِ وَلَا يُعْطَى  
بِهِ

قَالَ أَبُو عَيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ مِنْ هَذَا  
الْوَجْهِ، وَيُرْوَى هَذَا الْحَدِيثُ مِنْ غَيْرِ وَجْهِ عَنْ  
ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رَافِعٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي فُدَيْكٍ  
، قَالَ : أَنْبَأَنَا ابْنُ أَبِي ذَنْبٍ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ خَالِدِ  
الْفَارِظِيِّ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ  
عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  
قَالَ :

" أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ مَنْزِلًا " ، قُلْنَا : بَلَى ،  
يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : " رَجُلٌ أَخَذَ بِرَأْسِ فَرَسِهِ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يَمُوتَ أَوْ يُقْتَلَ ، وَأُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي  
يَلِيهِ " ، قُلْنَا : نَعَمْ ، يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : " رَجُلٌ  
مُعْتَزِلٌ فِي شِعْبٍ يُقِيمُ الصَّلَاةَ ، وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ ،  
وَيَعْتَزِلُ شُرُورَ النَّاسِ ، وَأُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ " ،  
قُلْنَا : نَعَمْ ، يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : " الَّذِي يُسْأَلُ بِاللَّهِ  
وَلَا يُعْطَى بِهِ

## أَبَا هُرَيْرَةَ

أَخْبَرَنَا سُؤَيْدُ بْنُ نَصْرٍ ، قَالَ : أَنْبَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، عَنْ عِيسَى بْنِ يَزِيدَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي جَرِيرُ بْنُ يَزِيدَ ، أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا زُرْعَةَ بْنَ عَمْرٍو بْنَ جَرِيرٍ يُحَدِّثُ ، أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ ، يَقُولُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

حَدُّ يُعْمَلُ فِي الْأَرْضِ خَيْرٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ أَنْ يُمَطَّرُوا ثَلَاثِينَ صَبَاحًا

وَقَالَ الْحَارِثُ : ثنا أَبُو عُبَيْدٍ الْقَاسِمُ بْنُ سَلَامٍ ، ثنا هُشَيْمٌ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ مَخْرَاقٍ ، عَنْ رَجُلٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

" لَعَدَلُ الْعَامِلِ فِي رَعِيَّتِهِ يَوْمًا وَاجِدًا أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ فِي أَهْلِهِ مِائَةَ عَامٍ ، أَوْ خَمْسِينَ عَامًا

ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ عَلِيٍّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ ، قَالَ : ثنا أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى بْنِ يَزِيدَ ، ثنا عَمْرُو بْنُ أَبِي سَلَمَةَ ، ثنا إِبرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَنْصَارِيِّ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ ثَابِتٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ

بْنِ سَيْرِينَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ:

عَدُلْ سَاعَةَ خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً، قِيَامَ لَيْلِيهَا،  
وَصِيَامَ نَهَارِهَا، وَجُورُ سَاعَةٍ فِي حُكْمِ أَشَدُّ وَأَعْظَمُ  
مِنْ مَعْصِيَةِ سِتِّينَ سَنَةً

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ عَمْرٍو ، حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَعْدٍ  
، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي هِلَالٍ ، عَنْ بِنِ أَبِي دُبَابٍ ،  
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ  
اللَّهِ مَرَّ بِشَعْبٍ فِيهِ عُيَيْنَةٌ مَاءٍ عَذْبٍ، فَأَعْجَبَهُ طِيبُهُ،  
فَقَالَ : لَوْ أَقَمْتُ فِي هَذَا الشَّعْبِ فَأَعْتَرَلْتُ النَّاسَ،  
وَلَا أَفْعَلُ حَتَّى أَسْتَأْمَرَ رَسُولَ اللَّهِ فَذَكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ  
فَقَالَ :

" لَا تَفْعَلْ، فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ  
مِنْ صَلَاةِ سِتِّينَ سَنَةً عَامًا خَالِيًا، أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ  
اللَّهُ لَكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ الْجَنَّةَ؟ اغْرُزُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، مَنْ  
قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فُؤَادًا نَاقَةً، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ "

أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَحْمَدَ ، أَنَّنَا  
إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَسْعَدَةَ ، أَنَّنَا حَمْرَةُ بْنُ يُوسُفَ ، أَنَّنَا  
أَبُو أَحْمَدَ بْنُ عَدِيٍّ ، نَا أَبُو قُصَيِّ إِسْمَاعِيلُ بْنُ  
مُحَمَّدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْعُدْرِيِّ ، بِدِمَشْقَ ، نَنَا سُلَيْمَانُ  
بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، نَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نِمْرَانَ  
، نَنَا أَبُو عَمْرٍو الْعَبْسِيُّ شَرَّاجِيلُ بْنُ عَمْرٍو ، عَن  
أَيُّوبَ بْنِ مَيْسَرَةَ بْنِ حَلْبَسٍ ، عَن عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ  
مَرْوَانَ ، عَن أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَن رَسُولِ اللَّهِ قَالَ :

" قِيَامُ سَاعَةٍ فِي الصَّفِّ لِلْقِتَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ  
مِنْ قِيَامِ سِتِّينَ سَنَةٍ "

أَخْبَرَنَا أَبُو مُصْعَبٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مَالِكٌ ، عَن  
خُنَيْبِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَن حَفْصِ بْنِ عَاصِمٍ ،  
عَن أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ، أَوْ عَن أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّهُ  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ : **إِمَامٌ**  
**عَادِلٌ** ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ  
مُعَلَّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ ،  
وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَى ذَلِكَ وَتَفَرَّقَا ،  
وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ  
ذَاتُ حَسَبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ : إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ ، وَرَجُلٌ

تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا تُنْفِقُ  
يَمِينُهُ

أَخْبَرَنَا أَبُو الطَّيِّبِ عُمَانُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْمُنْتَابِ ، ثنا يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَاعِدٍ ، ثنا  
الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَرْوَزِيُّ ، ثنا أَحْوَصُ بْنُ  
جَوَّابٍ ، ثنا شَيْبَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ يَحْيَى  
بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيهِنَّ : دَعْوَةُ  
الْوَالِدِ ، وَدَعْوَةُ إِمَامٍ عَادِلٍ ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ

وَقَالَ أَبُو يَعْلَى : حَدَّثَنَا ابْنُ مَسْكِينٍ ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ  
بْنُ صَالِحٍ ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَبِي بَلْبَانَ ، عَنْ هِشَامِ  
بْنِ حَسَّانٍ ، عَنْ الْحَسَنِ ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ  
، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

لَمَوْقِفُ سَاعَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ  
الرَّجُلِ سِتِّينَ سَاعَةً

أَخْبَرَنَا أَبُو طَاهِرٍ الْفَقِيهِيُّ ، أَنبَا أَبُو بَكْرٍ الْقَطَّانُ ، ثنا  
أَبُو الْأَزْهَرِ ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ ، ثنا يَحْيَى بْنُ  
أَيُّوبَ ، عَنْ هِشَامِ بْنِ حَسَّانَ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ  
عُمَرَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  
قَالَ :

مُقَامُ الرَّجُلِ فِي الصَّفِّ : أَيُّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، أَفْضَلُ  
مِنْ عِبَادَةِ رَجُلٍ سِتِّينَ سَنَةً "

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْضَمِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى  
، قَالَا : حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ النَّخَعِيُّ ، حَدَّثَنَا حُمَيْدٌ ،  
عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" لَعْدَوَةٌ أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا  
فِيهَا

حَدَّثَنَا حَسَنٌ ، حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي عَمْرٍة ، حَدَّثَنِي أَبُو عُرْسَةَ ،  
أَنَّ سَفِيَانَ بْنَ وَهْبٍ الْخَوْلَانِيَّ حَدَّثَهُ ، أَنَّهُ كَانَ  
تَحْتَ ظِلِّ رَاحِلَةِ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ ، أَوْ  
أَنَّ رَجُلًا حَدَّثَهُ ذَلِكَ وَرَسُولُ اللَّهِ يَخْطُبُ ، فَقَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ : " هَلْ بَلَغْتُ ؟ " فَظَنَنَّا أَنَّهُ يُرِيدُنَا ، فَقُلْنَا  
: نَعَمْ بَلَّغْتُمْ أَعَادَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، وَقَالَ فِيمَا يَقُولُ :

رَوْحَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا ،  
وَعَدْوَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا ،  
وَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَامٌ : عَرْضُهُ وَمَالُهُ  
وَنَفْسُهُ ، حَرَمَهُ كَمَا حَرَمَ هَذَا الْيَوْمَ "

عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ

وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمِيرَةَ النَّيْسَابِيُّ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ  
اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ ، قَالَ : ثنا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، عَنْ  
أَيُّوبَ بْنِ مُوسَى ، عَنْ مَكْحُولٍ ، عَنْ شُرْحَبِيلِ بْنِ  
السَّمْطِ ، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

رَبَاطُ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنْ صِيَامِ  
شَهْرٍ وَقِيَامِهِ ، وَإِنْ مَاتَ مُرَابِطٌ ، جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ

الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ، وَأَجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ، وَأَمِنَ الْفِتَانَ

"

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُنْذِرِ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فُلَيْحٍ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي ، عَنْ هِلَالِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

" لَقَابُ قَوْسٍ فِي الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِمَّا تَطَّلِعُ عَلَيْهِ  
الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ، وَقَالَ : لَعْدُوَةٌ أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ خَيْرٌ مِمَّا تَطَّلِعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُنِيرٍ ، سَمِعَ أَبَا النَّضْرِ ، حَدَّثَنَا  
عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ  
، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ،  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا  
عَلَيْهَا، وَمَوْضِعُ سَوْطٍ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنْ

الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَالرَّوْحَةَ يَرْوَحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ، أَوْ الْعَدْوَةَ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْخَلَّالُ ، حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ  
عَبْدِ الْمَلِكِ ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، حَدَّثَنِي أَبُو  
عَقِيلٍ زُهْرَةُ بْنُ مَعْبُدٍ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ مَوْلَى  
عُثْمَانَ ، قَالَ : سَمِعْتُ عُثْمَانَ وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ ،  
يَقُولُ : إِنِّي كَتَمْتُكُمْ حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ  
كَرَاهِيَةً تَفَرَّقَكُمْ عَنِّي ، ثُمَّ بَدَأَ لِي أَنْ أُحَدِّثَكُمْوَهُ  
لِيُخْتَارَ امْرُؤٌ لِنَفْسِهِ مَا بَدَأَ لَهُ ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ  
يَقُولُ :

" رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ يَوْمٍ فِيمَا  
سِوَاهُ مِنَ الْمَنَازِلِ " ،

قَالَ أَبُو عِيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ  
، وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ : أَبُو صَالِحٍ مَوْلَى  
عُثْمَانَ اسْمُهُ : ثُرَكَانُ  
أَنْسَبَ بَنَ مَالِكٍ يُحَدِّثُ ،

حَدَّثَنَا أَبُو هَمَّامٍ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ شُعَيْبٍ بْنُ شَابُورَ  
، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ خَالِدِ بْنِ أَبِي طَوِيلٍ الْقُرَشِيُّ ،

قَالَ : سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يُحَدِّثُ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ :

" مَنْ حَرَسَ لَيْلَةً عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ رَجُلٍ فِي أَهْلِهِ أَلْفَ سَنَةٍ ، السَّنَةُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَسِتُّونَ يَوْمًا ، كُلُّ يَوْمٍ أَلْفُ سَنَةٍ

عُثْمَانُ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ، حَدَّثَنَا كَهْمَسٌ ، حَدَّثَنَا مُصْعَبُ بْنُ ثَابِتِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ ، قَالَ : قَالَ عُثْمَانُ وَهُوَ يَخْطُبُ عَلَى مَنبَرِهِ : إِنِّي مُحَدِّثُكُمْ حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ يَمْنَعُنِي أَنْ أُحَدِّثُكُمْ بِهِ إِلَّا الصَّنُّ بِكُمْ ، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" حَرَسُ لَيْلَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلَهَا ، وَيَصَامُ نَهَارُهَا "

عَنِ الْحَسَنِ

قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ، حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ يُوسُفَ ، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ نَصْرِ ، عَنِ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

" لَعْدَوَةٌ أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنَ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا ، وَلَمْ يَوْفُقْ الرَّجُلُ فِي الصَّفِّ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ

حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ ، أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَطَاءُ بْنُ يَزِيدَ ، أَنَّ أَبَا سَعِيدٍ ، حَدَّثَهُ ، قَالَ : قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ ، حَدَّثَنَا الْأَوْزَاعِيُّ ، حَدَّثَنَا الزُّهْرِيُّ ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَزِيدَ اللَّيْثِيِّ ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ :

يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ؟ قَالَ : " رَجُلٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ ، وَمَالِهِ ، وَرَجُلٌ فِي شِعْبٍ مِنَ الشَّعَابِ يَعْبُدُ رَبَّهُ وَيَدْعُ النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ "

أَخْبَرَنَا قُتَيْبَةُ ، قَالَ : حَدَّثَنَا اللَّيْثُ ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ ، عَنْ أَبِي الْخَيْرِ ، عَنْ أَبِي الْخَطَّابِ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَامَ ثُبُوكَ يَخْطُبُ النَّاسَ وَهُوَ مُسْنِدٌ ظَهْرَهُ إِلَى رَاحِلَتِهِ ، فَقَالَ :

" أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ وَشَرِّ النَّاسِ؟ إِنَّ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ رَجُلًا عَمِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَلَى ظَهْرِ فَرَسِهِ، أَوْ عَلَى ظَهْرِ بَعِيرِهِ، أَوْ عَلَى قَدَمِهِ، حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ، وَإِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ، رَجُلًا فَاجِرًا، يَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ لَا يَرَعُوهُ إِلَى شَيْءٍ مِنْهُ "

عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ

وَحَدَّثَنِي، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرٍ الْأَنْصَارِيِّ ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ ، أَنَّهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ مَنْزِلًا؟ رَجُلٌ آخِذٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ، يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ مَنْزِلًا بَعْدَهُ؟ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غُلْبِمَتِهِ، يُؤِيمُ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَيَعْبُدُ اللَّهَ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا

## افضل جهاد

بهترین عمل جهاد بوده و افضل جهاد محاسبه حکام یعنی فعالیت سیاسی ست. گرچه؛ اعمال، مانند حج مبرور، ادای نماز در اول وقت یا بر با والدین کهن سال به عنوان بهترین اعمال نیز روایت شده اند. اگر سیاق کامل این احادیث را مراعات کنیم و احادیث و آیات که ارتباط به افضل جهاد دارند را با احادیث و آیات که در مورد نماز، حج و بر با والدین را مقایسه کنیم در می یابیم که "نماز، حج و بر با والدین" اعمال فردی با واقعیت های مشخص می باشند. از طرف دیگر؛ جهاد به حیث بهترین عمل توسط بیش تر صحابا روایت شده است، تعجب آور این است که چرا بعضی اشخاص بدون وضاحت و تشریح تناقض ظاهری احادیث بعضی احادیث را نقل می کنند تا مردم را در اشتباه و یا سردرگمی قرار دهند. دلیل آن واضحاً در قرآن بیان شده است.

.....يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا  
الْفَاسِقِينَ {26} الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ  
مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ  
فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ {27}

ميثاق با الله سبحانه و تعالی ادامه رسالت توسط  
قتال، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تطبیق  
اسلام بالای امت و محاسبه حکام توسط امت می  
باشد، وقتی که یک قوم این موارد را ترک کنند  
شایسته گی هدایت کامل را از طریق قرآن و سنت  
از دست می دهند. فرق نمی کند که یک شخص  
چی اندازه عالم است یا چی اندازه معلومات را  
حفظ دارد، او هدف کلی را نمی تواند درک کند،  
فرق نمی کند که چقدر مشهور است یا کدام  
القاب را دارد و یا چند سال تجربه دارد و یا از چند  
عالم می تواند نقل قول کند. برای اکثریت امت  
نیز قضیه یکسان است، اگر آن ها امر به معروف و  
نهی از منکر نکنند (یعنی اسلام را تطبیق نکنند

یا برای محاسبه حکام تلاش نورزند) و توسط جهاد و قتال برای اعلای کلمة الله دعوت نکنند و کلی فکر ننمایند، ظرفیت و یا شایسته گی هدایت را از دست می دهند مگر بعضی افراد و یا گروه های که میثاق خود با الله سبحانه و تعالی را نگه می دارند.

پس؛ در مورد احادیث که برای افراد که در خانه می مانند، نماز می خوانند و روزه می گیرند در احادیث مژده می دهد که داخل جنت می شوند، چی نظر وجود دارد؟ اول این که این احادیث در مورد فرد است نه در مورد تمام امت، دوماً قسمی که در حدیث بیان شده، این اشخاص دارای مقام پائین در جنت می باشند. یک مسلمان باید جنت فردوس را بخواهد یعنی باید اعمال مربوط به امر به معروف، جهاد و قتال را انجام دهد و امید داشته باشد که اعمال اش مورد قبول الله سبحانه و تعالی قرار می گیرد. هدف از خواستن جنت

فردوس انجام چنین اعمال است نه این که بدون فعالیت در اعمال سیاسی تنها در خانه نشسته و مستضعف قرار گیریم. در مورد صحابه های که در زمان فتنه در خانه های شان نشستند چی نظر است؟ واقعیت آن با حالت امروزی "تنها نشستن در خانه" فرق دارد. آن ها از ریختن خون یک دیگر خود داری کردند و در اعمال سیاسی غیر فعال نبودند، حد اقل فهم درست از اعمال سیاسی که "امر به معروف و نهی از منکر است" داشتند. آن ها از مرگ نمی ترسیدند، حب دنیا یا کراهیت از مرگ نداشتند. عطف فعالیت به منظور نکشتن یک دیگر فرق می کند از فعال نبودن زیرا آن شخص از مرگ و زندانی شدن می ترسد و یا این که حب دنیا دارد و یا به رهبانیت رو آورده است.

## 1. عبد الله بن عمر

### العدوی

a. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ

وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا

يُدْفَعُ رِزْقًا

**b.** وَلَا يُقَرَّبُ أَجَلًا، وَإِنَّ  
الْأَخْبَارَ مِنَ الْيَهُودِ،  
وَالرُّهْبَانَ مِنَ النَّصَارَى  
لَمَّا تَرَكَوا الْأَمْرَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ  
الْمُنْكَرِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى  
لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ، ثُمَّ عُمُوا  
بِالْبَلَاءِ

## **.2. عَنْ جَابِرٍ**

**a.** سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ حَمْرَةُ بْنُ  
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَرَجُلٌ  
قَالَ إِلَى إِمَامِ جَائِرٍ،  
فَأَمَرَهُ وَنَهَاةً فَقَتَلَهُ

## **.3. أَبُو هُرَيْرَةَ**

**a.** دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يَعْدِلُ  
الْجِهَادَ، قَالَ: **لَا أَحَدُهُ**

**b.** فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ  
الْوَرْدُوسَ

**c.** إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ  
أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ

4. عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ ، عَنْ أَبِيهِ
- a. أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ حَقٌّ  
عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ
5. عَنْ طَارِقِ بْنِ شَهَابٍ
- a. أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ :  
كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ  
جَائِرٍ
- 6.
7. عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ
- a. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ كَلِمَةٌ  
حَقٌّ يُقْتَلُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا  
عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ
8. عَنْ أَبِي أَمَامَةَ
- a. أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ ...  
قَالَ : " كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ  
إِمَامٍ جَائِرٍ
9. بِإِسْنَادِ بْنِ عُيَيْنَةَ بْنِ عُمَيْرٍ ، عَنْ أَبِيهِ ،  
عَنْ جَدِّهِ
- a. أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ  
: " كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ  
جَائِرٍ
10. عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ
- a. إِنَّ الدُّنْيَا خُلُوعٌ  
خَاضِرَةٌ... وَمَا مِنْ كَلِمَةٍ

أَفْضَلَ مِنْ كَلِمَةِ عَدْلِ

عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ

.b. أَلَا وَلَا عُدْرَ أَكْبَرُ مِنْ

عُدْرِ إِمَامٍ عَامَّةٍ، أَلَا إِنَّ

أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلِ

عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ،

11. عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ

a. فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ:

" كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ إِمَامٍ

جَائِرٍ

أَبُو هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ ، أَخْبَرَنَا عَفَّانُ ، حَدَّثَنَا

هَمَّامٌ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جُعَادَةَ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبُو

حَصِينٍ أَنَّ دُكْوَانَ حَدَّثَهُ ، أَنَّ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ

عَنْهُ حَدَّثَهُ ، قَالَ : "

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ : دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ

يَعْدِلُ الْجِهَادَ ، قَالَ : **لَا أَجِدُهُ قَالَ** : هَلْ تَسْتَطِيعُ إِذَا

خَرَجَ الْمُجَاهِدُ أَنْ تَدْخُلَ مَسْجِدَكَ فَتَقُومَ ، وَلَا تَقُورَ ،

وَتَصُومَ ، وَلَا تُفْطِرَ ، قَالَ : وَمَنْ يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ ، قَالَ

أَبُو هُرَيْرَةَ : إِنَّ فَرَسَ الْمُجَاهِدِ لَيْسَتْ فِي طَوْلِهِ ،

فَيَكْتَبُ لَهُ حَسَنَاتٍ "

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ صَالِحٍ ، حَدَّثَنَا فُلَيْحٌ ، عَنْ هِلَالِ  
بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ "

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ، وَأَقَامَ الصَّلَاةَ، وَصَامَ  
رَمَضَانَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ ، أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ جَاهِدَ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ جَلَسَ فِي أَرْضِهِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا،  
فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا نُبَشِّرُ النَّاسَ، قَالَ : إِنَّ  
فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ أَعَدَّهَا اللَّهُ لِلْمُجَاهِدِينَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ، فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوهُ الْفَرْدَوْسَ، فَإِنَّهُ  
أَوْسَطُ الْجَنَّةِ، وَأَعْلَى الْجَنَّةِ أَرَاهُ فَوْقَهُ عَرْشُ  
الرَّحْمَنِ، وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَّةِ ، قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ  
فُلَيْحٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، وَفَوْقَهُ عَرْشُ الرَّحْمَنِ

عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ

[455] أَبُو عُبَيْدَةَ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ :

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ **كَلِمَةٌ حَقٌّ** يُقْتَلُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا عِنْدَ  
سُلْطَانِ جَائِرٍ "

عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ ، عَنْ أَبِيهِ

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ الْمُقْرِي ،  
بِئْهَرَوَانَ ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَفْصِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ آدَمَ  
السُّلَمِيُّ ، حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، مِنْ وَلَدِ تَمِيمِ  
الدَّارِيِّ ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الزُّبَيْرِ قَانَ أَبُو هَمَامِ  
الأَهْوَازِيُّ ، عَنْ أَبِي خَنْبِقَةَ ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مَرْثَدٍ  
، عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" أَفْضَلُ الْجِهَادِ **كَلِمَةُ حَقٍّ** عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ

عَنْ أَبِي أَمَامَةَ

حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي  
غَالِبٍ ، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ ،

قَالَ : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ وَهُوَ عِنْدَ الْجَمْرَةِ  
الأُولَى ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟  
قَالَ : فَسَكَتَ عَنْهُ ، وَلَمْ يُجِبْهُ ، ثُمَّ سَأَلَهُ عِنْدَ الْجَمْرَةِ  
الثَّانِيَةَ ، فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ ، فَلَمَّا رَمَى النَّبِيُّ جَمْرَةَ  
العَقَبَةِ ، وَوَضَعَ رِجْلَهُ فِي العُرْزِ ، قَالَ : " أَيُّ  
السَّائِلِ؟ " قَالَ : " **كَلِمَةُ عَدْلٍ** عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ

بْنِ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ

أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ الْبُغْدَادِيُّ ، ثنا أَبُو عَلَانَةَ ،  
حَدَّثَنِي أَبِي ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ الْحَرَانِيُّ ، عَنْ  
بَكْرِ بْنِ خُنَيْسٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرٍ ،  
عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، قَالَ : كَانَتْ فِي نَفْسِي مَسْأَلَةٌ  
قَدْ أَحْرَزْتَنِي ، أَنِّي لَمْ أَسْأَلْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَالِهِ وَسَلَّمَ عَنْهَا ، وَلَمْ أَسْمَعْ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَنْهَا ،  
فَكُنْتُ أَتَحَنَّنُهُ ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ ،  
فَوَافَقْتُهُ عَلَى حَالَتَيْنِ كُنْتُ أُجِبُّ أَنْ أُوَافِقَهُ عَلَيْهِمَا  
وَجَدْتُهُ فَارِعًا وَطَيِّبَ النَّفْسِ ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ،  
أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ؟ قَالَ : " نَعَمْ ، سَلْ عَمَّا بَدَأَ لَكَ  
" ، قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ،

مَا الْإِيمَانُ؟ قَالَ : " السَّمَاحَةُ وَالصَّبْرُ " ، قُلْتُ :  
فَأَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ قَالَ : " أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا  
" ، قُلْتُ : فَأَيُّ الْمُسْلِمِينَ أَفْضَلُهُمْ إِسْلَامًا؟ قَالَ :  
" مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَبَدَنِهِ " ، قُلْتُ : فَأَيُّ  
الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ فَطَاطَأَ رَأْسَهُ ، فَصَمَتَ طَوِيلًا حَتَّى  
خَفْتُ أَنْ أَكُونَ قَدْ شَقَقْتُ عَلَيْهِ ، وَتَمَنَّيْتُ أَنْ لَمْ أَكُنْ  
سَأَلْتُهُ وَقَدْ سَمِعْتُهُ بِالْأَمْسِ ، يَقُولُ : " إِنَّ أَعْظَمَ  
الْمُسْلِمِينَ فِي الْمُسْلِمِينَ جُرْمًا لِمَنْ سَأَلَ عَنْ شَيْءٍ  
لَمْ يُحَرِّمْ عَلَيْهِمْ ، فَحُرِّمَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَجْلِ مَسْأَلَتِهِ " ،  
فَقُلْتُ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَغَضَبِ رَسُولِهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ ، فَقَالَ : "

كَيْفَ قُلْتُمْ؟ " قُلْتُ : أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ : " كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامِ جَانِرٍ .

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَيْمُونِ  
الْكَاتِبُ ، أَنبَأَ أَبُو الْحُسَيْنِ ، مُحَمَّدُ بْنُ الْمُطَفَّرِ  
الْحَافِظُ ، ثنا إِسْحَاقُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ ، ثنا يَحْيَى  
بْنُ مُعَلَّى بْنِ مَنْصُورٍ ، ثنا مُعَلَّى بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
، ثنا عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ جَعْفَرٍ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ  
، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ ، عَنْ أَبِي  
سَعِيدٍ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

" إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ حَضِرَةٌ ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا ،  
فَنَاطِرٌ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ، فَاتَّقُوا الدُّنْيَا ، وَاتَّقُوا النَّسَاءَ ،  
وَمَا مِنْ كَلِمَةٍ أَفْضَلَ مِنْ كَلِمَةِ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامِ جَانِرٍ

أَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ، أَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ ، عَنْ عَلِيِّ  
بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ  
، قَالَ : خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ بَعْدَ الْعَصْرِ إِلَى مُعِيرِبَانَ

الشَّمْسِ، حَفِظَهَا مِنَّا مَنْ حَفِظَهَا، وَتَسِيهَا مِنَّا مَنْ  
تَسِيهَا، فَقَالَ :

" أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ، وَاللَّهُ سُبْحَانُكُمْ فِيهَا  
فَنَظَرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ، أَلَا فَاتَّقُوا الدُّنْيَا، وَاتَّقُوا  
النِّسَاءَ، أَلَا إِنَّ بَيْتَ آدَمَ خُلِفُوا عَلَى طَبَقَاتٍ شَتَّى،  
فَمِنْهُمْ مَنْ يُؤَلِّدُ مُؤْمِنًا، وَيَحْيِي مُؤْمِنًا، وَيَمُوتُ  
مُؤْمِنًا، وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤَلِّدُ مُؤْمِنًا، وَيَحْيِي مُؤْمِنًا،  
وَيَمُوتُ كَافِرًا، وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤَلِّدُ كَافِرًا، وَيَحْيِي  
كَافِرًا، وَيَمُوتُ كَافِرًا، وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤَلِّدُ كَافِرًا،  
وَيَحْيِي كَافِرًا، وَيَمُوتُ مُؤْمِنًا، أَلَا إِنَّ الْعُضْبَ  
جَمْرَةٌ تُوقَدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ، أَلَمْ تَرَوْا إِلَى جَمْرَةِ  
عَيْنَيْهِ، وَانْتِفَاحِ أَوْدَاجِهِ، فَمَنْ وَجَدَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ،  
فَالْأَرْضَ الأَرْضِ، أَلَا إِنَّ خَيْرَ الرِّجَالِ مَنْ كَانَ  
بَطِيءَ الْعُضْبِ، سَرِيعَ الْفِيءِ، فَإِذَا كَانَ سَرِيعَ  
الْعُضْبِ سَرِيعَ الْفِيءِ، فَإِنَّهَا بِهَا، أَلَا إِنَّ شَرَّ  
الرِّجَالِ مَنْ كَانَ سَرِيعَ الْعُضْبِ بَطِيءَ الْفِيءِ، فَإِذَا  
كَانَ سَرِيعَ الْعُضْبِ سَرِيعَ الْفِيءِ، فَإِنَّهَا بِهَا، أَلَا إِنَّ  
خَيْرَ التُّجَّارِ مَنْ كَانَ حَسَنَ الطَّلَبِ، حَسَنَ الْقَضَاءِ،  
أَلَا إِنَّ شَرَّ التُّجَّارِ مَنْ كَانَ سَيِّئَ الطَّلَبِ سَيِّئَ  
الْقَضَاءِ، فَإِذَا كَانَ حَسَنَ الطَّلَبِ سَيِّئَ الْقَضَاءِ، أَوْ  
سَيِّئَ الطَّلَبِ حَسَنَ الْقَضَاءِ، فَإِنَّهَا بِهَا أَلَا إِنَّ لِكُلِّ  
غَادِرٍ لَوَاءً يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَلَا وَلَا عُذْرَ  
أَكْبَرُ مِنْ عُذْرِ إِمَامِ عَامَّةٍ، أَلَا إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ  
كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ، أَلَا لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدًا

مَخَافَةُ النَّاسِ أَنْ يَقُولَ بِالْحَقِّ إِذَا شَهِدَهُ، أَوْ عَلِمَهُ  
حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ مُعِيرِبَانَ الشَّمْسِ، قَالَ : أَلَا إِنَّهُ  
لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا فِيمَا مَضَى مِنْهَا، إِلَّا كَمَا بَقِيَ مِنْ  
هَذِهِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ

عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، نَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْأَصَمُّ  
، نَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عَفَّانَ ، نَا أَبُو دَاوُدَ الْحَقَرِيُّ  
، عَنْ سُفْيَانَ ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مَرْثَدٍ ، عَنْ طَارِقِ  
بْنِ شِهَابٍ ، قَالَ : سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ :

" أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ  
جَائِرٍ "

عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسَقَعِ

وَقَالَ أَبُو يُعْلَى : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُقْدَامِ ، حَدَّثَنَا  
عُبَيْدُ بْنُ الْقَاسِمِ ، حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ نُعْلَبَةَ ، عَنْ أَبِي  
الْمَلِيحِ الْهُدَلِيِّ ، عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسَقَعِ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُ، قَالَ : رَأَيْتُ النَّبِيَّ بِمَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَقَالَ لِي

أَصْحَابُهُ : إِلَيْكَ يَا وَائِلَةُ، أَي : تَتَحَّ عَنْ وَجْهِهِ،  
فَقَالَ : " دَعُوهُ فَإِنَّمَا جَاءَ لِيَسْأَلَ " ، فَذَنَوْتُ ، فَقُلْتُ  
: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَفْتِنَا عَنْ أَمْرٍ  
نَأْخُذُهُ عَنْكَ مِنْ بَعْدِكَ ، قَالَ : " لِيَفْتِنِكَ نَفْسُكَ " ، قُلْتُ  
: وَكَيْفَ لِي بِذَلِكَ؟ قَالَ :

" دَعُ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ ، وَإِنْ أَفْتَاكَ  
الْمُفْتُونَ " ، قُلْتُ : وَكَيْفَ لِي بِعِلْمِ ذَلِكَ؟ قَالَ : "   
تَضَعُ يَدَكَ عَلَى فُؤَادِكَ ، فَإِنَّ الْقَلْبَ يَسْكُنُ إِلَى  
الْحَلَالِ ، وَلَا يَسْكُنُ لِلْحَرَامِ ، وَإِنْ وَرَعَ الْمُسْلِمُ أَنْ  
يَدَعَ الصَّغِيرَ مَخَافَةَ أَنْ يَقَعَ فِي الْكَبِيرِ " ، قُلْتُ :  
فَمَنْ الْحَرِيصُ؟ قَالَ : " الَّذِي يَطْلُبُ الْمَكْسَبَ فِي  
غَيْرِ حِلِّهَا " ، قُلْتُ : فَمَنْ الْوَرِعُ؟ قَالَ : " الَّذِي يَقِفُ  
عِنْدَ الشُّبْهَةِ " ، قُلْتُ : فَمَنْ الْمُؤْمِنُ؟ قَالَ : " مَنْ  
أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَدِمَائِهِمْ " ، قُلْتُ : فَمَنْ  
الْمُسْلِمُ؟ قَالَ : " مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ  
" ، قُلْتُ فَأَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : " كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ  
إِمَامٍ جَائِرٍ " ، الْعَلَاءُ بْنُ ثَعْلَبَةَ ، قَالَ أَبُو حَاتِمٍ :  
مَجْهُولٌ ، وَلَا خَرَجَ شَاهِدٌ مِنْ حَدِيثِ أَبِي عُبَيْدَةَ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، أَخْرَجَهُ الْبَزَارُ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ  
يَحْيَى بْنِ صَالِحٍ وَأَبُو الْحُسَيْنِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ  
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَنُونَ ، فِي آخِرِينَ ، قَالُوا :  
ثَنَا مُسَاوِرُ بْنُ شَهَابِ بْنِ مَسْرُورٍ ، حَدَّثَنِي أَبِي ،  
عَنْ أَبِيهِ مَسْرُورٍ ، عَنْ جَدِّهِ سَعْدِ بْنِ أَبِي الْعَادِيَةِ

،

أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ وَهُوَ بِالْحَابِيَةِ  
وَكَانَ يَقَطَعُ الْعَرَبَ فَاتَّكَأَ عَلَى قَائِمِ سَيْفِهِ ، فَقَالَ :  
إِذْ مِنْ يَأ مَزَيْيُ فَأَنْتَ أَكْبَرُ الْقَوْمِ عِنْدِي ، فَقَالَ :  
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ ، عَنْ النَّبِيِّ  
وَإِلَّا فَصَمَّ اللَّهُ أَدْنِيَهُ :

إِنَّ الْعَرَبَ إِذَا اتَّبَعَتْ أَدْنَابَ الْبَقَرِ صَبَّ اللَّهُ عَلَيْهِمُ  
الْمَدْلَةَ ، وَسَلَطَ عَلَيْهِمْ وَلَدَ فَارِسَ فَدَعَوْا فَلَا  
يُسْتَجَابُ لَهُمْ "

عَنْ جَابِرٍ

حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْحَافِظُ ، أَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ  
عُمَرَ بْنِ بَسْطَامِ الْمَرْوَزِيِّ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ سَيَّارٍ  
وَمُحَمَّدُ بْنُ اللَّيْثِ قَالَا : ثنا رَافِعُ بْنُ أَشْرَسَ  
الْمَرْوَزِيِّ ، ثنا حُفَيْدُ الصَّفَّارُ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ  
الصَّايغِ ، عَنْ عَطَاءٍ ، **عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ** ،  
عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ

**سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ حَمَزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ** ، وَرَجُلٌ قَالَ  
إِلَى إِمَامِ جَابِرٍ ، فَأَمَرَهُ وَنَهَاهُ فَقَتَلَهُ

امر به معروف و نهی از منکر

در حقیقت؛ امر و نهی تطبیق اسلام بواسطه  
حکام است که توسط امت از طریق بیعت صورت  
می گیرد و هیچ تعبیر دیگر امکان پذیر نیست.  
(قرآن، سنت، اجماع و تطبیق عملی اسلام توسط  
خلفای راشدین تا سقوط خلافت عثمانی ها دلیل  
بر آن است). به طور فردی واضح است که چی  
معنی می دهد، لذا از شرح آن صرف نظر می

کنیم. احادیث بسیاری مرتبط به این موضوع "امر و نهی" وجود دارد که انکار از آن به کفر می انجامد. حکام وجود خواهند داشت که تابع هوای نفس خود می باشند نه احکام اما تا هنوز با وی بیعت وجود دارد آن ها ظلم خواهند کرد و مال مردم را خواهند خورد و کسانی را ترجیح می دهند که شایسته گی آن را ندارند. با آن ها چی باید کرد؟ گفتن کلمه حق / عدل یعنی امر به معروف دقیقاً برای چنین حکام است. اول تر از همه، اگر حدود تطبیق نمی شود و امر و نهی توسط اکثریت انجام نمی گیرد، در آن صورت تمام امت مجازات خواهد شد حتی اگر تنها اقلیت مردم گناه واضح و آشکار را مرتکب شوند. از بدترین عواقب آن این است که دعا مستجاب نمی گردد، نصرت تأخیر انداخته شده و بدترین مسلمانان بالای آن ها حاکم خواهند شد. درک مفهوم بودن در یک کشتی برای فهم واقعیت این موضوع بسیار مهم است.

1. به حیث امت، اسلام باید به شکل کامل و همه جانبه آن توسط امام با صلاحیت و مناسب تطبیق گردد.
2. افراد باید کاری که در توان شان اند را انجام دهند.
3. حد اقل، منکر باید به حیث منکر و معروف باید من حیث معروف شناخته شود یعنی نظام تعلیمی درست موجود باشد.
4. تا وقتی که شریعت تطبیق می گردد و کفر آشکار ثابت نیست نباید به طور نظامی طغیان کرد.
5. تا وقتی که منجر به بی اطاعتی الله س نمی گردد از وی اطاعت شود.
6. امر به معروف و نهی از منکر نمائید حتی اگر منجر به مرگ شما گردد (افضل جهاد و سید شهدا).

7. اعمال زشت و منكر نبايد مورد پسند  
قرار گيرد حد اقل در قلب زشت  
پنداشته شود در غير آن هلاک خواهد  
شد و تا هنوز نيز اطاعت صورت گيرد  
مگر اين که منجر به بي اطاعتی الله س  
گردد.

8. از چنين حلقات دوری جسته و بدون  
انزوا گرائی (رهبانيت) از یکجا شدن با  
آن ها خود داری کنید.

شيخ الإسلام ابن تيمية (المتوفى: 728هـ)

الكتاب: الحسبة لشيخ الإسلام ابن تيمية رحمه الله

من أعظم أنواع الأمر بالمعروف كلمة حق عند  
سلطان جائر؛ كما في حديث أبي سعيد الخدري  
رضي الله عنه أن النبي - صلى الله عليه وسلم -  
قال: { **إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ**  
جَائِرٍ } رواه أبو داود والترمذي

الكتاب: شرح الأربعين النووية  
المؤلف: عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن  
بن عبد الله بن حمد العباد البدر  
مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع  
الشبكة الإسلامية

اعلم أن من أعظم أنواع الأمر بالمعروف: كلمة  
حق عند سلطان جائر، وعن أبي سعيد الخدري  
رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه  
قال: (أفضل الجهاد كلمة عدل عند سلطان جائر)

الكتاب: القول البين الأظهر في الدعوة إلى الله  
والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر  
المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن  
الراجحي

لا شك أن من أعظم أنواع الأمر بالمعروف كلمة  
حق عند سلطان جائر

### 1. عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ

a. إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ

يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ **أَوْشَكَ أَنْ**

**يَعْمَهُمُ** اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ

### 2. عَنْ عَائِشَةَ

a. مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَانْهَوْا عَنِ  
الْمُنْكَرِ، قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَلَا  
يُجِيبُكُمْ، وَتَسْأَلُونَهُ فَلَا  
يُعْطِيكُمْ، وَتَسْتَنْصِرُونَهُ فَلَا  
يُنْصِرُكُمْ

### 3. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ

a. إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمَّا عَمِلُوا  
بِالْمَعَاصِي، نَهَاهُمْ قُرَاؤُهُمْ،  
وَعَلَّمَاؤُهُمْ عَمَّا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ، فَعَصَوْهُمْ،  
فَخَالَطُوهُمْ فِي مَعَاشِهِمْ،  
فَضْرَبَ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ  
عَلَى بَعْضٍ

### 4. عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو الْعَدَوِيِّ

a. قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَلَا يَسْتَجِيبُ  
لَكُمْ، وَقَبْلَ أَنْ تَسْتَعْفِرُوهُ فَلَا  
يَغْفِرَ لَكُمْ،  
b. إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ  
عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَدْفَعُ رِزْقًا،  
c. وَلَا يَقَرِّبُ أَجَلًا، وَإِنَّ الْأَخْبَارَ  
مِنَ الْيَهُودِ، وَالرُّهْبَانَ مِنَ  
النَّصَارَى لَمَّا تَرَكُوا الْأَمْرَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ

الْمُنْكَرِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ  
أَنْبِيَائِهِمْ، ثُمَّ عُمُوا بِالْبَلَاءِ

#### 5. أم سلمة زوج النبي

a. يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ

وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيءٌ،

وَمَنْ كَرِهَ سَلِمَ

b. وَتَابَعَ ؛ فَأَوْلَيْكَ هُمْ الْهَالِكُونَ

" يَقُولُهَا ثَلَاثًا

c. قَالُوا : أَقَلَّا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : "

لَا مَا صَلَّوْا

d. لَا مَا صَلَّوْا، أَيُّ مَنْ كَرِهَ بِقَلْبِهِ

وَأَنْكَرَ بِقَلْبِهِ

e. أَقَلَّا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : " لَا، مَا

صَلَّوْا كُمْ الْخَمْسَ

#### 6. عن ابن عباس

a. فَمَنْ بَارَاهُمْ نَجَا، وَمَنْ

اعْتَرَاهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ، وَمَنْ

خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

b. سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ .....، وَرَجُلٌ قَامَ

إِلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَأَمْرَهُ وَنَهَاةُ،

فَقَتَّلَهُ

c. وَرَجُلٌ قَالَ إِلَى إِمَامٍ جَائِرٍ،

فَأَمْرَهُ وَنَهَاةُ فَقَتَّلَهُ (عن جابر)

#### 7. عدي بن عميرة الكندي

a. فَلَا يُنْكِرُوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ

عَدَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ

b. **وَأَمْ يُنْكِرُوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ**

**عَدَّبَ اللَّهُ الْعَامَّةَ بِالْخَاصَّةِ**

8. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. فَمَنْ أَنْكَرَ بَرِيءًا، وَمَنْ أَمْسَكَ

سَلِيمًا، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ

9. عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ

a. وَأَنْ تَقُولَ، أَوْ تَقُومَ بِالْحَقِّ

حَيْثُ كُنَّا، وَلَا تَخَافَ فِي اللَّهِ

لِوَمَّةٍ لَأِيْمٍ

10. خَبَابُ بِنِ الْأَرْتِ التَّمِيمِي

a. فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِيءٌ، وَمَنْ كَرِهَ

فَقَدْ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ

وَتَابَعَ، قَالُوا: أَفَلَا تَقْتُلُهُمْ؟ قَالَ

: لَا، مَا أَقَامُوا الصَّلَاةَ

11. النُّعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ

a. مِثْلُ الْمُدْهِنِ فِي حُدُودِ اللَّهِ

وَالْوَاقِعِ فِيهَا... فَإِنْ أَخَذُوا

عَلَى يَدَيْهِ أَنْجَوْهُ وَنَجَّوْا

أَنْفُسَهُمْ، وَإِنْ تَرَكَوهُ أَهْلَكُوهُ

وَأَهْلَكُوا أَنْفُسَهُمْ

b. الْقَائِمُ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعُ

فِيهَا كَمِثْلِ... ، فَإِنْ تَرَكَوهُمْ

وَمَا أَرَادُوا هَلْكَوًا جَمِيعًا،  
وَإِنْ أَخَذُوا عَلَىٰ أَيْدِيهِمْ نَجْوًا  
جَمِيعًا

c. فَإِنْ تَرَكَوهُ عَرِقَ وَعَرَقَهُمْ،  
وَإِنْ مَنَعُوهُ نَجَا بِإِذْنِ اللَّهِ  
وَنَجَوْا "

d. فَإِنْ غَيَّرُوا عَلَيْهِ نَجَا وَنَجَوْا،  
وَإِنْ تَرَكَوهُ يَحْرِقُهَا عَرِقَ  
وَعَرِقُوا

عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ،  
أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ ، عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي  
حَازِمٍ ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ ، أَنَّهُ قَالَ : أَيُّهَا  
النَّاسُ، إِنَّكُمْ تَقْرَأُونَ هَذِهِ الْآيَةَ : فَيَأْتِيهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ  
وَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَىٰ يَدَيْهِ  
أَوْ شَكَ أَنْ يُعَمَّهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ

عَنْ عَائِشَةَ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَامِرٍ الْعَقَدِيُّ ، نَا هِشَامٌ وَهُوَ ابْنُ سَعْدٍ ،  
عَنْ عُثْمَانَ بْنِ هَانِيٍّ ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ ،  
عَنْ **عَائِشَةَ** ، قَالَتْ : دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ فَعَرَفْتُ  
أَنَّهُ قَدْ حَفَرَهُ شَيْءٌ ، فَلَمْ يُكَلِّمْ أَحَدًا ، فَتَوَضَّأَ ، وَخَرَجَ ،  
فَسَمِعْتُ مِنَ الْحَجَرَاتِ ، يَقُولُ : " إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ ، وَانْهَوْا عَنِ  
الْمُنْكَرِ ، قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَلَا يُجِيبْكُمْ ، وَتَسْأَلُوهُ  
فَلَا يُعْطِيَكُمْ ، وَتَسْتَنْصِرُونَهُ فَلَا يَنْصُرْكُمْ "

عبد الله بن عمر العدوي

حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الرَّجِيمِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمَرْزِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ  
اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَمْرِيُّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَالِمِ  
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

أَيُّهَا النَّاسُ ، مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ ، وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ،  
قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَلَا يَسْتَجِيبَ لَكُمْ ، وَقَبْلَ أَنْ  
تَسْتَغْوِرُوهُ فَلَا يَغْفِرَ لَكُمْ ، إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ  
وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَدْفَعُ رِزْقًا ، وَلَا يُقَرِّبُ أَجَلًا ،

وَأَنَّ الْأَخْبَارَ مِنَ الْيَهُودِ، وَالرُّهْبَانَ مِنَ النَّصَارَى  
لَمَّا تَرَكَوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ  
لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ، ثُمَّ عُمُوا بِالْبَلَاءِ

عبد الله بن قيس الأشعري أبي موسى

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى بْنِ جَنَادٍ  
الْبُغْدَادِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَوْنِ الْوَاسِطِيِّ  
، قَالَ : حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيُّ ، عَنِ  
الْعَلَاءِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ مُرَّةَ ، عَنْ أَبِي  
عُبَيْدَةَ ، عَنْ أبي موسى ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

"

كَانَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا عَمِلَ  
الْعَامِلُ مِنْهُمْ بِالْخَطِيئَةِ نَهَاَهُمُ النَّاهِي تَعْزِيرًا، فَإِذَا  
كَانَ مِنَ الْعَدُوِّ جَالَسَهُ، وَآكَلَهُ وَشَارَبَهُ، كَأَنَّهُ لَمْ يَرَهُ  
عَلَى خَطِيئَةٍ بِالْأَمْسِ، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُمْ،  
ضَرَبَ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ، ثُمَّ لَعَنَهُمْ عَلَى  
لِسَانِ نَبِيِّهِمْ دَاوُدَ، وَعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِمَا، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا، وَكَانُوا يَعْتَدُونَ، وَالَّذِي  
نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَرَنَّ عَنِ  
الْمُنْكَرِ، وَلَتَأْخُذَنَّ عَلَى يَدَيِ السَّفِيهِ، وَلَتَأْطُرَّنَّهُ  
عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا، أَوْ لَيَضْرِبَنَّ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِكُمْ  
عَلَى بَعْضٍ، وَيَلْعَنُكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ "

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ

أَخْبَرَنَا ابْنُ رَيْدَةَ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا الطَّبْرَانِيُّ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ غَنَامٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ ، عَنْ  
أَبِيهِ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جُدَيْمَةَ ، عَنْ  
أَبِي عُبَيْدَةَ ، قَالَ : قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ ، قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

" إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمَّا عَمَلُوا بِالْمَعَاصِي ، نَهَاهُمْ  
قُرْأُوهُمْ ، وَعَلَّمَاوَهُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ،  
فَعَصَوْهُمْ ، فَخَالَطُوهُمْ فِي مَعَاشِهِمْ ، فَضَرَبَ اللَّهُ  
قُلُوبَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ ثُمَّ لَعَنَهُمْ عَلَى لِسَانِ  
دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ، ثُمَّ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِنًا ، ثُمَّ قَالَ : كَلَّا وَالَّذِي  
نَفْسِي بِيَدِهِ ، حَتَّى تَأْطُرُوهُمْ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا "

أبو سعيد الخدري

وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ  
، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ كِلَاهُمَا ، عَنْ قَيْسِ بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ  
طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ ، وَهَذَا حَدِيثُ أَبِي بَكْرٍ ، قَالَ :  
أَوَّلُ مَنْ بَدَأَ بِالْخُطْبَةِ يَوْمَ الْعِيدِ ، قَبْلَ الصَّلَاةِ ،

مَرَوَانُ، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ، فَقَالَ : الصَّلَاةُ قَبْلَ  
الْخُطْبَةِ، فَقَالَ : قَدْ تَرِكَ مَا هُنَالِكَ، فَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ  
: أَمَا هَذَا فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ  
يَقُولُ : "

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ  
فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ  
الْإِيمَانِ

النُّعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ

حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ بْنُ غِيَاثٍ ، حَدَّثَنَا أَبِي ،  
حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي الشَّعْبِيُّ ، أَنَّهُ سَمِعَ  
النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، يَقُولُ : قَالَ  
النَّبِيُّ

: " **مَثَلُ الْمُدْهِنِ** فِي حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا، مَثَلُ  
قَوْمٍ اسْتَهَمُوا سَفِينَةً، فَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَسْفَلِهَا  
وَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَعْلَاهَا، فَكَانَ الَّذِي فِي أَسْفَلِهَا  
يَمْرُؤُونَ بِالْمَاءِ عَلَى الَّذِينَ فِي أَعْلَاهَا فَتَأَذُّوا بِهِ،  
فَأَخَذَ فَأَسَأَ، فَجَعَلَ يَنْفُرُ أَسْفَلَ السَّفِينَةِ، فَأَتَوْهُ، فَقَالُوا  
: مَا لَكَ؟ قَالَ : تَأَذَّيْتُمْ بِهِ، وَلَا بُدَّ لِي مِنَ الْمَاءِ،

فَإِنْ أَخَذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَنْجَوْهُ وَنَجَّوْا أَنْفُسَهُمْ، وَإِنْ تَرَكَوهُ أَهْلَكُوهُ وَأَهْلَكُوا أَنْفُسَهُمْ

حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنْ مُجَالِدٍ ، عَنِ الشَّعْبِيِّ ، سَمِعَهُ مِنْ النُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ ، سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ :

**مَثَلُ الْمُدَّهِنِ وَالْوَاقِعِ فِي حُدُودِ اللَّهِ** قَالَ سُفْيَانُ مَرَّةً : الْقَائِمُ فِي حُدُودِ اللَّهِ مَثَلُ ثَلَاثَةِ رَكْبُوا فِي سَفِينَةٍ، فَصَارَ لِأَحَدِهِمْ أَسْفَلُهَا وَأَوْعُرُهَا وَشَرُّهَا، فَكَانَ يَحْتَلِفُ، وَثِقُلَ عَلَيْهِ كُلَّمَا مَرَّ، فَقَالَ : أَخْرِقْ خَرَقًا يَكُونُ أَهْوَنَ عَلَيَّ، وَلَا يَكُونُ مُخْتَلِفِي عَلَيْهِمْ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ : إِنَّمَا يَخْرِقُ فِي نَصِيْبِهِ، وَقَالَ آخَرُونَ : لَا، فَإِنْ أَخَذُوا عَلَى يَدَيْهِ، نَجَا وَنَجَّوْا، وَإِنْ تَرَكَوهُ هَلَكَ وَهَلَكُوا "

أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ حَكِيمٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا أَبُو عَاصِمٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا جَابِرُ بْنُ بَرِيدَ بْنِ رِفَاعَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي نَعِيمُ بْنُ أَبِي هِنْدٍ ، قَالَ : سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ ، يَقُولُ 0020: سَمِعْتُ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : "

إِنَّ مَثَلَ الْمُدَّهِنِ فِي أَمْرِ اللَّهِ كَمَثَلِ رَهْطٍ رَكِبُوا  
سَفِينَةً فَأَقْتَرَعُوا فِيهَا الْمَنَازِلَ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ  
أَسْفَلَهَا، وَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا، فَأَرَادَ رَجُلٌ مِمَّنْ  
هُوَ فِي أَسْفَلِهَا أَنْ يَخْرِقَهَا، فَقَالَ بَعْضٌ مَّنْ فِي  
أَعْلَاهَا : مَا تَصْنَعُ؟، قَالَ : أَخْرِقُهَا فَأَسْتَقِي مِنْهَا  
فَيَكُونُ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ أَنْ أَصْعَدَ إِلَيْكُمْ "، قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ: " فَإِنْ تَرَكَوهُ عَرِقَ وَعَرَقَهُمْ، وَإِنْ  
مَنَعُوهُ نَجَا بِإِذْنِ اللَّهِ وَنَجَّوَا "

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْخُلَوَانِيُّ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ  
يُونُسَ ، ثنا جَابِرٌ وَهُوَ ابْنُ رِفَاعَةَ ، حَدَّثَنِي الشَّعْبِيُّ  
، قَالَ : سَمِعْتُ عَلَى هَذَا الْمُنْبِرِ، وَهُوَ مُنْبِرُ  
الْكُوفَةِ، رَجُلًا وَهُوَ يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ مَا  
سَمِعْتُ أَحَدًا يَقُولُهُ قَبْلَهُ، فَقَالَ لَهُ نَعِيمُ الْأَشْجَعِيُّ :  
مَنْ هُوَ يَا عَامِرُ؟ قَالَ : هُوَ النَّعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ  
الْأَنْصَارِيُّ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّ مَثَلَ الْمُدَّهِنِ فِي أَمْرِ اللَّهِ كَمَثَلِ رَهْطٍ رَكِبُوا  
سَفِينَةً، فَأَقْتَرَعُوا عَلَى الْمَنَازِلِ فِيهَا، فَأَصَابَ  
بَعْضُهُمْ أَعْلَى السَّفِينَةِ، وَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا،  
فَاطَّلَعَ مُطَّلِعٌ مِنَ الَّذِينَ أَعْلَى السَّفِينَةِ، فَإِذَا بَعْضٌ  
مَّنْ فِي أَسْفَلِهَا يَخْرِقُهَا، قَالَ : مَا تَصْنَعُ يَا فَلَانُ؟

قَالَ : أَحْسِبُهُ قَالَ : أَخْرِقْ مَكَانًا فَأَسْتَقِي مِنْهُ " ، أَوْ  
قَالَ أَشْرَبُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " فَإِنْ غَيْرُوا عَلَيْهِ  
نَجَا وَنَجَوْا ، وَإِنْ تَرَكَوهُ يَخْرِقُهَا عَرِقَ وَعَرِفُوا "   
قَالَ نَعِيمُ بْنُ أَبِي هِنْدٍ : إِنَّ هَذِهِ عَلَيْنَا شَدِيدَةٌ ، أَنَا  
أَخَافُ أَنْ يَغْرِقَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ وَيَغْرِقُوا ، بَعْنِي بَنِي  
أُمِّيَّةَ ، قَالَ : وَهَذَا فِي زَمَانِ بَنِي أُمِّيَّةَ .

خَبَرَنَا أَبُو يَعْلَى ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو حَيْثَمَةَ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا جَرِيرٌ ، عَنْ مُطَرِّبٍ ، عَنِ الشَّعْبِيِّ ، عَنِ  
النُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ  
:

" الْمُدَاهِنُ فِي حُدُودِ اللَّهِ ، وَالرَّكِبُ حُدُودَ اللَّهِ ،  
وَالْأَمْرُ بِهَا ، وَالنَّاهِي عَنْهَا ، كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهْمُوا فِي  
سَفِينَةٍ مِنْ سَفَنِ الْبَحْرِ ، فَأَصَابَ أَحَدُهُمْ مُوْخَرٌ  
السَّفِينَةَ وَأَبْعَدَهَا مِنَ الْمِرْفَقِ ، وَكَانُوا سَفَهَاءَ ،  
وَكَانُوا أَتَوْا عَلَى رِجَالِ الْقَوْمِ ، آذَوْهُمْ ، فَقَالُوا :  
نَحْنُ أَقْرَبُ أَهْلِ السَّفِينَةِ مِنَ الْمِرْفَقِ وَأَبْعَدُهُمْ مِنَ  
الْمَاءِ ، فَتَعَالَوْا نَخْرِقْ دَفَّ السَّفِينَةِ ثُمَّ نَرُدَّهُ اسْتَعْنَيْنَا  
عَنْهُ ، فَقَالَ مَنْ نَاوَأَهُ مِنَ السَّفَهَاءِ : أَفْعَلْ ، فَأَهْوَى  
إِلَى فَأْسٍ لِيَضْرِبَ بِهَا أَرْضَ السَّفِينَةِ ، فَأَشْرَفَ  
عَلَيْهِ رَجُلٌ رُشِيدٌ فَقَالَ : مَا تَصْنَعُ ؟ فَقَالَ : نَحْنُ  
أَقْرَبُكُمْ مِنَ الْمِرْفَقِ وَأَبْعَدُكُمْ مِنْهُ ، أَخْرِقْ دَفَّ  
السَّفِينَةِ ، فَاسْتَعْنَيْنَا عَنْهُ سَدَدْنَا ، فَقَالَ : لَا تَفْعَلْ ،  
فَأَنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ تَهْلِكُ وَتَهْلِكُ "

أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ  
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ ، قَتْنَا جَدُّ أَبِي أَبِي  
 الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْعَقَبِ  
 ، قَتْنَا أَبُو زُرْعَةَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرِو النَّصْرِيِّ  
 ، قَتْنَا أَبُو نُعَيْمٍ ، قَتْنَا زَكَرِيَّا ، قَالَ : سَمِعْتُ عَامِرًا  
 ، يَقُولُ : سَمِعْتُ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرِ بْنِ النُّعْمَانَ ،  
 يَقُولُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" الْفَائِزُ عَلَى حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعُ فِيهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ  
 اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ ، فَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا ،  
 وَأَصَابَ بَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا ، فَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا  
 اسْتَقَوْا الْمَاءَ فَمَرُّوا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ وَآذَوْهُمْ ، فَقَالُوا  
 : لَوْ أَنَّا خَرَقْنَا فِي نَصِيبِنَا خَرْقًا فَاسْتَقَيْنَا وَلَمْ نُؤَذِ  
 مَنْ فَوْقَنَا ، فَإِنْ تَرَكَوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا ،  
 وَإِنْ أَخَذُوا عَلَى أَيْدِيهِمْ نَجَوْا جَمِيعًا " .

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْفَتْحِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا  
 عَلِيُّ بْنُ عَمْرِو الدَّارِقُطْنِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ  
 مُحَمَّدِ بْنِ صَاعِدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ  
 أَبُو يَزِيدَ الظَّفَرِيُّ الْأَنْصَارِيُّ مِنْ وَلَدِ قَيْسِ بْنِ  
 الْخَطِيمِ بِنِعْدَادٍ فِي قَنْطَرَةِ الْأَنْصَارِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا

أَيُّوبُ بْنُ النَّجَّارِ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ  
أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، أَوْ  
لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ عَلَى خِيَارِكُمْ ، فَيَدْعُو  
خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ " ، قَالَ الدَّارِقُطِيُّ :  
تَقَرَّدَ بِهِ مُحَمَّدٌ ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ النَّجَّارِ ، عَنْ يَحْيَى

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
مُعَمَّرُ بْنُ يَعْمَرَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ سَلَامٍ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي الزُّهْرِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو سَلَمَةَ بْنُ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " مَا مِنْ وَالٍ ، إِلَّا وَلَهُ بَطَانَتَانِ ، بَطَانَةٌ تَأْمُرُهُ  
بِالْمَعْرُوفِ ، وَتَنْهَاهُ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَبَطَانَةٌ لَا تَأْلُوهُ  
خَبَالًا ، فَمَنْ وُقِيَ شَرَّهَا فَقَدْ وُقِيَ ، وَهُوَ مِنَ اللَّيِّ  
تَغْلِبُ عَلَيْهِ مِنْهُمَا "

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِبرَاهِيمَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ :  
: حَدَّثَنَا الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنِ أَبِي سَلَمَةَ  
، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "

سَيَكُونُ مَنْ بَعْدِي خُلَفَاءُ يَعْمَلُونَ بِمَا يَعْمَلُونَ ،  
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ، وَسَيَكُونُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلَفَاءُ  
يَعْمَلُونَ مَا لَا يَعْلَمُونَ ، وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ ،  
فَمَنْ أَنْكَرَ بَرِيءٌ ، وَمَنْ أَمْسَكَ سَلَمٌ ، وَلَكِنْ مَنْ  
رَضِيَ وَتَابِعَ " ،

أَخْبَرَنَا ابْنُ سَلَمٍ ، فِي عَقِبِهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ  
الرَّحْمَنِ بْنُ إِبرَاهِيمَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ  
الْوَاحِدِ ، عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ ، عَنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ مُرَّةَ ،  
عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنِ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ ،  
عَنِ النَّبِيِّ مِثْلَهُ ، قَالَ أَبُو حَاتِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ :  
سَمِعَ هَذَا الْخَبَرَ الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، وَسَمِعَهُ  
عَنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ مُرَّةَ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، فَالطَّرِيقَانِ  
جَمِيعًا مَحْفُوظَانِ

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ وَالْحَارِثُ بْنُ مَسْكِينٍ ،  
قِرَاءَةً عَلَيْهِ ، عَنِ ابْنِ الْقَاسِمِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَالِكٌ  
، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عُبَادَةُ بْنُ

الْوَلِيدِ بْنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي ،  
عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ :

" بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى السَّمْعِ ، وَالطَّاعَةِ فِي  
الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ، وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ ، وَأَنْ لَا نُنَازِعَ  
الْأَمْرَ أَهْلَهُ ، وَأَنْ نَقُولَ ، أَوْ نَقُومَ بِالْحَقِّ حَيْثُ كُنَّا ،  
وَلَا نَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَانِمِ "

عدي بن عميرة الكندي

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ يَعْقُوبَ الْجَوْزَجَانِيُّ قَالَ : ثَنَا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ : ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نُمَيْرٍ ، عَنْ  
سَيْفِ الْمَكِّيِّ قَالَ : سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي عَدِيٍّ الْكِنْدِيَّ  
يَقُولُ : حَدَّثَنِي مَوْلَى لَنَا ، أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي (عدي بن  
عميرة الكندي) يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ حَتَّى يَرَوْا  
الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ  
يُنْكَرُوهُ فَلَا يُنْكَرُوهُ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ  
الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ "

أَخْبَرَنَا دَعْلُجُ بْنُ أَحْمَدَ ، ثنا مُوسَى بْنُ هَارُونَ ،  
ثنا الْحَسَنُ بْنُ عَيْسَى ، ثنا ابْنُ الْمُبَارَكِ ، ثنا سَيْفُ  
، قَالَ : سَمِعْتُ عَدِيَّ بْنَ عَدِيٍّ الْكِنْدِيِّ ، يَقُولُ :  
حَدَّثَنِي مَوْلَى لَنَا أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي ، يَقُولُ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ ، حَتَّى  
يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ ، وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ  
يُنْكَرُوهُ ، وَلَمْ يُنْكَرُوهُ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ  
الْعَامَّةَ بِالْخَاصَّةِ

أم سلمة زوج النبي

حَدَّثَنَا قَتَادَةُ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مِحْصَنٍ  
، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْزَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكَرُونَ ، فَمَنْ عَرَفَ  
بِرِيءٍ ، وَمَنْ كَرِهَ سَلِيمٌ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ " ،  
قَالُوا : أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : " لَا مَا صَلَّوْا "

نا أسدٌ ، نا حمادُ بنُ سلمةَ ، عن عليِّ بنِ زيِّدٍ ،  
عن الحسنِ ، عن أمِّ سلمةَ رضي الله عنها ، أن  
النبيَّ قال :

" تكونُ أمورٌ تُعرفونَ وتُنكرونَ ، فمن أنكرَ فقد  
برئَ ، ومن كرهَ فقد سلِمَ ، ولكنَّ من رَضِيَ وتابَعَ  
؛ فأولئك همُ أهالكُم " يقولها ثلاثاً

وحدَّثني أبو غسانِ المسمعيُّ ومحمدُ بنُ بشرٍ  
جميعاً ، عن معاذٍ واللفظُ لأبي غسانٍ ، حدَّثنا معاذُ  
وهو ابنُ هشامِ الدستوائيِّ ، حدَّثني أبي ، عن قتادةَ  
، حدَّثنا الحسنُ ، عن ضبَّةَ بنِ محصنِ العنزيِّ ،  
عن أمِّ سلمةَ زوجِ النبيِّ عن النبيِّ أنَّه قال :

" إِنَّهُ يُسْتَعْمَلُ عَلَيْكُمُ أَمْرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ،  
فَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ بَرِئَ ، وَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ  
رَضِيَ وَتَابَعَ ، قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَلَا نُقَاتِلُهُمْ ،  
قَالَ : لَا مَا صَلَّوْا ، أَيُّ مَنْ كَرِهَ بِقَلْبِهِ وَأَنْكَرَ بِقَلْبِهِ  
، "

وَحَدَّثَنِي أَبُو الرَّبِيعِ الْعَتَكِيُّ ، حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ ، حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ زِيَادٍ وَهَشَامٌ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مَحْصِنٍ ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ ، قَالَتْ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بِنَحْوِ ذَلِكَ غَيْرَ أَنَّهُ ، قَالَ : " فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِيَ وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ " ، وَحَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ الرَّبِيعِ الْبَجَلِيُّ ، حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُبَارَكِ ، عَنْ هِشَامٍ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مَحْصِنٍ ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ ، قَالَتْ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فَذَكَرَ مِثْلَهُ إِلَّا قَوْلَهُ وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ لَمْ يَذُكُرْهُ

#### خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ التَّمِيمِيِّ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ ، قَالَ : نَا رَوْحُ بْنُ عُبَادَةَ ، قَالَ : نَا أَبُو يُونُسَ وَاسْمُهُ حَاتِمُ بْنُ أَبِي صَغِيرَةَ ، عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَبَّابٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ النَّبِيَّ

قَالَ : " تَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ يَكْذِبُونَ وَيُظْلِمُونَ ، فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِيَ ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ ، قَالُوا : أَفَلَا تَقْتُلُهُمْ؟ قَالَ : لَا ، مَا أَقَامُوا الصَّلَاةَ "

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا بَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْهَيَّاجُ بْنُ  
بِسْطَامِ الْحَنْظَلِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا لَيْثُ بْنُ أَبِي سُلَيْمٍ ،  
عَنْ طَاوُسٍ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " إِنَّهَا سَتَكُونُ أَمْرَاءَ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ  
بَارَأَهُمْ نَجَا ، وَمَنْ اعْتَرَلَهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ ، وَمَنْ  
خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ ، ثنا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدِ الرَّازِيِّ  
، ثنا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُنِيبِ أَبِي الرَّحَابِ . ح وَثَنَا  
أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ حَبَّانَ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ تَصْرِ  
، ثنا أَحْمَدُ بْنُ الْخَلِيلِ ، قَالَا : ثنا سَعِيدُ بْنُ رَبِيعَةَ  
الْمَرْوَزِيُّ ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ رُشَيْدٍ ، عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ  
، حَدَّثَنِي عِكْرِمَةُ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ :

سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَمْرَةٌ بِنْتُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ،  
وَرَجُلٌ قَامَ إِلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ وَنَهَاها ، فَقَتَلَهُ " .  
وَذَكَرَ فِي الْحَدِيثِ قِصَّةً لِإِبْرَاهِيمَ الصَّانِعِ فِي  
رِوَايَةِ أَحْمَدَ بْنِ الْخَلِيلِ

حَدَّثَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ مَنْصُورٍ البُخَارِيُّ ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ نُورٍ ، أَخْبَرَنَا حَمْدَانُ بْنُ حَمْدٍ ، أَخْبَرَنَا الحَسَنُ بْنُ رُشَيْدٍ ، أَخْبَرَنَا أَبُو حَنِيفَةَ ، عَنِ عِكْرِمَةَ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَمَزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ،  
ثُمَّ رَجُلٌ دَخَلَ عَلَى إِمَامٍ فَأَمَرَهُ وَنَهَاهُ

عَنْ جَابِرٍ

حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الحَافِظُ ، أَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عُمَرَ بْنِ بَسْطَامٍ المَرْوَزِيُّ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ سَيَّارٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ اللَّيْثِ قَالَا : ثنا رَافِعُ بْنُ أَشْرَسَ المَرْوَزِيُّ ، ثنا حُفَيْدُ الصَّفَّارُ ، عَنِ إِبرَاهِيمَ الصَّايغِ ، عَنْ عَطَاءٍ ، عَنِ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ

سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ حَمَزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ، وَرَجُلٌ قَالَ  
إِلَى إِمَامٍ جَابِرٍ ، فَأَمَرَهُ وَنَهَاهُ فَقَتَلَهُ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ ، قَالَ : قِيلَ لِأَسَامَةَ لَوْ أَتَيْتَ فَلَانًا فَكَلَّمْتَهُ ، قَالَ : إِنَّكُمْ لَتُرَوْنَ أَنِّي لَا أَكَلِمُهُ إِلَّا أَسْمِعُكُمْ إِنِّي أُكَلِمُهُ فِي السَّرِّ دُونَ أَنْ أَفْتَحَ بَابًا لَا أَكُونُ أَوَّلَ مَنْ فَتَحَهُ ، وَلَا أَقُولُ لِرَجُلٍ أَنْ كَانَ عَلَيَّ أَمِيرًا إِنَّهُ خَيْرُ النَّاسِ بَعْدَ شَيْءٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالُوا : وَمَا سَمِعْتَهُ يَقُولُ : قَالَ : سَمِعْتُهُ ، يَقُولُ :

يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ ، فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ فَيَدُورُ كَمَا يَدُورُ الْجَمَارُ بِرَحَاهُ ، فَيَجْتَمِعُ أَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ ، فَيَقُولُونَ : أَيُّ فُلَانٍ مَا سَأَلْنَاكَ أَلَيْسَ كُنْتَ تَأْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ ، قَالَ : كُنْتُ أَمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ ، وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَاكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَآتِيهِ ، رَوَاهُ عُذْرٌ ، عَنْ شُعْبَةَ ، عَنِ الْأَعْمَشِ

فقه بهتر از عبادت است

بهترین امور دنیا در این امر (اسلام) مشغولیت در فقه است (علم قرآن، سنت و واقعیت که با آن در ارتباط است). فقه؛ فهم کلام، لسان و معانی آن است. پس؛ گفته می توانیم که فقه فهم قرآن، سنت و واقعیت یا سیاق است که در آن احکام

تطبيق می شوند. اگر اسلام و یا امر به معروف بدون فقه بالای مردم تطبيق گردد، نتایج نتایج مهلك را در پی خواهد داشت. اما فقه چیست؟

يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَتَى تَقُومُ السَّاعَةُ؟ قَالَ: مَا أَسْئَلُ عَوْنَهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ، وَسَأُحَدِّثُكَ عَنْ أَشْرَاطِهَا " إِذَا رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَلْدُ رَبَّهَا، فَذَلِكَ مِنْ أَشْرَاطِهَا، وَإِذَا رَأَيْتَ الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الصُّمَّ **الْبُكْمَ مُلُوكَ الْأَرْضِ** ، فَذَلِكَ مِنْ أَشْرَاطِهَا، وَإِذَا رَأَيْتَ رِعَاءَ الْبُحْمِ يَبْتَاطِوْنَ فِي الْبُنْيَانِ، فَذَلِكَ مِنْ أَشْرَاطِهَا

الكتاب: قواعد الأدلة في الأصول

المؤلف: أبو المظفر، منصور بن محمد بن عبد الجبار ابن أحمد المروزي السمعاني التميمي الحنفي ثم الشافعي (المتوفى: 489هـ)

الفقه في اللغة من قولهم فقهت الشيء إذا ادركته وادراكك علم الشيء فقه. قال أبو الحسن بن فارس وقيل هو في اللغة المعرفة بقصد المتكلم يقول القائل فقهت كلامك أي عرفت قصدك به.

الكتاب : المعتمد في أصول الفقه

المؤلف : محمد بن علي بن الطيب البصري أبو الحسين

....أما في اللغة فهو المعرفة بقصد المتكلم

الكتاب : التحيير شرح التحرير في أصول الفقه  
المؤلف : علاء الدين أبي الحسن علي بن سليمان  
المرداوي الحنبلي  
سنة الولادة 817 هـ/ سنة الوفاة 885 هـ

والرابع قاله القاضي في ' الكفاية ' : ( معرفة  
قصد المتكلم )  
قال الرازي / في ' المحصول ' و ' المنتخب ' :  
هو فهم غرض المتكلم من كلامه )  
قال القرافي : ( الفقه هو الفهم والعلم والشعر  
والطب لغة  
ويقال : فقهت كلامك ، وهذا يقتضي أن الفقه  
أخص من العلم

الكتاب : الفروق اللغوية

المؤلف : أبو هلال العسكري

الفرق بين **الفقه** والعلم: أن **الفقه** هو العلم بمقتضى  
الكلام على تأمله ولهذا لا يقال إن الله بفقه لأنه لا  
يوصف بالتأمل، وتقول لمن تخاطبه تفقه ما أقوله  
أي تأمله لتعرفه، ولا يستعمل إلا على معنى  
الكلام قال ومنه قوله تعالى " لا يكادون يفقهون  
قولا

در زمان فتنه داشتن بصیرت و فقه نسبت به عمل و عبادت مخصوصاً در موجودیت اختلافات زیاد بی نهایت مهم می باشد.

فقه چیست و چی چیز فقه نیست؟ فقه آموزش تکراری، تنها حفظ معلومات بدون درک هدف آن نیست، برعلاوه حفظ نمودن علم نیز کار غلط نیست. حد اقل یک فرد می توانند که علم را به شخص دیگر انتقال دهد که ممکن از وی بهتر درک کند. گرچه این ممکن است که شخصی چیزی را بیاموزد و بدون درک عمیق آن را در حافظه بسپارد. اگر اشخاص که حافظه قوی دارند مورد اعتماد قرار گیرند و به اشخاص که دارای فهم و درک عمیق از مسایل اند بی توجهی صورت گیرد، پس این کار امت را تباه خواهد کرد.

نَصَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَحَفِظَهُ فَبَلَّغَهُ، قَرِيبٌ  
حَامِلٌ فُقْهٍ لَيْسَ بِفُقْهٍ

الكتاب : معجم مقاییس اللغة

المؤلف : أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا

(فقه) الفاء والقاف والهاء أصلٌ واحد صحيح،  
يدلُّ على إدراكِ الشَّيءِ والعِلْمِ به

الكتاب : تاج العروس من جواهر القاموس

فقه ( الفِقْهُ ، بالكسْرِ : العِلْمُ بالشَّيءِ . ( وفي  
الصَّحَاحِ : ( الفَهْمُ لَهُ : ) يُقَالُ : أُوتِيَ فلانٌ فِقْهًا  
في الدِّينِ : أَي فَهَمًا فِيهِ .

الكتاب : لسان العرب

( فقه ) الفِقْهُ العلم بالشَّيءِ والفَهْمُ له وغلبَ على  
عِلْمِ الدينِ لسيادَتِهِ وشرفه وفَضْلُهُ على سائر  
أنواع العلم

الكتاب : المعجم الوسيط - موافق للمطبوع

( فقه ) الأمر فقها وفقها أحسن إدراكه يقال فقه  
عنه الكلام ونحوه فهمه فهو فقه

عَنْ زَيْدِ بْنِ نَابِتٍ

حَدَّثَنَا يُوسُفُ الْقَاضِي ، ثنا عَمْرُو بْنُ مَرْزُوقٍ ،  
ثنا شُعْبَةُ ، قَالَ : سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ سُلَيْمَانَ ، يُحَدِّثُ

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ ، عَنْ أَبِيهِ ،  
عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ ، عَنْ النَّبِيِّ قَالَ : " نَصَرَ اللَّهُ  
أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا فَحَفِظَهُ فَبَلَّغَهُ ، فَرُبَّ حَامِلٍ  
فَقِهِ لَيْسَ بِفَقِيهِ "

حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ سُلَيْمَانَ ، عَنْ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ بْنِ أَبَانَ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : سَمِعْتُ زَيْدَ  
بْنَ ثَابِتٍ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ نَصَرَ  
اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا حَفِظَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ ، فَرُبَّ  
حَامِلٍ فَقِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ، وَرُبَّ حَامِلٍ فَقِهِ  
لَيْسَ بِفَقِيهِ

أَخْبَرَنَا أَبُو خَلِيفَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ، عَنْ شُعْبَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عُمَرُ  
بْنُ سُلَيْمَانَ هُوَ ابْنُ عَاصِمِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ،  
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبَانَ هُوَ ابْنُ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ  
، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : خَرَجَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ مِنْ عِنْدِ  
مَرْوَانَ قَرِيبًا مِنْ نِصْفِ النَّهَارِ ، فَقُلْتُ : مَا بَعَثَ  
إِلَيْهِ إِلَّا لِشَيْءٍ سَأَلَهُ ، فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ ، فَقَالَ :  
أَجَلٌ ، سَأَلْنَا عَنْ أَشْيَاءَ سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ : "  
رَجِمَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنِّي حَدِيثًا فَحَفِظَهُ ، حَتَّى يُبَلِّغَهُ  
غَيْرَهُ ، فَرُبَّ حَامِلٍ فَقِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ،  
وَ رُبَّ حَامِلٍ فَقِهِ لَيْسَ بِفَقِيهِ ، ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَحِلُّ  
عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ : إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ ، وَمُنَاصَحَةُ

أُولَاةِ الْأَمْرِ، وَلِزُورِ الْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحْبِطُ  
مِنْ وَرَائِهِمْ

قَالَ أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ ، ثنا شُعْبَةُ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ  
سُلَيْمَانَ ، سَمِعْتُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبَانَ ، عَنْ أَبِيهِ  
، قَالَ : خَرَجَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ مِنْ عِنْدِ مَرْوَانَ قَرِيبًا  
مَنْ نِصْفِ النَّهَارِ ، فَقُلْنَا : مَا بَعَثَ إِلَيْهِ إِلَّا لِشَيْءٍ  
سَأَلَهُ ، فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ ، فَقَالَ : أَجَلُ سَأَلْنَا عَنْ  
أَشْيَاءَ سَمِعْتُهَا أَوْ سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " نَضَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا  
حَدِيثًا ، فَحَفِظَهُ حَتَّى يُبَلِّغَهُ غَيْرَهُ ، فَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ  
إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ ، وَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ لَيْسَ بِفِقْهِهِ ،  
ثَلَاثُ خِصَالٍ لَا يَجُلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ أَبَدًا :  
إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَمُنَاصَحَةُ وِلَاةِ الْأَمْرِ ، وَلِزُورِ  
الْجَمَاعَةِ ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحْبِطُ مِنْ وَرَائِهِمْ ، وَمَنْ  
كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ ، وَجَعَلَ عِنَاهُ فِي  
قَلْبِهِ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ ، وَمَنْ كَانَ نِيَّتُهُ  
الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ أَمْرَهُ ، وَجَعَلَ فُقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَلَمْ  
يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ " وَسَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ  
الْوَسْطَى ، فَقَالَ : " هِيَ الظُّهْرُ "

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ الدَّنْدَانِيُّ ،  
بِطَرَسُوسَ ، وَأَبُو الْمُثَنَّى مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى بْنِ مُعَاذٍ

بْنِ مُعَاذِ الْعَنْبَرِيِّ ، بِيَعْدَادَ ، قَالَا : حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ ،  
حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاوُدَ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ صَالِحٍ ،  
حَدَّثَنَا سِمَاكُ بْنُ حَرْبٍ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ  
اللَّهِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ  
: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " نَصَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مِنَّا حَدِيثًا ،  
فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ ، قَرَبَ مُبَلِّغٍ أَوْ عَى مِنْ سَامِعٍ "

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَبِيبَةَ اللَّهِ ، أَنَا أَبُو رَوْحٍ ، فِي كِتَابِهِ ،  
أَنَا زَاهِرٌ ، أَنَا أَبُو عَامِرٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، إِجَازَةً ،  
أَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، أَنَا أَبُو يَعْلَى ، ثَنَا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ ، ثَنَا عُبَيْدَةُ بْنُ الْأَسْوَدِ  
، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ ، عَنْ الْحَارِثِ الْعُكْلِيِّ ،  
عَنْ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ الْأَسْوَدِ ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " نَصَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ  
مَقَالَتِي ، فَحَفِظَهَا ، فَإِنَّهُ رَبُّ حَامِلٍ فَقِهِ غَيْرِ فَقِيهِ ،  
وَرُبَّ حَامِلٍ فَقِهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ نَصْرِ التِّرْمِذِيُّ ، قَالَ :  
نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمِ الْقَزَّازُ ، قَالَ : نَا  
عُبَيْدَةُ بْنُ الْأَسْوَدِ ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ ، عَنْ  
الْحَارِثِ الْعُكْلِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ الْأَسْوَدِ ، عَنْ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ النَّبِيِّ

قَالَ : " نَصَرَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَحَفِظَهَا ، فَإِنَّهُ  
رُبَّ حَامِلٍ فَقِهِ غَيْرِ فَقِيهِ ، وَرُبَّ حَامِلٍ فَقِهِ إِلَى

مَنْ هُوَ **أَفْقَهُ مِنْهُ**، ثَلَاثٌ لَا يُعَلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ رَجُلٍ مُسْلِمٍ : إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالنَّصِيحَةُ لِرِوَاةِ الْأَمْرِ، وَلِزُورِ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمِ بْنِ وَارَةَ، حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ وَاقِعٍ، حَدَّثَنَا ضَمْرَةُ، عَنْ ابْنِ شَوَدِبٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي عَرُوبَةَ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ **أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ** رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ بِمَتَى، فَقَالَ : " **رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا** سَمِعَ مَقَالَتِي **فَوَعَاهَا**، قَرَبَ حَامِلٌ فَقَهَ غَيْرَ فَقِيهِ، وَرُبَّ حَامِلٍ فَقَهَ إِلَى مَنْ هُوَ **أَفْقَهُ مِنْهُ**، ثَلَاثٌ لَا يُعَلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ مُسْلِمٍ : النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ، وَلِرِوَاةِ الْأَمْرِ، وَلِزُورِ جَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى الْجَمَاعَةِ "

جبير بن مطعم القرشي

حَدَّثَنِي ابْنُ الْجَارُودِ، قَالَ : ثنا أَحْمَدُ بْنُ مَهْدِيٍّ، قَالَ : ثنا أَبُو يَعْلَى مُحَمَّدُ بْنُ الصَّلْتِ، قَالَ : ثنا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ وَسُقْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ، عَنْ ابْنِ سَعْدٍ، عَنْ الزُّهْرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ: " نَضَرَ اللَّهُ وَجْهَ عَبْدِ سَمِعَ مَقَالَتِي فَحَفِظَهَا

وَوَعَاهَا، ثُمَّ بَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا، فَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهِ  
لَا فِقْهَ لَهُ، وَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ بْنِ وَارَةَ ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ  
مُوسَى بْنِ أُعَيْنَ ، حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ خَالِدِ بْنِ يَزِيدَ ،  
عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ بُحْتِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ  
، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ : "   
نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي ثُمَّ حَمَلَهَا، فَرُبَّ حَامِلٍ  
فِقْهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ، وَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهِ غَيْرِ  
فِقْيِهِ، ثَلَاثٌ لَا يُعَلُّ عَلَيْهِنَّ صَدْرُ الْمُسْلِمِ : إِخْلَاصُ  
الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَاصَحَةُ وِلَاةِ الْأَمْرِ، وَلزُومُ جَمَاعَةِ  
الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ نُحِيطُ مِنْ وَرَائِهِمْ " . حسن

صحيح لغيره

بشير بن سعد الأنصاري

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحِي، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَيُّوبَ  
الْمُخَرَّمِيُّ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ  
بْنِ أَبِي خَالِدٍ ، عَنْ الثُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ ، عَنْ أَبِيهِ ،  
عَنْ النَّبِيِّ قَالَ : " رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي  
فَحَفِظَهَا، فَرُبَّ حَامِلٍ فِقْهِ غَيْرِ فِقْيِهِ، وَرُبَّ حَامِلٍ  
فِقْهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ، ثَلَاثٌ لَا يُعَلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ  
مُؤْمِنٍ، إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَمُنَاصَحَةُ وِلَاةِ

المُسْلِمِينَ، وَلَزُومَ جَمَاعَاتِ الْمُسْلِمِينَ " حسن صحيح

لغيره

أَخْبَرَنَا ابْنُ الْجُنَيْدِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ  
بْنُ عَجْلَوَيْهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْكَرْجِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ ، قَالَ  
: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
أَبِي ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ الْمُغِيرَةِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
الْحَكَمُ بْنُ بَشِيرٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ قَيْسِ الْمَلَائِيِّ ،  
عَنْ زُبَيْدٍ ، عَنْ مَنْ ذَكَرَهُ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ  
النَّبِيَّ قَالَ : " نَصَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي فَحَفِظَهَا  
حَتَّى يُبَلِّغَهَا عَنِّي فَرُبَّ حَامِلٍ فَفَهِيَ إِلَيْ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ  
مِنْهُ ، وَرُبَّ حَامِلٍ فَفَهِيَ إِلَيْ غَيْرِ فَقِيهِ " حسن صحيح

لغيره

در ضمن؛ در هر صورت بدون فهم و درک یک  
مسئله عمل کردن نادرست می باشد. وقتی که  
یک مسئله واضح نباشد، مومن باید تلاش نماید  
که آن را بداند تا حقیقت برایش آشکار گردد.

شیخ الإسلام ابن تیمیة (المتوفى: 728هـ)  
الكتاب: الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر

وإذا اشتبه الأمر استبان المؤمن حتى يتبين له الحق، فلا يقدم على الطاعة إلا بعلم ونية؛ وإذا تركها كان عاصيا، فترك الأمر الواجب معصية، وفعل ما نهى عنه من الأمر معصية. وهذا باب واسع، ولا حول ولا قوة إلا بالله.

ومن هذا الباب إقرار النبي صلى الله عليه وسلم لعبد الله بن أبي وأمثاله من أئمة النفاق والفجور لما لهم من أعوان، فإزالة منكره بنوع من عقابه مستلزمة إزالة معروف أكثر من ذلك بغضب قومه وحميتهم، وينفور الناس إذا سمعوا أن محمدا يقتل أصحابه؛

وقتی که یک مسئله واضح نباشد، مومن باید تلاش نماید که آن را بداند تا حقیقت برایش آشکار گردد. او نمی تواند اطاعت کند مگر با نیت درست و علم به آن عمل. اگر در در انجام آن ناکام ماند، او به الله سبحانه و تعالی بی اطاعتی کرده است. غفلت در امر که فرض است بی اطاعتی محسوب می شود، به همین شکل انجام کاری که در عرصه توصیه به حق ممنوع شده نیز بی اطاعتی شمرده می شود. این یک بخش بسیار

وسیع و خطر ناک است و هیچ قدرت و قوت به جز از کمک الله سبحانه و تعالی نمی تواند در برابر آن مقاومت کند. بهترین مثال آن از سنت به حال خود گذاشتن عبدالله ابن ابی ابن سلول و همراهان وی در میان رهبران رباکار و فساد پیشه، توسط پیامبر صلی الله علیه و سلم است به دلیل این که افراد بیشتر به آن ها وفادار و کمک می کردند. از بین آن اشخاص شریر از طریق مجازات منجر به از بین رفتن اشخاص بزرگ تر دیگر می گردید به دلیل قهر قبیله و تحریک دشمنی قومی علیه پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسلمانان.

هم چنان این عمل منجر به تنفر مردم می گردید وقتی که می شدند که پیامبر الله سبحانه و تعالی یارانش را به قتل رسانده است.

در چنین قضایا، فقه و بصیرت مربوط به فهم و درک توانمندی و مهارت شخصی یک فرد می

گردد و رخصت که شریعت داده است. فرق کردن میان ناتوانی و بزدلی یا عقاید و افکار غلط برای اکثریت مسلمانان امروز مشکل گردیده در حالی که نیاز مبرم است.

برعلاوه؛ عمل مومن در چیزی که دوست دارد (خیر) و اجتناب و مخالفت وی از چیزی که بد می بیند (شر) باید به اندازه توانمندی اش باشد، بدون شک الله سبحانه و تعالی فراتر از چیزی که در توان ما است را تقاضا نکرده است.

توانمندی در فقه یکی از بهترین امور است که یک فرد می تواند آن را حاصل نماید. بهترین مردم در امور دنیا میان هر امت کسانی اند که مقصد یا هدف سخن دیگران را درک می کند. یکی از شیوه های اساسی برای رشد این چنین فهم و درک، رشد توانمندی درک هدف و انگیزه سخنان دیگران توسط تدبر است. نه تنها آن، بلکه بهترین راه که الله سبحانه و تعالی عبادت می شود این

است که هدف یا مقصد الله سبحانه و تعالی را از کلام اش درک کنیم یعنی فقه نمائیم. به این دلیل، درست نیست که بدون تدبر و یا درک مقصد اصلی و یا هدف اصلی آن قرآن را سریع بخوانیم و یا تمام آن را سریعاً تمام نمائیم.

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُنْهَالِ ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ زُرَيْعٍ ،  
حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ : يَزِيدُ  
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ: " لَا يَفْقَهُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ  
ثَلَاثٍ "

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ ، قَالَ : ثنا وَكَيْعٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا هَمَّامٌ  
، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ يَزِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّخِيرِ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: "  
مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ ، فَلَمْ يَفْقَهُهُ "

الكتاب: فتح الباري شرح صحيح البخاري

ابن حجر العسقلاني (773هـ - 852هـ، 1372م - 1448م).

وفي هذا الحديث من الفوائد كراهة الإفراط في  
سرعة التلاوة لأنه ينافي المطلوب من التدبر  
والتفكر في معاني القرآن

الكتاب : شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك  
المؤلف : محمد بن عبد الباقي بن يوسف  
الزرقاني - سنة الوفاة 1122  
يقرأها بتمهل وترسل ليقع مع ذلك التدبر كما  
أمره تعالى { ورتل القرآن ترتيلا }  
يك مومن فقيهه برأى شيطان از يك عابد كه در  
ذكر و عبادت مصروف باشد بسيار دشوار و اذيت  
كننده است. اين توانائی وقتى حاصل مى شود  
كه يك فرد برأى حصول آن تلاش نمايد.

...وَلَفَقِيهٖ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ

إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ ، وَالْفِقْهُ بِالتَّفَقُّهِ ، وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ  
خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ

1. عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ

a. مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ

2. عَنْ ابْنِ عُمَرَ

a. مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ، أَفْضَلَ مِنْ

فَفَهٍ فِي دِينٍ

3. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. النَّاسُ مَعَادِنُ خِيَارُهُمْ فِي

الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ

إِذَا فَتَّهُوا

b. فَخِيَارُكُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ،

خِيَارُكُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَتَّهُوا

c. مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي

الدِّينِ

d. وَلِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ، وَعِمَادُ هَذَا

الدِّينِ الْفَقْهُ

e. وَفَقِيهُ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ

أَلْفِ عَابِدٍ

f. مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ

فَفَهٍ فِي دِينٍ

4. عَنْ جَابِرٍ

a. النَّاسُ مَعَادِنُ خِيَارُهُمْ فِي

الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي الْإِسْلَامِ

إِذَا فَتَّهُوا

5. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

a. إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهْهُ

فِي الدِّينِ وَالْأَهَمُّ رُشْدَهُ

b. أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ؟، قُلْتُ : اللهُ

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ : فَإِنَّ

أَفْضَلَ النَّاسِ أَفْضَلُهُمْ عَمَلًا

إِذَا فَعِلُوا فِي دِينِهِمْ

c. إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ

بِالْحَقِّ، إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ وَإِنْ

كَانَ مُقْصِرًا فِي عَمَلِهِ

d. فَأَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ ،

قَالُوا : اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ

: " أَحْسَنُهُمْ عَمَلًا بَعْدَ

المعرفة

e. فأيهم أعلم؟ ،" ، قَالُوا : اللهُ

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ : " أَبْصِرْ

النَّاسَ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اخْتَلَفَ

النَّاسِ

6. مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ

a. مَنْ يُرِدُ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي

الدِّينِ

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ

وَهُوَ مَا قَدْ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى ، قَالَ :

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهْبٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ

الْحَارِثِ ، أَنَّ عَبَادَ بْنَ سَالِمٍ ، حَدَّثَهُ عَنْ سَالِمِ بْنِ

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ،  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ

أَنَّهُ قَالَ : " مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَهِّمَهُ

عَنِ ابْنِ عُمَرَ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، ثنا أَبُو عَلِيٍّ حَامِدُ بْنُ  
مُحَمَّدٍ الرَّقَّاءُ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحِ الْأَشْجِ ، ثنا  
عَبْسَى بْنُ زِيَادِ الدَّورَقِيِّ ، ثنا مَسْلَمَةُ بْنُ فَعَنْبٍ ،  
عَنْ نَافِعٍ ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مَا عَبَدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ ، أَفْضَلَ مِنْ فِقْهِ فِي دِينِ

مكحول بن أبي مسلم الشامي

قَالَ : وَأَخْبَرَنَا اللَّيْثُ ، عَنْ أَبِي حَفْصِ الدَّمَشْقِيِّ ،  
عَنْ مَكْحُولٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

قَالَ : الْعِلْمُ بِالتَّعْلَمِ ، وَالْخَيْرُ عَادَةً ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِ  
خَيْرًا فَفَهِيَ فِي الدِّينِ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

أَنَا أَبُو عَمْرٍو عَثْمَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يُوسُفَ بْنِ  
دَوَسْتِ الْعَلَّافِ ، أَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
إِبْرَاهِيمَ الشَّافِعِيِّ ، نَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجَعْفِيُّ ، نَا  
عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنِ أَبَانَ ، نَا سُفْيَانُ ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ  
، عَنْ جَابِرٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" النَّاسُ مَعَادُنُ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي  
الإِسْلَامِ إِذَا فَفَهُوا

حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ خَلْفٍ أَبُو بَشْرٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى  
، عَنْ مَعْمَرٍ ، عَنْ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ  
الْمُسَيَّبِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ

حَدَّثَنَا أَبُو أُمَيَّةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا سُرَيْجُ بْنُ النُّعْمَانِ  
الْجَوْهَرِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ زِيَادٍ ،  
عَنْ مَعْمَرٍ ، عَنْ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ

، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مَنْ بُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ ، وَإِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ  
وَاللَّهُ يُعْطِي

ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ السُّيُوطِيُّ ، نَا  
مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ غَالِبٍ ، نَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ،  
أَنَا يَزِيدُ بْنُ عِيَاضٍ ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ ، عَنْ  
سُلَيْمَانَ بْنِ بَسَارٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ

قَالَ : " مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ فِقْهِ فِي دِينٍ ،  
وَأَفْقَيْهِ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ ، وَلِكُلِّ  
شَيْءٍ عِمَادٌ ، وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ ، فَقَالَ أَبُو  
هُرَيْرَةَ : لِأَنْ أُجْلِسَ سَاعَةً فَأَفْقَهُ ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ  
أُحْيِيَ لَيْلَةً إِلَى الْعَدَاةِ

حَدَّثَنِي مُحَمَّدٌ ، أَخْبَرَنَا عِدَّةٌ ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ ، عَنْ  
سَعِيدِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُ ، قَالَ :

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ **أَيُّ النَّاسِ أَكْرَمُ؟** قَالَ : " أَكْرَمُهُمْ  
عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ " ، قَالُوا : لَيْسَ عَنْ هَذَا نَسَأَلُكَ ، قَالَ  
: " فَأَكْرَمُ النَّاسِ يُوسُفُ نَبِيُّ اللَّهِ ، ابْنُ نَبِيِّ اللَّهِ ، ابْنُ  
نَبِيِّ اللَّهِ ، ابْنُ خَلِيلِ اللَّهِ " ، قَالُوا : لَيْسَ عَنْ هَذَا  
نَسَأَلُكَ ، قَالَ : " فَعَنْ مَعَادِنِ الْعَرَبِ تَسْأَلُونِي؟ "   
قَالُوا : نَعَمْ ، قَالَ : " فَخِيَارُكُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ،  
خِيَارُكُمْ فِي الْإِسْلَامِ إِذَا فَفَهُوا

عَنْ جَابِرٍ

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ نَصْرِ نَا قَاسِمُ بْنُ أَصْبَغَ ، نَا ابْنُ  
وَضَّاحٍ ، نَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ نَا عُبَيْدُ بْنُ سَعِيدٍ  
أَخُو يَحْيَى بْنِ سَعِيدِ الْأَمْوِيِّ ، عَنْ سُفْيَانَ ، عَنْ  
أَبِي الزُّبَيْرِ ، عَنْ جَابِرٍ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" النَّاسُ مَعَادِنُ خِيَارُهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خِيَارُهُمْ فِي  
الْإِسْلَامِ إِذَا فَفَهُوا

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانٌ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ ، قَالَ :  
أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ أَبِي هَنْدٍ ، عَنْ أَبِيهِ  
، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، أَنَّ النَّبِيَّ

قَالَ " مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ

عبد الله بن مسعود

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْبَاقِي بْنُ  
قَانِعٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ وَأَنْبَسُ بْنُ  
يَحْيَى ، قَالَا : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَيُّوبَ ،  
حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَيَّاشٍ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ أَبِي  
وَائِلٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهُهُ فِي الدِّينِ وَالْهَمَّهُ رُشْدَهُ

(625)- [223] حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ خَلَادٍ  
الْقَطَّانُ الْبَصْرِيُّ ، حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ الْأُبُلِّيُّ  
، حَدَّثَنَا الصَّعْقُ بْنُ حَزْنٍ ، عَنْ عَوِيلِ الْجَعْدِيِّ ،

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ ، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ :  
دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ  
: " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ أَيُّ عَرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟، قُلْتُ  
: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ :

أَوْثَقُ عَرَى الْإِسْلَامِ : الْوِلَايَةُ فِي اللَّهِ، وَالْحُبُّ فِي  
اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ : يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، قُلْتُ  
: لَيْتَنِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : أَتَدْرِي أَيُّ النَّاسِ  
أَفْضَلُ؟، قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ : فَإِنَّ أَفْضَلَ  
النَّاسِ أَفْضَلُهُمْ عَمَلًا إِذَا فَفَهُوا فِي دِينِهِمْ، ثُمَّ قَالَ  
: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، قُلْتُ : لَيْتَنِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ :  
أَتَدْرِي أَيُّ النَّاسِ أَعْلَمُ؟، قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
قَالَ : إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ بِالْحَقِّ، إِذَا اخْتَلَفَ  
النَّاسُ وَإِنْ كَانَ مُقْصِرًا فِي عَمَلِهِ، وَإِنْ كَانَ  
يَرْحَفُ عَلَى اسْتِنِهِ رَحْفًا، وَاخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ  
عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً نَجَا مِنْهَا ثَلَاثٌ، وَهَلَاكَ  
سَائِرُهُنَّ،

- فِرْقَةٌ أَرَبَتِ الْمُلُوكَ وَقَاتَلُوهُمْ عَلَى دِينِهِمْ  
وَدِينِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
فَأَخَذُوهُمْ فَقَتَلُوهُمْ وَتَسَرَّوهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ،

• وَفِرْقَةٌ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ طَاقَةً بِمُؤَازَةِ الْمُلُوكِ  
وَلَا أَنْ يُقِيمُوا بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ يَدْعُوهُمْ  
إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عَيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ،  
فَسَاحُوا فِي الْبِلَادِ وَتَرَهَّبُوا وَهُمْ الَّذِينَ  
قَالَ اللَّهُ: فِ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا  
كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ

،

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : فَمَنْ آمَنَ  
بِي وَاتَّبَعَنِي وَصَدَّقَنِي فَقَدْ رَعَاهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا،  
وَمَنْ لَمْ يَتَّبَعَنِي فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " ، لَمْ يَرَوْهُ  
عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، إِلَّا عَقِيلٌ، تَفَرَّدَ بِهِ الصَّعْقُ

ذكر عبد الله بن عدي الحافظ، وأنا شاك في  
سماعه حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشْرٍ بْنُ يُونُسَ وَمُحَمَّدُ بْنُ  
خَرِيمٍ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ ، قَالَا : حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَرَ  
، حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ شَهَابُ بْنُ خِرَاشٍ ، حَدَّثَنَا بَكْرُ  
بْنُ خُنَيْسٍ ، عَنْ ، عَنْ ، قَاضِي جُرْجَانَ ، عَنْ ابْنِ  
مَسْعُودٍ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

" أَي عَرَى الْإِيمَانَ أَوْثَقُ؟ " ، قَالُوا : الصَّلَاةُ ،  
الزَّكَاةُ ، صَوْمُ رَمَضَانَ ، الْحَجُّ ، قَالَ : " إِنْ الْحَجُّ  
لِحَسَنِ " ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : " الْحَبُّ

فِي اللَّهِ، وَالبِغْضِ فِي اللَّهِ أوثق عرى الإيمان " ،  
قَالَ : " فَأَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ " ، قَالُوا : اللَّهُ  
وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : " أَحْسَنُهُمْ عَمَلًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ  
" ، قَالَ : " فَأَيُّهُمْ أَعْلَمُ؟ " ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
أَعْلَمُ ، قَالَ : " أَبْصَرَ النَّاسُ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا  
اختلف الناس "

مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ

حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ هِشَامٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا جَعْفَرٌ ، حَدَّثَنَا  
يَزِيدُ بْنُ الْأَصَمِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي  
سُفْيَانَ ذَكَرَ حَدِيثًا رَوَاهُ ، عَنِ النَّبِيِّ لَمْ أَسْمَعْهُ رَوَى  
عَنِ النَّبِيِّ حَدِيثًا غَيْرَهُ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

مَنْ يُرِدْ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ ، وَلَا تَزَالُ  
عِصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ  
ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ وَأَبُو بَكْرِ الْقَاضِي قَالَا  
: ثنا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ ، ثنا الْعَبَّاسُ

بْنُ الْوَلِيدِ ، أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ شُعَيْبِ بْنِ شَابُورَ ،  
عَنْ عُنْبَةَ بْنِ أَبِي حَكِيمٍ ، عَنْ مَكْحُولٍ ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ  
عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ  
وَهُوَ يَخْطُبُ عَلَى الْمِنْبَرِ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ  
: " يَا أَيُّهَا النَّاسُ ،

إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعْلَمِ ، وَالْفِقْهُ بِالتَّفَقُّهِ ، وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ  
خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ ، وَإِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ  
الْعُلَمَاءُ ، وَلَنْ تَزَالَ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ  
ظَاهِرِينَ ، لَا يُبَالُونَ مَنْ خَالَفَهُمْ ، وَلَا مَنْ نَاوَأَهُمْ  
حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ

حَدَّثَنَا حِبَّانُ بْنُ مُوسَى ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، عَنْ  
يُونُسَ ، عَنْ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ حُمَيْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
، أَنَّهُ سَمِعَ مُعَاوِيَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهُهُ فِي الدِّينِ وَاللَّهُ الْمُعْطِي  
وَأَنَا الْقَاسِمُ ، وَلَا تَزَالَ هَذِهِ الْأُمَّةُ ظَاهِرِينَ عَلَى  
مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ "

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَفِيرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ ،  
عَنْ يُونُسَ ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ ، قَالَ : قَالَ حُمَيْدُ بْنُ

عَبْدُ الرَّحْمَنِ ، سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ خَطِيْبًا، يَقُولُ :  
سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ

مَنْ بُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفْقَهُهُ فِي الدِّينِ، وَإِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ  
وَاللَّهُ يُعْطِي، وَلَنْ تَزَالَ هَذِهِ الْأُمَّةُ قَائِمَةً عَلَى أَمْرِ  
اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ "

يك مومن با درک و بصیرت بهتر از عابد است که  
در عبادت مصروف باشد. مومن دارای فقه کسی  
است که حقیقت یا هدف علم را که حفظ نموده  
است را می داند. کسی که تنها علم را در حافظه  
اش سپرده، فقیه گفته نمی شود. و این توانمندی  
وقتی کسب می گردد که برای آن تلاش صورت  
گیرد.

به همین دلیل صحابا بهترین امت شناخته شده  
بودند.

الكتاب: المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه  
الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه

**المؤلف:** أبو المعالي برهان الدين محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مازة البخاري الحنفي (المتوفى: 616هـ)

«علماء أمتي كأنبيا بني إسرائيل»، وقال عليه السلام في صفة أمته: «هم فقهاء كأنتهم من العلم أنبياء»، وكان أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم ورضي عنهم صابرين على **التعلم والتفقه في الدين**، ولذلك صاروا مقتدى للعالمين

(إسناد حسن) حَدَّثَنَا أَبِي ، حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ ، حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِبرَاهِيمَ الدَّورَقِيُّ ، حَدَّثَنَا شُجَاعُ بْنُ الْوَلِيدِ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ خَيْثَمَةَ ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضَمْرَةَ ، عَنْ عَلِيِّ ، قَالَ :

أَلَا إِنَّ الْفَقِيهَ كُلَّ الْفَقِيهِ الَّذِي لَا يُقْنِطُ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَا يُؤْمِنُهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، وَلَا يُرَخِّصُ لَهُمْ فِي مَعَاصِي اللَّهِ، وَلَا يَدْعُ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ، لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَا عِلْمَ فِيهَا، وَلَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا فَهْمَ فِيهِ، وَلَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَا تَدْبِيرَ فِيهَا

إسناد فيه متهم بالوضع وهو سعيد بن هبيرة الكعبي

الحكم على المتن: حسن لغيره

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَحْيَى وَيَحْيَى بْنُ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ ، قَالَا : نا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ  
زَبَّانَ ، ثنا الْحَارِثُ بْنُ مَسْكِينٍ ، ثنا ابْنُ وَهْبٍ ،  
قَالَ : أَخْبَرَنِي عُقْبَةُ بْنُ نَافِعٍ ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَسِيدٍ  
، عَنْ أَبِي مَالِكٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " أَلَا أُتَبِّئُكُمْ بِالْفَقِيهِ  
كُلِّ الْفَقِيهِ؟ " قَالُوا : بَلَى ، قَالَ : " مَنْ لَمْ يُقْنَطْ  
النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ، وَلَمْ يُؤَيِّسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ،  
وَلَمْ يُؤَمِّمْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ ، وَلَا يَدْعُ الْقُرْآنَ رَغْبَةً  
عَنْهُ إِلَى مَا سِوَاهُ ، أَلَا لَخَيْرٍ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا  
تَفَقُّهُ وَلَا عِلْمٌ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُمٌ وَلَا قِرَاءَةٌ لَيْسَ فِيهَا  
تَنْذِيرٌ

عَنْ أَبِي ذَرٍّ

وَتَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ خَلَادٍ ، ثنا الْحَارِثُ بْنُ  
أَبِي أَسَامَةَ ، ثنا عَفَّانُ ، ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ ،  
ثنا حُمَيْدُ بْنُ هَلَالٍ ، وَثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، ثنا  
أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ ، عن شَيْبَانَ بْنِ فَرُوحٍ وَهُدْبَةُ ، قَالَا  
: ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ ، عَنْ حُمَيْدِ بْنِ هَلَالٍ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ ، قَالَ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " إِنَّ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامًا  
يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ ، يَخْرُجُونَ مِنَ  
الدِّينِ كَمَا يَخْرُجُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ ، ثُمَّ لَا يَعُودُونَ  
فِيهِ ، شَرُّ الْخَلْقِ وَالْخَلِيقَةِ " ، قَالَ ابْنُ الصَّامِتِ :

فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَافِعِ أَخِي الْحَكَمِ، فَقَالَ : أَنَا أَيْضًا  
سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ لَفْظُ الْحَارِثِ، عَنْ أَبِي  
النَّضْرِ، وَقَالَ عَفَّانُ حَلَاقِيمَهُمْ، رَوَاهُ مُسْلِمٌ، عَنْ  
شَيْبَانَ، عَنْ سُلَيْمَانَ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ  
، قَالَ : حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ خَبِثَةَ  
، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ عَفَلَةَ ، عَنْ عَلِيٍّ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " بَخْرُجُ قَوْمٍ فِي آخِرِ الزَّمَانِ  
أَحْدَاثُ الْأَسْنَانِ، سُفْهَاءُ الْأَحْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ  
قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، لَا يُجَاوِزُ إِيمَانُهُمْ حَنَاجِرَهُمْ، يَمْرُقُونَ  
مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، فَإِذَا  
لَقِيَتْهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ، فَإِنَّ قَتْلَهُمْ أَجْرٌ لِمَنْ قَتَلَهُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ

بصیرت و آگاهی سیاسی در مقابل اعمال دینی

داشتن بصیرت سیاسی در زمان فتنه یکی از بهترین اعمال بهترین اشخاص است. در واقع قوی ترین عروة است که علم، عمل و عبادت هر سه را در خود جمع می کند.

فأیهم أعلم؟"، قَالُوا : اللهُ ورسوله أعلم، قَالَ : "أبصر النَّاسِ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اختلف النَّاسِ

هَلْ تَدْرِي أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمُ؟" ..... أَبْصَرَ هُمْ بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِي عِلْمِهِ تَفْصِيرٌ

إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ بِالْحَقِّ، إِذَا اختلفَ النَّاسُ وَإِنْ كَانَ مُقْصِرًا فِي عَمَلِهِ

لا يُدْعُ (لسع) الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ

الكتاب: نقد القومية العربية على ضوء الإسلام  
والواقع

المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى):

(1420هـ)

ولا ريب أن من أهم الواجبات الإيمانية: أخذ الحذر من عدونا، وأن نعد له ما نستطيع من القوة، وذلك من تمام الإيمان، ومن الأخذ بالأسباب التي يتعين الأخذ بها، ولا يجوز إهمالها، كما في قوله تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ} [النساء: 71] وقوله تعالى: {وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ} [الأنفال: 60]

### 1. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

a. إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ

بِالْحَقِّ، إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ وَإِنْ

كَانَ مُقْصِرًا فِي عَمَلِهِ

b. فأيهم أعلم؟ "، قَالُوا : اللَّهُ

ورسوله أعلم، قَالَ : " أبْصِرْ

النَّاسَ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اخْتَلَفَ

النَّاسِ

c. وَاخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ عَلَى

الثُّلُثَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً نَجَا مِنْهَا

ثَلَاثٌ، وَهَلَاكَ سَائِرُهُنَّ

d. فِرْقَةٌ مِنْهُمْ قَامَتْ فِي الْمُلُوكِ

وَالْجَبَابِرَةِ

e. ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ

لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ، فَقَامَتْ فِي

الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بِالْفِسْطِ،

وَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ

f. ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ  
لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ، وَلَمْ تُطِقْ  
الْقِيَامَ بِالْفِسْطِ، فَاحْتَمَتْ بِالْجِبَالِ  
فَتَعَبَّدَتْ وَتَرَهَّبَتْ

## 2. عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ

a. إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُدْعَى مِنْ جُحْرِ  
مَرَّتَيْنِ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

(625)-(223] حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ خَلَادٍ  
الْقَطَّانُ الْبَصْرِيُّ ، حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ الْأُبَلِيُّ  
، حَدَّثَنَا الصَّعْقُ بْنُ حَزْنٍ ، عَنْ عَقِيلِ الْجَعْدِيِّ ،  
عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ ، عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ :  
دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ  
: " يَا ابْنَ مَسْعُودٍ أَيُّ عَرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟، قُلْتُ  
: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ :

أَوْثَقُ عَرَى الْإِسْلَامِ : الْوَلَايَةُ فِي اللَّهِ، وَالْحُبُّ فِي  
اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ : يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، قُلْتُ  
: لَيْتَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : أَتَدْرِي أَيُّ النَّاسِ  
أَفْضَلُ؟، قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ : فَإِنَّ أَفْضَلَ  
النَّاسِ أَفْضَلُهُمْ عَمَلًا إِذَا فَفَّهُوا فِي دِينِهِمْ، ثُمَّ قَالَ  
: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، قُلْتُ : لَيْتَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ :

أَتَدْرِي أَيُّ النَّاسِ أَعْلَمُ؟، قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
قَالَ : إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُم بِالْحَقِّ، إِذَا اخْتَلَفَ  
النَّاسُ وَإِنْ كَانَ مُقْصِرًا فِي عَمَلِهِ، وَإِنْ كَانَ  
يَرْحَفُ عَلَى اسْتِهِ زَحْفًا، وَاخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ  
عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً نَجَا مِنْهَا ثَلَاثٌ، وَهَلَكَ  
سَائِرُهُنَّ،

● فِرْقَةٌ أَرَتِ الْمُلُوكَ وَقَاتَلُوهُمْ عَلَى دِينِهِمْ  
وَدِينِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
فَأَخَذُوهُمْ فَقَتَلُوهُمْ وَنَسَرُوهُمْ بِالْمَنَاشِيرِ،

● وَفِرْقَةٌ لَمْ تَكُنْ لَهُمْ طَاقَةً بِمُوَارَاةِ الْمُلُوكِ  
وَلَا أَنْ يُقِيمُوا بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ يَدْعُوهُمْ  
إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ،  
فَسَاحُوا فِي الْبِلَادِ وَتَرَهَّبُوا وَهُمْ الَّذِينَ  
قَالَ اللَّهُ: فِ رَهَبَانِيَّةٍ ابْتَدَعُوهَا مَا  
كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ

،

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : فَمَنْ آمَنَ  
بِي وَاتَّبَعَنِي وَصَدَّقَنِي فَقَدْ رَعَاهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا،  
وَمَنْ لَمْ يَتَّبَعَنِي فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " ، لَمْ يَرَوْهُ  
عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، إِلَّا عَقِيلٌ، تَفَرَّدَ بِهِ الصَّعْقُ

ذَكَرَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَدِيٍّ الْحَافِظُ، وَأَنَا شَاكٍ فِي سَمَاعِهِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَرَ بْنِ يُوسُفَ وَمُحَمَّدُ بْنُ خَرِيمٍ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ ، قَالَا : حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَارٍ ، حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ شَهَابُ بْنُ خِرَاشٍ ، حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ خَنْبِيسٍ ، عَنْ ، عَنْ ، قَاضِيِ جُرْجَانَ، عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

" أَي عَرَى الْإِيمَانَ أَوْثَقُ؟ " ، قَالُوا : الصَّلَاةُ ، الزَّكَاةُ ، صَوْمُ رَمَضَانَ ، الْحَجُّ ، قَالَ : " إِنْ الْحَجُّ لِحَسَنِ " ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : " الْحَبُّ فِي اللَّهِ ، وَالْبَغْضُ فِي اللَّهِ أَوْثَقُ عَرَى الْإِيمَانَ " ، قَالَ : " فَأَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ " ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : " أَحْسَنُهُمْ عَمَلًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ " ، قَالَ : " فَأَيُّهُمْ أَعْلَمُ؟ " ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : " أَبْصَرَ النَّاسَ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ " .

عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ

وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْبَهَانِيَّ ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ ، ثنا الْحُسَيْنُ بْنُ الْفَرَجِ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ

سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ ، قَالَ : " أَمَّنَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الْأَسَارَى يَوْمَ بَدْرٍ أَبَا عَزَّةَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْجَمْحِيِّ ، وَكَانَ شَاعِرًا ، وَكَانَ قَالَ لِلنَّبِيِّ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّ لِي خَمْسَ بَنَاتٍ لَيْسَ لِهِنَّ شَيْءٌ ، فَتَصَدَّقْ بِي عَلَيْهِنَّ ، فَفَعَلَ ، وَقَالَ أَبُو عَزَّةَ : أُعْطِيكَ مَوْتِقًا أَنْ لَا أَقَاتِلَكَ ، وَلَا أَكْثَرَ عَلَيْكَ أَبَدًا ، فَأَرْسَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا حَرَجَتْ قُرَيْشٌ إِلَى أُحُدٍ جَاءَهُ صَفْوَانُ بْنُ أُمَيَّةَ ، فَقَالَ : أَخْرُجْ مَعَنَا ، فَقَالَ : إِنِّي قَدْ أُعْطِيتُ مُحَمَّدًا مَوْتِقًا أَنْ لَا أَقَاتِلَهُ ، فَضَمِنَ صَفْوَانُ أَنْ يَجْعَلَ بَنَاتِهِ مَعَ بَنَاتِهِ إِنْ قُتِلَ ، وَإِنْ عَاشَ أَعْطَاهُ مَا لَا كَثِيرًا ، فَلَمْ يَزَلْ بِهِ ، حَتَّى خَرَجَ مَعَ قُرَيْشٍ يَوْمَ أُحُدٍ ، فَأَسِيرَ وَلَمْ يُؤَسَّرْ غَيْرُهُ مِنْ قُرَيْشٍ ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّمَا أَخْرَجْتُ كَرَاهًا وَلِي بَنَاتٌ فَاْمُنُنْ عَلَيَّ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: أَيْنَ مَا أُعْطَيْتَنِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ؟ لَا ، وَاللَّهِ لَا تَمْسَحُ عَارِضِيكَ بِمَكَّةَ ، تَقُولُ : سَخَرْتُ بِمُحَمَّدٍ مَرَّتَيْنِ ، قَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ : فَقَالَ النَّبِيُّ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُلْدَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ يَا عَاصِمُ بْنُ ثَابِتٍ ، قَدَّمَهُ فَاضْرِبْ عُنُقَهُ " ، فَقَدَّمَهُ فَضْرِبَ عُنُقَهُ قَالَ الشَّيْخُ رَجَمَهُ اللَّهُ : ثُمَّ أَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُ ثُمَامَةَ بِنَ أُنَالِ الْحَنْوِيِّ بَعْدَ فَمَرَّ عَلَيْهِ ، ثُمَّ عَادَ ثُمَامَةُ بِنَ أُنَالِ بَعْدُ ، فَأَسْلَمَ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ

## عین اشتباهه نباید تکرار گردد

ما به حیث امت جنگجویان خوب هستیم و ما در میدان جنگ نمی‌بازیم، اما در میدان سیاست شکست می‌خوریم. داشتن بصیرت و آگاهی سیاسی یکی از حیاتی‌ترین موضوعات است. تقریباً تمام حرکت‌های اسلامی در 10 الی 15 دههٔ اخیر در میدان سیاست شکست خورده‌اند اما در میدان نظامی نه. از یک سوراخ دوباره گزیده نشدن در اصل دارای سیاق سیاسی می‌باشد. بیش‌تر مسلمانان این حدیث را می‌دانند، اما اکثریت آن‌ها سیاق آن را نمی‌دانند.

### 1. لا یُلْدَغُ (لسع) الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ

- a. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
- b. عَنْ ابْنِ عُمَرَ
- c. بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَوْفِ الْمُرْنِيِّ
- d. عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ  
عَنْ سَالِمٍ ، عَنْ أَبِيهِ

e. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

f. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ ، عَنْ عَقِيلٍ ، عَنْ  
الرُّهْرِيِّ ، عَنْ ابْنِ الْمُسَيَّبِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ :

" لَا يُدْعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ "

عَنْ ابْنِ عُمَرَ

حَدَّثَنَا عُمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ  
الرُّبَيْرِيُّ قَالَ : حَدَّثَنَا زَمْعَةُ بْنُ صَالِحٍ ، عَنْ  
الرُّهْرِيِّ ، عَنْ سَالِمٍ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ

: " لَا يُدْعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ "

بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَوْفِ الْمُرَزِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْجَمَحِيُّ  
الْمِصْبِيُّ ، قَالَ : نَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْحَنْبَلِيُّ  
، قَالَ : نَا كَثِيرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَوْفِ  
الْمُرَزِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ :

" لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ " . لَمْ يَرَوْهُ  
عَنْ كَثِيرٍ ، إِلَّا الْحَنْبَلِيُّ

[ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، ثنا أَبُو نُعَيْمٍ ، ثنا  
زَمْعَةُ بْنُ صَالِحٍ ، عَنْ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَالِمٍ ، عَنْ  
أَبِيهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "

لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ  
أَبِي عَمْرٍو ، قَالَ : حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ خَالِدٍ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْحَمَّصِيُّ ، عَنْ

الزُّهْرِيُّ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، أَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ ، قَالَ :

" لَا يُلْدَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ "

قَالَ : وَهَذَا الْحَدِيثُ رَوَاهُ يُوسُفُ ، وَعَقِيلٌ ، وَسَعِيدُ  
بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، وَابْنُ أَخِي الزُّهْرِيِّ ، وَأُسَامَةُ بْنُ  
زَيْدٍ ، وَيَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ  
سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، وَرَوَاهُ زَمْعَةُ  
بْنُ صَالِحٍ ، وَرَوَاهُ زَمْعَةُ بْنُ صَالِحٍ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ،  
عَنْ سَالِمٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَرَوَاهُ مُعَاوِيَةُ بْنُ يَحْيَى  
الصَّدْفِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ ، وَذَكَرَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى أَنَّ الْمُوقَّرِيَّ حَدَّثَ  
بِهِ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ عُرْوَةَ ، عَنْ عَائِشَةَ غَيْرَ  
مَرْفُوعٍ ، وَقَدْ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ  
السَّرْحِ ، عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنِ الْمُوقَّرِيِّ ، عَنِ  
الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَعِيدٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ  
بِهَذَا قَالَ : فَالْمَحْفُوظُ رَوَاهُ عَنْ سَعِيدٍ ، وَسَائِرُ  
ذَلِكَ خَطَأً ، وَقَدْ حَدَّثَ إِسْمَاعِيلُ هَذَا ، عَنِ الزُّهْرِيِّ  
وَعَطَاءٍ بِمَنَاقِيرَ

[ أَخْبَرَنَا أَبُو أَحْمَدَ بْنُ عَدِيٍّ ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ  
بْنِ يَحْيَى أَبُو الْحَسَنِ الْخَالِدِيُّ الْمَرْزُوقِيُّ بِجُرْجَانَ ،  
حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ الْفَضْلِ الْمُرِّيُّ ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ  
بْنُ قَادِمٍ ، عَنْ رَبِيعَةَ يَعْنِي ابْنَ صَالِحٍ ، عَنِ  
الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

" لا يُلدغ المؤمن من جحرٍ واحدٍ مرتين "

حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ يَزِيدَ الْبِرَّارُ ، حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ  
الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ ، حَدَّثَنَا زَمْعَةُ بْنُ صَالِحٍ ، عَنْ  
الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَالِمٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ :

" لا يُلْسَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ "

عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ

وَأَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ  
مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصْبَهَانِيَّ ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ  
الْجَهْمِ ، ثنا الْحُسَيْنُ بْنُ الْفَرَجِ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ  
، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ  
سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، قَالَ : " أَمَّنَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ  
الْأَسَارَى يَوْمَ بَدْرٍ أَبَا عَزَّةَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ  
عَبْدِ الْجَمْحِيِّ ، وَكَانَ شَاعِرًا ، وَكَانَ قَالَ لِلنَّبِيِّ : يَا  
مُحَمَّدُ ، إِنَّ لِي خَمْسَ بَنَاتٍ لَيْسَ لِهِنَّ شَيْءٌ ،  
فَتَصَدَّقْ بِي عَلَيْهِنَّ ، فَفَعَلَ ، وَقَالَ أَبُو عَزَّةَ :

أَعْطَيْكَ مَوْثِقًا أَنْ لَا أُقَاتِلَكَ، وَلَا أَكْثُرَ عَلَيْكَ أَبَدًا،  
فَأَرْسَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا حَرَجَتْ فُرَيْشٌ إِلَى أَحَدٍ  
جَاءَهُ صَفْوَانُ بْنُ أُمَيَّةَ، فَقَالَ : أَخْرُجْ مَعَنَا، فَقَالَ :  
إِنِّي قَدْ أَعْطَيْتُ مُحَمَّدًا مَوْثِقًا أَنْ لَا أُقَاتِلَهُ، فَضَمِنَ  
صَفْوَانُ أَنْ يَجْعَلَ بَنَاتِهِ مَعَ بَنَاتِهِ إِنْ قَتِلَ، وَإِنْ  
عَاشَ أَعْطَاهُ مَالًا كَثِيرًا، فَلَمْ يَزَلْ بِهِ، حَتَّى خَرَجَ  
مَعَ فُرَيْشٍ يَوْمَ أُحُدٍ، فَأَسِرَ وَلَمْ يُؤَسَّرَ غَيْرُهُ مِنْ  
فُرَيْشٍ، فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ، إِنَّمَا أَخْرَجْتُ كَرَاهًا وَلِي  
بَنَاتٍ فَاْمُنُنْ عَلَيَّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: أَيْنَ مَا أَعْطَيْتَنِي مِنَ الْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ؟ لَا، وَاللَّهِ لَا  
تَمْسُحُ عَارِضِيكَ بِمَكَّةَ، تَقُولُ : سَخَرْتُ بِمُحَمَّدٍ  
مَرَّتَيْنِ، قَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ : فَقَالَ النَّبِيُّ : إِنَّ  
الْمُؤْمِنَ لَا يُلْدَغُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ، يَا عَاصِمُ بْنُ  
ثَابِتٍ، قَدَّمَهُ فَاضْرِبْ عُقُقَهُ "، فَقَدَّمَهُ فَضْرَبَ عُقُقَهُ  
قَالَ الشَّيْخُ رَجَمَهُ اللَّهُ : ثُمَّ أَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ ثَمَامَةَ  
بْنَ أُثَالِ الْحَنْوِيِّ بَعْدَ فَمَرَّ عَلَيْهِ، ثُمَّ عَادَ ثَمَامَةَ بْنَ  
أُثَالِ بَعْدُ، فَأَسْلَمَ وَحَسَنَ إِسْلَامَهُ

## قوی ترین عروه اسلام و ایمان

اسلام دارای حلقه های است که توسط آن استوار می باشد و قوی ترین آن صلاة، زکات و یا صیام نیست که توسط اکثریت عام مردم انجام می شوند. قوی ترین و مستحکم ترین این حلقه ولایة فی الله یعنی الولی والبراهمراه با اخلاص می باشد که می تواند امت را زنده نگه می دارد. ولایت مهم ترین و قوی ترین حلقه ها ست که مسلمانان باید به آن مخصوصاً در زمان فتنه چنگ زنند. این موضوع صرف تأویلات بعضی ها نیست بلکه با در نظر داشت مطالعه متون چندین احادیث به طور کلی نه جداگانه، با رعایت روش ها، اندازه و الفاظ مختلف آن می توان به این نتیجه رسید. و هم چنان باید فهم کامل از سیرت و تاریخ عمومی داشته باشد. بر علاوه؛ در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم و خلفای راشدین عملاً زنده گی کرده باشد.

1. عَنْ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ

a. لَتُنْقَضَنَّ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةً

عُرْوَةً..... فَأَوْلَاهُنَّ نَقْضًا

الْحُكْمُ، وَأَخِرُهُنَّ الصَّلَاةُ

2. عَنْ الْبِرَاءِ بْنِ عَازِبٍ

a. أَوْثِقُ عُرَى الْإِيمَانِ، الْحَبُّ

فِي اللَّهِ، وَالنُّعْضُ فِي اللَّهِ "

(الْوَلَايَةُ فِي اللَّهِ)

3. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ

a. هَلْ تَدْرِي مَا أَوْثِقُ عُرَى

الْإِيمَانِ؟، قَالَ : الْوَلَايَةُ فِي

اللَّهِ، وَالْحَبُّ فِي اللَّهِ، وَالنُّعْضُ

فِي اللَّهِ

b. هَلْ تَدْرِي أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ

أَعْلَمُ؟ " ..... أَبْصَرَهُمْ

بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِي عِلْمِهِ

تَقْصِيرٌ، ( " أَبْصَرَ النَّاسَ

بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اخْتَلَفَ

النَّاسِ)

c. لَمْ يَنْجُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثٌ فِرَقٍ

i. فِرْقَةٌ مِنْهُمْ قَامَتْ

فِي الْمُلُوكِ

وَالْجَبَابِرَةِ

ii. ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ

أُخْرَى لَمْ تُكُنْ لَهَا

قُوَّةٌ بِالْفِتَالِ، فَقَامَتْ

فِي الْمُلُوكِ

وَالْجَبَابِرَةِ بِالْقِسْطِ،

وَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ

iii. ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ

أُخْرَى لَمْ تُكُنْ لَهَا

قُوَّةٌ بِالْفِتَالِ، وَلَمْ

تُطِقِ الْقِيَامَ

بِالْقِسْطِ، فَلَجَعَتْ

بِالْجِبَالِ فَتَعَبَّدَتْ

وَتَرَهَّبَتْ ( Meaning )

(of Ruhbaniya

الكتاب: كتاب أصول الإيمان في ضوء الكتاب  
والسنة

المؤلف: نخبة من العلماء | الطبعة: الأولى،

1421هـ

الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف

والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية

مكانة **الولاء والبراء** في الدين: إن للولاء والبراء في الإسلام مكانة عظيمة، فهو أوثق عرى الإيمان

عَنْ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ

حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ إِسْحَاقُ بْنُ أَحْمَدَ الْكَاذِبِيُّ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَنْبَلٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي رَجَمَهُ اللَّهُ ، قَالَ : ثنا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي 1 : 28 عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، أَنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ حَبِيبٍ ، حَدَّثَهُمْ ، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ الْبَاهِلِيِّ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ :

" لَنْتُقِضَنَّ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةً ، فَكَلَّمَا انْتُقِضَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّهَتِ النَّاسُ بِالنَّاسِ بِالنَّاسِ ، فَأَوْلَاهُنَّ نُقُضَ الْحُكْمُ ، وَأَخْرَهُنَّ الصَّلَاةُ

عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ

حَدَّثَنَا جَرِيرٌ ، عَنْ لَيْثٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْثَةَ ، عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ سُوَيْدِ بْنِ مَقْرِنٍ ، عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ ، قَالَ : كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ فَقَالَ :

" أَتَدْرُونَ أَيُّ عَرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ قُلْنَا : الصَّلَاةُ،  
قَالَ : الصَّلَاةُ حَسَنَةٌ، وَلَيْسَ بِذَلِكَ، قُلْنَا : الصِّيَامُ،  
فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ، حَتَّى ذَكَرْنَا الْجِهَادَ، فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ،  
ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : أَوْثَقُ عَرَى الْإِيمَانِ، الْحَبُّ فِي  
اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ " (الْوَلَايَةُ فِي اللَّهِ)

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

مَعْرُوفٍ ، عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ حَبِيَّانَ ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ أَبِيهِ ،  
عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ  
اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ : " يَا ابْنَ مَسْعُودِ ! " قُلْتُ : لَبَّيْكَ يَا  
رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ :

" هَلْ تَدْرِي مَا أَوْثَقُ عَرَى الْإِيمَانِ ؟، قَالَ :  
الْوَلَايَةُ فِي اللَّهِ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ  
"، ثُمَّ قَالَ : " يَا ابْنَ مَسْعُودِ " ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ  
ذَلِكَ أَقُولُ : لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : " هَلْ تَدْرِي  
أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ؟ " قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
قَالَ : " إِذَا مَا هُمْ عَرَفُوا الدِّينَ أَحْسَنَهُمْ عَمَلًا "،  
ثُمَّ قَالَ : " يَا ابْنَ مَسْعُودِ " ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ ذَلِكَ  
أَقُولُ : لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : " هَلْ تَدْرِي أَيُّ  
الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمُ؟ " قُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ :

" إِذَا اخْتَلَفُوا، وَشَبَّكَ رَسُولُ اللَّهِ أَصَابِعَهُ،  
أَبْصَرَ هُمْ بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِي عِلْمِهِ تَفْصِيرٌ، (")  
أَبْصَرَ النَّاسَ بِأَمْرِ النَّاسِ إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ) وَإِنْ  
كَانَ يَزْحَفُ عَلَى اسْتِهِ زَحْفًا "، ثُمَّ، قَالَ : " يَا ابْنَ  
مَسْعُودٍ " ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلُّ ذَلِكَ أَقْوَلُ : لِيَبَّيِّنَ  
رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ : " هَلْ سَمِعْتَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ  
افْتَرَقَتْ عَلَى اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، لَمْ يَنْجُ مِنْهُمْ إِلَّا  
ثَلَاثُ فِرَقٍ،

فِرْقَةٌ مِنْهُمْ قَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بَعْدَ عِيسَى  
بْنِ مَرْيَمَ، فَدَعَتْ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ  
مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَبَرَتْ حَتَّى لَحِقَتْ بِاللَّهِ  
فَنَجَّتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ،  
فَقَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ بِالْقِسْطِ، وَدَعَتْ إِلَى  
دِينِ اللَّهِ وَدِينِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،  
فَأُجِدَتْ فُقِّطِعَتْ بِالْمَنَاشِيرِ، وَحُرِّقَتْ بِالنَّيِّرَانِ،  
فَصَبَرَتْ حَتَّى لَحِقَتْ بِاللَّهِ فَنَجَّتْ.

ثُمَّ قَامَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهَا قُوَّةٌ بِالْقِتَالِ، وَلَمْ تُطِقِ الْفَيْتَامَ بِالْقِسْطِ، فَلَحِقَتْ بِالْجِبَالِ فَتَعَبَدَتْ وَتَرَهَّبَتْ، فَهُمْ الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ فَقَالَ : وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا، مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَى الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ فَهُمْ الَّذِينَ آمَنُوا بِي وَصَدَّقُونِي، وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ الَّذِينَ لَمْ يُؤْمِنُوا بِي وَلَمْ يُصَدِّقُونِي، وَهُمْ الَّذِينَ لَمْ يَرَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، وَهُمْ الَّذِينَ فَسَقَهُمُ اللَّهُ "

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ، عَنْ مُسْلِمٍ، حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا شَبَابَةُ، حَدَّثَنِي وَرْقَاءُ، عَنْ أَبِي الرَّزَّادِ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيُنْقِىَ بِهِ فَإِنْ أَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَلَ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرٌ وَإِنْ يَأْمُرُ بِغَيْرِهِ كَانَ عَلَيْهِ مِنْهُ "

ترجمه: در مسند ابوهريره روايت شده كه پيامبر صلى الله عليه و سلم گفت: امام سپر است براى مسلمانان. آن ها در عقب امام مى جنگند و توسط وى (از خائنان و ظالمان) محافظت مى

شوند. اگر امام به ترس الله سبحانه و تعالی امر می کند و عدالت را اجرا می نماید، برایش اجر عظیم خواهد بود اگر برخلاف آن امر نماید، پس بار خود را سنگین کرده است.

### الولی والبراء، الولایه فی الله سبحانه و تعالی

وکیل گرفتن الله سبحانه و تعالی یعنی انتخاب وی به حیث تنظیم کننده امور خود می باشد. به این معنی که بالای حکم یا قضاوت وی سبحانه و تعالی در اداره امور به شکل اعتماد گردد که عاقبت یا نتیجه نهایی منجر به خیر گردد. ولی گرفتن الله سبحانه و تعالی یعنی انتخاب نمودن او سبحانه و تعالی به حیث هدایت گر و کسی که راه رشد را برای نشان دهد و تنها در صورت ممکن است که باید به طور کامل به او سبحانه و تعالی اعتماد کرده و او را دوست داشته باشی و اجازه ندهی که میان شما کسی دیگر قرار گیرد. ولی گرفتن الله سبحانه و تعالی بدین معنی که

هدایت، احکام و قوانین او سبحانه و تعالی را معیار زنده گی قرار دهی و هم چنان او سبحانه و تعالی را به حیث کمک کننده (کسی که به سوی رشد و نصرت هدایت و رهنمایی می کند) قبول نمائی. در مورد این که چی کسی را باید ولی و اولیا گرفت، آیات زیاد و نازل شده است و این موضوع از جمله مسایل قطعی می باشد یعنی یکی از مسایل کاملاً واضح در قرآن و سنت می باشد.

در باره الولاية فی الله باید گفت که به الولی والبرا ارتباط می گیرد یعنی این که کی باید به حیث دوست گرفته شود و کی به حیث دشمن، از کی باید کمک خواسته شود و از کی طلب مشوره گردد و کدام اشخاص را از مسایل که مخصوصاً مربوط تمام امت و امور آن ها می گردد، دور نگهداشت. با کدام اشخاص و در میان کدام اشخاص باید زنده گی کرد و از نزد کدام اشخاص

بايد مهاجرت يا دورى نمود. تمام اين موارد به ولايه فى الله ارتباط مى گيرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا { [النساء: 144]

{إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (55) وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (56)} [المائدة: 55، 56]

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا} [سورة آل عمران، الآية: 118]

. وقال تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ} [سورة المائدة، الآية: 51]

وقال سبحانه وتعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} [سورة المائدة، الآية: 57]

وقال تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ  
وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ  
وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ قُلْ إِنْ كَانَ  
آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ  
وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا  
وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ  
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} [سورة التوبة،  
الآيتين: 23-24]

وقال عز وجل: {قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي  
إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ  
وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا  
وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ  
وَحَدَّةٌ} [سورة الممتحنة، الآية: 4]

الكتاب: الدلائل في حكم موالاته أهل الإشراك  
المؤلف: سليمان بن عبد الله بن محمد بن عبد  
الوهاب (المتوفى: 1233هـ)

الولاء والبراء أصلان عظيمان من أصول  
الإسلام

الكتاب: الموالاته والمعاداة في الشريعة الإسلامية  
المؤلف: محماس بن عبد الله بن محمد الجلعود  
(المتوفى: 1428هـ)

فإن قضية الموالاتة والمعاداة في الشريعة الإسلامية قد أصبحت من القضايا المهملة في حساب كثير ممن ينتمون إلى الإسلام في العصر لحاضر، ظنا منهم أن تلك القضية ليست من قضايا العقيدة والعبادة

فما الولاء والبراء، إلا الحب والبغض في الله، وهما أصل الإيمان، فأصل الإيمان، أن تحب في الله أنبياءه، ورسله وأتباع رسله، وتبغض في الله أعداءه، وأعداء رسله، وأعداء المؤمنين في كل زمان ومكان، وكل من حكم الشرع بتكفيره فإنه يجب تكفيره ومن لم يكفر من كفره الله ورسوله، فهو كافر مكذب لله ورسوله، وذلك إذا ثبت عنده كفره بدليل شرعي

الكتاب: كتاب أصول الإيمان في ضوء الكتاب والسنة

المؤلف: نخبة من العلماء | الطبعة: الأولى، 1421هـ

الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية  
الولاء والبراء: معناه وضوابطه التعريف:  
الولاء: مصدر ولي بمعنى قرب منه، والمراد به هنا القرب من المسلمين بمودتهم وإعانتهم ومناصرتهم على أعدائهم والسكنى معهم.

والبراء: مصدر برى، بمعنى قطع. ومنه برى القلم بمعنى قطعه. والمراد هنا قطع الصلة مع الكفار فلا يحبهم ولا يناصرهم ولا يقيم في ديارهم إلا لضرورة.

**الولاء والبراء من حقوق التوحيد:** يجب على المسلم أن يوالي في الله وأن يعادي في الله وأن يحب في الله، وأن يبغض في الله، فيحب المسلمين ويناصرهم ويعادي الكافرين ويبغضهم ويتبرأ منهم

قال تعالى في وجوب موالاة المؤمنين: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُّونَ} [المائدة: 55 - 56].....

.....ويتضح من هذه الآيات الكريمة وجوب موالاة المؤمنين وما ينتج عن ذلك من الخير ووجوب معاداة الكفار والتحذير من موالاتهم

الكتاب: شرح ثلاثة الأصول  
المؤلف : عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى : 1420هـ)

وهذه هي المسألة الثالثة وهي من أهم الواجبات أن يعلم كل مسلم ومسلمة أنه لا يجوز له أن يوالي المشركين أو يحبهم. فكل من أطاع الله ورسوله ووجد الله جل وعلا يلزمه أن يعادي الكفار ويغضهم في الله, ولا يجوز له موالاتهم ومحبتهم

الكتاب: مفهوم الولاء والبراء في القرآن والسنة  
المؤلف: علي بن نايف الشحود الطبعة: الأولى،

1433هـ - 2012 م

تعريف الموالاتة لغة واصطلاحاً

قال السعدي: " هذا نهى من الله تعالى للمؤمنين عن موالاتة الكافرين بالمحبة والنصرة والاستعانة بهم على أمر من أمور المسلمين، وتوعد على ذلك فقال: {ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء} أي: فقد انقطع عن الله، وليس له في دين الله نصيب، لأن موالاتة الكافرين لا تجتمع مع الإيمان، لأن الإيمان يأمر بموالاتة الله وموالاتة أوليائه المؤمنين المتعاونين على إقامة دين الله وجهاد أعدائه، قال تعالى: {والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض} فمن والى - الكافرين من دون المؤمنين الذين يريدون أن يطفؤا نور الله ويفتنوا أوليائه خرج من حزب المؤمنين، وصار من حزب الكافرين، قال تعالى: {ومن يتولهم منكم فإنه منهم} وفي هذه الآية دليل

على الابتعاد عن الكفار وعن معاشرتهم  
وصداقتهم، والميل إليهم [ص:128] والركون  
إليهم، وأنه لا يجوز أن يولى كافر ولاية من  
ولايات المسلمين، ولا يستعان به على الأمور  
التي هي مصالح لعموم المسلمين. قال الله تعالى:  
{إلا أن تتقوا منهم تقاة} (1) أي: تخافوهم على  
أنفسكم فيحل لكم أن تفعلوا ما تعصمون به  
دماءكم من التقية باللسان وإظهار ما به تحصل  
التقية. ثم قال تعالى: {ويحذركم الله نفسه} أي:  
فلا تتعرضوا لسخطه بارتكاب معاصيه فيعاقبكم  
على ذلك {وإلى الله المصير} أي: مرجع العباد  
ليوم التناد، فيحصى أعمالهم ويحاسبهم عليها  
ويجازيهم، فإياكم أن تفعلوا من الأعمال القباح ما  
تستحقون به العقوبة، واعملوا ما به يحصل  
الأجر والمثوبة، ثم أخبر عن سعة علمه لما في  
النفوس خصوصا، ولما في السماء والأرض  
عموما، وعن كمال قدرته، ففيه إرشاد إلى تطهير  
القلوب واستحضار علم الله كل وقت فيستحي  
العبد من ربه أن يرى قلبه محلا لكل فكر رديء،  
بل يشغل أفكاره فيما يقرب إلى الله من تدبر آية  
من كتاب، أو سنة من أحاديث رسول الله، أو  
تصور وبحث في علم ينفعه، أو تفكر في  
مخلوقات الله ونعمه، أو نصح لعباد الله." (1)

ليس من الله في شيء. لا في صلة ولا نسبة، ولا دين ولا عقيدة، ولا رابطة ولا ولاية.. فهو بعيد عن الله، منقطع الصلة تماما في كل شيء تكون فيه الصلات.

ويرخص فقط بالتقية لمن خاف في بعض البلدان والأوقات.. ولكنها تقية اللسان لا ولاء القلب ولا ولاء العمل

#### الموالة لغة:

ضد المعادة، يقال: ولي الشيء وولي عليه ولاية بالكسر- وولاية- بالفتح. فبالكسر السلطان وهو الاسم، وبالفتح النصرة وهي المصدر. وزعم الفراء أنّ الكسر والفتح يطلق على المعنيين جميعا، فكلّ من ولي أمرك فهو وليّ.

ويقال: هو وليّ بين الولاية ووال بين الولاية، قال ابن الأعرابي: المعنى الذي يوضحه: أن يتشاجر اثنان فيدخل ثالث بينهما للصّح، ويكون له في أحدهما هوى فيؤالیه أو يحابيه. والموالة ضدّ

#### المعادة:

وتقول: والى فلان فلانا: إذا أحبّه وناصره.

وروى ابن سلام عن يونس أنّ المولى له مواضع في كلام العرب، فيطلق على المولى في الدين، والمولى في العصبية، وعلى الحليف الذي انضمّ

إليك فعزّ بعزّك وامتنع بمنعتك، ويطلق على المعتق الذي ينتسب بنسبك، وكذا العتيق، وعلى ابن العمّ، والعمّ، والأخ، والابن، ويطلق على الناصر، وعلى المحبّ، وعلى التّابع والملازم (1).

وقال الرّاعب: **الولاء والثّوالي** أن يحصل شيئا فصاعدا ليس بينهما ما ليس منهما، **ويستعار ذلك للقرب من حيث المكان، ومن حيث النسبة، ومن حيث الدّين ومن حيث الصّداقة والنّصرة والاعتقاد، والولاية (بالكسر) النّصرة، والولاية (بالفتح) تولّي الأمر، وقيل هما لغتان مثل الدّلالة والدّلالة، والوليّ والمولى يستعملان معا في معنى الفاعل، أي الموالي وفي معنى المفعول، أي الموالي يقال للمؤمن: هو وليّ الله ولا يقال في ذلك مولى، ولكن يقال: الله تعالى وليّ المؤمنين ومولاهم، فمن الأوّل قوله سبحانه اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا (البقرة/ 257) ومن الثّاني قوله عزّ وجلّ وَعَاتَصِمُوا بِاللهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (الحج/ 78) والوالي في قوله سبحانه: وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (الرعد/ 11) معناه الوليّ، وقوله تعالى: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (مريم/ 5) أي ابنا يكون من أوليائك**

وقال ابن منظور: والولاية على الإيمان واجبة، والمؤمنون بعضهم أولياء بعض، والمولى:

الحليف وهو من انضم إليك فعزّ بعزك وامتنع  
بمنعتك.

والمولى: المعتق انتسب بنسبك، ولهذا قيل  
للمعتقين الموالي

والموالة (في كلام العرب) على وجوه:  
الأول: أن يتشاجر اثنان فيدخل ثالث بينهما  
للمصلح، ويكون له في أحدهما هوى فيواليه أو  
يحابيه.

الثاني: الموالة: المحبة، يقال: والى فلان فلانا  
إذا أحبّه.

الثالث: التميّز. قال الأزهري: سمعت العرب  
تقول: والوا حواشي نعمكم عن جلّتها أي: اعزلوا  
صغارها عن كبارها، يقال: واليناها فتوالت إذا  
تميّزت.

والوليّ: الصديق والنصير، وقيل التابع المحبّ،  
وقال أبو العباس في قوله - صلى الله عليه وسلم  
- «من كنت مولاه فعليّ مولاه، أي من أحبّني  
وتولّاني فليتولّه، وقال الشافعيّ:

رضي الله عنه- يعني بذلك ولاء الإسلام، كقوله  
تعالى: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ  
الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (محمد/ 11).

والموالاتة ضدّ المعاداة، والوليّ ضدّ العدو، قال تعالى: يَا أَيَّتُهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا لِلْكَافِرِينَ وَلِلَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَقْرَةِ (البقرة/257). وَلِيَّهُمْ فِي نَصْرِهِمْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ، وَإِظْهَارِ دِينِهِمْ عَلَىٰ دِينِ مَخَالِفِهِمْ، وَقِيلَ: وَلِيَّهُمْ أَيُّ يَتَوَلَّى ثَوَابَهُمْ وَمَجَازَاتَهُمْ بِحَسَنِ أَعْمَالِهِمْ

قال ثعلب: كلّ من عبد شيئاً من دون الله فقد اتّخذهُ وليّاً. وقوله تعالى: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا (البقرة/257). وَلِيَّهُمْ فِي نَصْرِهِمْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ، وَإِظْهَارِ دِينِهِمْ عَلَىٰ دِينِ مَخَالِفِهِمْ، وَقِيلَ: وَلِيَّهُمْ أَيُّ يَتَوَلَّى ثَوَابَهُمْ وَمَجَازَاتَهُمْ بِحَسَنِ أَعْمَالِهِمْ

#### الموالاتة اصطلاحاً:

هي التّقرّب وإظهار الودّ بالأقوال والأفعال والنّوايا، لمن يتّخذهُ الإنسان وليّاً، فإن كان هذا التّقرّب والودّ مقصوداً به الله ورسوله والمؤمنون، فهي الموالاتة الشّرعيّة الواجبة على كلّ مسلم، وإن كان المقصودهم الكفّار والمنافقين، على اختلاف أجناسهم، فهي موالاتة كفر وردّة عن الإسلام

قال شيخ الإسلام ابن تيميّة: الولاية: ضدّ العداوة. وأصل الولاية: المحبّة والتّقرّب، وأصل العداوة: البغض والبعد. فإذا كان وليّ الله هو الموافق المتابع له فيما يحبّه ويرضاه، ويبغضه ويسخطه ويأمر به وينهى عنه، كان المعادي لوليّه معادياً له. كما قال تعالى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا

عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ  
(المتحنة:1). فمن عادى أولياء الله فقد عاداه،  
ومن عاداه فقد حاربه

معنى الولي من أسماء الله الحسنى:

والولي في أسماء الله الحسنى وهو النَّاصر،  
وقيل:

المتولي لأمر العالم والخالق، القائم بها.

وقال الإمام الغزالي- رحمه الله-: هو المحبِّ  
النَّاصر، ومعنى محبته قد جاء في صفة المحبة  
ومعنى نصرته ظاهر فإنه يقمع أعداء الدين  
وينصر أولياءه.

قال تعالى: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا، وقال: ذَلِكَ بِأَنَّ  
اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

قال القحطاني: والولاء والولاية: هي النصرة  
والمحبة والإكرام والاحترام والكون مع  
المحبيين ظاهرا وباطنا. قال تعالى: اللَّهُ وَلِيُّ  
الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ  
النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ (البقرة/ 257). فمولاة الكفار

تعني التَّقَرَّب إليهم وإظهار الودِّ لهم بالأقوال  
والأفعال والتَّوَابَا

الوليّ: يعني الألهة وذلك قوله في (سورة  
العنكبوت/ 41) مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ  
أَوْلِيَاءَ يعني آلهة وكقوله في (سورة الشورى/  
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ يعني آلهة اللَّهُ حَفِيفٌ  
عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ.

الوليّ: يعني العصبية. وذلك قوله في (سورة  
مريم/ 5): وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي يعني  
العصبية من بعدي. وكقوله في (سورة النساء/  
33) وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ يَعْنِي العصبية.

الوليّ: يعني الولاية في دين الكفر وذلك قوله في  
(سورة المجادلة/ 14) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا  
غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ يعني المنافقين تَوَلَّوْا اليهود في  
الَّذِينَ

الوليّ: يعني الولاية في دين الإسلام وذلك قوله  
في (سورة المائدة/ 55) إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
وقال في (سورة براءة/ 71) وَالْمُؤْمِنُونَ  
وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يعني في الدين.

الوليّ: يعني المولى الذي تعتقه، وذلك قوله في  
(سورة الأحزاب/ 5) فَأَخْوَانَكُمْ فِي الدِّينِ  
وَمَا لِيَكُمْ يعني المولى الذي تعتقه.

الوليّ: يعني الوليّ في النّصح وذلك قوله في  
(سورة الممتحنة/ 1) لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ  
أَوْلِيَاءَ يعني في النّصيحة. وقال في (آل عمران/  
28) لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ يعني في  
النّصيحة مِنْ دُونِ

البراء لغة:

مصدر قولهم: برئت منك، وهو مأخوذ من مادة  
(ب ر أ) التي تدلّ على التّباعد من الشّيء  
ومزاييلته، ومن ذلك: البرء وهو السّلامة من  
السّقم، والوصف من ذلك: براء على لغة أهل  
الحجاز وأنا بريء منك على لغة غيرهم وقد  
جاءت اللّغتان في القرآن الكريم:

قال تعالى: إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (الزخرف/  
26)، وقال تعالى: إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ (الحشر/ 16)  
ومن قال إِنِّي بَرَاءٌ لَمْ يَثْنِ وَلَمْ يُوْنِثْ، ومن قال:  
بريء قال (في المونث بريئة) وفي المثنى بريئان  
وفي الجمع: بريئون وبرآء وبراء، والبراءة تكون

من العيب والمكروه ونحوهما، فقول: برئت منك  
ومن الدّيون والعيوب براءة وبرئت من المرض  
برءاء، وأهل الحجاز يفتحون الرّاء في الفعل  
والباء في المصدر فيقولون برأت برءاء، وبارأت  
شريكي إذا فارقتَه.

وقال الرّاعب: أصل البرء والبراء والتبرؤ  
التّفصّي (التّباعد) ممّا يكره مجاورته، ولذلك  
قيل: برأت من المرض، ومن فلان وتبرأت  
وأبرأته من كذا، وبرأته.

البراءة اصطلاحاً:

البراءة هي انقطاع العصمة، يقول أبو حيان في  
تفسير قوله تعالى: بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ...  
(التوبة/1) يقال: برئت من فلان إذا انقطعت بيننا  
العصمة. (1)

وقال الألويسي في تفسير الآية الكريمة السابقة:

هي عبارة عن إنهاء حكم الأمان ورفع الخطر

المترتب على العهد السابق (2).

وقيل: البعد والخلص والعداوة بعد الإعذار  
والإنذار.

قال الشَّيْخ عبد الرَّحْمَن بن سعديّ: وحيث إنّ  
الولاء والبراء تابعان للحبِّ والبغض فإنَّ أصل  
الإيمان أن تحبَّ في الله أنبياءه وأتباعهم، وتبغض  
في الله أعداءه وأعداء رسله (3).

قال شيخ الإسلام ابن تيميَّة: على المؤمن أن  
يعادي في الله، ويوالي في الله، فإن كان هناك  
مؤمن فعليه أن يواليه- وإن ظلمه- فإنَّ الظلم لا  
يقطع الموالاة الإيمانيَّة. وإذا اجتمع في الرَّجُل  
الواحد: خير وشرٌّ وفجور وطاعة، ومعصية  
وسنة، وبدعة استحقَّ من الموالاة والثَّواب بقدر  
ما فيه من الخير. واستحقَّ من المعاداة والعقاب  
بحسب ما فيه من الشرِّ (4).

الكافر اصطلاحاً:

اسم لمن لا إيمان له، فإن أظهر الإيمان فهو  
منافق، وإن طرأ كفره بعد الإيمان فهو المرتدّ،  
وإن قال بالهين أو أكثر فهو المشرك، وإن كان  
متديّناً ببعض الأديان والكتب المنسوخة فهو  
الكتابيّ، وإن قال بقديم الدَّهر، وإسناد الحوادث  
إليه فهو الدَّهريّ، وإن كان لا يثبت صفات  
الباري فهو المعطلّ، وإن كان مع اعترافه بالنَّبوة  
يبطن عقائد هي كفر بالاتِّفاق فهو زنديق

موالاة الكفار اصطلاحاً:

هي التَّقَرُّب إلى أيّ نوع منهم أو جميعهم بإظهار المودّة لهم أو النّقة فيهم أو التّصادق معهم أو الوقوف في صفّهم على أيّ نحو كان.

وقال بعض المحدثين: موالة الكفّار: هي التّقرب إليهم وإظهار الودّ لهم بالأقوال والأفعال والنّوايا

الكتاب: الولاء والبراء والعداء في الإسلام

المؤلف: أبو فيصل البدراني

وعلى هذا فخلاصة الفرق بين الموالة والتولي في المفهوم الشرعي:  
أن التولي ينقسم إلى قسمين:

القسم الأول: تولي لأجل الدين: وهو الدفاع عن الكفار، وإعانتهم بالمال والبدن والرأي لأجل دينهم وهذا كفر صريح يُخرج من الملة الإسلامية ويُعتبر هذا التولي موالة مطلقة.

القسم الثاني: تولي لأجل الدنيا: وهو الدفاع عن الكفار، وإعانتهم بالمال والبدن والرأي لأجل غرض دنيوي مع عدم إضمار نية الكفر والردة عن الإسلام باستثناء التقية والإكراه طبعاً كما حصل من حاطب بن أبي بلتعة (رضي الله عنه) عندما كتب إلى قريش يخبرهم بمسير رسول الله

- صلى الله عليه وسلم - وفي هذا الشأن قال الله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ) ... إلى قوله (وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ) فمثل هذا الفعل يُعتبر كبيرة من كبائر الذنوب، ويُخشى على صاحبه الكفر علماً بأن حاطب رضي الله عنه الذي أنزلت الآيات في حقه له اعتبارات خاصة، مثل كونه من أهل بدر، وسبقه إلى الإسلام، وسلامة قصده، ولذلك فقد عفا الله عنه.

وأما الموالاتة المطلقة العامة للكفار فهي ناقضة للإسلام وهي كل تولى للكفار لدينهم أو محبتهم لكفرهم أو المحبة والرضا بكفرهم وعدم تكفيرهم أو الشك في كفرهم أو تصحيح مذهبهم أو تمنى انتصار دين الكفار على دين المسلمين أو استباحة الموالاتة المحرمة لهم أو ارتكاب ناقض من نواقض الإسلام مداراة لهم وطلب رضاهم ولتجنب غضبهم ولا يُستثنى من ذلك أحد إلا المُكره وذلك أن موافقة الكفار فيما يوجب الكفر الأكبر ظاهراً دون الباطن مداراة لخواطر الكفرة مع عدم الإلجاء والضرورة القصوى هو كفر أكبر كما نص على ذلك أهل العلم كالاستهزاء بالرسول أو الاستهزاء بالدين أو سب الله تعالى أو ملائكته أو رمي المصحف في النفايات ونحو ذلك

لإرضاء الكفار فهذا كفر أكبر ولو كان الحامل  
على ذلك حظ من حظوظ الدنيا.

وأما مناط التكفير في باب الولاء والبراء:

أقول أن مناط التكفير في الولاء والبراء هو على  
عمل القلب لا على آثاره وثمراته فإذا اجتمع حكم  
به وإذا اختلفا فالحكم لعمل القلب دون عمل  
الجوارح فحب الكافر لكفره أو تمني انتصار دين  
الكفار على دين المسلمين هذا هو الكفر في باب  
الولاء والبراء

وبناءً على ماتقدم يتبين ما يلي:

أولاً: أن هناك فرق بين الموالاتة والتولي التولي  
أخص من الموالاتة , فكل تولي داخل في الموالاتة  
وليس كل موالاتة داخلية في التولي.

ثانياً: أن ضابط التولي هو نصره الكافر على  
المسلم وقت حرب المسلم والكافر قاصداً ظهور  
الكفار على المسلمين.

ثالثاً: أن مناط التكفير في الولاء والبراء هو عمل  
القلب فحب الكافر لكفره أو تمني انتصار دين  
الكفار على دين المسلمين هذا هو الكفر في باب  
الولاء والبراء.

حَدَّثَنَا إِبرَاهِيمُ، عَن مُسْلِمٍ، حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا شَبَابَةُ، حَدَّثَنِي وَرْقَاءُ، عَن أَبِي الرَّنَادِ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَن أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ وَيُنْقِى بِهٍ فَإِنِ أَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَلَ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرٌ وَإِنِ يَأْمُرُ بِعَيْبِهِ كَانَ عَلَيْهِ مِنْهُ "

در مسند ابوهريره روايت شده كه پيامبر صلى الله عليه و سلم گفت: امام سپر است براى مسلمانان. آن ها در عقب امام مى جنگند و توسط وى (از خائنان و ظالمان) محافظت مى شوند. اگر امام به ترس الله سبحانه و تعالى امر مى كند و عدالت را اجرا مى نمايد، برايش اجر عظيم خواهد بود اگر برخلاف آن امر نمايد، پس بار خود را سنگين کرده است.

## وحدت

وحدت امت جز از الولی والبرای می باشد. جایز نیست تا به حیث یک امت هر کسی را که می خواهید دوست و دشمن انتخاب نمائید و یا بر اساس هوای نفس سیاست مداران را مسؤل امور دولت تعیین کنید. وحدت امت بر اساس قرآن، سنت، اجماع اصحاب و به نظر بعضی از علما فرض می باشد. به همین شکل دشمن واضحاً تعریف شده و مطابق علایق و حوادث تغییر نمی کند.

هیچ امتی نمی تواند پیش رفت داشته باشد و حتی زنده بماند اگر وحدت نداشته باشد. مهم ترین وحدت، بدون شک که وحدت عقیدوی است که بر اساس منابع ثابت و مستحکم بدون تمایل به تکفیر و تفرقه به اندازه یک مو بنا شده است. توازن میان این ها موفقیت و سقوط یک ملت را تعیین می کند. چگونه توازن؟ از یک طرف باید وحدت بر اساس و بنیاد درست باشد و از طرف

دیگر عدم هوشیاری کامل سبب جنگ های مهلک و عدم وحدت می گردد. دقیقاً به همین دلیل منافقین بدون افشا شدن به حال خود شان رها گردیدند، زیرا موجودیت فضای تکفیر در میان عام مردم خطر ناک تر از رها کردن بعضی منافقین است که بعضی کار های شریر را انجام دهند. ایجاد دوباره وحدت سیاسی بی نهایت مهم است. تعدادی می گویند که امت هرگز از لحاظ سیاسی وحدت نداشتند، جواب اش این است که به هر کسی که چنین می گوید، بگوئید که همین سخن را در روز قیامت نزد الله سبحانه و تعالی بگوئید. چنین اشخاص تنها تلاش دارند با بحث های مبتذل شکست خود را توجیه کنند و این کار خود را واقعیت گرایی و مصلحت گرایی می نامند. فراموش نکنید که تکلیف شما این نیست، بلکه باید برای وحدت کار کنید فرق نمی کند که امت حتی برای دو یا سه دهه وحدت داشتند یا خیر و یا اگر آن ها از زمان که پیامبر

صلی الله علیه و سلم رحلت نمود متفرق شده باشند، و یا اگر می پندارید که آن خیال است با آن هم باید برای وحدت تلاش کنید، زیرا آن حکم الله سبحانه و تعالی ست. بد گمانی را رها کرده و شروع به ادای تکلیف خود نمائید.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ {103} وَلْتَكُن مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ {104} وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ {105} يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي  
 أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى  
 وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى  
المُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ  
 يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ {13} وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا  
مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّيَ بَيْنَهُمْ وَإِنِ  
 الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ  
 مُرِيبٍ {14} فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا  
 تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ  
 وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا  
 وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا  
 وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا {92}  
 إِلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي {93} قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا  
تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ  
فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

1. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

a. إِذَا بُوعِ لَخَلِيفَتَيْنِ فَاقْتُلُوا  
 الْآخَرَ مِنْهُمَا

2. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

a. مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَاقْتُلُوهُ

3. عَنْ أُسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ

a. أَيُّمَا رَجُلٍ خَرَجَ يُفَرِّقُ بَيْنَ  
أُمَّتِي، فَاضْرِبُوا عُنُقَهُ

4. عَرَفَجَةَ

a. فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ  
الْأُمَّةِ وَهُمْ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ  
بِالسَّيْفِ

5. وَفَدٍ بَكْرِ بْنِ وَاثِلٍ

a. مَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي وَهُمْ  
مُجْتَمِعُونَ، يُرِيدُ أَنْ يُفَرِّقَ  
بَيْنَهُمْ، فَاقْتُلُوهُ

6. أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَيْرٍ

a. إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَ رَجُلٍ جَمْعًا يُرِيدُ  
أَنْ يَشُقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ،  
وَيُفَرِّقَ جَمْعَهُمْ فَاقْتُلُوهُ

b. مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ  
جَمَاعَةً، فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتُهُ  
جَاهِلِيَّةٌ

c. عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ  
وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ  
الْوَاحِدِ

d.

7. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ الْأَشْجَعِيِّ

a. مَنْ خَرَجَ وَعَلَى النَّاسِ إِمَامٌ،  
وَاللَّهِ مَا قَالَ عَادِلٌ، لِيَشُقَّ  
عَصَاهُمْ، وَيُفَرِّقَ جَمَاعَتَهُمْ،  
فَأَقْتُلُوهُ

b. إِذَا خَرَجَ عَلَيْكُمْ خَارِجٌ وَأَنْتُمْ  
مَعَ رَجُلٍ جَمِيعًا يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ  
عَصَا الْمُسْلِمِينَ وَيُفَرِّقَ  
جَمْعَهُمْ، فَأَقْتُلُوهُ

8. عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ

a. أَفَلَا نَقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : لا، مَا  
صَلُّوا لَكُمْ الْخَمْسَ

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ

وَحَدَّثَنِي وَهْبُ بْنُ بَقِيَّةِ الْوَاسِطِيِّ ، حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ  
عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ الْجَرِيرِيِّ ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ ، عَنْ  
أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

إِذَا بُيِعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رِزْقِ اللَّهِ الْكَلْبَدَانِيُّ ، ثنا عَبْدُ  
الصَّمَدِ ، ثنا أَبُو هِلَالٍ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ سَعِيدِ ،  
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ

قَالَ : " إِذَا بُيِعَ لِخَلِيفَتَيْنِ ، فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا

عَنْ مُعَاوِيَةَ

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ حَدَلِمٍ ، ثنا سَعْدُ بْنُ  
مُحَمَّدِ الْبَيْرُوتِيِّ ، ثنا إِبرَاهِيمُ بْنُ أَيُّوبَ الْحَوْرَانِيُّ  
، ثنا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ ، ثنا سَعِيدُ بْنُ بِشْرِ ، عَنْ  
جَعْفَرِ بْنِ أَبِي وَحْشِيَّةَ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ ، عَنْ  
ابْنِ الزُّبَيْرِ ، عَنْ مُعَاوِيَةَ ، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ

يَقُولُ : " إِذَا بُيِعَ لِرَجُلَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبَّاسِيُّ ، نَا أَحْمَدُ  
بْنُ الْحَسَنِ الْمُقْرِي ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ خَلَادٍ ، حَدَّثَنِي  
الْأَصْمَعِيُّ ، حَدَّثَنِي الرَّشِيدُ ، حَدَّثَنِي أَبُو مُسْلِمٍ  
الْخُرَّاسَانِيُّ ، حَدَّثَنِي الْمَهْدِيُّ ، نَا الْمَنْصُورُ ، عَنْ  
أَخِيهِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، حَدَّثَنِي  
عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

: " إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْبَلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا كَأَنَّ  
مَنْ كَانَ  
(صحيح لغيره)

عبد الله بن مسعود

وَرَوَى عَاصِمٌ ، عَنْ دُرِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ،

عَنِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : " إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ  
فَأَقْبَلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا

عَنْ أَنَسٍ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَاصِمِ الرَّازِيِّ ، حَدَّثَنَا  
عَمَارُ بْنُ هَارُونَ ، حَدَّثَنَا فَضَالَةُ بْنُ دِينَارِ الشَّحَامِ  
، حَدَّثَنَا ثَابِتٌ ، عَنْ أَنَسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

إِذَا بُوِيعَ لِخُلَيْفَتَيْنِ فَاقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا صَحِيح  
لغيره

عَنْ أَسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ قُدَامَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا جَرِيرٌ ، عَنْ  
زَيْدِ بْنِ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ ،  
عَنْ أَسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" أَيُّمَا رَجُلٍ خَرَجَ يُفَرِّقُ بَيْنَ أُمَّتِي ، فَاضْرِبُوا  
عُنُقَهُ

حَدَّثَنَا عَبْدَانُ ، حَدَّثَنَا حُمَيْدُ بْنُ مَسْعَدَةَ ، حَدَّثَنَا عُمَرُ  
بْنُ عَلِيٍّ ، قَالَ : مُجَالِدٌ حَدَّثَنِي ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ  
، عَنْ أَسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" مَنْ أَتَى وَأُمَّتِي جَمِيعًا يُرِيدُ أَنْ يُفَرِّقَ جَمَاعَتَهُمْ  
فَاضْرِبُوا عُنُقَهُ

عرفجة بن ضريح الأشجعي

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى ، حَدَّثَنَا أَبُو حَنِيمَةَ  
، حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ زِيَادِ  
بْنِ عِلَاقَةَ ، قَالَ : سَمِعْتُ عَرْفَجَةَ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّهَا سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ  
أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُمْ جَمِيعٌ فَاصْرِبْهُ بِالسَّيْفِ كَائِنًا  
مَنْ كَانَ "

وَقَدْ بَكَرَ بِنِ وَائِلٍ

حَدَّثَنَا أَبُو بَشِيرٍ مَسْرُورٌ ، قَالَ : ثنا إِبْرَاهِيمُ بْنُ  
الْمُنْذِرِ الْجَزَامِيُّ ، قَالَ : ثنا أَبُو عُقْبَةَ ، قَالَ :  
حَدَّثَنِي أَبُو شَيْبَةَ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ ، عَنْ أَسَامَةَ  
بْنِ شَرِيكٍ ، قَالَ : قَدِمْتُ وَافِدًا مَعَ وَقْدِ بَكْرِ بْنِ  
وَائِلٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ :

" مَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي وَهُمْ مُجْتَمِعُونَ ، يُرِيدُ أَنْ  
يُفَرِّقَ بَيْنَهُمْ ، فَاقْتُلُوهُ كَائِنًا مَنْ كَانَ "

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ عَزِيزُ بْنُ اللَّيْثِ بْنِ أَبِي لَيْثٍ  
الْأَشْرُسَنِيُّ ، قَدِمَ عَلَيْنَا حَاجًّا ، فَثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ  
بَكْرَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْبَغْدَادِيُّ ، فَثَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ  
بْنُ نَهْشَلٍ ، عَنْ الْفَضْلِ بْنِ عِيَاضٍ ، عَنْ مَنْصُورِ  
بْنِ الْمُعْتَمِرِ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَاقْتُلُوهُ "

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَيْرٍ

أَخْبَرَنَا بِحَدِيثِهِ أَبُو بَكْرٍ الْبُرْقَانِيُّ ، أَنَا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ سَلَمِ الْخُثَلِيِّ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَبَّارِ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدٍ ، نَا سَيْفٌ وَابْنُ زُهَيْرٍ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ وَقْدَانَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ الْأَشْجَعِيِّ ، أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَسْجِدِ لَيْلِي الْفِتْنَةَ، فَأَتَى أَعْظَمَ مَجْلِسٍ فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ مُعْتَمٌّ، فَقَالَ : أَتَعْرِفُونِي؟ فَظَنُّوا إِلَيْهِ، فَأَلْقَى الْعِمَامَةَ وَالنِّتْمَ وَقَالَ : أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَيْرٍ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ وَلَا يَنْبَغِي لِي أَنْ أَكْذِبَ عَلَيْهِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَ رَجُلٍ جَمْعًا يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ، وَيُفَرِّقَ جَمْعَهُمْ فَأَقْتُلُوهُ " ، وَاللَّهُ مَا اسْتَنْتَنِي أَحَدًا

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ الْأَشْجَعِيِّ

كَتَبَ إِلَيَّ السَّرِيُّ : عَنْ شُعَيْبٍ ، عَنْ سَيْفٍ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ وَاقِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ الْأَشْجَعِيِّ ، قَالَ : قَامَ فِي الْمَسْجِدِ فِي الْفِتْنَةِ فَقَالَ : أَيُّهَا النَّاسُ اسْكُنُوا، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" مَنْ خَرَجَ وَعَلَى النَّاسِ إِمَامٌ، وَاللَّهُ مَا قَالَ عَادِلٌ،  
لِيَشُقَّ عَصَاهُمْ، وَيُفَرِّقَ جَمَاعَتَهُمْ، فَأَقْتُلُوهُ كَأَنَّ مَنْ  
كَانَ

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ  
الرَّازِيُّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ حَمِيدٍ ، ثنا أَبُو زُهَيْرٍ عَبْدُ  
الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْرَاءَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَقْدَانَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرِ  
الْأَشْجَعِيِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ : "

إِذَا خَرَجَ عَلَيْكُمْ خَارِجٌ وَأَنْتُمْ مَعَ رَجُلٍ جَمِيعًا يُرِيدُ  
أَنْ يَشُقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ وَيُفَرِّقَ جَمْعَهُمْ، فَأَقْتُلُوهُ

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ

حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ وَإِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ  
إِسْحَاقُ : أَخْبَرَنَا، وَقَالَ زُهَيْرٌ : حَدَّثَنَا جَرِيرٌ ، عَنْ  
الْأَعْمَشِ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
بْنِ عَبْدِ رَبِّ الْكُفَيْبَةِ ، قَالَ : دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ، فَإِذَا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ جَالِسٌ فِي ظِلِّ  
الْكُفَيْبَةِ ، وَالنَّاسُ مُجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ، فَأَتَيْتُهُمْ فَجَلَسْتُ  
إِلَيْهِ، فَقَالَ : " كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي سَفَرٍ، فَنَزَّلْنَا  
مَنْزِلًا فَمِنَّا مَنْ يُصَلِّحُ خِبَاءَهُ، وَمِنَّا مَنْ يَنْتَضِلُّ،  
وَمِنَّا مَنْ هُوَ فِي جَشْرِهِ إِذْ نَادَى مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ  
الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعْنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ :

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا قَبْلِي إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيْهِ أَنْ يُدَلَّ  
أُمَّتَهُ عَلَى خَيْرٍ مَا يَعْلَمُهُ لَهُمْ، وَيُنذِرَهُمْ شَرَّ مَا  
يَعْلَمُهُ لَهُمْ، وَإِنَّ أُمَّتَكُمْ هَذِهِ جُعِلَ عَافِيَتُهَا فِي أَوْلِيَّهَا،  
وَسَيُصِيبُ آخِرَهَا بَلَاءٌ وَأُمُورٌ تُنْكَرُ وَنَهَا، وَتَجِيءُ  
فِتْنَةٌ فَيَرَفَّقُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَتَجِيءُ الْفِتْنَةُ فَيَقُولُ  
الْمُؤْمِنُ هَذِهِ مُهْلِكَتِي ثُمَّ تَنْكَشِفُ، وَتَجِيءُ الْفِتْنَةُ  
فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُ هَذِهِ هَذِهِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُرْحَرَ عَنِ  
النَّارِ، وَيُدْخَلَ الْجَنَّةَ، فَلْتَأْتِهِ مَنِئِبَتُهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَلَيَأْتِ إِلَى النَّاسِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ  
يُؤْتَى إِلَيْهِ وَمَنْ **بَايَعَ إِمَامًا** فَأَعْطَاهُ صَفْقَةً يَدِهِ  
وَتَمْرَةَ قَلْبِهِ، فَلْيُطِعهُ إِنْ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ جَاءَ آخِرُ  
يُنَازِعُهُ فَاضْرِبُوا عُنُقَ الْآخِرِ فَذَنُوتُ مِنْهُ، فَقُلْتُ  
لَهُ :

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ ، حَدَّثَنَا  
الْأَعْمَشُ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
بْنِ عَبْدِ رَبِّ الْكَعْبَةِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، أَنَّ  
النَّبِيَّ قَالَ :

" **مَنْ بَايَعَ إِمَامًا** فَأَعْطَاهُ صَفْقَةً يَدِهِ وَتَمْرَةَ قَلْبِهِ  
فَلْيُطِعهُ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنْ جَاءَ آخِرُ يُنَازِعُهُ  
فَاضْرِبُوا رَقَبَةَ الْآخِرِ، ...

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ

حَدَّثَنَا قَتَادَةُ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مِحْصَنِ ،  
عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ عَرَفَ  
بِرِيٍّ ، وَمَنْ كَرِهَ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ " ،  
قَالُوا : أَفَلَا نُفَاتِيهِمْ؟ قَالَ : " لَا مَا صَلَّوْا "

### عدم وحدت و جنگ های داخلی

عدم وحدت و جنگ های داخلی توسط پیامبر  
صلی الله علیه و سلم قبلاً پیش بینی شده است.  
اصطلاح که در احادیث برای آن دو بکار رفته،  
فتنه و اختلاف می باشند با آن هم تصمیم گرفته  
ایم تا به طور جدا گانه در مورد آن بحث نمائیم.  
گرچه از نقطه نظر نسل اول میان جنگ های  
داخلی و فتنه فرق وجود ندارد. اما مسلمانان  
معاصر موقف نسبتاً معنوی دارند وقتی که فتنه در  
آخرین روز های قبل از ختم دنیا ظاهر گردد. لذا؛  
به منظور این که مسلمانان معاصر گیج نشوند، آن

ها را در بخش های متفاوت و جداگانه مورد مطالعه قرار می دهیم.

با مطالعه احادیث در مورد فتنه که در زمان خلافت خلیفه سوم آغاز گردید، مشاهده می گردد که آن احادیث در مورد عدم وحدت سیاسی و نظامی میان مسلمانان می باشد. در بیشتر موارد، راه حل که برای هر فرد در زمان فتنه داده می شود چنگ زدن با جماعت است. با مطالعه مفهوم جماعت به این نتیجه می رسیم که منظور از جماعت بیعت شرعی مسلمانان با امام برای تطبیق احکام اسلام است. اکثریت حکام باید اسلام را تطبیق و دارای امام باشند و به جهاد بپردازند. اگر اکثریت آن کار را انجام ندهند، پس باید قدرتمند ترین حاکم مسلمان مشروع بعدی انجام دهد. و این کار لب یا جوهر صد ها حدیث مرتبط به این موضوع می باشد. بدون شک که بیش تر این احادیث دارای الفاظ متفاوت با

مفهوم یکسان اند که این ترجمه ها و الفاظ متفاوت چیزی که راویان از آن عبارات فهمیده اند را نشان می دهند. اگر این الفاظ تکراری را از میان بر می داشتیم، با وجود آن نیز احادیث زیاد در مورد اختلاف و فتنه وجود دارند که بعد از زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم می آیند. اشخاص که هدف اصلی زنده و مرگ را قبل از فرا رسیدن آخرت نمی فهمند با چنین روایات گدود می شوند. پس؛ وقتی که قبل از قبل می دانیم که امت متفرق می شوند و فتنه ها آمدنی ست، چی باید کرد؟ یا چرا الله سبحانه و تعالی می گذارد که چنین فتنه ها پدیدار گردند؟ جواب آن این است که سوال کننده عزیز، شما دارای مشکل بی نهایت خطرناک هستید؟ شما هدف زنده گی و مرگ را نمی دانید که ابتلا است یعنی امتحان الهی یا پروسه فلتر الهی که درجات مختلف آخرت را تعیین می کند. بنابر این باید فتنه و اختلاف موجود باشد. الله سبحانه و تعالی خوک و

مسکرات را آفرید که حرام است تا از آن ها خورد  
تفرقه و فتنه را نیز خلق کرد که باید از آن ها دوری  
جست. در این جا کاملاً توقف کنید و از این  
بیشتر موضوع را مغلق و پیچیده نسازید.

ما با دلایل احتمالی فتنه و اختلاف شروع  
خواهیم کرد. دلیل اصلی این فتنه ها و تفرقه حب  
بیش از حد نسبت به دنیا است که از این موضوع  
مشکل دیگر به وجود می آید. راه حل این است  
که با امام جماعت چنگ زد و بدون و نباید به  
خاطر دنیا باعث تفرقه گردید. حتی اگر دیده شود  
که مردم به خاطر عقاید و افکار نادرست متفرق  
می شوند که دلیل آن بغی، ظلم، شح، بخل، کبر  
و غیره می باشد و نظریات مختلف بعد از آن ها  
پیدا می شوند. و این نظریات نسل بعدی را گدود  
می سازد.

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ  
وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ  
النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ  
أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ  
فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ  
بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ  
وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِّبَ  
بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكِّ  
مَنْهُ مُرِيبٍ

الكتاب: الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي

- (وَمَا اختلفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ) الْآيَةُ.  
أَخْبَرَ تَعَالَى عَنِ اختلفِ أَهْلِ الْكِتَابِ  
أَنَّهُ كَانَ عَلَى عِلْمٍ مِنْهُمْ بِالْحَقَائِقِ، وَأَنَّهُ  
كَانَ بَغْيًا وَطَلَبًا لِلدُّنْيَا
- وَالْبَغْيُ هُوَ الْكِبْرُ وَالظُّلْمُ وَالْجِدُّ  
وَالْتَعَدِّي، وَحَقِيقَتُهُ تَجَاوُزُ الْحَدَّ
- وَالْبَغْيُ "الظُّلْمُ وَتَجَاوُزُ الْحَدِّ فِيهِ

مرثد بن عبد الله اليزني

نا أَبُو بَكْرٍ بِنُ أَبِي شَيْبَةَ ، نا شَبَابَةُ ، عَن أَبِي ثَبْتِ بْنِ سَعْدٍ ، عَن يَزِيدِ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ ، عَن أَبِي الْخَيْرِ ، عَن عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ ، أَن رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي ،  
وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا

المسور بن مخزومة القرشي

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ، حَدَّثَنَا مَعْمَرٌ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ،  
عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ ، عَنِ الْمَسُورِ بْنِ مَخْرَمَةَ ،  
قَالَ : سَمِعْتُ الْأَنْصَارَ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدِيمَ بَيْمَالٍ مِنْ  
قَبْلِ الْبَحْرَيْنِ ، وَكَانَ النَّبِيُّ بَعَثَهُ عَلَى الْبَحْرَيْنِ ،  
فَوَافَقَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَلَمَّا أَنْصَرَفَ  
رَسُولُ اللَّهِ تَعَرَّضُوا ، فَلَمَّا رَأَاهُمْ ، تَبَسَّمَ ، وَقَالَ : "  
لَعَلَّكُمْ سَمِعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ قَدِيمٌ وَقَدِيمٌ  
بَيْمَالٍ " ، قَالُوا : أَجَلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : قَالَ :

أَبْشِرُوا وَأَمَلُوا خَيْرًا ، فَإِنَّ اللَّهَ مَا الْفَقْرُ أَخْسَى عَلَيْكُمْ ،  
وَلَكِنْ إِذَا صَبَّتْ عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا ، فَتَنَافَسْتُمُوهَا كَمَا  
تَنَافَسَهَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ "

نا أَبُو مُوسَى مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى ، نا أَبُو عَامِرٍ ، نا  
هَشَامُ يَعْنِي ابْنَ سَعْدٍ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَن عُرْوَةَ

، عَنِ الْمَسُورِ بْنِ مَخْرَمَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَ  
أَبَا عُبَيْدَةَ إِلَى الْبَحْرَيْنِ ، فَسَمِعَ بِهِ الْأَنْصَارُ فِي  
دُورِهِمْ ، فَوَافَقُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَلَمَّا  
صَلَّى النَّبِيُّ وَأَنْصَرَفَ وَنَظَرَ فِي وُجُوهِهِمْ فَتَبَسَّمَ ،  
وَقَالَ : " إِنِّي لِأَظُنُّكُمْ بَلَّغَكُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدِمَ ، وَقَدِمَ  
مَعَهُ بِشَيْءٍ ، فَأَبْشِرُوا وَأَمْلُوا مَا يَسْرُكُمْ ، فَوَاللَّهِ مَا  
الْفَقْرَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ ، وَلَكِنْ أَخَافُ أَنْ تُبْسِطَ عَلَيْكُمْ  
الدُّنْيَا كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَا كَانَ قَبْلَكُمْ ، فَتَنَافَسُوا كَمَا  
تَنَافَسُوا ، فَتَهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتُهُمْ

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ

نا أَبُو بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ ، نا شَبَابَةُ ، عَنْ لَيْثِ بْنِ  
سَعْدٍ ، عَنْ يَزِيدِ بْنِ أَبِي حَبِيبٍ ، عَنْ أَبِي الْخَيْرِ ،  
عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ

إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي ،  
وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا

إسناده حسن رجاله ثقات عدا شبابة بن سوار  
الفزاري وهو صدوق حسن الحديث  
الحكم على المتن: صحيح لغيره

عَمْرُو بْنُ عَوْفٍ

حَدَّثَنَا عَبْدَانُ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ  
وَيُونُسُ ، عَنْ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ ،

أَنَّهُ أَخْبَرَهُ، أَنَّ الْمِسُورَ بْنَ مَخْرَمَةَ أَخْبَرَهُ، أَنَّ  
عَمْرَو بْنَ عَوْفٍ وَهُوَ حَلِيفٌ لِبَنِي عَامِرِ بْنِ لُؤَيٍّ،  
وَكَانَ شَهِدًا بَدْرًا مَعَ النَّبِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَ أَبَا  
عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ يَأْتِي بِجَزِيرَتَيْهَا،  
وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ صَالِحَ أَهْلِ الْبَحْرَيْنِ، وَأَمَرَ  
عَلَيْهِمُ الْعَلَاءَ بْنَ الْحَضْرَمِيِّ، فَقَدِمَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِمَالٍ  
مِنَ الْبَحْرَيْنِ فَسَمِعَتِ الْأَنْصَارُ بِقُدُومِ أَبِي عُبَيْدَةَ،  
فَوَافُوا صَلَاةَ الْفَجْرِ مَعَ النَّبِيِّ فَلَمَّا انصَرَفَ  
تَعَرَّضُوا لَهُ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ جِئْنَا رَأَهُمْ، ثُمَّ قَالَ  
: " أَظَنُّكُمْ سَمِعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدِمَ بِشَيْءٍ "، قَالُوا  
: أَجَلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : " فَأَبْشِرُوا وَأَمَلُوا مَا  
يَسْرُكُمُ، فَإِنَّ اللَّهَ مَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ وَلَكِنِّي أَخْشَى  
أَنْ تُبْسِطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ  
قَبْلَكُمْ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا وَتُهْلِكُكُمْ كَمَا  
أَهْلَكَتْهُمْ "

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ

أَنْبَاءُ زِيَادُ بْنُ أَبِي بُوَيْبٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيَّةَ  
، قَالَ : ثنا هِشَامٌ ، قَالَ : حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَبِي  
كَثِيرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي هِلَالٌ ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ  
، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ  
عَلَى الْمُنْبَرِ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ، فَقَالَ : " إِنَّمَا أَخَافُ  
عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ لَكُمْ مِنْ زَهْرَةٍ، وَذَكَرَ  
الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا "، فَقَالَ رَجُلٌ : أَوْ يَأْتِي الْخَيْرُ

بِالشَّرِّ؟ ! فَسَكَتَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ فَقِيلَ لَهُ : مَا سَأَلْنَاكَ  
تُكَلِّمُ رَسُولَ اللَّهِ وَلَا يُكَلِّمُكَ؟ قَالَ : وَرَأَيْنَا أَنَّهُ يُنَزَّلُ  
عَلَيْهِ، فَأَفَاقَ يَمْسُحُ الرُّحْضَاءَ وَقَالَ : " أَشَاهِدُ  
السَّائِلِ إِنَّهُ وَلَمْ أَفْهَمْ كَمَا أَرَدْتُ لَا يَأْتِي الْخَيْرُ  
بِالشَّرِّ، وَإِنَّ مِمَّا يُنْبِئُ الرَّبِيعُ يَقْتُلُ أَوْ يُلْمُ إِلَّا أَكَلَهُ  
الْخَضِرِ، فَإِنَّهَا أَكَلْتُ حَتَّى إِذَا امْتَدَّتْ خَاصِرَتَاهَا،  
اسْتَقْبَلَتْ عَيْنَ الشَّمْسِ فَتَلَطَّتْ، ثُمَّ بَالَتْ، ثُمَّ رَتَعَتْ،  
وَإِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرَةٌ حُلُوءَةٌ، وَنِعَمَ صَاحِبِ الْمُسْلِمِ  
هُوَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهُ الْيَتِيمَ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ،  
وَإِنَّ الَّذِي يَأْخُذُهُ بَعْضُ حَقِّهِ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ،  
وَيَكُونُ عَلَيْهِ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ "

أَخْبَرَنَا سُلَيْمَانُ ، نَا يَزِيدُ ، نَا الْوَلِيدُ ، نَا ابْنُ عَمْرٍو  
، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ أَبِي كَثِيرٍ ، حَدَّثَنِي هَلَالُ بْنُ  
أَبِي مَيْمُونَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَطَاءُ بْنُ يَسَارٍ ، أَنَّهُ  
سَمِعَ أَبَا سَعِيدٍ الْخُدْرِيَّ ، يَقُولُ : بَيَّنَمَا رَسُولُ اللَّهِ  
يَخْطُبُ النَّاسَ، فَقَالَ : " إِنَّ مِمَّا أَخَافُ عَلَيْكُمْ بَعْضِي  
مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا " فَقَالَ  
رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوَيَأْتِي الْخَيْرُ بِالشَّرِّ؟ فَقَالَ :  
فَأَرِينَا أَنْ رَسُولَ اللَّهِ يُنَزَّلُ عَلَيْهِ، قَالَ : فَلَمْنَا الرَّجُلَ  
حِينَ كَلَّمَ رَسُولَ اللَّهِ وَهُوَ لَا يُكَلِّمُهُ، قَالَ : فَلَمَّا جُئِي  
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ جَعَلَ يَمْسُحُ عَنْهُ الرُّحْضَاءَ، ثُمَّ قَالَ  
: " أَتَيْنَ هَذَا السَّائِلُ؟ " قَالَ : وَكَأَنَّهُ حَمْدُهُ، قَالَ : "  
إِنَّ الْخَيْرَ لَا يَأْتِي بِالشَّرِّ، وَإِنَّ مِمَّا يُنْبِئُ الرَّبِيعُ  
أَكَلَةَ الْخَضِرِ، أَكَلْتُ حَتَّى إِذَا هِيَ امْتَلَأَتْ

خَاصِرَتَاهَا اسْتَقْبَلَتِ الشَّمْسُ، فَتَلَطَّتْ وَبَالَتْ، ثُمَّ رَتَعَتْ، وَإِنَّ هَذَا الْمَالَ نِعَمَ صَاحِبِ الْمُسْلِمِ هُوَ، فَمَنْ أَخَذَهُ بِحَقِّهِ فَأَعْطَى مِنْهُ الْمُسْكِينِ وَالْيَتِيمِ وَابْنَ السَّبِيلِ، وَمَنْ أَخَذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ كَانَ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ، ثُمَّ كَانَ عَلَيْهِ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ "

جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

أَخْبَرَنَا حَمْرَةُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُرَشِيُّ ، أَنبَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ الْأَصْبَهَانِيُّ ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْمَحَامِلِيُّ ، ثنا أَبُو الْبَحْتَرِيِّ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ شَاكِرٍ ، ثنا حُسَيْنٌ ، عَنْ فَضِيلٍ ، عَنْ الْأَعْمَشِ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ زُهَيْرِ بْنِ الْأَقْمَرِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَذَكَرَ الْحَدِيثَ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْلَمَةَ ، نَا دَاوُدُ يَعْنِي ابْنَ قَيْسٍ ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مِقْسَمٍ ، عَنْ

**جَابِرِ :**

**اتَّقُوا الشُّحَّ** ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قِبَالَكُمْ "

عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مِقْسَمٍ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" اتَّقُوا الظُّلْمَ ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَاتَّقُوا الشُّحَّ ، فَإِنَّ الشُّحَّ أَضَلَّ مَنْ كَانَ قِبَالَكُمْ ،

حَمَلُهُمْ عَلَى أَنْ يَسْفِكُوا دِمَاءَهُمْ، وَاسْتَحْلُوا  
مَحَارِمَهُمْ "

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ ، حَدَّثَنَا أَبُو خَالِدٍ الْأَحْمَرُ ، عَنْ  
ابْنِ عَجَلَانَ ، عَنْ سَعِيدٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

إِيَّاكُمْ وَالشُّحَّ، فَإِنَّهُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ،  
دَعَاهُمْ فَسَفَكُوا دِمَاءَهُمْ، وَدَعَاهُمْ فَفَقَتُوا أَوْلَادَهُمْ "

أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ دُلْفِ الْمُقْرِي ، قَالَ :  
أَخْبَرْتَنَا شَهْدَةُ بِنْتُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الْفَرَجِ أَنبَأَ  
الْقَاضِي أَبُو الْمَعَالِي عَزِيزُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ شَيْدَلَهُ ،  
قِرَاءَةً عَلَيْهِ، أَنبَأَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ  
الْخَلَّالِ الْحَافِظُ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ حَمْدَانَ بْنِ  
مَالِكِ الْقَطِيعِيِّ ، ثنا عَلِيُّ بْنُ طَبِئُورِ النَّسَوِيِّ ، ثنا  
قُنْبِيَّةُ بْنُ سَعِيدٍ ، ثنا يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ  
ابْنِ عَجَلَانَ ، عَنْ سَعِيدِ يَعْنِي الْمُقْبِرِيِّ ، عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظَلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَإِيَّاكُمْ  
وَالشُّحَّ، فَإِنَّهُ دَعَا مَنْ قَبْلَكُمْ فَسَفَكُوا دِمَاءَهُمْ،  
وَدَعَاهُمْ فَفَقَطَعُوا أَرْحَامَهُمْ، وَدَعَاهُمْ فَاسْتَحْلُوا

مَحَارِمَ اللَّهِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ

حَدَّثَنَا عِيَّاشُ بْنُ الْوَلِيدِ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى ،  
حَدَّثَنَا مَعْمَرٌ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَعِيدٍ ، عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ

قَالَ : " يَتَقَارَبُ الزَّمَانُ، وَيُنْقُصُ الْعَمَلُ، وَيُلْقَى **الشُّحُّ** ،  
وَتُظْهِرُ الْفِتْنُ، وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ، قَالُوا : يَا  
رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّهُ هُوَ؟، قَالَ : الْقَتْلُ الْقَتْلُ "

فَقَرَأْتُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْهَادِي،  
بِالسَّنَدِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَى الطَّبْرَانِيِّ، ثنا **عَبْدَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ**  
**الْمَرْوَزِيُّ** ، ثنا **هشامُ بْنُ عَمَارٍ** ، ثنا **صَدَقَةُ بْنُ**  
**خَالِدٍ** ، ثنا **ابْنُ جَابِرٍ** ، حَدَّثَنِي **ابْنُ أَحِي الزُّهْرِيِّ** ،  
حَدَّثَنِي **الزُّهْرِيُّ** ، عَنْ **حُمَيْدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ** ،  
سَمِعْتُ **أَبَا هُرَيْرَةَ** ، يَقُولُ : سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ :

يَتَقَارَبُ الزَّمَانُ، وَيُنْقُصُ الْعَمَلُ، وَيُلْقَى **الشُّحُّ**،  
وَتُظْهِرُ الْفِتْنُ، وَيَكْثُرُ الْهَرْجُ، قُلْنَا : وَمَا الْهَرْجُ يَا  
رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : الْقَتْلُ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ

حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ ، عَنْ شُعْبَةَ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْة ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ عَبْدِ  
اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالشُّحَّ ، فَإِنَّهُ أَهْلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ ، أَمَرَهُمْ  
بِالْقَطِيعَةِ فَفَطَعُوا ، وَبِالْبُخْلِ فَبَخَلُوا ، وَبِالْفُجُورِ  
فَفَجَرُوا "

حَدَّثَنَا شُعْبَةُ وَالْمَسْعُودِيُّ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْة ،  
قَالَ : سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَارِثِ ، يُحَدِّثُ عَنْ  
أَبِي كَثِيرٍ الزُّبَيْدِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ  
الْعَاصِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلَمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ،  
وَإِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَلَا  
النَّفْحُشَ ، وَإِيَّاكُمْ وَالشُّحَّ ، فَإِنَّهُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ  
قَبْلَكُمْ ، أَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ ، فَفَطَعُوا ، وَأَمَرَهُمْ بِالْبُخْلِ  
فَبَخَلُوا ، وَأَمَرَهُمْ بِالْفُجُورِ فَفَجَرُوا " ، فَقَامَ رَجُلٌ ،  
فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ ؟ قَالَ  
شُعْبَةُ : " مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ " ،  
وَقَالَ الْمَسْعُودِيُّ : " أَنْ يَسْلَمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِكَ  
وَيَدِكَ " ، فَقَامَ ذَلِكَ الرَّجُلُ ، أَوْ غَيْرُهُ ، فَقَالَ : يَا  
رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ الْهَجْرَةِ أَفْضَلُ ؟ قَالَ : " أَنْ تَهْجَرَ  
مَا كَرِهَ رَبُّكَ " ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " الْهَجْرَةُ

هَجْرَتَانِ، هِجْرَةُ الْحَاضِرِ وَهِجْرَةُ الْبَادِي، فَأَمَّا  
الْبَادِي فَيَجِيبُ إِذَا دُعِيَ، وَيُطِيعُ إِذَا أُمِرَ، وَأَمَّا  
الْحَاضِرُ فَهُوَ أَعْظَمُهَا بِلِيَّةً، وَأَفْضَلُهُمَا أَجْرًا " ،  
وَقَالَ الْمُسْعُودِيُّ : وَنَادَاهُ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ،  
أَيُّ الشُّهَدَاءِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : " أَنْ يُعْقَرَ جَوَادُكَ  
وَيُهْرَاقَ دَمُكَ "

حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ  
الرِّفَاعِيُّ ، قَالَا : حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ، عَنْ  
فُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ  
مُرَّةَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ زُهَيْرِ بْنِ  
الْأَقْمَرِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ :

إِيَّاكُمْ وَالْبُخْلَ فَإِنَّهُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَيْلُكُمْ، أَمْرَهُمْ  
بِالظُّلْمِ فَظَلَمُوا، وَأَمْرَهُمْ بِالْفُجُورِ فَفَجَرُوا،  
وَأَمْرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ نَصْرِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا قَاسِمُ بْنُ أَصْبَغَ  
، حَدَّثَنَا ابْنُ وَضَّاحٍ ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ  
، حَدَّثَنَا غُنْدَرٌ ، عَنْ شُعْبَةَ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،  
وَإِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ

وَالنَّفْحُشْنَ، وَإِيَّاكُمْ الشُّحَّ فَإِنَّهُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ،  
أَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَّعُوا، وَأَمَرَهُمْ بِالْبُخْلِ فَبَخُلُوا،  
وَبِالْفُجُورِ فَفَجَرُوا " فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا رَسُولَ  
اللَّهِ، أَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : " أَنْ يَسْلَمَ  
الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِكَ وَبَيْدِكَ "

أَخْبَرَنَا أَبُو يَعْلَى ، قَالَ : حَدَّثَنَا بُنْدَارٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ وَأَبُو دَاوُدَ ، قَالَا : حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ  
عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ  
أَبِي كَثِيرٍ الزُّبَيْدِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظَلَمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،  
وَإِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَلَا  
النَّفْحُشْنَ، وَإِيَّاكُمْ وَالشُّحَّ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ  
قَبْلَكُمْ الشُّحُّ أَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ، فَقَطَّعُوا أَرْحَامَهُمْ،  
وَأَمَرَهُمْ بِالْفُجُورِ، فَفَجَرُوا، وَأَمَرَهُمْ بِالْبُخْلِ  
فَبَخُلُوا

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَمْسَةَ الْعَدْلُ ، ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ  
إِسْحَاقَ الْقَاضِي ، ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ ، ثنا شُعْبَةُ  
، وَأَخْبَرَنِي أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْعَدْلُ ، ثنا  
يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ ، ثنا أَبِي ،  
ثنا شُعْبَةُ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَبْدُ  
اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ ، وَأَنْتَى عَلَيْهِ خَيْرًا ، عَنْ أَبِي كَثِيرٍ

، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، قَالَ : حَظَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ :

" إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظَلَمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ وَالنَّفْحُشَ، وَإِيَّاكُمْ وَالشَّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلُكُمْ بِالشَّحِّ، أَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا، وَبِالْبُخْلِ فَبَخُلُوا، وَبِالْفُجُورِ فَفَجَرُوا " فَقَامَ رَجُلٌ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ؟، قَالَ : " أَنْ يَسْلَمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِكَ وَيَدِكَ "، فَقَالَ ذَلِكَ الرَّجُلُ أَوْ غَيْرُهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْهَجْرَةِ أَفْضَلُ؟، قَالَ : " أَنْ تَهْجَرَ مَا كَرِهَ رَبُّكَ "، قَالَ : " وَالْهَجْرَةُ هَجْرَتَانِ : هَجْرَةُ الْحَاضِرِ، وَهَجْرَةُ الْبَائِدِ، فَهَجْرَةُ الْبَائِدِ : أَنْ يُجِيبَ إِذَا دُعِيَ، وَيُطِيعَ إِذَا أُمِرَ، وَهَجْرَةُ الْحَاضِرِ أَكْبَرُ مِنْهُمَا بِلَيْتِهِ وَأَفْضَلُهُمَا أَجْرًا "

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَرَفَةَ ، حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَبَارُ أَبُو حَفْصٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعَادَةَ الْأَوْدِيِّ ، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ،

عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " إِيَّاكُمْ وَالشَّحَّ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلُكُمْ الشَّحُّ، أَمَرَهُمْ بِالْكَذِبِ فَكَذَّبُوا، وَأَمَرَهُمْ بِالظُّلْمِ فَظَلَمُوا، وَأَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا " "

حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَبُو حَفْصِ الْأَبَّارِ ،  
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُحَادَةَ ، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِيِّ  
، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،  
وَإِيَّاكُمْ وَالْفُحْشَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُحْشَ وَلَا  
التَّفَحُّشَ، وَإِيَّاكُمْ وَالشَّحَّ ؛ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ قَبْلُكُمْ  
الشُّحُّ، أَمَرَهُمْ بِالْكَذِبِ فَكَذَّبُوا، وَأَمَرَهُمْ بِالظُّلْمِ  
فَظَلَمُوا، وَأَمَرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَفَقَعُوا " ، فَقَامَ رَجُلٌ  
فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : "   
أَنْ يَسَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِكَ وَبِيَدِكَ " ، قَالَ : فَأَيُّ  
الْجِهَادِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : " يُهْرَاقُ دَمُكَ، وَيُعْفَرُ  
جَوَادُكَ " ، قَالَ : فَأَيُّ الْهَجْرَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ : "   
تَهْجُرُ مَا كَرِهَ رَبُّكَ وَهُمَا هَجْرَتَانِ، هَجْرَةُ اللَّبَادِي،  
وَهَجْرَةُ لِلْحَاضِرِ، فَأَمَّا هَجْرَةُ اللَّبَادِي فَإِذَا دُعِيَ  
أَجَابَ، وَإِذَا أُمِرَ أَطَاعَ، وَأَمَّا هَجْرَةُ الْحَاضِرِ  
فَأَسَدُهُمَا بَلِيَّةٌ، وَأَعْظَمُهُمَا أَجْرًا "

عَنِ الْمَسُورِ بْنِ مَخْرَمَةَ

حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ هَارُونَ وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ  
التُّسْتَرِي ، قَالَا : ثنا يَحْيَى الْجَمَانِيُّ ، ثنا سُلَيْمَانُ  
بْنُ بِلَالٍ ، عَنْ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ قَيْسِ بْنِ  
مَخْرَمَةَ ، عَنِ الْمَسُورِ بْنِ مَخْرَمَةَ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ:

" إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ، فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ "

زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ،  
حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ سُلَيْمَانَ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِيَانَ بْنَ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ ، عَنْ  
أَبِيهِ ، قَالَ : خَرَجَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ مِنْ عِنْدِ مَرْوَانَ  
بِإِصْفِ النَّهَارِ ، قُلْتُ : مَا بَعَثَ إِلَيْهِ هَذِهِ السَّاعَةَ إِلَّا  
لِشَيْءٍ سَأَلَ عَنْهُ ، فَسَأَلْتُهُ ، فَقَالَ : سَأَلْنَا عَنْ أَشْيَاءَ  
سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : **مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ** ، فَرَقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ ،  
وَجَعَلَ فِقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا  
كُتِبَ لَهُ ، وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ نِيَّتَهُ ، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ  
أَمْرَهُ ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ  
رَاحِمَةٌ

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ ،  
حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو ، حَدَّثَنَا قَتَادَةُ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ  
، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقَتْ  
عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ، وَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ  
عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ، كُلُّهَا فِي النَّارِ ، إِلَّا  
وَاحِدَةً وَهِيَ الْجَمَاعَةُ "

عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَرِّيَابِيُّ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ الْأَسْعَثِ السَّجَزِيُّ ، قَالَا : ثنا عَمْرُو بْنُ عَثْمَانَ الْحُمْصِيُّ ، ح وَحَدَّثَنَا جَبْرِ بْنُ عَرْفَةَ الْمِصْرِيُّ ، ثنا يَزِيدُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ الْجُرْجِسِيُّ ، قَالَا : ثنا عَبَّادُ بْنُ يُوسُفَ ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ عَمْرٍو ، عَنْ رَاشِدِ بْنِ سَعْدٍ ، عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " افْتَرَقَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، وَافْتَرَقَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَفْتَرِقَنَّ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً وَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ، وَاثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ " ، قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ هِيَ؟ ، قَالَ : " الْجَمَاعَةُ "

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

قَالَ : ثنا مُحَمَّدُ بْنُ الْهَيْثَمِ ، قَالَ : ثنا شُجَاعُ بْنُ الْوَلِيدِ ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ قَيْسٍ ، عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " تَفَرَّقَتِ الْيَهُودُ عَلَى وَاحِدَةٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ. وَتَفَرَّقَتِ النَّصَارَى عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ. وَإِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً "

"فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنَا مَنْ هُمْ؟ قَالَ : " السَّوَادُ الْأَعْظَمُ

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الرَّزَّاقِ ، نَا سُلَيْمَانُ بْنُ الْأَسْعَثِ ، نَا أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ ، نَا أَبُو الْمُغِيرَةِ ، حَدَّثَنِي صَفْوَانُ ، قَالَ : وَنَا عَمْرُو بْنُ عُمَانَ ، نَا بَقِيَّةُ ، حَدَّثَنِي صَفْوَانُ ، حَدَّثَنِي أَزْهَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَرَارِيُّ ، قَالَ أَحْمَدُ : عَنْ أَبِي عَامِرٍ الْهُوزَنِيِّ ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ ، أَنَّهُ قَامَ ، فَقَالَ : أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَامَ فِينَا ، فَقَالَ : " أَلَا إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ افْتَرَقُوا عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ مَلَّةً ، وَإِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ سَتَفْتَرِقُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً : ثِنْتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ ، وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ ، وَهِيَ الْجَمَاعَةُ ، زَادَ عَمْرُو فِي حَدِيثِهِ وَأَنَّهُ سَيَخْرُجُ فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَجَارَى بِهِمُ الْأَهْوَاءُ كَمَا تَجَارَى الْكَلْبُ بِصَاحِبِهِ ، لَا يَبْقَى مِنْهُ عِرْقٌ وَلَا مَفْصِلٌ إِلَّا دَخَلَهُ "

سعد ابن ابي وقاص

حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى ، قَالَ : نَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ ، قَالَ : نَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَيَّاشٍ ، عَنْ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ ، عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَيْدَةَ ، عَنْ عَائِشَةَ ابْنَةِ سَعْدٍ ، عَنْ أَبِيهَا ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ

اللَّهُ: " افْتَرَقَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ  
مِلَّةً، وَلَنْ تَذْهَبَ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ حَتَّى تَفْتَرِقَ أُمَّتِي  
عَلَى مِثْلِهَا " . وَهَذَا الْحَدِيثُ لَا نَعْلَمُهُ يُرْوَى عَنْ  
سَعْدٍ إِلَّا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ، وَلَا نَعْلَمُ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ  
عُبَيْدَةَ، عَنْ عَائِشَةَ، عَنْ أَبِيهَا إِلَّا هَذَا الْحَدِيثَ  
حَدَّثَنَا

عبد الله بن مسعود

ثُمَّ قَالَ : " يَا بَنَ مَسْعُودِ،

هَلْ عَلِمْتَ أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقُوا عَلَى اثْنَتَيْنِ  
وَسَبْعِينَ فِرْقَةً لَمْ يَنْجُ مِنْهَا، إِلَّا ثَلَاثُ فِرَقٍ : فِرْقَةُ  
أَقَامَتْ فِي الْمُلُوكِ وَالْجَبَابِرَةِ، فَدَعَتْ إِلَى دِينِ  
عِيسَى، فَأُخِذَتْ، فَقُبِلَتْ بِالْمَنَاشِيرِ، وَحُرِّقَتْ  
بِالنَّيْرَانِ، فَصَبِرَتْ حَتَّى لَجَعَتْ بِاللَّهِ، ثُمَّ قَامَتْ  
طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ تَكُنْ لَهُمْ قُوَّةٌ، وَلَمْ تُطِقِ الْقِيَامَ  
بِالْقِسْطِ، فَلَجَعَتْ بِالْجِبَالِ، فَتَعَبَّدَتْ، وَتَرَهَيْبَتْ، وَهُمْ  
الَّذِينَ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى : **فَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا  
كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ لَلَّذِينَ  
قَوْلِهِمْ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ** ، وَفِرْقَةٌ مِنْهُمْ آمَنَتْ  
وَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا بِي، وَصَدَّقُونِي، وَهُمْ الَّذِينَ  
**رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، فَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ** ،  
وَهُمُ الَّذِينَ لَمْ يُؤْمِنُوا بِي، وَلَمْ يُصَدَّقُونِي، وَلَمْ  
يَرْعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، وَهُمْ الَّذِينَ فَسَقُوا اللَّهَ "

اسم الكتاب: تفسير ابن أبي حاتم  
الحكم على المتن: صحيح لغيره  
الحكم على السند: إسناده حسن

حَدَّثَنَا أَبِي ، حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ ، حَدَّثَنَا شَهَابُ  
بْنُ خِرَاشٍ ، حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ دِينَارٍ ، عَنْ مَنْصُورِ  
بْنِ الْمُعْتَمِرِ ، عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ عُمَيْلَةَ الْفَرَارِيِّ ، قَالَ  
: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ ، حَدَّثَنَا مَا سَمِعْتُ  
أَعْجَبَ إِلَيَّ مِنْهُ ، إِلَّا شَيْئًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ، أَوْ شَيْئًا  
فَقَالَهُ النَّبِيُّ قَالَ :

إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمَّا طَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَفَسَتْ  
قُلُوبُهُمْ ، اخْتَرَعُوا كِتَابًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ ، اسْتَهْوَتْهُ  
قُلُوبُهُمْ ، وَاسْتَحْلَثَتْهُ أَلْسِنَتُهُمْ وَاسْتَلَذَّتْهُ ، وَكَانَ الْحَقُّ  
يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ كَثِيرٍ مِنْ شَهَوَاتِهِمْ ، فَقَالُوا :  
تَعَالَوْا نَدْعُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَى كِتَابِنَا هَذَا ، فَمَنْ تَابَعَنَا  
عَلَيْهِ تَرَكْنَاهُ ، وَمَنْ كَرِهَ أَنْ يُتَابِعَنَا قَتَلْنَاهُ ، فَفَعَلُوا  
ذَلِكَ ، وَكَانَ فِيهِمْ رَجُلٌ فَقِيهٌ ، فَلَمَّا رَأَى مَا  
يَصْنَعُونَ ، عَمَدَ إِلَى مَا يَعْرِفُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَكَتَبَهُ  
فِي شَيْءٍ لَطِيفٍ ، ثُمَّ أَدْرَجَهُ فَجَعَلَهُ فِي قَرْنٍ ، ثُمَّ  
عَلَّقَ ذَلِكَ فِي عُنُقِهِ ، فَلَمَّا أَكْثَرُوا الْقَتْلَ ، قَالَ بَعْضُهُمْ  
لِبَعْضٍ : يَا هَؤُلَاءِ ، إِنَّكُمْ قَدْ أَفْسَيْتُمُ الْقَتْلَ فِي بَنِي  
إِسْرَائِيلَ ، فَادْعُوا فَلَانًا فَاعْرِضُوا عَلَيْهِ كِتَابَكُمْ ،  
فَاتَهُ إِنْ تَابَعَكُمْ فَسَيَتَابِعُكُمْ بِوَيْهَةِ النَّاسِ ، وَإِنْ أَبَى

فَأَقْتُلُوهُ، فَدَعَوْا فَلَانًا ذَلِكَ الْفَقِيهَ، فَقَالُوا : نُؤْمِنُ بِمَا  
فِي كِتَابِنَا؟ قَالَ : وَمَا فِيهِ؟ اعْرِضُوهُ عَلَيَّ،  
فَعَرَضُوهُ عَلَيْهِ إِلَى آخِرِهِ، ثُمَّ قَالُوا : أَتُؤْمِنُ بِهِذَا؟  
قَالَ : نَعَمْ، أَمَنْتُ بِمَا فِي هَذَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى  
الْقُرْآنِ، فَتَرَكَوهُ، فَلَمَّا مَاتَ، نَبَسُوهُ فَوَجَدُوهُ مُتَعَلِّقًا  
ذَلِكَ الْقُرْآنَ، فَوَجَدُوا فِيهِ مَا يُعْرَفُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ،  
فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : يَا هَؤُلَاءِ، مَا كُنَّا نَسْمَعُ هَذَا،  
أَصَابَهُ فِتْنَةٌ، فَافْتَرَقَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَى ثِنْتَيْنِ  
وَسَبْعِينَ مِلَّةً، وَخَيْرُ مِلَّةِهِمْ، مِلَّةُ أَصْحَابِ ذِي  
الْقُرْآنِ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ حُرَيْثِ أَبِي عَمَّارٍ ، حَدَّثَنَا الْفَضْلُ  
بْنُ مُوسَى ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ  
، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " تَفَرَّقَتْ  
الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ أَوْ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ  
فِرْقَةً وَالنَّصَارَى مِثْلَ ذَلِكَ، وَتَفَتَّرِقُ أُمَّتِي عَلَى  
ثَلَاثِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً " ، وفي الباب عن سَعْدِ  
وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، وَعَوْفِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ أَبُو  
عِيْسَى : حَدِيثُ أَبِي هُرَيْرَةَ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ

عَنْ أَبِي أُمَامَةَ

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ التُّسْتَرِيُّ ، ثنا يَحْيَى  
الْحِمَايِيُّ ، ثنا شَرِيكٌ ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي السُّلَيْكِ ،  
عَنْ أَبِي غَالِبٍ ، عَنْ أَبِي أُمَامَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ نَحْوَهُ

ثُمَّ قَالَ : " اخْتَلَفَتِ الْيَهُودُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ  
فِرْقَةً، سَبْعِينَ مِنَ النَّارِ وَوَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ،  
وَاخْتَلَفَتِ النَّصَارَى عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً  
إِحْدَى وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَوَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ،  
وَتَخْتَلِفُ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً  
اثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ وَوَاحِدَةً فِي الْجَنَّةِ " ، قُلْنَا  
: اَنْعَمْتُمْ لَنَا، قَالَ : " السَّوَادُ الْأَعْظَمُ

إسناده حسن في المتابعات والشواهد رجاله ثقات  
وصدوقيين عدا داود بن سليك السعدي وهو  
مقبول

الحكم على المتن: صحيح لغيره

**قَطْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبُو مَرْيَ ، عَنْ أَبِي غَالِبٍ ، قَالَ ،**  
: كُنْتُ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاءُوا بِسَبْعِينَ رَأْسًا مِنْ  
رُءُوسِ الْحُرُورِيَّةِ فَنُصِبَتْ عَلَى دُرْجِ الْمَسْجِدِ ،  
فَجَاءَ أَبُو أُمَامَةَ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ، فَقَالَ : كِلَابُ جَهَنَّمَ ،  
شَرُّ قَتْلَى قُتِلُوا تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ ، وَمَنْ قَتَلُوا خَيْرُ  
قَتْلَى تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ ، وَبَكَى فَنَظَرَ إِلَيَّ ، وَقَالَ :

يَا أَبَا غَالِبٍ، إِنَّكَ مِنْ بَلَدٍ هَوْلَاءِ؟ قُلْتُ : نَعَمْ، قَالَ :  
: أَعَاذَكَ قَالَ : أَظُنُّهُ قَالَ : اللَّهُ مِنْهُمْ قَالَ : تَقْرَأُ آلَ  
عِمْرَانَ؟ قُلْتُ : نَعَمْ، قَالَ : فَمَا مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ  
هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي  
قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ  
وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ  
فِي الْعِلْمِ قَالَ : فَمَا يَوْمٌ تَبْيِضُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ  
فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ  
فَدُونُوا الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ قُلْتُ : يَا أَبَا  
أَمَامَةَ، إِنِّي رَأَيْتُكَ تُهْرِيقُ عَيْرَتَكَ؟ قَالَ : نَعَمْ،  
رَحْمَةً لَهُمْ، إِنَّهُمْ كَانُوا مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، قَالَ : "  
افْتَرَقَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَى وَاحِدَةٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً،  
وَتَزِيدُ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِرْقَةً وَاحِدَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا  
السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، عَلَيْهِمْ مَا حُمِلُوا وَعَلَيْكُمْ مَا  
حُمِلْتُمْ، وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا  
الْبَلَاغُ، السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ خَيْرٌ مِنَ الْفُرْقَةِ  
وَالْمَعْصِيَةِ " ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ : يَا أَبَا أَمَامَةَ، أَمِنْ  
رَأْيِكَ تَقُولُ، أَمْ شَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ :  
إِنِّي إِذَا لَجَرِيءٌ، قَالَ : بَلْ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ  
غَيْرَ مَرَّةٍ وَلَا مَرَّتَيْنِ حَتَّى ذَكَرَ سَبْعًا

## تکفیر

یکی از نتایج فتنه و عدم وحدت، تکفیر می باشد.

جنگ در فطرت انسان ها نهفته است. قبل از ظهور اسلام و شریعت آخرین امت جنگ وجود داشت و هم چنان زمانی که آخرین مسلمان فوت می کند و جهان بدون اسلام و مسلمان می گردد در آخرین زمان ختم دنیا اگر بشتر توسط حوادث روز قیامت نابود نگردد، جنگ وجود خواهد داشت. در حقیقت؛ اگر تمام ادیان نمی بود، باز هم جنگ وجود می داشت، زیرا دین باعث جنگ نمی گردد بلکه جنگ یک امر فطریست و در فطرت بشر موجود می باشد. به همین شکل، قبل از اسلام، دزدی، زنا و جرایم مشابه دیگر موجود بود و بعد از اسلام نیز وجود خواهند داشت، زیرا ظرفیت آن در فطرت بشر نهفته است. تکفیر پدیده است که در تمام جوامع بشری موجود بود

درست همان طوری که جنگ قبل از اسلام وجود داشت، تکفیر قبل از اسلام نیز موجود بود.

یکی از نشانه های زوال ملت ها و امپراطوری های بزرگ این است که مردم عام به تکفیر عقیده وی رو می آورند. این قضیه در مصر قدیم، امپراطوری یونان و روم قابل مشاهده بود. این نوع تکفیر انقلاب فرانسه را نابود و سپس ارتش ستالین را ضعیف نمود. این مفکوره بیش تر از 100 میلیون را توسط رژیم های مختلف کمونستی در قرن بیستم میلادی به قتل رسانند. زیان تکفیر نا درست در یک جامعه شدید تر است نسبت به اشتباه عدم انجام تکفیر. به همین دلیل منافقین تا وقتی که کفر آشکار از آن ها سر نمی زد، به حال خود شان گذاشته شده بود. اصحاب در قضیه الولی والبری بسیار جدی و محکم بودند و در جهاد بی نهایت علاقمند و با انرژی به نظر می رسیدند اما به ندرت دیده می شود که یک

شخصی تکفیری عقیدوی در میان اصحاب وجود داشته باشد طوری که بعد ها در میان بعضی گروه ها پیدا گردید و خوارج اولین گروه تکفیری بود.

چرا بعضی گروه ها بی نهایت به تکفیر علاقمندی دارند؟

در پاسخ باید گفت که بعضی آن ها جاهل اند، تعداد دیگر مریض و بعضی دیگر آن دارای فهم و درک نادرست اند. آخرین گروه متذکره به این باور است که بعضی احکام مانند الولی والبرا، نکاح، میراث و مانند این ها بر محور تکفیر می چرخند و به همین دلیل فکر می کنند که تکفیر یک موضوع مهم است. آن ها فکر می کنند که واجب است تا هر کافر را مشخص و شناسای نمود تا احکام معین به شکل درست آن تطبیق گردد. این کار ممکن منطقی به نظر بیاید اما درست نمی باشد. اگر درست می بود، این کار را اصحاب با علاقمندی انجام می دادند، اما دیده می شود که

هیچ یکی از اصحاب با علاقمندی کسی را تکفیر ننموده است.

فکر تکفیری یکی از ویژه گی های اصلی خوارج و مانند آن ها بود و در بعضی روایات به سگ های آتش دوزخ نامیده شده اند. این یک موضوع مهم و خطرناک در دنیا و آخرت می باشد. خوارج اولین گروه بود که به این شیوه مشخص عمل نمودند. مشخصات و ویژه گی های خوارج جالب است وقتی که یک گروه دیگر به همین شکل و مشخصات عمل نماید.

اسم الكتاب: خطورة التكفير وما يترتب عليه من أحكام  
المؤلف: بيان هيئة كبار العلماء حول التكفير  
والتفجير، وفتوى الشيخ عبد العزيز بن باز  
وجملة القول: أن التسرع في التكفير له خطر  
العظيم

التسرع في التكفير يترتب عليه أمور خطيرة من  
استحلال الدم والمال، ومنع التوارث، وفسخ

النكاح، وغيره مما يترتب على الرِّدَّة، فكيف يسوغ للمؤمن أن يُقدِّم عليه لأدنى

ما نَجَمَ عن هذا الاعتقاد الخاطئ من استباحة الدماء وانتهاك الأعراض، وسلب الأموال الخاصة والعامة، وتفجير المساكن والمركبات، وتخریب المنشآت، فهذه الأعمال وأمثالها محرمة شرعاً بإجماع المسلمين

التكفير حكم شرعي، مردّه إلى الله ورسوله، فكما أن التحليل والتحریم والإيجاب إلى الله ورسوله، فكذلك التكفير، وليس كل ما وصف بالكفر من قول أو فعل، يكون كفراً أكبر مخرجاً عن الملة.

ولما كان مردّد حكم التكفير إلى الله ورسوله؛ لم يُجز أن نكفر إلا من دل الكتاب والسنة على كفره دلالة واضحة، فلا يكفي في ذلك مجرد الشبهة والظن، لما يترتب على ذلك من الأحكام الخطيرة، وإذا كانت الحدود تُدرأ بالشبهات، مع أن ما يترتب عليها أقل مما يترتب على التكفير، فالتكفير أولى أن يُدرأ بالشبهات؛ ولذلك حدّر النبي صلى الله عليه وسلم من الحكم بالتكفير على شخص ليس بكافر، فقال: «أبُما امرئ قال لأخيه: يا كافر، فقد باء بها أحدهما، إن كان كما قال وإلا رجعت عليه»

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ وَأَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ ، قَالَا : حَدَّثَنَا عُثْمَانُ  
بْنُ عُمَرَ ، أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُبَارَكِ ، عَنْ يَحْيَى  
بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " **إِذَا قَالَ**  
**الرَّجُلُ لِأَخِيهِ يَا كَافِرٌ** فَقَدْ بَاءَ بِهِ أَحَدُهُمَا " ، وَقَالَ  
عِكْرِمَةُ بْنُ عَمَّارٍ ، عَنْ يَحْيَى ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
يَزِيدٍ ، سَمِعَ أَبَا سَلَمَةَ ، سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ

حَدَّثَنَا وَكِيعٌ ، عَنْ فَضَيْلِ بْنِ غَزْوَانَ ، عَنْ نَافِعٍ ،  
عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " **أَيُّمَا رَجُلٍ**  
**كَفَرَ رَجُلًا ، فَأَحَدُهُمَا كَافِرٌ** "

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَالِكٌ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ  
بْنِ دِينَارٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ،  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " **أَيُّمَا رَجُلٍ قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرٌ**  
**فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدُهُمَا** "

وَحَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى النَّخَعِيُّ وَيَحْيَى بْنُ أَبِي  
وَقْتُئِبَةَ بْنُ سَعِيدٍ وَعَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ جَمِيعًا ، عَنْ  
إِسْمَاعِيلِ بْنِ جَعْفَرٍ ، قَالَ يَحْيَى بْنُ يَحْيَى : أَخْبَرَنَا

إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ ، أَنَّهُ سَمِعَ ابْنَ عُمَرَ ، يَقُولُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " أَيُّمَا امْرِئٍ قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرٌ ، فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدَهُمَا ، إِنْ كَانَ كَمَا قَالَ ، وَإِلَّا رَجَعَتْ عَلَيْهِ

حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ ، عَنْ فَضَيْلِ بْنِ عَزْوَانَ ، عَنْ نَافِعٍ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " أَيُّمَا رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَكْفَرَ رَجُلًا مُسْلِمًا ، فَإِنْ كَانَ كَافِرًا وَإِلَّا كَانَ هُوَ الْكَافِرُ

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ

حَدَّثَنَا أَبُو مَعْمَرٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ ، عَنْ الْحُسَيْنِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ يَعْمَرَ ، أَنَّ أَبَا الْأَسْوَدِ الدَّيْلَمِيَّ ، حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ يَقُولُ : " لَا يَرْمِي رَجُلٌ رَجُلًا بِالْفُسُوقِ وَلَا يَرْمِيهِ بِالْكَفْرِ ، إِلَّا ارْتَدَّتْ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ صَاحِبَهُ كَذَلِكَ "

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ

أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ سُوَيْبَانَ ، حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عُمَرَ بْنِ شَقِيقٍ ، حَدَّثَنَا سَلْمَةُ بْنُ الْفَضْلِ ، عَنْ ابْنِ إِسْحَاقَ ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ عُمَرَ بْنِ قَتَادَةَ ، عَنْ مَحْمُودِ بْنِ لَبِيدٍ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ: " مَا أَكْفَرَ رَجُلٌ رَجُلًا قَطُّ إِلَّا بَاءَ أَحَدُهُمَا بِهَا  
إِنْ كَانَ كَافِرًا وَإِلَّا كَفَرَ بِتَكْوِينِهِ

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَتْنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ أَبُو  
إِسْحَاقَ الْوَرَّاقُ الْكُوفِيُّ ، وَكَانَ ثِقَةً ، قَتْنَا مِنْدَلُ بْنُ  
عَلِيٍّ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ عُمَرَ  
بْنَ قَتَادَةَ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ لَبِيدٍ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ  
الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " مَا شَهِدَ رَجُلٌ  
عَلَى رَجُلٍ بِكُفْرٍ إِلَّا بَاءَ بِهِ أَحَدُهُمَا ، إِنْ كَانَ كَافِرًا  
فَهُوَ كَمَا قَالَ ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَافِرًا فَقَدْ كَفَرَ بِتَكْوِينِهِ  
إِيَّاهُ

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَيْدٍ  
بْنَ عَقِيلٍ ، قَالَا : نَا إِسْحَاقُ ، قَالَ : نَا حَمَادُ بْنُ  
سَلَمَةَ ، عَنْ أَيُّوبَ ، عَنْ أَبِي قِلَابَةَ ، عَنْ أَبِي  
الْمُهَلَّبِ ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ : يَا  
كَافِرُ فَهُوَ كَقَتْلِهِ " . وَهَذَا الْحَدِيثُ لَا نَعْلَمُهُ يُرَوَى  
إِلَّا عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ

نفيح بن مسروح الثقفي

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا بِشْرٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ  
عَوْنٍ ، عَنْ ابْنِ سَبْرِينَ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي

**بَكْرَةَ** ، عَنْ أَبِيهِ ، ذَكَرَ النَّبِيُّ قَعَدَ عَلَى بَعِيرِهِ  
وَأَمْسَكَ إِنْسَانَ بِخَطَامِهِ أَوْ بِرِمَامِهِ، قَالَ : أَيُّ يَوْمٍ  
هَذَا؟ فَسَكَتْنَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ سِوَى اسْمِهِ،  
قَالَ : أَلَيْسَ يَوْمَ النَّحْرِ؟ قُلْنَا : بَلَى، قَالَ : فَأَيُّ شَهْرٍ  
هَذَا؟ فَسَكَتْنَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ اسْمِهِ،  
فَقَالَ : أَلَيْسَ بِذِي الْحِجَّةِ؟ قُلْنَا : بَلَى، قَالَ : " **فَإِنَّ**  
**دِمَاعَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ بَيْنَكُمْ حَرَامٌ،**  
**كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا** فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا،  
لِيُبْلَغَ الشَّاهِدُ الْعَائِبَ، فَإِنَّ الشَّاهِدَ عَسَى أَنْ يُبْلَغَ  
مَنْ هُوَ أَوْعَى لَهُ مِنْهُ "

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ ، حَدَّثَنَا يَحْيَى ، حَدَّثَنَا قُرَّةُ بْنُ خَالِدٍ ،  
حَدَّثَنَا ابْنُ سَبْرِينَ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ  
، عَنْ أَبِي بَكْرَةَ، وَعَنْ رَجُلٍ آخَرَ هُوَ أَفْضَلُ فِي  
نَفْسِي مِنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ، عَنْ أَبِي  
**بَكْرَةَ** ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ " حَطَبَ النَّاسَ، فَقَالَ : أَلَا  
تَذُرُونَ أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ،  
قَالَ : حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ اسْمِهِ، فَقَالَ :  
أَلَيْسَ بِيَوْمِ النَّحْرِ؟، قُلْنَا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ :  
أَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟ أَلَيْسَتْ بِالْبَلَدَةِ الْحَرَامِ؟، قُلْنَا : بَلَى يَا  
رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ : **فَإِنَّ دِمَاعَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ**  
**وَأَعْرَاضَكُمْ ، وَأَيْشَارَكُمْ، عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ**  
**يَوْمِكُمْ هَذَا**، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، أَلَا  
هَلْ بَلَّغْتُ؟، قُلْنَا : نَعَمْ، قَالَ : اللَّهُمَّ اشْهَدْ، فَلْيُبْلَغِ  
الشَّاهِدُ الْعَائِبَ، فَإِنَّهُ رَبُّ مَبْلَغٍ يُبْلَغُهُ لِمَنْ هُوَ أَوْعَى

لَهُ فَكَانَ كَذَلِكَ، قَالَ : لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا  
يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ حَرْقِ  
ابْنِ الْأَحْزَرَمِيِّ جِبْنَ حَرَّقَهُ جَارِيَهُ بْنُ قُدَامَةَ، قَالَ  
: أَشْرَفُوا عَلَى أَبِي بَكْرَةَ، فَقَالُوا : هَذَا أَبُو بَكْرَةَ  
يِرَاك، قَالَ : عَبْدُ الرَّحْمَنِ فَحَدَّثَنِي أُمِّي، عَنْ أَبِي  
بَكْرَةَ، أَنَّهُ قَالَ : لَوْ دَخَلُوا عَلَيَّ مَا بَهَشْتُ بِقَصْبَةِ

"

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ،  
حَدَّثَنَا فَضَيْلُ بْنُ غَزْوَانَ ، حَدَّثَنَا عِكْرَمَةُ ، عَنْ  
ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، " أَنْ رَسُولَ اللَّهِ  
خَطَبَ النَّاسَ يَوْمَ النَّحْرِ، فَقَالَ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَيُّ  
يَوْمٍ هَذَا؟، قَالُوا : يَوْمٌ حَرَامٌ، قَالَ : فَأَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟،  
قَالُوا : بَلَدٌ حَرَامٌ، قَالَ : فَأَيُّ شَهْرٍ هَذَا؟ قَالُوا :  
شَهْرٌ حَرَامٌ، قَالَ : فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ  
وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي  
بَلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فَأَعَادَهَا مَرَارًا، ثُمَّ رَفَعَ  
رَأْسَهُ، فَقَالَ : اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ، اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ ،  
قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا : فَوَالَّذِي نَفْسِي  
بِيَدِهِ إِنَّهَا لَوْ صَبَّحَتْهُ إِلَى أُمَّتِهِ، فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدَ الْعَائِبَ،  
لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ  
بَعْضٍ

عَنِ ابْنِ عُمَرَ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ،  
أَخْبَرَنَا عَاصِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ  
ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ بِمَنَى  
: " أَتَدْرُونَ أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟ ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
أَعْلَمُ ، فَقَالَ : فَإِنَّ هَذَا يَوْمٌ حَرَامٌ ، أَتَدْرُونَ أَيُّ بَلَدٍ  
هَذَا؟ قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ : بَلَدٌ حَرَامٌ ،  
أَفَتَدْرُونَ أَيُّ شَهْرٍ هَذَا؟ ، قَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ،  
قَالَ : شَهْرٌ حَرَامٌ ، قَالَ : فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ  
دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا  
فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ عَلِيٍّ  
، حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، عَنْ وَائِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ ،  
سَمِعْتُ أَبِي ، قَالَ عَبْدُ اللَّهِ ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي  
حَجَّةِ الْوَدَاعِ : " أَلَا أَيُّ شَهْرٍ تَعْلَمُونَهُ أَعْظَمُ  
حُرْمَةً؟ قَالُوا : أَلَا شَهْرُنَا هَذَا ، قَالَ : أَلَا أَيُّ بَلَدٍ  
تَعْلَمُونَهُ أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ قَالُوا : أَلَا بَلَدُنَا هَذَا ، قَالَ :  
أَلَا أَيُّ يَوْمٍ تَعْلَمُونَهُ أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ قَالُوا : أَلَا يَوْمُنَا  
هَذَا ، قَالَ : فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ  
دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ ، إِلَّا بِحَقِّهَا ،  
كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا ، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا ، فِي شَهْرِكُمْ  
هَذَا ، أَلَا هَلْ بَلَغْتُ ، ثَلَاثًا ، كُلُّ ذَلِكَ يُجِيبُونَهُ ، أَلَا

نَعَمْ، قَالَ : وَيَحْكُمُ أَوْ وَيُلْكُمْ لَا تَرْجِعُنَّ بَعْدِي كُفَّارًا  
يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ تَوْبَةَ ، حَدَّثَنَا زَافِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ ،  
عَنْ أَبِي سِنَانٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ ، عَنْ مُرَّةَ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ  
وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْمُخَضَّرَةِ بِعَرَاقَاتٍ فَقَالَ :

" أَنْذَرُونَ أَيُّ يَوْمٍ هَذَا، وَأَيُّ شَهْرٍ هَذَا، وَأَيُّ بَلَدٍ  
هَذَا؟ " ، قَالُوا : هَذَا بَلَدُ حَرَامٍ، وَشَهْرُ حَرَامٍ، وَيَوْمٌ  
حَرَامٍ، قَالَ : " أَلَا وَإِنَّ أَمْوَالَكُمْ وَدِمَاءَكُمْ عَلَيْكُمْ  
حَرَامٌ، كَحَرَمَةِ شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، فِي  
يَوْمِكُمْ هَذَا، أَلَا وَإِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ،  
وَأَكَاثِرُ بِكُمْ الْأَمَمَ فَلَا تُسَوِّدُوا وَجْهِي، أَلَا وَإِنِّي  
مُسْتَنْوِدٌ أَنْاسًا، وَمُسْتَنْقَدٌ مِنِّي أَنْاسٌ، فَأَقُولُ : يَا رَبِّ  
أَصِحَّابِي، فَيَقُولُ : إِنَّكَ لَا تَذَرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ "

أبو سعيد الخدري

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ ،  
حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ  
، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ :

أَلَا إِنَّ أَحْرَمَ الْأَيَّامِ يَوْمُكُمْ هَذَا، أَلَا وَإِنَّ أَحْرَمَ الشُّهُورِ شَهْرُكُمْ هَذَا، أَلَا وَإِنَّ أَحْرَمَ الْبِلَادِ بَلَدُكُمْ هَذَا، أَلَا وَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، أَلَا هَلْ بَلَغْتُ "، قَالُوا : نَعَمْ، قَالَ : " اللَّهُمَّ اشْهَدْ "

جابر بن عبد الله الأنصاري

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ ، حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ جَابِرٍ ، قَالَ : خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ النَّحْرِ، فَقَالَ :

" أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ "، فَقَالُوا : يَوْمَنَا هَذَا، قَالَ : " فَأَيُّ شَهْرٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ "، قَالُوا : شَهْرُنَا هَذَا، قَالَ : " أَيُّ بَلَدٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ "، قَالُوا : بَلَدُنَا هَذَا، قَالَ : " فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ، وَأَمْوَالَكُمْ، عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، هَلْ بَلَغْتُ؟ "، قَالُوا : نَعَمْ، قَالَ : " اللَّهُمَّ اشْهَدْ "، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ بَحْرٍ ، حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ ، عَنْ الْأَعْمَشِ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ، فَذَكَرَ مَعْنَاهُ

## الْحَارِثُ بْنُ عَمْرٍو

حَدَّثَنَا عَفَّانُ ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زُرَّارَةَ السَّهْمِيُّ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي ، عَنْ جَدِّي الْحَارِثِ بْنِ عَمْرٍو  
أَنَّهُ لَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ ، فَقُلْتُ : يَا أباي  
أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، اسْتَغْفِرْ لِي ، قَالَ : " غَفَرَ اللَّهُ  
لَكُمْ " ، قَالَ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْعَضْبَاءِ ، قَالَ :  
فَاسْتَدْرْتُ لَهُ مِنَ الشَّقِّ الْآخَرَ أَرْجُو أَنْ يَخْصِنِي  
دُونَ الْقَوْمِ ، فَقُلْتُ : اسْتَغْفِرْ لِي ، قَالَ : " غَفَرَ اللَّهُ  
لَكُمْ " ، قَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، الْفَرَائِغُ وَالْعَتَائِرُ؟  
قَالَ : " مَنْ شَاءَ فَرَّغَ ، وَمَنْ شَاءَ لَمْ يُفَرِّغْ ، وَمَنْ  
شَاءَ عَتَرَ ، وَمَنْ شَاءَ لَمْ يَعْتَرَ ، فِي الْعَنَمِ أُصْحَابَةٌ " ،  
ثُمَّ قَالَ : " أَلَا إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ  
كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا ، فِي بِلَادِكُمْ هَذَا " . وَقَالَ عَفَّانُ  
مَرَّةً : حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ زُرَّارَةَ السَّهْمِيُّ ، قَالَ :  
حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ الْحَارِثِ

## عمرو بن الأحوص الجشمي

حَدَّثَنَا هَنَادٌ ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَحْوَصِ ، عَنْ شَيْبِ بْنِ  
عَرْقَدَةَ ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْأَحْوَصِ ،  
عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ فِي حَجَّةِ  
الْوَدَاعِ لِلنَّاسِ : " أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟ " قَالُوا : يَوْمُ الْحَجِّ  
الْأَكْبَرِ ، قَالَ : " فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ  
بَيْنَكُمْ حَرَامٌ ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا ، فِي بِلَادِكُمْ هَذَا ،

أَلَا لَا يَجْنِي جَانٍ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ، أَلَا لَا يَجْنِي جَانٍ عَلَى وَدَيْهِ، وَلَا مَوْلُودٌ عَلَى وَالِدِهِ، أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ آيَسَ مِنْ أَنْ يُعْبَدَ فِي بِلَادِكُمْ هَذِهِ أَبَدًا، وَلَكِنْ سَتَكُونُ لَهُ طَاعَةٌ فِيمَا تَحْتَقِرُونَ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَسَيَرْضَى بِهِ " ، قَالَ أَبُو عَيْسَى : وَفِي الْبَابِ عَنْ أَبِي بَكْرَةَ، وَابْنِ عَبَّاسٍ، وَجَابِرٍ، وَجَدِّمِ بْنِ عَمْرٍو السَّعْدِيِّ، وَهَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ ، وَرَوَى زَائِدُهُ، عَنْ شَيْبِ بْنِ عَرْقَدَةَ نَحْوَهُ، وَلَا نَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ حَدِيثِ شَيْبِ بْنِ عَرْقَدَةَ

جَدِّمِ بْنِ عَمْرٍو

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ بَحْرٍ ، حَدَّثَنَا جَرِيرُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ ، عَنْ مُغِيرَةَ ، عَنْ مُوسَى بْنِ زِيَادِ بْنِ جَدِّمِ السَّعْدِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ جَدِّمِ بْنِ عَمْرٍو ، أَنَّهُ شَهِدَ رَسُولَ اللَّهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ ، فَقَالَ : " إِلَّا إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، وَكَحُرْمَةِ شَهْرِكُمْ هَذَا، وَكَحُرْمَةِ بِلَادِكُمْ هَذَا " .

حميد بن عبد الرحمن

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ، حَدَّثَنَا قُرَّةُ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ بَعْثِيُّ ابْنِ سَبْرِيْنَ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ ، وَعَنْ رَجُلٍ آخَرَ وَهُوَ فِي نَفْسِي أَفْضَلُ مِنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرَةَ ، قَالَ عَبْدُ

اللَّهُ : قَالَ غَيْرُ أَبِي ، عَنْ يَحْيَى فِي هَذَا الْحَدِيثِ  
أَفْضَلُ فِي نَفْسِي حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، أَنَّ النَّبِيَّ  
خَطَبَ النَّاسَ بِمِثْلِي ، فَقَالَ :

" أَلَا تَدْرُونَ أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟ " قُلْنَا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
أَعْلَمُ ، قَالَ : فَسَكَتَ حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُسَمِّيهِ بِغَيْرِ  
اسْمِهِ ، فَقَالَ : " أَلَيْسَ بِيَوْمِ النَّحْرِ؟ " قُلْنَا : نَعَمْ ،  
قَالَ : أَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟ " قُلْنَا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ، قَالَ  
: " أَلَيْسَ بِالْبَلَدَةِ؟ " قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ :  
" فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ وَأَيْشَارَكُمْ  
حَرَامٌ ، كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا ، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا ، فِي  
بَلَدِكُمْ هَذَا ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ " قُلْنَا : نَعَمْ ، قَالَ :  
" اللَّهُمَّ اشْهَدْ ، لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْعَائِبَ ، فَإِنَّهُ رَبُّ مُبَلِّغٍ  
يُبَلِّغُهُ مَنْ هُوَ أَوْعَى لَهُ مِنْهُ " ، فَكَانَ كَذَلِكَ

عم أبي حرة الرقاشي

حَدَّثَنَا عَفَّانُ ، حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ ، أَخْبَرَنَا عَلِيُّ  
بْنُ زَيْدٍ ، عَنْ أَبِي حُرَّةِ الرَّقَاشِيِّ ، عَنْ عَمِّهِ ، قَالَ  
: كُنْتُ أَخْذًا بِزِمَامِ نَاقَةِ رَسُولِ اللَّهِ فِي أَوْسَطِ أَيَّامِ  
النَّشْرِيقِ ، أَدُوذٌ عَنْهُ النَّاسُ ، فَقَالَ :

" يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، هَلْ تَدْرُونَ فِي أَيِّ شَهْرٍ أَنْتُمْ؟  
وَفِي أَيِّ يَوْمٍ أَنْتُمْ؟ وَفِي أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ " قَالُوا : فِي  
يَوْمِ حَرَامٍ ، وَشَهْرِ حَرَامٍ ، وَبَلَدِ حَرَامٍ ، قَالَ : " فَإِنَّ  
دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ ، عَلَيْكُمْ حَرَامٌ ،

كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ  
هَذَا، إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْتَهُ "

يسار بن سبع الجهني

حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
رَبِيعَةُ بْنُ كَلْثُومٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي ، عَنْ أَبِي  
عَادِيَةَ الْجُهَنِيِّ ، قَالَ : خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ الْعَقَبَةِ  
فَقَالَ : " يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ  
حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقَوْا رَبَّكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي  
بَلَدِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ " ، قَالُوا  
: نَعَمْ، قَالَ " اللَّهُمَّ هَلْ بَلَّغْتُ؟ " ، حَدَّثَنَا عَفَّانُ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي رَبِيعَةُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي ، قَالَ :  
سَمِعْتُ أَبَا عَادِيَةَ الْجُهَنِيَّ ، قَالَ : بَايَعْتُ رَسُولَ  
اللَّهِ يَوْمَ الْعَقَبَةِ، فَقَالَ : " يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ دِمَاءَكُمْ  
" فَذَكَرَ مِثْلَهُ

نُبَيْطُ بْنُ شَرِبِيطٍ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ أَبِي زَائِدَةَ ، حَدَّثَنِي أَبُو  
مَالِكٍ الْأَشْجَعِيُّ ، حَدَّثَنِي نُبَيْطُ بْنُ شَرِبِيطٍ ، قَالَ  
: إِنِّي لَرَدِيفُ أَبِي فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ، إِذْ تَكَلَّمَ النَّبِيُّ  
فَقُمْتُ عَلَى عَجْرِ الرَّاحِلَةِ، فَوَضَعْتُ يَدِي عَلَى  
عَاتِقِ أَبِي، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ : " أَيُّ يَوْمٍ أَحْرَمُ؟ "   
قَالُوا : هَذَا الْيَوْمُ، قَالَ : " فَأَيُّ بَلَدٍ أَحْرَمُ؟ " قَالُوا  
: هَذَا الْبَلَدُ، قَالَ : " فَأَيُّ شَهْرٍ أَحْرَمُ؟ " قَالُوا : هَذَا

الشَّهْرُ، قَالَ : " فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ  
كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ  
هَذَا، هَلْ بَلَّغْتُمْ؟ " قَالُوا : نَعَمْ، قَالَ : " اللَّهُمَّ اشْهَدْ،  
اللَّهُمَّ اشْهَدْ "

و بعضی راویان این موضوع را متواتر بالفظ و  
بالمعنی می دانند مخصوصاً این عبارت را:

دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ

---

## خوارج

چرا در این رساله به جمع آوری احادیث در مورد  
خوارج پرداختیم؟ زیرا هیچ گروه به جز از خوارج  
وجود ندارد که بتوان مسایل سیاسی را بیش تر از  
آن گروه آموخت مخصوصاً سیاست داخلی را که  
برخلاف سیاست خارجی می باشد. چرا؟ زیرا آن  
ها خطر ناک ترین گروه باغی مسلمان بودند که  
اصحاب مجبور شدند با آن ها مقابله نمایند، بنا  
بر آن حکمت های زیادی را در مقابله با آن ها

برای ما گذاشته اند. احادیث بسیاری در مورد آن ها وجود دارد که به تشریح مشخصات آن را پرداخته است و با در نظر داشت آن ویژه گی ها به این نتیجه می توان رسید که خوارج صرف یک گروه نیست که محدود در یک زمان تاریخی گردد، بلکه تا روز قیامت به اشکال مختلف ظاهر خواهند شد. برعلاوه، آن ها اولین گروه تکفیری هستند و عنوان قبلی این رساله نیز موضوع تکفیر بود، پس؛ حالا زمان مناسب است تا در مورد آن ها به جمع آوری احادیث بپردازیم.

اساسی ترین مشخصات آن ها این است که تعصب مذهبی دارند، جوان، بدون حکمت و احمق اند. در حالی که بیش تر قرآن و احادیث می خوانند و معلومات زیاد را حفظ دارند اما در قلوب شان هیچ تاثیری نمی کند. سر های خود را می تراشند یعنی به ظواهر خود توجه نمی کنند، آن ها زاهد اند و دنیا را ترک گفته اند. مردم

با دیدن دینداری آن‌ها متأثر خواهند شد اما آن‌ها را داخل خالی اند یعنی نه فهم عمیق دارند و نه واقعاً مخلص اند. آن‌ها با دیانت خود مردم را متأثر می‌سازند و خود را بیش تر دوست دارند. آن‌ها بالای پیدا نمودن نواقص و اشتباهات مسلمانان تمرکز و توجه می‌نمایند و به آسانی آن‌ها را کشته و کفار را رها می‌کنند. تمام این مشخصات در احادیث بیان شده اند.

من فکر می‌کنم برای هر مسلمان که اساسات سیاست را می‌داند این همه مشخصات کافی باشد که چرا دانستن مشخصات خوارج برای هر مسلمای سیاسی بی‌نهایت مهم است.

### 1. عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

a. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَصَفَ نَاسًا  
إِنِّي لَأَعْرِفُ صِفَتَهُمْ فِي  
هَؤُلَاءِ

b. يَقُولُونَ الْحَقَّ بِأَلْسِنَتِهِمْ لَا  
يُجَاوِزُ هَذَا مِنْهُمْ، وَأَشَارَ إِلَى  
حَاقِهِ

c. يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ يَحْسُبُونَ أَنَّهُ  
لَهُمْ، وَهُوَ عَلَيْهِمْ

d. يَخْرُجُ مِنْ أُمَّتِي قَوْمٌ يَقْرَأُونَ  
الْقُرْآنَ، لَيْسَتْ قِرَاءَتُكُمْ إِلَيَّ  
قِرَاءَتِهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَا صَلَاتُكُمْ  
إِلَى صَلَاتِهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَا  
صِيَامُكُمْ إِلَيَّ صِيَامَهُمْ بِشَيْءٍ،  
يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا تُجَاوِزُ  
صَلَاتُهُمْ تَرَاقِيهِمْ

e. يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ  
حُدَنَاءُ الْأَسْنَانِ، سَفَهَاءُ  
الْأَحْلَامِ

f. يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ قَوْلِ الْبَرِيَّةِ،  
يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا  
يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ

g. لَا يُجَاوِزُ إِيمَانُهُمْ حَنَاجِرَهُمْ

h. يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ  
أَحْدَاثُ الْأَسْنَانِ، سَفَهَاءُ  
الْأَحْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ  
قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، لَا يُجَاوِزُ إِيمَانُهُمْ  
حَنَاجِرَهُمْ،

i. يَكُونُ أَقْوَامٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ  
أَحْدَاثُ الْأَسْنَانِ، سَفَهَاءُ  
الْأَحْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ  
قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ  
لَا يُجَاوِزُ إِيْمَانُهُمْ حَنَاجِرَهُمْ

## 2. عَنْ أَبِي ذَرٍّ

a. سَيَكُونُ بُعْدِي مِنْ أُمَّتِي قَوْمٌ  
يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ  
حُلُوقَهُمْ

b. هُمْ **سِرَارُ الْخَلْقِ** وَالْخَلِيقَةِ

c. إِنَّ نَاسًا مِنْ أُمَّتِي سِيَمَاهُمْ  
النَّحْلِيُّ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا  
يُجَاوِزُ حُلُوقَهُمْ

## 3. أبو سعيد الخدري

a. يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ قَوْمٌ  
يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ  
تَرَاقِيَهُمْ

b. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: دَعَاهُ، فَإِنَّ لَهُ  
أَصْحَابًا يَحْوِرُ أَحَدُكُمْ صَلَاتَهُ  
مَعَ صَلَاتِهِمْ، وَصِيَامَهُ مَعَ  
صِيَامِهِمْ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا  
يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ

c. سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي اخْتِلَافٌ  
وَفُرْقَةٌ، قَوْمٌ يُحْسِنُونَ الْقِيلَ،

وَيُسَبِّحُونَ الْفِعْلَ، يَقْرَأُونَ  
الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ  
d. أَنَّ النَّبِيَّ ذَكَرَ قَوْمًا يَكُونُونَ  
فِي أُمَّتِهِ يَخْرُجُونَ فِي فِرْقَةٍ  
مِنَ النَّاسِ سِيْمَاهُمْ النَّحْلُ هُمْ  
شَرُّ الْخَلْقِ أَوْ مِنْ شَرِّ الْخَلْقِ

#### 4. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

a. فِي أُمَّتِي اخْتِلَافٌ وَفُرْقَةٌ، قَوْمٌ  
يُحْسِنُونَ الْقِيلَ وَيُسَبِّحُونَ  
الْفِعْلَ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا  
يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ  
b. سِيْمَاهُمْ الْخَلْقُ وَالنَّسَبُ، فَإِذَا  
رَأَيْتُمُوهُمْ فَأَنِيمُوهُمْ " ، قَوْلُهُ  
النَّسَبُ يَعْنِي اسْتِنْصَالَ  
الشَّعْرِ

#### عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، ثنا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ  
بْنُ يَعْقُوبَ الْحَافِظُ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ  
مِهْرَانَ ، ثنا أَبُو الطَّاهِرِ ، ثنا ابْنُ وَهْبٍ ، عَنْ  
عَمْرِو بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ بُكَيْرِ بْنِ الْأَسْحَجِّ ، عَنْ  
بُسْرِ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ مَوْلَى

رَسُولِ اللَّهِ: " أَنَّ الْحَرُورِيَّةَ لَمَّا خَرَجَتْ وَهُوَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالُوا : لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، فَقَالَ : كَلِمَةٌ حَقٌّ أُرِيدُ بِهَا بَاطِلٌ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَصَفَ نَاسًا إِنِّي لَأَعْرِفُ صِفَتَهُمْ فِي هَؤُلَاءِ، يَقُولُونَ الْحَقَّ بِاللَّسِنَتِمْ لَا يُجَاوِزُ هَذَا مِنْهُمْ، وَأَشَارَ إِلَى حَلْقِهِ، أَبْعَضُ خَلَقَ اللَّهُ إِلَيْهِ، مِنْهُمْ أَسْوَدُ إِحْدَى يَدَيْهِ حَلْمَةٌ تُدْيِي، فَلَمَّا قَتَلَهُمْ، قَالَ : انظُرُوا، فَانظُرُوا فَلَمْ يَجِدُوا شَيْئًا، قَالَ : ارْجِعُوا، فَوَاللَّهِ مَا كَذَبْتُ، وَلَا كَذَبْتُ، مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، ثُمَّ وَجَدُوهُ فِي خَرِبَةٍ، فَأَتَوْا بِهِ حَتَّى وَضَعُوهُ بَيْنَ يَدَيْهِ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْخُورَزْمِيُّ ، بِيَعْزَادَ، ثنا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ جَمْدَانَ النَّيْسَابُورِيُّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ أَيُّوبَ ، أَنبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ كَثِيرٍ ، أَنبَأَ سُفْيَانُ ، ثنا الْأَعْمَشُ ، عَنْ حَبِيبَةَ ، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ عَفَلَةَ ، قَالَ : قَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : إِذَا حَدَّثْتُكُمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فَلَا تُنْجِرَنَّ مِنْ السَّمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَكْذِبَ عَلَيْهِ، وَإِذَا حَدَّثْتُكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ فَإِنَّمَا الْحَرْبُ خَدَعَةٌ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " يَا أَيُّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ حُدَثَاءُ الْأَسْنَانِ، سَفَهَاءُ الْأَخْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، لَا يُجَاوِزُ إِيمَانَهُمْ حَنَاجِرَهُمْ، فَأَيْنَمَا لَقَيْتُمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ، فَإِن قَتَلْتُمْ أَجْرٌ لِمَنْ قَتَلْتُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُوسُفَ  
الْأَصْبَهَانِي، أَنبَأَ أَبُو سَعِيدِ بْنِ الْأَعْرَابِيِّ، ثَنَا  
الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ الرَّعْفَرَانِيِّ، ثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ،  
عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنِ خَيْثَمَةَ، عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ،  
عَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: إِذَا سَمِعْتُمْ بِي  
أُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ حَدِيثًا، فَلَا تَأْخِزُوا مِنَ السَّمَاءِ  
إِلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَكْذِبَ عَلَيْهِ، وَإِذَا  
حَدَّثْتُمْ عَنْ غَيْرِهِ فَأَيْمًا أَنَا رَجُلٌ مُحَارِبٌ،  
وَالْحَرْبُ خَدَعَةٌ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: "   
يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ أَحَدَاتُ الْأَسْنَانِ،  
سَفَهَاءُ الْأَحْلَامِ، يَقُولُونَ مِنْ خَيْرِ قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، لَا  
يُجَاوِزُ إِيمَانَهُمْ حَنَاجِرَهُمْ، فَأَيْمًا لَقِيْتُمُوهُمْ  
فَاقْتُلُوهُمْ، فَإِنَّ قَتْلَهُمْ أَجْرٌ لِمَنْ قَتَلَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
يُسْرَانَ وَابْنُ مُحَمَّدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ  
الْجَبَّارِ، بِبَغْدَادَ، قَالَا: ثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ  
الصَّفَّارِ، ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنْصُورِ الرَّمَادِيِّ، ثَنَا عَبْدُ  
الرَّزَّاقِ، أَنبَأَ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ، ثَنَا سَلْمَةُ  
بْنُ كَهْهَلٍ، أَخْبَرَنِي زَيْدُ بْنُ وَهْبٍ الْجُهَيْنِيُّ أَنَّهُ كَانَ  
فِي الْجَيْشِ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، الَّذِينَ سَارُوا إِلَى الْخَوَارِجِ، فَقَالَ  
عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: " يَخْرُجُ مِنْ أُمَّتِي قَوْمٌ يَقْرَأُونَ  
الْقُرْآنَ، لَيْسَتْ قِرَاءَتُهُمْ إِلَى قِرَاءَتِهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَا

صَلَاتُكُمْ إِلَى صَلَاتِهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَا صِيَامُكُمْ إِلَى صِيَامِهِمْ بِشَيْءٍ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا تُجَاوِزُ صَلَاتُهُمْ تَرَاقِيهِمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، لَوْ يَعْلَمُ الْجَيْشُ الَّذِينَ يُصِيبُونَهُمْ مَا قَضَى اللَّهُ لَهُمْ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِمْ لَا تَكَلُّوا عَنِ الْعَمَلِ، وَآيَةُ ذَلِكَ أَنَّ فِيهِمْ رَجُلًا لَهُ عَضُدٌ، وَلَيْسَتْ لَهُ ذِرَاعٌ، عَلَى عَضُدِهِ مِثْلُ حَلْمَةِ تَدْيِ الْمَرَأَةِ، عَلَيْهِ شَعْرَاتٌ بَيْضٌ، فَتَذْهَبُونَ إِلَى مُعَاوِيَةَ وَأَهْلِ الشَّامِ وَتَثْرُكُونَ هَوْلَاءَ يَخْلُفُونَكُمْ فِي ذَرَارِيِّكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ، وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونُوا هَوْلَاءِ الْقَوْمِ، فَإِنَّهُمْ قَدْ سَفَكُوا الدَّمَ، وَأَعَارَوْا فِي سَرْحِ النَّاسِ، فَسِيرُوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ ، قَالَ : ثنا أَبُو هِشَامِ الْمَخْرُومِيُّ الْمُغْبِرَةُ بْنُ سَلَمَةَ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ الْوَالِدِ بْنُ زِيَادٍ ، قَالَ : ثنا عَاصِمُ بْنُ كُلَيْبٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي ، قَالَ : " كَانَتْ مَجَالِسُ النَّاسِ الْمَسَاجِدُ حَتَّى رَجَعُوا مِنْ صَفِينٍ، وَبَرَّءُوا مِنَ الْقَضِيَّةِ، فَاسْتَحَفَّ النَّاسُ وَقَعَدُوا فِي السَّكَّكِ يَتَخَبَّرُونَ الْأَخْبَارَ، فَبَيَّبَمَا نَحْنُ فُعُودٌ عِنْدَ عَلِيٍّ وَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِأَمْرِ مِنْ أَمْرِ النَّاسِ، قَالَ : فَقَامَ رَجُلٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ائْذَنْ لِي أَنْ أَتَكَلَّمَ، قَالَ : فَشُغِلَ بِمَا كَانَ فِيهِ مِنْ أَمْرِ النَّاسِ، قَالَ : فَأَخَذْنَا الرَّجُلَ فَأَقْعَدْنَاهُ إِلَيْنَا، وَفُلْنَا : مَا هَذَا الَّذِي تُرِيدُ أَنْ تَسْأَلَ عَنْهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ : إِنِّي

كُنْتُ فِي الْعُمْرَةِ، فَدَخَلْتُ عَلَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ عَائِشَةَ،  
فَقَالَتْ : مَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ خَرَجُوا قِبَلَكُمْ يُقَالُ لَهُمْ  
حَرُورَاءُ؟ فَقُلْتُ : قَوْمٌ خَرَجُوا إِلَى أَرْضٍ قَرِيبَةٍ  
مِنَّا يُقَالُ لَهَا حَرُورَاءُ، قَالَ : فَسَهَدْتَ هَلَكْتَهُمْ، قَالَ  
عَاصِمٌ : فَلَا أُدْرِي مَا قَالَ الرَّجُلُ : نَعَمْ أَمْ لَا،  
فَقَالَتْ عَائِشَةُ : أَمَا إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ لَوْ شَاءَ  
حَدَّثَكُمْ حَدِيثَهُمْ، فَجِئْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ ذَلِكَ، فَلَمَّا فَرَغَ  
عَلَيَّ مِمَّا كَانَ فِيهِ، قَالَ : أَيُّنَ الرَّجُلِ الْمُسْتَأْذِنُ؟  
قَالَ : فَقَامَ فَقَصَّ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا قَصَّ عَلَيْنَا، قَالَ :  
فَأَهْلَ عَلِيٍّ وَكَبِيرَ، وَقَالَ : دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ  
وَلَيْسَ عِنْدَهُ غَيْرُ عَائِشَةَ، فَقَالَ : كَيْفَ أَنْتَ يَا ابْنَ  
أَبِي طَالِبٍ وَقَوْمٌ كَذَا وَكَذَا؟ فَقُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
أَعْلَمُ، ثُمَّ أَعَادَهَا، فَقُلْتُ : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ :  
قَوْمٌ يَخْرُجُونَ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا  
يُجَاوِزُ تَرَافِيهِمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ مُرُوقَ السَّهْمِ  
مِنَ الرَّمِيَّةِ، فِيهِمْ رَجُلٌ مُخَدَّجُ الْيَدِ كَأَنَّ يَدَهُ تُدْيِي،  
فَقَالَ : أَنْشِدُكُمْ اللَّهَ هَلْ أَخْبَرْتُكُمْ أَنَّهُ فِيهِمْ فَجِئْتُمُونِي،  
فَقُلْتُمْ : لَيْسَ فِيهِمْ ثُمَّ أَنْتَيْتُمُونِي بِهِ تَسْحَبُونَهُ؟ فَقَالُوا  
: نَعَمْ فَأَهْلَ عَلِيٍّ وَكَبِيرَ

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " يَكُونُ أَقْوَامٌ فِي آخِرِ  
الزَّمَانِ أَحْدَاثُ الْأَسْنَانِ، سَفَهَاءُ الْأَحْلَامِ، يَقُولُونَ  
مِنْ خَيْرِ قَوْلِ الْبَرِيَّةِ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ  
إِيمَانَهُمْ حَنَاجِرَهُمْ، فَإِذَا لَقِيَتْهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ، فَإِنَّ  
قَتْلَهُمْ أَجْرٌ لِمَنْ قَتَلَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ "

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ الْأَصْبَهَانِيُّ ،  
ثَنَا أَبُو سَعِيدٍ بْنُ الْأَعْرَابِيِّ ، ثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ  
الرَّعْفَرَانِيُّ ، ثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ، أَنبَأَ هِشَامٌ ،  
عَنْ مُحَمَّدٍ ، عَنْ عُيَيْدَةَ ، عَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ،  
قَالَ : " لِأَهْلِ النَّهْرِ فِيهِمْ رَجُلٌ مُخَدَّجُ الْيَدِ ، أَوْ  
مُودِنُ الْيَدِ ، أَوْ مَثْدُونُ الْيَدِ ، لَوْلَا أَنْ تَبْطَرُوا  
لَأَنْبَأْتُكُمْ مَا قَضَى اللَّهُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ لِمَنْ قَتَلْتُمْ ،  
قَالَ عُيَيْدَةُ : فَقُلْتُ لِعَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : أَنْتَ  
سَمِعْتَ هَذَا مِنَ النَّبِيِّ قَالَ : نَعَمْ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ ، نَعَمْ  
وَرَبِّ الْكَعْبَةِ ، ثَلَاثًا . "

[ أَخْبَرَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْعَظِيمِ ، قَالَ : دَنَّنَا عَبْدُ  
الرَّزَّاقِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ  
، عَنْ سَلْمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ وَهْبٍ  
، أَنَّهُ كَانَ فِي الْجَيْشِ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عَلِيِّ الَّذِينَ  
سَارُوا إِلَى الْخَوَارِجِ ، فَقَالَ عَلِيُّ : " أَيُّهَا النَّاسُ ،  
إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : سَيَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ  
أُمَّتِي يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ ، لَيْسَ قِرَاءَتُكُمْ إِلَى قِرَاءَتِهِمْ  
شَيْئًا ، وَلَا صَلَاتُكُمْ إِلَى صَلَاتِهِمْ شَيْئًا ، وَلَا  
صِيَامُكُمْ إِلَى صِيَامِهِمْ شَيْئًا ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ  
يَحْسِبُونَ أَنَّهُ لَهُمْ ، وَهُوَ عَلَيْهِمْ ، لَا تَجَاوِزُ صَلَاتُهُمْ  
تَرَاقِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ  
مِنَ الرَّمِيَّةِ ، لَوْ تَعْلَمُونَ الْجَيْشَ الَّذِي يُصِيبُونَهُمْ مَا  
فُضِيَ لَهُمْ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِمْ لَا تَكَلُّوا عَنِ الْعَمَلِ ،  
وَآيَةُ ذَلِكَ أَنَّ فِيهِمْ رَجُلًا لَهُ عَضُدٌ ، وَلَيْسَتْ لَهُ

ذِرَاعٍ، عَلَى رَأْسِ عَضِدِهِ مِثْلُ حَلْمَةِ تَدْيِ الْمَرْأَةِ عَلَيْهِ شَعْرَاتٌ بَيْضٌ، قَالَ سَلْمَةُ : فَتَزَلِّي زَيْدٌ مَنْزِلًا مَنْزِلًا، حَتَّى مَرَرْنَا عَلَى قَنْطَرَةٍ، عَلَى الْخَوَارِجِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبِ الرَّاسِبِيِّ، فَقَالَ لَهُمْ : أَلْفُوا الرِّمَاحَ، وَسَلُّوا سُيُوفَكُمْ مِنْ جُفُونِهَا، فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَايِدُوكُمْ، قَالَ : فَسَلُّوا السُّيُوفَ، وَأَلْفُوا جُفُونَهَا، وَشَجَرَهُمُ النَّاسُ يَعْجِي بِرِمَاحِهِمْ، فَقَتَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَمَا أُصِيبُ مِنَ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ إِلَّا رَجُلَانِ، قَالَ عَلِيٌّ : التَّمَسُوا فِيهِمُ الْمُخَدَجَ، فَلَمْ يَجِدُوهُ، فَقَامَ عَلِيٌّ بِنَفْسِهِ حَتَّى أَتَى نَاسًا قَتَلَى بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، قَالَ : جَرَدُوهُمْ، فَوَجَدُوهُ مِمَّا يَلِي الْأَرْضَ، فَكَبَّرَ عَلِيٌّ، وَقَالَ : صَدَقَ اللَّهُ، وَبَلَغَ فَقَامَ إِلَيْهِ عُبَيْدَةُ السَّلْمَانِيُّ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ : إِي وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَسَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى اسْتَحْلَفَهُ ثَلَاثًا، وَهُوَ يَخْلِفُ لَهُ

قَالَ الشَّافِعِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْقَدِيمِ : وَأَنْكَرَ قَوْمٌ قِتَالَ أَهْلِ الْبَغْيِ، وَقَالُوا : أَهْلُ الْبَغْيِ هُمْ أَهْلُ الْكُفْرِ، وَلَيْسُوا بِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَلَا يَجِلُّ قِتَالَ الْمُسْلِمِينَ، لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِثَلَاثَةٍ : الْمُرْتَدُّ بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَالزَّانِي بَعْدَ الْإِحْصَانِ، وَالْقَاتِلُ فَيُقْتَلُ "، فَقَالُوا : حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ الدَّمَ إِلَّا مِنْ هَذِهِ الْجَهَةِ، فَلَا يَجِلُّ الدَّمُ إِلَّا بِهَا،

وَقِتَالُ الْمُسْلِمِ كَقِتَالِهِ، لِأَنَّ الْقِتَالَ يَصِيرُ إِلَى الْقَتْلِ،  
قَالَ الشَّافِعِيُّ : يُقَالُ لَهُمْ : أَمَرَ اللَّهُ بِقِتَالِ الْفِتَةِ  
الْبَاغِيَةِ، وَأَمَرَ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَلَيْسَ الْقِتَالُ مِنَ  
الْقَتْلِ بِسَبِيلٍ، قَدْ يَجُوزُ أَنْ يَجَلَ قِتَالُ الْمُسْلِمِ وَلَا  
يَجَلَ قَتْلُهُ، كَمَا يَجَلَّ جَرْحُهُ وَضَرْبُهُ وَلَا يَجَلُّ قَتْلُهُ،  
ثُمَّ سَاقَ الْكَلَامَ، إِلَى أَنْ قَالَ : مَعَ أَنَّ أَصْحَابَ  
رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يُنْكِرُوا عَلَى عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
قِتَالَهُ الْخَوَارِجِ، وَأَنْكَرُوا قِتَالَهُ أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَأَهْلِ  
الشَّامِ وَكَرَهُوْا، وَلَمْ يَكْرَهُوْا صَنِيعَهُ بِالْخَوَارِجِ،  
قَالَ الشَّيْخُ رَجَمَهُ اللَّهُ : هَكَذَا.

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ سُلَيْمَانَ وَالْقَاسِمُ بْنُ زَكَرِيَّا ، قَالَا  
: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ ، عَنْ إِسْرَائِيلَ ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ  
، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ ، عَنْ عَلِيٍّ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ : " يَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ  
لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ  
السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ ، قِتَالُهُمْ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ " ،  
خَالَفَهُ يُوسُفُ بْنُ أَبِي إِسْحَاقَ ، فَأَدْخَلَ بَيْنَ أَبِي  
إِسْحَاقَ وَبَيْنَ سُؤَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ ، عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ  
ثُرْوَانَ

عَنْ أَبِي دَرٍّ

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ ، حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ ،  
عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ الْمُغْبِرَةِ ، عَنْ حُمَيْدِ بْنِ هِلَالٍ ،

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ ، قَالَ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " إِنَّ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي ، أَوْ سَيَكُونُ  
بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي قَوْمٌ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ  
حُلُوقَهُمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ  
الرَّمِيَةِ ، ثُمَّ لَا يَعُودُونَ فِيهِ ، هُمْ شِرَارُ الْخَلْقِ  
وَالْخَلِيقَةِ "

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الصَّامِتِ : فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَافِعِ بْنِ  
عَمْرٍو ، أَخِي الْحَكَمِ بْنِ عَمْرِو الْغَفَارِيِّ ، فَقَالَ :  
وَأَنَا أَيْضًا قَدْ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا شُعْبَةُ وَسَلْيْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ ، قَالَا : حَدَّثَنَا  
حُمَيْدُ بْنُ هِلَالٍ ، سَمِعَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الصَّامِتِ ، عَنْ  
أَبِي ذَرٍّ ، عَنْ النَّبِيِّ قَالَ : " إِنَّ نَاسًا مِنْ أُمَّتِي  
سَيَمَاهُمُ التَّلْحِيقُ ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ  
حُلُوقَهُمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ ، أَوْ مِنَ الْإِسْلَامِ ، كَمَا  
يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ ، هُمْ شَرُّ الْخَلْقِ

وَتَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ خَلَادٍ ، ثنا الْحَارِثُ بْنُ  
أَبِي أُسَامَةَ ، ثنا عَفَّانُ ، ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ ،  
ثنا حُمَيْدُ بْنُ هِلَالٍ ، وَثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، ثنا  
أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ ، عن شَيْبَانَ بْنِ فُرُوحَ وَهْدْبُهُ ، قَالَا  
: ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ ، عَنْ حُمَيْدِ بْنِ هِلَالٍ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ ، قَالَ :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " إِنَّ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامًا  
يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ، يَخْرُجُونَ مِنَ  
الدِّينِ كَمَا يَخْرُجُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُونَ  
فِيهِ، شَرُّ الْخَلْقِ وَالْخَلِيقَةِ " ، قَالَ ابْنُ الصَّامِتِ :  
فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَافِعِ أَخِي الْحَكَمِ، فَقَالَ : أَنَا أَيْضًا  
سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ لَفْظُ الْحَارِثِ، عَنْ أَبِي  
النَّضْرِ، وَقَالَ عَفَّانُ حَلَاقِيمَهُمْ، رَوَاهُ مُسْلِمٌ، عَنْ  
شَيْبَانَ، عَنْ سُلَيْمَانَ

أبو سعيد الخدري

وفي حديث آخر، قال : حدثنيهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَدِي  
، عن سلمة بن علقمة ، عن ابن سيرين ، قال :  
نبئت عن أبي سعيد الخدري ، قال : قيل : يا  
رسول الله، ألهم آية أو علامة يعرفون بها؟ قال :  
" نعم، التسبيد فيهم فاش "

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ  
أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَزِيُّ ، ثنا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ  
عِيْسَى ، ثنا أَبُو الْيَمَانِ ، أَخْبَرَنِي شُعَيْبٌ ، عن  
الزُّهْرِيِّ ، أَخْبَرَنِي أَبُو سَلَمَةَ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ،  
أَنَّ أَبَا سَعِيدِ الْخُدْرِيَّ ، قَالَ : " بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ  
رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ يَقْسِمُ قَسْمًا، أَنَاهُ ذُو الْخُوَيْصِرَةِ،  
وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ، قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ،  
اعْدِلْ، فَقَالَ : وَيَحْلِكُ، وَمَنْ يَعْدِلْ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ، لَقَدْ

خَبِثَتْ وَخَسِرْتُ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَعْدِلُ، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ  
الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنْذَنِي إِلَيَّ  
فِيهِ أَضْرِبُ عُنُقَهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: دَعَهُ، فَإِنَّ لَهُ  
أَصْحَابًا يَحْقِرُ أَحَدَكُمْ صَلَاتَهُ مَعَ صَلَاتِهِمْ،  
وَصِيَامَهُ مَعَ صِيَامِهِمْ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يَجُوزُ  
تَرَاقِيهِمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّمُّ  
مِنَ الرَّمِيَّةِ، يَنْظُرُ إِلَى نَصْلِهِ فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ،  
ثُمَّ يَنْظُرُ إِلَى رِصَافِهِ فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، ثُمَّ يَنْظُرُ  
إِلَى نَضِيئِهِ، وَهُوَ قَدْخُهُ، فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، ثُمَّ  
يَنْظُرُ إِلَى قُدْذِهِ فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، قَدْ سَبَقَ الْفَرْثُ  
وَالدَّمَ، أَيُّهُمْ رَجُلٌ أَسْوَدُ إِحْدَى عَضُدَيْهِ مِثْلُ نُذْيِ  
الْمَرْأَةِ وَمِثْلِ الْبُضْعَةِ تَدْرُدُّ، يَخْرُجُونَ عَلَى جِبِنِ  
قَتْرَةٍ مِنَ النَّاسِ "

قَالَ أَبُو سَعِيدٍ : فَأَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ هَذَا مِنْ رَسُولِ  
اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
قَاتَلَهُمْ وَأَنَا مَعَهُ، فَأَمَرَ بِذَلِكَ الرَّجُلِ فَالْتَمَسَ، فَأَتَى  
حَتَّى نَظَرْتُ إِلَيْهِ عَلَى نَعْتِ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي  
نَعْتَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي الصَّحِيحِ، عَنْ أَبِي الْيَمَانِ،  
وَأَخْرَجَاهُ مِنْ أَوْجِهِ آخَرَ وَأَخْرَجَاهُ مِنْ أَوْجِهِ آخَرَ،  
عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، وَالضَّحَّاكِ الْهَمْدَانِيِّ، عَنْ أَبِي  
سَعِيدٍ

أَخْبَرَنَا مَالِكٌ ، أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ  
بْنِ إِبرَاهِيمَ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، أَنَّهُ

سَمِعَ أَبَا سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " يَخْرُجُ فِيكُمْ قَوْمٌ تَحْقِرُونَ صَلَاتَكُمْ مَعَ صَلَاتِهِمْ ، وَأَعْمَالَكُمْ مَعَ أَعْمَالِهِمْ ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ مِرْوَقَ السَّهْمِ مِنَ الرَّمِيَةِ ، تَنْظُرُ فِي النَّصْلِ فَلَا تَرَى شَيْئًا ، تَنْظُرُ فِي الْفُذْحِ فَلَا تَرَى شَيْئًا ، تَنْظُرُ فِي الرَّيْشِ فَلَا تَرَى شَيْئًا ، وَتَتَمَارَى فِي الْفُوقِ

نَا مَهْدِيُّ بْنُ مَيْمُونٍ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَبْرِينَ ، عَنْ أَخِيهِ مَعْبُدِ بْنِ سَبْرِينَ ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " يَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ قَوْمٌ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ ، ثُمَّ لَا يَعُودُونَ فِيهِ حَتَّى يَعُودَ السَّهْمُ عَلَى فُوقِهِ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ السُّوسِيُّ ، ثنا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ ، ثنا الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ مَزِيدٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي ، قَالَ ، سَمِعْتُ الْأَوْزَاعِيَّ ، قَالَ : وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَوْفٍ ، ثنا أَبُو الْمُغْبِرَةِ ، ثنا الْأَوْزَاعِيُّ ، وَالْحَدِيثُ لِلْعَبَّاسِ ، حَدَّثَنِي قَتَادَةُ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، وَعَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي اخْتِلَافٌ وَفُرْقَةٌ ، قَوْمٌ يُحْسِنُونَ الْقِيلَ ، وَيُسَيِّئُونَ الْفِعْلَ ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ مِرْوَقَ السَّهْمِ مِنَ

الرَّمِيَّةِ، لَا يَرْجِعُونَ حَتَّى يَرْتَدَّ عَلَى فَوْقِهِ، هُمْ شَرُّ  
الْخَلْقِ وَالْخَلِيقَةِ، طُوبَى لِمَنْ قَاتَلَهُمْ وَقَتَلُوهُ، يَدْعُونَ  
إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَلَيْسُوا مِنْهُ فِي شَيْءٍ، مَنْ قَاتَلَهُمْ  
كَانَ أَوْلَى بِاللَّهِ مِنْهُمْ، قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا  
سِيْمَاهُمْ؟ قَالَ : التَّحْلِيقُ

حَدَّثَنِي أَبِي ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَدِيٍّ ، عَنْ سُلَيْمَانَ  
بِعْنِي النَّبِيِّ ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ ،  
" أَنَّ النَّبِيَّ ذَكَرَ قَوْمًا يَكُونُونَ فِي أُمَّتِهِ يَخْرُجُونَ  
فِي فِرْقَةٍ مِنَ النَّاسِ سِيْمَاهُمْ التَّحَالِقُ هُمْ شَرُّ الْخَلْقِ  
أَوْ مِنْ شَرِّ الْخَلْقِ تَقْتُلُهُمْ أَدْنَى الطَّائِفَتَيْنِ مِنَ الْحَقِّ،  
قَالَ : فَضَرَبَ لَهُمُ النَّبِيُّ مَثَلًا، أَوْ قَالَ : قَوْلَا الرَّجُلُ  
يَرْمِي الرَّمِيَّةَ، أَوْ قَالَ : الْعَرَضُ فَيَنْظُرُ فِي النَّصْلِ  
فَلَا يَرَى بَصِيرَةً وَيَنْظُرُ فِي النَّصْبِيِّ فَلَا يَرَى  
بَصِيرَةً وَيَنْظُرُ فِي الْفُوقِ فَلَا يَرَى بَصِيرَةً " ، قَالَ  
: قَالَ أَبُو سَعِيدٍ : وَأَنْتُمْ قَتَلْتُمُوهُمْ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ

ابْنُ وَهْبٍ قَالَ : أَخْبَرَنِي يُونُسُ ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ  
قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبُو سَلَمَةَ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ  
، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ  
رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ يَقْسِمُ قَسْمًا، أَنَاهُ دُو  
الْخُوْبِصِرَةِ، وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ، فَقَالَ : يَا  
رَسُولَ اللَّهِ، أَعْدِلْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :  
وَيْلَكَ، وَمَنْ يَعْدِلْ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ، فَذُخِبَتْ وَخَسِرَتْ  
إِنْ لَمْ أَعْدِلْ، قَالَ عُمَرُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، انْذُنْ لِي

فِيهِ أَضْرِبَ عُقْفُهُ، قَالَ : دَعُهُ، فَإِنَّ لَهُ أَصْحَابًا  
يُحَقِّرُ أَحَدَكُمْ صَلَاتَهُ مَعَ صَلَاتِهِمْ وَصِيَامَهُ مَعَ  
صِيَامِهِمْ، يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ،  
يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ،  
يُنْظَرُ إِلَى نَصْلِهِ فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، ثُمَّ يُنْظَرُ إِلَى  
رِصَافِهِ فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، ثُمَّ يُنْظَرُ إِلَى نَضِيهِ  
فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، وَهُوَ الْفُذْحُ، ثُمَّ يُنْظَرُ إِلَى قُدْذِهِ  
فَلَا يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ، سَبَقَ الْفَرْثُ وَالْدَّمُ، آيَتُهُمْ  
رَجُلٌ أَسْوَدٌ، إِحْدَى عَضْدِيهِ مِثْلُ نَدْيِ الْمَرْأَةِ، أَوْ  
مِثْلُ الْبِضْعَةِ تَدْرُدُ، يَخْرُجُونَ عَلَى خَيْرِ فِرْقَةٍ مِنَ  
النَّاسِ

أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ أَحْمَدَ الْمَلِيجِيُّ ، أَنَا أَحْمَدُ  
بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّعِمِيُّ ، أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ ، نَا  
مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، نَا أَبُو النُّعْمَانِ ، نَا مَهْدِيُّ بْنُ  
مَيْمُونٍ ، قَالَ : سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ سَبْرِينَ ، يُحَدِّثُ  
عَنْ مَعْبِدِ بْنِ سَبْرِينَ ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ،  
عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " يَخْرُجُ نَاسٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ  
يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ  
الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُونَ  
فِيهِ حَتَّى يَعُودَ السَّهْمُ إِلَى فُوقِهِ "، قِيلَ : مَا  
سِيْمَاهُمْ؟ قَالَ : " سِيْمَاهُمْ التَّلْحِيْقُ "، أَوْ قَالَ :  
التَّسْبِيْدُ " . هَذَا حَدِيثٌ صَحِيْحٌ

**أَنَا مَعْمَرٌ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ**  
**الرَّحْمَنِ ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، قَالَ : " بَيْنَا**  
**رَسُولُ اللَّهِ يَفْسِمُ قَسَمًا إِذْ جَاءَهُ ذُو الْخُوَيْصِرَةِ**  
**النَّمِيمِيُّ، فَقَالَ : اْعِدِلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ**  
**اللَّهِ: وَيْلَكَ وَمَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ أَعِدِلْ، فَقَالَ عُمَرُ : يَا**  
**رَسُولَ اللَّهِ، انْذَنْ لِي فِيهِ فَأَضْرِبْ عُنُقَهُ فَقَالَ :**  
**دَعُهُ، فَإِنَّ لَهُ أَصْحَابًا يَخْوِفُ أَحَدُكُمْ صَلَاتَهُ مَعَ**  
**صَلَاتِهِمْ وَصِيَامَهُ مَعَ صِيَامِهِمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ**  
**كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ فَيَنْظُرُ فِي قُدْدِهِ فَلَا**  
**يُوجَدُ فِيهِ شَيْءٌ ثُمَّ يَنْظُرُ فِي نَصْلِهِ فَلَا يُوْجَدُ فِيهِ**  
**شَيْءٌ، قَدْ سَبَقَ الْفَرْتُ وَالِدَمُّ، أَيُّهُمْ رَجُلٌ أَسْوَدُ**  
**إِخْدَى يَدَيْهِ، أَوْ قَالَ : مَثَلُ إِخْدَى يَدَيْهِ مَثَلُ حَلْمَةِ**  
**تُدِّي الْمَرَأَةَ، أَوْ مَثَلُ الْبِضْعَةِ تَدْرُدُّ، يَخْرُجُونَ**  
**عَلَى جِبِنِ فُرْقَةٍ مِنَ النَّاسِ، فَزَلَّتْ : وَمِنْهُمْ مَنْ**  
**يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ الْآيَةَ، قَالَ أَبُو سَعِيدٍ : أَشْهَدُ**  
**أَنِّي سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ**  
**عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ جِبِنٌ قَتَلَهُمْ وَأَنَا مَعَهُ جِيءَ**  
**بِالرَّجُلِ عَلَى النَّعْتِ الَّذِي نَعَتَ رَسُولُ اللَّهِ**

أَنْسُ بِنُ مَالِكٍ

**حَدَّثَنِي أَبِي ، نَا إِسْمَاعِيلُ يَعْنِي ابْنَ عَلِيَّةَ ، أَنَا**  
**سُلَيْمَانُ التَّمِيمِيُّ ، نَا أَنْسُ بِنُ مَالِكٍ ، قَالَ : ذُكِرَ لِي**  
**أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ : " إِنَّ فِيكُمْ قَوْمًا يَعْبُدُونَ وَيَدَّابُونَ**

حَتَّى يُعْجِبُوا النَّاسَ وَتُعْجِبُهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ  
الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى ، ثنا أَبُو الْمُغِيرَةِ ، ثنا  
الأَوْزَاعِيُّ ، ثنا قَتَادَةُ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، وَعَنْ  
أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ : " سَيَكُونُ فِي  
أُمَّتِي اخْتِلَافٌ وَفُرْقَةٌ، قَوْمٌ يُحْسِنُونَ، الْقِيلَ  
وَيُسَيِّئُونَ، الْفِعْلُ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ  
تَرَاقِيهِمْ، يَحْقِرُ أَحَدَكُمْ صَلَاتُهُ مَعَ صَلَاتِهِ،  
وَصِيَامُهُ مَعَ صِيَامِهِ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ  
السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، ثُمَّ لَا يَرْجِعُونَ حَتَّى يَرْتَدَّ عَلَى  
فُوقِهِ، هُمْ شَرُّ الْخَلْقِ وَالْخَلِيقَةِ، طُوبَى لِمَنْ قَتَلَهُمْ  
وَقَتَلُوهُ، يَدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لَيْسُوا مِنْهُ فِي شَيْءٍ،  
مَنْ قَاتَلَهُمْ كَانَ أَوْلَى بِاللَّهِ مِنْهُمْ " ، قَالُوا : يَا رَسُولَ  
اللَّهِ مَا سَيِّمَاهُمْ؟ قَالَ : " التَّحْلِيْقُ "

نا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ، عَنْ سُلَيْمَانَ التَّمِيمِيِّ ، عَنْ  
أَنَسٍ ، عَنْ رَجُلٍ ، مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ عَنْ  
النَّبِيِّ قَالَ : " يَكُونُ قَوْمٌ يَعْبُدُونَ وَيُذْنِبُونَ، حَتَّى  
يُعْجِبُوا النَّاسَ، وَتُعْجِبُهُمْ أَنْفُسُهُمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ  
الدِّينِ مَرُوقَ السَّهْمِ مِنَ الرَّمِيَّةِ "

حَدَّثَنِي أَبِي ، نا إِبرَاهِيمُ بْنُ خَالِدٍ ، أَنَا رَبَاحٌ ، عَنْ  
مَعْمَرٍ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، قَالَ :  
رَسُولُ اللَّهِ: " يَكُونُ فِي أُمَّتِي اخْتِلَافٌ وَفُرْقَةٌ،

يَخْرُجُ فِيهِمْ قَوْمٌ يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ، لَا يُجَاوِزُ  
تَرَاقِيَهُمْ سِيَمَاهُمْ الْحَلْقُ وَالنَّسِيدُ، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمْ  
فَأَنبِئُوهُمْ " ، قَوْلُهُ النَّسِيدُ يَعْنِي اسْتِئْصَالَ الشَّعْرِ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ أَبِي وَائِلٍ ، عَنْ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : قَسَمَ النَّبِيُّ قَسَمًا ، فَقَالَ  
رَجُلٌ : إِنَّ هَذِهِ لَقَسَمَةٌ مَا أُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ ، قَالَ :  
فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ : فَمَا مَلَكْتُ نَفْسِي أَنْ أَنْبِئُ  
النَّبِيَّ فَأُخْبِرْتُهُ ، فَتَعَبَّرَ وَجْهَهُ ، أَوْ قَالَ لَوْنُهُ ، قَالَ  
عَبْدُ اللَّهِ : فَنَمَنْبِئْتُ أَنِّي كُنْتُ أَسْلَمْتُ يَوْمَئِذٍ ، قَالَ :  
ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " قَدْ أُودِيَ مُوسَى بِأَشَدِّ مِنْ  
هَذَا فَصَبَرَ

سَهْلُ بْنُ حَنِيفٍ

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ نَصْرِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا قَاسِمُ بْنُ أَصْبَغَ  
، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ وَضَّاحٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو  
بَكْرٍ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُسَهَّرٍ ،  
عَنِ الشَّيْبَانِيِّ يَعْنِي أَبَا إِسْحَاقَ ، عَنْ بَشِيرِ بْنِ  
عَمْرٍو ، قَالَ : سَأَلْتُ سَهْلَ بْنَ حَنِيفٍ ، هَلْ سَمِعْتَ  
رَسُولَ اللَّهِ يَذْكُرُ هَوْلَاءَ الْخَوَارِجِ؟ قَالَ : سَمِعْتُهُ ،  
وَأَشَارَ بِيَدِهِ نَحْوَ الْمَشْرِقِ ، يَقُولُ : " يَخْرُجُ مِنْهُ

قَوْمٌ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ بِالسِّنِّهِمْ، لَا يَعُدُّو تَرَاقِيهِمْ،  
يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ "

جابر بن عبد الله الأنصاري

الحكم على السند: إسناده حسن رجاله ثقات عدا  
محمد بن مسلم القرشي وهو صدوق إلا أنه يدلس

عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَبِي سُلَيْمَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا سَلْمَةُ  
بْنُ كُهَيْلٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي زَيْدُ بْنُ وَهْبِ الْجُهَيْمِيِّ ،  
أَنَّهُ كَانَ فِي الْحَيْشِ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عَلِيِّ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ الَّذِينَ سَارُوا إِلَى الْخَوَارِجِ ، فَقَالَ : أَيُّهَا  
النَّاسُ ! إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " يَخْرُجُ  
قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ ، لَيْسَتْ قِرَاءَتُكُمْ إِلَى  
قِرَاءَتِهِمْ بِشَيْءٍ ، وَلَا صَلَاتُكُمْ إِلَى صَلَاتِهِمْ بِشَيْءٍ ،  
وَلَا صِيَامُكُمْ إِلَى صِيَامِهِمْ بِشَيْءٍ ، يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ  
يَحْسِبُونَ أَنَّهُ لَهُمْ ، وَهُوَ عَلَيْهِمْ ، لَا تَجَاوِزُ صَلَاتُهُمْ  
تَرَاقِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ  
مِنَ الرَّمِيَّةِ ، لَوْ يَعْلَمُ الْجَيْشُ الَّذِينَ يُصِيبُونَهُمْ ، مَا  
قُضِيَ لَهُمْ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِمْ لَا تَكَلُّوا عَنِ الْعَمَلِ ،  
وَأَيَّةُ ذَلِكَ أَنَّ فِيهِمْ رَجُلًا لَهُ عَضُدٌ وَلَيْسَ لَهُ ذِرَاعٌ  
عَلَى عَضُدِهِ ، مِثْلُ حَلْمَةِ النَّذِيِّ عَلَيْهِ شَعْرَاتٌ بِيضٌ  
" أَفْتَذْهَبُونَ إِلَى مُعَاوِيَةَ وَأَهْلِ الشَّامِ وَتَتْرَكُونَ  
هُؤُلَاءَ يَخْلُفُونَكُمْ فِي دِيَارِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ؟ وَاللَّهِ إِنِّي  
لَأَرْجُو أَنْ يَكُونُوا هؤُلَاءِ الْقَوْمَ ، فَإِنَّهُمْ قَدْ سَفَكُوا

الدَّمِ الْحَرَامِ، وَأَغَارُوا فِي سَرْحِ النَّاسِ، فَسَيَرُوا  
عَلَى اسْمِ اللَّهِ تَعَالَى

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ  
الْمُقَدَّمِيُّ ، ثنا عُمَرُ بْنُ أَبِي خَلِيفَةَ ، ثنا أَبُو عَلِيٍّ  
، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ : "   
تَخْرُجُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ كَمَا يَخْرُجُ السَّهْمُ مِنَ  
الرَّمِيَّةِ، لَا تَرْجِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَرْجِعَ السَّهْمُ عَلَى  
فُوقِهِ كِلَابِ النَّارِ

عُقْبَةُ بْنُ عَامِرٍ

حَدَّثَنَا صَلْتُ بْنُ مَسْعُودٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ  
شُبُويهِ ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
الْمُبَارَكِ ، عَنْ حَرْمَلَةَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، عَنْ أَبِيهِ  
، قَالَ : كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حُدَيْفَةَ يَخْطُبُ، وَكَانَ  
أَقْرَأَ النَّاسِ، فَقَالَ عُقْبَةُ بْنُ عَامِرٍ : صَدَقَ اللَّهُ  
وَرَسُولُهُ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " يَقْرَأُ الْقُرْآنَ  
قَوْمٌ لَا يَجَاوِزُ تَرَافِيهِمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا  
يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ

نَفِيعُ بْنُ مَسْرُوحِ الثَّقَفِيِّ

أَخْبَرَنِي أَبُو أَحْمَدَ بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدِ الصَّيْرَفِيِّ بِمَرَوْ،  
ثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّقَاشِيُّ ، ثَنَا  
أَبُو عَاصِمِ الصَّنَّاحِيُّ بْنُ مَخْلَدٍ ، ثَنَا عُثْمَانُ الشَّحَّامُ

، ثنا مُسْلِمُ بْنُ أَبِي بَكْرَةَ ، عَنْ أَبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :  
" إِنَّ أَقْوَامًا مِنْ أُمَّتِي أَشِدَّةُ ذَلْفَةً أَلْسِنَتُهُمْ بِالْقُرْآنِ ،  
لَا يُجَاوِزُ تَرَافِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ  
السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ ، فَإِذَا لَقِيْتُمُوهُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ ، فَإِنَّ  
الْمَاجُورَ مَنْ قَتَلْتُمْ " هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى  
شَرَطِ مُسْلِمٍ ، وَلَمْ يُحَرِّجَاهُ ، وَقَدْ رَوَاهُ حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ ،  
عَنْ عُثْمَانَ

سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ آدَمَ بْنِ سُلَيْمَانَ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
فُضَيْلٍ ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ، عَنْ يَسِيرِ بْنِ عَمْرٍو ،  
قَالَ : دَخَلْتُ عَلَى سَهْلِ بْنِ حُنَيْفٍ ، قُلْتُ لَهُ :  
أَخْبِرْنِي مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْحُرُورِيَّةِ ،  
قَالَ : أَخْبِرُكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ لَا أَزِيدُ  
عَلَيْهِ ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ " وَضَرَبَ بِيَدِهِ نَحْوَ  
الْمَغْرِبِ ، قَالَ : يَخْرُجُ مِنْ هَاهُنَا قَوْمٌ يَقْرَأُونَ  
الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَافِيهِمْ ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا  
يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ "

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا خَلْفٌ ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَحْوَصِ ، عَنْ سِمَاكِ ،  
عَنْ عِكْرِمَةَ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ

اللَّهُ: " لَيَقْرَأَنَّ الْقُرْآنَ أَقْوَامٌ مِنْ أُمَّتِي يَمْرُقُونَ مِنْ  
الإسلام كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ "

انزوا گرائی، طغیان و جدا گرائی

برای مسلمان جایز نیست که انزوا گری را اختیار نماید (حالت غیر سیاسی یا عدم فعالیت سیاسی را اختیار کند) نه اجازه دارد که علیه امام صادق یا جماعت طغیان کند و نه برایش جایز است تا با مسلمانان که از جماعت و اطاعت امام خارج شده اند، نهاد یا گروه جدید را بسازد. نه برایش جایز است که تحت پرچم غلط مانند ملیت گرائی و قوم گرائی زنده گی و یا بجنگد.

الكتاب: نقد القومية العربية على ضوء الإسلام  
والواقع  
المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى:  
1420هـ)

وليس للمسلمين أن يوالوا الكافرين أو يستعينوا بهم على أعدائهم فإنهم من الأعداء ولا تؤمن غائلتهم وقد حرم الله موالاتهم، ونهى عن اتخاذهم بطانة، وحكم على من تولاهم بأنه منهم، وأخبر أن الجميع من الظالمين، كما سبق ذلك في الآيات المحكمات، وثبت في: " صحيح مسلم " عن عائشة رضي الله عنها قالت: «خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم قبل بدر فلما كان ب " حرة الوبرة " أدركه رجل قد كان يذكر منه جرأة ونجدة، ففرح أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم حين رأوه فلما أدركه قال لرسول الله صلى الله عليه وسلم: جئت لأتبعك وأصيب معك. قال له رسول الله صلى الله عليه وسلم " تؤمن بالله ورسوله؟ " قال: لا، قال: " فارجع فلن أستعين بمشرك " قالت: ثم مضى حتى إذا كنا بالشجرة أدركه الرجل فقال له كما قال أول مرة، فقال له النبي صلى الله عليه وسلم كما قال أول مرة، فقال: لا، قال: " فارجع فلن أستعين بمشرك " قالت: ثم رجع فأدركه في البيراء فقال له كما قال أول مرة: " تؤمن بالله ورسوله؟ " قال: نعم، فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم: " فانطلق. » فهذا الحديث الجليل، يرشدك إلى ترك الاستعانة بالمشركين، ويدل على أنه لا ينبغي للمسلمين أن يدخلوا في جيشهم غيرهم،

1. عَنْ حُدَيْفَةَ
  - a. مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَارَقَ  
الإِسْلَامَ
2. عَنْ مُعَاوِيَةَ
  - a. مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا دَخَلَ النَّارَ
3. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ
  - a. مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَاقْتُلُوهُ
4. عَنْ عَرْفَجَةَ بْنِ ضَرِيحِ الْأَشْجَعِيِّ
  - a. إِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَالشَّيْطَانُ  
مَعَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ
5. ابْنُ عَبَّاسٍ
  - a. مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ  
فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ مَنْ فَارَقَ  
الْجَمَاعَةَ شَبْرًا فَمَاتَ
6. عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ
  - a. إِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَالْفُؤْدُ مَعَ  
الشَّيْطَانِ
  - b. مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْكُنَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ  
فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ  
الْوَادِدِ
7. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ
  - a. مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ  
جَمَاعَةٌ، فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتُهُ جَاهِلِيَّةٌ

b. عَلَيْكُمْ بِالْحَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ،

فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ

8. عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ

a. أَفَلَا نَقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : لا، مَا صَلُّوا لَكُمْ

الْحَمْسَ

9. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. فَمَنْ بَارَأَهُمْ نَجَا، وَمَنْ اعْتَرَلَهُمْ ؛

سَلِمَ أَوْ كَادَ، وَمَنْ خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

10. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

a. مَا بَالَ دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ ؟ ! قَالُوا :

يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنَّهُ كَسَعَهُ ! فَقَالَ

رَسُولُ اللَّهِ: دَعْوَاهَا، فَإِنَّهَا مُنْتَنَةٌ

عَنْ سَعْدِ بْنِ حُدَيْفَةَ ، عَنْ أَبِيهِ

حَدَّثَنَا ابْنُ صَاعِدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنصُورٍ

، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْكُوفِيُّ ، قَالَ :

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ بُكَيْرٍ ، عَنْ إِسْرَائِيلَ ، عَنْ أَبِي

إِسْحَاقَ ، عَنْ سَعْدِ بْنِ حُدَيْفَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَارَقَ الْإِسْلَامَ

عَنْ مُعَاوِيَةَ

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي دَارِمٍ الْحَافِظُ بِالْكُوفَةِ، ثنا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ غَنَامِ بْنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ، حَدَّثَنِي أَبِي  
، ثنا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَبَّاشٍ، عَنْ عَاصِمٍ، عَنْ أَبِي  
صَالِحٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَيْرًا دَخَلَ النَّارَ "

عَنْ عَرْفَجَةَ بْنِ ضَرِيحِ الْأَشْجَعِيِّ

أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ الطَّنَاجِيرِيِّ، أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَرْوَانَ الْأَنْصَارِيِّ، بِالْكُوفَةِ، نا  
إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، نا أَبِي، نا أَبُو يَحْيَى  
الْجَمَانِيُّ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَيُّوبَ الْجُرَيْرِيِّ، عَنْ  
زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ، عَنْ عَرْفَجَةَ بْنِ ضَرِيحِ الْأَشْجَعِيِّ  
، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ:

" إِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَالشَّيْطَانُ مَعَ مَنْ فَارَقَ  
الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ

ابن عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا أَبُو النُّعْمَانِ ، حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ ، عَنِ  
الْجَعْدِ أَبِي عُنْمَانَ ، حَدَّثَنِي أَبُو رَجَاءِ الْعَطَّارِيُّ  
، قَالَ : سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، عَنِ  
النَّبِيِّ قَالَ :

" مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ عَلَيْهِ ،  
فَإِنَّهُ مِنْ فَارِقِ الْجَمَاعَةِ شِبْرًا فَمَاتَ إِلَّا مَاتَ مِثْلَهُ  
جَاهِلِيَّةً "

وَرُويْنَا فِي حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، عَنِ النَّبِيِّ "

مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ  
مِنْ أَحَدٍ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ قَبْدَ شِبْرٍ فَيَمُوتَ إِلَّا مَاتَ  
مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً "

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ سُلَيْمَانَ الرَّازِيُّ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
زَكَرِيَّا بْنَ سَلَامٍ يُحَدِّثُ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ رَجُلٍ قَالَ  
: انْتَهَيْتُ إِلَى النَّبِيِّ وَهُوَ يَقُولُ :

" أَيُّهَا النَّاسُ ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ ،  
أَيُّهَا النَّاسُ ، عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ " ،  
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، قَالَهَا إِسْحَاقُ

## عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ خَالِدِ الْحَرَّانِيُّ ، حَدَّثَنِي أَبِي ، ثنا مُجَاهِدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ أَبِي زَيْنَبِ الْأَشْجَعِيِّ ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَالِكِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْأَشْتَرِ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ ذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : "

إِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَالْفِدْءُ مَعَ الشَّيْطَانِ، وَإِنَّ الْحَقَّ أَصْلٌ فِي الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْبَاطِلَ أَصْلٌ فِي النَّارِ، أَلَا وَإِنَّ أَصْحَابِي خِيَارُكُمْ، فَأَكْرِمُوهُمْ، ثُمَّ الْقَرْنَ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الْقَرْنَ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْكُذِبُ وَالْهَرْجُ "

أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عُمَرَ الْمُعَدَّلُ ، أَنبَأ ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ ، أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، ثنا أَبُو عُبَيْدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِيهِ النَّضْرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوْقَةَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، عَنْ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ ذَلِكَ فِي خُطْبَتِهِ بِالْجَابِيَةِ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : "

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْكُنَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزَمْ  
الْجَمَاعَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ، وَهُوَ مَعَ  
الْاِثْنَيْنِ أَبْعَدُ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْحَاقَ ، أَنبَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ بَعْغِي ابْنُ  
الْمُبَارَكِ ، أَنبَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُوْقَةَ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
دِينَارٍ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ : أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ  
خَطَبَ النَّاسَ بِالْحَبَابِيَّةِ، فَقَالَ : قَامَ فِيْنَا رَسُولُ اللَّهِ  
مِثْلَ مَقَامِي فِيكُمْ، فَقَالَ :

" اسْتَوْصُوا بِأَصْحَابِي خَيْرًا، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ  
الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَفْشُو الْكُذِبُ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ  
أَيِّدِي بِالشَّهَادَةِ قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَها، فَمَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ  
بِحُبْحَةِ الْجَنَّةِ، فَلْيَلْزَمْ الْجَمَاعَةَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ  
الْوَاحِدِ ، وَهُوَ مِنَ الْاِثْنَيْنِ أَبْعَدُ، لَا يَخْلُوَنَّ أَحَدُكُمْ  
بِامْرَأَةٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ ثَالِثُهُمَا، وَمَنْ سَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ  
وَسَاءَتُهُ سَبَيْتُهُ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ "

[88] ثنا إِسْمَاعِيلُ بْنُ سَالِمٍ ، ثنا النَّضْرُ بْنُ  
إِسْمَاعِيلَ أَبُو الْمُغْبِرَةِ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ سُوْقَةَ ، عَنْ

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دِينَارٍ ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، عَنْ عُمَرَ ، أَنَّ  
النَّبِيَّ قَالَ :

" عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ  
مَعَ الْوَاحِدِ، وَهُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ، وَمَنْ أَرَادَ  
بُحْبُحَةَ الْجَنَّةِ فَعَلَيْهِ بِالْجَمَاعَةِ

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ

حَدَّثَنَا قَتَادَةُ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مَخْصَنٍ  
، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْزَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ  
بِرِيٍّ، وَمَنْ كَرِهَ سَلَمًا، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ " ،  
قَالُوا : أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : " لَا مَا صَلَّوْا "

عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَرِقِ الْجَمْصِيِّ ، ثنا  
مُحَمَّدُ بْنُ مُصَفًّى ، ثنا بَقِيَّةُ بْنُ الْوَلِيدِ ، عَنْ بَشْرِ

بْنِ جَبَلَةَ ، عَنْ عَطَاءِ الْخُرَّاسَانِيِّ ، عَنْ أَبِي مَالِكٍ  
الْأَشْعَرِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكُمْ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ : عَلَيْكُمْ  
بِالْجِهَادِ ، وَالسَّمْعِ ، وَالطَّاعَةِ ، وَالْهِجْرَةِ ، فَمَنْ فَارَقَ  
الْجَمَاعَةَ قَيْدَ قَوْسٍ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ وَلَا صِيَامٌ ،  
وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ "

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ ،  
عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : كَسَعَ رَجُلٌ مِنْ  
الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ ، فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ  
: يَا لِأَنْصَارٍ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" مَا بَالُ دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ ؟ ! قَالُوا : يَا رَسُولَ  
اللَّهِ ، أَنَّهُ كَسَعَهُ ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : دَعُوهَا ، فَإِنَّهَا  
مُنْتِنَةٌ " stinks

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّفَّارُ ،  
ثَنَا أَبُو إِسْمَاعِيلَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، ثَنَا أَبُو  
صَالِحٍ ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ،  
قَالَ : كَتَبَ إِلَيَّ خَالِدُ بْنُ أَبِي عِمْرَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي  
نَافِعٌ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ

:

" مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ قَيْدَ سِيرٍ ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ  
الإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهُ " ، وَقَالَ : " مَنْ  
مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ ، فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتُهُ  
جَاهِلِيَّةٌ " .

أَنَّ الْحَارِثَ الْأَشْعَرِيَّ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرِّيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا وَهْبُ  
بْنُ مَسْرَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ وَضَّاحٍ ، عَنْ  
الصُّمَادِيِّ ، عَنْ ابْنِ مَهْدِيٍّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبَانُ  
بْنُ بَرِيدٍ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ  
سَلَامٍ ، عَنْ أَبِي سَلَامٍ ، أَنَّ الْحَارِثَ الْأَشْعَرِيَّ  
حَدَّثَهُ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" وَأَنَا أَمْرُكُمْ بِخَمْسٍ أَمَرَنِي اللَّهُ بِهِنَّ : الْجَمَاعَةُ،  
وَالسَّمْعُ، وَالطَّاعَةُ، وَالْهَجْرَةُ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ، فَمَنْ **فَارَقَ الْجَمَاعَةَ** قَيْدَ شَيْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ  
الإِسْلَامِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَّا أَنْ يُرَاجِعَ وَمَنْ دَعَا دَعْوَى  
الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مِنْ جِنَاءِ جَهَنَّمَ " ، فَقَالَ رَجُلٌ : وَإِنْ  
صَامَ وَصَلَّى قَالَ : " وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى تَدَاعَوْا  
بِدَعْوَى اللَّهِ الَّذِي سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ الْمُؤْمِنِينَ عِبَادَ  
اللَّهِ

عَوْفَ بْنِ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ

حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ رُشَيْدٍ ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ يَعْنِي ابْنَ مُسْلِمٍ  
، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَزِيدَ بْنِ جَابِرٍ ، أَخْبَرَنِي  
مَوْلَى بَنِي فَرَاةَ وَهُوَ رُزَيْقُ بْنُ حَبَّانَ ، أَنَّهُ سَمِعَ  
مُسْلِمَ بْنَ قَرْظَةَ ابْنَ عَمِّ عَوْفِ بْنِ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ ،  
يَقُولُ : سَمِعْتُ **عَوْفَ بْنَ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ** ، يَقُولُ :  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

خَبَارُ أَيْمَتِكُمْ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ، وَتُصَلُّونَ  
عَلَيْهِمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ، وَشِرَارُ أَيْمَتِكُمْ الَّذِينَ  
تُبْغِضُونَهُمْ وَيُبْغِضُونَكُمْ، وَتَلْعَنُونَهُمْ وَيَلْعَنُونَكُمْ،  
قَالُوا : قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، **أَفَلَا تُنَادِيهِمْ عِنْدَ ذَلِكَ؟**  
**قَالَ : لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ، لَا مَا أَقَامُوا فِيكُمْ**

الصَّلَاةَ إِلَّا مَنْ وُلِيَ عَلَيْهِ، **وَالِ** فَرَأَهُ يَأْتِي شَيْئًا مِنْ  
مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَلْيُكْرَهُ مَا يَأْتِي مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، **وَلَا**  
يُنْزَعَنَّ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ

حَدَّثَنَا أَبُو خَبِيئَةَ ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ ، حَدَّثَنَا  
هِشَامٌ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ صَبَّأِ بْنِ مِحْصَنِ ، عَنْ  
أُمِّ سَلَمَةَ ، قَالَتْ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" إِنَّهُ سَيَكُونُ أَمْزَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ أَنْكَرَ  
فَقَدْ بَرِيَ ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ  
وَتَابَعَ ! " ، قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ! أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ  
: " لا ، مَا صَلُّوا لَكُمْ الْخُمْسَ "

خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ التَّمِيمِيِّ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ ، قَالَ : نَا رَوْحُ بْنُ عُبَادَةَ ،  
قَالَ : نَا أَبُو يُونُسَ وَاسْمُهُ حَاتِمُ بْنُ أَبِي صَغِيرَةَ ،  
عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَبَّابٍ ،  
عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ النَّبِيَّ

قَالَ : " تَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ يَكْذِبُونَ وَيَظْلِمُونَ ،  
فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِيءٌ ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ  
رَضِيَ وَتَابَعَ ، قَالُوا : أَفَلَا نَقْتُلُهُمْ؟ قَالَ : لَا ، مَا  
أَقَامُوا الصَّلَاةَ "

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْهَبَّاجُ بْنُ  
بِسْطَامٍ الْحَنْظَلِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ أَبِي سُلَيْمٍ ،  
عَنْ طَاوُسٍ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " إِنَّهَا سَتَكُونُ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ  
بَارَاهُمْ نَجَا ، وَمَنْ اعْتَرَلَهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ ، وَمَنْ  
خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

## معنی یا مفهوم دعوت جاهلیت

دعوت به جاهلیت؛ در واقع جنگ تحت پرچم غلط (جمهوری) و یا هر "ism" دیگر مانند ملیت گرائی و قوم پرستی می باشد.

### 1. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. دَعَوَى الْجَاهِلِيَّةَ يَا آلَ فُلَانٍ،

يَا آلَ فُلَانٍ، يَا آلَ فُلَانٍ

### 2. عَنْ جَابِرٍ

a. فَنَادَى الْمُهَاجِرُ الْمُهَاجِرُ أَوْ

الْمُهَاجِرُونَ : يَا لِلْمُهَاجِرِينَ،

وَنَادَى الْأَنْصَارِيُّ : يَا

لِلْأَنْصَارِ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ

فَقَالَ : مَا هَذَا دَعْوَى أَهْلِ

الْجَاهِلِيَّةِ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا رَبِيعُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ يَعْنِي

ابْنَ إِسْحَاقَ ، عَنْ سَعِيدٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ

رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : "

ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُهُنَّ أَهْلُ  
الْإِسْلَامِ : النَّيَاحَةُ، وَالِاسْتِسْقَاءُ بِالْأَنْوَاءِ، وَكَذًّا "   
قُلْتُ لِسَعِيدٍ : وَمَا هُوَ؟ قَالَ : **دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ يَا**  
**إِلْ فُلَانٍ، يَا آلَ فُلَانٍ، يَا آلَ فُلَانٍ**

عَنْ جَابِرٍ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ ، حَدَّثَنَا زُهَيْرٌ ،  
حَدَّثَنَا أَبُو الزُّبَيْرِ ، عَنْ جَابِرٍ ، قَالَ :

اِقْتَتَلَ غُلَامَانِ غُلَامٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ، وَغُلَامٌ مِنَ  
الْأَنْصَارِ، فَنَادَى الْمُهَاجِرُ أَوْ الْمُهَاجِرُونَ : يَا  
لِلْمُهَاجِرِينَ، وَنَادَى الْأَنْصَارِيُّ : يَا لِلْأَنْصَارِ،  
فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ : مَا هَذَا **دَعْوَى أَهْلِ**  
**الْجَاهِلِيَّةِ**؟ قَالُوا : لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِلَّا أَنْ غُلَامَيْنِ  
اِقْتَتَلَا فَكَسَعَ أَحَدُهُمَا الْآخَرَ، قَالَ : " فَلَا بَأْسَ  
وَلْيَنْصُرِ الرَّجُلُ أَخَاهُ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا، إِنْ كَانَ  
ظَالِمًا فَلْيَنْبِئْهُ فَإِنَّهُ لَهُ نَصْرٌ، وَإِنْ كَانَ مَظْلُومًا  
فَلْيَنْصُرْهُ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، قَالَ عَمْرُو : سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، قَالَ : كُنَّا فِي عَزَاةٍ ، قَالَ سُفْيَانُ : مَرَّةً فِي جَيْشٍ ، فَكَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ ، فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ : يَا لِلْأَنْصَارِ ، وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ : يَا لِلْمُهَاجِرِينَ ، فَسَمِعَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ :

" مَا بَالُ دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ " ، قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ ، فَقَالَ : " دَعُوهَا فَإِنَّهَا مُنْتَبَهَةٌ " ، فَسَمِعَ بِذَلِكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي ، فَقَالَ : فَعَلَوْهَا أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ، فَلَبَغَ النَّبِيُّ فَقَامَ عَمْرُ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، دَعْنِي أُضْرِبْ عُنُقَ هَذَا الْمُنَافِقِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ : " دَعُهُ لَا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ " ، وَكَانَتْ الْأَنْصَارُ أَكْثَرَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ حِينَ قَدَمُوا الْمَدِينَةَ ، ثُمَّ إِنَّ الْمُهَاجِرِينَ كَثُرُوا بَعْدُ ، قَالَ سُفْيَانُ : فَحَفِظْتُهُ مِنْ عَمْرُو ، قَالَ عَمْرُو : سَمِعْتُ جَابِرًا كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ

عواقب دعوت به جاهلیت حتی اگر مسلمان باشد بدون شک اشخاص که تحت پرچم غلط و یا هر "ism" دیگر عمداً می جنگند و به آن باور دارند، جای گاه شان آتش است.

### 1. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. كَانَ مِنْ جَزَائِهِ جَهَنَّمَ يَوْمَ

الْفِيَامَةِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: يَا نَبِيَّ

اللَّهِ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى؟ قَالَ:

نَعَمْ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى

b. وَمَنْ ادَّعَى دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ

فَهُوَ مِنْ جُنَى جَهَنَّمَ

### 2. عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ

a. ثَلَاثَةٌ لَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ: رَجُلٌ

فَارَقَ الْجَمَاعَةَ، وَعَصَى

إِمَامَهُ فَمَاتَ عَاصِيًا

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ عُمَانَ، حَدَّثَنَا عُبَيْسُ بْنُ بِيَهَسٍ،

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ

أَبِي هُرَيْرَةَ، سَمِعْتُ نَبِيَّ اللَّهِ يَقُولُ:

مَنْ دَعَا دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ كَانَ مِنْ جَزَائِهِ جَهَنَّمُ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنْ صَامَ  
وَصَلَّى؟ قَالَ : نَعَمْ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى "

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" وَأَنَا أَمْرُكُمْ بِخَمْسٍ أَمَرَنِي اللَّهُ بِهِنَّ : الْجَمَاعَةُ،  
وَالسَّمْعُ، وَالطَّاعَةُ، وَالْهَجْرَةُ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ، وَمَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ شِبْرٍ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ  
الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ مِنْ رَأْسِهِ، إِلَّا أَنْ يُرَاجِعَ، وَمَنْ  
ادَّعَى دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَهُوَ مِنْ جُنَى جَهَنَّمَ " قِيلَ  
: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى؟ قَالَ : " وَإِنْ  
صَامَ وَصَلَّى. تَدَاعَوْا بِدَعْوَى اللَّهِ الَّذِي سَمَّاكُمْ بِهَا  
الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْلِمِينَ عِبَادَ اللَّهِ "

عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ اللَّهِ  
بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْفَاكُوِيُّ ، نَا أَبُو يَحْيَى بْنُ  
أَبِي مَيْسَرَةَ ، نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَزِيدَ الْمُقْرِي ، نَا حَبِوَةُ  
، أَخْبَرَنِي أَبُو هَانِيٍّ ، أَنَّ أَبَا عَلِيٍّ الْجَنْبِيَّ عَمَرُو  
بْنَ مَالِكٍ حَدَّثَهُ ، عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ ، عَنْ رَسُولِ  
اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ :

" ثَلَاثَةٌ لَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ : رَجُلٌ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ ،  
وَعَصَى إِمَامَهُ فَمَاتَ عَاصِيًا ، وَأُمَّةٌ أَوْ عَبْدٌ أَبَقَ  
مِنْ سَيِّدِهِ فَمَاتَ ، وَامْرَأَةٌ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا وَقَدْ  
كَفَاهَا مَثْوَى الدُّنْيَا فَتَبَرَّجَتْ بَعْدَهُ فَلَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ

معنى فارق الجماعة

1. فَالْخِلاَفَةُ مِنَ اللَّهِ
2. يُفَرِّقُ بَيْنَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ وَأَمْرُهُمْ جَمِيعٌ
3. مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ
4. وَخَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ
5. وَعَصَى إِمَامَهُ
6. وَخَالَفَ الطَّاعَةَ
7. أَوْ عَادَ أَعْرَابِيًّا

8. وَاسْتَنْدَلَ الْإِمَارَةَ

9. وَاسْتَنْدَلَ الْإِمَارَةَ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نَاجِيَةَ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ الْعَوْفِيُّ ، ثنا أَبِي ، ثنا عَمِّي الْحُسَيْنُ ، عَنْ يُونُسَ بْنِ نُفَيْعٍ ، عَنْ سَعْدِ بْنِ جُنَادَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" مَنْ **فَارَقَ الْجَمَاعَةَ** فَهُوَ فِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهِ ؛  
لَأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ : **أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ**  
**وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ** ،  
**فَالْخِلَافَةُ مِنَ اللَّهِ** ، فَإِنْ كَانَ خَيْرًا ، فَهُوَ يَذْهَبُ بِهِ ،  
وَإِنْ كَانَ شَرًّا ، فَهُوَ يُؤْخَذُ بِهِ ، عَلَيْكَ أَنْتَ بِالطَّاعَةِ  
فِيمَا أَمَرَكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ "

وَأَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي دَاوُدَ السَّجِسْتَانِيُّ ،  
قَالَ : نا مُحَمَّدُ بْنُ بَسَّارٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى ، أَنَّ  
مُحَمَّدَ بْنَ جَعْفَرَ ، حَدَّثَهُمْ ، عَنْ شُعْبَةَ ، عَنْ غَيْلَانَ  
بْنِ جَرِيرٍ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ رِيَّاحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" مَنْ **فَارَقَ الْجَمَاعَةَ** وَخَالَفَ الطَّاعَةَ مَاتَ مِيتَةً  
جَاهِلِيَّةً وَمَنْ اعْتَرَضَ أُمَّتِي بَرَّهَا وَفَاجَرَهَا لَا  
يَحْتَسِبُ مِنْ مُؤْمِنِيهَا ، وَلَا يَبْقَى لِيذِي عَهْدِهَا ، فَلَيْسَ  
مِنْ أُمَّتِي ، وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ عَمِّيَّةٍ ، يُغَضَبُ

لِلْعَصَبِيَّةِ وَبُقَاتِلِ الْعَصَبِيَّةِ وَيَدْعُو لِعَصَبَةِ لَهُ وَوَالِي  
لِعَصَبَةِ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً " لَفْظُ حَدِيثِ أَبِي مُوسَى

حَدَّثَنَا يَشْرُ بْنُ مُوسَى ، ثنا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
الْمُقَرِّي ، عَنْ حَبِوَةَ بْنِ شَرِيحٍ ، أَخْبَرَنِي أَبُو هَانِي  
، أَنَّ أَبَا عَلِيٍّ عَمْرُو بْنُ مَالِكِ الْجَنْبِيِّ حَدَّثَهُ ، عَنْ  
فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ :

" ثَلَاثَةٌ لَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ : رَجُلٌ **فَارَقَ الْجَمَاعَةَ** ،  
وَعَصَى إِمَامَهُ ، وَمَاتَ عَاصِيًا ، وَأَمَةٌ أَوْ عَبْدٌ أَبَقَ  
مِنْ سَيِّدِهِ فَمَاتَ ، وَامْرَأَةٌ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا وَقَدْ  
كَفَاهَا مَوْنَةَ الدُّنْيَا فَتَبَرَّجَتْ بَعْدَهُ ، فَلَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَيَّاشٍ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُطَرِّفٍ ،  
حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ أَسْلَمَ ، أَنَّهُ قَالَ : إِنَّ عَبْدِ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ  
: أَيْ ابْنَ مُطِيعٍ ، فَقَالَ : اطَّرَحُوا لِأَبِي عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ وَسَادَتَهُ ، فَقَالَ : مَا جِئْتُ لِأَجْلِسَ عِنْدَكَ ،  
وَلَكِنْ جِئْتُ أُخْبِرُكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ  
سَمِعْتُهُ يَقُولُ :

" مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ، أَوْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ ،  
مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ ، عَنْ أَبِي بَرْزَةَ ،  
عَنْ عَيَّالَانَ بْنِ جَرِيرٍ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ رِيَّاحٍ ، عَنْ  
أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ ، وَخَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ،  
فَمَاتَ، فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ،

• وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي بِسَيْفِهِ، يَضْرِبُ  
بِرَّهَا وَفَاجِرَهَا، لَا يُحَاسِنِي مُؤْمِنًا  
لِإِيمَانِهِ، وَلَا يَفِي لِيذِي عَهْدٍ بِعَهْدِهِ، فَلَيْسَ  
مِنْ أُمَّتِي،

• وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِّيَّةٍ، يَغْضَبُ  
لِلْعَصَبِيَّةِ، أَوْ يُقَاتِلُ لِلْعَصَبِيَّةِ، أَوْ يَدْعُو  
إِلَى الْعَصَبِيَّةِ، فَقَتَلَهُ جَاهِلِيَّةٌ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَاتِمِ الدَّارِبَرْدِيِّ  
بِمَرْوٍ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ عِيْسَى الْمُرَبِّيُّ ، ثنا الْعَقْبِيُّ ،  
وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَقِيهُ وَاللَّفْظُ لَهُ، أَنبَأُ

أَبُو الْمُثَنَّى ، ثنا الْعَقْبِيُّ ، ثنا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" مَنْ فَارَقَ أُمَّةً ، أَوْ عَادَ أَعْرَابِيًّا بَعْدَ هِجْرَتِهِ فَلَا حُجَّةَ لَهُ "

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا ابْنُ جُرَيْجٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عَاصِمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

إِنَّهَا سَتَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَرَاءُ يُصَلُّونَ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا ، وَيُؤَخَّرُونَهَا عَنْ وَقْتِهَا ، فَصَلُّوا مَعَهُمْ ، فَإِنْ صَلُّوا لَوَقْتِهَا وَصَلَّيْتُمْوَهَا مَعَهُمْ ، فَلَكُمْ وَلَهُمْ ، وَإِنْ أَخَّرُوها عَنْ وَقْتِهَا فَصَلَّيْتُمْوَهَا مَعَهُمْ ، فَلَكُمْ وَعَلَيْهِمْ ، مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ، وَمَنْ نَكَثَ الْعَهْدَ وَمَاتَ نَاكِثًا لِلْعَهْدِ ، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ "

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، حَدَّثَنَا حَبِوَةُ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبُو هَانِيءٍ ، أَنَّ أَبَا عَلِيٍّ عَمَرُو بْنُ مَالِكٍ

الْجَنَّبِيِّ ، حَدَّثَهُ فَضَالَهُ بْنُ عُيَيْدٍ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ  
أَنَّهُ قَالَ :

" ثَلَاثَةٌ لَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ : رَجُلٌ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ  
وَعَصَى إِمَامَهُ وَمَاتَ عَاصِيًا ، وَأَمَةٌ أَوْ عَبْدٌ أَبَقَ  
فَمَاتَ ، وَأَمْرَأَةٌ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا قَدْ كَفَّاهَا مُؤْنَةٌ  
الدُّنْيَا فَتَبَرَّجَتْ بَعْدَهُ ، فَلَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ ، وَثَلَاثَةٌ لَا  
تَسْأَلُ عَنْهُمْ : رَجُلٌ نَارَعَ اللَّهَ رِدَاءَهُ ، فَإِنَّ رِدَاءَهُ  
الْكِبْرِيَاءُ ، وَإِرَارُهُ الْعِزَّةُ ، وَرَجُلٌ شَكَ فِي أَمْرِ اللَّهِ ،  
وَالْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ "

الشَّيْبَانِيُّ ، ثنا حَامِدُ بْنُ أَبِي حَامِدٍ الْمُقْرِي ، ثنا  
إِسْحَاقُ بْنُ سُلَيْمَانَ الرَّازِيُّ ، سَمِعْتُ كَثِيرًا أَبَا  
النَّضْرِ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ رَبِيعِي بْنَ جِرَاشٍ ، يَقُولُ  
: انْطَلَقْتُ إِلَى حُدَيْفَةَ بِالْمَدَائِنِ لَيْلِي سَارَ النَّاسُ إِلَيَّ  
عُثْمَانَ ، فَقَالَ : يَا بُنَيَّ مَا فَعَلَ قَوْمُكَ؟ قَالَ : عَنْ  
أَيِّ حَالِهِمْ تَسْأَلُ؟ قَالَ : مَنْ خَرَجَ مِنْهُمْ إِلَيَّ هَذَا  
الرَّجُلِ ، فَسَمَّيْتُ لَهُ رَجُلًا مَمَّنْ خَرَجَ ، فَقَالَ :  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ  
:

" مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ ، وَاسْتَبَدَلَ الْإِمَارَةَ ، لَقِيَ اللَّهَ  
وَلَا حُجَّةَ لَهُ عِنْدَهُ "

أَخْبَرَنَا الْخَصِيبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، أَنَا عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ أَحْمَدَ النَّسَائِيَّ ، أَنَا أَبِي ، أَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثنا إِسْحَاقُ بْنُ سُلَيْمَانَ ، ثنا كَثِيرٌ أَبُو النَّضْرِ ، عَنْ رَبِيعِيٍّ ، قَالَ : انْطَلَقْتُ إِلَى حُدَيْفَةَ بِالْمَدَائِنِ لِيَالِي سَارَ النَّاسُ إِلَى عُثْمَانَ ، فَقَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ وَاسْتَدَلَ الْإِمَارَةَ لِقِيَّ اللَّهِ وَلَا وَجْهَ لَهُ عِنْدَهُ "

حدثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخَضْرَمِيُّ ، ثنا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مَوْقِقِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ التُّسْتَرِيِّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ الْجُرْجَانِيُّ ، قَالَ : ثنا أَبُو يَحْيَى الْجَمَانِيُّ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَيُّوبَ الْبَجَلِيِّ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ ، عَنْ عَرْفَجَةَ بْنِ ضَرِيحِ الْأَشْجَعِيِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

سَيَكُونُ بَعْدِي هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ ، فَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ **فَارَقَ** **الْجَمَاعَةَ** أَوْ يَرِيدُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ وَأَمْرِهِمْ جَمِيعٌ ، فَاقْتُلُوهُ كَانِتًا مِنْ كَانٍ ، يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ  
إِسْمَاعِيلَ ، حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ يَزِيدَ ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ  
أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ سَلَامٍ ، أَنَّ أَبَا سَلَامٍ حَدَّثَهُ ،  
أَنَّ الْحَارِثَ الْأَشْعَرِيَّ حَدَّثَهُ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

" إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ  
يَعْمَلَ بِهَا ، وَيَأْمُرَ بِنِي إِسْرَائِيلَ ، أَنْ يَعْمَلُوا بِهَا ،  
وَإِنَّهُ كَادَ أَنْ يُبْطِئَ بِهَا ، فَقَالَ عِيسَى : إِنَّ اللَّهَ أَمَرَكَ  
بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ لَتَعْمَلَ بِهَا وَتَأْمُرَ بِنِي إِسْرَائِيلَ ، أَنْ  
يَعْمَلُوا بِهَا ، فِيمَا أَنْ تَأْمُرَهُمْ وَإِنَّمَا أَنْ أَمُرَهُمْ ، فَقَالَ  
يَحْيَى : أَخَشَى أَنْ سَبَقْتَنِي بِهَا أَنْ يُخَسَفَ بِي أَوْ  
أُعَذَّبَ ، فَجَمَعَ النَّاسَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَامْتَلَأَ  
الْمَسْجِدُ وَقَعَدُوا عَلَى الشُّرُفِ ، فَقَالَ :

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ أَعْمَلَ بِهِنَّ  
وَأْمُرَكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا بِهِنَّ ، أَوْ لَهِنَّ : أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا  
تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَإِنَّ مَثَلُ مَنْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ كَمَثَلِ  
رَجُلٍ اشْتَرَى عَبْدًا مِنْ خَالصِ مَالِهِ بِذَهَبٍ أَوْ  
وَرِقٍ ، فَقَالَ : هَذِهِ دَارِي ، وَهَذَا عَمَلِي فَاعْمَلْ وَأَدِّ  
إِلَيَّ ، فَكَانَ يَعْمَلُ وَيُؤَدِّي إِلَى غَيْرِ سَيِّدِهِ ، فَأُلِيكُمْ  
يَرْضَى أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ كَذَلِكَ ، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَكُمْ  
بِالصَّلَاةِ فَإِذَا صَلَّيْتُمْ فَلَا تَلْتَفِتُوا ، فَإِنَّ اللَّهَ يَنْصِبُ

وَجْهَهُ لَوَجْهِ عَبْدِهِ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَوِثْ، وَأَمْرُكُمْ  
بِالصِّيَامِ، فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ فِي عَصَابَةٍ،  
مَعَهُ صُرَّةٌ فِيهَا مِسْكٌ، فَكُلُّهُمْ يَعْجَبُ، أَوْ يُعْجِبُهُ  
رِيحُهَا، وَإِنَّ رِيحَ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ  
الْمُسْكِ، وَأَمْرُكُمْ بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ  
رَجُلٍ أَسْرَهُ الْعَدُوُّ، فَأَوْثَقُوا يَدَهُ إِلَى عُنُقِهِ وَقَدَّمُوهُ  
لِيَضْرِبُوا عُنُقَهُ، فَقَالَ : أَنَا أَفْدِيهِ مِنْكُمْ بِالْقَلِيلِ  
وَالْكَثِيرِ فَفَدَى نَفْسَهُ مِنْهُمْ، وَأَمْرُكُمْ أَنْ تَذْكُرُوا اللَّهَ،  
فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ خَرَجَ الْعَدُوُّ فِي أَثَرِهِ  
سِرَاعًا حَتَّى إِذَا أَتَى عَلَى حِصْنٍ حَصِينٍ فَأَحْرَزَ  
نَفْسَهُ مِنْهُمْ، كَذَلِكَ الْعَبْدُ لَا يُحْرِزُ نَفْسَهُ مِنَ  
الشَّيْطَانِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ،

قَالَ النَّبِيُّ: وَأَنَا أَمْرُكُمْ بِخَمْسٍ اللَّهُ أَمْرَنِي بِهِنَّ :

السَّمْعُ، وَالطَّاعَةُ، وَالْجِهَادُ، وَالْهَجْرَةُ،

وَالْجَمَاعَةُ، فَإِنَّهُ مِنْ **فَارِقِ الْجَمَاعَةَ** قَيْدِ شَيْبِرٍ فَقَدْ  
خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ،

وَمَنْ ادَّعَى دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مِنْ جُنَا جَهَنَّمَ،  
فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ؟ قَالَ

: وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ، فَادْعُوا بِدَعْوَى اللَّهِ الَّذِي  
سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ الْمُؤْمِنِينَ عِبَادَ اللَّهِ " ،

قَالَ أَبُو عِيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ  
، قَالَ : مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْحَارِثُ الْأَشْعَرِيُّ لَهُ  
صُحْبَةٌ وَلَهُ غَيْرُ هَذَا الْحَدِيثِ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
بِشَّارٍ ، حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ ، حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ  
يَزِيدَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ سَلَامٍ  
، عَنْ أَبِي سَلَامٍ ، عَنْ الْحَارِثِ الْأَشْعَرِيِّ ، عَنْ  
النَّبِيِّ نَحْوَهُ بِمَعْنَاهُ، قَالَ أَبُو عِيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ  
حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ ، وَأَبُو سَلَامٍ الْحَبَشِيُّ اسْمُهُ  
مَمْطُورٌ ، وَقَدْ رَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ الْمُبَارَكِ ، عَنْ يَحْيَى  
بْنِ أَبِي كَثِيرٍ

أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوفِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو  
نُعَيْمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَزِيدُ بْنُ مَرْذَانِيَّةَ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ  
عِلَاقَةَ ، عَنْ عَرْفَجَةَ بْنِ شَرِيحِ الْأَشْجَعِيِّ ، قَالَ :  
رَأَيْتُ النَّبِيَّ عَلَى الْمُنْبَرِ ، يَخْطُبُ النَّاسَ ، فَقَالَ :

" إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدِي هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ ، فَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ  
فَارِقَ الْجَمَاعَةَ ، أَوْ يُرِيدُ يُفَرِّقُ أَمْرَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ  
كَائِنًا مَنْ كَانَ فَاقْتُلُوهُ ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ ،  
فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ مَنْ فَارِقَ الْجَمَاعَةَ يَرْكُضُ

کمک به عصبیت یا تحت پرچم غلط جنگیدن

عمداً تحت پرچم غلط جنگیدن، متعهد به پرچم غلط و یا به هر "ism" غلط دیگر باور داشتن، واضحاً به سمت آتش دوزخ سوق می دهد.

### 1. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. وَمَنْ مَاتَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ  
يُدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ  
عَصَبَةً، فَقَتَلْتَهُ قِتْلَةَ جَاهِلِيَّةٍ

### 2. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ  
يُعْضِبُ لِعَصَبَةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى  
عَصَبَةٍ أَوْ يَنْصُرُ عَصَبَةً فَقُتِلَ  
قِتْلَةَ جَاهِلِيَّةٍ

### 3. عَوْفَ بْنِ مَالِكٍ الْأَشْجَعِيِّ

a. قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقْلًا نُنَابِدُهُمْ  
عِنْدَ ذَلِكَ؟، قَالَ : لَا، مَا أَقَامُوا  
فِيكُمْ الصَّلَاةَ، لَا مَا أَقَامُوا  
فِيكُمْ الصَّلَاةَ

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَانِي ، قَالَ : نَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ  
أَبُو الْجَمَاهِرِ ، قَالَ : نَا خُلَيْدُ بْنُ دَعْلَجٍ ، عَنْ قَتَادَةَ  
، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُمَا ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قِيَاسًا ، أَوْ قَيْدَ شَيْءٍ فَقَدْ خَلَعَ  
رِيقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ ، وَمَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ  
فَمَبِئْتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ ، وَمَنْ مَاتَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ  
يَدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ ، أَوْ يَنْصُرُ عَصَبَةً ، فَقَتَلْتُهُ قِتْلَةَ  
جَاهِلِيَّةٍ .

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ بَعْنِي ابْنُ  
حَازِمٍ ، حَدَّثَنَا غَيْلَانُ بْنُ جَرِيرٍ ، عَنْ أَبِي قَيْسِ بْنِ  
رِيَّاحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ :

" مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ  
مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ  
يَغْضِبُ لِعَصَبَةٍ أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ أَوْ يَنْصُرُ  
عَصَبَةً فَقُتِلَ قِتْلَةَ جَاهِلِيَّةٍ ، وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي

يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا وَلَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا،  
وَلَا يَفِي لِذِي عَهْدٍ عَهْدَهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَأَسْتُ مِنْهُ "

،

وَحَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ ، حَدَّثَنَا  
حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ ، حَدَّثَنَا أَيُّوبُ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَرِيرٍ  
، عَنْ زِيَادِ بْنِ رِيَّاحِ الْقَيْسِيِّ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بِنَحْوِ حَدِيثِ جَرِيرٍ ، وَقَالَ :  
لَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا

عَوْفَ بْنِ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ

حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ رُشَيْدٍ ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ يَعْنِي ابْنَ مُسْلِمٍ  
، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ يَزِيدَ بْنِ جَابِرٍ ، أَخْبَرَنِي  
مَوْلَى بَنِي فِزَارَةَ وَهُوَ رُزَيْقُ بْنُ حَبَّانَ ، أَنَّهُ سَمِعَ  
مُسْلِمَ بْنَ قَرْظَةَ ابْنَ عَمِّ عَوْفِ بْنِ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ ،  
يَقُولُ : سَمِعْتُ عَوْفَ بْنَ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ ، يَقُولُ :  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

خِبَارُ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ، وَتُصَلُّونَ  
عَلَيْهِمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ، وَشِرَارُ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ  
تُبْغِضُونَهُمْ وَيُبْغِضُونَكُمْ، وَتَلْعَنُونَهُمْ وَيَلْعَنُونَكُمْ،  
قَالُوا : قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا نُنَادِيهِمْ عِنْدَ ذَلِكَ؟،

قَالَ : لَا، مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ، لَا مَا أَقَامُوا فِيكُمْ  
الصَّلَاةَ إِلَّا مَنْ وَلِيَ عَلَيْهِ، **وَالِ** فَرَأَهُ يَأْتِي سُبْحًا مِنْ  
مَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَلْيُكْرَهُ مَا يَأْتِي مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، **وَلَا**  
**يُنْزَعَنَّ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ**

## زمان فتنه

بعضی مسلمان ها در مورد نظام اسلام دید آرمان  
گرایانه دارد. آن ها توقع دارند که مسلمانان باید  
ملایک باشند و نظام اسلام برای ملایکه ها وحی  
شده است و یا این که تطبیق نظام اسلام همه  
مسلمانان را به ملایک بسازد. با مطالعه همه  
جانبه اسلام در می یابیم که هر گز چنین نبوده  
حتی در زمان خلافت اولین دو خلفای راشدین  
این امر بعید بود. برعلاوه؛ واضحاً پیش بینی شده  
است که وضعیت مسلمانان نسل اندر نسل الی  
زمان ظهور مهدی و یا ظهور خلافت راشدانه ثانی  
در اخیر الزمان بد تر می شود، اما تمام امت گمراه

نخواهند شد. راه حل نجات از فتنه این است که باید همراه با جماعت و امام بوده باشیم و راه حل نجات از تمام فتنه ها این است که در زنده گی دید تکلیفی داشته باشیم. اما در عصر فعلی اکثریت مردم حتی مسلمانان داشتن چنین دید زنده گی را انتخاب نمی کنند. در نتیجه، همیشه در زنده گی ناراض بوده و در نهایت نه در دنیا دارای زنده گی بهتر اند و نه برای به دست آوردن آخرت به درستی تلاش می نمایند.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنِ الزُّبَيْرِ  
بْنِ عَدِيٍّ، قَالَ أَتَيْتَا أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ

فَشَكَّوْنَا إِلَيْهِ مَا نَلَقَى مِنَ الْحَجَّاجِ فَقَالَ اصْبِرُوا،  
فَأَنَّهُ لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ،  
حَتَّى تَلْقُوا رَبَّكُمْ "

سَمِعْتُهُ مِنْ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از زبیر بن عدی چنین روایت شده:

ما نزد انس بن مالک رفتیم و در مورد کار غلط  
حجاج که از آن رنج می بردیم شکایت نمودیم.  
انس بن مالک گفت: "صبر اختیار نمائید تا این  
که الله سبحانه و تعالی را ملاقات می کنید. زیرا  
بعد از این زمان خواهد آمد که بدتر از حالا می  
باشد. من این را از پیامبر صلی الله علیه و سلم  
شنیدم". صحیح بخاری 7068

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، عَنِ  
الْأَعْمَشِ، عَنْ شَقِيقٍ، قَالَ كُنْتُ  
مَعَ عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي مُوسَى فَقَالَ  
قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ أَيَّامًا  
يُنزَلُ فِيهَا الْجَهْلُ، وَيُرْفَعُ  
فِيهَا الْعِلْمُ، وَيَكْثُرُ فِيهَا  
الْهَرْجُ، وَالْهَرْجُ الْقَتْلُ

از عبدالله و ابو موسی چنین رایت شده:

پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: "نزدیک برپایی ساعت، روز های خواهد بود که اعمال جاهلیت انتشار و علم ناپدید خواهد شد و هرج زیاد وجود خواهد داشت، هرج قتل معنی می دهد".

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ، حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ وَهَبٍ، سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ، قَالَ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّكُمْ سَتَرُونَ

بِعَدِي أَثَرَةَ وَأُمُورًا تُنْكَرُونَهَا". قَالُوا فَمَا تَأْمُرُنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ " أَدُوا إِلَيْهِمْ حَقَّهُمْ وَسَلُوا اللَّهَ حَقَّهُمْ " .

عبدالله چنین روایت می کند:

رسول الله صلی الله علیه و سلم به ما فرموده است: "بعد از من (در امور مردم) منکر و کار های ناپسند را مشاهده خواهید کرد". آن ها پرسیدند، "ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! (در چنین شرایط) به ما چی دستور می دهی؟" او صلی الله

علیه و سلم گفت: "حق آن ها را (حکام) ادا کنید  
و از الله سبحانه و تعالی حق خود را بخواهید".

صحیح بخاری 7052

حَدَّثَنَا عُمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ هِشَامٍ،  
حَدَّثَنَا الْمَسْعُودِيُّ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي بَرْدَةَ، عَنْ  
أَبِيهِ، عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا عَذَابٌ فِي  
الْآخِرَةِ عَذَابُهَا فِي الدُّنْيَا الْفِتْنُ وَالزَّلَازِلُ وَالْقَتْلُ "

از ابو موسی چنین روایت است:

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: امت  
من مورد رحمت قرار گرفته و هیچ عذابی در آخرت  
برای شان نیست، اما عذاب آن ها در این دنیا در  
فتنه قرار گرفتن، زلزله و کشته شدن است.

صحیح (البانی) سنن ابی داود 4278

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَحْوَصِ، سَلَامُ بْنُ سَلِيمٍ  
عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ هَلَالِ بْنِ يَسَافٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ  
زَيْدٍ، قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَذَكَرَ فِتْنَةً فَعَظَّمَ أَمْرَهَا فَقُلْنَا أَوْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ  
لِنِئْنِ أَدْرَكْتَنَا هَذِهِ لِنُهْلِكُنَا . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلَّا إِنَّ بِحَسْبِكُمُ الْقَتْلُ

قَالَ سَعِيدٌ فَرَأَيْتُ إِخْوَانِي قُتِلُوا

از سعد ابن زناد روایت شده:

ما همراهی پیامبر صلی الله علیه و سلم بودیم که از فتنه عمومی یاد نمود و در مورد بزرگی و شدت آن سخن گفت. ما یا مردم گفتند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! اگر چنین حالت رخ دهد، همه ما هلاک خواهیم شد. پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: نخیر، برای شما همین کافی است که کشته شوید. سعد گفت: من دیدم که برادرانم به قتل رسیدند. صحیح (البانی) سنن ابی داود

4277

حَدَّثَنَا أَبُو كَامِلٍ، حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي بَرٍّ،  
وَيُونُسَ، عَنِ الْحَسَنِ، عَنِ الْأَحْنَفِ بْنِ قَيْسٍ، قَالَ  
خَرَجْتُ وَأَنَا أُرِيدُ، يَعْني فِي الْقِتَالِ - فَلَقَيْتَنِي أَبُو

بُكَرَةً فَقَالَ ارْجِعْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

إِذَا تَوَاجَهَ الْمُسْلِمَانِ بِسَيُوفِهِمَا فَالْقَاتِلُ وَالْمَقْتُولُ فِي النَّارِ " . قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْقَاتِلُ فَمَا بَالُ الْمَقْتُولِ قَالَ " إِنَّهُ أَرَادَ قَتْلَ صَاحِبِهِ

احنف بن قيس گفت:

من با نیت اشتراک در جنگ بیرون آمدم. ابوبکر رض مرا ملاقات کرده گفت: برگرد، زیرا من از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که گفت: وقتی که دو مسلمان همراه با شمشیر در مقابل یک دیگر قرار می گیرند، قاتل و مقتول هر دو به دوزخ می روند. او پرسید: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم (بدون شک که قاتل باید دوزخ برود) اما مقتول چرا؟ او صلی الله علیه و سلم جواب داد که مقتول نیز نیت کشتن برادر مسلمان اش را دارد. صحیح (البانی) سنن ابی داود 4268

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ، عَنْ مَالِكٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي

صَعَصَعَةً، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ خَيْرُ مَالِ الْمُسْلِمِ عَنَّمَا يَتَّبِعُ بِهَا  
شَعَفَ الْجِبَالِ وَمَوَاقِعَ الْفَطْرِ يَفْرُ بِدِينِهِ مِنَ الْفِتَنِ "

ابو سعید خدری روایت می کند:

پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: به زودی  
بهترین سرمایه یک مسلمان گوسفند خواهد بود  
که در بالاترین قله های کوه و در جاه های باران  
آن را برده و برای حفظ دین اش از فتنه عام فرار  
می نماید. صحیح (البانی) سنن ابو داود 4267

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْسَنِ الْمَصْبِيِّ، حَدَّثَنَا  
حَجَّاجُ عَنِي ابْنُ مُحَمَّدٍ - حَدَّثَنَا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ، قَالَ  
حَدَّثَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ صَالِحٍ، أَنَّ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ  
جُبَيْرٍ، حَدَّثَهُ عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ، قَالَ  
إِنَّمَا اللَّهُ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
يَقُولُ

إِنَّ السَّعِيدَ لَمَنْ جُنِبَ الْفِتْنُ إِنَّ السَّعِيدَ لَمَنْ جُنِبَ  
الْفِتْنُ إِنَّ السَّعِيدَ لَمَنْ جُنِبَ الْفِتْنُ وَلَمَنِ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ  
فَوَاهَا "

از مقداد بن اسود روایت است:

قسم به الله سبحانه و تعالی، از پیامبر صلی الله  
علیه و سلم شنیدم که گفت: سعادت مند کسی  
است که از فتنه دوری نماید. سعادت مند کسی  
است که از فتنه دوری نماید. سعادت مند کسی  
است که از فتنه دوری نماید. اما چی خوب است  
انسان که در فتنه ها صبر نماید. صحیح (البانی)

سنن ابی داود 4263

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَارِثِ بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ جَعَادَةَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ تَرْوَانَ،  
عَنْ هُرَيْثِ بْنِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يُصْبِحُ  
الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا وَيُمْسِي مُؤْمِنًا  
وَيُصْبِحُ كَافِرًا الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ وَالْمَاشِي  
فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي فَكَسِرُوا قَسِيكُمْ وَقَطَعُوا

أَوْتَارَكُمْ وَاصْرَبُوا سُؤْفَكُمْ بِالْجِجَارَةِ فَإِنَّ دُخْلَ -  
يُعْنِي عَلَى أَحَدٍ مِنْكُمْ - فَلْيُكُنْ كَخَيْرِ ابْنِي آدَمَ "

از ابو موسی اشعری روایت است:

پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: قبل از آخرین ساعت فتنه های خواهد بود مانند حصه های شب تاریک که یک فرد در صبح مومن بوده ولی در شام کافر خواهد شد و یا در شام مومن بوده و در صبح کافر می گردد. در زمان فتنه شخص نشسته بهتر از کسی است که راه می رود و کسی که راه می رود بهتر از کسی است در حال دویدن است. پس؛ کمان های خود را بشکنید، تار های کمان را قطع کنید و شمشیر های خود را در سنگ بزنید. سپس اگر مردم نزد یکی از شما می آید، بگذارید که مانند بهترین دو اولاد آدم باشد.

صحیح (البانی) سنن ابی داود 4259

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُوسَى ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ :  
حَدَّثَنِي ابْنُ جَابِرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي بُسْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ  
الْحَضْرَمِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو إِدْرِيسَ الْخَوْلَانِيُّ

، أَنَّهُ سَمِعَ حُدَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانَ ، يَقُولُ : كَانَ النَّاسُ  
يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ  
الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يُدْرِكَنِي ، فَقُلْتُ

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرٌّ فَجَاءَنَا اللَّهُ  
بِهَذَا الْخَيْرِ فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ ، قَالَ : نَعَمْ ،  
قُلْتُ : وَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الشَّرِّ مِنْ خَيْرٍ ، قَالَ : نَعَمْ  
وَفِيهِ دَخْنٌ ، قُلْتُ : وَمَا دَخْنُهُ ، قَالَ : قَوْمٌ يَهْدُونَ  
بِعَيْرِ هَدْيِي تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنْكِرُ ، قُلْتُ : فَهَلْ بَعْدَ  
ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ ، قَالَ : نَعَمْ دُعَاءٌ إِلَى أَبْوَابِ  
جَهَنَّمَ مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَذَفُوهُ فِيهَا ، قُلْتُ : يَا رَسُولَ  
اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا ، فَقَالَ : هُمْ مِنْ جِلْدَتِنَا وَيَتَكَلَّمُونَ  
بِاللِّسِنَتِنَا ، قُلْتُ : فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ ، قَالَ  
: تَلَزَمْ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ ، قُلْتُ : فَإِنْ لَمْ  
يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةٌ وَلَا إِمَامٌ ، قَالَ : فَاعْتَرِزْ تِلْكَ  
الْفِرْقَ كُلَّهَا وَلَوْ أَنْ تَعْضَّ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ حَتَّى  
يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ

حذیفه بن یمان روایت می کند:

مردم از پیامبر صلی الله علیه و سلم در باره خیر  
پرسیدند، اما من در مورد شر سوال نمودم از ترس  
این که مبادا به آن آغشته گردم. یک بار من گفتم،  
ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! ما در جهالت

و شرارت قرار داشتیم و الله سبحانه و تعالی این خیر را به ما اعطا کرد، آیا بعد از این خیر، شر خواهد بود؟ او صلی الله علیه و سلم گفت: بلی. من پرسیدم: "آیا بعد از آن شر، خیر خواهد بود؟" او صلی الله علیه و سلم گفت: بلی، اما در آن دخن (شر کوچک) خواهد بود. من پرسیدم: دخن چیست؟ او صلی الله علیه و سلم فرمود: بعضی مردم خواهند بود که مردم را به غیر از اصول سنت من رهبری می کنند. شما اعمال آن ها را مشاهده خواهید نمود و نا پسند خواهید شمرد. من گفتم: آیا بعد از آن خیر، شر خواهد بود؟ او صلی الله علیه و سلم گفت: بلی، بعضی مردم وجود خواهد داشت که مردم به سوی دروازه های دوزخ دعوت می نمایند و کسی که دعوت آن ها را قبول نماید با آن ها به دوزخ انداخته خواهد شد. من گفتم: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! آن ها را برایم مشخص نما. او صلی الله علیه و سلم گفت: آن ها به ما تعلق دارند و به زبان ما سخن می گویند.

من پرسیدم: اگر چنین چیز در زنده گی من اتفاق افتاد به من چی دستور می دهی؟ او صلی الله علیه و سلم گفت: به جماعت مسلمین و امام آن ها چنگ بزن. من پرسیدم: اگر نه جماعت مسلمین وجود داشت و نه امام مسلمین، پس در آن صورت چی کنم؟ او صلی الله علیه و سلم فرمود: از تمام آن فرقه های مختلف دوری کن حتی اگر مجبور شوی که ریشه درخت را به دندان گیری تا این که در همان حالت الله سبحانه و تعالی را ملاقات نمائی. صحیح بخاری 3606

کتاب: کتاب 61، حدیث 113

شرح حدیث فوق الذکر

إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرًّا  
فَجَاءَنَا اللَّهُ بِهَذَا الْخَيْرِ

ما در جاهلیت و شرارت قرار داشتیم و الله سبحانه و تعالی این خیر را به ما اعطا کرد.

ما گمراه بودیم و تکلیف خود را نمی دانستیم و سپس الله سبحانه و تعالی این خیر را نازل فرمود "این دین، نظام این حکومت داری، این دعوت و این قانون".

فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ

آیا بعد از این خیر، شر خواهد بود؟

آیا زمان خواهد رسید که جاهلیت دوباره حاکم گردد؟

نَعَمْ وَفِيهِ دَخْنٌ، قُلْتُ : وَمَا دَخْنُهُ، قَالَ : قَوْمٌ يَهْدُونَ بَعْضُ هَدْيِي تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنَكِرُ

بلی. من پرسیدم: "آیا بعد از آن شر، خیر خواهد

بود؟" او صلی الله علیه و سلم گفت: بلی، اما در

آن دخن (شر کوچک) خواهد بود. من پرسیدم:

دخن چیست؟ او صلی الله علیه و سلم فرمود:

بعضی مردم خواهند بود که مردم را به غیر از

اصول سنت من رهبری می کنند. شما بعضی

اعمال آن ها را شناسایی/قبول خواهید نمود و بعضی آن ها را زشت خواهید دریافت.

بلی. اسلام دوباره تطبیق می گردد اما با نواقص، همه چیز مطابق اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم نخواهد بود. شما بعضی آن ها را خواهید شناخت (هم چنان قبول خواهید کرد) و دیگران را رد خواهید نمود.

یعنی تمام امت با عدم تطبیق کامل اسلام راضی خواهند بود. معروف و منکر آن ها تغییر خواهد کرد.

: فَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرِّ، قَالَ : نَعَمْ دُعَاةٌ إِلَى أَبْوَابِ جَهَنَّمَ

آیا بعد از آن خیر، شر خواهد بود؟ او صلی الله علیه و سلم گفت: بلی، بعضی مردم وجود خواهد داشت که مردم به سوی دروازه های دوزخ دعوت

می نمایند و کسی که دعوت آن ها را قبول نماید  
با آن ها به دوزخ انداخته خواهد شد.

این دقیقاً زمان ما است.

يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا، فَقَالَ  
: هُمْ مِنْ جِلْدَتِنَا وَيَتَكَلَّمُونَ  
بِأَلْسِنَتِنَا

این مردمان گمراه از میان این امت هستند که به  
لسان ما حرف می زنند و از نژاد ما هستند.

قُلْتُ : فَمَا تَأْمُرُنِي أَنْ  
أَذْرَكَنِي ذَلِكَ، قَالَ : تَلْزَمُ  
جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ

در چنین زمان چی باید کنیم؟ با جماعت و امام  
چنگ زنید. بغاوت نکنید و همراه حکام مشروع  
مسلمان بمانید.

قُلْتُ : فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ  
جَمَاعَةٌ وَلَا إِمَامٌ، قَالَ :  
فَاعْتِزِلْ تِلْكَ الْفِرْقَ كُلَّهَا

اگر جماعت و حاکم مشروع مسلمان وجود نداشت، پس از تمام گروه های گمراه دوری کنید.

آیا این حدیث از ما نمی خواهد که گوشه نشینی (رهبانیت) اختیار نمائیم؟ این حدیث با بیشتر احادیث که در موضوعات قبلی خواندیم در تناقض قرار دارد. پس؛ این حدیث باید به شکل درک گردد که با دیگر احادیث در تکرار یا تناقض قرار نگیرد مانند این سخن که رهبانیت در اسلام وجود ندارد یا از جماعت مسلمین جدا نگردید یا فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم که می گوید: تنها یک گروه از امت من در مسیر درست خواهد بود و آن گروه کامیاب اند. با در نظر داشت تمام احادیث مرتبط به این موضوع، به این نتیجه می رسیم که باید از گروه حاکم دوری نمائیم که مردم را به سوی آتش دوزخ هدایت می کند. احادیث و

آیات بیشتر وجود دارد که این درک و فهم را تقویت می نماید.

عَنْ الْمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ ، عَنْ قَيْسٍ ، عَنْ الْمُغِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " لَا يَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنِي صَفْوَانُ بْنُ صَالِحٍ ، قَالَ : ثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، يَرْوِيهِ

" لَا تَزَالُ عِصَابَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى النَّاسِ ، لَا يُبَالُونَ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَنْزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ "

بدین معنی که بالای ما واجب است تا این چنین گروه یا فرقه را پیدا نمایم.

مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ

حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو بْنُ حَمْدَانَ ، قَالَ : ثنا الْحَسَنُ بْنُ سُفْيَانَ ، قَالَ : ثنا عَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ ، قَالَ : ثنا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ ، قَالَ : ثنا ابْنُ جَبْرِ ، عَنْ عُمَيْرِ بْنِ هَانِيٍّ ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ ، قَالَ : " سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ ، وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ ، يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : " لَا تَزَالُ أُمَّتِي قَائِمَةً بِأَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ ، وَلَا مَنْ خَدَلَهُمْ ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ ظَاهِرُونَ عَلَى النَّاسِ "

عَنْ ثَوْبَانَ

نا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ ، عَنْ أَيُّوبَ ، عَنْ أَبِي قَلَابَةَ ، عَنْ أَبِي أَسْمَاءَ ، عَنْ ثَوْبَانَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَدَلَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ ، وَهُمْ كَذَلِكَ

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى ، قَالَا : حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ ، عَنْ أَيُّوبَ ، عَنْ أَبِي قَلَابَةَ ، عَنْ أَبِي أَسْمَاءَ ، عَنْ ثَوْبَانَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

در احادیث ذیل، بعضی جزئیات در مورد آمدن  
فتنه را دریافت می‌نمائیم. امت آخرین پیامبر  
صلی الله علیه و سلم یک دیگر خود را نابود و اسیر  
خواهند نمود. بدترین مسئله در ارتباط به این  
حالت موجودیت حکام گمراه می‌باشد. این  
حکام، افراد این امت را به قتل می‌رسانند و کفار  
را ولی می‌گیرند. اما یک طایفه در مسیر حق قرار  
خواهند داشت.

إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ، أَوْ قَالَ : إِنَّ رَبِّي زَوَى  
لِي الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ مُلْكَ  
أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مَا زَوَى لِي مِنْهَا وَأُعْطِيَتِ الْكُنُزَيْنِ  
الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ، وَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي لِأُمَّتِي أَنْ لَا  
يُهْلِكَهَا بِسَنَةِ بَعَامَةٍ وَلَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ  
سِوَى أَنْفُسِهِمْ فَيَسْتَبِيحَ بَيضَتَهُمْ؟ وَإِنَّ رَبِّي قَالَ لِي  
: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي إِذَا قَضَيْتُ قَضَاءً فَإِنَّهُ لَا يُرَدُّ وَلَا  
أَهْلِكُهُمْ بِسَنَةِ بَعَامَةٍ وَلَا أُسَلِّطُ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ  
سِوَى أَنْفُسِهِمْ فَيَسْتَبِيحَ بَيضَتَهُمْ وَلَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمْ  
مِنْ بَيْنِ أَفْطَارِهَا، أَوْ قَالَ : بِأَفْطَارِهَا حَتَّى يَكُونَ  
بَعْضُهُمْ يَهْلِكُ بَعْضًا، وَحَتَّى يَكُونَ بَعْضُهُمْ يَسْبِي  
بَعْضًا، وَإِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيْمَةَ الْمُضِلِّينَ  
وَإِذَا وُضِعَ السِّيفُ فِي أُمَّتِي لَمْ يُرْفَعْ عَنْهَا إِلَى يَوْمٍ

الْقِيَامَةِ وَلَا تَقُومُ السَّاعَةَ حَتَّى تَلْحَقَ قَبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي  
 بِالْمُشْرِكِينَ وَحَتَّى تَعْبُدَ قَبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي الْأَوْثَانَ  
 وَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي كَذَابُونَ ثَلَاثُونَ كُلُّهُمْ يَزْعُمُ  
 أَنَّهُ نَبِيٌّ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا تَزَالُ  
**طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ** ، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ :  
 ظَاهِرِينَ ثُمَّ اتَّفَقَا لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ  
 أَمْرُ اللَّهِ

ثوبان روایت می کند:

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: الله سبحانه و  
 تعالی زمین را برایم جمع نمود، یا (راوی مشکوک  
 است) او صلی الله علیه و سلم گفت: خالق ام  
 زمین را برایم جمع نمود تا اندازه که شرق و غرب  
 (حد و مرز) آن را دیدم. حاکمیت امت من تا جائی  
 خواهد رسید که زمین برایم نشان داده شد. دو  
 گنج "سرخ و سفید" برایم اعطا گردید. من به الله  
 سبحانه و تعالی دعا نمودم که امت ام را با غالبیت  
 قحطی نابود مگردان و کنترل آن ها را به دست  
 دشمن مسپار که به طور کلی آن ها را از بین ببرد،  
 به جز از میان آن ها. پروردگارم به من گفت:

محمد! اگر من تصمیم بگیرم، هیچ کس توان  
دفع آن را ندارد و من آن ها را با غالبیت قحطی  
نابود نخواهم کرد و کنترل آن ها را به دشمن  
نخواهم سپرد، به جز خود آن ها که به یک باره  
گی آن ها را از بین می برد. حتی اگر از تمام  
جبهات زمین مورد حمله قرار گیرند، با آن هم یک  
گروه، گروه دیگر را نابود ساخته و یک گروه، گروه  
دیگر را اسیر می سازد. من خوف دارم از حاکمان  
امت ام که به گمراهی رهبری می کنند. هنگامی  
که در میان مردم شمشیر از خلاف بیرون شد، الی  
روز قیامت خلاف نخواهد گردید و آخرین ساعت  
قبل از این که اقوام امت ام به شرک و بت پرستی  
رو نیاورند، اتفاق نخواهد افتاد. در میان امت ام  
سی دروغ گوه بزرگ پیدا خواهد شد که هر کدام  
ادعای نبوت را می کنند، در حالی که من آخرین  
پیامبران هستم که بعد از من هیچ نبی یا پیامبر  
نخواهد آمد و یک گروه از امت ام به ریسمان حق  
چنگ خواهد زد - (مطابق بر نسخه حضرت

عایشه رض: به حاکمیت ادامه خواهند داد) -  
نسخه قابل توافق شده این است: توسط مخالفین  
آن ها مجروح نخواهند گردید تا این که فرمان الله  
سبحانه و تعالی برسد.

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ إِسْحَاقَ الْفَقِيهَ ، أَنبَأَ عَلِيُّ بْنُ  
عَبْدِ الْعَزِيزِ ، ثنا حَجَّاجُ بْنُ الْمُنْهَالِ ، ثنا حَمَّادُ بْنُ  
سَلَمَةَ ، عَنْ قَتَادَةَ بْنِ دِعَامَةَ ، عَنْ مُطَرِّفٍ ، عَنْ  
عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ

لَا تَرَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُفَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ  
ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ ، حَتَّى يُفَاتِلَ آخِرُهُمْ  
الْمَسِيحَ الدَّجَالَ " هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ  
مُسْلِمٍ ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ

جَابِرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَحَجَّاجُ بْنُ الشَّاعِرِ ،  
قَالَا : حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ : قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ

: أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ ، أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ  
، يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : " لَا تَرَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَيَّ  
الْحَقَّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ شُجَاعٍ وَهَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ  
وَحَجَّاجُ بْنُ الشَّاعِرِ ، قَالُوا : حَدَّثَنَا حَجَّاجٌ وَهُوَ  
ابْنُ مُحَمَّدٍ ، عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبُو  
الزُّبَيْرِ ، أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ، يَقُولُ :  
سَمِعْتُ النَّبِيَّ

يَقُولُ : " لَا تَرَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَيَّ  
الْحَقَّ ، ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ " ، قَالَ : " فَيَنْزِلُ  
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ :  
تَعَالَ صَلِّ لَنَا ، فَيَقُولُ : لَا ، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ  
أُمَرَاءُ ، تَكْرِمَةً لِلَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ

جابر بن عبدالله نقل می کند:

من شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت:  
یک گروه از امت من به خاطر حق جنگ را متوقف  
نخواهد ساخت و تا روز قیامت غالب (حاکم،  
مسلط) خواهند بود. او صلی الله علیه و سلم

فرمود: سپس، حضرت عیسیٰ رضی الله عنه پسر مریم فرود خواهد آمد و حاکمان آن‌ها (مسلمانان) از عیسیٰ رضی الله عنه می‌خواهند که در نماز پیش قدم گردد، اما او رضی الله عنه می‌گوید: نخیر، تعداد از میان شما بالای تعداد دیگر حاکم هستید. این است شرف و افتخار که الله سبحانه و تعالی برای این امت اعطا نموده است. صحیح مسلم 156

زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ

حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّامِيِّ ، قَالَ :  
سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ ، يَخْطُبُ ، وَهُوَ يَقُولُ : يَا أَهْلَ  
الشَّامِ ، حَدَّثَنِي الْأَنْصَارِيُّ يَعْنِي : زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ ،  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ حَتَّى  
يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ ، وَإِنِّي أَرَاكُمْ هُمْ يَا أَهْلَ الشَّامِ "

الْعَرَبِيَّاتُ بِنُ سَارِيَةَ

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ ، ثنا الْحَارِثُ بْنُ  
أَبِي أُسَامَةَ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْوَاقِدِيُّ ، ثنا

مُعَاوِيَةُ بْنُ صَالِحٍ ، عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ حَبِيبٍ ، عَنْ  
 عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو السُّلَمِيِّ ، وَحَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ  
 بْنُ أَحْمَدَ ، ثنا أَبُو بَرِيدٍ الْقَرَّاطِيُّ ، ثنا أَسَدُ بْنُ  
 مُوسَى ، ثنا مُعَاوِيَةُ بْنُ صَالِحٍ ، عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ  
 حَبِيبٍ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو السُّلَمِيِّ ،  
 وَحَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مَالِكٍ ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ  
 حَنْبَلٍ ، حَدَّثَنِي أَبِي ، ثنا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ ،  
 ثنا مُعَاوِيَةُ يَعْنِي ابْنَ صَالِحٍ ، عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ حَبِيبٍ  
 ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو السُّلَمِيِّ ، وَحَدَّثَنَا  
 أَبُو عَمْرٍو بْنُ حَمْدَانَ ، ثنا ابْنُ شَيْرَوَيْهِ ، ثنا  
 إِسْحَاقُ ، أَنبَأَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ ، ثنا مُعَاوِيَةُ  
 بْنُ صَالِحٍ ، وَحَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ بْنُ حَمْرَةَ إِمْلَاءً ،  
 ثنا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثنا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عُمَرَ  
 رُسْتَةَ ، ثنا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ ، ثنا مُعَاوِيَةُ  
 بْنُ صَالِحٍ ، عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ حَبِيبٍ ، عَنْ عَبْدِ  
 الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو السُّلَمِيِّ ، أَنَّهُ سَمِعَ العرباض  
بْنَ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، يَقُولُ : وَعَظَنَا رَسُولُ  
 اللَّهِ مَوْعِظَةً ذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ ، وَوَجِلَتْ مِنْهَا  
 الْقُلُوبُ ، قُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّ هَذِهِ لَمَوْعِظَةٌ  
 مُودَعٌ ، فَمَاذَا تَعْهَدُ إِلَيْنَا؟ ، قَالَ :

" قَدْ تَرَكَكُمْ عَلَى النَّيْضَاءِ لَيْلَهَا كَنَهَارِهَا لَا يُعْدِي  
 إِلَّا هَالِكٌ ، وَمَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسَيَرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا ،  
 فَعَلَيْكُمْ بِمَا عَرَفْتُمْ مِنْ سُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ  
 الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ ، وَعَلَيْكُمْ بِالطَّاعَةِ ، وَإِنَّ عَبْدًا

حَبِشِيًّا عَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ، وَإِنَّمَا الْمُؤْمِنُ  
كَالْجَمَلِ الْإِنْفِ حَيْثُ قِيدَ انْقَادَ "

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ

وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى وَمُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ سِمَاكِ  
بْنِ حَرْبٍ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ

أَنَّهُ قَالَ : " لَنْ يَبْرَحَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا يُقَاتِلُ عَلَيْهِ  
عَصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ

در مسند جابر بن سمورا روایت شده که پیامبر  
صلی الله علیه و سلم فرمود: این دین اقامه خواهد  
گردید و یک گروه از مسلمانان برای حفاظت آن  
به جنگ خواهند پرداخت تا این که ساعت رخ  
دهد. صحیح مسلم 1922

زَيْدُ بْنُ نَابِتٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ،  
حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ سُلَيْمَانَ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي بَرْزَةَ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَفَّانَ ، عَنْ

أَبِيهِ ، قَالَ : خَرَجَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ مِنْ عِنْدِ مَرْوَانَ  
بِإِصْفِ النَّهَارِ ، قُلْتُ : مَا بَعَثَ إِلَيْهِ هَذِهِ السَّاعَةَ إِلَّا  
لِشَيْءٍ سَأَلَ عَنْهُ ، فَسَأَلْتُهُ ، فَقَالَ : سَأَلْنَا عَنْ أَشْيَاءَ  
سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : **مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ** ، فَارَقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ ،  
وَجَعَلَ قَفْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا  
كُتِبَ لَهُ ، وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ نِيَّتَهُ ، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ  
أَمْرَهُ ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ ، وَأَثْنَهُ الدُّنْيَا وَهِيَ  
رَاحِمَةٌ

عبدالرحمن بن ابان بن عثمان بن عفان روایت  
می کند که پدرش گفت: زید بن ثابت در نصف  
راه از نزد مروان رفت. من گفتم: در این وقت روز  
او را روان نکرده است مگر برای تقاضای چیزی.  
پس از او پرسیدم و او گفت: او از من در مورد  
چیزی پرسید که ما از رسول الله صلی الله علیه و  
سلم شنیدم که گفت: کسی که تنها بالای این  
دنیا تمرکز نماید، الله سبحانه و تعالی امورش را  
پریشان خواهد نمود و به ترس از فقر دائمی دچار  
خواهد کرد و هیچ چیزی اضافه برایش نخواهد

رسید مگر همان قدر که تعیین است. هر کسی که بالای آخرت تمرکز نماید، الله سبحانه و تعالی امور را برایش آسان خواهد کرد و به چیزی که از دست داده او را خوشحال خواهد نمود و بدون شک که رزق وی در دنیا به سویش خواهد آمد.  
صحیح (دارالسلام)

انگلیسی: جلد 5، کتاب 37، حدیث 4105

عربی: کتاب 37، حدیث 4244

سنن ابن ماجه

### حب دنیا

قبل از امت اسلامی چی چیزی باعث سقوط "هلاکت" ملت های قبلی گردید؟ آن حب دنیا بود یعنی دوست داشتن زنده گی دنیا و کراهیت از مرگ. آن شح، بخل، کبر، تنافس و مانند آن بود.

## 1. عَنْ ثَوْبَانَ

a. وَلَيُبْزَعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ

عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ

b. وَلَيَقْذِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ **الْوَهْنَ**

، فَقَالَ قَائِلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ

وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ : حُبُّ الدُّنْيَا

وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ

## 2. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. وَمَا الْوَهْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ

: " حُبُّكُمْ الدُّنْيَا، وَكَرَاهِيَتُكُمْ

الْمَقْتَالِ (ghareeb)

## 3. رَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

a. **مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ** ، فَرَقَّ

اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ

بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا

إِلَّا مَا كُنِبَ لَهُ

## 4. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ الْأَنْصَارِيِّ

a. وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَنَبِيَّتُهُ

وَطَلِبَتُهُ، أَفْسَى اللَّهُ عَلَيْهِ

ضَيَعَتُهُ، وَجَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ

عَيْنَيْهِ

عَنْ ثَوْبَانَ

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِبرَاهِيمَ الدَّمَشْقِيُّ ، حَدَّثَنَا  
يَسْرُ بْنُ بَكْرٍ ، حَدَّثَنَا ابْنُ جَابِرٍ ، حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ  
السَّلَامِ ، عَنْ ثَوْبَانَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكْلَةُ  
إِلَى قَصْعَتِهَا ، فَقَالَ قَائِلٌ : وَمَنْ قِلَّةٌ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ؟  
قَالَ : بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غُنَاءٌ كَغُنَاءِ السَّبِيلِ  
وَلَيُنْزَعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ  
وَلَيَقْدِرَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ ، فَقَالَ قَائِلٌ : يَا  
رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْوَهْنُ؟ قَالَ : حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ  
الْمَوْتِ

ثوبان روایت می کند:

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: زود است که  
همه مردم جمع شوند و بالای شما حمله نمایند  
همان طوری که از مردمان گرسنه برای خوردن  
غذا دعوت می نمایند. کسی پرسید: آیا آن حالت  
به خاطر کم بودن تعداد ما است؟ او صلی الله  
علیه و سلم جواب داد: نخیر، در آن زمان تعداد  
شما زیاد خواهد بود، اما به مثل کف و خس و

خاشاک روی دریا خواهید بود که توسط شمال  
پراکنده می شوید و الله سبحانه و تعالی ترس شما  
را از دل کفار بیرون کرده و در قلب های شما وهن  
را می آورد. شخصی پرسید که وهن چیست ای  
رسول الله صلی الله علیه سلم؟ او صلی الله علیه و  
سلم جواب داد: وهن؛ حب دنیا و کراهیت از مرگ  
است.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ الْمَدَائِنِيُّ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ  
حَبِيبِ الْأَزْدِيُّ ، عَنْ أَبِيهِ حَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ  
شُبَيْلِ بْنِ عَوْفٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ (حسن لغیره)

يَقُولُ لِتُؤَيَّانَ : " كَيْفَ أَنْتَ يَا تُؤَيَّانُ إِذْ تَدَاعَتْ  
عَلَيْكُمْ الْأُمَّمُ كَتَدَاعِيكُمْ عَلَى قَصْعَةِ الطَّعَامِ  
يُصِيبُونَ مِنْهُ؟ ! " قَالَ تُؤَيَّانُ : بِأَبِي وَأُمِّي يَا  
رَسُولَ اللَّهِ ، أَمِنْ فَلَّةٍ بِنَا؟ قَالَ : " لَا ، بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ  
كَثِيرٌ ، وَلَكِنْ يُلْقَى فِي قُلُوبِكُمْ الْوَهْنُ " ، قَالُوا : وَمَا

الْوَهْنَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : " حُبُّكُمْ الدُّنْيَا،  
وَكَرَاهِيَّتُكُمْ الْقِتَالَ "

زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ،  
حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ سُلَيْمَانَ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِيانَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ ، عَنْ  
أَبِيهِ ، قَالَ : خَرَجَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ مِنْ عِنْدِ مَرْوَانَ  
بِیْنَصَفِ النَّهَارِ ، قُلْتُ : مَا بَعَثَ إِلَيْهِ هَذِهِ السَّاعَةَ إِلَّا  
لِشَيْءٍ سَأَلَ عَنْهُ ، فَسَأَلْتُهُ ، فَقَالَ : سَأَلْنَا عَنْ أَشْيَاءَ  
سَمِعْنَاهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ ، فَرَقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ ،  
وَجَعَلَ فِقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا  
كُتِبَ لَهُ ، وَمَنْ كَانَتْ الْأَجْرَةُ نِيَّتَهُ ، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ  
أَمْرَهُ ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ  
رَاغِمَةٌ

عبدالرحمن بن ابان بن عثمان بن عفان روایت  
می کند که پدرش گفت: زید بن ثابت در نصف  
راه از نزد مروان رفت. من گفتم: در این وقت روز  
او را روان نکرده است مگر برای تقاضای چیزی.  
پس از او پرسیدم و او گفت: او از من در مورد

چیزی پرسید که ما از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدیم که گفت: کسی که تنها بالای این دنیا تمرکز نماید، الله سبحانه و تعالی امورش را پریشان خواهد نمود و به ترس از فقر دائمی دچار خواهد کرد و هیچ چیزی اضافه برایش نخوهد رسید مگر همان قدر که تعیین است. هر کسی که بالای آخرت تمرکز نماید، الله سبحانه و تعالی امور را برایش آسان خواهد کرد و به چیزی که از دست داده او را خوشحال خواهد نمود و بدون شک که رزق وی در دنیا به سویش خواهد آمد.

صحیح (دارالسلام)

انگلیسی: جلد 5، کتاب 37، حدیث 4105

عربی: کتاب 37، حدیث 4244

سنن ابن ماجه

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رُمْحٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ لَهْبَعَةَ،  
عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ، وَحُمَيْدِ بْنِ هَانِئٍ  
الْحَوْلَانِيِّ، أَنَّهُمَا سَمِعَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُبَلِيِّ،

يُخْبِرُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، عَنْ  
رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنَّهُ قَالَ

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ هُدِيَ إِلَى الْإِسْلَامِ  
وَرَزِقَ الْكَفَافَ وَقِنِعَ بِهِ

از عبدالله بن عمر روایت است که پیامبر صلی الله  
علیه وسلم فرمود: "کسی که با اسلام هدایت شد،  
فلاح یافت و رزق کافی برایش اعطا و با آن راضی  
گردید". صحیح (دارالسلام)

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمَّادٍ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَيَّاشٍ،  
عَنْ أَبِي حَصِينٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَعَبْدُ  
الدَّرْهَمِ وَعَبْدُ الْقَطِيفَةِ وَعَبْدُ  
الْخَمِيصَةِ إِنْ أُعْطِيَ رِزْبِي وَإِنْ  
لَمْ يُعْطَ لَمْ يَفِ

از ابو هريره رض روایت است که رسول الله صلی  
الله علیه و سلم فرمود: بد بخت کسی است که  
بندۀ دینار، درهم، پارچه مخملی و بندۀ خمیصه  
باشد. اگر برایش همین چیز ها داده شد، پس  
خوش می گردد و اگر داده نشد به پیمان و میثاق  
اش وفا نمی کند. صحیح (دارالسلام)

حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ، وَإِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُنْذِرِ  
الْحِزَامِيُّ، وَمُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ، قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو  
يَحْيَى، زَكَرِيَّا بْنُ مَنْظُورٍ حَدَّثَنَا أَبُو حَازِمٍ، عَنْ  
سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِبَيْتِ الْخَلِيفَةِ فَإِذَا هُوَ بِشَاةٍ مَيْتَةٍ سَائِلَةٍ  
بِرَجْلِهَا فَقَالَ

أَتَرُونَ هَذِهِ هَيْئَةً عَلَى  
صَاحِبِهَا فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ  
لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ  
عَلَى صَاحِبِهَا وَلَوْ كَانَتْ  
الدُّنْيَا تَزُنُّ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ  
بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا  
قَطْرَةً أَبَدًا "

روایت شده که سهل بن سعد گفت: " ما، در ذالحلیفه با رسول الله صلی الله علیه و سلم بودیم، وقتی که ما یک گوسفند مرده را دیدیم که (به خاطر باد) پاهش سنگین شده بود. او صلی الله علیه و سلم گفت: " آیا فکر نمی کنید که این گوسفند برای صاحب اش بی ارزش است؟ قسم به ذات که جانم در دست اوست، این دنیا نزد الله سبحانه و تعالی بی ارزش تر است نسبت به گوسفند مرده برای صاحب اش. اگر این دنیا به اندازه بال پشه نزد الله سبحانه و تعالی ارزش می داشت، الله سبحانه و تعالی یک قطره آب را برای کفار نمی داد تا بنوشند". حسن (دارالسلام)

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْمُقَدَّمِيُّ ، أَخْبَرَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ الْقَطَّانُ ، أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ ، حَدَّثَنِي عُمَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ ، عَنْ النَّبِيِّ قَالَ :

مَنْ كَانَتْ نَيْبَتُهُ الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَلَمْ يَأْخُذْ مِنْهَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ،

وَمَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ، وَجَعَلَ  
غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ "

حَدَّثَنَا يُوسُفُ الْقَاضِي ، ثنا عَمْرُو بْنُ مَرْزُوقٍ ،  
أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ ، قَالَ : سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ سَلِيمَانَ ،  
يُحَدِّثُ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِيَانَ بْنِ عُثْمَانَ ، عَنْ  
أَبِيهِ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ الْآخِرَةَ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ شَمْلَهُ، وَجَعَلَ  
غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا رَاغِمَةً، وَمَنْ كَانَتْ نِيَّتُهُ  
الدُّنْيَا فَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَمْرَهُ، وَجَعَلَ فُفْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ،  
وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْدِيُّ ، حَدَّثَنَا شَرِيكٌ ،  
حَدَّثَنَا هَمَّامٌ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ أَنَسٍ ، عَنْ النَّبِيِّ :

مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَسَدَمَهُ جَعَلَ اللَّهُ فُفْرَهُ بَيْنَ  
عَيْنَيْهِ

نا أَحْمَدُ ، نا سُفْيَانُ ، نا الْمُحَارِبِيُّ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ  
، عَنْ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ ، عَنْ أَنَسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ،  
وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَنِيَّتُهُ

وَطَلَّبْتَهُ، أَفْشَى اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ، وَجَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ  
عَيْنَيْهِ، فَلَا يُصْبِحُ إِلَّا فَقِيرًا، وَلَا يُمْسِي إِلَّا فَقِيرًا

نا أَحْمَدُ ، نا سُفْيَانُ ، نا الْمُحَارِبِيُّ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ  
، عَنْ الْحَسَنِ وَقَتَادَةَ ، عَنْ أَنَسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

مَنْ كَانَتْ الْأَخْرَةُ هَمَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ،  
وَجَعَلَ غَنَاةَ فِي قَلْبِهِ، وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ وَبَيْتَهُ  
وَطَلَّبْتَهُ، أَفْشَى اللَّهُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ، وَجَعَلَ الْفَقْرَ بَيْنَ  
عَيْنَيْهِ، فَلَا يُصْبِحُ إِلَّا فَقِيرًا، وَلَا يُمْسِي إِلَّا فَقِيرًا

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ الْمُعْجَمِ لِأَبِي بَكْرٍ بْنِ كَامِلٍ بِحَطِّهِ،  
وَأَنْبِيَاءِهِ يُوسُفُ ، عَنْهُ قَالَ : أَنْبَأَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ  
بْنُ هَاشِمٍ بْنِ طَاهِرٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَبَّاطِبَا الْعُلَوِيِّ ،  
كِتَابَتَهُ، وَحَدَّثَنَا عَنْهُ عَبْدُ الْهَادِي بْنِ عَلِيِّ الْهَمْدَانِيُّ  
، قَالَ : أَنْبَأَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ رِيْدَةَ ، وَأَنْبَأَنَا عَبْدُ الرَّجِيمِ  
بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ الْأَصْبَهَانِيَّ ، فِي كِتَابِهِ إِلَيَّ،  
قَالَ : أَنْبَأَنَا أَبُو نَهْشَلٍ عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ أَحْمَدَ  
الْعَنْبَرِيَّ ، أَنْبَأَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْحُسَيْنِ بْنِ فَادِشَاهُ ، قَالَا : أَنْبَأَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ  
الطَّبْرَانِيَّ ، أَنْبَأَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدِ الرَّازِيَّ ، ثنا عَلِيُّ  
بْنُ مُحَمَّدِ الطَّنَافِيسِيِّ ، ثنا مَنْصُورُ بْنُ زَادَانَ  
الْعَطَّارُ ، ثنا أَبُو حَمْرَةَ الثَّمَالِيُّ ، عَنْ عِكْرِمَةَ ،

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ فِي  
مَسْجِدِ الْخَيْفِ ، فَحَمِدَ اللَّهَ ، وَذَكَرَهُ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ ، ثُمَّ

قَالَ :

مَنْ كَانَتْ الْأَخْرَةُ هَمَّهُ ، جَمَعَ اللَّهُ لَهُ شَمْلَهُ ، وَجَعَلَ  
غِنَاهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ ، وَمَنْ  
كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ ، فَرَّقَ اللَّهُ شَمْلَهُ ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ  
عَيْنَيْهِ ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا كُتِبَ لَهُ "

تنها باید تحت حاکمیت امام یا خلیفه زنده گی  
کرد

برای مسلمانان جایز نیست تا اسلام را تطبیق  
نکنند یا به حیث امت امر به معروف نمایند و یا  
به حمل دعوت پیامبر صلی الله علیه و سلم برای  
سایر بشر مطابق سنت که از طریق قتال و جهاد  
است، نپردازند. تمام این موارد در صورت امکان  
پذیر است که آن ها دارای امام باشند به طور  
مثال؛ رهبر که این مسؤلیت را به عهده گیرد. این  
قضیه "داشتن امام" از زمان آغاز مدینه النبی  
(شهری که در آن پیامبر صلی الله علیه و سلم  
قانون را تطبیق می کرد) الی سقوط خلافت

عثماني ها وجود داشت. زنده گي تحت حاكميت  
كفار به جز از چند مورد استثنائي به طور واضح  
منع شده است. زنده گي با مسلمانان و تحت  
حاكميت امام فرض مي باشد.

**الكتاب: مفهوم الولاء والبراء في القرآن  
والسنة**

**المؤلف: علي بن نايف الشحود**

**الطبعة: الأولى، 1433هـ - 2012 م**

لا يجوز للمسلم أن يجامل الكفار على حساب  
دينه، أو أن يوافقهم في أفعالهم، لأن أفعالهم ربما  
تكون كفرًا وشرًا وكبائر من كبائر الذنوب، فلا  
يجوز للمسلم أن يوافقهم على ذلك، أو أن  
يشاركهم في ذلك باختياره، بل الواجب عليه أن  
يُظهرَ دينه.

ولا يجوز له الإقامة مع الكفار والبقاء في بلادهم  
إلا إذا كان يقدر على إظهار دينه، بأن يأمر  
بالمعروف، وينهى عن المنكر، ويدعو إلى الله  
عز وجل، هذا هو إظهار الدين، فإذا كان لا  
يستطيع ذلك، وجب عليه أن يُهاجر إلى بلاد  
المسلمين من بلاد الكفار، ولا يبقى فيها على  
حساب دينه وعقيدته.

ما حكم السّفَر إلى بلاد غير إسلامية بقصد السُّكنى والاستيطان فيها؟  
الأصل أنّ السفر إلى بلاد الكفّار لا يجوز لمن لا يقدر على إظهار دينه، ولا يجوز إلا لضرورة، كالعلاج وما أشبه ذلك، مع القدرة على إظهار الدّين، والقيام بما أوجب الله سبحانه وتعالى، وأن لا يداهن ولا يُماري في دينه، ولا يتكاسل عن أداء ما أوجب الله عليه.

.....بل إظهار الدين أمر وراء ذلك، وهو تبيين الرجل عقيدته الإسلامية عند كل مناسبة، وتكفير كل من خلفها، وعيهم والتحفّظ من مودتهم والركون إليهم واعتزالهم، والبراءة منهم.

المؤلف : محمد علاء الدين بن علي الحصكفي  
(المتوفى : 1088هـ)

الكتاب : الدر المختار شرح تنوير الأبصار في  
فقه مذهب الإمام أبي حنيفة

### باب الإمامة

هي صغرى وكبرى فالكبرى استحقاق تصرف  
عام على الأنام وتحقيقه في علم الكلام ونصبه

**أهم الواجبات** فلذا قدموه على دفن صاحب  
المعجزات

المؤلف : أ.د. وَهْبَةُ الزُّحَيْلِيِّ  
الكتاب : الفقه الإسلامي وأدلته

الإمامة موضوعه لخلافة النبوة في حراسة الدين  
وسياسة الدنيا. وتعيين الإمام واجب شرعي من  
**أهم الواجبات** باتفاق العلماء

### 1. عَنْ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ

a. أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ أَقَامَ مَعَ  
مُشْرِكٍ فِي دَارِ الْحَرْبِ

### 2. جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

a. أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يُؤَيِّمُ بَيْنَ  
أَظْهَرِ الْمُشْرِكِينَ،

b. " مَنْ أَقَامَ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فَقَدْ بَرَأَتْ  
مِنْهُ الدِّمَةُ

c. أَوْ قَالَ : لَا ذِمَّةَ لَهُ

### 3. عَنْ مُعَاوِيَةَ

a. مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ

### 4. عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

a. وَمَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ  
عَلَيْهِ طَاعَةٌ

5. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ

- a. مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ  
b. وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ  
مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

6. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

- a. وَإِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ وَرَائِهِ  
وَيُتَّقَى بِهِ  
b. وَمَنْ يُطِيعَ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ  
يَعْصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي  
c. مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ  
الْجَمَاعَةَ ثُمَّ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً  
d. وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ يَعْضُبُ  
لِلْعَصْبَةِ وَيُقَاتِلُ لِلْعَصْبَةِ فَلَيْسَ مِنْ  
أُمَّتِي

7. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

- a. وَمَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتُهُ  
مِيتَةً جَاهِلِيَّةً،  
b. وَمَنْ مَاتَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ يَدْعُو  
إِلَى عَصْبَةٍ

8. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

- a. مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَأَقْتُلُوهُ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

وَحَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ ، حَدَّثَنَا مَهْدِيُّ بْنُ مَيْمُونٍ ، عَنْ غَيْلَانَ بْنِ جَرِيرٍ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ رِيَّاحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ ثُمَّ مَاتَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ يَغْضَبُ لِلْعَصْبَةِ وَيُقَاتِلُ لِلْعَصْبَةِ فَلَيْسَ مِنْ أُمَّتِي، وَمَنْ خَرَجَ مِنْ أُمَّتِي عَلَى أُمَّتِي يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا لَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا وَلَا يَفِي بِذِي عَهْدِهَا فَلَيْسَ مِنِّي

حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ قَالَ أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الزُّنَادِ أَنَّ الْأَعْرَجَ حَدَّثَهُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

نَحْنُ الْأَخْرُورُ السَّابِقُونَ. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ مِنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهُ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهُ وَمَنْ يُطِعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ يَعْصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي وَإِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ

وَرَأَيْهِ وَيُتَّقَى بِهِ فَإِنْ أَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَعَدَلَ فَإِنَّ لَهُ  
بِذَلِكَ أَجْرًا وَإِنْ قَالَ بِغَيْرِهِ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِنْهُ.

عَنْ مُعَاوِيَةَ

حَدَّثَنَا أَبُو هِشَامِ الرَّقَاعِيُّ ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ  
عِيَّاشٍ ، عَنْ عَاصِمٍ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ عَنْ  
مُعَاوِيَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ ، مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ

عَنْ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ

وَاحْتَجُّوا بِحَدِيثِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي خَالِدٍ ، عَنْ قَيْسِ  
بْنِ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ عَنْ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ ، أَنَّ رَسُولَ  
اللَّهِ بَعَثَهُ إِلَى قَوْمٍ مِنْ خَنْعَمٍ فَأَعْتَصِمُوا بِالسُّجُودِ  
فَقَتَلَهُمْ فَوَدَّاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ بِنِصْفِ الدِّيَةِ ، وَقَالَ :

أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ أَقَامَ مَعَ مُشْرِكٍ فِي دَارِ  
الْحَرْبِ لَا تَرَاةَى نَارُهُمَا

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي دَاوُدَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي خَالِدٍ ، عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ ،

أَنَّ النَّبِيَّ بَعَثَهُ إِلَى أَنَسٍ مِنْ خَنْعَمَ ، فَأَعْتَصَمُوا بِالسُّجُودِ ، فَقَتَلَهُمْ ، فَوَدَّاهُمْ النَّبِيُّ بِنِصْفِ الدِّيَةِ ، ثُمَّ قَالَ : " أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ مَعَ مُشْرِكٍ ، لَا تَرَاعَى نَارَاهُمَا

جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا هَنَادُ بْنُ السَّرِيِّ ، حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ ، عَنْ قَيْسِ ، عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ سَرِيَّةً إِلَى خَنْعَمٍ فَأَعْتَصَمَ نَاسٌ مِنْهُمْ بِالسُّجُودِ فَأَسْرَعَ فِيهِمُ الْقَتْلُ ، قَالَ : قُبِّلَ ذَلِكَ النَّبِيُّ فَأَمَرَ لَهُمْ بِنِصْفِ الْعَقْلِ وَقَالَ :

" أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يُعِيْمُ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ ، قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ؟ قَالَ : لَا تَرَاعَى نَارَاهُمَا " ، قَالَ أَبُو دَاوُدَ : رَوَاهُ هُشَيْمٌ ، وَمَعْمَرٌ ، وَخَالِدٌ الْوَاسِطِيُّ ، وَجَمَاعَةٌ لَمْ يَذْكُرُوا

جَرِيرًا

نا أَحْمَدُ بْنُ سَيَّانٍ ، قَالَ : أَرْنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ  
بُنُ الْوَلِيدِ النَّرْسِيِّ ، قَالَ : نا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ ، عَنِ  
الْحَجَّاجِ بْنِ أَرْطَاةَ ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ أَبِي خَالِدٍ ،  
عَنْ قَيْسٍ ، عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَبَلِيِّ ، أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ :

" مَنْ أَقَامَ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فَقَدْ بَرَّتْ مِنْهُ الدِّمَةُ "  
هَذَا حَدِيثٌ " حَسَنٌ

وَحَدَّثَنَا عَبْدُ الْبَاقِي بْنُ قَانِعٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
عَلِيِّ بْنِ شُعَيْبٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ عَائِشَةَ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ ، عَنِ الْحَجَّاجِ ، عَنْ  
إِسْمَاعِيلَ ، عَنْ قَيْسٍ ، عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "مَنْ أَقَامَ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فَقَدْ  
بَرَّتْ مِنْهُ الدِّمَةُ أَوْ قَالَ : لا ذِمَّةَ لَهُ

عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْمُعَلَّى ، ثنا هِشَامُ بْنُ عَمَّارٍ ، ثنا  
عَمْرُو بْنُ وَاقِدٍ ، ثنا يُونُسُ بْنُ مَيْسَرَةَ ، عَنْ أَبِي  
إِدْرِيسٍ ، عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ ، أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ :

أَلَا إِنَّ الْجَنَّةَ لا تَحُلُ لِعَاصٍ ، وَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ  
نَاكِثٌ بِيَعْتَهُ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ أَجْذَمٌ ، وَمَنْ خَرَجَ مِنَ  
الْجَمَاعَةِ قَيْدَ شِبْرٍ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ خَلَعَ رَبْقَةَ الْإِسْلَامِ  
مِنْ عُنُقِهِ ، وَمَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ عَلَيْهِ

طَاعَةٌ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَعَثَ مَنْ مَاتَ مَيْتَةً  
جَاهِلِيَّةً، وَلِوَاءِ الْعَدْرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ اسْتِهِ

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّفَّارُ ،  
ثَنَا أَبُو إِسْمَاعِيلَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، ثَنَا أَبُو  
صَالِحٍ ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ،  
قَالَ : كَتَبَ إِلَيَّ خَالِدُ بْنُ أَبِي عُمَرَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي  
نَافِعٌ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ  
:

" مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ فِيَدٍ شَرِيٍّ ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ  
الإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهُ " ، وَقَالَ : " مَنْ  
مَاتَ وَوَلَّيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ جَمَاعَةٌ ، فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتَةٌ  
جَاهِلِيَّةٌ "

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّفَّارُ ،  
ثَنَا أَبُو إِسْمَاعِيلَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، ثَنَا أَبُو  
صَالِحٍ ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ ، حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ،

قَالَ : كَتَبَ إِلَيَّ خَالِدُ بْنُ أَبِي عِمْرَانَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي  
نَافِعٌ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ

:

مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ فَيَدُ شِبْرٍ ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ  
الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهُ " ، وَقَالَ : " مَنْ  
مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامُ جَمَاعَةٍ ، فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتُهُ  
جَاهِلِيَّةٌ "

حَدَّثَنِي أَبُو مَنْصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَتَكِيُّ ، ثنا  
أَبُو سَهْلٍ حَسَنُ بْنُ سَهْلِ اللَّبَّادِ ، ثنا أَبُو صَالِحٍ عَبْدُ  
اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ ، ثنا اللَّيْثُ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ،  
عَنْ خَالِدِ بْنِ أَبِي عِمْرَانَ ، عَنْ نَافِعٍ ، عَنِ ابْنِ  
عُمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ فَيَدُ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ  
الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهُ " ، قَالَ : " وَمَنْ  
مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامُ جَمَاعَةٍ ، فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتُهُ  
جَاهِلِيَّةٌ " وَخَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ : " يَا أَيُّهَا  
النَّاسُ ، إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ ، وَإِنْ سَعَتْهُ مَا  
بَيْنَ الْكُوفَةِ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ ، وَأَنْبِئْتُهُ كَعَدَدِ  
النُّجُومِ ، وَإِنِّي رَأَيْتُ أَنْاسًا مِنْ أُمَّتِي لَمَّا دَنَوْا مِنِّي  
خَرَجَ عَلَيْهِمْ رَجُلٌ ، قَالَ : بِيَوْمِ عَنِّي ، ثُمَّ أَقْبَلَتْ

زُمرَةً أُخْرَى فَفَعَلَ بِهِمْ كَذَلِكَ، فَلَمْ يُفَلِّتْ مِنْهُمْ إِلَّا كَمَثَلِ النَّعَمِ"، فَقَالَ: أَبُو بَكْرٍ لِعَلِّي مِنْهُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، قَالَ: " لا وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَخْرُجُونَ بَعْدَكُمْ وَيَمْشُونَ الْقَهْقَرَى".

هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَقَدْ حَدَّثَ بِهِ الْحَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَيْضًا، عَنِ اللَّيْثِ وَأَمَّ يُخَرِّجَاهُ

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى، ثنا مُعْتَمِرٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَنْسِ، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ وَهُوَ قَائِلٌ بِكَفِّهِ هَكَذَا كَأَنَّهُ يُشِيرُ شَيْئًا:

مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ شَيْرًا أَخْرَجَ مِنْ عُنُقِهِ رِيقَةَ الْإِسْلَامِ، وَالْمُخَالِفِينَ بِالْوَيْتِهِمُ يَبْنَأُونَ لَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ وَرَاءِ ظُهُورِهِمْ، وَمَنْ مَاتَ مِنْ غَيْرِ إِمَامِ جَمَاعَةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً"

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذِ الْعَنْبَرِيُّ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا عَاصِمٌ وَهُوَ ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ نَافِعٍ، قَالَ: " جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُطِيعٍ، جِئِنَ كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحَرَّةِ مَا كَانَ زَمَنَ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ، فَقَالَ:

أَطْرَحُوا لِأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَسَادَةً، فَقَالَ : إِيَّيْ لَمْ  
أَتَاكَ لِأَجْلِ أَسْمَاءَ أَتَيْتَكَ لِأَحَدَتِكَ حَدِيثًا سَمِعْتُ رَسُولَ  
اللَّهِ يَقُولُهُ

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ  
لِقِيَّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ  
فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً "

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى وَابْنُ بَشَّارٍ ، قَالَا : حَدَّثَنَا  
مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ غِيْلَانَ بْنِ  
جَرِيرٍ بِهَذَا الْإِسْنَادِ أَمَّا ابْنُ الْمُثَنَّى فَلَمْ يُذْكَرِ النَّبِيُّ  
فِي الْحَدِيثِ، وَأَمَّا ابْنُ بَشَّارٍ، فَقَالَ فِي رِوَايَتِهِ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَنْحَوِ حَدِيثَهُمْ

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَانِي ، قَالَ : نَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ  
أَبُو الْجَمَاهِرِ ، قَالَ : نَا خُلَيْدُ بْنُ دَعْلَجٍ ، عَنْ قَتَادَةَ  
، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قِيَاسًا، أَوْ قَيْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ  
رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ، وَمَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ

فَمَيِّتُهُ مَيِّتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ، وَمَنْ مَاتَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِّيَّةٍ  
يَدْعُو إِلَى عَصَبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصَبَةً، فَوَيْتِلُهُ قَتْلَةٌ  
جَاهِلِيَّةٌ

### حُدَيْفَةُ بْنُ الْيَمَانَ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُوسَى ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ :  
حَدَّثَنِي ابْنُ جَابِرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي بُسْرُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ  
الْحَضْرَمِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو إِدْرِيسَ الْخَوْلَانِيُّ  
، أَنَّهُ سَمِعَ حُدَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانَ ، يَقُولُ : كَانَ النَّاسُ  
يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ  
الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يُدْرِكَنِي ، فَقُلْتُ :

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرٌّ فَجَاءَنَا اللَّهُ  
بِهَذَا الْخَيْرِ فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ ، قَالَ : نَعَمْ ،  
قُلْتُ : وَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الشَّرِّ مِنْ خَيْرٍ ، قَالَ : نَعَمْ  
وَفِيهِ دَخْنٌ ، قُلْتُ : وَمَا دَخْنُهُ ، قَالَ : قَوْمٌ يَهْدُونَ  
بِعَيْرِ هَدْيِي تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنْكِرُ ، قُلْتُ : فَهَلْ بَعْدَ  
ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ ، قَالَ : نَعَمْ دُعَاةٌ إِلَى أَبْوَابِ  
جَهَنَّمَ مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَدْفَوْهُ فِيهَا ، قُلْتُ : يَا رَسُولَ  
اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا ، فَقَالَ : هُمْ مِنْ جِلْدَتِنَا وَيَتَكَلَّمُونَ  
بِاللِّسِنَتِنَا ، قُلْتُ : فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ ، قَالَ  
: تَلْزَمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ ، قُلْتُ : فَإِنْ لَمْ

يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةً وَلَا إِمَامًا، قَالَ : فَأَعْتَزَلُ تِلْكَ  
الْفِرْقَ كُلَّهَا وَلَوْ أَنْ تَعْصُ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ حَتَّى  
يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ

### امامان و مسؤولیت

رهبری در اسلام یک مسؤولیت است نه امتیاز. وظیفه اصلی یک امام یا هر رهبر دیگر تطبیق اسلام به شکل همه جانبه است، رهبری یعنی این که امور امت باید رعایت گردد. در واقع این یک مسؤولیت است نه امتیاز مگر این که به حق آن ادا گردد. ما می توانیم به از اقوال اصحاب ذیل و دیگران به این نتیجه برسیم.

حضرت عمر رض:

قَالُوا اسْتَخْلِفْ فَقَالَ أَتَحْمَلُ أَمْرَكُمْ حَيًّا وَمَيِّتًا

ابن عمر رض:

أَنْ قَدْ صَيَّعَ فِرْعَايَةُ النَّاسِ أَشَدُّ

سخن پیامبر ص که از طریق عایشه رض روایت شده:

فَقَالَتْ كَيْفَ كَانَ صَاحِبُكُمْ لَكُمْ فِي عَزَاتِكُمْ هَذِهِ  
فَقَالَ مَا نَقَمْنَا مِنْهُ شَيْئًا إِنْ كَانَ لَيَمُوتُ لِلرَّجُلِ مِمَّا  
الْبُعِيرُ فَيُعْطِيهِ الْبُعِيرَ وَالْعَبْدُ فَيُعْطِيهِ الْعَبْدَ وَيَحْتَاجُ  
إِلَى النَّفَقَةِ فَيُعْطِيهِ النَّفَقَةَ..... اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ  
أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا

سخن پیامبر ص که از طریق ابوذر رض روایت شده:

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ

سخن پیامبر ص که از طریق ابوهیره رض روایت شده:

كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ  
خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ  
فَيَكْفُرُونَ

## 1. ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ  
الْأَنْبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ  
نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي  
وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ فَيَكْفُرُونَ،

b. مَا مِنْ رَاعٍ يُسْتَرْعَى رَعِيَّةً  
إِلَّا سُئِلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ : أَقَامَ فِيهَا  
أَمْرَ اللَّهِ، أَمْ أَضَاعَهُ

## 2. عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ

a. أَيْمًا وَالِ احْتَجَبَ مِنْ حَوَائِجِ  
النَّاسِ

3. أَخْبَرْتَنِي بِنْتُ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ ، أَنَّ أَبَاهَا

a. لَا يَعْدُلُ فِيهَا إِلَّا كَيْبَهُ اللَّهُ عَلَى

وَجْهِهِ فِي النَّارِ

b. فَلَمْ يَنْصَحْ لَهُمْ، وَلَمْ يَجْهَدْ لَهُمْ

لِنُصْحِهِ وَجَهْدِهِ لِنَفْسِهِ

c. فَلَمْ يَحْطُ مَنْ وَرَاءَهُمْ

بِالنُّصِيحَةِ

d. بَاتَ غَاشًّا لِرَعِيَّتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ

عَلَيْهِ الْجَنَّةَ

4. أَبِي سُفْيَانَ

a. فَلَمْ يَعْدُلْ فِيهِمْ إِلَّا أَكْبَهُ اللَّهُ

عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ

5. عَمْرُو، عَنِ الْمُطَلَبِ

a. وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ

عَلَيْهِ الْجَنَّةَ

6. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

a. أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي

الْأَعْمَالُ ثَلَاثَةٌ... وَسُلْطَانُ

جَائِرٌ

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ شُعَيْبٍ بْنُ اللَّيْثِ، حَدَّثَنِي أَبِي

شُعَيْبُ بْنُ اللَّيْثِ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ، بْنُ سَعْدٍ حَدَّثَنِي

يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ

الْحَارِثِ بْنِ يَزِيدَ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ ابْنِ حُجَيْرَةَ

الْأَكْبَرِ، عَنْ أَبِي دَرٍّ،

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَسْتَعْمَلُنِي قَالَ فَضْرَبَ  
بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ  
وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ إِلَّا  
مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا "

در مسند ابودر روایت شده که گفت: من به پیامبر  
صلی الله علیه و سلم گفتم: ای رسول الله صلی  
الله علیه و سلم! آیا مرا مسؤل عام مردم تعیین  
نمی نمائی؟ او صلی الله علیه و سلم دست اش را  
به شانه ام گذاشت و گفت: ای ابودر، تو ضعیف  
هستی و موقف یک امانت است و در روز قیامت  
باعث حقارت و پشیمانی می گردد مگر کسی که  
به درستی حق مسؤلیت را ادا کرده و تکلیف اش  
را مراعات نماید.

وَحَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَشْهَبِ، عَنِ  
الْحَسَنِ، قَالَ عَادَ عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ مَعْقِلَ بْنَ يَسَارِ  
الْمُرَنِّيَّ فِي مَرَضِهِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ فَقَالَ مَعْقِلٌ إِنِّي  
مُحَدِّثُكَ حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ لَوْ عَلِمْتُ أَنَّ لِي حَيَاةً مَا حَدَّثْتُكَ إِنِّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ  
وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ "

در مسند حسن روایت چنین روایت شده که  
گفت: عبید الله بن زیاد، معقل بن یاسر المزانی  
در آخرین بیماری اش ملاقات نمود. معقل به او  
گفت: من حدیث را از سنت برایت روایت می کنم  
که از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم. اگر می  
دانستم که از این مریضی نجاب پیدا می کنم، آن  
را برایت روایت نمی کردم. من شنیدم که پیامبر  
صلی الله علیه و سلم گفت: اگر الله سبحانه و  
تعالی یک شخص را حاکم مردم تعیین نمود و در  
حالی وفات کرد که با مردم خیانت نموده است،  
الله سبحانه و تعالی مانع داخل شدن وی در  
جنت می گردد.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ،  
حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ فُرَاتِ الْقَزَّازِ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا  
حَازِمٍ ، قَالَ : قَاعَدْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ خَمْسَ سِنِينَ  
فَسَمِعْتُهُ يُحَدِّثُ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسْوِسُهُمُ الْآنبيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ فَيَكْتُمُونَ، قَالُوا : فَمَا تَأْمُرُنَا، قَالَ : فُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَأَلَّوْلَ أَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَّ عَاهُمْ "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُطَفَّرِ ، نَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَاجُورَ الرَّمْلِيِّ ، نَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ رُدَيْحٍ ، حَدَّثَنِي جَدِّي سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رُدَيْحٍ ، عَنْ رُدَيْحِ بْنِ عَطِيَّةَ ، عَنْ إِبْرَاهِيمِ بْنِ أَبِي عَبْلَةَ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَعْمَالُ ثَلَاثَةٌ، قَالُوا : وَمَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ :

1. " زَلَّةُ عَالِمٍ،

2. وَسُلْطَانٌ جَائِرٌ،

3. وَهَوَى مُتَّبِعٌ "

حَدَّثَنَا الْحَوْطِيُّ عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ نَجْدَةَ ، نَا بَقِيَّةُ بْنُ الْوَلِيدِ ، نَا خَالِدُ بْنُ حُمَيْدِ الْمَهْرِيِّ ، نَا أَبُو الْأَسْوَدِ

الْمَالِكِيُّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ :

مِنْ أَخْوَانِ الْخِيَانَةِ تِجَارَةُ الْوَالِي فِي رَعِيَّتِهِ

حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ سَعِيدٍ الْأَيْلِيُّ، حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ،  
حَدَّثَنِي حَرْمَلَةُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، بْنِ شِمَاسَةَ

قَالَ أَتَيْتُ عَائِشَةَ أَسْأَلُهَا عَنْ شَيْءٍ، فَقَالَتْ مِمَّنْ  
أَنْتَ فَقُلْتُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ . فَقَالَتْ كَيْفَ كَانَ  
صَاحِبُكُمْ لَكُمْ فِي عَزَائِكُمْ هَذِهِ فَقَالَ مَا نَقَمْنَا مِنْهُ  
شَيْئًا إِنْ كَانَ لَيَمُوتُ لِلرَّجُلِ مِثْلُ الْبَعِيرِ فَيُعْطِيهِ  
الْبَعِيرُ وَالْعَبْدُ فَيُعْطِيهِ الْعَبْدُ وَيَحْتَاجُ إِلَى النَّفَقَةِ  
فَيُعْطِيهِ النَّفَقَةَ فَقَالَتْ أَمَا إِنَّهُ لَا يَمْنَعُنِي الَّذِي فَعَلَ  
فِي مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ أَجِي أَنْ أُخْبِرَكَ مَا سَمِعْتُ  
مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي بَيْتِي  
هَذَا

اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ  
فَاشْقُقْ عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ  
بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ "

در مسند عبدالرحمن بن شوماسه چنین نقل شده که گفت: من نزد عایشه رض رفتم تا چیزی را از وی بپرسم. او گفت: اهل کجا هستی؟ من گفتم: من از هل مصر هستم. او گفت: رفتار حاکم شما در مقابل این جنگ شما چگونه بود؟ من گفتم: ما هیچ بدی از وی ندیده ایم. اگر شتر یکی از ما می مُرد، او برایش یک شتر دیگر اعطا می کرد. اگر یکی از ما برده خود را گم می کردیم، او برایش برده دیگری می داد. اگر کسی ضرورت به نیازمندی های اولیه زنده گی می داشت، او ضروریات وی را تأمین می نمود. او گفت: هان! چنین رفتار که برادرم محمد بن ابوبکر می کند مرا از گفتن چیزی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم، باز نمی دارد. او صلی الله علیه وسلم در خانه من گفت: ای الله سبحانه و تعالی! هر کسی که کنترل امور امت ام را به دوش گرفته و بالای آن ها سخت می گیرد تو نیز با وی سخت محاسبه کن و هر کسی که کنترل امور امت ام

را به دوش گرفته و با آن ها نرمی می نماید، تو نیز  
با وی مهربان باش.

امارت (رهبری) برای اشخاص ضعیف و  
ناتوان نیست که توانایی رهبری نداشته باشند

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمُ  
الْقِيَامَةِ خَزَىٰ وَنَدَامَةٌ

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَِّّي أَرَاكَ ضَعِيفًا..... لَا تَأْمُرَنَّ عَلِيَّ  
اثنَيْنِ وَلَا تَوَلَّيَنَّ مَالَ يَتِيمٍ

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ شُعَيْبٍ بْنُ اللَّيْثِ، حَدَّثَنِي أَبِي  
شُعَيْبُ بْنُ اللَّيْثِ، حَدَّثَنِي اللَّيْثُ، بْنُ سَعْدٍ حَدَّثَنِي  
يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ، عَنْ بَكْرِ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ  
الْحَارِثِ بْنِ يَزِيدِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ ابْنِ حُجَيْرَةَ  
الْأَكْبَرِ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ،

قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَسْتَعْمَلُنِي قَالَ فَضْرَبَ  
بِيَدِهِ عَلَيَّ مَنْكِبِي ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ  
وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمُ الْقِيَامَةِ خَزَىٰ وَنَدَامَةٌ إِلَّا  
مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا "

حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، وَإِسْحَاقُ بْنُ إِبرَاهِيمَ،  
كِلَاهُمَا عَنِ الْمُقْرِئِ، قَالَ زُهَيْرٌ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ  
يَزِيدَ، حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
أَبِي جَعْفَرٍ الْقُرَشِيِّ، عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي سَالِمٍ  
الْجَيْشَانِيِّ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي دَرٍّ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

يَا أَبَا دَرٍّ إِنِّي أَرَاكَ ضَعِيفًا وَإِنِّي أُحِبُّ لَكَ مَا أُحِبُّ  
لِنَفْسِي لَا تَأْمَرَنَّ عَلَيَّ اثْنَيْنِ وَلَا تَوْلَيْنَنَّ مَالَ يَتِيمٍ "

ای ابوذرا! من می دانم که تو ضعیف هستی و  
هرچیزی که به خود می پسندم به تو نیز می  
پسندم. حتی مسؤولیت دو نفر را قبول نکن و  
سرپرستی مال یتیم را نیز به عهده نگیر.

سیاست در های بسته

عَمْرُو بْنُ مَرَّةَ

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبرَاهِيمَ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ  
، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو حَسَنِ ، أَنَّ عَمْرُو بْنَ مَرَّةَ قَالَ  
لِمُعَاوِيَةَ : يَا مُعَاوِيَةُ، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ  
:

مَا مِنْ إِمَامٍ أَوْ **وَالٍ** يُغْلَقُ بَابَهُ دُونَ دَوِي الْحَاجَةِ  
وَالْخَلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ، إِلَّا أَغْلَقَ اللَّهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ دُونَ  
حَاجَتِهِ وَخَلَّتِهِ وَمَسْكَنَتِهِ

قَالَ : فَجَعَلَ مُعَاوِيَةَ رَجُلًا عَلَى حَوَائِجِ النَّاسِ

عَنْ **عَلِيِّ** رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

عَنْ **أَبِيهِ** ، عَنْ **جَدِّهِ** ، عَنْ **عَلِيِّ** رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" **أَيُّمَا** **وَالٍ** احْتَجَبَ مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ احْتَجَبَ اللَّهُ  
مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حَدَّثَنَا **ابْنُ نُمَيْرٍ** ، قَالَ : حَدَّثَنَا **ابْنُ أَبِي خَالِدٍ** ، عَنْ  
**إِسْمَاعِيلِ الْأَوْدِيِّ** ، قَالَ : أَخْبَرْتَنِي **بِنْتُ مَعْقِلِ بْنِ**  
**يَسَارٍ** ، أَنَّ **أَبَاهَا** ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" لَيْسَ مِنْ **وَالٍ** يَلِي أُمَّةً قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ **لَا يَعْدِلُ**  
**فِيهَا** إِلَّا كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ

حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ ، حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ  
بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَاتِمٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَزْوَانَ  
أَبُو نُوحٍ ، حَدَّثَنَا السَّرِيُّ بْنُ يَحْيَى ، حَدَّثَنَا عَبْدُ  
الرَّحْمَنِ بْنُ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ :  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ

:

" أَيُّمَا **وَالٍ** وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ  
يُنْصَحْ لَهُمْ، **وَلَمْ يَجْهَدْ لَهُمْ لِنَصْحِهِ** وَجَهَّده لِنَفْسِهِ  
كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ " ، لَمْ  
يُرَوْه عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْقِلٍ، إِلَّا السَّرِيُّ، تَفَرَّدَ  
بِهِ أَبُو نُوحٍ

حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ هَارُونَ ، ثنا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخٍ ،  
ثنا سَلامُ بْنُ مِسْكِينٍ أَبُو رَوْحٍ ، ثنا أَبُو عَتَّابٍ ،  
عَنِ الْحَسَنِ ، قَالَ : دَخَلَ زِيَادٌ عَلَى مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ  
وَهُوَ مَرِيضٌ يُعُودُهُ، فَحَدَّثَهُ وَسَأَلَهُ، وَلا طَفَهُ، فَبَيَّنَّا  
لَهُمْ كَذَلِكَ إِذْ قَالَ **مَعْقِلٌ** : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" مَا مِنْ **وَالٍ** وَلِيَ أَمْرَ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا **فَلَمْ يَحْطَمَنْ**  
**وَرَأَاهُمْ بِالنَّصِيحَةِ** إِلَّا أَكَبَّهُ اللَّهُ فِي جَهَنَّمَ عَلَى  
وَجْهِهِ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، ثنا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ  
أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى بْنِ الضَّرِيرِ الرَّازِيِّ ، ثنا أَبُو  
عَوْنٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَوْنِ الرَّيَّادِيِّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ  
ذَكْوَانَ ، عَنْ مُجَالِدٍ ، عَنِ الشَّعْبِيِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
الْحَسَنَ ، يُحَدِّثُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ ، أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" إِذَا اسْتَرَعَى اللَّهُ عَبْدًا رَعِيَّةً فَلَمْ **يُحَظَّهَا**  
**بِالنَّصِيحَةِ** إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ "

ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، نَا عَمِّي حَدَّثَنِي اللَّيْثُ  
وَحَيُّوَةُ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ ، عَنْ وَهْبِ بْنِ  
كَيْسَانَ ، عَنِ ابْنِ مَعْقَلٍ صَاحِبِ النَّبِيِّ أَنَّهُ أَنْكَرَ مِنْ  
بَعْضِ أَهْلِ الْعِرَاقِ شَيْئًا، قَالَ : حَسِبْتُ أَنَّهُ قَالَ :  
مِنْ سَمُرَةَ ، فَأَتَاهُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ، فَقَالَ : إِنِّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" أَيُّمَا إِمَامٍ بَاتَ غَاشًّا لِرَعِيَّتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ  
وَأَدَخَلَهُ النَّارَ "

، قَالَ : وَهَلْ كُنْتَ إِلَّا مِنْ خُتَالَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ  
اللَّهِ! قَالَ : وَهَلْ كَانَ فِيهِمْ خُتَالَةٌ؟ ! أَلَمْ يَكُونُوا شَرَفًا  
وَمَكْرُمَةً وَخِيَارَ مَنْ كَانَ مِنْهُ؟ !

حَدَّثَنَا عُمَارَةُ بْنُ وَثِيمَةَ ، قَالَ : نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي يَحْيَى  
بْنُ سَعِيدٍ ، قَالَ : كَتَبَ إِلَيَّ خَالِدُ بْنُ أَبِي عِمْرَانَ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو عِيَّاشٍ ، **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ** ، قَالَ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" مَا مِنْ رَاعٍ يُسْتَرْعَى رَعِيَّةً إِلَّا سُئِلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
: أَقَامَ فِيهَا أَمْرَ اللَّهِ ، أَمْ أَضَاعَهُ؟ "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ رَاهُوِيَه ، ثنا أَبِي ، ثنا  
يَعْلَى بْنُ عُبَيْدٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي خَالِدٍ ، عَنْ  
إِسْمَاعِيلَ الْكِنْدِيِّ ، قَالَ : أَتَيْتُ الْبَصْرَةَ فَتَزَلْتُ دَارَ  
مَعْقِلِ بْنِ بَسَّارٍ ، فَحَدَّثَنِي ابْنُهُ هِنْدٌ ، قَالَتْ : لَمَّا  
تَقَفَ أَبِي بَلَغَ ذَلِكَ زِيَادُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ ، فَجَاءَ  
يُعُودُهُ ، فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ كَانَ يَنْفَعُنَا بِحَدِيثِكَ ، فَحَدَّثْنَا  
شَيْئًا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ  
اللَّهِ يَقُولُ : "

مَا مِنْ **وَالٍ** اسْتَعْمَلَ عَلَى أُمَّةٍ مِنْ أُمَّتِي قَلَّتْ أَوْ  
كَثُرَتْ **فَلَمْ يَعْدَلْ فِيهِمْ** إِلَّا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي  
النَّارِ "

1. علي بن أبي طالب الهاشمي
2. عمرو بن مرة الجهني
3. سعد بن أبي وقاص الزهري
4. أبو مريم الأزدي
5. معاذ بن جبل الأنصاري
6. عمر بن الخطاب العدوي

حَدَّثَنَا **عَمْرُو** ، **عَنِ الْمُطَّلِبِ** ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" كُلُّ رَاعٍ بَاتَ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
الْجَنَّةَ الَّتِي يَرُوحُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً ،  
وَمَنْ قَتَلَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ  
الَّتِي يَرُوحُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً "

## اطاعت

بدون اطاعت ايجاد هيچ تمدن امکان پذير نيست.

### 1. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. ، فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ،  
وَمُنْشَطِكَ وَمَكْرَهِكَ، وَأَثَرَةَ  
عَلَيْكَ

### 2. عِبَادَةَ بِنِ الصَّامِتِ

a. فَلَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ  
b. وَإِنْ أَكَلُوا مَالَكَ وَضَرَبُوا  
ظَهْرَكَ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَعْصِيَةً  
لِلَّهِ بَوَاحًا (سِوَاهَا)

c. فَلَيْسَ لِأَوْلَادِكَ عَلَيْكُمْ طَاعَةٌ  
d. إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا  
عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ

### 3. أم سلمة زوج النبي

a. وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ ؛  
فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " يَقُولُهَا  
ثَلَاثًا

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ ، قَالَ : ثنا يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِي صَالِحِ السَّمَّانِ  
، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" عَلَيْكَ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ ، فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ ،  
وَمَنْشَطِكَ وَمَكْرَهِكَ ، وَاتَّرَةِ عَلَيْكَ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى ، أَخْبَرَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ الْجَزَامِيُّ ، عَنْ أَبِي الزُّنَادِ ، عَنِ الْأَعْرَجِ ،  
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ يَعُصِنِي فَقَدْ  
عَصَى اللَّهَ وَمَنْ يُطِيعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ  
يَعْصِي الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي " . وَحَدَّثَنِيهِ زُهَيْرُ بْنُ  
حَرْبٍ ، حَدَّثَنَا ابْنُ عُيَيْنَةَ ، عَنْ أَبِي الزُّنَادِ ، بِهَذَا  
الْإِسْنَادِ وَلَمْ يَذْكُرْ " وَمَنْ يَعْصِي الْأَمِيرَ فَقَدْ  
عَصَانِي "

ابو هريره رض روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: هر کسی که از من اطاعت کند، از الله سبحانه و تعالی اطاعت کرده است و هر کسی که بی اطاعتی من را کند در حقیقت بی اطاعتی الله سبحانه و تعالی را کرده است. هر کسی اطاعت امیر را (که من تعیین نمودم) کند، از من اطاعت کرده و کسی که از امیر اش بی اطاعتی کند، در واقع از من بی اطاعتی کرده است. همین حدیث توسط اشخاص مختلف با حذف بخش آن چنین نقل شده: کسی که بی اطاعتی امیر را نماید، بی اطاعتی من را نموده است.

حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ قَالَ أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الزُّنَادِ أَنَّ الْأَعْرَجَ حَدَّثَهُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

نَحْنُ الْأَخْرُونَ السَّابِقُونَ. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ مِنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهُ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهُ وَمَنْ يُطِعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ يَعْصِ

الأميرَ فقدَ عَصَانِي وَإِنَّمَا الإِمَامُ جُنَّةٌ يُقَاتَلُ مِنْ  
وَرَائِهِ وَيُنْتَقَى بِهِ فَإِنْ أَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَعَدَلَ فَإِنَّ لَهُ  
بِذَلِكَ أَجْرًا وَإِنْ قَالَ بِعَيْرِهِ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِنْهُ.

حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ مَرْزُوقٍ أَبُو الْفَتْحِ الْمِصْرِيُّ قَالَ :  
ثَنَا إِدْرِيسُ بْنُ يَحْيَى الْخَوْلَانِيُّ ، وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَكَمِ ، قَالَ : ثَنَا وَهْبُ اللَّهِ بْنُ  
رَاشِدٍ ، قَالَ : ثَنَا حَبِوَةُ بْنُ شَرِيحٍ ، أَنَّ أَبَا يُوسُفَ  
مَوْلَى أَبِي هُرَيْرَةَ حَدَّثَهُ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ  
، يَقُولُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ  
عَصَى اللَّهَ ، وَمَنْ أَطَاعَ **الْخَلِيفَةَ** فَقَدْ أَطَاعَنِي ، وَمَنْ  
عَصَى الْخَلِيفَةَ فَقَدْ عَصَانِي

قَالَ : عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنِ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ  
عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ  
عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي

حَدَّثَنَا هُدْبَةُ ، ثنا حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ ، عَنْ يَعْلَى بْنِ  
عَطَاءٍ ، عَنْ أَبِي عُلْقَمَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ  
النَّبِيَّ

قَالَ : " مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي  
فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِي،  
وَمَنْ عَصَى الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِي، وَالْأَمِيرُ مَجْنُودٌ

عُبَادَةُ بْنُ الصَّامِتِ

أَخْبَرَنَا الصُّوفِيُّ بِبَعْدَادَ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ  
خَارِجَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُدْرِكُ بْنُ سَعْدِ الْفَزَارِيِّ أَبُو  
سَعِيدٍ ، عَنْ حَبِيبِ أَبِي النَّضْرِ ، سَمِعَ جُنَادَةَ بْنَ أَبِي  
أُمَيَّةَ ، سَمِعَ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ ، يَقُولُ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ: " يَا عُبَادَةَ " قُلْتُ : لَبَّيْكَ، قَالَ :

اسْمَعُ وَأَطِعْ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ، وَمَكْرَهَكَ وَأَثْرَةَ  
عَلَيْكَ، وَإِنْ أَكَلُوا مَالَكَ وَضَرَبُوا ظَهْرَكَ، إِلَّا أَنْ  
تَكُونَ مَعْصِيَةً لِلَّهِ بَوَاحًا (سِوَاهَا)

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، ثنا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى ، أنبا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبٍ ، أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ الْحَارِثِ ،  
عَنْ بُكَيْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَشَجِّ ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ ، عَنْ  
بُسْرِ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنْ جُنَادَةَ بْنِ أَبِي أُمَيَّةَ ، قَالَ :  
دَخَلْنَا عَلَى عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ وَهُوَ مَرِيضٌ ، فَقُلْنَا  
: حَدِّثْنَا أَصْلَحَكَ اللَّهُ ، حَدِيثًا نَنْفَعَنَا بِهِ سَمِعْتَهُ مِنْ  
رَسُولِ اللَّهِ قَالَ : دَعَانَا رَسُولُ اللَّهِ فَبَايَعَنَا فَكَانَ  
فِيمَا أَخَذَ عَلَيْنَا أَنْ

بَايَعَنَا عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَمَنْشَطِنَا وَمَكْرَهِنَا  
وَأَثْرَةَ عَلَيْنَا وَأَنْ لَا نُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا  
كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ "

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ وَالْحَارِثُ بْنُ مِسْكِينٍ ،  
قِرَاءَةً عَلَيْهِ ، عَنِ ابْنِ الْقَاسِمِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَالِكُ  
، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عِبَادَةُ بْنُ

الْوَلِيدِ بْنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي ،  
عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ :

" بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى السَّمْعِ ، وَالطَّاعَةِ فِي  
الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ، وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ ، وَأَنْ لَا نُنَازِعَ  
الْأَمْرَ أَهْلَهُ ، وَأَنْ نَقُولَ ، أَوْ نَقُومَ بِالْحَقِّ حَيْثُ كُنَّا ،  
وَلَا نَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً "

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ ، قَالَ : نا مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّادٍ الْمَكِّيُّ ،  
قَالَ : نا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمٍ الطَّائِفِيُّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْنٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ  
، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" سَبَلِي أُمُورُكُمْ مِنْ بَعْدِي رِجَالٌ يُعْرِفُونَكُمْ مَا  
تُنْكِرُونَ ، وَيُنْكِرُونَ عَلَيْكُمْ مَا تَعْرِفُونَ ، فَلَا طَاعَةَ  
لِمَنْ عَصَى اللَّهَ

حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ مَخْلَدٍ ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بِلَالٍ ، قَالَ  
: حَدَّثَنِي شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَمِرٍ ، عَنْ

الأَعْسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُكَّمَلٍ ، عَنْ أَزْهَرَ  
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : أَقْبَلَ عِبَادَةُ بْنُ الصَّامِتِ حَاجًّا  
مِنَ الشَّامِ فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ ، فَأَتَى عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ ، فَقَالَ  
: يَا عُثْمَانُ ، أَلَا أُخْبِرُكَ شَيْئًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ  
قَالَ : بَلَى ، قُلْتُ : فَأَيِّ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

”

سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءَ يُوقَرُونَكُم بِمَا نَعْرِفُونَ ،  
وَيَعْمَلُونَ مَا تُنْكِرُونَ ، فَلَيْسَ لِأَوْلِيكَ عَلَيْكُمْ طَاعَةٌ

”

أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدٌ وَأَبُو عَاصِمٍ الْفَضِيلُ ابْنَا  
إِسْمَاعِيلَ الْمَعْدَلَانِ بِهَرَاةَ ، قَالَا : أَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ  
بْنِ مُحَمَّدِ الْخَلِيلِيِّ ، أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ  
الْخَزَاعِيِّ ، أَنَا أَبُو سَعِيدِ الْهَيْثَمِيِّ بْنُ كُلَيْبِ الشَّاشِيِّ  
، نَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّعَايِي ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّادٍ  
، نَا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمٍ ، عَنِ ابْنِ خُنَيْمٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلِ  
بْنِ عُيَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ عِبَادَةَ بْنَ  
الصَّامِتِ مَرَّتْ عَلَيْهِ قِطَارَةٌ وَهُوَ بِالشَّامِ تَحْمِلُ  
الْحَمْرَ ، فَقَالَ : مَا هَذِهِ؟ أَرَيْتِ؟ قِيلَ : لَا ، بَلْ حَمْرُ  
تُبَاعُ لِفُلَانٍ ، فَأَخَذَ شَفْرَةً مِنَ السُّوقِ ، فَقَامَ إِلَيْهَا فَلَمْ  
يَدْرُ فِيهَا رَوَايَةً إِلَّا بَقَرَهَا ، وَأَبُو هُرَيْرَةَ إِذْ ذَاكَ

بِالشَّامِ، فَأَرْسَلَ فُلَانٌ إِلَى أَبِي هُرَيْرَةَ، فَقَالَ : أَلَا  
 تُمَسِّكُ عَنَّا أَخَاكَ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ، أَمَّا بِالْعَدَوَاتِ  
 فَيَعْدُوا إِلَى السُّوقِ، فَيُفْسِدُ عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ  
 مَتَاجِرَهُمْ، وَأَمَّا بِالْعَشِيِّ فَيَقْعُدُ بِالْمَسْجِدِ لَيْسَ لَهُ  
 عَمَلٌ إِلَّا شَتْمُ أَعْرَاضِنَا وَعَيْبِنَا، فَأَمْسِكْ عَنَّا أَخَاكَ،  
 فَأَقْبَلَ أَبُو هُرَيْرَةَ يَمْشِي حَتَّى دَخَلَ عَلَى عُبَادَةَ،  
 فَقَالَ : يَا عُبَادَةُ، مَا لَكَ وَالْمَعَاوِيَةَ ذُرَّهُ وَمَا حَمَلَ،  
 فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : **ف تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ**  
**وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ** ، قَالَ : يَا أَبُو هُرَيْرَةَ، لَمْ تَكُنْ  
 مَعَنَا إِذْ بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ بَايَعَنَاهُ عَلَى السَّمْعِ  
 وَالطَّاعَةِ فِي النَّشَاطِ وَالْكَسَلِ، وَعَلَى النَّقْفَةِ فِي  
 الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، وَعَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ  
 عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَنْ نَقُولَ فِي اللَّهِ لَا تَأْخُذْنَا فِي اللَّهِ  
 لَوْمَةً لَانِمِ، وَعَلَى أَنْ نَنْصُرَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْنَا يَثْرِبَ  
 فَتَمْنَعُهُ مِمَّا نَمْنَعُ مِنْهُ أَنْفُسَنَا وَأَزْوَاجَنَا وَأَهْلَنَا وَلَنَا  
 الْجَنَّةُ، وَمَنْ وَفَى وَفَى اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةُ مِمَّا بَايَعَ عَلَيْهِ  
 رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، فَلَمْ  
 يُكَلِّمُهُ أَبُو هُرَيْرَةَ بِشَيْءٍ، فَكَتَبَ فُلَانٌ إِلَى عُثْمَانَ  
 بِالْمَدِينَةِ : إِنَّ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ قَدْ أَفْسَدَ عَلَيَّ  
 الشَّامَ وَأَهْلَهُ، فَإِنَّمَا أَنْ يَكْفَ عُبَادَةَ، وَإِنَّمَا أَنْ أَخْلِي  
 بَيْنَهُ وَبَيْنَ الشَّامِ فَكَتَبَ عُثْمَانُ إِلَى فُلَانٍ أَنْ أَرْجِلُهُ  
 إِلَى دَارِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ، فَبَعَثَ بِهِ فُلَانٌ حَتَّى قَدِمَ  
 الْمَدِينَةَ، فَدَخَلَ عَلَى عُثْمَانَ الدَّارَ، وَلَيْسَ فِيهَا إِلَّا  
 رَجُلٌ مِنَ السَّابِقِينَ بَعِيثُهُ وَمِنَ التَّابِعِينَ الَّذِينَ

أَدْرَكُوا الْقَوْمَ مُتَوَافِرِينَ، فَلَمْ يَفِجْ عَثْمَانُ بِهِ إِلَّا وَهُوَ  
قَاعِدٌ فِي جَانِبِ الدَّارِ، فَالْتَقَتْ إِلَيْهِ، فَقَالَ : مَا لَنَا  
وَأَنْتَ يَا عِبَادَةَ، فَقَامَ عِبَادَةُ قَائِمًا وَانْتَصَبَ لَهُمْ فِي  
الدَّارِ، فَقَالَ : إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَبَا الْقَاسِمِ  
يَقُولُ :

سَلِّي أُمُورَكُمْ بَعْدِي رِجَالٌ يُعْرِفُونَكُمْ مَا  
تُنْكِرُونَ، وَيُنْكِرُونَ عَلَيْكُمْ مَا تَعْرِفُونَ، فَلَا طَاعَةَ  
لِمَنْ عَصَى اللَّهَ، فَلَا تَعْتَلُوا بِرَبِّكُمْ .

أم سلمة زوج النبي

نا أسدٌ ، نا حمادُ بنُ سلمةَ ، عن عليِّ بنِ زيِّدٍ ،  
عن الحسنِ ، عن أمِّ سلمةَ رضي الله عنها، أن  
النبيَّ قال :

" تَكُونُ أُمُورٌ تُعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ  
بَرِيءٌ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ  
؛ فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " يَقُولُهَا ثَلَاثًا

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَحْوَصِ،  
 وَوَكَيْعٌ، ح وَحَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ، الْأَشْجُ حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ،  
 ح وَحَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ، وَابْنُ، نُمَيْرٍ قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو  
 مُعَاوِيَةَ، ح وَحَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، وَعَلِيُّ بْنُ  
 خَشْرَمٍ، قَالَا أَخْبَرَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ، كُلُّهُمُ عَنِ  
 الْأَعْمَشِ، ح وَحَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، - وَاللَّفْظُ  
 لَهُ - حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ زَيْدِ بْنِ،  
 وَهَبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِنَّهَا سَتَكُونُ بَعْدِي آثَرَةٌ وَأُمُورٌ تُنْكَرُ وَنَهَا " . قَالُوا  
 يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَأْمُرُ مَنْ أَدْرَكَ مِنَّا ذَلِكَ قَالَ "  
 تُؤَدُّونَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْكُمْ وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الَّذِي لَكُمْ "

از عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه و  
 سلم گفت: بعد از من فرقه گرائی خواهد بود و  
 بسیاری امور را خواهید دید که دوست ندارید.  
 اصحاب رض پرسیدند: ای رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم! به ما چی دستور می دهی اگر یکی  
 از ما در چنین زمان زنده گی کنیم؟ او گفت: باید

مسئولیت خود را (با اطاعت از امیر) ادا نمائید و حق خود را از الله سبحانه و تعالی (با هدایت امیر به مسیر درست و یا جاگزین کردن وی با شخص عادل تر و خدا ترس) بخواهید.

نبوت، خلافت، ملک

### 1. عن حُدَيْفَةَ

a. وَيَكُونُ مُلْكًا عَضُوضًا،  
يَشْرَبُونَ الْخَمْرَ، وَيَلْبَسُونَ  
الْحَرِيرَ

b. ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ  
مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ  
يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ  
تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ  
النُّبُوَّةِ

### 2. عن عُبيدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ

a. ثُمَّ مُلْكُ أَعْفَرٍ، ثُمَّ مُلْكُ

وَجَبْرُوتٌ يُسْتَحَلُّ فِيهَا الْخَمْرُ  
وَالْحَرِيرُ

b. ثُمَّ مُلْكُ وَجَبْرُوتٌ يُسْتَحَلُّ فِيهَا

الْخَمْرُ وَالْحَرِيرُ

3. عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ

a. ثُمَّ يَكُونُ سُلْطَانًا، وَيَكُونُ

مُلْكًا، ثُمَّ يَكُونُ جَبْرِيَّةً، ثُمَّ  
يَكُونُ جَائِزَةً

4. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. ثُمَّ يَكُونُ مُلْكًا وَرَحْمَةً ثُمَّ

يَكُونُ إِمَارَةً وَرَحْمَةً، ثُمَّ  
يَتَكَادَمُونَ عَلَيْهِ تَكَادَمَ الْخُمْرِ،

فَعَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ

5. عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ

a. ثُمَّ تَكُونُ بَرَزِيًّا قَطَعَ سَبِيلِ

وَسَفَكَ دِمَاءً، وَأَخَذَ أَمْوَالِ  
بِغَيْرِ حَقِّهَا

6. عَنْ مُعَاذٍ

a. يَكُونُ خُلَفَاءً، ثُمَّ يَكُونُ مُلْكًا،

ثُمَّ يَكُونُ فِتْنَةً تَتَّبِعُ بَعْضُهَا  
بَعْضًا

7. عَنْ ابْنِ سَابِطٍ

a. وَإِنَّهُ كَائِنٌ مَلَكًا عَضُوضًا  
وَعَثُوثًا وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي  
الْأُمَّةِ، يَسْتَجْلُونَ الْخُمُورَ  
وَالْحَرِيرَ وَالْفُرُوجَ

8. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي خُلَفَاءُ

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ ، حَدَّثَنِي دَاوُدُ بْنُ  
إِبْرَاهِيمَ الْوَاسِطِيُّ ، حَدَّثَنِي حَبِيبُ بْنُ سَالِمٍ ، عَنْ  
النُّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ ،

قَالَ : كُنَّا قُعُودًا فِي الْمَسْجِدِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَانَ  
بَشِيرٌ رَجُلًا يَكْفُ حَدِيثَهُ، فَجَاءَ أَبُو ثَعْلَبَةَ الْحُسَيْنِيُّ،  
فَقَالَ : يَا بَشِيرُ بْنُ سَعْدٍ، أَتَحْفَظُ حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ  
فِي الْأَمْرَاءِ؟ فَقَالَ حَدِيثُهُ : أَنَا أَحْفَظُ خُطْبَتَهُ،  
فَجَلَسَ أَبُو ثَعْلَبَةَ، فَقَالَ حَدِيثُهُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" تَكُونُ النَّبِيُّةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا  
إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ  
النَّبِيُّةِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا  
شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مَلَكًا عَاضًا، فَيَكُونُ  
مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ

يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النُّبُوَّةِ " ثُمَّ سَكَتَ.

حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ عَوْنٍ، حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ، عَنِ الْعَوَّامِ بْنِ حَوْشَبٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُمَهَانَ، عَنْ سَفِينَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: "

خِلَافَةُ النُّبُوَّةِ ثَلَاثُونَ سَنَةً، ثُمَّ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُلْكَ مَنْ يَشَاءُ أَوْ مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ

1. أَخْبَرَنَا مَرْوَانُ بْنُ مُحَمَّدٍ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ حَمْرَةَ، حَدَّثَنِي أَبُو وَهَبٍ، عَنْ مَكْحُولٍ، عَنْ أَبِي نَعْلَبَةَ الْخُسَنِيِّ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

أَوَّلُ دِينِكُمْ نُبُوَّةٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ مُلْكٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ مُلْكٌ أَعْفَرٌ، ثُمَّ مُلْكٌ وَجَبْرُوتٌ يُسْتَحَلُّ فِيهَا الْخَمْرُ وَالْحَرِيرُ " وَإِنَّهُ كَانَتْ مُلْكًا عَضُوضًا وَعَثْوًا وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي الْأُمَّةِ عَنِ ابْنِ سَابِطٍ (ثُمَّ يَكُونُ سُلْطَانًا، وَيَكُونُ مُلْكًا، ثُمَّ يَكُونُ جَبْرِيَّةً، ثُمَّ

يَكُونُ جَائِزَةً **عَنْ عَمْرِ بْنِ الْخَطَّابِ** (وَيَكُونُ مُلْكًا  
عَضُوضًا، يَشْرَبُونَ الْخَمْرَ، وَيَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ **عَنْ**  
**حَدِيثِهِ**) (ثُمَّ مُلْكٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ مُلْكٌ **أَعْفَرُ**، ثُمَّ مُلْكٌ  
وَجَيْرُوتٌ يُسْتَحَلُّ فِيهَا الْخَمْرُ وَالْحَرِيرُ **عَنْ أَبِي**  
**عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ**)

قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ : سُئِلَ عَنْ **أَعْفَرَ**، فَقَالَ : يُشَبِّهُهُ  
بِالنَّبَاتِ وَالنَّسَبِ فِيهِ خَيْرٌ

وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ : ثنا زَيْدُ بْنُ الْحُبَابِ ، ثنا الْعَلَاءُ بْنُ  
الْمُنْهَالِ الْعَنَوِيُّ ، ثنا مُهَنَّدُ الْقَيْسِيُّ ، وَكَانَ ثِقَةً ،  
حَدَّثَنِي قَيْسُ بْنُ مُسْلِمٍ ، عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ ،  
**عَنْ حَدِيثِهِ** رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" إِنَّكُمْ فِي نُبُوَّةٍ وَرَحْمَةٍ، وَسَنْتَكُونُ خِلَافَةً وَرَحْمَةً،  
وَيَكُونُ كَذَا وَكَذَا، وَيَكُونُ مُلْكًا عَضُوضًا،  
يَشْرَبُونَ الْخَمْرَ، وَيَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ، وَمَعَ ذَلِكَ  
يُنْصَرُونَ إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ

حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ سَلَمَةَ الْمَرْزُوقِيُّ ، ثنا يَحْيَى بْنُ  
إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي قَتَيْبَةَ ، ثنا الْعَبَّاسُ بْنُ الْمُغِيرَةَ بْنِ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَخْزُومِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ  
الْمُغِيرَةَ الْمَخْزُومِيِّ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ ، عَنْ  
عَفِيفِ الْمُرَيْيِّ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، عَنْ  
أَبِي بَكْرِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ هِشَامٍ ،  
عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ:

" إِنَّ اللَّهَ بَدَأَ هَذَا الْأَمْرَ نُبُوَّةً وَرَحْمَةً، ثُمَّ يَكُونُ  
خِلَافَةً، ثُمَّ يَكُونُ سُلْطَانًا، وَيَكُونُ مُلْكًا، ثُمَّ يَكُونُ  
جَبْرِيَّةً، ثُمَّ يَكُونُ جَائِزَةً " (وَإِنَّهُ كَانَ مُلْكًا  
عَضُوضًا وَعَثْوًا وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي الْأُمَّةِ عَنْ  
ابْنِ سَابِطٍ) (ثُمَّ يَكُونُ سُلْطَانًا، وَيَكُونُ مُلْكًا، ثُمَّ  
يَكُونُ جَبْرِيَّةً، ثُمَّ يَكُونُ جَائِزَةً عَنْ عُمَرَ بْنِ  
الْخَطَّابِ) (وَيَكُونُ مُلْكًا عَضُوضًا، يَشْرَبُونَ  
الْحَمْرَ، وَيَلْبَسُونَ الْحَرِيرَ عَنْ حُدَيْفَةَ))

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ النَّضْرِ الْعَسْكَرِيُّ ، ثنا سَعِيدُ بْنُ  
حَفْصِ النُّفَيْلِيِّ ، ثنا مُوسَى بْنُ أُعَيْنَ ، عَنْ ابْنِ  
شِهَابٍ ، عَنْ فِطْرِ بْنِ خَلِيفَةَ ، عَنْ مُجَاهِدٍ ، عَنْ  
ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

أَوَّلُ هَذَا الْأَمْرِ نُبُوَّةٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ خِلَافَةٌ  
وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ مُلْكًا وَرَحْمَةٌ، (وَإِنَّهُ كَانَتْ مُلْكًا  
عَضُوضًا وَعُتُوًّا وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي الْأُمَّةِ عَنِ  
ابْنِ سَابِطٍ) (ثُمَّ يَكُونُ سُلْطَانًا، وَيَكُونُ مُلْكًا، ثُمَّ  
يَكُونُ جَبْرِيَّةً، ثُمَّ يَكُونُ جَائِزَةً عَنِ عُمَرَ بْنِ  
الْخَطَّابِ) (وَيَكُونُ مُلْكًا عَضُوضًا، يَشْرَبُونَ  
الْحَمْرَ، وَيُلْبَسُونَ الْحَرِيرَ عَنِ حُدَيْفَةَ) ثُمَّ يَكُونُ  
إِمَارَةً وَرَحْمَةً، ثُمَّ يَتَكَادَمُونَ عَلَيْهِ تَكَادُمَ الْحُمْرِ،  
فَعَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ، وَإِنَّ أَفْضَلَ جِهَادِكُمُ الرِّبَاطُ، وَإِنَّ  
أَفْضَلَ رِبَاطِكُمْ عَسَقْلَانُ

وَقَالَ أَبُو سُلَيْمَانَ فِي حَدِيثِ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ : "

كَانَتْ نُبُوَّةٌ رَحْمَةٌ، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ رَحْمَةٌ، ثُمَّ  
تَكُونُ مُلْكًا يُمَلِّكُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، (وَإِنَّهُ  
كَانَتْ مُلْكًا عَضُوضًا وَعُتُوًّا وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي  
الْأُمَّةِ عَنِ ابْنِ سَابِطٍ) ثُمَّ تَكُونُ بَزْبَرِيًّا قَطَعَ سَبِيلِ  
وَسَفَكَ دِمَاءً، وَأَخَذَ أَمْوَالٍ بَعِيرٍ حَقَّهَا "

حَدَّثَنَا ابْنُ عَفَّانَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا ابْنُ ثَابِتٍ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا الْأَعْنَاقِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا نَصْرٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
عَلِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْكَعْبِيُّ  
، عَنِ الْمُعْتَمِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ ، عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلِيمٍ  
، **عَنِ ابْنِ سَابِطٍ** ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

" إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ بَدَأَ نُبُوَّةَ وَرَحْمَةً ، وَإِنَّهُ كَائِنٌ رَحْمَةٌ  
وَخِلَافَةٌ ، وَإِنَّهُ كَائِنٌ مَلَكًا عَضُوضًا وَعُتُوتًا  
وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي الْأُمَّةِ ، يَسْتَجْلُونَ الْخُمُورَ  
وَالْحَرِيرَ وَالْفُرُوجَ ، يُنْصَرُونَ عَلَى ذَلِكَ ،  
وَيُرْزَقُونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَلْفُوا اللَّهَ "

وَمِنْ حَدِيثِهِ : مَا حَدَّثَنَا بِهِ **مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ** ،  
قَالَ : حَدَّثَنَا **أَبُو دَاوُدَ الْحَفَرِيُّ** ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
**الْحَارِثُ بْنُ ثَعْيْبٍ** ، عَنِ **الْحَسَنِ** ، قَالَ : قَالَ **مُعَاذُ**  
: " يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَكَ ، قَالَ :

يَكُونُ خُلَفَاءَ ، ثُمَّ يَكُونُ مُلْكٌ ، ثُمَّ يَكُونُ فِتْنَةٌ تَتَّبَعُ  
بَعْضُهَا بَعْضًا

حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ بْنُ الْوَلِيدِ وَعَبْدُ الْقُدُّوسِ ، عَنْ صَفْوَانَ ،  
بْنِ عَمْرٍو ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُبَيْرِ بْنِ نَفِيرٍ ،  
عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ  
أَحَدُهُمَا : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

أَوَّلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ نُيُوءٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ خِلَافَةٌ وَرَحْمَةٌ،  
ثُمَّ مُلْكًا عَضُوضًا ؟! وَقَالَ أَحَدُهُمَا : " عَاضٌ وَفِيهِ  
رَحْمَةٌ، (وَإِنَّهُ كَانَتْ مُلْكًا عَضُوضًا وَعَثُورًا  
وَجَبْرِيَّةً وَفَسَادًا فِي الْأُمَّةِ عَنِ ابْنِ سَابِطٍ) ثُمَّ  
جَبَرُوتٌ صَلَءَاءٌ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهَا مُتَعَلِّقٌ، تُضْرَبُ  
فِيهَا الرِّقَابُ، وَتُقَطَّعُ فِيهَا الْأَيْدِي وَالْأَرْجُلُ،  
وَتُؤَخَذُ فِيهَا الْأَمْوَالُ "

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَكَمِ ، عَنْ  
شُعَيْبِ ، عَنِ اللَّيْثِ ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ  
، عَنْ صَفْوَانَ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي أَيُّوبِ ،  
أَنَّهُ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" مَا بُعِثَ مِنْ نَبِيٍّ، وَلَا كَانَ بَعْدَهُ مِنْ خَلِيفَةٍ، إِلَّا  
وَلَهُ بَطَانَتَانِ : بَطَانَةٌ تَأْمُرُهُ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَنْهَاهُ عَنِ  
الْمُنْكَرِ، وَبَطَانَةٌ لَا تَأْلُوهُ خَبَالًا، فَمَنْ وُقِيَ بَطَانَةَ  
السُّوءِ فَقَدْ وُقِيَ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلْمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ :  
: حَدَّثَنَا الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ  
، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: "

سَيَكُونُ **مِنْ بَعْدِي خُلَفَاءُ** يَعْمَلُونَ بِمَا يَعْلَمُونَ ،  
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ، وَسَيَكُونُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلَفَاءُ  
يَعْمَلُونَ مَا لَا يَعْلَمُونَ ، وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ ،  
فَمَنْ أَنْكَرَ بَرِيءٌ ، وَمَنْ أَمْسَكَ سَلِيمٌ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ  
وَتَابَع " ،

أَخْبَرَنَا ابْنُ سَلْمٍ ، فِي عَقِبِهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ  
الرَّحْمَنِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ  
الْوَالِدِ ، عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُرَّةَ ،  
عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ،  
عَنِ النَّبِيِّ مِثْلَهُ ، قَالَ أَبُو حَاتِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ :  
سَمِعَ هَذَا الْخَبَرَ الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، وَسَمِعَهُ  
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُرَّةَ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، فَالطَّرِيقَانِ  
جَمِيعًا مَحْفُوظَانِ

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ ، قَالَ : نا مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّادِ الْمَكِّيِّ ،  
قَالَ : نا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمِ الطَّائِفِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْنٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ بْنِ رِفَاعَةَ  
، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" سَيَلِي أُمُورَكُمْ مِنْ بَعْدِي رِجَالٌ يُعْرِفُونَكُمْ مَا  
تُنْكُرُونَ، وَيُنْكُرُونَ عَلَيْكُمْ مَا تَعْرِفُونَ، فَلَا طَاعَةَ  
لِمَنْ عَصَى اللَّهَ "

بيعت

بر امت واجب است تا اسلام را بالای خود تطبیق  
نمایند. اما؛ بر اساس شریعت اسلامی این کار با  
تعیین یک امام از طریق بیعت صورت می گیرد.  
طوری که این موضوع از ده ها احادیث کاملاً  
واضح می گردد (اگر روش های مختلف، اسناد و  
روایات بالمفهوم مد نظر گرفته شود) در غیر آن  
زنده گی صد ها تن بدون امام یکی از گناه های

بزرگ به حساب می آید. از زمان بیعت عقبه "بیعت که انصار با پیامبر صلی الله علیه و سلم بستند" الی آخرین خلیفه عثمانی ها، بیعت طریقه شرعی برای تعیین امام بوده است. چیزی که اینجا باید واضح گردد بعضی مسایل باریک اند که باعث سردرگمی تعداد مسلمانان گردیده است.

در واقع میان ایمان آوردن به پیامبر، ایمان آوردن به رسول و سپس بیعت کردن با پیامبر و رسول فرق وجود دارد. از لحاظ صلاحیت و قدرت این ها سه منصب متفاوت اند. بیعت با شخصی صورت می گیرد که به حیث حاکم تعیین و مطابق شرایط بیعت حاکمیت نماید. با وجود که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم پیامبر و رسول بود اما تا زمانی که با وی صلی الله علیه و سلم بیعت نگردیده بود، حاکم نبود. منصب نبوت با مرگ پیامبر صلی الله علیه و سلم ختم گردید؛ وظیفه

رسول به حیث دریافت کننده وحی نیز با مرگ پیامبر صلی الله علیه و سلم به پایان رسید. اما، وظیفه حمل این پیام به سایر بشریت و تطبیق قوانین آن بالای امت برای جانشین وی صلی الله علیه و سلم "خلفاً" منتقل شد که به نام خلیفه الرسول مسمى است. این جانشینان، نه پیامبر اند و نه رسول؛ اما حاکمان اند که منصب نبوت را به حیث حاکم به ارث برده اند. یگانه طریقه یا راه که یک جانشین "خلیفه" می تواند تعیین گردد از طریق بیعت درست است مانند یگانه طریقه درست که یک مرد و زن را از طریق عقد نکاح با شرایط مهریه و شاهدان می توان زن و شوهر اعلام نمود، قابل یاد آوری است که بیعت نیز دارای شرایط می باشد که شریعت آن را بیان کرده است.

1. عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ

a. وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ

يُبْعَةُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

b. مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ جَمَاعَةٍ جَاءَ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ

مَاتَ فِي غَيْرِ طَاعَةٍ مَاتَ

مِيتَةً جَاهِلِيَّةً "

c. وَمَنْ مَاتَ قَدْ نَزَعَ يَدًا مِنْ

يُبْعَةُ، كَانَ عَلَى ضَلَالٍ

d. وَمَنْ مَاتَ مُفَارِقًا لِلْجَمَاعَةِ،

مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

## 2. عامر بن ربيعة العنزي

a. مَنْ مَاتَ وَلَا طَاعَةَ عَلَيْهِ مَاتَ

مِيتَةً جَاهِلِيَّةً،

## 3. ثابت بن قيس الأنصاري

a. نَمْنَعُكَ مِمَّا نَمْنَعُ مِنْهُ أَنْفُسَنَا

وَأَوْلَادَنَا فَمَا لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: لَكُمْ الْجَنَّةُ

## 4. عن عبادة بن الصامت

a. يُبْعَةُ النِّسَاءِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُضَ

عَلَيْنَا الْحَرْبَ

b. أَنْ لَا نُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا، وَلَا

نَسْرِقَ، وَلَا نَزْنِيَ، وَلَا نَقْتُلَ

أَوْلَادَنَا، وَلَا نَأْتِيَ بِبُهْتَانٍ

نُفْتَرِهِ بَيْنَ أَيْدِينَا وَأَرْجُلِنَا، وَلَا

نَعَصِيَهُ فِي مَعْرُوفٍ، فَإِنْ  
وَقَيْتُمْ، فَلَكُمْ الْجَنَّةُ،

.c. عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، فِي

الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَالْمَكْرَهِ

وَالْمُنْشَطِ وَأَثَرَةِ عَلَيْنَا، وَلَا

تُنَازِعِ الْأَمْرَ أَهْلَهُ، وَأَنْ تَقُولَ

بِالْحَقِّ أَيُّمَا كُنَّا لَا نَخَافُ فِي

اللَّهِ لَوْمَةً لَأَنِّمِ

.d. بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ بِيَعَةِ

الْحَرْبِ، وَكَانَ عِبَادَةٌ مِنْ

الْإِثْنَيْ عَشَرَ الَّذِينَ بَايَعُوا فِي

الْعَقَبَةِ الْأُولَى عَلَى بِيَعَةِ

النِّسَاءِ : فِي السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ

فِي عُسْرِنَا وَيُسْرِنَا، وَمُنْشَطِنَا

وَمَكْرَهِنَا، وَلَا تُنَازِعُ فِي

الْأَمْرِ أَهْلَهُ، وَأَنْ تَقُولَ بِالْحَقِّ

حَيْثُ مَا كُنَّا لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ

لَوْمَةً لَأَنِّمِ

.5. عَنْ أَبِيهِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ

.a. الدَّمِ الدَّمِ، وَالْهَدْمِ الْهَدْمِ، أَنَا

مِنْكُمْ، وَأَنْتُمْ مِنِّي، أَحَارِبُ مَنْ

حَارَبْتُمْ، وَأَسْأَلُ مَنْ سَأَلْتُمْ

.6. جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ

a. يُبَايِعُونِي عَلَى السَّمْعِ  
وَالطَّاعَةِ فِي النَّسَاطِ وَالْكَسَلِ،  
وَعَلَى النِّقْفَةِ فِي الْعُسْرِ  
وَالْيُسْرِ، وَعَلَى الْأَمْرِ  
بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ  
الْمُنْكَرِ، وَعَلَى أَنْ تَقُولُوا فِي  
اللَّهِ لَا تَأْخُذْكُمْ فِيهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،  
وَعَلَى أَنْ تَنْصُرُونِي إِذَا  
قَدِمْتُ عَلَيْكُمْ بِثَرِبَ ،  
وَتَمْنَعُونِي مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ  
أَنْفُسَكُمْ وَأَرْوَاجَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ،  
وَأَكْمُ الْجَنَّةُ

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذِ الْعَنْبَرِيِّ ، حَدَّثَنَا أَبِي ،  
حَدَّثَنَا عَاصِمٌ وَهُوَ ابْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ ، عَنْ زَيْدِ  
بْنِ مُحَمَّدٍ ، عَنْ نَافِعٍ ، قَالَ : " جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ  
عُمَرَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُطِيعٍ ، حِينَ كَانَ مِنْ أَمْرِ  
الْحَرَّةِ مَا كَانَ زَمَنَ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ ، فَقَالَ :  
أَطْرَحُوا لِأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَسَادَةً ، فَقَالَ : إِنْ لَمْ  
آتِكَ لِأَجْلِ أَنْتَيْتِكَ لِأَحَدَتِكَ حَدِيثًا سَمِعْتَ رَسُولَ  
اللَّهِ يَقُولُهُ

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ  
لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ  
فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رُسْتَةَ ، نَا سَعِيدُ بْنُ  
أَبِي الرَّبِيعِ ، نَا سَعِيدُ بْنُ سَلَمَةَ بْنِ أَبِي الْحُسَّامِ ،  
حَدَّثَنِي يَزِيدُ بْنُ خُصَيْفَةَ ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ الْأَصَمِّ ،  
عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : "

مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ جَمَاعَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا حُجَّةَ  
لَهُ، وَمَنْ مَاتَ فِي غَيْرِ طَاعَةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً "

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ ، أَنَا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، حَدَّثَنِي  
عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي جَعْفَرٍ ، عَنْ بُكَيْرٍ ، عَنْ نَافِعٍ ،  
عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، أَنَّهُ أَتَى ابْنَ مُطِيعٍ ، فَقَالَ : جِئْتُكَ ؛  
لَأُخْبِرَكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ سَمِعْتُهُ يَقُولُ :

" مَنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ طَاعَةٍ، مَاتَ لَا حُجَّةَ لَهُ،  
وَمَنْ مَاتَ قَدْ نَزَعَ يَدًا مِنْ بَيْعَةٍ، كَانَ عَلَى ضَلَالٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْأَنْصَارِيُّ ، أَخْبَرَنَا أَبُو زَكَرِيَّا يَحْيَى بْنُ أَبِي مَنْصُورٍ الْحَرَّانِيُّ ، حُضُورًا ، أَخْبَرَنَا أَبُو الْبَقَاءِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُكْبَرِيُّ ، أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَتْحِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْبَاقِي ، أَخْبَرَنَا مَالِكُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَابِنَاسِيُّ ، أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَتْحِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الْفَوَّارِسِ الْحَافِظُ ، حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ خَلَادٍ ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِلْحَانَ ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ بْنُ سَعْدٍ ، عَنْ خَالِدِ بْنِ يَزِيدَ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي هِلَالٍ ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : "

مَنْ نَزَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةِ لِقَى اللَّهِ لَيْسَتْ لَهُ حُجَّةٌ ، وَمَنْ مَاتَ مُفَارِقًا لِلْجَمَاعَةِ ، مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً "

عامر بن ربيعة العنزي

قَالَ أَبُو بَكْرٍ : ثَنَا أَسْوَدُ بْنُ عَامِرٍ وَعَلِيُّ بْنُ حَفْصٍ ، عَنْ شَرِيكِ ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ ، عَنْ أَبِيهِ (عامر بن ربيعة العنزي) ، يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ قَالَ : " مَنْ مَاتَ وَلَا طَاعَةَ عَلَيْهِ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً ، وَمَنْ خَلَعَهَا بَعْدَ

عَقْدِهِ إِيَّاهَا " قَالَ أَسْوَدُ : مِنْ عُنُقِهِ، لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى  
وَلَا حُجَّةَ لَهُ " ، قَالَهَا جَمِيعًا

ثَابِتُ بْنُ قَيْسِ الْأَنْصَارِيِّ

حَدَّثَنَا وَهْبَانُ بْنُ بَقِيَّةَ ، نا خَالِدٌ ، عَنْ حُمَيْدٍ ، عَنْ  
أَنْسِ رَضِيِّ اللَّهِ عَنْهُ، أَنَّ ثَابِتَ بْنَ قَيْسِ الْأَنْصَارِيِّ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَطَبَ مَقْدَمَ النَّبِيِّ فَقَالَ :

" نَمْنَعُكَ مِمَّا نَمْنَعُ مِنْهُ أَنْفُسَنَا وَأَوْلَادَنَا فَمَا لَنَا يَا  
رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : لَكُمْ الْجَنَّةُ، قَالُوا : رَضِينَا "

حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى ، نا خَالِدُ بْنُ الْحَارِثِ ، مِثْلُهُ

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ

حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمُرْزَقِيُّ ، ثنا  
الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ ، ثنا سَعِيدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ  
سَعِيدِ الْأَمْوِيِّ ، ثنا أَبِي ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ ،  
ثنا بَرِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ ، عَنْ مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ  
الْبَيْرَانِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَسِيلَةَ الصُّنَابِجِيِّ  
، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ :

" كُنَّا أَحَدَ عَشَرَ فِي الْعَقَبَةِ الْأُولَى مِنَ الْعَامِ الْمُقْبِلِ ،  
فَبَايَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَيْعَةَ

النِّسَاءِ قَبْلَ أَنْ يَفْرُضَ عَلَيْنَا الْحَرْبَ " ، هَذَا حَدِيثٌ  
صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ ، حَدَّثَنَا أَبِي ، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ ،  
حَدَّثَنِي يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ ، عَنْ مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ  
الزَّيْرِيِّ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عُسَيْلَةَ  
الصَّنَابِجِيِّ ، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : كُنْتُ  
فِي مَنُ حَضَرَ العَقَبَةَ الْأُولَى ، وَكُنَّا اثْنَيْ عَشَرَ  
رَجُلًا ، " فَبَايَعَنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى بَيْعَةِ النِّسَاءِ ،  
وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تُفْرَضَ الْحَرْبُ عَلَى :

أَنْ لَا نُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا ، وَلَا نَسْرِقَ ، وَلَا نَزْنِي ، وَلَا  
نَقْتُلَ أَوْلَادَنَا ، وَلَا نَأْتِيَ بِبُهْتَانٍ نَفْتَرِهِ بَيْنَ أَيْدِينَا  
وَأَرْجُلِنَا ، وَلَا نَعْصِيَهُ فِي مَعْرُوفٍ ، فَإِنْ وَفَّيْتُمْ ،  
فَلَكُمْ الْجَنَّةُ ، وَإِنْ عَشَيْتُمْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا ، فَأَمْرُكُمْ إِلَيَّ  
اللَّهِ ، إِنْ شَاءَ عَذَّبَكُمْ ، وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَكُمْ "

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ الصَّعَّانِيُّ ، نَا يُوسُفُ بْنُ بُهْلُولٍ ،  
نَا ابْنُ إِدْرِيسَ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ وَيَحْيَى بْنِ  
سَعِيدٍ وَعُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ

عُبَادَةُ بْنِ الصَّامِتِ ، أَنَّ أَبَاهُ ، حَدَّثَهُ ، عَنْ جَدِّهِ ،  
قَالَ :

" بَايَعَنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ  
فِي الْعَقَبَةِ الْأَخْيَرَةِ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ ، فِي  
الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَالْمَكْرَهِ وَالْمُنْشَطِ وَالْأَثَرَةِ عَلَيْنَا ،  
وَأَلَّا تُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ ، وَأَنْ نَقُولَ بِالْحَقِّ أَيَّمَا كُنَّا  
لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً . ثُمَّ قَالَ ابْنُ إِدْرِيسَ فِي  
حَدِيثِهِ : ثُمَّ ضَرَبَ عَلَى أَيْدِينَا

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَوْنٍ الرَّازِيُّ ، ثنا  
عَمَارُ بْنُ الْحَسَنِ ، ثنا سَلْمَةُ بْنُ الْفَضْلِ ، عَنْ ابْنِ  
إِسْحَاقَ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي يَزِيدُ بْنُ أَبِي حَبِيبٍ ، عَنْ  
مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبِزْنِيِّ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ  
عُسَيْبَةَ الصُّنَابَجِيِّ ، عَنْ عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ  
: " كُنَّا اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا فِي الْعَقَبَةِ الْأُولَى

فَبَايَعَنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى بَيْعَةِ النِّسَاءِ أَنْ لَا نُشْرِكَ  
بِاللَّهِ شَيْئًا ، وَلَا نَسْرِقَ ، وَلَا نَزْنِي ، وَلَا نَقْتُلَ  
أَوْلَادَنَا ، وَلَا نَأْتِيَ بِبُهْتَانٍ نَفْتَرِيهِ بَيْنَ أَيْدِينَا ،  
وَأَرْجُلِنَا ، وَلَا نَعْصِيَهُ فِي مَعْرُوفٍ ، فَمَنْ وَفَى فَلَهُ  
الْجَنَّةُ ، وَمَنْ عَشِيَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا فَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ إِنْ  
شَاءَ عَذَّبَهُ ، وَإِنْ شَاءَ عَفَرَ لَهُ

حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ ، حَدَّثَنَا أَبِي ، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ ،  
حَدَّثَنِي عُبَادَةُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ،  
عَنْ أَبِيهِ الْوَلِيدِ ، عَنْ جَدِّهِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ وَكَانَ  
أَحَدَ النَّقَبَاءِ ، قَالَ :

" بَايَعَنَا رَسُولَ اللَّهِ بِبَيْعَةِ الْحَرْبِ ، وَكَانَ عُبَادَةُ مِنْ  
الْإِثْنِي عَشَرَ الَّذِينَ بَايَعُوا فِي الْعَقَبَةِ الْأُولَى عَلَى  
بَيْعَةِ النَّسَاءِ : فِي السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي عُسْرِنَا  
وَيُسْرِنَا ، وَمَنْشَطِنَا وَمَكْرَهِنَا ، وَلَا نُنَازِعُ فِي الْأَمْرِ  
أَهْلَهُ ، وَأَنْ نَقُولَ بِالْحَقِّ حَيْثُمَا كُنَّا لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ  
لَوْمَةً لَأَنَّمِ

عَنْ عَائِشَةَ

وَكُنَّا عَيْسَى ، قَالَ : نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيُّ ،  
قَالَ : نَا دَاوُدُ بْنُ عَمْرٍو ، قَالَ : نَا ابْنُ أَبِي الزُّنَادِ  
، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عَائِشَةَ ،  
قَالَتْ :

" أَخَذَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِيَدِ رَسُولِ اللَّهِ فِي  
الْعَقَبَةِ جِيئَ وَافَاهُ سَبْعُونَ مِنَ الْأَنْصَارِ ، وَأَخَذَ  
رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، وَاشْتَرَطَ لَهُ ، وَذَلِكَ فِي عِزَّةِ  
الْإِسْلَامِ وَأَوْلَاهِ قَبْلَ أَنْ يَعْْبُدَ اللَّهَ أَحَدٌ عَالِيَةً

قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ : وَحَدَّثَنِي عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي بَكْرٍ  
بْنِ حَزْمٍ وَعُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ بْنِ مُعَيْقِبٍ ، قَالَا  
:

" بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ مُصَعَّبَ بْنَ عُمَيْرٍ مَعَ النَّفَرِ  
الْإِثْنَيْ عَشْرَةَ الَّذِينَ بَايَعُوهُ فِي الْعَقَبَةِ الْأُولَى ، يُفَقَّهُ  
أَهْلَهَا وَيُفَرِّقُهُمُ الْقُرْآنَ

اسم الكتاب: أحكام القرآن الكريم للطحاوي  
(321)- [420] إِبْرَاهِيمَ بْنَ أَبِي دَاوُدَ وَفَهْدًا :  
حَدَّثَنَا ، قَالَا : حَدَّثَنَا أَبُو الْوَلِيدِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا شُعْبَةُ  
، قَالَ : أَنْبَأَنَا أَبُو إِسْحَاقَ ، قَالَ : سَمِعْتُ الْبَرَاءَ ،  
يَقُولُ :

" أَوَّلُ مَنْ قَدِمَ عَلَيْنَا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ  
مُصَعَّبُ بْنُ عُمَيْرٍ ، وَابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ ، فَكَانَا يُفَرِّقَانِ  
الْقُرْآنَ ، ثُمَّ جَاءَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ وَبِلَالٌ وَسَعْدٌ ، ثُمَّ  
جَاءَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي عِشْرِينَ  
رَاكِبًا ، ثُمَّ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ " ، فَتَبَّتْ بِمَا ذَكَرْنَا أَنَّ  
فُدُومَ ابْنَ مَسْعُودٍ كَانَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ  
بِالْمَدِينَةِ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي طَاهِرٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا  
الْجَوْهَرِيُّ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا أَبُو حَيَّوَيْهِ ، قَالَ :  
أَخْبَرَنَا ابْنُ مَعْرُوفٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا ابْنُ الْفَهْمِ ،  
قَالَ : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍ  
، قَالَ : حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّيْمِيُّ  
، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : " كَانَ سَعْدُ بْنُ خَيْثَمَةَ أَحَدَ نِقَبَاءِ  
الْأَنْصَارِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ ، شَهِدَ الْعَقَبَةَ الْأَخِيرَةَ مَعَ  
السَّعِيِّينَ ، وَلَمَّا نَدَبَ رَسُولُ اللَّهِ النَّاسَ إِلَى عَزْوَةِ  
بَدْرٍ ، قَالَ لَهُ أَبُوهُ خَيْثَمَةُ :

إِنَّهُ لَا بُدَّ لِأَحَدِنَا مِنْ أَنْ يُقِيمَ ، فَأَثَرَنِي بِالْخُرُوجِ ،  
وَأَقِمَّ مَعَ نِسَائِكَ ، فَأَبَى سَعْدٌ ، وَقَالَ : لَوْ كَانَ غَيْرَ  
الْجَنَّةِ لَأَثَرْتُكَ بِهَا ، إِنِّي لِأَرْجُو الشَّهَادَةَ فِي  
وَجْهِهِ . فَاسْتَهَمَا ، فَخَرَجَ سَهْمٌ سَعْدٍ ، فَخَرَجَ ، فَقُتِلَ  
بِبَدْرٍ "

حَدَّثَنَا وَهْبٌ ، أَخْبَرَنَا خَالِدٌ ، عَنْ حُمَيْدٍ ، عَنْ أَنَسٍ  
، أَنَّ ثَابِتَ بْنَ قَيْسٍ خَطَبَ مَقْدَمَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ :

إِنَّا نَمْنَعُكَ مِمَّا نَمْنَعُ مِنْهُ أَنْفُسَنَا وَأَوْلَادَنَا ، فَمَا لَنَا  
يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : " لَكُمْ الْجَنَّةُ " ، قَالُوا : رَضِينَا

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ وَالْحَارِثُ بْنُ مَسْكِينٍ ،  
قِرَاءَةً عَلَيْهِ، عَنِ ابْنِ الْقَاسِمِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَالِكٌ  
، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عُبَادَةُ بْنُ  
الْوَلِيدِ بْنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي  
، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ :

" بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى السَّمْعِ، وَالطَّاعَةِ فِي  
الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ، وَأَنْ لَا نُنَازِعَ  
الْأَمْرَ أَهْلَهُ، وَأَنْ نَقُولَ، أَوْ نَقُومَ بِالْحَقِّ حَيْثُ كُنَّا،  
وَلَا نَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَ

عَنْ أَبِيهِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ

حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ بُهْلُولٍ ، حَدَّثَنَا ابْنُ إِدْرِيسَ ، عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ ، حَدَّثَنِي مَعْبُدُ بْنُ كَعْبٍ ، عَنْ  
أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَعْبٍ ، عَنْ أَبِيهِ كَعْبِ بْنِ مَالِكِ ،  
فِي بَيْعَةِ الْعَقَبَةِ، قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ : فَقَالَ أَبُو الْهَيْبِمْ  
لِلنَّبِيِّ لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ عَسَى أَنْ  
أُظْهِرَكَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ تَرْجِعَ إِلَى قَوْمِكَ وَتَدْعَنَا؟  
فَقَالَ :

الدَّمِ الدَّمِ، وَالْهَدَمَ الْهَدَمَ، أَنَا مِنْكُمْ، وَأَنْتُمْ مِنِّي،  
أَحَارِبُ مَنْ حَارَبْتُمْ، وَأُسَالِمُ مَنْ سَالَمْتُمْ "

اسم الكتاب: شرح أصول اعتقاد أهل السنة  
والجماعة للالكائي

(خَبَرَنَا عِيسَى بْنُ عَلِيٍّ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ  
الْبَعَوِيُّ ، قَالَ : ثنا خَلْفُ بْنُ هِشَامٍ ، قَالَ : ثنا دَاوُدُ  
بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَطَّارُ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ  
عُثْمَانَ بْنِ خُنَيْمٍ ، عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
، أَنَّهُ حَدَّثَهُ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ . ح . وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ  
عَبِيدٍ ، أَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُبَشَّرٍ ، ثنا أَحْمَدُ  
بْنُ سِنَانٍ ، ثنا عَبْدُ الْأَعْلَى بْنُ حَمَّادٍ ، ثنا دَاوُدُ بْنُ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَطَّارُ ، ثنا ابْنُ خُنَيْمٍ ، عَنْ أَبِي  
الرَّبِيعِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ  
اللَّهِ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ K لَبِثَ فِي حَدِيثِ خَلْفٍ : مَكَثَ  
عَشْرَ سِنِينَ يَتْبَعُ الْحَاجَّ فِي مَنَازِلِهِمْ فِي الْمَوْسِمِ  
بِمَجَنَّةَ وَعَكَاطٍ وَمَنَازِلِهِمْ بِمِنَى : " مَنْ يُؤْوِينِي  
وَيُنْصِرُنِي حَتَّى أُبَلِّغَ رِسَالَاتِ رَبِّي فَلَهُ الْجَنَّةُ " ،  
فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يُؤْوِيهِ وَيُنْصِرُهُ ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ  
لَيَدْخُلُ صَاحِبُهُ مِنْ مِصْرَ وَالْيَمَنِ ، فَيَأْتِيهِ قَوْمُهُ أَوْ

ذُو رَحِمِهِ، فَيَقُولُونَ : أَحَدَرُ قَتَى قُرَيْشٍ، لَا يَفْتِنُكَ،  
 يَمْشِي بَيْنَ رِجَالِهِمْ يَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ، يُشِيرُونَ إِلَيْهِ  
 بِأَصَابِعِهِمْ، حَتَّى بَعَثْنَا اللَّهَ لَهُ مِنْ بَثْرَبَ ، فَبَيَّأْتِيهِ  
 الرَّجُلُ مِنَّا فَيُؤْمِنُ بِهِ زَادَ عَبْدُ الْأَعْلَى : فَيُفْرِئُهُ  
 الْقُرْآنَ فَيُنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ فَيُسَلِّمُونَ بِإِسْلَامِهِ، حَتَّى  
 لَمْ يَبْقَ دَارٌ مِنْ دُورِ بَثْرَبَ إِلَّا وَفِيهَا رَهْطٌ مِنْ  
 الْمُسْلِمِينَ يُظْهِرُونَ الْإِسْلَامَ، ثُمَّ بَعَثْنَا اللَّهَ، فَانْتَمَرْنَا  
 وَاجْتَمَعَ سَبْعُونَ رَجُلًا مِنَّا، فَقُلْنَا : حَتَّى مَتَى نَرَى  
 رَسُولَ اللَّهِ K زَادَ عَبْدُ الْأَعْلَى : يَطُوفُ فِي جِبَالِ  
 مَكَّةَ وَيَخَافُ فَرَحَلْنَا حَتَّى قَدِمْنَا عَلَيْهِ فِي الْمَوْسِمِ  
 فَوَاعَدْنَا شُعْبَ الْعَقَبَةِ، فَاجْتَمَعْنَا فِيهِ مِنْ رَجُلٍ  
 وَرَجُلَيْنِ حَتَّى تَوَافَيْتَا عِنْدَهُ، فَقُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ،  
 عَلَامَ نُبَايَعُكَ؟ قَالَ :

" نُبَايَعُونِي عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي النَّشَاطِ  
 وَالْكَسَلِ، وَعَلَى النَّفَقَةِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، وَعَلَى  
 الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَلَى أَنْ  
 تَقُولُوا فِي اللَّهِ لَا تَأْخُذْكُمْ فِيهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَعَلَى أَنْ  
 تَنْصُرُونِي إِذَا قَدِمْتُ عَلَيْكُمْ يَثْرَبَ ، وَتَمْنَعُونِي مِمَّا  
 تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَأَرْوَاجَكُمْ وَأَبْنَاءَكُمْ، وَلَكُمْ  
 الْجَنَّةُ "، فَقَمْنَا نُبَايَعُهُ، وَأَخَذَ بِيَدِهِ أَسْعَدُ بْنُ زُرَّارَةَ  
 وَهُوَ أَصْعَرُ السَّبْعِينَ رَجُلًا إِلَّا أَنَا، فَقَالَ : رُوَيْدًا  
 يَا أَهْلَ بَثْرَبَ ، إِنَّهُ لَمْ نَضْرِبْ إِلَيْهِ أَكْبَادُ الْمَطِيِّ  
 إِلَّا وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ عِنْدَ إِخْرَاجِهِ الْيَوْمَ

مُفَارَقَةُ الْعَرَبِ كَافَّةً، وَقَتْلُ خِيَارِكُمْ، وَأَنْ تَعْضُكُمْ  
السُّيُوفُ، فَإِمَّا أَنْتُمْ تَصْبِرُونَ عَلَى عَضِّ السُّيُوفِ  
إِذَا مَسَّتْكُمْ، وَعَلَى قَتْلِ خِيَارِكُمْ، وَعَلَى مُفَارَقَةِ  
الْعَرَبِ كَافَّةً، فَخُدُّوهُ وَأَجْرُكُمْ عَلَى اللَّهِ وَفِي حَدِيثِ  
عَبْدِ الْأَعْلَى : أَجْرُكُمْ عَلَى اللَّهِ وَإِمَّا أَنْتُمْ تَخَافُونَ  
مِنْ أَنْفُسِكُمْ خِيفَةً، فَدَرُّوهُ فَهُوَ أَعْدَرُ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ،  
قَالُوا : أَمْطَ عَنَّا يَدَكَ يَا أَسْعَدُ بْنُ زُرَّارَةَ، فَوَاللَّهِ لَا  
نَذَرُ هَذِهِ الْبَيْعَةَ، وَلَا نَسْتَقْبِلُهَا، فَقَمْنَا إِلَيْهِ نُبَايَعُهُ  
رَجُلًا فَرَجُلًا، فَيَأْخُذُ عَلَيْنَا شَرْطَهُ وَيُعْطِينَا عَلَى  
ذَلِكَ الْجَنَّةَ "

وَنَنَا عِيسَى ، قَالَ : نَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغَوِيُّ ،  
قَالَ : نَا دَاوُدُ بْنُ عَمْرٍو ، قَالَ : نَا ابْنُ أَبِي الزُّنَادِ  
، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عَائِشَةَ ،  
قَالَتْ :

" أَخَذَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِيَدِ رَسُولِ اللَّهِ فِي  
الْعَقَبَةِ جِينًا وَفَاهُ سَبْعُونَ مِنَ الْأَنْصَارِ، وَأَخَذَ  
رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَاشْتَرَطَ لَهُ، وَذَلِكَ فِي عِزَّةِ  
الْإِسْلَامِ وَأَوَّلِهِ قَبْلَ أَنْ يَعْبُدَ اللَّهُ أَحَدًا عَالِيَةً "

خلفاء بعد از پیامبر صلی الله علیه و سلم

این امر یعنی این دین و باید امور آن بعد از رسول الله صلی الله علیه و سلم ادامه یابد. این کار توسط تعیین یک جانشین پیامبر صلی الله علیه و سلم صورت می گیرد. این مسئله از سخنان حضرت عمر رض و پسر اش نیز واضح می گردد.

قَالُوا اسْتَخْلَفَ فَقَالَ أَتَحْمَلُ أَمْرَكُمْ حَيًّا وَمَيِّتًا

أَنْ قَدْ ضَيَّعَ فِرْعَايَهُ النَّاسِ أَشَدَّ

با این سخنان واضح می گردد که امر یعنی تمام دین همراه با تطبیق آن می باشد. و مفهوم آن این است که باید توسط خلیفه حمل و تطبیق گردد. هم چنان در می یابیم که امارت یکی از مسؤلیت

های مهم است نه امتیاز که از قول ذیل ثابت می گردد.

لَوَدِدْتُ أَنَّ حَظِّي مِنْهَا الْكَفَافُ لَا عَلَيَّ وَلَا لِي

هر مقام و موقف با صلاحیت برای رعایت امور مسلمانان است و این مسئله از سخنان پیامبر صلی الله علیه و سلم کاملاً واضح می گردد. از حضرت عایشه رض روایت است:

اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا

حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ، مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ،

قَالَ حَضَرْتُ أَبِي جِئْتُ أُصِيبَ فَأَتَنُوا عَلَيْهِ وَقَالُوا جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا . فَقَالَ رَاغِبٌ وَرَاهِبٌ قَالُوا اسْتَخْلَفَ فَقَالَ أَتَحْمَلُ أَمْرَكُمْ حَيًّا وَمَيِّتًا لَوَدِدْتُ أَنَّ

حَظِّي مِنْهَا الْكَفَافُ لَا عَلَيَّ وَلَا لِي فَإِنْ أُسْتَخْلِفَ  
فَقَدْ اسْتَخْلَفَ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي - يَعْنِي أَبَا بَكْرٍ -  
وَإِنْ أَثْرُكُمْ فَقَدْ تَرَكَكُمْ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي رَسُولُ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ .

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ جِئَ ذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَيْرٌ مُسْتَخْلِفٍ

در مسند عبدالله بن عمر رض روایت شده که  
گفت: وقتی که پدرب زخمی گردید، همراهی پدرب  
بودم. مردم او را تحسین کرده گفت: الله سبحانه  
و تعالی پاداش عظیم نصیبت کند! او گفت: من  
به رحمت الله سبحانه و تعالی امید دارم و از قهر  
او سبحانه و تعالی می ترسم، مردم گفتند: کسی  
را جانشین خود تعیین نما. او گفت: آیا باید بار  
مسئولیت امور شما را در زنده گی و مرگ نیز به  
عهده گیرم؟ (از این که خلافت بار سنگین است)  
امید وارم که حق آن را (نزد الله سبحانه و تعالی)  
طوری ادا نموده باشم نه به امتیازم و نه به بی

اعتمادی ام چیزی اضافه کرده باشد. اگر  
جانشین خود را تعیین نمایم، این کار را شخص  
بهتر از من انجام می داد (منظورش حضرت  
ابوبکر رض) است. اگر شما را به حال خود رها  
کنم (این کار می کنم زیرا) شخص بهتر از من این  
کار را انجام داد (منظورش حضرت محمد ص می  
باشد). عبدالله گفت: وقتی از حضرت محمد ص  
یاد آوری نمود من فهمیدم که او کسی را به حیث  
خلیفه تعیین نمی کند.

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، وَابْنُ أَبِي عُمَرَ، وَمُحَمَّدُ  
بْنُ رَافِعٍ، وَعَبْدُ بْنُ حُمَيْدٍ، وَالْفَاطِمِيُّ، مُتَقَابِرَةً قَالَ  
إِسْحَاقُ وَعَبْدُ أَخْبَرَنَا وَقَالَ الْآخَرَانِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ  
الرَّزَّاقِ، - أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، أَخْبَرَنِي  
سَالِمٌ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ،

قَالَ دَخَلْتُ عَلَى حَفْصَةَ فَقَالَتْ أَعْلِمْتَ أَنَّ أَبَاكَ  
غَيْرُ مُسْتَخْلِفٍ قَالَ قُلْتُ مَا كَانَ لِيَفْعَلَ . قَالَتْ إِنَّهُ  
فَاعِلٌ . قَالَ فَحَلَفْتُ أَنِّي أَكَلَّمُهُ فِي ذَلِكَ فَسَكَتُ حَتَّى

عَدَوْتُ وَلَمْ أَكَلِّمُهُ - قَالَ - فَكُنْتُ كَمَا تَمَّا أَحْمَلُ  
بِئِمِّي جَبَلًا حَتَّى رَجَعْتُ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَسَأَلَنِي  
عَنْ حَالِ النَّاسِ وَأَنَا أَخْبِرُهُ - قَالَ - ثُمَّ قُلْتُ لَهُ إِنِّي  
سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ مَقَالَةً فَأَلَيْتُ أَنْ أَقُولَهَا لَكَ  
رَزَعُمَا أَنَّكَ غَيْرُ مُسْتَخْلِفٍ وَإِنَّهُ لَوْ كَانَ لَكَ رَاعِي  
إِبِلٍ أَوْ رَاعِي غَنَمٍ ثُمَّ جَاءَكَ وَتَرَكَهَا رَأَيْتَ أَنْ قَدْ  
ضَبَعَ فَرِعَايَهُ النَّاسِ أَشَدُّ قَالَ فَوَافَقَهُ قَوْلِي فَوَضَعَ  
رَأْسَهُ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَهُ إِلَيَّ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ  
يَحْفَظُ دِينَهُ وَإِنِّي لَأَنْ أَسْتَخْلِفُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَسْتَخْلِفْ وَإِنْ أَسْتَخْلِفُ فَإِنَّ  
أَبَا بَكْرٍ قَدْ اسْتَخْلَفَ . قَالَ فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ ذَكَرَ  
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبَا بَكْرٍ فَعَلِمْتُ  
أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِيَعْدِلَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
أَحَدًا وَأَنَّهُ غَيْرُ مُسْتَخْلِفٍ .

این حدیث در مسند ابن عمر نقل شده که گفت:  
من داخل خانه خواهرم حفصه شدم. او گفت: آیا  
می دانی که پدر ات جانشین اش را تعیین  
نخواهد کرد؟ من گفتم: او این کار را نخواهد کرد  
(یعنی او تعیین خواهد کرد). خواهرم گفت: او آن

کار را خواهد کرد. راوی می گوید: من قسم خوردم که درین مورد با وی صحبت نمایم. تا صبح بعدی خاموش ماندم و تا هنوز با او صحبت نکردم و چنین احساس کردم که کوه سنگین را بالای دست راستم حمل می نمایم. بالاخره نزدش آمدم و داخل اتاقش شدم. با دیدن من او در مورد وضعیت مردم پرسان کرد و من در باره حالت مردم برایش گفتم. سپس برایش گفتم: من چیزی از مردم شنیدم و قسم خوردم که در مورد آن با شما سخن گویم. آن ها فکر می کنند که شما جانشین خود را تعیین خواهید کرد. اگر مسؤل شتران و گوسفندان تعیین نمودی، رمه را ترک کرده و برگردد، بدون شک به این نتیجه می رسید که رمه تلف شده. رعایت امور مردم کار بسیار دشوار و خطر ناک است. (خلیفه در حال مرگ) با سخنانم تکان خورد. او برای چند لحظه در فکر فرو رفت و سرش را به طرف من بالا نموده گفت: بدون شک الله سبحانه و تعالی از دین اش محافظت خواهد

کرد. اگر من جانشین را تعیین نمی کنم (قبل از من شخص بهتر بود) زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم جانشین خود را تعیین ننمود. اگر اگر کسی را من تعیین نمایم (قبل از من) ابوبکر این کار را نکرده بود. راوی (ابن عمر) می گوید: قسم به الله سبحانه و تعالی، وقتی که از حضرت محمد صلی الله علیه و ابوبکر رض یاد آوری نمود، همان لحظه فهمیدم هیچ کسی را با پیامبر صلی الله علیه و سلم برابر نمی سازد و هیچ کسی را جانشین تعیین نمی نماید.

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ ، حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ بْنُ الْوَلِيدِ ، عَنْ بَحِيرِ بْنِ سَعْدٍ ، عَنْ خَالِدِ بْنِ مَعْدَانَ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرٍو السُّلَمِيِّ ، عَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ ، قَالَ : وَعَظَّنَا رَسُولُ اللَّهِ يَوْمًا بَعْدَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ مَوْعِظَةً بَلِيغَةً دَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ وَوَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ ، فَقَالَ رَجُلٌ : إِنَّ هَذِهِ مَوْعِظَةٌ مُودَّعٍ ، فَمَاذَا تَعْهَدُ إِلَيْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ :

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالسَّمْعِ، وَالطَّاعَةِ، وَإِنْ عَبْدٌ  
حَبَشِيٌّ فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ بِرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا،  
وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّهَا ضَلَالَةٌ، فَمَنْ أَدْرَكَ  
ذَلِكَ مِنْكُمْ فَعَلَيْهِ بِسُنَّتِي **وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ**  
الْمَهْدِيِّينَ، عَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ " ، قَالَ أَبُو  
عِيْسَى : هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ

خلافت حضرت ابوبكر رض

1. عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ

- a. فَمَنْ بَايَعَ امْرَأً مِنْ غَيْرِ  
مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّهُ لَا  
يُيَعِّعُهُ لَهُ، وَلَا لِلَّذِي بَايَعَهُ
- b. وَلَنْ يَعْرِفَ الْعَرَبُ هَذَا الْأَمْرَ  
إِلَّا لِهَذَا الْحَيِّ مِنْ قُرَيْشٍ، هُمْ  
أَوْسَطُ الْعَرَبِ دَارًا وَنَسَبًا
- c. وَلَيْسَ مِنْكُمْ الْيَوْمَ مَنْ تَقَطَّعَ  
إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ مِثْلَ أَبِي بَكْرٍ إِلَّا  
وَإِنَّهُ كَانَ مِنْ خَيْرِنَا يَوْمَ تَوَفَّى  
اللَّهُ رَسُولَهُ

2. عَنْ عَائِشَةَ

a. ثُمَّ تَكَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ فَتَكَلَّمَ أَبْلَغَ  
النَّاسِ، فَقَالَ : فِي كَلَامِهِ نَحْنُ  
الْأَمْرَاءُ وَأَنْتُمْ الْوُزَرَاءُ

b. فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ : لَا وَلَكِنَّا  
الْأَمْرَاءُ وَأَنْتُمْ الْوُزَرَاءُ هُمْ  
أَوْسَطُ الْعَرَبِ دَارًا وَأَعْرَبُهُمْ  
أَحْسَابًا، فَبَايَعُوا عُمَرَ أَوْ أَبَا  
عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ

### 3. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. فَمَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَلَى غَيْرِ  
مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا  
يُتَابِعُ هُوَ وَلَا الَّذِي بَايَعَهُ تَعْرِئَةً  
أَنْ يُقْتَلَ

عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ

أَخْبَرَنَا أَبُو بَعْلَى ، قَالَ : حَدَّثَنَا سُرَيْجُ بْنُ يُونُسَ ،  
قَالَ : حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ ، قَالَ : سَمِعْتُ الرَّهْرِيَّ ، يُحَدِّثُ  
عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي ابْنُ عَبَّاسٍ  
، قَالَ : انْقَلَبَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ إِلَى مَنْزِلِهِ  
بِمِثَى ، فِي آخِرِ حَجَّةٍ حَجَّهَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ ،  
فَقَالَ : إِنَّ فُلَانًا يَقُولُ : لَوْ قَدْ مَاتَ عُمَرُ بَايَعْتُ  
فُلَانًا ، قَالَ عُمَرُ : إِنَّي قَائِمُ الْعَشِيَّةِ فِي النَّاسِ ،  
وَأَحَدَرُّهُمْ هُوَ لَاءِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَعْصِبُوهُمْ  
أَمْرَهُمْ ، قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ : فَقُلْتُ لَا تَفْعَلْ يَا أَمِيرَ

المؤمنين، فَإِنَّ الْمَوْسِمَ يَجْمَعُ رِعَاغَ النَّاسِ،  
وَعَوَاءَهُمْ، وَإِنَّ أَوْلِيكَ الَّذِينَ يَغْلِبُونَ عَلَيَّ  
مَجْلِسِكَ إِذَا أَقَمْتَ فِي النَّاسِ، فَيَطِيرُوا بِمَقَالَتِكَ،  
وَلَا يَضَعُوهَا مَوَاضِعَهَا أَمَهْلَ حَتَّى تَقْدُمَ الْمَدِينَةَ،  
فَإِنَّهَا دَارُ الْهَجْرَةِ، فَتَخْلُصَ بِعِلْمَاءِ النَّاسِ  
وَأَشْرَافِهِمْ، وَتَقُولَ مَا قُلْتَ مُتَمَكِّنًا، وَيَعُونَ مَقَالَتَكَ،  
وَيَضَعُونَهَا مَوَاضِعَهَا، فَقَالَ عُمَرُ : لَيْسَ قَدِيمَتِ  
الْمَدِينَةَ سَالِمًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لِأَتَكَلَّمَنَّ فِي أَوَّلِ مَقَامِ  
أَقُومُهُ فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ فِي عَقَبِ ذِي الْحِجَّةِ فَلَمَّا كَانَ  
يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَجَلْتُ الرِّوَاحَ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ، فَوَجَدْتُ  
سَعِيدَ بْنِ زَيْدٍ قَدْ سَبَقَنِي، فَجَلَسَ إِلَيَّ رُكْنِ الْمَنْبَرِ  
الْأَيْمَنِ، وَجَلَسْتُ إِلَيْ جَنْبِهِ تَمَسُّ رُكْبَتِي رُكْبَتَهُ،  
فَلَمَّ أَنْ طَلَعَ عُمَرُ، فَقُلْتُ لِسَعِيدٍ : أَمَا إِنَّهُ سَيَقُولُ  
الْيَوْمَ عَلَى هَذَا الْمَنْبَرِ مَقَالَةً لَمْ يَقُلْهَا مُنْذُ اسْتُخْلِفَ،  
قَالَ : وَمَا عَسَى أَنْ يَقُولَ؟ فَجَلَسَ عُمَرُ عَلَيَّ  
الْمَنْبَرِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، ثُمَّ قَالَ  
: أَمَا بَعْدُ، فَإِنِّي قَائِلٌ لَكُمْ مَقَالَةً قَدَّرَ لِي أَنْ أَقُولَهَا،  
لَا أَدْرِي لَعَلَّهَا بَيْنَ يَدَيَّ أَجْلِي، فَمَنْ عَقَلَهَا  
وَوَعَاَهَا، فَلْيُحَدِّثْ بِهَا حَيْثُ انْتَهَتْ بِهِ رَاجِلَتُهُ،  
وَمَنْ لَمْ يَعْظَلْهَا، فَلَا يَجِلْ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَكْذِبَ عَلَيَّ :  
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، بَعَثَ مُحَمَّدًا K وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ  
الْكِتَابَ، فَكَانَ فِيهَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةَ الرَّجْمِ، فَقَرَأَ بِهَا،  
وَرَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ K وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ، وَأَخَافُ إِنْ  
طَالَ بِالنَّاسِ زَمَانٌ أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ : مَا نَجِدُ آيَةَ

الرَّجْمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ، فَيَضِلُّوا بِتَرْكِ قَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ، وَالرَّجْمُ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، إِذَا قَامَتِ اللَّيْبَةُ، أَوْ كَانَ حَمَلٌ، أَوْ اعْتِرَافٌ، وَائِمَّ اللَّهُ، لَوْلَا أَنْ يَقُولَ النَّاسُ: زَادَ عُمَرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ، لَكُنْتُمْ بِهَا أَلَا وَإِنَّا كُنَّا نَقْرَأُ " لَا تَرَعُبُوا عَنْ آبَائِكُمْ، فَإِنَّ كُفْرًا بِكُمْ أَنْ تَرَعُبُوا عَنْ آبَائِكُمْ "، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" لَا تُظْرُونِي كَمَا أَطْرَبَ النَّصَارَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ، فَقُولُوا : عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ " أَلَا وَإِنَّهُ بَلَّغَنِي أَنَّ فُلَانًا، قَالَ : لَوْ قَدْ مَاتَ عُمَرُ، بَايَعْتُ فُلَانًا، فَمَنْ بَايَعَ امْرَأً مِنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّهُ لَا بَيْعَةَ لَهُ، وَلَا لِلَّذِي بَايَعَهُ، فَلَا يَغْتَرَّرَنَّ أَحَدٌ فَيَقُولُ : إِنَّ بَيْعَةَ أَبِي بَكْرٍ كَانَتْ فَلْتَةً، أَلَا وَإِنَّهَا كَانَتْ فَلْتَةً، إِلَّا أَنْ اللَّهُ وَفَى شَرَّهَا وَلَيْسَ مِنْكُمْ الْيَوْمَ مَنْ تُقَطِّعَ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ مِثْلَ أَبِي بَكْرٍ أَلَا وَإِنَّهُ كَانَ مِنْ خَيْرِنَا يَوْمَ تَوَفَّى اللَّهُ رَسُولَهُ إِنَّ الْمُهَاجِرِينَ اجْتَمَعُوا إِلَى أَبِي بَكْرٍ، وَتَخَلَّفَ عَنَّا الْأَنْصَارُ فِي سَقِيفَةِ بَنِي سَاعِدَةَ، فَقُلْتُ لِأَبِي بَكْرٍ : انْطَلِقْ بِنَا إِلَى إِخْوَانِنَا مِنَ الْأَنْصَارِ نَنْظُرُ مَا صَنَعُوا، فَخَرَجْنَا نُوْمُهُمْ، فَلَقِينَا رَجُلَانِ صَالِحَانِ مِنْهُمْ، فَقَالَا : أَيَّنْ تَدْهَبُونَ يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ؟ فَقُلْتُ : نُرِيدُ إِخْوَانَنَا مِنَ الْأَنْصَارِ، قَالَ : فَلَا عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَأْتُوهُمْ، أَفْضُوا أَمْرَكُمْ، يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ فَقُلْتُ : وَاللَّهِ لَا نَرْجِعُ حَتَّى نَأْتِيَهُمْ، فَجِئْنَاهُمْ، فَإِذَا

هُم مُجْتَمِعُونَ فِي سَقِيفَةِ بَنِي سَاعِدَةَ، وَإِذَا رَجُلٌ  
مُرَّمَلٌ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ، فَقُلْتُ مَنْ هَذَا؟ فَقَالُوا : سَعْدُ  
بْنُ عَبَادَةَ، قُلْتُ : مَا لَهُ؟ قَالُوا : وَجِعٌ، فَلَمَّا جَلَسْنَا  
قَامَ خَطِيبُهُمْ فَحَمِدَ اللَّهَ، وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ : أَمَّا  
بَعْدُ، فَتَنَحَّنْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَكَتِيبَةُ الْإِسْلَامِ، وَقَدْ دَفَنْتُ  
إِلَيْنَا يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ مِنْكُمْ دَافَةً، وَإِذَا هُمْ قَدْ  
أَرَادُوا أَنْ يَخْتَصُّوا بِالْأَمْرِ، وَيُخْرِجُونَا مِنْ أَرْضِنَا،  
قَالَ عُمَرُ : فَلَمَّا سَكَتَ، أَرَدْتُ أَنْ أَتَكَلَّمَ، وَقَدْ كُنْتُ  
زَوَّرْتُ مَقَالَهَ قَدْ أَعْجَبْتَنِي أُرِيدُ أَنْ أَقُولَهَا بَيْنَ يَدَيِ  
أَبِي بَكْرٍ، وَكُنْتُ أَدَارِي مِنْهُ بَعْضَ الْحَدِّ، وَكَانَ  
أَحْلَمَ مِنِّي وَأَوْقَرَ، فَأَخَذَ بِيَدِي، وَقَالَ : اجْلِسْ،  
فَكَرِهْتُ أَنْ أُغْضِبَهُ، فَتَكَلَّمْتُ، فَوَاللَّهِ مَا تَرَكَ مِمَّا  
زَوَّرْتُهُ فِي مَقَالَتِي إِلَّا، قَالَ مِثْلَهُ فِي بَدِيهَتِهِ أَوْ  
أَفْضَلَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ : أَمَّا بَعْدُ،  
فَمَا ذَكَرْتُمْ مِنْ خَيْرٍ، فَأَنْتُمْ أَهْلُهُ، وَلَنْ يَعْرِفَ  
الْعَرَبُ هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا لِهَذَا الْحَيِّ مِنْ فَرِيشٍ، هُمْ  
أَوْسَطُ الْعَرَبِ دَارًا وَنَسَبًا، وَقَدْ رَضِيْتُ لَكُمْ أَحَدَ  
هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ، فَبَايَعُوا إِلَيْهِمَا شَيْئًا، وَأَخَذَ بِيَدِي  
وَبَدَّ أَبِي عُبَيْدَةَ بِنَ الْجَرَّاحِ، وَهُوَ جَالِسٌ بَيْنَنَا، فَلَمْ  
أَكْرَهُ شَيْئًا مِنْ مَقَالَتِهِ غَيْرَهَا، كَانَ وَاللَّهِ لَأَنْ أُفَدَّمَ  
فَتُضْرَبَ عُنُقِي فِي أَمْرِ لَا يُقَرِّبُنِي ذَلِكَ إِلَى إِيْتِمٍ،  
أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُوَمَّرَ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ أَبُو بَكْرٍ،  
فَقَالَ فَتَى الْأَنْصَارِ : أَنَا جُدَيْلُهَا الْمُحَكَّكُ، وَعَدَيْتُهَا  
الْمُرَجَّبُ، مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ يَا مَعْشَرَ فَرِيشٍ،

فَكَثُرَ اللَّعْطُ، وَخَشِيْتُ الْاِخْتِلَافَ، فَقُلْتُ : اِبْسُطْ  
يَدَكَ يَا اَبَا بَكْرٍ، فَبَسَطَهَا، فَبَايَعْتُهُ، وَبَايَعَهُ  
الْمُهَاجِرُونَ وَالْاَنْصَارُ، وَنَزَوْنَا عَلَى سَعْدٍ، فَقَالَ  
قَائِلٌ : قَتَلْتُمْ سَعْدًا فَقُلْتُ : قَتَلَ اللهُ سَعْدًا فَلَمْ نَجِدْ  
شَيْئًا هُوَ اَفْضَلُ مِنْ مَبَايَعَةِ اَبِي بَكْرٍ، خَشِيْتُ اِنْ  
فَارَقْنَا الْقَوْمَ اَنْ يُحْدِثُوا بَعْدَنَا بَيْعَةً، فَاِمَّا اَنْ نُبَايِعَهُمْ  
عَلَى مَا لَا نَرْضَى، وَاِمَّا اَنْ نَخَالَفَهُمْ، فَيَكُونُ فَسَادًا  
وَاخْتِلَافًا، **فَبَايَعْنَا** اَبَا بَكْرٍ جَمِيعًا، وَرَضِينَا بِهِ قَالَ  
اَبُو حَاتِمٍ قَوْلُ عُمَرَ : " قَتَلَ اللهُ سَعْدًا " يُرِيدُ بِهِ فِي  
سَبِيلِ اللهِ

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ عَبْدِ اللهِ ، حَدَّثَنِي اِبْرَاهِيمُ بْنُ  
سَعْدٍ ، عَنْ صَالِحٍ ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ ، عَنْ عَبْدِ اللهِ  
بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُنْبَةَ بْنِ مَسْعُودٍ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ  
، قَالَ : " كُنْتُ اُفْرِي رِجَالًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ مِنْهُمْ  
عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ، فَبَيْنَمَا اَنَا فِي مَنْزِلِهِ بِمِثْيَ  
، وَهُوَ عِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي آخِرِ حَجَّةِ حَجَّهَا،  
اِذْ رَجَعَ اِلَيَّ عَبْدُ الرَّحْمَنِ، فَقَالَ لَوْ رَأَيْتَ رَجُلًا  
اَتَى اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْيَوْمَ، فَقَالَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ :  
هَلْ لَكَ فِي فُلَانٍ يَقُولُ : لَوْ قَدْ مَاتَ عُمَرُ، لَقَدْ  
بَايَعْتُ فُلَانًا، فَوَاللهِ مَا كَانَتْ بَيْعَةُ اَبِي بَكْرٍ اِلَّا قُلْتُهُ

فَتَمَّتْ، فَغَضِبَ عُمَرُ، ثُمَّ قَالَ : إِنِّي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ  
لِقَائِمِ الْعَشِيَّةِ فِي النَّاسِ فَمَحَدَّرُهُمْ هُوَ لَاءِ الَّذِينَ  
يُرِيدُونَ أَنْ يَعْصِبُوهُمْ أَمْوَرَهُمْ، قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ  
: فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ : لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ الْمَوْسِمَ  
يَجْمَعُ رِعَاعَ النَّاسِ وَغَوَاعَاءَهُمْ، فَإِنَّهُمْ هُمُ الَّذِينَ  
يَغْلِبُونَ عَلَى قُرْبِكَ حِينَ تَقُومُ فِي النَّاسِ، وَأَنَا  
أَخْشَى أَنْ تَقُومَ فَتَقُولَ مَقَالَةً يُطَيِّرُهَا عَنْكَ كُلُّ  
مُطَيِّرٍ، وَأَنْ لَا يَعْوَهَا، وَأَنْ لَا يَضَعُوهَا عَلَى  
مَوَاضِعِهَا، فَأْمَهْلَ حَتَّى تَقْدَمَ الْمَدِينَةَ ، فَإِنَّهَا دَارُ  
الْهَجْرَةِ وَالسُّنَّةِ، فَتَخْلُصَ بِأَهْلِ الْفِقْهِ، وَأَشْرَافِ  
النَّاسِ، فَتَقُولَ مَا قُلْتَ مَتَمَكِّنًا، فَيَعِي أَهْلَ الْعِلْمِ  
مَقَالَتِكَ، وَيَضَعُونَهَا عَلَى مَوَاضِعِهَا، فَقَالَ عُمَرُ :  
أَمَّا وَاللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لِأَقُومَنَّ بِذَلِكَ أَوَّلَ مَقَامٍ أَقُومُهُ  
بِالْمَدِينَةِ ، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : فَقَدِمْنَا الْمَدِينَةَ فِي عُقْبِ  
ذِي الْحِجَّةِ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ، عَجَلْتُ الرِّوَا حَ  
جِينَ زَاغَتِ الشَّمْسُ، حَتَّى أَجِدَ سَعِيدَ بْنَ زَيْدِ بْنِ  
عَمْرٍو بْنَ نُفَيْلٍ جَالِسًا إِلَى رُكْنِ الْمَنْبَرِ، فَجَلَسْتُ  
حَوْلَهُ تَمَسُّ رُكْبَتِي رُكْبَتَهُ، فَلَمَّ أَنْشَبَ أَنْ خَرَجَ  
عَمْرُ بْنُ الْخَطَّابِ، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ مُقْبِلًا، قُلْتُ لِسَعِيدِ  
بْنِ زَيْدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ : لَيَقُولَنَّ الْعَشِيَّةَ مَقَالَةً  
لَمْ يَقُلْهَا مِنْذُ اسْتُخْلِفَ، فَأَنْكَرَ عَلَيَّ، وَقَالَ : مَا  
عَسَيْتَ أَنْ يَقُولَ مَا لَمْ يَقُلْ قَبْلَهُ، فَجَلَسَ عُمَرُ عَلَى  
الْمَنْبَرِ، فَلَمَّا سَكَتَ الْمُؤَدِّثُونَ، قَامَ فَأَتَانِي عَلَى اللَّهِ  
بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، ثُمَّ قَالَ : أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي قَائِلٌ لَكُمْ مَقَالَةً

قَدْ قُدِّرَ لِي أَنْ أَقُولَهَا، لَا أُدْرِي لَعَلَّهَا بَيْنَ يَدَيَّ  
أَجْلِي، فَمَنْ عَقَلَهَا وَوَعَاَهَا فَلْيُحَدِّثْ بِهَا حَيْثُ  
انْتَهَتْ بِهِ رَاجِلَتُهُ، وَمَنْ خَشِيَ أَنْ لَا يَعْقِلَهَا فَلَا  
أُحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَكْذِبَ عَلَيَّ، إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا  
بِالْحَقِّ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ، فَكَانَ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ  
آيَةَ الرَّجْمِ، فَفَرَأْنَاهَا وَعَقَلْنَاهَا وَوَعَيْنَاهَا، رَجَمَ  
رَسُولُ اللَّهِ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ، فَأَخَشَى إِنْ طَالَ بِالنَّاسِ  
زَمَانٌ، أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ : وَاللَّهِ مَا نَجِدُ آيَةَ الرَّجْمِ فِي  
كِتَابِ اللَّهِ، فَيَضِلُّوا بِتَرْكِ فَرِيضَةِ أَنْزَلَهَا اللَّهُ،  
وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى، إِذَا  
أُحْصِنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، إِذَا قَامَتِ الْبَيِّنَةُ، أَوْ  
كَانَ الْحَبْلُ، أَوْ الْإِعْتِرَافُ، ثُمَّ إِنَّا كُنَّا نَقْرَأُ فِيمَا نَقْرَأُ  
مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، أَنْ لَا تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ فَإِنَّهُ كُفِّرَ  
بِكُمْ، أَنْ تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ، أَوْ إِنْ كُفِّرَا بِكُمْ أَنْ  
تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ، أَلَا تُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : لَا  
تُطْرُقُونِي كَمَا أُطْرِقَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ، وَقُولُوا :  
عَبُدْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ إِنَّهُ بَلَغَنِي أَنَّ قَائِلًا مِنْكُمْ،  
يَقُولُ : وَاللَّهِ لَوْ قَدْ مَاتَ عُمَرُ بَايَعْتُ فَلَانًا، فَلَا  
يَعْتَرِنَ أَمْرٌ أَنْ، يَقُولُ : إِنَّمَا كَانَتْ بَيْعَةُ أَبِي بَكْرٍ  
فَلْتَةً وَتَمَّتْ، أَلَا وَإِنَّهَا قَدْ كَانَتْ كَذَلِكَ، وَلَكِنَّ اللَّهَ  
وَقَى شَرَّهَا، وَلَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ تُفْطَعُ الْأَعْنَاقُ إِلَيْهِ  
مِثْلُ أَبِي بَكْرٍ، مَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَنْ غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنْ  
الْمُسْلِمِينَ، فَلَا يَبَايِعُ هُوَ : وَلَا الَّذِي بَايَعَهُ تَغَرَّةً أَنْ  
يُقْتَلَا، وَإِنَّهُ قَدْ كَانَ مِنْ خَبَرِنَا حِينَ تَوَفَّى اللَّهُ نَبِيَّهُ

**أَنَّ الْأَنْصَارَ خَالِفُونَا، وَاجْتَمَعُوا بِأَسْرِهِمْ فِي سَقِيفَةِ**  
**بَنِي سَاعِدَةَ** ، وَخَالَفَ عَنَّا عَلِيٌّ، وَالزُّبَيْرُ، وَمَنْ  
مَعَهُمَا، وَاجْتَمَعَ الْمُهَاجِرُونَ إِلَى أَبِي بَكْرٍ، فَقُلْتُ  
لِأَبِي بَكْرٍ : يَا أَبَا بَكْرٍ انْطَلِقْ بِنَا إِلَى إِخْوَانِنَا هَؤُلَاءِ  
مِنَ الْأَنْصَارِ، فَاَنْطَلَقْنَا نُرِيدُهُمْ، فَلَمَّا دَنَوْنَا مِنْهُمْ،  
لَقِينَا مِنْهُمْ رَجُلَانِ صَالِحَانِ، فَذَكَرَا مَا تَمَالَأَ عَلَيْهِ  
الْقَوْمُ، فَقَالَا : أَيَّنْ تُرِيدُونَ يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ؟  
فَقُلْنَا : نُرِيدُ إِخْوَانِنَا هَؤُلَاءِ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَا : لَا  
عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَقْرُبُوهُمْ، أَفْضُوا أَمْرَكُمْ، فَقُلْتُ : وَاللَّهِ  
لِنَأْتِيَنَّهُمْ، فَاَنْطَلَقْنَا حَتَّى أَتَيْنَاهُمْ فِي سَقِيفَةِ بَنِي  
سَاعِدَةَ، فَإِذَا رَجُلٌ مُرَمَّلٌ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ، فَقُلْتُ مَنْ  
هَذَا : فَقَالُوا : هَذَا سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ، فَقُلْتُ : مَا لَهُ  
قَالُوا : يُوعَاكُ، فَلَمَّا جَلَسْنَا قَلِيلًا تَشَهَّدَ خَطِيئَتَهُمْ،  
فَأَتْنِي عَلَى اللَّهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، ثُمَّ قَالَ : أَمَا بَعْدُ :  
فَنَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ وَكِتَابَتُهُ الْإِسْلَامَ، وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ  
الْمُهَاجِرِينَ رَهْطٌ وَقَدْ دَفَّتْ دَافَّةٌ مِنْ قَوْمِكُمْ، فَإِذَا  
هُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يَخْتَرِلُونَا مِنْ أَصْلِنَا، وَأَنْ  
يَحْضُنُونَا مِنَ الْأَمْرِ، فَلَمَّا سَكَتَ، أَرَدْتُ أَنْ أَتَكَلَّمَ،  
وَكُنْتُ قَدْ زَوَّرْتُ مَقَالَهَ أُعْجِبْتَنِي، أُرِيدُ أَنْ أَقْدِمَهَا  
بَيْنَ يَدَيْ أَبِي بَكْرٍ، وَكُنْتُ أُدَارِي مِنْهُ بَعْضَ الْحَدِّ،  
فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَتَكَلَّمَ، قَالَ أَبُو بَكْرٍ : عَلَى رَسْلِكَ،  
فَكَرِهْتُ أَنْ أُغْضِبَهُ، فَتَكَلَّمْتُ أَبُو بَكْرٍ، فَكَانَ هُوَ أَحْلَمَ  
مَنِّي، وَأَوْقَرَ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ مِنْ كَلِمَةٍ أُعْجِبْتَنِي فِي  
تَرْوِيرِي إِلَّا قَالَ فِي بَدِيهِتِهِ مِثْلَهَا، أَوْ أَفْضَلَ مِنْهَا،

حَتَّى سَكَتَ، فَقَالَ : مَا ذَكَرْتُمْ فِيكُمْ مِنْ خَيْرٍ فَأَنْتُمْ لَهُ أَهْلٌ، وَلَنْ يُعْرِفَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَّا يَهَذَا الْحَيَّ مِنْ قُرَيْشٍ، هُمْ أَوْسَطُ الْعَرَبِ نَسَبًا، وَدَارًا، وَقَدْ رَضِيَتْ لَكُمْ أَحَدَ هَذَيْنِ الرَّجُلَيْنِ، فَبَايَعُوا أَيُّهُمَا شِئْتُمْ، فَأَخَذَ بِيَدِي وَبِيَدِ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ، وَهُوَ جَالِسٌ بَيْنَنَا فَلَمْ أَكْرَهُ مِمَّا قَالَ غَيْرَهَا، كَانَ وَاللَّهِ أَنْ أُقَدَّمَ فَتُضْرَبَ عُنُقِي لَا يُعْرَبُنِي ذَلِكَ مِنْ إِيَّامٍ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَأَمَّرَ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ أَبُو بَكْرٍ، اللَّهُمَّ إِلَّا أَنْ تُسْأَلَ إِلَيَّ نَفْسِي عِنْدَ الْمَوْتِ شَيْئًا لَا أَجِدُهُ الْآنَ، فَقَالَ قَائِلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ : أَنَا جُدَيْلُهَا الْمُحَكَّكُ، وَعُدَيْقُهَا الْمُرَجَّبُ، مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ، فَكَثُرَ اللَّعْطُ وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ حَتَّى فَرِقْتُ مِنَ الْإِخْتِلَافِ، فَقُلْتُ : ابْسُطْ يَدَكَ يَا أَبَا بَكْرٍ، فَبَسَطَ يَدَهُ، فَبَايَعْتُهُ، وَبَايَعَهُ الْمُهَاجِرُونَ، ثُمَّ بَايَعْتُهُ الْأَنْصَارُ، وَنَزَوْنَا عَلَى سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ، فَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ : قَتَلْتُمْ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ، فَقُلْتُ : قَتَلَ اللَّهُ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ، قَالَ عُمَرُ وَإِنَّا : وَاللَّهِ مَا وَجَدْنَا فِيهَا حَضْرَتَنَا مِنْ أَمْرٍ أَقْوَى مِنْ مُبَايَعَةِ أَبِي بَكْرٍ، حَسْبِينَا إِنْ فَارَقْنَا الْقَوْمَ وَلَمْ تَكُنْ بَيْعَتُهُ، أَنْ يُبَايَعُوا رَجُلًا مِنْهُمْ بَعْدَنَا، فَإِمَّا بَايَعْنَاهُمْ عَلَى مَا لَا نَرْضَى، وَإِمَّا نُخَالِفُهُمْ فَيَكُونُ فِسَادًا، فَمَنْ بَايَعَ رَجُلًا عَلَى غَيْرِ مَشُورَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا يُتَابَعُ هُوَ وَلَا الَّذِي بَايَعَهُ تَعْرِةً أَنْ يُقْتَلَ

عَنْ عَائِشَةَ

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، حَدَّثَنَا سَلِيمَانُ بْنُ  
بِلَالٍ ، عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عُرْوَةُ  
بْنُ الزُّبَيْرِ ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجَ  
النَّبِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَاتَ وَأَبُو بَكْرٍ بِالسُّنْحِ ، قَالَ  
إِسْمَاعِيلُ : يَعْنِي بِالْعَالِيَةِ ، فَقَامَ عُمَرُ ، يَقُولُ : وَاللَّهِ  
مَا مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَتْ : وَقَالَ عُمَرُ : وَاللَّهِ مَا  
كَانَ يَقَعُ فِي نَفْسِي إِلَّا ذَلِكَ وَلَيُبَعِّثَنَّهُ اللَّهُ فَلْيَقْطَعَنَّ  
أَيْدِي رِجَالٍ وَأَرْجُلُهُمْ فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ فَكَشَفَ عَنْ  
رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَهُ ، قَالَ : يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي طُبْتُ حَيًّا  
وَمَيِّتًا ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُدْبِقُكَ اللَّهُ الْمُؤْتَنِّينَ أَبَدًا  
ثُمَّ خَرَجَ ، فَقَالَ : " أَيُّهَا الْحَالِفُ عَلَى رَسُولِكَ " ،  
فَلَمَّا تَكَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ جَلَسَ عُمَرُ فَحَمِدَ اللَّهَ أَبُو بَكْرٍ  
وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، وَقَالَ :

" أَلَا مَنْ كَانَ يَعْبُدُ مُحَمَّدًا فَإِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ مَاتَ ،  
وَمَنْ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ " ، وَقَالَ  
: فِإِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ، وَقَالَ : فِ وَمَا مُحَمَّدٌ  
إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ  
قُتِلَ انْفَلَيْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْفَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ  
فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ، قَالَ  
: فَتَشَحَّ النَّاسُ يَبْكُونَ ، قَالَ :

وَاجْتَمَعَتِ الْأَنْصَارُ إِلَى سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ فِي سَقِيْفَةِ  
بَيْتِ سَاعِدَةَ ، فَقَالُوا : مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ فَذَهَبَ  
إِلَيْهِمْ أَبُو بَكْرٍ ، وَعُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ ، وَأَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ  
الْجَرَّاحِ ، فَذَهَبَ عُمَرُ يَتَكَلَّمُ فَأَسَكَّتَهُ أَبُو بَكْرٍ وَكَانَ  
عُمَرُ ، يَقُولُ : وَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنِّي قَدْ هَيَّأْتُ  
كَلَامًا قَدْ أَعْجَبَنِي حَسْبِيْتُ أَنْ لَا يَبْلُغَهُ أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ  
تَكَلَّمَ أَبُو بَكْرٍ فَتَكَلَّمَ أَبْلَغَ النَّاسِ ، فَقَالَ : فِي كَلَامِهِ  
نَحْنُ الْأَمْرَاءُ وَأَنْتُمْ الْوُزَرَاءُ ، فَقَالَ : حُبَابُ بْنُ  
الْمُنْذِرِ لَا وَاللَّهِ لَا نَفْعَ لَنَا مِنْ أَمِيرٍ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ ، فَقَالَ  
أَبُو بَكْرٍ : لَا وَلَكِنَّا الْأَمْرَاءُ وَأَنْتُمْ الْوُزَرَاءُ هُمْ  
أَوْسَطُ الْعَرَبِ دَارًا وَأَعْرَبُهُمْ أَحْسَابًا ، فَبَايَعُوا عُمَرَ  
أَوْ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ ، فَقَالَ عُمَرُ : بَلْ نُبَايِعُكَ  
أَنْتَ فَأَنْتَ سَيِّدُنَا وَخَيْرُنَا ، وَأَحْبَبُنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ  
فَأَخَذَ عُمَرُ بِيَدِهِ فَبَايَعَهُ وَبَايَعَهُ النَّاسُ ، فَقَالَ : فَايِلُ  
فَقَتَلْتُمْ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ ، فَقَالَ : عُمَرُ قَتَلَهُ اللَّهُ

## قریشی بودن

آیا واجب است که رهبران (امیران) تنها از میان قریش انتخاب گردند؟ بعضی احادیث ممکن یک شخص را به این نتیجه برساند. اما احادیث وجود دارند که با این نوع تعبیر متناقض می باشد. پس این احادیث چگونه با هم متناسب یا هماهنگ می گردند؟

خلافت یکی از پوست های رهبری ست. تمام پوست های رهبری دارای شرایط یک سان اند. بنا بر این اگر تعیین یک شخص غیر قریش به حیث خلیفه مجاز نمی بود پس باید این امر در تمام پوست های رهبری به شکل اتوماتیک تطبیق می گردید که در واضحاً در طول تاریخ اسلامی قضیه چنین نبوده است. بر علاوه؛ حدیث صریح وجود دارد که این فهم را زیر سوال می برد. با مطالعه احادیث مختلف با سیاق آن یک شخص می تواند به دو تعبیر برسد. تعبیر اولی این است

که از قریش بودن واجب نیست بلکه مستحب می باشد. تعبیر دومی این است که تمام 12 خلیفه که آن ها نصرت می کردند از قریش می باشند. به عبارت دیگر تمام خلفای راشدین از قریش بودند. ما قبلاً در گذشته شاهد 6 خلیفه از قریش بودیم و 6 خلیفه دیگر تا هنوز نیامده اند.

ام الحصین بنت إسحاق الأحمسية

حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى ، ثنا مُسَدَّدٌ ، ثنا أَبُو الْأَحْوَصِ ، ثنا أَبُو إِسْحَاقَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ حُصَيْنٍ ، عَنْ أُمِّهِ أُمِّ حُصَيْنٍ ، قَالَتْ : رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ ، وَسَمِعْتُهُ يُذَكِّرُهُمْ ، وَيَأْمُرُهُمْ ، وَكَانَ فِيمَا سَمِعْتُهُ ، يَقُولُ

إِنِ اسْتُعِمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ مُجَدَّعٌ ، فَأَقَامَ فِيكُمْ كِتَابَ اللَّهِ ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا "

عَنْ جَدَّتِهِ أُمِّ حُصَيْنٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الرَّمَّانِيُّ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ اللَّهِ  
بْنُ جَعْفَرٍ الرَّقِّيُّ ، قَالَ : ثنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو ،  
عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَنَيْسَةَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ حُصَيْنٍ ،  
عَنْ جَدَّتِهِ أُمِّ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، قَالَتْ :  
حَجَجْتُ مَعَ النَّبِيِّ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ ، فَرَأَيْتُ بِلَالَ ،  
وَأَسَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، وَبِلَالَ يُقُودُ بِخَطَامِ  
رِجْلَيْهِ ، وَالْآخِرُ يُسْتَرُّهُ بِثَوْبِهِ مِنَ الْحَرِّ حَتَّى رَمَى  
جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ ، ثُمَّ انصَرَفَ ، ثُمَّ قَالَ : "

اللَّهُمَّ اشْهَدْ هَلْ بَلَغْتُ؟ ثُمَّ يَقُولُ : " إِنْ أَمَرَ عَلَيْكُمْ  
عَبْدٌ مُجَدِّحٌ ، أَرَاهَا قَالَ : أَسْوَدٌ ، يُقُودُكُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ  
تَعَالَى فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو الْأَدِيبُ ، أَنبَأَ أَبُو بَكْرٍ  
الإِسْمَاعِيلِيُّ ، أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ سَفْيَانَ وَابْنُ  
خُرَيْمَةَ وَابْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ ، قَالُوا : أَنبَأَ بُنْدَارٌ ، ثنا  
يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ، ثنا شُعْبَةُ ، حَدَّثَنِي أَبُو التَّيَّاحِ ،  
عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "

اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَإِنْ اسْتَعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ  
كَأَنَّ رَأْسَهُ زَبِيبَةٌ

عَنْ أَبِي ذَرٍّ

أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ ، أَنبَأَ أَبُو بَكْرٍ الْفَضْلُ  
بْنُ إِبرَاهِيمَ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ سَلَمَةَ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ  
بِشَّارٍ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ ، ثنا شُعْبَةُ ، عَنْ أَبِي  
عِمْرَانَ الْجَوْنِيِّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ ، عَنْ  
أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ انْتَهَى إِلَى الرَّبِذَةِ وَقَدْ  
أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَإِذَا عَبْدٌ يُؤْمُهُمْ، قَالَ : فَقِيلَ : هَذَا  
أَبُو ذَرٍّ، فَذَهَبَ يَتَأَخَّرُ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
: "

أَوْصَانِي خَلِيلِي بِثَلَاثٍ : أَسْمَعُ وَأَطِيعُ وَلَوْ كَانَ  
عَبْدًا حَبَشِيًّا مُجَدَّعَ الْأَطْرَافِ " .

جَابِرُ بْنُ سَمْرَةَ

حَدَّثَنَا **يُوسُفُ بْنُ مُسْلِمٍ** ، قَالَ : **نَا خَلْفُ بْنُ تَمِيمٍ** ،  
قَتْنَا **زَائِدَةَ** ، قَتْنَا **حُصَيْنٌ** ، قَالَ : **ثَنَا جَابِرُ بْنُ سَمْرَةَ**  
، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبِرِ : "

لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً  
" ، ثُمَّ تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمُهُ ، فَقُلْتُ لِأَبِي : مَا قَالَ؟  
قَالَ : قَالَ : " **كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ**

عَنْ عَوْنِ بْنِ أَبِي جُحَيْفَةَ ، عَنْ أَبِيهِ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ وَزِيَادُ بْنُ يَحْيَى أَبُو  
الْحَطَّابِ ، قَالَا : **نَا سَهْلُ بْنُ حَمَادٍ أَبُو عَتَّابٍ** ، قَالَ  
: **نَا يُونُسُ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ** ، **عَنْ عَوْنِ بْنِ أَبِي**  
**جُحَيْفَةَ** ، **عَنْ أَبِيهِ** ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : كُنْتُ  
عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ، وَهُوَ يَخْطُبُ ، وَعَمْرٌ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي  
الْمَجْلِسِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمَّتِي قَائِمًا حَتَّى يَمُضِيَ اثْنَا عَشَرَ  
خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ .

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ ، قَالَ : أَنْبَأَ وَكِيعٌ ، عَنْ شُعْبَةَ ، عَنْ  
يَحْيَى بْنِ الْحَصِينِ ، عَنْ جَدِّهِ ، قَالَتْ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَخْطُبُ بِعَرَفَةَ ، وَهُوَ يَقُولُ

إِنْ أَمَرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ مُجَدَّعٌ ، فَاسْمَعُوا لَهُ  
وَأَطِيعُوا ، مَا قَادَكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الزُّمَانِيُّ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ  
اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الرَّقِيِّ ، قَالَ : ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ  
عَمْرٍو ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَبِي أَنَيْسَةَ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ  
حُصَيْنٍ ، عَنْ جَدِّهِ أُمِّ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ،  
قَالَتْ : حَجَّجْتُ مَعَ النَّبِيِّ K فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ ،  
فَرَأَيْتُ بِلَالًا ، وَأُسَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، وَبِلَالَ  
يَقُودُ بِخِطَامِ راحِلَتِهِ ، وَالْآخِرُ يَسْتُرُهُ بِنَوْبِهِ مِنَ الْحَرِّ  
حَتَّى رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ ، ثُمَّ انصَرَفَ ، ثُمَّ قَالَ : "  
اللَّهُمَّ اشْهَدْ هَلْ بَلَغْتُ؟ ثُمَّ يَقُولُ : " إِنَّ أَمْرَ عَلَيْكُمْ  
عَبْدٌ مُجَدِّعٌ ، أَرَاهَا قَالَ : أَسْوَدُ ، يَقُودُكُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ  
تَعَالَى فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا

## امامان بد به حیث مجازات

از دید گاه قضا و قدر؛ امامان بد مجازات اند از طرف الله سبحانه و تعالی و از دید گاه تکلیف امت، اشاره بر اشتباه در انجام تکلیف می کند. این ممکن است قانون طبیعی یا مداخله مستقیم باشد. الله سبحانه و تعالی قوانین طبیعی "علت و معلول یا سبب و مسبب" را خلق کرده است مثلاً: اگر بعضی عادات مشخص صحتی در میان مردم رایج نباشد، امراض مشخص انتشار می یابد. اگر معیارها یا شرایط مشخص اقتصادی مد نظر گرفته نشود، ستون فقرات اقتصاد از هم می پاشد. هم چنان قوانین وجود دارد که حالات سیاسی و نظامی یک قوم را کنترل می کند. اگر هر قوم، ملت یا امت جهاد و قتار را ترک کند، دیر یا زود شکست خورده یا برده و یا مستعمره می گردند. اگر "امر به معروف و نهی از منکر" توسط یک قوم انجام نشود، بدترین حکام به قدرت رسیده و بالای آن ها حاکم می شوند. بنا بر این؛

در اکثریت موارد حکام یک قوم در حقیقت آئینه  
حالت یک قوم است که حاکمیت می کنند.

### 1. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ  
لِيُسَلِّطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ  
عَلَىٰ خِيَارِكُمْ، فَيَدْعُو  
خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ

### 2. عَنْ ابْنِ عَمْرٍو

a. لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ  
لِيُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ  
شِرَارَكُمْ، فَلَيَسُوْمُونَكُمْ  
سُوءَ الْعَذَابِ، ثُمَّ يَدْعُو  
خِيَارَكُمْ، ثُمَّ لَا يُسْتَجَابُ  
لَهُمْ

### 3. عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ

a. إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَزَالُ  
فِيكُمْ وَأَنْتُمْ وُلَائُهُ حَتَّىٰ  
تُحَدِّثُوا أَعْمَالَ، فَإِذَا

فَعَلْتُمْ ذَلِكَ، سَلَطَ اللَّهُ  
عَلَيْكُمْ شِرَارَ خَلْقِهِ،  
فَأَلْتَحَوْكُمْ كَمَا يُلْتَحَى  
الْقَضِيبُ

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ

حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ هِشَامٍ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنْ حَبِيبِ  
بْنِ أَبِي ثَابِتٍ ، عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ ، عَنْ عَبْدِ  
اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْبَةَ ، عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ  
الْأَنْصَارِيِّ ، قَالَ :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِفُرَيْسٍ : " إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَزَالُ  
فِيكُمْ وَأَنْتُمْ وَلَا تَهْتَكُوا حَتَّى تُحْدِثُوا أَعْمَالًا ، فَإِذَا فَعَلْتُمْ  
ذَلِكَ ، **سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ** شِرَارَ خَلْقِهِ ، فَأَلْتَحَوْكُمْ كَمَا  
يُلْتَحَى الْقَضِيبُ " ، حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ  
بْنِ عُثْبَةَ ، قَالَ : " فَأَلْتَحَوْكُمْ " ، وَكَذَلِكَ قَالَ أَبُو  
أَحْمَدَ ، وَقَالَ : " فَأَلْتَحَوْكُمْ " ، قَالَ أَبُو نُعَيْمٍ : "  
كَمَا يُلْتَحَى الْقَضِيبُ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْفَتْحِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا  
عَلِيُّ بْنُ عُمَرَ الدَّارِقُطِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ  
مُحَمَّدِ بْنِ صَاعِدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مَحْمُودُ بْنُ مُحَمَّدٍ  
أَبُو يَزِيدَ الظَّفَرِيُّ الْأَنْصَارِيُّ مِنْ وَلَدِ قَيْسِ بْنِ

الْحَطِيمِ بِبَغْدَادَ فِي قَنْطَرَةِ الْأَنْصَارِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
أَيُّوبُ بْنُ النَّجَّارِ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ ، عَنْ  
أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، أَوْ  
لِيَسْلُطَنَّ اللَّهُ شَرَائِكُمْ عَلَى خِيَارِكُمْ ، فَيَدْعُو  
خِيَارِكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ " ، قَالَ الدَّارِقُطْنِيُّ :  
تَقَرَّدَ بِهِ مُحَمَّدٌ ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ النَّجَّارِ ، عَنْ يَحْيَى

عَنِ ابْنِ عَمْرِو

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
رَسْتَةَ بْنِ الْمُهَيَّارِ الْبَغْدَادِيُّ نَزِيلُ أَصْفَهَانَ ، قَرَأَهُ  
عَلَيْهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَطَّارُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ بِالْبَصْرَةِ  
لِثَمَانِ خَلْوَنٍ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ مِنْ سَنَةِ سَبْعٍ  
وَسِتِّينَ وَثَلَاثَ مِائَةٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ حَمَّادٍ  
بْنِ فَضَالَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي الْحَارِّ ، قَالَ  
: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ ، عَنْ كَوْثَرَ بْنِ  
حَكِيمٍ ، عَنْ نَافِعٍ ، عَنِ ابْنِ عَمْرِو ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ :

" وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا تَقُومُ السَّاعَةُ، حَتَّى  
يَبْعَثَ اللَّهُ أَمْرًا كَذِبَهُ وَوُزْرَاءَ فَجْرَةٍ، وَأَعْوَانًا  
خَوْنَهُ، وَعُرَفَاءَ ظَلَمَتَهُ، وَقُرَاءَ فَسَقَتِهِ، سِيَمَاهُمْ  
سِيَمَاءُ رُهْبَانٍ، قُلُوبُهُمْ أَنْتُنُ مِنَ الْجِيفَةِ، أَهْوَاؤُهُمْ  
مُخْتَلِفَةٌ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ فِتْنَةً غِبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ،  
فَيَتَهَاوَكُونَ تَهَاوُكَ الْيَهُودِ الظَّالِمَةِ، وَالَّذِي نَفْسُ  
مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَيَنْفُصُ الْإِسْلَامَ عُرْوَةً عُرْوَةً، حَتَّى لَا  
يُقَالَ : اللَّهُ اللَّهُ، لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ، أَوْ **لَيَسْطَرْنَ** اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ،  
فَلْيَسْؤُمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ، ثُمَّ يَدْعُو خِيَارَكُمْ، ثُمَّ لَا  
يُسْتَجَابُ لَهُمْ <sup>hasan</sup>"

عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ ، قَالَ : أَنْبَأَنَا شَبَابَةُ  
بْنُ سَوَّارٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا مُعِينَةُ بْنُ مُسْلِمٍ ، عَنْ  
حَبِيبِ يَعْنِي ابْنَ عُمَرَ ، عَنْ عِمْرَانَ الْكَلَاعِيِّ ،  
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَنَمٍ ، عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ  
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ أَمْرًا كَذِبَهُ،  
وَوُزْرَاءَ فَجْرَةٍ، وَأُمَنَاءَ خَوْنَهُ، وَقُرَاءَ فَسَقَتِهِ سِمَتُهُمْ  
سِمَةُ الرُّهْبَانِ ، وَلَيْسَ لَهُمْ رَغْبَةٌ، أَوْ قَالَ : لَيْسَ

لَهُمْ رَعْبَةٌ أَوْ قَالَ : رَعَةٌ فَيُلْبِسُهُمُ اللَّهُ فِتْنَةً غِبْرَاءَ  
مُظْلِمَةً يَتَهَوَّكُونَ فِيهَا تَهَوَّدَ الْيَهُودُ فِي الظُّلْمِ hasan

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
رَسَنَةَ بْنِ الْمَهْيَارِ الْبَغْدَادِيِّ نَزِيلُ أَصْفَهَانَ، قَرَأَهُ  
عَلَيْهِ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَطَّارُ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ بِالْبَصْرَةِ  
لِثَمَانٍ خَلَوْنَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ مِنْ سَنَةِ سَبْعٍ  
وَسِتِّينَ وَثَلَاثِ مِائَةٍ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ حَمَّادِ  
بْنِ فَضَالَةَ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي الْحَارِّ، قَالَ  
: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ كَوْثَرَ بْنِ  
حَكِيمٍ، عَنْ نَافِعٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قَالَ : "

وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَا تَقُومُ السَّاعَةُ، حَتَّى  
يُبْعَثَ اللَّهُ أَمْرَاءَ كَذِبَةٍ وَوُزَرَاءَ فَجْرَةٍ، وَأَعْوَانًا  
خَوْنَةً، وَعَرَفَاءَ ظَلَمَةٍ، وَقُرَاءَ فَسَقَةٍ، سِيَمَاءَهُمْ  
سِيَمَاءُ رُهْبَانٍ، قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفَةِ، أَهْوَاؤُهُمْ  
مُخْتَلِفَةٌ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ فِتْنَةً غِبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ،  
فَيَتَهَوَّكُونَ تَهَاوُكَ الْيَهُودِ الظَّالِمَةِ، وَالَّذِي نَفْسُ  
مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، لَيُنْفُصُ الْإِسْلَامُ عُرْوَةَ عُرْوَةٍ، حَتَّى لَا  
يُقَالَ : اللَّهُ اللَّهُ، لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ، أَوْ لِيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ،  
فَلْيَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ، ثُمَّ يَدْعُوا خِيَارَكُمْ، ثُمَّ لَا  
يُسْتَجَابُ لَهُمْ <sup>hasan</sup>''

حَدَّثَنِي أَحْسَنُ بْنُ الصَّبَّاحِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ  
النَّمَّارُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي كُوَيْلٌ ، عَنْ نَافِعِ ، عَنِ ابْنِ  
عَمَرَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ،

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ أُمَّرَاءَ كَذِبَةً ،  
وَوَزَرَءَ فَجْرَةً ، وَأَعْوَانًا خَوْنَةً ، وَ عُرَفَاءَ ظَلَمَةً ،  
وَقُرَءَاءَ فَسَقَةً ، سِيَمَاهُمْ سِيَمَاءُ الرُّهْبَانِ ، قُلُوبُهُمْ أَنْتُنُ  
مِنْ حَيْفَةٍ ، أَهْوَاؤُهُمْ مَخْتَلِفَةٌ ، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ فِتْنَةً  
غَيْرَاءَ مُظْلِمَةً ، فَيَنْهَاوَكُونَ فِيهَا كَتَهَاوِكَ الْيَهُودِ ،  
وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ، لَيَبْتَقِضَنَّ عُرَى الْإِسْلَامِ  
عُرْوَةَ عُرْوَةٍ ، حَتَّى لَا يُقَالَ : اللَّهُ لِلَّهِ لَتَأْمُرَنَّ  
بِالْمَعْرُوفِ ، وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، أَوْ لِيَسْلُطَنَّ اللَّهُ  
عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ، فَلْيَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ، ثُمَّ  
يَدْعُوا خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ ، لَتَأْمُرَنَّ  
بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، أَوْ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ  
عَلَيْكُمْ مَنْ لَا يَرْحَمُ صَغِيرَكُمْ ، وَلَا يُوقِرُ كَبِيرَكُمْ ،  
وَمَنْ لَمْ يَرْحَمِ صَغِيرَنَا وَ يُوقِرْ كَبِيرَنَا ، فَلَيْسَ مِنَّا

hasan''

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَحْوَصِ،  
 وَوَكَيْعٌ، ح وَحَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ، الْأَشْجُ حَدَّثَنَا وَكَيْعٌ،  
 ح وَحَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ، وَابْنُ، نُمَيْرٍ قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو  
 مُعَاوِيَةَ، ح وَحَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، وَعَلِيُّ بْنُ  
 خَشْرَمٍ، قَالَا أَخْبَرَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ، كُلُّهُمَ عَنِ  
 الْأَعْمَشِ، ح وَحَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، - وَاللَّفْظُ  
 لَهُ - حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ زَيْدِ بْنِ،  
 وَهَبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِنَّهَا سَتَكُونُ بَعْدِي أَثَرَةٌ وَأُمُورٌ تُنْكَرُ وَنَهَا " . قَالُوا  
 يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَأْمُرُ مَنْ أَدْرَكَ مِنَّا ذَلِكَ قَالَ "  
 تُؤَدُّونَ الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْكُمْ وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الَّذِي  
 لَكُمْ " .

از عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه و  
 سلم گفت: بعد از من فرقه گرائی خواهد بود و  
 بسیاری امور را خواهید دید که دوست ندارید.  
 اصحاب رض پرسیدند: ای رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم! به ما چی دستور می دهی اگر یکی  
 از ما در چنین زمانِ زنده گی کنیم؟ او گفت: باید  
 مسؤلیت خود را (با اطاعت از امیر) ادا نمائید و

حق خود را از الله سبحانه و تعالی (با هدایت امیر  
به مسیر درست و یا جاگزین کردن وی با شخص  
عادل تر و خدا ترس) بخواهید.

### امیران یا حکام گمراه

امیران گمراه خطر ناک تر از هر گناه در میان  
امت بوده حتی از گناه شرک افراد نیز خطر ناک  
تر می باشد.

#### 1. عَنْ ثَوْبَانَ

a. إِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيْمَةَ  
الْمُضِلِّينَ

#### 2. أَبَا أَمَامَةَ

a. وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَنْبَاءَ  
مُضِلِّينَ، إِنْ أَطَاعُوهُمْ  
فَقَتَلُوهُمْ، وَإِنْ عَصَوْهُمْ قَتَلُوهُمْ

#### 3. عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ

a. وَإِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي إِلَّا

الْأَيُّمَةَ الْمُضِلِّيْنَ وَإِذَا وُضِعَ

السَّيْفُ فِي أُمَّتِي لَمْ يُرْفَعْ

عَنْهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

عَنْ ثُوْبَانَ

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ ، حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ زَيْدٍ ، عَنْ

أَيُّوبَ ، عَنْ أَبِي قِلَابَةَ ، عَنْ أَبِي أَسْمَاءَ الرَّحْبِيِّ ،

عَنْ ثُوْبَانَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" إِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيُّمَةَ الْمُضِلِّيْنَ

" أَلَا وَإِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِنَّمَةَ الْمُضِلِّيْنَ،

وَإِذَا وُضِعَ السَّيْفُ فِي أُمَّتِي لَمْ يُرْفَعْ عَنْهَا إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَلْحَقَ قَبَائِلُ مِنْ

أُمَّتِي بِالْمُشْرِكِينَ، وَحَتَّى تَعْبُدَ قَبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي

الْأَوْثَانَ

## أَبَا أَمَامَةَ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ الْبَاقِي الْأَذَنِيُّ الْمِصْبِيُّ ،  
ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَوْفٍ الْجَمِصِيُّ ، ثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةَ ،  
ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَجَاءِ الشَّيْبَانِيُّ ، قَالَ : سَمِعْتُ شَيْخًا  
يُكْنَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَرِيحًا يُحَدِّثُ ، أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا أَمَامَةَ  
يُحَدِّثُ ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" لَسْتُ أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي جُوعًا يَفْتُلُهُمْ ، وَلَا عَدُوًّا  
يَجْتَا حُهُمْ ، وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَنْمَةً مُضِلِّينَ ،  
إِنْ أَطَاعُوهُمْ قَتَلُوهُمْ ، وَإِنْ عَصَوْهُمْ قَتَلُوهُمْ

قَالَ : قَالَ رَسُولُ :

" إِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيْمَةَ الْمُضِلِّينَ ، وَإِذَا  
وُضِعَ السَّيْفُ فِي أُمَّتِي لَمْ يُرْفَعْ عَنْهَا إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ ، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلْحَقَ قَبَائِلُ مِنْ  
أُمَّتِي بِالْمُشْرِكِينَ وَحَتَّى تُعْبَدَ الْأَوْثَانُ ، وَإِنَّهُ  
سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي ثَلَاثُونَ كَذَّابُونَ ، كُلُّهُمْ يَزُغُ عَنْهُ  
نَبِيٌّ ، وَإِنِّي خَاتَمُ النَّبِيِّينَ ، لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، وَلَنْ تَزَالَ  
طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ  
مَنْ يَخْدُلُهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ

عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مَهْدِيٍّ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ، أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ ، عَنْ أَبِي يُوْبَ ، عَنْ أَبِي قَلَابَةَ ، عَنْ أَبِي الْأَشْعَثِ الصَّنْعَائِيِّ ، عَنْ أَبِي أَسْمَاءِ الرَّحْبِيِّ ، عَنْ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ ، يَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ :

" إِنَّ اللَّهَ زَوَى لِي الْأَرْضَ حَتَّى رَأَيْتَ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ مَلِكَ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مَا زُوِيَ مِنْهَا وَإِنِّي أُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ الْأَبْيَضَ وَالْأَحْمَرَ وَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يُهْلِكَ أُمَّتِي بِسَنَةِ بَعَامَةٍ، وَأَنْ لَا يُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا فَيُهْلِكَهُمْ بِسَنَةِ بَعَامَةٍ وَلَا يَلْبِسَهُمْ شَيْعًا، وَلَا يُدْبِقَ بَعْضُهُمْ بِأَسِّ بَعْضٍ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ إِنِّي إِذَا قَضَيْتُ قَضَاءَ فَإِنَّهُ لَا يُرَدُّ وَإِنِّي قَدْ أُعْطِيتُ أُمَّتَكَ

- أَنْ لَا أَهْلِكَهُمْ بِسَنَةِ بَعَامَةٍ
- وَأَنْ لَا أُسَلِّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ سِوَاهُمْ فَيُهْلِكَهُمْ بِعَامَةٍ
- حَتَّى يَكُونَ بَعْضُهُمْ يُهْلِكُ بَعْضًا وَبَعْضُهُمْ يَقْتُلُ بَعْضًا وَبَعْضُهُمْ يَلْبِسُ بَعْضًا قَالَ

وَقَالَ النَّبِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ : " وَإِنِّي لَا أَخَافُ  
عَلَى أُمَّتِي إِلَّا الْأَيْمَةَ الْمُضِلِّينَ وَإِذَا وُضِعَ السَّيْفُ  
فِي أُمَّتِي لَمْ يُرْفَعْ عَنْهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ "

قَالَ : ثنا مُحَمَّدُ بْنُ مَاهَانَ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي ،  
قَالَ : ثنا سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ أَبِي  
قِلَابَةَ ، عَنْ أَبِي أَسْمَاءَ ، عَنْ ثَوْبَانَ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ:

" إِنَّ أَكْثَرَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيْمَةَ الْمُضِلِّينَ ،  
وَلَنْ تَزَالَ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ لَنْ يَضُرَّهُمْ  
مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ تَعَالَى . "

## دوری سالم از حکام

ما باید تا فرا رسیدن مرگ یا با وجود موجودیت خطر مرگ امر به معروف و نهی از منکر نمائیم، اما در عین حال باید از حاکم به طور سالم دوری گزینیم. این چگونه ممکن است؟ ما نباید به انزوا گری یا رهبانیت رو بیاوریم، اما فراموش نکنیم که اکثریت انسان ها تلاش می نمایند تا به خاطر منافع مانند قدرت سیاسی، ثروت و مانند این ها با حکام نزدیک شوند. بهتر این است که از آن ها به شکل سالم فاصله گیریم مخصوصاً زمانی که وی حاکم جائز باشد، اما فاصله یا دوری به اندازه نباشد که نتوان امر به معروف و نهی از منکر کرد. البته، اگر حکام دارای سیاسی در های بسته باشند و یا واضحاً از کفر دستور گیرند (نظام را تطبیق نمایند که مغایر نظام تطبیقی صحابا باشد) در این صورت بهترین راه حل دوری گزیدن به شکل کامل است مانند حالت امروزی بعد از سقوط خلافت عثمانی ها. فَأَعْتَبْ لَكَ الْفَرَقَ كُلَّهَا

دوری گزیدن هیچ گاهی به معنی عدم تلاش برای تغییر آن نیست، زیرا چنین تعبیر کاملاً با بیشتر احادیث و حاکمیت در تضاد می باشد. در اسلام هیچ رهبانیت وجود ندارد. اکثریت رحبان فاسق تشخیص شده اند و در این موارد آیات و احادیث واضح وجود دارد و نشان می دهند که انزوا گرایی و راحت بودن با اسلام غیر سیاسی مخالف فرموده های آخرین پیامبر ص می باشد.

### 1. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. وَمَنْ أَتَى السُّلْطَانَ، افْتَنَّنَ

b. فَمَنْ بَارَاهُمْ نَجَا، وَمَنْ

اعْتَزَلَهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ، وَمِنْ

خَالَطَهُمْ ؛ هَلَاكَ

.c

### 2. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

a. وَمَنْ أَتَى أَبْوَابَ السُّلْطَانَ

افْتَنَّنَ، وَمَا ازْدَادَ عَبْدٌ مِنْ

السُّلْطَانَ قُرْبًا إِلَّا ازْدَادَ مِنْ

اللَّهِ بُعْدًا

b. وَرَجُلٌ بَايَعَ إِمَامًا لَا يُبَايِعُهُ إِلَّا

لِدُنْيَا فَإِنَّ أُعْطَاهُ مِنْهَا رَضِيَ

وَأِنْ لَمْ يُعْطِهِ مِنْهَا سَخِطَ

### 3. كعب بن عجرة الأنصاري

a. إِنَّهُ يَكُونُ بَعْدِي أَمْرَاءُ

يَعْمَلُونَ يَغَيِّرُ طَاعَةَ اللَّهِ، فَمَنْ

شَارَكَهُمْ فِي عَمَلِهِمْ، وَأَعَانَهُمْ

عَلَى ظُلْمِهِمْ، فَلَيْسَ مِنِّي

### 4. أم سلمة زوج النبي

a. وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ ؛

فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " يَقُولُهَا

ثَلَاثًا

### 5. حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانَ

a. فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةٌ وَلَا

إِمَامٌ، قَالَ : فَاعْتَزَلْ تِلْكَ

الْفُرْقَ كُلَّهَا وَلَوْ أَنْ تَعَضَّ

بِأَصْلِ شَجَرَةٍ حَتَّى يُدْرِكَكَ

الْمَوْتُ

### حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانَ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُوسَى ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ :

حَدَّثَنِي ابْنُ جَابِرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي بُسْرُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ

الْحَضْرَمِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو إِدْرِيسَ الْخَوْلَانِيُّ

، أَنَّهُ سَمِعَ حُدَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانَ ، يَقُولُ : كَانَ النَّاسُ

يَسْأَلُونَ رَسُولَ اللَّهِ عَنِ الْخَيْرِ وَكُنْتُ أَسْأَلُهُ عَنِ  
الشَّرِّ مَخَافَةَ أَنْ يُدْرِكَنِي، فَقُلْتُ :

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا كُنَّا فِي جَاهِلِيَّةٍ وَشَرٌّ فَجَاءَنَا اللَّهُ  
بِهَذَا الْخَيْرِ فَهَلْ بَعْدَ هَذَا الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ، قَالَ : نَعَمْ،  
قُلْتُ : وَهَلْ بَعْدَ ذَلِكَ الشَّرِّ مِنْ خَيْرٍ، قَالَ : نَعَمْ  
وَفِيهِ دَخْنٌ، قُلْتُ : وَمَا دَخْنُهُ، قَالَ : قَوْمٌ يَهْدُونَ  
بِعَبْرِ هُدْيِي تَعْرِفُ مِنْهُمْ وَتُنْكِرُ، قُلْتُ : فَهَلْ بَعْدَ  
ذَلِكَ الْخَيْرِ مِنْ شَرٍّ، قَالَ : نَعَمْ دُعَاةٌ إِلَى أَبْوَابِ  
جَهَنَّمَ مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَذَفُوهُ فِيهَا، قُلْتُ : يَا رَسُولَ  
اللَّهِ صِفْهُمْ لَنَا، فَقَالَ : هُمْ مِنْ جُلْدَتِنَا وَيَتَكَلَّمُونَ  
بِالْسِنَتَيْنَا، قُلْتُ : فَمَا تَأْمُرُنِي إِنْ أَدْرَكَنِي ذَلِكَ، قَالَ  
: تَلْزَمُ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامَهُمْ، قُلْتُ : فَإِنْ لَمْ  
يَكُنْ لَهُمْ جَمَاعَةٌ وَلَا إِمَامٌ، قَالَ : **فَاعْتَزِلْ تِلْكَ**  
**الْفِرْقَ** كُلَّهَا وَلَوْ أَنْ تَعْضَّ بِأَصْلِ شَجَرَةٍ حَتَّى  
يُدْرِكَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ عَلَى ذَلِكَ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ زَكَرِيَّا ،  
عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَكَمِ النَّخَعِيِّ ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ ثَابِتٍ  
، عَنْ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ

مَنْ بَدَأَ جَفَا، وَمَنْ اتَّبَعَ الصَّبِيَّ غَفَلَ، وَمَنْ أَتَى  
أَبْوَابَ السُّلْطَانِ افْتَنَ، وَمَا ازْدَادَ عَبْدٌ مِنَ السُّلْطَانِ  
قُرْبًا إِلَّا ازْدَادَ مِنَ اللَّهِ بُعْدًا

حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ  
زِيَادٍ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا صَالِحٍ ،  
يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، يَقُولُ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ :

" ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُرَكِّبُهُمْ  
وَأَلْهَمَ عَذَابَ أَلِيمٍ : رَجُلٌ كَانَ لَهُ فَضْلٌ مَاءٍ بِالطَّرِيقِ  
فَمَنَعَهُ مِنْ ابْنِ السَّبِيلِ ، وَرَجُلٌ بَايَعَ إِمَامًا لَا يُبَايِعُهُ  
إِلَّا لِلدُّنْيَا فَإِنْ أُعْطَاهُ مِنْهَا رَضِيَ وَإِنْ لَمْ يُعْطِهِ مِنْهَا  
سَخَطَ ، وَرَجُلٌ أَقَامَ سِلْعَتَهُ بَعْدَ الْعَصْرِ "

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا رَوْحٌ وَحَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَهْدِيٍّ ، حَدَّثَنَا  
سُفْيَانُ ، عَنْ أَبِي مُوسَى ، عَنْ وَهْبِ بْنِ مُنْبِهِ ،  
عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

" مَنْ سَكَنَ الْبَادِيَةَ، جَفَا، وَمَنْ اتَّبَعَ الصَّيِّدَ، عَفَلَ،  
وَمَنْ أَتَى السُّلْطَانَ، افْتَنَّ

حَدَّثَنَا بَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْهَيَّاجُ بْنُ  
بِسْطَامِ الْحَنْظَلِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا لَيْثُ بْنُ أَبِي سُلَيْمٍ ،  
عَنْ طَاوُسٍ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " إِنَّهَا سَتَكُونُ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ  
بَارَاهُمْ نَجَا، وَمَنْ اعْتَرَلَهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ، وَمَنْ  
خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

عن كعب بن عجرة الأنصاري

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ الْمُغِيرَةِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُوسَى  
الْهَلَالِيُّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ كَعْبٍ ، قَالَ : دَخَلَ عَلَيْنَا  
رَسُولُ اللَّهِ الْمَسْجِدَ، فَقَالَ : "

مَنْ هَهُنَا؟ هَلْ تَسْمَعُونَ؟ إِنَّهُ يَكُونُ بَعْدِي أَمْرَاءُ  
يَعْمَلُونَ بِغَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَمَنْ شَارَكَهُمْ فِي عَمَلِهِمْ،  
وَأَعَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ، فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا سَتُ مِنْهُ، وَمَنْ

لَمْ يَشْرِكْهُمْ فِي عَمَلِهِمْ، وَلَمْ يُعْنَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ،  
فَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ

أم سلمة زوج النبي

نا **أَسَدٌ** ، نا **حَمَادُ بْنُ سَلَمَةَ** ، **عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ** ،  
**عَنِ الْحَسَنِ** ، **عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ** رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، أَنَّ  
النَّبِيَّ قَالَ :

" تَكُونُ أُمُورٌ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ  
بَرِيَ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ  
؛ فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " يَقُولُهَا ثَلَاثًا

امر به معروف و نهی از منکر

حکام وجود خواهند داشت که تابع هوای نفس  
خود می باشند نه احکام اما تا هنوز با وی بیعت  
کجود دارد آن ها ظلم خواهند کرد و مال مردم را  
خواهند خورد و کسانی را ترجیح می دهند که  
شایسته گی آن را ندارند. پس با آن ها چگونه  
رفتار شود؟

۱\_ منکر باید به حیث منکر و معروف باید من حیث معروف شناخته شود و این عمل قلبی و فکری می باشد ( فهم و بینش). این کار تنها از طریق نظام تعلیمی درست امکان پذیر است.

۲\_ تا وقتی که اسلام تطبیق می گردد و کفر بواح انجام نداده حتی اگر حاکم فاسد نیز باشد هیچ اقدام عملی یا طغیان صورت نگیرد.

۳\_ تا وقتی که منجر به بی اطاعتی الله س نمی گردد از وی اطاعت شود.

۴\_ امر به معروف و نهی از منکر شود حتی اگر منجر به مرگ گردد (افضل جهاد و سید الشهداء).

۵\_ اعمال زشت و منکر نباید مورد پسند قرار گیرد حد اقل در قلب زشت پنداشته شود در غیر آن هلاک خواهد شد و تا هنوز نیز اطاعت صورت گیرد مگر این که منجر به بی اطاعتی الله س گردد.

٦- از چنین حلقات دوری جسته واز یکجا شدن  
با آن ها خود داری کنید.

شیخ الإسلام ابن تیمیة (المتوفى: 728هـ)  
الكتاب: الحسبة لشيخ الإسلام ابن تیمیة رحمه الله

من أعظم أنواع الأمر بالمعروف كلمة حق عند  
سلطان جائر؛ كما في حديث أبي سعيد الخدري  
رضي الله عنه أن النبي - صلى الله عليه وسلم -  
قال: { **إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ  
جَائِرٍ** } رواه أبو داود والترمذي

### 1. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

e. فَمَنْ أَنْكَرَ بَرِيءًا، وَمَنْ أَمْسَكَ  
سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ

### 2. عَنْ عَبْدِ بْنِ الصَّامِتِ

a. وَأَنْ نَقُولَ، أَوْ نَقُومَ بِالْحَقِّ  
حَيْثُ كُنَّا، وَلَا نَخَافُ فِي اللَّهِ  
لَوْمَةً لَانِمِ

### 3. عَدِيُّ بْنُ عَمِيرَةَ الْكِنْدِيِّ

a. فَلَا يُنْكِرُوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ  
عَذَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ

b. وَأَمْ يُنْكِرُوهُ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ  
عَدَّبَ اللَّهُ الْعَامَّةَ بِالْخَاصَّةِ

#### 4. أم سلمة زوج النبي

a. يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ

وَتُنْكِرُونَ، فَمَنْ عَرَفَ بَرِيءٌ،

وَمَنْ كَرِهَ سَلِمَ

b. وَتَابَعَ ؛ فَأَوْلَيْكَ هُمْ الْهَالِكُونَ

" يَفْوُلُهَا ثَلَاثًا

c. قَالُوا : أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : "

لَا مَا صَلَّوْا

d. لَا مَا صَلَّوْا، أَيُّ مَنْ كَرِهَ بِقَلْبِهِ

وَأَنْكَرَ بِقَلْبِهِ

e. أَفَلَا نُقَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : " لَا، مَا

صَلُّوا لَكُمْ الْخَمْسَ

#### 5. خِيبَابِ بْنِ الْأَرْتِ التَّمِيمِيِّ

a. فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِيءٌ، وَمَنْ كَرِهَ

فَقَدْ سَلِمَ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ

وَتَابَعَ، قَالُوا : أَفَلَا نَقْتُلُهُمْ؟ قَالَ

: لَا، مَا أَقَامُوا الصَّلَاةَ

#### 6. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ

a. فَمَنْ بَارَأَهُمْ نَجَا، وَمَنْ

اعْتَرَاهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ، وَمَنْ

خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
مُعَمَّرُ بْنُ يَعْمَرَ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ سَلَامٍ ،  
قَالَ : حَدَّثَنِي الزُّهْرِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو سَلَمَةَ بْنُ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " مَا مِنْ وَائِلٍ ، إِلَّا وَلَهُ بَطَانَتَانِ ، بَطَانَةٌ تَأْمُرُهُ  
بِالْمَعْرُوفِ ، وَتَنْهَاهُ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَبَطَانَةٌ لَا تَأْلُوهُ  
خَبَالًا ، فَمَنْ وَقِيَ شَرَّهَا فَقَدْ وَقِيَ ، وَهُوَ مِنَ الَّتِي  
تَغْلِبُ عَلَيْهِ مِنْهُمَا "

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ ، قَالَ :  
حَدَّثَنَا الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ  
، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "

سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي خُلَفَاءٌ يَعْمَلُونَ بِمَا يَعْلَمُونَ ،  
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ، وَسَيَكُونُ مِنْ بَعْدِهِمْ خُلَفَاءٌ  
يَعْمَلُونَ مَا لَا يَعْلَمُونَ ، وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ ،  
فَمَنْ أَنْكَرَ بَرِيءًا ، وَمَنْ أَمْسَكَ سَلَمًا ، وَلَكِنْ مَنْ  
رَضِيَ وَتَابِعَ " ،

أَخْبَرَنَا ابْنُ سَلَمٍ ، فِي عَقِيهِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَبْدُ  
الرَّحْمَنِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ عَبْدِ  
الْوَاحِدِ ، عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُرَّةَ ،  
عَنِ الزُّهْرِيِّ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ،  
عَنِ النَّبِيِّ مِثْلَهُ ، قَالَ أَبُو حَاتِمٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ :  
سَمِعَ هَذَا الْخَبَرَ الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، وَسَمِعَهُ  
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُرَّةَ ، عَنِ الزُّهْرِيِّ ، فَالطَّرِيقَانِ  
جَمِيعًا مَحْفُوظَانِ

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ وَالْحَارِثُ بْنُ مَسْكِينٍ ،  
قِرَاءَةً عَلَيْهِ ، عَنِ ابْنِ الْقَاسِمِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَالِكُ  
، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عُبَادَةُ بْنُ  
الْوَلِيدِ بْنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي  
، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ :

" بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى السَّمْعِ ، وَالطَّاعَةِ فِي  
الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ، وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ ، وَأَنْ لَا نُنَازِعَ  
الْأَمْرَ أَهْلَهُ ، وَأَنْ نَقُولَ ، أَوْ نَقُومَ بِالْحَقِّ حَيْثُ كُنَّا ،  
وَلَا نَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً "

## عدي بن عميرة الكندي

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ يَعْقُوبَ الْجَوْزَجَانِيُّ قَالَ : ثَنَا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ : ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نُمَيْرٍ ، عَنْ  
سَيْفِ الْمَكِّيِّ قَالَ : سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي عَدِيٍّ الْكِنْدِيِّ  
يَقُولُ : حَدَّثَنِي مَوْلَى لَنَا ، أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي (عدي بن  
عميرة الكندي) يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ حَتَّى يَرَوْا  
الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ  
يُنْكَرُوهُ فَلَا يُنْكَرُوهُ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ  
الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ "

أَخْبَرَنَا دَعْلُجُ بْنُ أَحْمَدَ ، ثنا مُوسَى بْنُ هَارُونَ ،  
ثنا الحسن بن عيسى ، ثنا ابن المبارك ، ثنا سيف  
، قَالَ : سَمِعْتُ عَدِيَّ بْنَ عَدِيٍّ الْكِنْدِيِّ ، يَقُولُ :  
حَدَّثَنِي مَوْلَى لَنَا أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي ، يَقُولُ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ ، حَتَّى  
يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ ، وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ  
يُنْكَرُوهُ ، وَلَمْ يُنْكَرُوهُ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ  
الْعَامَّةَ بِالْخَاصَّةِ "

أم سلمة زوج النبي

حَدَّثَنَا قَتَادَةُ ، عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مِحْصَنِ ،  
عَنِ أُمِّ سَلَمَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

يَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ عَرَفَ  
بِرِيءٍ ، وَمَنْ كَرِهَ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ " ،  
قَالُوا : أَفَلَا نُفَاتِلُهُمْ؟ قَالَ : " لَا مَا صَلَّوْا "

نا أسد ، نا حماد بن سلمة ، عن علي بن زيد ،  
عن الحسن ، عن أم سلمة رضي الله عنها ، أن  
النبي قال :

" تَكُونُ أُمُورٌ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ  
بَرِيءٌ ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ  
؛ فَأُولَئِكَ هُمُ الْهَالِكُونَ " يَقُولُهَا ثَلَاثًا

وَحَدَّثَنِي أَبُو غَسَّانَ الْمُسَمَعِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ  
جَمِيعًا ، عَنْ مُعَاذٍ وَاللَّفْظُ لِأَبِي غَسَّانَ ، حَدَّثَنَا مُعَاذٌ  
وَهُوَ ابْنُ هِشَامِ الدَّسْتَوَائِي ، حَدَّثَنِي أَبِي ، عَنْ قَتَادَةَ

، حَدَّثَنَا الْحَسَنُ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مَحْصَنِ الْعَنْزِيِّ ،  
عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ عَنِ النَّبِيِّ أَنَّهُ قَالَ :

" إِنَّهُ يُسْتَعْمَلُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ فَتَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ،  
فَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ بَرِئَ ، وَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ  
رَضِيَ وَتَابَعَ ، قَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَلَا نَقَاتِلُهُمْ ،  
قَالَ : لَا مَا صَلَّوْا ، أَيُّ مَنْ كَرِهَ بِقَلْبِهِ وَأَنْكَرَ بِقَلْبِهِ  
، "

وَحَدَّثَنِي أَبُو الرَّبِيعِ الْعَتَكِيُّ ، حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ  
زَيْدٍ ، حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ زِيَادٍ وَهَشَامٌ ، عَنْ الْحَسَنِ  
، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مَحْصَنِ ، عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ ، قَالَتْ :  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ بِنَحْوِ ذَلِكَ غَيْرَ أَنَّهُ ، قَالَ : " فَمَنْ  
أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِئَ وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ " ، وَحَدَّثَنَا حَسَنُ  
بْنِ الرَّبِيعِ الْجَلِيُّ ، حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُبَارَكِ ، عَنْ هِشَامِ  
، عَنْ الْحَسَنِ ، عَنْ ضَبَّةَ بْنِ مَحْصَنِ ، عَنْ أُمِّ  
سَلْمَةَ ، قَالَتْ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فَذَكَرَ مِثْلَهُ إِلَّا قَوْلَهُ  
وَلَكِنْ مَنْ رَضِيَ وَتَابَعَ لَمْ يَذْكُرْهُ

خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ التَّمِيمِيِّ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ ، قَالَ : نَا رَوْحُ بْنُ عُبَادَةَ ،  
قَالَ : نَا أَبُو يُونُسَ وَاسْمُهُ حَاتِمُ بْنُ أَبِي صَغِيرَةَ ،

عَنْ سِمَاكِ بْنِ حَرْبٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبَّابٍ ،  
عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ النَّبِيَّ

قَالَ : " تَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ يَكْذِبُونَ وَيَظْلِمُونَ ،  
فَمَنْ أَنْكَرَ فَقَدْ بَرِيَ ، وَمَنْ كَرِهَ فَقَدْ سَلِمَ ، وَلَكِنْ مَنْ  
رَضِيَ وَتَابَعَ ، قَالُوا : أَفَلَا نَقْتُلُهُمْ ؟ قَالَ : لَا ، مَا  
أَقَامُوا الصَّلَاةَ "

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ أَبِي بُكَيْرٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْهَبْيَاجُ بْنُ  
بِسْطَامٍ الْحَنْظَلِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ أَبِي سُلَيْمٍ ،  
عَنْ طَاوُسٍ ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ

: " إِنَّهَا سَتَكُونُ أَمْرَاءُ تَعْرِفُونَ وَتُنْكِرُونَ ، فَمَنْ  
بَارَاهُمْ نَجَا ، وَمَنْ اعْتَرَلَهُمْ ؛ سَلِمَ أَوْ كَادَ ، وَمَنْ  
خَالَطَهُمْ ؛ هَلَكَ

## عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانَ

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدٍ ، عَنْ  
عَمْرِو بْنِ أَبِي عَمْرٍو ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ ،  
عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانَ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " وَالَّذِي  
نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ ، وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ  
الْمُنْكَرِ ، أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ،  
ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ " ، قَالَ أَبُو عَيْسَى :  
هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حُجْرٍ ، أَخْبَرَنَا  
إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي عَمْرٍو ،  
بِهَذَا الْإِسْنَادِ نَحْوَهُ

## بی اطاعتی

آیا برای اطاعت از حاکم هیچ حد و مرزی وجود  
ندارد؟ بدون شک که دارای حد و اندازه است.  
اگر حکام به کفر بواح رو میاورد باید این کارش  
اصلاح گردد حتی اگر مجبور به گرفتن سلاح  
شوید. قضیه طوربست که ابتدا یک حاکم  
مسلمان به تطبیق اسلام می پردازد و هیچ علایم  
یا نشانه های تطبیق کفر وجود ندارد ولی سپس  
چیزی را تطبیق می کند که با حالت اولی آن در

تضاد است. اما حکام که از روز اول اسلام را تطبیق نمی کنند احکام در مورد آن ها فرق دارد. حاکم که اسلام را تطبیق کرده و هیچ علایم یا نشانه هار کفر به نظر نمی رسد باید از وی اطاعت شود اما نه در موضوعات که منجر به بی اطاعتی الله س گردد. لذا اگر یک حاکم به کشتن افراد بی گناه دستور می دهد هیچ دلیل یا عذر ندارد حتی اگر به قیمت جان یک انسان تمام شود.

### 1. عِبَادَةُ بِنِ الصَّامِتِ

a. إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَعْصِيَةً لِلَّهِ بَوَاحًا

(سِوَاهَا)

b. إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا

عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ

c. فَلَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ

d. مَا تُنْكِرُونَ، فَلَيْسَ لِأَوْلِيكَ

عَلَيْكُمْ طَاعَةٌ

e. وَيُكْرَهُنَّ عَلَيْكُمْ مَا نَعْرِفُونَ،

فَلَا طَاعَةَ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ، فَلَا

تَعْتَلُّوا بِرَبِّكُمْ

عَنْ عَلِيٍّ

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى، وَابْنُ، بَشَّارٍ - وَاللَّفْظُ لِابْنِ  
الْمُثَنَّى - قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ، بْنُ جَعْفَرٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ،  
عَنْ زُبَيْدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَيْدَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ، عَنْ عَلِيٍّ،

أَنَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ جَيْشًا وَأَمَرَ عَلَيْهِمْ رَجُلًا فَأَوْقَدَ  
نَارًا وَقَالَ ادْخُلُوهَا . فَأَرَادَ نَاسٌ أَنْ يَدْخُلُوهَا وَقَالَ  
الْآخَرُونَ إِنَّا قَدْ فَرَرْنَا مِنْهَا . فَذُكِرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لِلَّذِينَ أَرَادُوا أَنْ  
يَدْخُلُوهَا لَوْ نَخَلْتُمُوهَا لَمْ تَرَأُوا فِيهَا إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ " . وَقَالَ لِلْآخَرِينَ قَوْلًا حَسَنًا وَقَالَ " لَا  
طَاعَةَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ "

در مسند ابو عبدالرحمن از علی رض روایت است  
که پیامبر صلی الله علیه و سلم یک لشکر را به  
ماموریت روان کرده و یک شخص را مسؤل آن ها  
قرار داد. او آتش را روشن کرده گفت: داخل آن  
شوید. بعضی ها فکر کردند که داخل آتش شوند  
(امر امیر خود را انجام دهند)، اما دیگران گفتند:  
ما از آتش فرار کردیم (به همین دلیل داخل حلقه  
اسلام گردیدیم). موضوع به پیامبر صلی الله علیه

و سلم رسانده شد. او صلی الله علیه و سلم به اشخاص که در مورد داخل شدن ( به آتش به فرمان امیر خود) فکر کردند گفت: اگر در آن داخل می شدید تا روز قیامت در آن باقی می ماندید. او صلی الله علیه و سلم در مورد گروه دیگر امر نموده گفت: در مسایل که منجر به بی اطاعتی و نا رضایتی الله سبحانه و تعالی می گردد، اطاعت جایز نیست. اطاعت وقتی جایز که آن امر خوب و (قناعت بخش) باشد.

### عُبَادَةُ بِنِ الصَّامِتِ

أَخْبَرَنَا الصُّوفِيُّ بِبُعْدَادَ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ خَارِجَةَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مُدْرِكُ بْنُ سَعْدِ الْفَزَارِيُّ أَبُو سَعِيدٍ ، عَنْ حَيَّانِ أَبِي النَّضْرِ ، سَمِعَ عُبَادَةَ بْنَ أَبِي أُمَيَّةَ ، سَمِعَ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ ، يَقُولُ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " يَا عُبَادَةَ " قُلْتُ : لَبَّيْكَ، قَالَ :

اسْمَعُ وَأَطِعْ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ، وَمَكْرَهَكَ وَأَثْرَةَ  
عَلَيْكَ، وَإِنْ أَكَلُوا مَالَكَ وَضَرَبُوا ظَهْرَكَ، إِلَّا أَنْ  
تَكُونَ مَعْصِيَةً لِلَّهِ بَوَاحًا (سِوَاهَا)

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، ثنا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الْأَعْلَى ، أنبا  
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبٍ ، أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ الْحَارِثِ ،  
عَنْ بُكَيْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَشَجِّ ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ ، عَنْ  
بُسْرِ بْنِ سَعِيدٍ ، عَنْ جُنَادَةَ بْنِ أَبِي أُمَيَّةَ ، قَالَ :  
دَخَلْنَا عَلَى عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ وَهُوَ مَرِيضٌ ، فَقُلْنَا  
: حَدِّثْنَا أَصْلَحَكَ اللَّهُ ، حَدِيثًا نَنْفَعَنَا بِهِ سَمِعْتَهُ مِنْ  
رَسُولِ اللَّهِ قَالَ : دَعَانَا رَسُولُ اللَّهِ فَبَايَعَنَا فَكَانَ  
فِيمَا أَخَذَ عَلَيْنَا أَنْ

بَايَعَنَا عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَمَنْشَطِنَا وَمَكْرَهِنَا  
وَأَثْرَةَ عَلَيْنَا وَأَنْ لَا نُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا  
كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ "

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ وَالْحَارِثُ بْنُ مِسْكِينٍ ،  
قِرَاءَةً عَلَيْهِ ، عَنِ ابْنِ الْقَاسِمِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَالِكُ  
، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي عِبَادَةُ بْنُ

الْوَلِيدِ بْنِ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي أَبِي ،  
عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ :

" بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى السَّمْعِ ، وَالطَّاعَةِ فِي  
الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ، وَالْمَنْشَطِ وَالْمَكْرَهِ ، وَأَنْ لَا نُنَازِعَ  
الْأَمْرَ أَهْلَهُ ، وَأَنْ نَقُولَ ، أَوْ نَقُومَ بِالْحَقِّ حَيْثُ كُنَّا ،  
وَلَا نَخَافَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً "

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ ، قَالَ : نا مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّادٍ الْمَكِّيُّ ،  
قَالَ : نا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمٍ الطَّائِفِيُّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْنٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ  
، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

" سَبَلِي أُمُورُكُمْ مِنْ بَعْدِي رِجَالٌ يُعْرِفُونَكُمْ مَا  
تُنْكِرُونَ ، وَيُنْكِرُونَ عَلَيْكُمْ مَا تَعْرِفُونَ ، فَلَا طَاعَةَ  
لِمَنْ عَصَى اللَّهَ

حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ مَخْلَدٍ ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بِلَالٍ ، قَالَ  
: حَدَّثَنِي شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَمِرٍ ، عَنْ

الأَعْسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُكَّمَلٍ ، عَنْ أَزْهَرَ  
بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ : أَقْبَلَ عِبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ حَاجًّا  
مِنَ الشَّامِ فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ ، فَأَتَى عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ ، فَقَالَ  
: يَا عُثْمَانُ ، أَلَا أُخْبِرُكَ شَيْئًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ  
قَالَ : بَلَى ، قُلْتُ : فَأَيِّ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

”

سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمْرَاءُ يُوقَرُونَكُم بِمَا نَعْرِفُونَ ،  
وَيَعْمَلُونَ مَا تُنْكِرُونَ ، فَلَيْسَ لِأَوْلِيكَ عَلَيْكُمْ طَاعَةٌ

”

أَخْبَرَنَا أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدٌ وَأَبُو عَاصِمٍ الْفَضِيلُ ابْنَا  
إِسْمَاعِيلَ الْمَعْدَلَانِ بِهَرَاةَ ، قَالَا : أَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ  
بْنَ مُحَمَّدِ الْخَلِيلِيِّ ، أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ  
الْخَزَاعِيِّ ، أَنَا أَبُو سَعِيدِ الْهَيْثَمِيِّ بْنُ كُلَيْبِ الشَّاشِيِّ  
، نَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّعَايِي ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبَّادٍ  
، نَا يَحْيَى بْنُ سُلَيْمٍ ، عَنِ ابْنِ خُنَيْمٍ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ  
بْنَ عُيَيْدِ بْنِ رِفَاعَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، أَنَّ عِبَادَةَ بْنَ  
الصَّامِتِ مَرَّتْ عَلَيْهِ قِطَارَةٌ وَهُوَ بِالشَّامِ تَحْمِلُ  
الْحَمْرَ ، فَقَالَ : مَا هَذِهِ؟ أَرَأَيْتَ؟ قِيلَ : لَا ، بَلْ حَمْرٌ  
تُبَاعُ لِفُلَانٍ ، فَأَخَذَ شَفْرَةً مِنَ السُّوقِ ، فَقَامَ إِلَيْهَا فَلَمْ  
يَدْرُ فِيهَا رَوَايَةً إِلَّا بَقَرَهَا ، وَأَبُو هُرَيْرَةَ إِذْ ذَاكَ

بِالشَّامِ، فَأَرْسَلَ فُلَانٌ إِلَى أَبِي هُرَيْرَةَ، فَقَالَ : أَلَا  
 تُمَسِّكُ عَنَّا أَخَاكَ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ، أَمَّا بِالْعَدَوَاتِ  
 فَيَعْدُوا إِلَى السُّوقِ، فَيُفْسِدُ عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ  
 مَتَاجِرَهُمْ، وَأَمَّا بِالْعَشِيِّ فَيَقْعُدُ بِالْمَسْجِدِ لَيْسَ لَهُ  
 عَمَلٌ إِلَّا شَتْمُ أَعْرَاضِنَا وَعَيْبِنَا، فَأَمْسِكْ عَنَّا أَخَاكَ،  
 فَأَقْبَلَ أَبُو هُرَيْرَةَ يَمْشِي حَتَّى دَخَلَ عَلَى عُبَادَةَ،  
 فَقَالَ : يَا عُبَادَةُ، مَا لَكَ وَالْمَعَاوِيَةَ ذَرَهُ وَمَا حَمَلَ،  
 فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : **ف تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ**  
**وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ** ، قَالَ : يَا أَبُو هُرَيْرَةَ، لَمْ تَكُنْ  
 مَعَنَا إِذْ بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ بَايَعَنَاهُ عَلَى السَّمْعِ  
 وَالطَّاعَةِ فِي النَّشَاطِ وَالْكَسَلِ، وَعَلَى النَّقْفَةِ فِي  
 الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، وَعَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ  
 عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَنْ نَقُولَ فِي اللَّهِ لَا تَأْخُذْنَا فِي اللَّهِ  
 لَوْمَةً لَانِمِ، وَعَلَى أَنْ نَنْصُرَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْنَا يَثْرِبَ  
 فَتَمْنَعُهُ مِمَّا نَمْنَعُ مِنْهُ أَنْفُسَنَا وَأَزْوَاجَنَا وَأَهْلَانَا وَلَنَا  
 الْجَنَّةُ، وَمَنْ وَفَى وَفَى اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةُ مِمَّا بَايَعَ عَلَيْهِ  
 رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، فَلَمْ  
 يُكَلِّمُهُ أَبُو هُرَيْرَةَ بِشَيْءٍ، فَكَتَبَ فُلَانٌ إِلَى عُثْمَانَ  
 بِالْمَدِينَةِ : إِنَّ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ قَدْ أَفْسَدَ عَلَيَّ  
 الشَّامَ وَأَهْلَهُ، فَإِنَّمَا أَنْ يَكْفَ عُبَادَةَ، وَإِنَّمَا أَنْ أَخْلِي  
 بَيْنَهُ وَبَيْنَ الشَّامِ فَكَتَبَ عُثْمَانُ إِلَى فُلَانٍ أَنْ أَرْجِلُهُ  
 إِلَى دَارِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ، فَبَعَثَ بِهِ فُلَانٌ حَتَّى قَدِمَ  
 الْمَدِينَةَ، فَدَخَلَ عَلَى عُثْمَانَ الدَّارَ، وَلَيْسَ فِيهَا إِلَّا  
 رَجُلٌ مِنَ السَّابِقِينَ بَعِيثُهُ وَمِنَ التَّابِعِينَ الَّذِينَ

أَدْرِكُوا الْقَوْمَ مُتَوَافِرِينَ، فَلَمْ يَفِجْ عُنْمَانُ بِهِ إِلَّا وَهُوَ  
قَاعِدٌ فِي جَانِبِ الدَّارِ، فَالْتَقَتْ إِلَيْهِ، فَقَالَ : مَا أَنَا  
وَأَنْتَ يَا عِبَادَةَ، فَقَامَ عِبَادَةُ قَائِمًا وَانْتَصَبَ لَهُمْ فِي  
الدَّارِ، فَقَالَ : إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَبَا الْقَاسِمِ  
يَقُولُ :

سَلِّي أُمُورَكُمْ بَعْدِي رِجَالٌ يُعْرِفُونَكُمْ مَا  
تُنْكِرُونَ، وَيُنْكِرُونَ عَلَيْكُمْ مَا تَعْرِفُونَ، فَلَا طَاعَةَ  
لِمَنْ عَصَى اللَّهَ، فَلَا تَعْتَلُوا بِرَبِّكُمْ .

### حکومت پولیسی

بعضی ها فکر می کنند که دولت اسلامی  
حکومت دکتاتوری یا پولیسی است در حالی که  
بعضی احادیث نشان می دهند که بسیاری از  
مشخصات حکومت پولیسی واضحاً در اسلام منع  
شده اند. جاسوسی در میان شهروندان، شکنجه  
و اذیت آنها، تعقیب و ممانعت آن ها از نشست  
های خصوصی هیچ کدام این موارد اسلامی  
نبوده و بدون شک که بدون این موارد حکومت

پولیسی وجود نخواهد داشت. لذا این کار در تناقص قرار خواهد داشت اگر دولت راشده به حکومت پولیسی مبدل گردد. اصطلاح علمی آن در احادیث به لفظ سلطان جائر آمده است و گفتن کلمه حق در مقابل چنین حکومت های پولیسی بهترین عمل برای یک مسلمان پنداشته شده است.

### 1. أَبُو هُرَيْرَةَ

- a. إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ  
أَكْذَبُ الْحَدِيثِ
- b. وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَحَسَّسُوا،  
وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا إِخْوَانًا

### 2. سَعِيدُ بْنُ زَيْدِ الْقُرَشِيِّ

- a. مَنْ عَدَبَ النَّاسَ عَدَّبَهُ اللَّهُ

### 3. هَشَامُ بْنُ حَكِيمِ الْأَسَدِيِّ

- a. إِنَّ أَسَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا  
لِلنَّاسِ فِي الدُّنْيَا

4. عِيَاضَ بْنِ عُنْمٍ وَهَشَامَ بْنِ حَكِيمٍ بْنِ

حِزَامٍ

a. إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ  
النَّاسَ فِي الدُّنْيَا

5. خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْمَخْزُومِيِّ

a. أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا لِلنَّاسِ فِي  
الدُّنْيَا أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ  
اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

أَبُو هُرَيْرَةَ

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ بُكَيْرٍ ، حَدَّثَنَا اللَّيْثُ ، عَنْ جَعْفَرِ  
بْنِ رَبِيعَةَ ، عَنْ الْأَعْرَجِ ، قَالَ : قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ  
يَأْتُرُ : عَنِ النَّبِيِّ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ ، وَلَا  
تَحَسَّسُوا، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا  
إِخْوَانًا، وَلَا يَخْطُبُ الرَّجُلُ عَلَى خِطْبَةِ أَخِيهِ حَتَّى  
يُنْكَحَ أَوْ يَنْتَرِكَ "

حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ ، أَخْبَرَنَا  
مَعْمَرٌ ، عَنْ هَمَّامِ بْنِ مُنَبِّهٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ  
النَّبِيِّ قَالَ :

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ ، وَلَا  
تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَدَابَرُوا  
وَلَا تَبَاغَضُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا

أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِانَ ، أَنبَأ  
أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ ، ثنا ابْنُ مِلْحَانَ ، ثنا  
يَحْيَى ، ثنا اللَّيْثُ ، حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ يَعْنِي ابْنُ رَبِيعَةَ  
، عَنِ الْأَعْرَجِ ، قَالَ : قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُ بِأَنَّهُ ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ :

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ ، وَلَا  
تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا  
تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَخْطُبَنَّ  
الرَّجُلُ عَلَى خَطْبَةِ أَخِيهِ حَتَّى يَنْكِحَ أَوْ يَنْتَرِكَ، وَلَا  
يُجْمَعُ بَيْنَ الْمَرْأَةِ وَعَمَّتَيْهَا، وَلَا بَيْنَهَا وَخَالَتَيْهَا، وَلَا  
تُصَوِّمُ الْمَرْأَةُ وَرَوْجُهَا شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَلَا تُأَدُّ  
فِي بَيْتِهِ وَهُوَ شَاهِدٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَمَا تَصَدَّقَتْ بِهِ مِمَّا  
يَكْسِبُ عَلَيْهَا فَإِنَّ لَهُ بَصْفَ أَجْرِهِ، وَلَا تَسْأَلُ الْمَرْأَةُ  
طَلَاقَ أُخْتَيْهَا لِتَسْتَفْرِغَ إِيَّاهُ صَاحِبَتَيْهَا، وَلْتَنْكِحَ فَإِنَّ  
لَهَا مَا قَدَّرَ لَهَا " ، رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي الصَّحِيحِ،  
عَنْ يَحْيَى بْنِ بُكَيْرٍ إِلَى قَوْلِهِ : حَتَّى يَنْكِحَ أَوْ يَنْتَرِكَ

## شكنجه

به هیچ وجه و به هر دلیلی که باشد شكنجه ممنوع است به جز از تطبیق واضح حدود.

سعید بن زید القرشي

قَالَ : وَحَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَزِيدَ ، " أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ قَدْ أُقِيمُوا فِي الشَّمْسِ فِي بَعْضِ أَرْضِ الشَّامِ فَقَالَ : مَا شَأْنُ هَؤُلَاءِ؟ فَقِيلَ لَهُ : أُقِيمُوا فِي الشَّمْسِ فِي الْجَزِيَّةِ ، قَالَ : فَكِرَةٌ ذَلِكَ وَدَخَلَ عَلَى أَمِيرِهِمْ ، وَقَالَ : إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : مَنْ عَذَّبَ النَّاسَ عَذَّبَهُ اللَّهُ "

هشام بن حكيم الأسدي

أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبُغْدَادِيُّ ، فِيمَا اتَّفَقَا عَلَيْهِ ، أَنَّ أَبُو عَلِيٍّ الْحَافِظُ ، ثنا عمرو بن إسحاق بن إبراهيم بن العلاء بن زريق الحمصي ، ثنا أبي ، ثنا عمرو بن الحارث ، عن عبد الله بن سالم ، عن الزُّبَيْدِيِّ ، ثنا الفضل بن فضالة ، يردُّ إلى عائذ إلى جُبَيْرِ بْنِ نُفَيْرٍ ، أَنَّ عِيَاضَ بْنَ عَنَمِ الْأَسْرِيَّ وَقَعَ عَلَى صَاحِبِ دَارَا حِينَ فُتِحَتْ ، فَأَتَاهُ هِشَامُ بْنُ حَكِيمٍ ، فَأَغْلَظَ لَهُ

الْقَوْلِ، وَمَكَثَ هِشَامٌ لَيْالِي، فَأَتَاهُ هِشَامٌ مُعْتَذِرًا،  
فَقَالَ لِعِيَاضٍ : أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قَالَ :

" إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا  
لِلنَّاسِ فِي الدُّنْيَا "

فَقَالَ لَهُ عِيَاضٌ : يَا هِشَامُ إِنَّا قَدْ سَمِعْنَا الَّذِي قَدْ  
سَمِعْتُ، وَرَأَيْنَا الَّذِي قَدْ رَأَيْتَ، وَصَحِبْنَا مَنْ  
صَحِبْتَ

عياض بن غنم الفهري

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ ، حَدَّثَنِي أَبِي ،  
حَدَّثَنَا 22 : 171 يَعْقُوبُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ سَعْدٍ  
حَدَّثَنَا ابْنُ أَخِي الزُّهْرِيُّ ، عَنْ عَمِّهِ ، قَالَ :  
أَخْبَرَنِي عُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ ، أَنَّ عِيَاضَ بْنَ عَنَمٍ  
وَهِشَامَ بْنَ حَكِيمِ بْنِ جِرَامٍ ، مَرَا بَعَامِلَ حِمصَ وَقَدْ  
شَمَسَ أَنْبَاطًا فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِلْعَامِلِ مَا  
هَذَا يَا فُلَانُ؟ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : " إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي  
الدُّنْيَا "

## خالد بن الوليد المخزومي

حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ بْنِ قَتَادَةَ ، أَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا الْأَدِيبُ ، نَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْقَبَائِي ، نَا أَبُو حَيْثَمَةَ زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ ، نَا سُفْيَانُ ، عَنْ عَمْرِو ، عَنْ أَبِي نَجِيحٍ وَأَسْمُهُ يَسَارٌ وَهُوَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي نَجِيحٍ وَابْنُ أَبِي نَجِيحٍ يُكْنَى أَبَا يَسَارٍ ، عَنْ خَالِدِ بْنِ حَكِيمِ بْنِ حَزَامٍ ، أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ تَنَاوَلَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ ، فَقَالَ لَهُ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ فِيهِ ، فَقَالُوا : أَغْضَبْتَ الْأَمِيرَ فَقَالَ خَالِدُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

يَقُولُ : " أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا لِلنَّاسِ فِي الدُّنْيَا أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

بهترین امیر (رهبر)

امیران خوب کسانی اند که بالای مردم آسان گرفته و امور را برای اشخاص که تحت مسئولیت اش اند، دشوار نمی سازد. ما از اقوال ذیل و بعضی اقوال دیگر به این فهم می رسیم.

وَيَسِّرَا وَلَا تُعَسِّرَا،

اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْفُقْ عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ

إِنَّ شَرَّ الرَّعَاءِ الْخَطْمَةُ

حُرِّمَ عَلَى النَّارِ كُلُّ هَيْئٍ لَيْسَ سَهْلٍ قَرِيبٍ مِنَ النَّاسِ

يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَهْلُ النَّارِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " لَقَدْ سَأَلْتِ عَنْ عَظِيمٍ كُلِّ شَدِيدٍ فَعَبْرِيٌّ " . فَقَالَ: وَمَا الْفَعْبَرِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: " الشَّدِيدُ عَلَى الْأَهْلِ، الشَّدِيدُ عَلَى الْعَشِيرَةِ، الشَّدِيدُ عَلَى الصَّاحِبِ

او به مردم مزده می دهد و باعث نا امیدی آن ها نمی گردد.

وَبَشِّرَا وَلَا تُنْفَرَا "

او شخص متواضع است نه مغرور و خود پسند  
(نارسست).

ذِكْرِ أَهْلِ النَّارِ : " كُلُّ جَعْظَرِيٍّ جَوَاطِ مُسْتَكْبِرٍ  
جَمَاعٍ مَنَاعٍ

الجَعْظَرِيُّ الْفَطُّ الْغَلِيظُ الْمَتَكْبِرُ

او اشتباه مردم را می بخشد و به عوض ملامت  
نمودن به آن ها آموزش می دهد.

دَخَلَ أَعْرَابِيٌّ الْمَسْجِدَ، فَقَالَ : اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي  
وَمُحَمَّدًا، وَلَا تَرْحَمْ مَعَنَا أَحَدًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ :  
" لَقَدْ تَحَجَّرَتْ وَاسِعًا "، قَالَ : فَمَا لَيْتَ أَنْ بَالَ فِي  
نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ، فَكَأَنَّهُمْ عَجَلُوا عَلَيْهِ، فَتَهَاهُمْ النَّبِيُّ  
ثُمَّ أَمَرَ بِدُنُوبٍ مِنْ مَاءٍ أَوْ سَجَلٍ مِنْ مَاءٍ، فَأَهْرَيْقَ  
عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ : " عَلِّمُوا وَيَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا

مردم او را دوست دارند و با نیکی با وی سخن می  
گویند.

إِذَا ذُكِرَ الرَّجُلُ بِخَيْرٍ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَإِذَا  
ذُكِرَ بِشَرٍّ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ

امیران خوب مشکلات مردم اش را حل می نمایند  
و دروازه های خود را به مشکلات مردم نمی بندند.

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي أَبُو حَسَنِ ، أَنَّ عَمْرَو بْنَ مَرَّةَ قَالَ لِمُعَاوِيَةَ : يَا مُعَاوِيَةُ، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ :

مَا مِنْ إِمَامٍ أَوْ **وَالٍ** يُغْلِقُ بَابَهُ دُونَ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْخَلَّةِ وَالْمَسْكِنَةِ، إِلَّا أَغْلَقَ اللَّهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ دُونَ حَاجَتِهِ وَخَلَّتِهِ وَمَسْكَنَتِهِ

عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ جَدِّهِ ، عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

" **أَيُّمَا وَالٍ** احْتَجَبَ مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ احْتَجَبَ اللَّهُ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

رهبران خوب بالای رعیت خود گمان نیک دارند و چیزی که به نفع آن ها ست را می گوید و مطابق آن چه می گوید عمل می کند.

حَدَّثَنَا الرَّبِيعُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ ، حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ حَاتِمٍ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَزْرَوَانَ أَبُو نُوحٍ ، حَدَّثَنَا السَّرِيُّ بْنُ يَحْيَى ، حَدَّثَنَا **عَبْدُ**

الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ :  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، يَقُولُ  
:

" أَيُّمَا **وَالٍ** وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ ، فَلَمْ  
يُنْصَحْ لَهُمْ ، وَلَمْ **يَجْهَدْ لَهُمْ لِنُصْحِهِ** وَجَهَدَهُ لِنَفْسِهِ  
كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ " ، لَمْ  
يُرَوْه عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْقِلٍ ، إِلَّا السَّرِيُّ ، تَفَرَّدَ  
بِهِ أَبُو نُوحٍ

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ ، ثنا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ  
أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى بْنِ الضُّرَيْسِ الرَّازِيِّ ، ثنا أَبُو  
عَوْنٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَوْنِ الزِّيَادِيِّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ  
ذَكْوَانَ ، عَنْ مُجَالِدٍ ، عَنِ الشَّعْبِيِّ ، قَالَ : سَمِعْتُ  
الْحَسَنَ ، يُحَدِّثُ **عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ** ، أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" إِذَا اسْتَرْعَى اللَّهُ عَبْدًا رَعِيَّةً فَلَمْ **يُحْظَئْهَا**  
**بِالنُّصِيحَةِ** إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ "

حَدَّثَنَا **عَمْرُو** ، عَنِ **المُطَّلِبِ** ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" كُلُّ رَاعٍ بَاتَ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
الْجَنَّةَ الَّتِي يَرُوحُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً

رهبران خوب با مردم خود صادق اند و به آن ها خیانت نمی کند، او در حفظ ملکیت عامه امین بوده و با صداقت امور مردم را رعایت می نماید.

حَدَّثَنَا **عَمْرُو** ، **عَنِ الْمُطَّلِبِ** ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ :

" كُلُّ رَاعٍ بَاتَ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
الْجَنَّةَ الَّتِي يَرُوحُ رِيحُهَا مِنْ مَسِيرَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً

وَحَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ ، حَدَّثَنَا أَبُو الْأَشْهَبِ ، عَنِ  
الْحَسَنِ ، قَالَ عَادَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدٍ مَعْقِلَ بْنَ يَسَارٍ  
الْمُرْتَبِيَّ فِي مَرَضِهِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ فَقَالَ مَعْقِلٌ إِنِّي  
مُحَدِّثُكَ حَدِيثًا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ لَوْ عَلِمْتُ أَنَّ لِي حَيَاةً مَا حَدَّثْتُكَ إِنِّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ  
وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ "

وَحَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ  
إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ أَبِي حَيَّانَ ، عَنْ أَبِي ، زُرْعَةَ عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ ، قَالَ قَامَ فِينَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ فَذَكَرَ الْعُلُولَ فَعَظَّمَهُ وَعَظَّمَ أَمْرَهُ  
ثُمَّ قَالَ

لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رَقَبَتِهِ بَعِيرٌ  
 لَهُ رُغَاءٌ يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اغْنِنِي . فَأَقُولُ لَا أَمْلِكُ  
 لَكَ شَيْئًا قَدْ أَبْلَغْتُكَ . لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ يَجِيءُ يَوْمَ  
 الْقِيَامَةِ عَلَى رَقَبَتِهِ فَرَسٌ لَهُ حَمَمَةٌ يَقُولُ يَا  
 رَسُولَ اللَّهِ اغْنِنِي . فَأَقُولُ لَا أَمْلِكُ لَكَ شَيْئًا قَدْ  
 أَبْلَغْتُكَ . لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى  
 رَقَبَتِهِ شَاةٌ لَهَا نُغَاءٌ يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اغْنِنِي .  
 فَأَقُولُ لَا أَمْلِكُ لَكَ شَيْئًا قَدْ أَبْلَغْتُكَ . لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ  
 يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رَقَبَتِهِ نَفْسٌ لَهَا صَبَاحٌ  
 يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اغْنِنِي . فَأَقُولُ لَا أَمْلِكُ لَكَ  
 شَيْئًا قَدْ أَبْلَغْتُكَ . لَا أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 عَلَى رَقَبَتِهِ رِقَاعٌ تَخْفُقُ يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
 اغْنِنِي . فَأَقُولُ لَا أَمْلِكُ لَكَ شَيْئًا قَدْ أَبْلَغْتُكَ . لَا  
 أَلْفِينَ أَحَدَكُمْ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رَقَبَتِهِ صَامِتٌ  
 يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اغْنِنِي فَأَقُولُ لَا أَمْلِكُ لَكَ شَيْئًا  
 قَدْ أَبْلَغْتُكَ "

در مسند ابوهریره روایت شده که گفت: یک روز  
 پیامبر صلی الله علیه و سلم از میان ما برخواست  
 (تا خطبه را بخواند). او ص در مورد اختلاس  
 غنیمت صحبت نمود و به آن به حیث گناه بزرگ  
 و خطرناک اشاره نمود. سپس گفت: مبادا که  
 یکی از شما در روز قیامت مانند شتری که سرو

صدا می کند در گردن اش آویزان، نزدم بیاید و در خواست کمک نموده بگوید: "ای رسول خدا، مرا کمک کن". و من بگویم: من هیچ صلاحیت کمک به تو را ندارم، زیرا قبلاً با تو صحبت نموده ام. مبدا که یکی از شما در روز قیامت مانند میش که بع بع می کند در گردن آویزان نزدم آمده و بگوئید: "ای رسول خدا، مرا کمک کن"، و من بگویم: من هیچ صلاحیت ندارم تا تو را کمک کنم، من پیام خود را به تو رساندم. مبدا یکی از شما در روز قیامت با طلا و نقره زیاد که در گردن تان آویزان است نزدم بیاید و بگوید: ای رسول خدا، مرا کمک کن. و من بگویم: من هیچ صلاحیت ندارم تا تو را کمک نمایم، زیرا من قبلاً (پیام و هشدار الله سبحانه و تعالی را برایم رساندم).

حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ، مُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ حَدَّثَنَا أَبُو  
أَسَامَةَ، حَدَّثَنَا هِشَامٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ  
السَّاعِدِيِّ، قَالَ اسْتَعْمَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ رَجُلًا مِنَ الْأَزْدِ عَلَى صَدَقَاتِ بَنِي سُلَيْمٍ  
يُدْعَى ابْنَ الْأَثِيَّةِ فَلَمَّا جَاءَ حَاسِبَهُ قَالَ هَذَا مَا لَكُمْ

وَهَذَا هَدِيَّةٌ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 فَهَلَّا جَلَسْتُ فِي بَيْتِ أَبِيكَ وَأُمِّكَ حَتَّى تَأْتِيَكَ هَدِيَّتُكَ  
 إِنْ كُنْتَ صَادِقًا " . ثُمَّ خَطَبَنَا فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ  
 ثُمَّ قَالَ " أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَسْتَعْمَلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ عَلَى  
 الْعَمَلِ مِمَّا وَلَا يَبِي اللَّهَ فَيَأْتِي فَيَقُولُ هَذَا مَا لَكُمْ وَهَذَا  
 هَدِيَّةٌ أُهْدِيَتْ لِي . أَفَلَا جَلَسَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ  
 حَتَّى تَأْتِيَهُ هَدِيَّتُهُ إِنْ كَانَ صَادِقًا وَاللَّهِ لَا يَأْخُذُ أَحَدٌ  
 مِنْكُمْ مِنْهَا شَيْئًا بَعْدَ حَقِّهِ إِلَّا لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى بِحِمْلِهِ  
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا عَرْفَنَ أَحَدًا مِنْكُمْ لَقِيَ اللَّهَ بِحِمْلِ  
 بَعِيرٍ لَهُ رُغَاءٌ أَوْ بَقَرَةٌ لَهَا خُورٌ أَوْ شَاةٌ تَبْعُرُ " .  
 ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى رُبِّي بَيَاضٌ يُنْطِئُهُ ثُمَّ قَالَ " اللَّهُمَّ  
 هَلْ بَلَغْتُ " . بَصَرَ عَيْنِي وَسَمِعَ أُذُنِي " .

در مسند ابو حومید سعیدی روایت شده که گفت:  
 پیامبر صلی الله علیه و سلم یک مرد را از قبیله از  
 به نام ابن الاتبیه مسؤل صدقات تعیین نمود تا از  
 بنو سلیم دریافت نماید. وقتی که او برگشت،  
 پیامبر صلی الله علیه و سلم از او خواست تا  
 حساب اش را تحویل دهد. او گفت: این مال برای  
 شما ست (یعنی ملکیت عامه) و این تحفه است  
 (که برایم داده شده). پیامبر صلی الله علیه و سلم  
 گفت: تو باید در خانه پدر و مادر ات می بودی تا

این تحفه برایت می رسید اگر راست می گوئی.  
سپس به ما سخن گفت: او الله سبحانه و تعالی را  
ستایح و تمجید نمود و بعد از آن گفت: من یک  
مرد از شما را مسؤل مقام با صلاحیت تعیین می  
نمایم که الله سبحانه و تعالی به من امانت داده  
است و او نزد من آید و می گوید: این مال توست  
(ملکیت عامه) و این تحفه است (که به من اعطا  
شده). اگر راست می گوید چرا در خانه پدر و مادر  
اش ننشست تا این تحفه برایش می داده می  
شد؟ قسم به الله سبحانه و تعالی، هیچ یکی از  
شما مالی از بیت المال را بدون دلیل نخواهید  
گرفت، مگر این که در روز قیامت الله سبحانه و  
تعالی را در حالت ملاقات می نمائید که در حال  
حمل آن مال هستید. من هر یکی از شما را که  
یک شتر، گاو و میش را انتقال داده و با الله  
سبحانه و تعالی ملاقات می کنید را شناسائی  
خواهم نمود. سپس، دستانش را آنقدر بالا برد که  
زیر بغل اش نمایان گردید. بعداً گفت: یا رب! من

دساتیر تو را رساندم. راوی می گوید: آن حالت را  
چشمانم دید و چیزی که گفته شد را گوش هایم  
شنید.

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، حَدَّثَنَا وَكِيعُ بْنُ  
الْجَرَّاحِ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي، خَالِدٍ عَنْ قَيْسِ  
بْنِ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ عَدِيِّ بْنِ عَمِيرَةَ الْكِنْدِيِّ، قَالَ  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ فَكُنْمَا مَخْبِطًا فَمَا  
فَوْقَهُ كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ " . قَالَ فَقَامَ  
إِلَيْهِ رَجُلٌ أَسْوَدٌ مِنَ الْأَنْصَارِ كَانِي أَنْظَرُ إِلَيْهِ فَقَالَ  
يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقْبِلْ عَنِّي عَمَلِكَ قَالَ " وَمَا لَكَ " .  
قَالَ سَمِعْتُكَ تَقُولُ كَذَا وَكَذَا . قَالَ " وَأَنَا أَقُولُهُ الْآنَ  
مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَجِئْ بِقَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ  
فَمَا أُوتِيَ مِنْهُ أَحَدٌ وَمَا نُهِيَ عَنْهُ أَنْتَهَى " .

در مسند عدی بن امیر الکندی نقل شده که  
گفت: من شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و سلم  
گفت: هر کسی از شما که توسط ما بر مقام با  
صلاحیت تعیین گردید و او یک سوزن و یا یک  
شی کوچکتر از آن را از ما پنهان می دارد آن

خیانت به بیت المال بوده و باید در روز قیامت آن را بدهد. راوی می گوید: یک مرد سیاه چهره از انصار برخاست - تا هنوز چهره اش را به یاد دارم - و گفت: ای رسول خدا، وظیفه را که به من سپردی را پس بگیر. او ص گفت: ترا چی شده است؟ آن مرد گفت: من از شما شنیدم که چنین و چنان می گوئید. او ص گفت: حالا نیز می گویم: هر یکی از شما که در یک پوست با صلاحیت از طرف ما تعیین شدید، باید هر چیز را برگردانید، بزرگ باشد یا کوچک و هر چیزی که از آن جا گرفته اید، و باید از گرفتن چیزی که منع شدید، خود داری نمائید.

رهبران خوب برای قدرت تلاش نمی ورزند، بلکه قدرت برای آن ها داده می شود.

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَمُحَمَّدُ بْنُ الْعَلَاءِ،  
قَالَا حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ، عَنْ بُرَيْدٍ، بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ  
أَبِي بُرْدَةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى،

قَالَ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا  
وَرَجُلَانِ مِنْ بَنِي عَمِّي فَقَالَ أَحَدُ الرَّجُلَيْنِ يَا  
رَسُولَ اللَّهِ أَمَرْنَا عَلَى بَعْضِ مَا وَلَاكَ اللَّهُ عَزَّ  
وَجَلَّ . وَقَالَ الْآخَرُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّا وَاللَّهِ لَا نُؤَلِّي  
عَلَى هَذَا الْعَمَلِ أَحَدًا سَأَلَهُ وَلَا أَحَدًا حَرَصَ عَلَيْهِ "

از ابو موسی روایت است که گفت: من با دو پسر  
عمویم وارد خانه پیامبر صلی الله علیه و سلم  
شدیم. یکی از آن ها گفت: ای رسول خدا! ما را  
حاکمان بعضی سرزمین ها تعیین نما که الله  
سبحانه و تعالی شما را عهده دار آن نموده است.  
دومی آن نیز چنین چیز مشابه گفت. او ص گفت:  
ما کسی را که خواهان موقف باشد تعیین نمی  
نمائیم و نه شخصی را که بر مقام حرص دارد.

حَدَّثَنَا شَيْبَانُ بْنُ فَرُّوخَ، حَدَّثَنَا جَرِيرُ بْنُ حَارِجٍ،  
حَدَّثَنَا الْحَسَنُ، أَنَّ عَائِدَ بْنَ عَمْرٍو، - وَكَانَ مِنْ  
أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - دَخَلَ  
عَلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ فَقَالَ أَيُّ بَنِي إِيَّي سَمِعْتُ  
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

يَقُولُ إِنَّ شَرَّ الرَّعَاءِ الْحُطَمَةُ فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ  
مِنْهُمْ

فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ فَإِنَّمَا أَنْتَ مِنْ نُحَالَةٍ أَصْحَابِ  
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ وَهَلْ كَانَتْ لَهُمْ  
نُحَالَةٌ إِنَّمَا كَانَتْ النُّحَالَةُ بَعْدَهُمْ وَفِي غَيْرِهِمْ

در مسند حسن روایت است که عائد بن امر یکی  
از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم بالای  
عبیدالله بن زیاد صدا زد و به او گفت: ای پسر!  
من شنیدم که رسول الله ص گفت: بدترین ولی  
امور حاکم ظالم است، از آن ها بر حذر باش.  
عبیدالله با گستاخی به وی گفت: بنشین. تویکی  
از اصحاب بی ارزش محمد هستی، عائد گفت: آیا  
در میان آن ها صحابی بی ارزش وجود داشت؟  
بعد از آن ها و در میان مردمان دیگر افراد بی  
ارزش ظاهر شدند.

حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ سَعِيدٍ الْأَيْلِيُّ، حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ،  
حَدَّثَنِي حَرْمَلَةُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، بْنِ شِمَاسَةَ

قَالَ أَتَيْتُ عَائِشَةَ أَسْأَلُهَا عَنْ شَيْءٍ، فَقَالَتْ مِمَّنْ أَنْتَ فَقُلْتُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ . فَقَالَتْ كَيْفَ كَانَ صَاحِبُكُمْ أَنْكُمْ فِي عَزَاتِكُمْ هَذِهِ فَقَالَ مَا نَقَمْنَا مِنْهُ شَيْئًا إِنْ كَانَ لَيَمُوتُ لِلرَّجُلِ مِنَّْا الْبَعِيرُ فَيُعْطِيهِ الْبَعِيرَ وَالْعَبْدُ فَيُعْطِيهِ الْعَبْدَ وَيَحْتَاجُ إِلَى النَّفَقَةِ فَيُعْطِيهِ النَّفَقَةَ فَقَالَتْ أَمَا إِنَّهُ لَا يَمْنَعُنِي الَّذِي فَعَلَ فِي مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ أَخِي أَنْ أَخْبِرَكَ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي بَيْتِي هَذَا

اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْتَقُّ عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَارْفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ بِهِ "

در مسند عبدالرحمن بن شوماسه چنین نقل شده که گفت: من نزد عایشه رض رفتم تا چیزی را از وی بپرسم. او گفت: اهل کجا هستی؟ من گفتم: من از اهل مصر هستم. او گفت: رفتار حاکم شما در مقابل این جنگ شما چگونه بود؟ من گفتم: ما هیچ بدی از وی ندیده ایم. اگر شتر یکی از ما می مُرد، او برایش یک شتر دیگر اعطا می کرد. اگر یکی از ما برده خود را گم می کردیم،

او برایش برده دیگری می داد. اگر کسی ضرورت به نیازمندی های اولیه زنده گی می داشت، او ضروریات وی را تأمین می نمود. او گفت: هان! چنین رفتار که برادرم محمد بن ابوبکر می کند مرا از گفتن چیزی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم، باز نمی دارد. او صلی الله علیه وسلم در خانه من گفت: ای الله سبحانه و تعالی! هر کسی که کنترل امور امت ام را به دوش گرفته و بالای آن ها سخت می گیرد تو نیز با وی سخت محاسبه کن و هر کسی که کنترل امور امت ام را به دوش گرفته و با آن ها نرمی می نماید، تو نیز با وی مهربان باش.

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ ، ثنا يُونُسُ بْنُ حَبِيبٍ ، ثنا أَبُو دَاوُدَ ، ثنا شُعْبَةُ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي بُرْدَةَ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَهُ وَمُعَادًا إِلَى الْيَمَنِ ، فَقَالَ لَهُمَا : " تَطَاوَعَا ، وَيَسِّرَا وَلَا تُعَسِّرَا ، وَيَسِّرَا وَلَا تُنْفِرَا "

حَدَّثَنِي أَبُو رَجَاءٍ قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ ، حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ ، عَنْ قَتَادَةَ ، عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي الْجَعْدِ ، عَنْ ثَوْبَانَ

، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " مَنْ مَاتَ وَهُوَ بَرِيءٌ  
مِنْ ثَلَاثٍ : الْكِبْرِ ، وَالْغُلُولِ وَالَّذِينَ دَخَلَ الْجَنَّةَ ،  
وَفِي الْبَابِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، وَزَيْدِ بْنِ خَالِدِ  
الْجُهَلِيِّ

أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ دَعْلَجُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ دَعْلَجٍ ، ثنا  
جَعْفَرُ الْفَرِّيَّابِيُّ ، ثنا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ  
الْجَبَّارِ الْجُمَيْيِّ ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ حَرْبٍ ، حَدَّثَنِي  
الزُّبَيْدِيُّ ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ عَامِرِ الْخَبَائِرِيِّ ، عَنْ  
فُرَاتِ النَّهْرَانِيِّ ، عَنْ أَبِي عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ ، أَنَّ  
رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَهْلُ  
النَّارِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : " لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ  
كُلُّ شَدِيدٍ قَعْبَرِيٌّ " . فَقَالَ : وَمَا الْقَعْبَرِيُّ يَا رَسُولَ  
اللَّهِ؟ قَالَ : " الشَّدِيدُ عَلَى الْأَهْلِ ، الشَّدِيدُ عَلَى  
الْعَشِيرَةِ ، الشَّدِيدُ عَلَى الصَّاحِبِ " . قَالَ : مَنْ أَهْلُ  
الْجَنَّةِ؟ قَالَ : " سُبْحَانَ اللَّهِ ، لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ ،  
كُلُّ ضَعِيفٍ مُزْهَدٌ "

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْهَاشِمِيُّ ، حَدَّثَنَا سَعِيدُ  
يَعْنِي ابْنَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجَمَحِيِّ ، عَنْ مُوسَى بْنِ  
عُقَيْبَةَ ، عَنْ الْأَوْدِيِّ ، عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ ، أَنَّ رَسُولَ  
اللَّهِ قَالَ : " حُرْمٌ عَلَى النَّارِ كُلُّ هَيْئٍ لَيْسَ سَهْلٍ  
قَرِيبٍ مِنَ النَّاسِ

أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكِسَائِيُّ ، أَنَا عَبْدُ  
الْعَزِيزِ بْنُ أَحْمَدَ الْخَلَّالِ ، حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ  
الْأَصَمُّ . ح : وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّالِحِيُّ  
وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَارِفُ ، قَالَا : أَنَا أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ  
بْنُ الْحَسَنِ الْجَبْرِ ، نَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْأَصَمُّ ، أَنَا  
الرَّبِيعُ ، أَنَا الشَّافِعِيُّ ، أَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ ، عَنِ  
الزُّهْرِيِّ ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ  
، قَالَ : دَخَلَ أَعْرَابِي الْمَسْجِدَ ، فَقَالَ : اللَّهُمَّ  
ارْحَمْنِي وَمَحَمَّدًا ، وَلَا تُرْحَمَ مَعَنَا أَحَدًا ، فَقَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ : " لَقَدْ تَحَجَّرَتْ وَاسِعًا " ، قَالَ : فَمَا  
لَيْتَ أَنْ بَالَ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ ، فَكَانَتْهُمْ عَجَلُوا  
عَلَيْهِ ، فَهَاهُمْ النَّبِيُّ ثُمَّ أَمَرَ بِذُنُوبٍ مِنْ مَاءٍ أَوْ سَجَلٍ  
مِنْ مَاءٍ ، فَأَهْرَبِقَ عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ : " عَلِّمُوا  
وَيَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا "

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَانَ ، نَا أَبُو حَفْصِ عَمْرُو بْنُ  
عَلِيٍّ ، نَا عُمَرُ بْنُ أَبِي خَلِيفَةَ ، حَدَّثَنِي زِيَادُ بْنُ  
مِخْرَاقٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، قَالَ : بَعَثَ رَسُولُ  
اللَّهِ مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ وَأَبَا مُوسَى إِلَى الْيَمَنِ ، فَقَالَ : "   
تَسَانَدًا ، وَتَطَوَّعًا ، وَيَسِّرًا ، وَلَا تُتَّفَرَّأ " ، فَخَطَبَ  
النَّاسَ مُعَاذٌ ، فَحَثَّهُمْ عَلَى الْإِسْلَامِ ، وَأَمَرَهُمْ بِالنَّقْفِ  
وَالْقُرْآنِ ، وَقَالَ : " أَخْبِرْكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ  
النَّارِ ، إِذَا ذُكِرَ الرَّجُلُ بِخَيْرٍ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ ،  
وَإِذَا ذُكِرَ بِشَرٍّ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ "

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا  
أَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ السُّلَمِيِّ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا عَبْدُ  
الرَّزَّاقِ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدِ بْنِ أَبِي  
هِنْدٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ : قَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ : " إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ جَعْظَرِيٍّ جَوَاطِ  
سَخَابٍ بِالْأَسْوَاقِ ، جِيفَةٍ بِاللَّيْلِ ، جِمَارٍ بِالنَّهَارِ ،  
عَالِمٍ بِأَمْرِ الدُّنْيَا ، جَاهِلٍ بِأَمْرِ الْآخِرَةِ "

حَدَّثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، عَنْ مَعْبُدِ بْنِ خَالِدٍ  
، قَالَ : سَمِعْتُ حَارِثَةَ بْنَ وَهْبِ الْخَزَاعِيِّ ، قَالَ :  
سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ : " **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ ؟**  
كُلُّ ضَعِيفٍ مُتَضَعِّفٍ لَوْ أَقْسَمَ عَلَى اللَّهِ لِأَبْرَهُ ، أَلَا  
أُخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ ؟ كُلُّ عُنْثٍ جَوَاطِ مُسْتَكْبِرٍ

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُقْرِي ، ثنا مُوسَى بْنُ  
عَلِيِّ بْنِ رَبَاحٍ ، قَالَ : سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ ، عَنْ عَبْدِ  
اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ عِنْدَ  
ذِكْرِ أَهْلِ النَّارِ : " **كُلُّ جَعْظَرِيٍّ جَوَاطِ مُسْتَكْبِرٍ**  
جَمَاعٍ مَنَاعٍ

( جعظر ) الجعظار  
والجعظارة بكسر الجيم  
والجعظنار كله القصير  
الرجلين الغليظ الجسم فإذا  
كان مع غلظ جسمه أكولاً قوياً  
سمى جَعْظَرِيًّا

وقيل الجعظارُ القليل العقل وهو أيضاً الذي يَنْتَفِخُ بما ليس عنده مع قَصْرِ وأيضاً الذي لا يَأْلُمُ رَأْسَهُ

وقيل هو الأكل السيء الخلق الذي يتسخط عند الطعام والجعظري القصير الرجلين العظيم الجسم مع قوة وشدة أكل

وقال ثعلب الجعظري المتكبر الجافي عن الموعظة وقال مرة هو القصير الغليظ وقال الجوهرى الجعظري الفظ الغليظ الفراء الجظ والجواظ الطويل الجسم الأكل الشروب البطر الكفور قال وهو الجعظار أيضاً والجعظري مثله

وفي الحديث ألا أخبركم بأهل النار ؟ كلُّ **جعظري** جواظ مناع جماع الجعظري الفظ الغليظ المتكبر وقيل هو الذي ينتفخ بما ليس عنده

وفي رواية أخرى هم الذين لا تُصدع رؤوسهم الأزهرى الجعظري الطويل الجسم الأكل الشروب البطر الكافر وهو الجعظارة والجعظار قال وقال أبو عمرو الجعظري

القصير السمين الأشتر الجافي  
rude harsh in his speech, عن الموعدة  
preaching

## ميثاق با الله سبحانه و تعالى

هر پیامبر و رسول ع و به همین شکل امت آن ها  
با الله سبحانه و تعالى عهد و ميثاق دارند. از جمله  
با اهمیت ترین ميثاق؛ اقامه دین و نصرت می  
باشد مخصوصاً نصرت آخرین پیامبر ع.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ  
وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ  
بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ  
إِبْرَئِيلَ قَالَوَا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ  
الشَّاهِدِينَ {81}

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي  
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَىٰ  
الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ  
يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ {13}

این امت مستثنی نیست؛ این امت از طریق پیامبر صلی الله علیه وسلم با الله سبحانه و تعالی میثاق بسته اند و این میثاق تنها با مسلمان شدن یک شخص منعقد می گردد.

الكتاب: جامع البيان في تأويل القرآن

المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ)

حدثني المثنى وأحمد بن حازم قالا حدثنا أبو نعيم قال، حدثنا سفيان، عن حبيب، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، قال: إنما أخذ الله میثاق النبیین على قومهم.

الكتاب: المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز

المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ)

وقال ابن عباس رضي الله عنه: إنما أَخَذَ اللهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ عَلَى قَوْمِهِمْ، فَهُوَ أَخَذَ لِمِيثَاقِ الْجَمِيعِ، وَقَالَ طَاوُسُ:

أَخَذَ اللهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ أَنْ يَصْدُقَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: مَا بَعَثَ اللهُ نَبِيًّا، أَدَمَ فَمِنْ بَعْدِهِ، إِلَّا أَخَذَ عَلَيْهِ الْعَهْدَ فِي مُحَمَّدٍ لِنِّبِّ بَعَثَ وَهُوَ حَيٌّ لِيُؤْمِنَ بِهِ وَلِيَنْصِرَنَّهُ، وَأَمْرَهُ بِأَخْذِهِ عَلَى قَوْمِهِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ، وَقَالَ السَّدِيُّ: وَرَوَى عَنْ طَاوُسٍ أَنَّهُ قَالَ: صَدَرَ الْآيَةَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى النَّبِيِّينَ وَقَوْلُهُ: ثُمَّ جَاءَكُمْ مَخَاطِبَةٌ لِأَهْلِ الْكِتَابِ بِأَخْذِ الْمِيثَاقِ عَلَيْهِمْ.

قال الفقيه الإمام أبو محمد: حكاه الطبري وهو قول يفسده إعراب الآية، وهذه الأقوال كلها ترجع إلى ما قاله علي بن أبي طالب وابن عباس، لأن الأخذ على الأنبياء أخذ على الأمم.

هم چنان از این امت میثاق گرفته شده است.

وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ {7}:5

ميثاق ما با الله سبحانه و تعالى تنها خلاصه به  
ايمان آوردن به پيامبر صلى الله عليه و سلم نمى  
شود، بلکه بايد در رسالت او ص نيز کمک نمائيم.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا {8} لِيُؤْمِنُوا  
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً  
وَأَصِيلًا {9} إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ  
يُدِ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ  
وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا  
عَظِيمًا {10}

الكتاب: جامع البيان في تأويل القرآن

المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن  
غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى:  
310هـ)

حدثنا بشر قال حدثنا يزيد قال، حدثنا سعيد، عن  
قتادة قوله: "وإذ أخذ الله ميثاق النبيين لما أتيتكم  
من كتاب"، الآية: هذا ميثاق أخذه الله على النبيين  
أن يصدق بعضهم بعضًا، وأن يبلغوا كتاب الله  
ورسالاته، فبلغت الأنبياء كتاب الله ورسالاته إلى  
قومهم، وأخذ عليهم - فيما بلغتهم رسلهم - أن

يؤمنوا بمحمد صلى الله عليه وسلم ويصدقوه  
وينصروه.

الكتاب: اللباب في علوم الكتاب

المؤلف: أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن  
عادل الحنبلي الدمشقي النعماني (المتوفى:  
775هـ)

وقال بعض أصحاب القول الأول: المعنى: أن الله  
أخذ ميثاق النبيين أن يأخذوا الميثاق على أمهم  
أن يؤمنوا بمحمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
وينصروه، ويصدقوه - إن أدركوه.

أخرجه الطبري في «تفسيره» (3/ 330) برقم  
(7326) ، وذكره الماوردي في «تفسيره»  
بنحوه (1/ 406) ، والبعوي في «تفسيره» (1/  
322) ، وابن عطية (1/ 464) ، والسيوطي في  
«الدر المنثور» (2/ 84) .

نصرت دادن پیامبر صلى الله عليه و سلم چی  
معنی می دهد؟ نصرت پیامبر صلى الله عليه و

سلم واضحاً حمل این رسالت با ظاهر ساختن این  
دین از طریق قتال می باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ أَنفَأَنْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَ رَضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا  
قَلِيلٌ {38} إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ  
قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ {39} إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ  
الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ الْأَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ إِذْ يَقُولُ  
لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ  
عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ  
كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ {40} انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالاً وَجَاهِدُوا  
بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ  
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ {41}

اگر این میثاق را جدی نگیریم، چی عواقب را در  
پی خواهد داشت؟

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ  
لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ  
وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ  
3: {187}

ذلت در دنیا و آخرت

حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمَهْرِيُّ ، أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهْبٍ ،  
أَخْبَرَنِي حَيُّوَةُ بْنُ شُرَيْحٍ . ح وَحَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ  
مُسَافِرٍ النَّبِّيسِيُّ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْبُرْلُسِيُّ  
، حَدَّثَنَا حَيُّوَةُ بْنُ شُرَيْحٍ ، عَنْ إِسْحَاقَ أَبِي عَبْدِ  
الرَّحْمَنِ ، قَالَ سُلَيْمَانُ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
الْخُرَّاسَانِيِّ ، أَنَّ عَطَاءَ الْخُرَّاسَانِيَّ حَدَّثَهُ ، أَنَّ نَافِعًا  
حَدَّثَهُ ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ  
يَقُولُ : "

إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعَيْتَةِ ، وَأَخَذْتُمْ أَذْنَابَ الْبَقَرِ ، وَرَضِيْتُمْ  
بِالزَّرْعِ ، وَتَرَكْتُمْ الْجِهَادَ ، سَاطَأَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ دُلًّا لَا  
يُنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ قَالَ أَبُو دَاوُدَ :  
الإِخْبَارُ لِجَعْفَرٍ ، وَهَذَا لَفْظُهُ

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ  
وَيَالِ الْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ  
وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ  
وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ  
مُعْرِضُونَ {83} وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ  
دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ  
أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَوْنَ {84} ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ

تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتِوكُم أُسَارَى تَفَادَوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنكُم إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَسَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ {85} أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ {86}:2

فَبِمَا نَفْسِهِمْ مِّيتَاقَهُمُ لَعَنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ {13} وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ {14}:5

به وجود آمدن فتنه های بیش تر

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا

كَذَّبُوا وَفَرِحُوا بِقَتْلِهِ {70} وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً  
فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا  
كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ {71}: 5

شما قرآن را خواهید خواند اما به درستی درک  
نخواهید کرد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا  
فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ  
وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا  
يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا  
الْفَاسِقِينَ {26} الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ  
مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ  
وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ  
{27}

ادامه ندادن این میثاق یعنی کار نکردن به خاطر  
اقامه و اظهار دین؛ قلب را سخت می سازد و در  
نتیجه یک شخص را به گمراهی می کشاند.

## فی سبیل الله سبحانه و تعالی

از این که هدف اصلی پیروی رسالت پیامبر صلی الله علیه و سلم اعزالدین یا مترادف آن فی سبیل الله سبحانه و تعالی و اساساً درک (حصول) هدف آن می باشد، اما این اصطلاح دارای معنی عام یعنی معنی "به خاطر رضایت الله سبحانه و تعالی" می دهد، اما باید واضح گردد. چرا اشتباه و اختلاف موجود باشد؟

وقتی که این اصطلاح در ارتباط با زکات استفاده می گردد، هدف شریعت پرداخت زکات به هشت طبقه معین می باشد. یکی از آن طبقه هشت گانه، "فی سبیل الله سبحانه و تعالی است" و اکثریت فقهای متقدم از این اصطلاح چنین فهم دارند: "کسانی که به خاطر اعلائی کلمة الله سبحانه و تعالی جنگ نمودند". اما الفاظ بعضی احادیث مانند این حدیث باعث ایجاد غلط فهمی و اشتباه می گردد.

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ نَصْرِ ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ ،  
أَخْبَرَنَا ابْنُ جُرَيْجٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنِي يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ  
وَسُهَيْلُ بْنُ أَبِي صَالِحٍ ، أَنَّهُمَا سَمِعَا النُّعْمَانَ بْنَ  
أَبِي عَيَّاشٍ ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُ قَالَ : سَمِعْتُ النَّبِيَّ يَقُولُ : " **مَنْ صَامَ يَوْمًا**  
**فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَعَدَ اللَّهُ، وَجَهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ**  
**خَرِيفًا**

این حدیث چگونه جمع می گردد؟

معنی شرعی "فی سبیل الله سبحانه و تعالی"  
قتال است و درست مانند صلاة و زکاة دارای  
معنی شرعی و لسانی می باشند. اگر کدام قرینه  
وجود نداشته باشد، بدون شک معنی شرعی آن  
گرفته می شود. پس؛ در حدیث بالا صیام قرینه  
یا دلیل واضح بر این است که معنی "فی سبیل  
الله سبحانه و تعالی" از نگاه لسان گرفته شود. اما  
اگر چنین قرینه یا دلیل واضح وجود نداشته  
باشد، بدون شک که معنی شرعی آن ترجیح داده  
می شود.

الكتاب : بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع

المؤلف : أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني  
علاء الدين (المتوفى : 587هـ)

{ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ } عِبَارَةٌ عَنْ جَمِيعِ الْقُرْبِ فَيَدْخُلُ  
فِيهِ كُلُّ مَنْ سَعَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَسَبِيلِ الْخَيْرَاتِ  
إِذَا كَانَ مُحْتَاجًا وَقَالَ أَبُو يُوسُفَ الْمُرَادُ مِنْهُ  
فُقَرَاءُ الْغَزَاةِ ؛ لِأَنَّ سَبِيلَ اللَّهِ إِذَا أُطْلِقَ فِي عُرْفِ  
الشَّرْعِ يُرَادُ بِهِ ذَلِكَ

الكتاب: فقه العبادات على المذهب الحنفي

المؤلف: الحاجة نجاح الحلبي

في سبيل الله : وهم المنقطعون من الغزاة أي  
الذين عجزوا عن اللحوق بجيش الإسلام لفقرهم  
بهلاك النفقة أو الدابة أو غيرهما فتحل لهم الزكاة

الكتاب: نور الإيضاح ونجاة الأرواح في الفقه  
الحنفي

المؤلف: حسن بن عمار بن علي الشرنبلالي  
المصري الحنفي (المتوفى: 1069هـ)

وفي سبيل الله هم الجنود الفقراء المنقطعون  
للجهاد في سبيل الله وإعلاء كلمة الإسلام

الكتاب : الكافي في فقه أهل المدينة المالكي

المؤلف : أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد  
بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى  
: 463هـ)

{وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ}، فهم الغزاة

الكتاب: الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع

المؤلف: شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب  
الشرييني الشافعي (المتوفى: 977هـ)

سبيل الله تعالى وهو غاز ذكر متطوع بالجهاد  
فيعطى ولو غنياً إغانة له على الغزو

الكتاب : البيان والتحصيل والشرح والتوجيه  
والتعليل لمسائل المستخرجة

المؤلف : أبو الوليد محمد بن أحمد بن رشد  
القرطبي (المتوفى : 450هـ)

وفي سبيل الله : الغازي في سبيل الهل

الكتاب : الفقه المنهجي على مذهب الإمام  
الشافعي رحمه الله تعالى

المؤلف : الدكتور مصطفى الخن و الدكتور  
مصطفى البغا وعلي الشرجي

في سبيل الله تعالى: والمراد هنا الرجال الغزاة  
المتطوعون بالجهاد دفاعاً عن الإسلام

الكتاب : المهذب في فقه الإمام الشافعي

المؤلف : إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي  
أبو إسحاق

فصل سهم سبيل الله وسهم في سبيل الله وهم  
الغزاة الذين إذا نشطوا غزوا

الكتاب: دليل الفالحين لطرق رياض الصالحين

المؤلف: محمد علي بن محمد بن علان بن إبراهيم البكري الصديقي الشافعي (المتوفى: 1057هـ)

وقوله في سبيل الله) هو في لسان الشرع عبارة عن جهاد الكفار وإعزاز الدين: أي يقاتل بنفسه ويحمل ويعين بماله في ذلك، وقد يراد منه مطلق طاعة الله سبحانه

الكتاب : تفسير العلامة محمد العثيمين

المؤلف : محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى : 1421هـ)

قوله تعالى: { نقاتل في سبيل الله } ؛ «نقاتل» بالجزم جواباً للأمر «ابعث» ؛ وهذا يدل على عزمهم على القتال إذا بعث إليهم ملكاً؛ وسبق معنى «في سبيل الله»، وأن رسول الله (ص) فسرّها بأحسن تفسير؛ وهو «من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا»

الكتاب : شرح بلوغ المرام

المؤلف : عطية بن محمد سالم (المتوفى :  
1420هـ)

الوقف في سبيل الله

بعض الناس يقول: إذا أطلق سبيل الله انصرف إلى الجهاد، والبعض يقول: كل عمل خير فهو في سبيل الله، ولكن الأول هو الأصح؛ لأنه لو كان معنى (في سبيل الله) أعمال الخير كلها، فلا حاجة إلى أن أقول: فقراء، رقاب، أيتام؛ لأنها كلها في سبيل الله، لكن العرف يعين أن في سبيل الله هو الجهاد.

الكتاب : فتاوى الإسلام سؤال وجواب

بإشراف : الشيخ محمد صالح المنجد

من قتل في سبيل الله فهو شهيد ومعنى ( في سبيل الله ) أنه يقاتل لتكون كلمة الله هي العليا ، هذا هو حد شهيد المعركة كما بينه النبي صلى

الله عليه وسلم

الكتاب : فتاوى معاصرة ( القرضاوي )

المؤلف : د. يوسف القرضاوي

معنى " في سبيل الله " في آية الزكاة.

وهل يدخل فيه الصرف على المساجد وتكفين الموتى ونحوها ؟.

س: ذهب بعض العلماء المعاصرين إلى جواز الصرف من الزكاة على الأعمال الخيرية التي يقوم بها بعض الأفراد أو الجمعيات . مثل بناء المساجد أو المستشفيات أو المدارس أو غير ذلك من أعمال البر مثل تكفين الموتى أو تعليم الأيتام وتدريبهم على مهنة ونحو ذلك.

وحجة هؤلاء العلماء أن هذا كله داخل في عموم معنى " سبيل الله " في الآية الكريمة التي حددت مصارف الزكاة، وهي آية (إنما الصدقات...)، ونقلوا ذلك عن بعض العلماء المتقدمين . ومع أن الرأي المشهور الذي نعرفه من الفقه أن " سبيل الله " معناه الجهاد وغزو الكفار.

الكتاب : لقاء الباب المفتوح

المؤلف : محمد بن صالح بن محمد العثيمين  
(المتوفى : 1421هـ)

Q من هو الشهيد في سبيل الله؟

A الشيخ: أولاً: هل تعرف معنى **في سبيل الله**؟  
السائل: الدفاع عن العرض.

الشيخ: لا، الدفاع عن العرض لا شك أنه شهادة ولكنه ليس شهادة في سبيل الله، بمعنى لو أن إنساناً أراد أهلك مثلاً يفعل بهم الفاحشة فلك أن تدافع حتى تموت إذا قتلت فأنت شهيد، لكنه ليس شهادة في سبيل الله، الشهادة في سبيل الله هو: أن يقتل الإنسان وهو مقاتل لتكون كلمة الله هي العليا، هذا الميزان، إذا قتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو شهيد، لكن هل أشهد على هذا الرجل بعينه أنه شهيد؟ لا يجوز، فلا تغتر بكلام الناس، كل مقتول حتى ولو قتل من أجل القومية والعروبة وما أشبه ذلك قالوا: شهيد؛ هذا ليس بصحيح

الكتاب : أرشيف ملتقى أهل الحديث - 3

تم تحميله : في 7 رمضان 1429 هـ = 7 سبتمبر  
2008 م

هل معنى في سبيل الله الجهاد وأنه يصرف ما  
يحتاجه المجاهد من الزكاة أو أن معنى في سبيل  
الله أوسع من ذلك ويشمل ما يخدم دين الله من  
وسائل الدعوة إلى الله ونصرة دينه

نرجو من الإخوة إثراء الموضوع بالنقاش المفيد  
لأنه موضوع مهم جدا  
وأنا في انتظار الردود

-[أبو المنذر الجعفرى]

معنى في سبيل الله في الزكاة (الصدقة الواجبة)  
هي الجهاد و الغزو على قول عامة أهل العلم

الكتاب : فتح القدير الجامع بين فني الرواية و  
الدراية من علم التفسير

المؤلف : محمد بن علي بن محمد الشوكاني  
(المتوفى : 1250هـ)

ومعنى { فِي سَبِيلِ اللَّهِ } في طاعة الله

الكتاب: اللباب في شرح الكتاب

المؤلف: عبد الغني بن طالب بن حمادة بن إبراهيم الغنيمي الدمشقي الميداني الحنفي (المتوفى: 1298هـ)

(وفي سبيل الله: منقطع الغزاة) قال الإسيباني: هذا قول أبي يوسف، وهو الصحيح، وعند محمد منقطع الحاج (1)، وقيل: طلبية العلم،

الكتاب: شرح زاد المستقنع

المؤلف: محمد بن محمد المختار الشنقيطي

Q إذا مر قوله تعالى: (فِي سَبِيلِ اللَّهِ)، فهل المقصود به الجهاد؟

A : (فِي سَبِيلِ اللَّهِ) إذا أطلق في الكتاب والسنة، فيراد به أحد معنيين: - إما أن يراد به المعنى الخاص، وهو الجهاد في سبيل الله عز وجل، وهذا هو الشائع والأكثر.

- وإما أن يراد به عموم الخير والطاعة والبر

الكتاب : إعانة المسلم في شرح صحيح مسلم

كتاب الصوم

بقلم: سليمان بن محمد الهميمي

1- قوله ( من صام يوماً في سبيل الله )

اختلف العلماء في معنى ( في سبيل الله ) :

ف قيل : المراد الجهاد والغزو .

وهذا اختيار ابن الجوزي .

لأنه يجمع بين مجاهدة العدو وبين الصيام .

وقيل : المراد ( في سبيل الله ) أي في مرضاة الله

.

وقد استظهر الحافظ ابن حجر في فتح الباري بأن

الحديث أعم من هذا كله ، فيشمل الجهاد وغيره

.

وهذا هو الصحيح

احبار ورباني

مَا كَانَ لِيَبْشِرَ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ  
ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَاداً لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ  
كُونُوا رَبَّائِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ  
تَدْرُسُونَ

انبیاء و رسول صل الله علیه و سلم امت خود را امر نمودند که به جای ارتکاب شرک، ربانیون گردند. ربانی چیست؟ احبار و ربانی از جمله کلمات و الفاظ اند که توسط مشرکین عرب زیاد استفاده نمی شد. این کلمات به احتمال زیاد ریشه در لسان اشوری دارند مخصوصاً کلمه ربانی. این کلمات همیشه دارای معانی مبهم اند، اما نظر به سیاق و موضوعات که در این رساله بحث می شود، نظریات جالب در مورد این کلمات وجود دارد.

ربانیون اشخاص اند که در دین و دنیا فقه دارند و می توانند مردم را در امور دنیوی و اخروی رهبری نمایند. مطابق بر نظر طبری، این نظر به حقیقت این کلمه بسیار نزدیک است. پس؛

رحبان اشخاص اند که از ترس، ارتباط خود را از تمام امور دنیا قطع می نمایند و ربانی کسی است که از امور دنیا و سیاست آگاه است.

الكتاب: جامع البيان في تأويل القرآن

المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبري (المتوفى):  
(310هـ)

وأما قوله: "كونوا ربانيين"، فإن أهل التأويل اختلفوا في تأويله.

فقال بعضهم: معناه: كونوا حكماء علماء

حدثني يعقوب بن إبراهيم قال، حدثنا هشيم، عن عوف، عن الحسن في قوله: "كونوا ربانيين"، قال: كونوا فقهاء علماء

عن مجاهد قوله: "ولكن كونوا ربانيين"، قال: فقهاء

عن مجاهد قال: "الربانيون"، الفقهاء العلماء، وهم فوق الأخبار

عن يحيى بن عقيل في قوله: (الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ) [سورة المائدة: 63] ، قال: **الفقهاء العلماء.**

**وقال آخرون: بل هم ولاة الناس وقادتهم**

حدثني يونس بن عبد الأعلى قال: أخبرنا ابن وهب قال، سمعت ابن زيد يقول في قوله: "كونوا ربانيين"، قال: الربانيون: الذين يربُّون الناس، ولاة هذا الأمر، يربُّونهم: يلونهم. وقرأ: (لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ) [سورة المائدة: 63] ، قال: **الربانيون: الولاة، والأخبار العلماء.**

قال: **الربانيون: الولاة، والأخبار العلماء.**

قال أبو جعفر: وأولى الأقوال عندي بالصواب في "الربانيين" أنهم جمع "رباني"، وأن "الرباني" المنسوب إلى "الرَّبَّانِ"، الذي يربُّ الناس، وهو الذي يُصلح أمورهم،

"الربانيون" إذا، هم عمادُ الناس في الفقه والعلم وأمور الدين والدنيا. ولذلك قال مجاهد: "وهم فوق الأخبار"، لأن "الأخبار" هم العلماء، و"الرباني" الجامع إلى العلم والفقه، البصر بالسياسة والتدبير والقيام بأمور الرعية، وما يصلحهم في دنياهم ودينهم

الكتاب: التبيان في تفسير غريب القرآن

المؤلف: أحمد بن محمد بن عماد الدين بن علي،  
أبو العباس، شهاب الدين، ابن الهائم (المتوفى):  
815هـ)

ربانيين هم كاملوا العلم قال محمد بن الحنفية  
حين مات ابن عباس اليوم مات رباني هذه الأمة  
وقال أبو العباس ثعلب إنما قيل للفقهاء الربانيون  
لأنهم يربون العلم أي يقومون به - زه - وقال  
مجاهد الربانيون فوق الأحبار لأن الأحبار  
العلماء والرباني الجامع إلى العلم والفقاه  
البصير بالسياسة والتدبير بأمر الرعية منسوب  
إلى الرب والألف والنون للمبالغة ككحياني  
وشعراني لعظيم اللحية وكثير الشعر وقال أبو  
عبيدة الرباني العالم قال الكلمة عبرانية أو  
سريانية والرباني عند أهل الكتاب العالم المعلم  
وعن الحسن أيضا هم الذين يربون الناس بصغار  
العلم وقيل كباره

الكتاب: تفسير المراغي

المؤلف: أحمد بن مصطفى المراغي (المتوفى):  
1371هـ)

والربانيون :

هم المنسويون إلى الرب بمعنى الخالق المدير  
لأمر الملك ، والأخبار : واحد هم حبر وهو العالم  
، بما استفظوا من كتاب الله أي بما طلب إليهم  
حفظه منه ، وشهداء

أي رقباء على الكتاب وعلى من يريد العبث به

الكتاب: الهداية إلى بلوغ النهاية في علم معاني  
القرآن وتفسيره، وأحكامه، وجمل من فنون  
علومه

المؤلف: أبو محمد مكي بن أبي طالب حمّوش بن  
محمد بن مختار القيسي القيرواني ثم الأندلسي  
القرطبي المالكي (المتوفى: 437هـ)

والأخبار: [العلماء] [الحكماء]، واحد هم حَبْرٌ،  
وقيل: حَبْرٌ. وسموا أخباراً، لأنهم يحبرون  
الشيء، فهو في صدورهم مُحَبَّرٌ.

**والأخبار: العلماء** ". والرَّبَّاني - عند أهل اللغة -  
: رب العلم، أي: صاحبه

الكتاب: الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام  
الشافعي وهو شرح مختصر المزني

المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن  
حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي  
(المتوفى: 450هـ)

{وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ} (المائدة: 44) . وَهُمْ  
الْعُلَمَاءُ سُمُّوا رَبَّانِيَّيْنِ، لِقِيَامِهِمْ بِتَدْبِيرِ النَّاسِ  
بِعِلْمِهِمْ وَقِيلَ: رَبَّيَّةُ الْبَيْتِ، لِأَنَّهَا تُدَبَّرُهُ

الكتاب: معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير  
البعوي

المؤلف: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن  
مسعود البعوي (المتوفى: 510هـ)

وَالْأَحْبَارُ: الْعُلَمَاءُ، وَالرَّبَّانِيُّونَ: الَّذِينَ جَمَعُوا مَعَ  
الْعِلْمِ الْبَصَارَةَ بِسِيَاسَةِ النَّاسِ

الكتاب: الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي

المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر  
بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين  
القرطبي (المتوفى: 671هـ)

وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ". وَقَالَ ابْنُ زَيْدٍ: **الرَّبَّانِيُّونَ**  
الْوَلَاءَةُ، وَالْأَحْبَارُ الْعُلَمَاءُ. وَقَالَ مُجَاهِدٌ: **الرَّبَّانِيُّونَ**  
فَوْقَ الْأَحْبَارِ. قَالَ النَّحَّاسُ: وَهُوَ قَوْلٌ حَسَنٌ، لِأَنَّ  
الْأَحْبَارَ هُمُ الْعُلَمَاءُ. وَالرَّبَّانِيُّ الَّذِي يَجْمَعُ إِلَى  
الْعِلْمِ الْبَصَرَ بِالسِّيَاسَةِ، مَاخُذٌ مِنْ قَوْلِ الْعَرَبِ:  
رَبَّ أَمَرَ النَّاسَ يَرْبُهُ إِذَا أَصْلَحَهُ وَقَامَ بِهِ، فَهُوَ  
رَبٌّ وَرَبَّانِيٌّ عَلَى التَّكْثِيرِ.

الكتاب: اللباب في علوم الكتاب

المؤلف: أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن  
عادل الحنبلي الدمشقي النعماني (المتوفى:  
775هـ)

قال المُبَرِّدُ: الربانيون: أرباب العلم، منسوب إلى  
رَبَّانٍ، والرَبَّان: هو المُعَلِّمُ للخير، وَمَنْ يَؤَسُّسُ  
لِلنَّاسِ وَيَعْرِفُهُمْ أَمَرَ دِينَهُمْ

وقيل: الربانيون فوق الأحرار، **والأحرارُ:**  
**العلماء، والربانيون: الذين جمعوا مع العلم**

**البصارة لسياسة الناس**، ولما مات ابنُ عبَّاسٍ قال محمدُ بنُ الحنفيةَ: اليوم مات ربَّائي هذه الأمة.

وقال ابنُ زيِّدِ: الربانيُّ: هو الذي يربُّ النَّاسَ، والربانيون هم: ولاةُ الأمة والعلماء، وذكروا هذا - أيضاً - في قوله تعالى: {لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرِّبَانِيُّونَ والأخبارُ} [المائدة: 63] أي: الولاة والعلماء، وهما الفريقان اللذان يطاعان.

**الكتاب: المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج**

**المؤلف:** أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ)

**وَالأخبارُ العُلَماءُ** واحدُهم حبرٌ بفتح الحاء وكسرها الغتان أي كعب العلماء كذا قاله بن قُتَيْبَةَ وَعَيْرُهُ وَقَالَ أَبُو عُبَيْدٍ سُمِّيَ كَعْبُ الأَخْبَارِ لكَوْنِهِ **صَاحِبَ كُتُبِ الأَخْبَارِ** جَمْعُ حَبْرٍ وَهُوَ مَا يُكْتَبُ بِهِ وَهُوَ مَكْسُورُ الحاءِ وَكَانَ كَعْبٌ مِنْ عُلَمَاءِ أَهْلِ الكُتَّابِ

المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل  
العسقلاني (852هـ،

الكتاب: فتح الباري شرح صحيح البخاري

الربانيون أي العلماء قيل سماوا بذلك لعلمهم  
بالرب سُبحَانَهُ وَتَعَالَى وَقِيلَ الرَّبَّانِيُّ الَّذِي يُرَبِّي  
النَّاسَ بِصِعَارِ الْعِلْمِ قَبْلَ كِبَارِهِ أَيْ بِالتَّدْرِيجِ وَقِيلَ  
غَيْرَ ذَلِكَ وَمِنْهُ قَوْلُهُ رَبِّيونَ وَاحِدَةٌ رَبِّي قَوْلُهُ  
يُرَبِّيهَا كَمَا يَرَبِي هُوَ مِنَ التَّرْبِيَةِ وَهِيَ الْقِيَامُ عَلَى  
الشَّيْءِ وَإِصْلَاحُهُ

الكتاب: عمدة القاري شرح صحيح البخاري

المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن  
أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين العيني  
(المتوفى: 855هـ)

{والربانيون} العلماء الحكماء وهو جمع  
رباني، وأصله: رب العلم، والألف والنون فيه  
للمبالغة، وقال مجاهد: هم فرق الأخبار،  
والأخبار العلماء لأنهم يحبرون الشيء وهو في  
صُدُورِهِمْ مَحْبَرٌ. قَوْلُهُ: {بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ  
اللَّهِ} اسْتَوْدَعُوا هَذَا

وَعِنْدَ الطَّيْرِ عَنِ ابْنِ زَيْدٍ: الرِّبِيونُ الْأَتْبَاعُ،  
وَالرِّبَانِيونُ الْأَوْلَادُ، وَالرِّبِيونُ الرَّعِيَّةُ

## ابتلا

هدف، مقصد و کاربرد زنده گی چیست؟ چرا این سوال مهم است؟ چرا باید در این جا بحث گردد و چرا در آغاز این رساله نیامده است؟ جواب سوال سوم به شکل ذیل است. هدف این رساله جمع آوری موضوعات و اساساً احادیث در مورد حاکمیت بود، به همین دلیل این رساله به من حیث مرجع کتاب سیاسی اختصاص داده شده بود. دلیل دوم این است که این موضوع (ابتلا) در رابطه با آخرین موضوع "فتنه های زمان ما" بی نهایت مهم و حیاتی می باشد. اگر این موضوع "هدف زنده گی در روی زمین" را در آغاز رساله بحث می نمودیم، بدون شک نظم و ساختار این رساله کاملاً متفاوت می بود.

منظور ما از هدف، مقصد و کاربرد زنده گی چیست؟

اگر این سوال را از مسلمانان متدین بپرسید که هدف زنده گی چیست، اکثریت آن ها می گویند که هدف زنده گی عبادت است. هم چنان این پاسخ را می توانید در بسیاری کتاب ها دریابید. دلیل که آن ها این پاسخ را می دهند آیه ذیل می باشد.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

الكتاب: شرح العقيدة الطحاوية

المؤلف: عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن إبراهيم بن فهد بن حمد بن جبرين (المتوفى):  
1430هـ)

غاية خلق الخلق وإيجادهم

قال المؤلف رحمه الله تعالى: [قوله: (وأمرهم بطاعته ونهاهم عن معصيته) ذكر الشيخ رحمه

الله الأمر والنهي بعد ذكره الخلق والقدر، إشارة  
إلى أن الله تعالى خلق الخلق لعبادته،

الكتاب : تكملة فتاوى الموقع للشيخ محمد بن  
صالح بن عثيمين

وطلب منه الالتزام بالعبودية التي لا ينفك عنها ،  
وجعل ذلك غاية الخلق حين قال : ( وَمَا خَلَقْتُ  
الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ )

الكتاب : الإعجاز اللغوي والبياني في القرآن  
الكريم

جمع وإعداد : علي بن نايف الشحود

الباحث في القرآن والسنة

أي غاية الخلق .. والله يقول {وما خلقت الجن  
والإنس إلا ليعبدون} فلما كانت غاية الخلق هي  
العبادة

اما تعداد ديگر می گویند که هدف زنده گی شکر  
است و با این آیت استدلال می نمایند.

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ  
سَمِيعًا بَصِيرًا {2} إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا  
كَفُورًا {3}

الكتاب : موسوعة الرد على المذاهب الفكرية  
المعاصرة 1-29

جمع وإعداد : علي بن نايف الشحود

الشكر هو الغاية من الخلق (( والله أخرجكم من  
بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئاً وجعل لكم السمع  
والأبصار والأفئدة لعلكم تشكرون)). فهذه غاية  
الخلق

و هم چنان تعدادِ دیگر می گویند حکمت زنده  
گی در زمین عمارت دنیا است.

الكتاب : الجامع لأحكام القرآن

المؤلف : أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر  
بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين  
القرطبي (المتوفى : 671 هـ)

## وقيل : إن الحكمة في إخراج آدم من الجنة عمارة الدنيا.

در واقع این چنین جوابات دارای یک مشکل اساسی اند. آن ها اصلاً معنی و مفهوم "هدف، مقصد، کاربرد" را نمی دانند. این مشکل پیدا می شود زیرا اصطلاح عربی "غایه" هر سه معنی "هدف، مقصد، کاربرد" را در خود جمع می کند. گاهی اوقات برای یک عرب گیج کننده است اگر از او پرسیده شود که غایه دنیا یا غایه مرگ و حیات چیست. به همین شکل بعضی لسان های وجود دارد که برای اشاره به کلمات "آبی و سبز" تنها یک کلمه را بکار می برند. به همین دلیل وقتی که برایش گفته می شود که این سبز و این آبی است، گیج می گردد. پس نیاز است تا این سه کلمه متفاوت را واضح سازیم. اگر از یک شخص عادی در سرک بپرسید که هدف یا مقصد زنده گی چیست، اساساً کارها یا چیزهای را

خواهند گفت که در زنده گی تعیین نموده و می خواهند که به آن برسند و غایه اصلاً در چنین موارد استفاده می شود. اما این چیزی نیست که می خواهیم بدانیم. وقتی که می پرسیم کاربرد زنده گی چیست، هدف و مقصد ما این است که زنده گی برای چی ساخته شده است. بیائید بدانیم که کاربرد "هدف یا مقصد" قلم چیست. اساساً قلم به هدف نوشتن ساخته شده و مهم نیست که دیگران یا هر کسی که باشد فکر نماید که هدف قلم چیزی دیگری است. قلم به شکل ساخته شده که هدف نوشتن از آن بدست آید. قلم به شکل ساخته شده که هدف نوشتن از آن بدست آید. شما می توانید هدف قلم را از شکل که طراحی یا دیزاین شده و این که چی کاری را می تواند انجام دهد و کدام کار را نمی تواند انجام دهد، بدانید. شما می توانید با مقایسه کردن قلم با وسایل دیگر مانند چاقو و پیچ کش، هدف آن را درک کنید. باور و اعتقاد یک شخص

در واقع هدف هیچ شی را تغییر داده نمی تواند. مشکل دومی این است، وقتی که ما با مشخص ساختن بعضی چیزها می گوئیم که هدف خالق همین است، پس اگر توسط شی ساخته شده نتوان به همان هدف رسید، در واقع نشانه حماقت و نادانی طراح یا خالق همان شی را نشان می دهد. اگر قلم به شکل ساخته می شد که سبب خون ریزی می گردید، پس این کار حماقت طراح قلم را نشان می دهد. پس؛ اگر این اشتباه توسط انسان بالای اشیا صورت می گیرد، مشکل نداشت، اما اگر در مورد طراح کامل یعنی "الله سبحانه و تعالی" چنین قیاس می شود، در حقیقت کفر خواهد بود. این یکی از استدلال های اصلی خدا نا باوران در مسئله قبول و رد خالق می باشد. آن ها می گویند که زنده گی چنان کثیف است که امکان ندارد توسط خالق کامل و بی عیب ساخته شود. بدون شک که زنده گی "دنیا" برای انسان ها بی نهایت کثیف است.

ادعای این که هدف خلقت انسان و جن عبادت است، بعضی مشکلات را به وجود می آورد. اول تر از همه؛ اگر عبادت هدف باشد که خالق بی عیب تعیین نموده که در تعیین هدف اش اشتباه نمی کند، پس باید انسان و جن را مانند فرشته ها یا ملائیک خلق می کرد و بدون شکست به هدف اش می رسید. اگر هدف خلقت انسان و جن عبادت باشد، پس چرا در جنت عبادت نیست و چرا فعلاً بسیار انسان های وجود دارد که الله سبحانه و تعالی را عبادت نمی کنند و در طول تاریخ نیز چنین انسان ها وجود داشت و حداقل به ساده گی می توانستیم بدانیم. لهذا؛ گفته می توانیم که این آیت در مورد هدف زنده گی بحث نمی کند یا از دید لحاظ تخنیکی، مراد از عبادت؛ ارادة الكونیه نیست بلکه اراد الدینییه می باشد

و نه این آیت در مورد هدف خلقت بحث می نماید، اما باید بدانیم که الله سبحانه و تعالی

توسط عبادت راضی می گردد. عبادت الله سبحانه و تعالی به طریقه درست باید مقصد یک مسلمان و مومن باشد. شکر باید هدف و مقصد عبادت باشد و این موارد اراده الدینیہ می باشد اما نمی تواند که هدف خلقت یا اراده الکوئیہ الله سبحانه و تعالی قرار گیرد. ساده ترین طریقه برای فهم این موضوع سوال کردن از خود می باشد. آیا جنت مخلوق الله سبحانه و تعالی نیست؟ اگر هدف خلقت عبادت باشد، پس چرا در جنت عبادت نیست؟

جواب درست این است که زنده گی و مرگ به شکل خلق شده که در آن می توان به هدف ابتلا، امتحان یا اختبار "امتحان الهی" رسید. اراده الکوئیہ الله سبحانه و تعالی همیشه بدون شکست و نقص تحقق می یابد. هر چیزی که برای فراهم سازی حیات در روی زمین قبل از آخرت خلق شده، به همین هدف است. به همین دلیل زنده

گی روی زمین را دار ابتلا می نامند. عدم درک هدف اصلی زنده گی و مرگ باعث مشکلات بزرگ عقیدوی می گردد وقتی که مسلمانان با فتنه ها و چالش های زنده گی رو برو شوند. هم چنان باعث انحرافات بزرگ می گردد وقتی که سیاسیون پالیسی های خود را طرح و تنظیم نمایند.

### الكتاب: الفرقان بين أولياء الرحمن وأولياء الشيطان

المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: 728هـ)

وسنذكر الفرق بين الإرادة الكونية والدينية والأمر الكوني والديني وكانت هذه المسألة قد اشتبهت على طائفة من الصوفية، فبينها الجنيد رحمه الله لهم، فمن اتبع الجنيد فيها كان على السداد، ومن خالفه ضل، لأنهم تكلموا بأن الأمور كلها بمشيئة الله وقدرته وفي شهود هذا التوحيد، وهذا يسمونه الجمع الأول فبين لهم الجنيد أنه لا

بد من شهود الفرق الثاني، وهو أنه مع شهود كون الأشياء كلها مشتركة في مشيئة الله وقدرته وخلقها، يجب الفرق بين ما يأمر به ويحبه ويرضاه، وبين ما ينهى عنه ويكره ويسخطه

### الإرادة الكونية

وقد ذكر الله في كتابه: الفرق بين الإرادة والأمر والقضاء والإذن والتحرير والبعث والإرسال والكلام والجعل، وبين الكوني الذي خلقه وقدره وقضاه، وإن كان لم يأمر به ولا يحبه ولا يثيب أصحابه، ولا يجعلهم من أوليائه المتقين، وبين الديني الذي أمر به وشرعه وأثاب فاعليه وأكرمهم، وجعلهم من أوليائه المتقين، وحزبه المفلحين وجنده الغالبين، وهذا من أعظم الفروق التي يفرق بها بين أولياء الله وأعدائه، فمن استعمله الرب سبحانه وتعالى فيما يحبه ويرضاه، ومات على ذلك، كان من أوليائه، ومن كان عمله فيما يبغضه الرب ويكرهه، ومات على ذلك كان من أعدائه.

الكتاب : جامع المسائل لابن تيمية - عزيز شمس

وقد بسطنا في غير هذا الموضع الكلام في الفرق بين الإرادة الكونية والدينية، كقوله (يُرِيدُ اللهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ) (9) ، وقوله: (فَمَنْ يُرِدِ اللهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا) (10) ، وبين الأمر الكوني والديني، والإذن الكوني والديني، والبعث الكوني والديني، والإرسال الكوني والديني، وكذلك القضاء والحكم والكتاب والتحريم وغير ذلك مما يفرق به بين الحقائق الدينية الإيمانية القرآنية النبوية الشرعية الإلهية الفارقة بين أولياء الله وأعدائه، والحقائق الكونية الوجودية الخلقية القدرية الملكية.

الكتاب: شرح العقيدة الطحاوية

المؤلف: صدر الدين محمد بن علاء الدين علي بن محمد ابن أبي العز الحنفي، الأذري الصالحي الدمشقي (المتوفى: 792هـ)

.....وَأَمَّا الْإِرَادَةُ الْكُونِيَّةُ وَالِدِّيَّةُ.....

فَهَذِهِ الْإِرَادَةُ هِيَ الْمَذْكُورَةُ فِي مِثْلِ قَوْلِ النَّاسِ لِمَنْ يَفْعَلُ الْقَبَائِحَ: هَذَا يَفْعَلُ مَا لَا يُرِيدُهُ اللهُ، أَيْ: لَا يُحِبُّهُ وَلَا يَرْضَاهُ وَلَا يَأْمُرُ بِهِ.

وَأَمَّا الْإِرَادَةُ الْكُونِيَّةُ فَهِيَ الْإِرَادَةُ الْمَذْكُورَةُ فِي  
قَوْلِ الْمُسْلِمِينَ: مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ

الكتاب: ولاية الله والطريق إليها

المؤلف: محمد بن علي بن محمد بن عبد الله  
الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)

وكما وَقَعَ الْإِشْتِيَاهُ بَيْنَ هَذَيْنِ الْقَسْمَيْنِ، وَقَعَ  
الْإِشْتِيَاهُ أَيْضًا بَيْنَ شَيْئَيْنِ آخَرِينَ، وَإِنْ كَانَا  
خَارِجِينَ عَمَّا نَحْنُ بَصَدَدِهِ وَهُوَ الْفَرْقُ بَيْنَ الْإِرَادَةِ  
الْكُونِيَّةِ، وَالْإِرَادَةِ الدِّيْنِيَّةِ، وَبَيْنَ الْأَمْرِ الْكُونِيِّ،  
وَالْأَمْرِ الدِّيْنِيِّ، وَبَيْنَ الْإِذْنِ الْكُونِيِّ وَالْإِذْنَ  
الدِّيْنِيِّ، وَبَيْنَ الْقَضَاءِ الْكُونِيِّ وَالْقَضَاءِ الدِّيْنِيِّ،  
وَالْبَعْثِ الْكُونِيِّ، وَالْبَعْثِ الدِّيْنِيِّ، وَالْإِرْسَالِ  
الْكُونِيِّ، وَالْإِرْسَالِ الدِّيْنِيِّ، وَالْجَعْلَ الْكُونِيِّ،  
وَالْجَعْلَ الدِّيْنِيِّ، وَالْتَّحْرِيمَ الْكُونِيِّ، وَالْتَّحْرِيمَ  
الدِّيْنِيِّ، وَبَيْنَ الْحَقِيقَةِ الْكُونِيَّةِ، وَالْحَقِيقَةِ الدِّيْنِيَّةِ.

وأما الإرادة فقد بين الله - تعالى - أنها نوعان:

أحدهما: الإرادة الكونية القدرية، وهي مرادفة  
للمشيئة، وهذه الإرادة تستلزم وقوع المراد ولا

بد، ولا يلزم أن يكون مرادها محبوباً لله مرضياً له.

بل قد يكون مكروهاً مسخوطاً له، ككفر الكافرين، ومعاصي العاصين، ووجود المفسدين.

وقد يكون مرادها محبوباً مرضياً لله تعالى، كوجود إيمان المؤمنين، وطاعات الطائعين، ووجود رسل الله وعباده المخلصين، والصديقين والشهداء والصالحين.

وقد أشار البخاري - رحمه الله - إلى نوعي الإرادة بالمثال، فأشار إلى الإرادة الكونية بقوله تعالى: {تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ} ، وقوله: {وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ} ، وقوله: {وَلَا تَقُولَنَّ لِيْشَاءِ إِنْهِي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا} {23} إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ} ، وقوله: {إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ} ؛ لأن الإرادة الكونية هي المشيئة العامة التي لا يخرج عنها شيء.

الكتاب: مفاتيح الغيب = التفسير الكبير

المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن  
بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين  
الرازي خطيب الري (المتوفى: 606هـ)

ثُمَّ بَيَّنَّ بَعْدَ ذَلِكَ أَنِّي مَا خَلَقْتُهُ ضَائِعًا عَاطِلًا بِأَطْلًا،  
بَلْ خَلَقْتُهُ لِأَجْلِ الْإِبْتِلَاءِ وَالْإِمْتِحَانِ

الكتاب: شفاء العليل في مسائل القضاء والقدر  
والحكمة والتعليل

المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد  
شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى:  
751هـ)

وهو أنه سبحانه أخبر أنه خلق السماوات  
والأرض العالم العلوي والسفلي لئبلونا أينا أحسن  
عملا وأخبر أنه زين الأرض بما عليها من  
حيوان ونبات ومعادن وغيرها لهذا الابتلاء وأنه  
خلق الموت والحياة لهذا الابتلاء **فكان هذا**  
**الابتلاء غاية الخلق** والأمر فلم يكن من بد من  
دار يقع فيها هذا الابتلاء وهي دار التكليف

.....فَإِنْ سَأَلَ سَائِلٌ وَقَالَ قَلِمَ خَلَقَ كَذَلِكَ وَهَلَا خَلَقَ خَلْقَةً غَيْرَ قَابِلَةٍ لِلْأَلَمِ فَهَذَا سُؤَالٌ فَاسِدٌ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَهُ فِي عَالَمِ الْإِبْتِلَاءِ وَالْإِمْتِحَانِ مِنْ مَادَّةٍ ضَعِيفَةٍ فَهِيَ عَرْضَةٌ لِلْآفَاتِ وَرَكِيبَةٌ تَرْكِيبًا مَعْرُضًا لِلْأَنْوَاعِ مِنَ الْإِلَامِ

.....وَالْإِلَامُ لَا تَتَخَلَفُ عَنْ هَذَا الْإِمْتِحَانِ ابْدَا الْإِلَامِ فِي دَارِ الْبَقَاءِ وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ لَا فِي دَارِ الْإِبْتِلَاءِ وَالْإِمْتِحَانِ فَمَنْ ظَنَّ أَنَّ الْحِكْمَةَ فِي أَنْ تَجْعَلَ خَصَائِصَ تِلْكَ الدَّارِ فِي هَذِهِ فَقَدْ ظَنَّ بِاطِلًا بَلِ الْحِكْمَةُ النَّامَةُ الْبَالِغَةُ أَقْتَضَتْ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ الدَّارُ مَمْرُوجَةً عَافِيَتِهَا بِبِلَائِهَا وَرَاحَتِهَا بِعِنَائِهَا وَلِذَلِكَ بِأَلَمِهَا وَصَحَّتِهَا بِسَقْمِهَا وَفَرَحَهَا بِغَمِّهَا فَهِيَ دَارُ ابْتِلَاءٍ تَدْفَعُ بَعْضَ آفَاتِهَا بِبَعْضِ

**الكتاب: أثر الإيمان في تحصين الأمة الإسلامية  
ضد الأفكار الهدامة**

**المؤلف: عبد الله بن عبد الرحمن الجربوع**

وَأَنْ وَرَاءَ هَذِهِ الْحَيَاةِ -حَيَاةِ الْإِبْتِلَاءِ وَالْفَنَاءِ- حَيَاةٌ أُخْرَى، هِيَ الْغَايَةُ وَإِلَيْهَا الْمُنْتَهَى يُجْزَى فِيهَا الْمَحْسَنُ بِإِحْسَانِهِ وَالْمُسِيءُ بِإِسَاءَتِهِ، حَتَّى لَا

يستوي الخبيث والطيب، والبر والفاجر، وهذا ما تقتضيه الحكمة.

ويقول الله تعالى: { وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا....

### الكتاب: الفصل في الملل والأهواء والنحل

المؤلف: أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: 456هـ)

وَهِيَ دَارٌ وَاحِدَةٌ لِأَنَّهُمْ كُلُّهُمْ فِيهَا مُسْلِمُونَ وَهِيَ دَارٌ طَوِيلَةٌ عَلَى آخِرِ النَّفُوسِ جِدًّا إِلَّا عَلَى أُولِ الْمَخْلُوقِينَ فَهِيَ قَصِيرَةٌ عَلَيْهِمْ جِدًّا وَثَانِيهَا وَهِيَ دَارُ الْإِبْتِلَاءِ

اتَّفَقَ جَمِيعُ أَهْلِ الْقَبْلَةِ عَلَى تَنَابُذِ فِرْقِهِمْ عَلَى الْقَوْلِ بِالْبُعْثِ فِي الْقِيَمَةِ وَعَلَى تَكْفِيرِ مَنْ أَنْكَرَ ذَلِكَ وَمَعْنَى هَذَا الْقَوْلِ أَنَّ لِمَكْتِ النَّاسِ فِي دَارِ الْإِبْتِلَاءِ الَّتِي هِيَ الدُّنْيَا أَمْدًا يُعَلِّمُهُ اللهُ تَعَالَى فَإِذَا أَنْتَهَى ذَلِكَ الْأَمْدُ مَاتَ كُلٌّ مِنْ فِي الْأَرْضِ

**الكتاب:** تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق  
وحاشية الشلبي

**المؤلف:** عثمان بن علي بن محجن البارعي،  
فخر الدين الزيلعي الحنفي (المتوفى: 743 هـ)

لَأَنَّ الْأَصْلَ فِي الْجَزَاءِ أَنْ يَكُونَ فِي الْأَخْرَةِ لِأَنَّ  
الدُّنْيَا لِأَنَّهَا دَارُ الْإِبْتِلَاءِ وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ

**الكتاب:** فتوح الغيب في الكشف عن قناع الريب  
(حاشية الطيبي على الكشاف)

**المؤلف:** شرف الدين الحسين بن عبد الله  
الطيبي (المتوفى: 743 هـ)

(وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا  
بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ) والحق: هو العدل  
والإنصاف، وهما إنما يستتبان بوجود جزاء  
المحسن والمسيء، وإن الدنيا ليست بدار جزاء،  
بل هي دار الابتلاء والتكليف، فلا بد من يوم الدين  
ليصل إلى كل ذي حق حقه

**الكتاب:** الباب في علوم الكتاب

المؤلف: أبو حفص سراج الدين عمر بن علي  
بن عادل الحنبلي الدمشقي النعماني (المتوفى):  
(775هـ)

الأول: أن المراد منه يفعل ذلك فعل المسلمين أي  
كما يقول المبتلى المُخْتَبَر.

الثاني: أن الله تعالى يَبْلُو ليظهر الأمر لغيره، إما  
للملائكة، أو للناس والتحقيق هو أن الابتلاء  
والاختبار فعل يظهر بسببه أمر ظاهر.

فإن قيل: فائدة الابتلاء حصول العلم عند المبتلي،  
فإذا كان الله عالماً فأَيُّ فائدة فيه؟

فالجواب: أن هذا السؤال كقول القائل لم عاقب  
الكافر وهو مُسْتَعْنٍ؟ ولم خلق النار مُحْرِقَةً وهو  
قادر على أن يخلقها بحيث تنفع ولا تضر؟  
وجوابه: لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ (وَهُمْ يُسْأَلُونَ)؟

الكتاب: مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر

المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن سليمان  
المدعو بشيخي زاده, يعرف بداماد أفندي  
(المتوفى: 1078هـ)

وَجَزَاءٌ مُجَرَّدِ الْكُفْرِ لَا يُقَامُ فِي الدُّنْيَا لِأَنَّهَا دَارُ  
الْإِبْتِلَاءِ

الكتاب: شرح العقيدة الطحاوية

المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن براك بن  
إبراهيم البراك

إعداد: عبد الرحمن بن صالح السديس

الناشر: دار التدمرية

الطبعة: الثانية، 1429 هـ - 2008 م

لأن الدور ثلاثة:

دار الدنيا، وهي: دار الابتلاء والعمل.

الكتاب: الموسوعة الميسرة في الأديان  
والمذاهب والأحزاب المعاصرة

المؤلف: الندوة العالمية للشباب الإسلامي

إشراف وتخطيط ومراجعة: د. مانع بن حماد  
الجهني

الناشر: دار الندوة العالمية للطباعة والنشر  
والتوزيع

الطبعة: الرابعة، 1420 هـ

الكارما: قانون الجزاء أي أن نظام الكون إلهي قائم على العدل المحض، هذا العدل الذي سيقع لا محالة إما في الحياة الحاضرة أو في الحياة القادمة، وجزاء حياة يكون في حياة أخرى، والأرض هي دار الابتلاء كما أنها دار الجزاء والثواب.

الكتاب: أرشيف ملتقى أهل التفسير

تم تحميله في: المحرم 1432 هـ = ديسمبر  
2010 م

وذلك مما لا يجوز في دار الدنيا التي هي دار  
الابتلاء

الكتاب: الموسوعة الميسرة في الأديان  
والمذاهب والأحزاب المعاصرة

المؤلف: الندوة العالمية للشباب الإسلامي

وجزاء حياة يكون في حياة أخرى، والأرض هي  
دار الابتلاء كما أنها دار الجزاء والثواب.

الكتاب : دروس للشيخ علي بن عمر بادحدح

المؤلف : علي بن عمر بن أحمد بادحدح

{الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ  
عَمَلًا} [الملك:2]، فالغاية من الحياة هي  
الابتلاء والامتحان والتمحيص؛ ليظهر الأعظم  
والأجل في عبادة ربه، وإحسان عمله، وإخلاصه  
لمولاه سبحانه وتعالى، رجلاً كان ذلك أو امرأة

الكتاب: أرشيف منتدى الألوكمة - 2

تم تحميله في: المحرم 1432 هـ = ديسمبر  
2010 م

لهذا فانه لا يرسل بأية كونية كبرى، كأن يكشف  
ستار السماوات للبشر جميعا ليروا نوره سبحانه،  
أو أن ينزل لهم ملائكة - والملائكة خلق عظيم  
مهيب قد وصفه النبي عليه السلام فيما ترك لنا  
من نصوص الوحي - أو نحو ذلك حتى يظل  
الانظار والامهال والابتلاء قائما الى يوم  
الحساب - وهو **غاية خلق** الحياة الدنيا أصلا

وما خلقت الجن والإنس إلا ليعبدون؟ اعلم  
يرحمك الله أن **غاية خلق** الخالق للخلق هي  
عبادته سبحانه وتعال

معنى ابتلا چیست؟

الكتاب: بحر العلوم

المؤلف: أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن  
إبراهيم السمرقندي (المتوفى: 373هـ)

ما أصابكم فمن الله. ويقال: هذا الذي يصيبكم هو مكتوب عند الله، ويقال: خيركم وشركم ورخاؤكم وشدتكم من عند الله عليكم بفعالكم. ويقال: عقوبتكم عند الله بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ، أي: تبتلون بذنوبكم ويقال:

تختبرون بالخير والشر، وأصل الفتنة: هي الاختبار. ويقال: فتنت الذهب بالنار، لتنظر إلى جودته

الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري]-

المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي

بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ} [البقرة: 49] مَا ابْتُلِيْتُمْ بِهِ مِنْ شِدَّةٍ، وَفِي مَوْضِعِ: البَلَاءُ الْإِبْتِلَاءُ وَالتَّمْحِصُ، مِنْ بَلَوْتُهُ وَمَحَصْتُهُ، أَي اسْتَحْرَجْتُ مَا عِنْدَهُ، **يَبْلُو: يَخْتَبِرُ.** {مُبْتَلِيكُمْ} [البقرة: 249]:

مُخْتَبِرُكُمْ ٩

المؤلف: صهيب عبد الجبار

الابتلاء: الاختبار والامتحان بالخير أو الشر

الكتاب: مفاتيح الغيب = التفسير الكبير

المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين النيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (المتوفى: 606هـ)

أَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ فَقَدْ ذَكَرُوا فِي الْفِتْنَةِ قَوْلَيْنِ أَحَدُهُمَا: هِيَ الْكُفْرُ وَهَذَا الْقَوْلُ عَلَيْهِ أَكْثَرُ الْمُفَسِّرِينَ، وَهُوَ عِنْدِي ضَعِيفٌ، لِأَنَّ عَلَى قَوْلِ الرَّجَاحِ قَدْ تَقَدَّمَ ذِكْرُ ذَلِكَ، فَإِنَّهُ تَعَالَى قَالَ: وَكُفْرٌ بِهِ ... أَكْبَرُ فَحَمَلُ الْفِتْنَةِ عَلَى الْكُفْرِ يَكُونُ تَكَرُّرًا، بَلْ هَذَا التَّأْوِيلُ يَسْتَقِيمُ عَلَى قَوْلِ الْفَرَّاءِ.

وَالْقَوْلُ الثَّانِي: أَنَّ الْفِتْنَةَ هِيَ مَا كَانُوا يَفْتِنُونَ الْمُسْلِمِينَ عَنْ دِينِهِمْ، تَارَةً بِالْإِقَاءِ الشُّبُهَاتِ فِي قُلُوبِهِمْ، وَتَارَةً بِالتَّعْدِيبِ، كَفِعْلِهِمْ بِبِلَالٍ وَصَهْبِ وَعَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَهَذَا قَوْلُ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ وَقَدْ ذَكَرْنَا أَنَّ الْفِتْنَةَ عِبَارَةٌ عَنِ الْإِمْتِحَانِ، يُقَالُ فَتَنْتَ

الدَّهَبَ بِالنَّارِ إِذَا أَدْخَلْتُهُ فِيهَا لِنَزِيلِ الْغَيْشِ عَنْهُ،  
وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ

[التَّعَابِينِ: 15] أَي امْتِحَانٌ لَكُمْ لِأَنَّهُ إِذَا لَزِمَهُ إِتْفَاقُ  
الْمَالِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَفَكَّرَ فِي وِلْدِهِ، فَصَارَ ذَلِكَ  
مَانِعًا لَهُ عَنِ الْإِنْفَاقِ، وَقَالَ تَعَالَى: أَلَمْ أَحْسِبْ/  
النَّاسَ أَنْ يَشْكُرُوا أَنْ يُقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ  
[العنكبوت: 1، 2] أَي لَا يُمْتَحَنُونَ فِي دِينِهِمْ  
بِأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، وَقَالَ: وَقَفَّتْكَ فُتُونًا [طه: 40]  
وَأِنَّمَا هُوَ الْإِمْتِحَانُ بِالْبُلُوَى، وَقَالَ:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ  
جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ [العنكبوت: 10]  
وَالْمُرَادُ بِهِ الْمِحْنَةُ الَّتِي تُصِيبُهُ مِنْ جِهَةِ الدِّينِ مِنْ  
الْكُفَّارِ وَقَالَ: إِنَّ الَّذِينَ فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا [البُرُوج: 10] وَالْمُرَادُ أَنَّهُمْ أَدَوْهُمْ  
وَعَرَضُوهُمْ عَلَى الْعَذَابِ لِيَمْتَحِنُوا نَبَاتَهُمْ عَلَى  
دِينِهِمْ، وَقَالَ: فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنْ  
الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا [النِّسَاءُ:  
101] وَقَالَ: مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِيئِينَ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ  
الْجَحِيمِ [الصَّافَّاتِ: 162، 163] وَقَالَ: فَيَبْيُحُونَ  
مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ [آلِ عِمْرَانَ: 7] أَي  
الْمِحْنَةَ فِي الدِّينِ وَقَالَ: وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يُفْتِنُوكَ عَنْ  
بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ [الْمَائِدَةِ: 49] وَقَالَ: رَبَّنَا  
لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا [الممتحنة: 5] وَقَالَ:

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ [يُوسَى: 85]  
وَالْمَعْنَى أَنْ يُفْتَنُوا بِهَا عَنْ دِينِهِمْ فَيَنْزِلَ فِي  
أَعْيُنِهِمْ مَا هُمْ فِيهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالظُّلْمِ وَقَالَ: فَسُنْبُصِرُ  
وَيُبْصِرُونَ بِأَيْكُمْ الْمُفْتُونُ [الْقَلَم: 5، 6] قِيلَ:  
الْمُفْتُونُ الْمُجَنُّونُ، وَالْجُنُونُ فِتْنَةٌ، إِذْ هُوَ مِحْنَةٌ  
وَعُدُولٌ عَنْ سَبِيلِ أَهْلِ السَّلَامَةِ فِي الْعُقُولِ.

فَنَبَتَ بِهَذِهِ الْآيَاتِ أَنَّ الْفِتْنَةَ هِيَ الْإِمْتِحَانُ، وَإِنَّمَا  
قُلْنَا: إِنَّ الْفِتْنَةَ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ لِأَنَّ الْفِتْنَةَ عَنِ الدِّينِ  
تُفْضِي إِلَى الْقَتْلِ الْكَثِيرِ فِي الدُّنْيَا، وَإِلَى اسْتِحْقَاقِ  
العَذَابِ الدَّائِمِ فِي الْآخِرَةِ، فَصَحَّ أَنَّ الْفِتْنَةَ أَكْبَرُ مِنَ  
الْقَتْلِ فَضْلًا عَنْ ذَلِكَ الْقَتْلِ الَّذِي وَقَعَ السُّؤَالُ عَنْهُ  
وَهُوَ قَتْلُ ابْنِ الْحَضْرَمِيِّ.

حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِبرَاهِيمَ، حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي  
فُدَيْكٍ، حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ سَعْدٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ،  
عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ، قَالَ  
دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَهُوَ  
يُوعَكُ فَوَضَعْتُ يَدِي عَلَيْهِ فَوَجَدْتُ حَرَّهُ بَيْنَ يَدَيَّ  
فَوْقَ اللَّحَافِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّهَا عَلَيْكَ  
قَالَ إِنَّا كَذَلِكَ يُضَعَّفُ لَنَا الْبَلَاءُ وَيُضَعَّفُ لَنَا  
الْأَجْرُ " . قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ بَلَاءً

قَالَ "الْأَنْبِيَاءُ" . قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ مَنْ قَالَ " ثُمَّ الصَّالِحُونَ إِنْ كَانَ أَحَدُهُمْ لِيُبْتَلَى بِالْفَقْرِ حَتَّى مَا يَجِدُ أَحَدُهُمْ إِلَّا الْعِبَاءَةَ يُحَوِّبُهَا وَإِنْ كَانَ أَحَدُهُمْ لَيُفْرَحُ بِالْبِلَاءِ كَمَا يُفْرَحُ أَحَدُكُمْ بِالرِّخَاءِ

ابو سعید خدری گفت: "من در حالی داخل منزل پیامبر ص شدم که از تب شدید داشت، من دستم را بالای گذاشتم و از بالای کمپل حرارت را احساس کردم. من گفتم: "ای رسول خدا ص، این حالت برای شما چقدر سخت و دشوار است! او ص گفت " ما "پیامبران" همین طور هستیم. امتحان ما چندین برابر سخت است و پاداش آن نیز چندین برابر است. من گفتم: "ای رسول الله ص، امتحان کدام مردم سخت تر و شدید تر است؟ او ص گفت: "امتحان پیامبران". من گفتم: ای رسول الله ص، سپس از کی؟ او گفت: "امتحان متقیان، بعضی آن ها توسط فقر امتحان می شوند تا حد که هیچ چیزی برای خوردن نمی یابند به جز از خرقة یا ردای که دور خود می پیچند. یکی از آن ها در مصیبت و سختی خوش

خواهند بود طوری که شما در آسانی خوش  
هستید".

حسن (دارالسلام)

سنن ابن ماجه

حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ حَمَّادٍ الْمَعْنِيُّ، وَيَحْيَى بْنُ  
دُرُسْتٍ، قَالَا حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ عَاصِمٍ، عَنْ  
مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ  
قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ النَّاسِ أَشَدُّ بَلَاءً قَالَ

الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمَثَلُ يُبْتَلَى الْعَبْدُ عَلَى حَسَبِ  
دِينِهِ فَإِنْ كَانَ فِي دِينِهِ صَلْبًا اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَإِنْ كَانَ  
فِي دِينِهِ رِقَّةً ابْتُلِيَ عَلَى حَسَبِ دِينِهِ فَمَا يَبْرَحُ  
الْبَلَاءُ بِالْعَبْدِ حَتَّى يَبْرُكَهُ يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ وَمَا  
عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَةٍ

از مصعب بن سعد روایت شده که پدرش سعد بن  
ابو وقاص گفت: "من گفتم: "ای رسول الله ص،  
کدام اشخاص به طور شدید و سخت مورد امتحان  
قرار می گیرند؟ او ص گفت: "پیامبران ع، سپس

بهترین مردم و بعد از آن نیز بهترین مردم. یک شخص مطابق میثاق با دین اش امتحان می گردد. اگر در عهد و میثاق دین اش ثابت قدم و استوار ماند، او شدید تر مورد امتحان قرار خواهد گرفت. اگر در تعدات دینی اش ناکام ماند، امتحان اش مطابق تعهد اش خواهد بود. امتحان یک فرد تا وقتی ادامه دارد در روی زمین بدون گناه راه برود".

حسن (دارالسلام)

سنن ابن ماجه 4023

## دید تکلیفی در زنده گی

دید زنده گی یک مسلمان باید تکلیفی باشد. یک مسلمان برای خوشی یا سعادت این دنیا زنده گی نمی نماید و نه برای پیش رفت زنده گی می کند یا برای عشق یا هر چیزی دیگری که فعلا مود و در فضا است. چرا چنین است؟ زیرا، زنده گی

قبل از مرگ به خاطر ابتلا خلق یا برنامه ریزی شده است. او توسط چیزی که بالایش تحمیل شده یعنی در عقاید و اعمال امتحان می گردد. اما عقیده و عمل درست چیست؟ پس؛ مهم ترین موضوع برای یک مسلمان دانستن تکلیف و زنده گی کردن مطابق آن می باشد.

**الكتاب : مختصر الفتاوى المصرية لابن تيمية**

**المؤلف : بدر الدين أبو عبد الله محمد بن علي  
الحنبلي البعلبي - سنة الوفاة 777هـ**

دار التكليف

**فالدنيا دار تكليف** بلا خلاف وكذلك البرزخ  
وعرصة القيامة وإنما ينقطع التكليف بدخول دار  
الجزاء وهي الجنة أو النار

**الكتاب : شرح فتح القدير**

**المؤلف : كمال الدين محمد بن عبد الواحد  
السيواسي - سنة الوفاة 681هـ**

وقد سقطت الأفعال كلها بالموت لتعذر ظهور  
طاعته بها في دار التكليف

الكتاب : تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق

المؤلف : فخر الدين عثمان بن علي الزيلعي  
(المتوفى : 743هـ)

قُلْنَا الدُّنْيَا دَارُ التَّكْلِيفِ

أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ التَّكْلِيفِ ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ ،  
وَالْعِبَادَةُ اخْتِيَارِيَّةٌ ، وَلَيْسَتْ بِجَبْرِيَّةٍ فَلَا يُتَّصَرُّ  
بِقَاءِ الْوَاجِبِ لِأَنَّ الْآخِرَةَ لَيْسَتْ بِدَارِ الْإِبْتِلَاءِ حَتَّى  
يُلْزَمَهُ الْفِعْلُ فِيهَا

الكتاب: مفاتيح الغيب = التفسير الكبير

المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن  
بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين  
الرازي خطيب الري (المتوفى: 606هـ)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ [الإنسان:  
2] وَلَمَّا كَانَ الْإِبْتِلَاءَ بَيَّنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يَكُونُ لِظُهُورِ

الشَّيْءِ، وَتَبَتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَثْبِتُ، وَلَا يُعَاقِبُ  
عَلَى عِلْمِهِ، إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ بِظُهُورِ الْأَفْعَالِ بَيْنَ  
النَّاسِ، وَذَلِكَ لَا يَحْصُلُ إِلَّا بِالتَّكْلِيفِ لَا جَرَمَ سَمِيَ  
التَّكْلِيفُ ابْتِلَاءً،

الكتاب: غرائب القرآن ورغائب الفرقان

المؤلف: نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين  
القمي النيسابوري (المتوفى: 850هـ)

ولما كان الابتلاء من الناس إنما يكون بظهور  
الشيء، وتبَّت أن الله لا يثبِت ولا يعاقب على  
علمه إنما يظهر ذلك بظهور الأفعال من الناس  
وذلك لا يحصل إلا بالتكليف، لا جرم سمي  
التكليف ابتلاء

الكتاب: مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح

المؤلف: علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن  
نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى:  
1014هـ)

وَقَوْلُ الشَّافِعِيِّ: إِنَّهَا عَلَى الْعَبْدِ وَيَتَحَمَّلُهُ السَّيِّدُ،  
لَيْسَ بِذَلِكَ الْمَقْصُودِ الْأَصْلِيِّ مِنَ التَّكْلِيفِ، أَنْ  
يُصْرَفَ الْمُكَلَّفُ نَفْسَ مَنْفَعَتِهِ لِمَالِكِهِ، وَهُوَ الرَّبُّ  
- تَعَالَى - ائْتِيَاءً لَهُ لِنُظْهِرَ طَاعَتَهُ مِنْ عِصْيَانِهِ،  
وَلِذَا لَا يَتَعَلَّقُ التَّكْلِيفُ إِلَّا بِفِعْلِ الْمُكَلَّفِ

الكتاب : مجلة البحوث الإسلامية - مجلة دورية  
تصدر عن الرئاسة العامة لإدارات البحوث  
العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد - معها  
ملحق بتراجم الأعلام والأمكنة

المؤلف : الرئاسة العامة لإدارات البحوث  
العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد

فمعلوم أن الميت قد انتقل من دار التكليف إلى  
دار الجزاء

الكتاب: تفسير القرآن الكريم

المؤلف: محمد أحمد إسماعيل المقدم

{وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ} [السجدة: 12].

فهذا الإيمان وهذا اليقين لا يفيد؛ لأنه ليس في ذلك تكليف، فالقيمة هي في أن توقن هنا بالغيب في دار الابتلاء والتكليف، وأما الآخرة فهي دار ظهور النتائج،

الكتاب: الموسوعة الفقهية الكويتية

صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية  
– الكويت

لَا خِلَافَ بَيْنَ أَهْلِ الْعِلْمِ فِي انْقِطَاعِ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ بِمَوْتِهِ فِي الْجُمْلَةِ، لِأَنَّ الْمَوْتَ عَجَزٌ كَامِلٌ عَنْ إِثْبَانِ الْعِبَادَاتِ أَدَاءً وَقَضَاءً، وَلِأَنَّ الْمَيِّتَ قَدْ ارْتَحَلَ مِنْ دَارِ الْإِبْتِلَاءِ وَالتَّكْلِيفِ إِلَى دَارِ الْجَزَاءِ

## درجات جنت و دوزخ

اکثریت مسلمانان فراموش کرده اند که داخل شدن در جنت تنها اولین مرحله موفقیت است.

مطابق اعمال دارالابتلا در جنت و دوزخ درجات و مقامات مختلف وجود دارد. بیش تر مردم تنها با داخل شدن در جنت خوش حال هستند، اما این چیزی نیست که اسلام برای ما یاد داده است. مقام یک رحبان خوب متفاوت است از مقام یک ربانی متوسط. مقام اشخاص که در عقب می ایستند متفاوت است از اشخاص که در رباط به سر می برند. مقام یک مسلمان عادی فرق می کند از یک مسلمان فعال. مقام کسی که مسؤلیت کم دارد پائین است از مقام کسی که مسؤلیت اشد را به شکل درست انجام می دهد. در حقیقت می توانید تمام زنده گی دنیا را برای رقابت به مقام های آخرت خلاصه نمائید. زنده گی هیچ چیزی نیست مگر رقابت.

این موضوع با سیاست چی ارتباط دارد؟ سیاست رعایت امور مردم مطابق جهان بینی مشخص می باشد. سیاست مدار که دارای جهان بینی نباشد،

متفاوت عمل می کند نسبت به کسی که خود را  
مكلف به رعایت امور می داند.

**الكتاب: الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية**

**المؤلف: أبو نصر إسماعيل بن حماد الجوهري  
الفارابي (المتوفى: 393هـ)**

ودركات النار: منازل أهلها، والنار دركات  
والجنة درجات

**الكتاب : درة الغواص في أوهام الخواص**

**المؤلف : القاسم بن علي الحريري**

**سنة الولادة 446هـ/ سنة الوفاة 516هـ**

{ إن المنافقين في الدرك الأسفل من النار } وجاء  
في الآثار : أن الجنة درجات والنار دركات

**الكتاب: مفتاح العلوم**

المؤلف: يوسف بن أبي بكر بن محمد بن علي  
السكاكي الخوارزمي الحنفي أبو يعقوب  
(المتوفى: 626هـ)

الذين آمنوا لهم درجات النعيم والذين كفروا لهم  
درجات الجحيم

الكتاب: المعجم الوسيط

المؤلف: مجمع اللغة العربية بالقاهرة

( الدركة ) المنزلة السفلى ضد الدرجة وهي  
المنزلة العليا

الكتاب : تفسير القرآن العظيم المنسوب للإمام  
الطبراني

المؤلف : أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب  
بن مطير اللخمي الشامي الطبراني (المتوفى:  
360هـ)

قَوْلُهُ تَعَالَى : { هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ } ؛ معناه :  
إِنَّ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ رِضْوَانَ اللَّهِ ذُورُ دَرَجَاتٍ رَفِيعَةٍ

، وَالْآخَرُونَ ذُو دَرَكَاتٍ حَسَبِ سَيِّئَةٍ ، فَإِنَّ لِأَحَدٍ  
الْفَرِيقَيْنِ دَرَجَاتٌ فِي الْجَنَّةِ ، وَلِلْآخِرِ دَرَكَاتٌ فِي  
النَّارِ ، وَالْمَعْنَى : أَنَّ مَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ ، وَمَنْ  
بَاءَ بِسَخَطِ اللَّهِ مِنْهُ مَخْتَلِفُو الْمَنَازِلِ عِنْدَ اللَّهِ ، فَلِمَنْ  
اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ الْكِرَامَةَ وَالْثَوَابَ الْعَظِيمَ ، وَلِمَنْ  
بَاءَ بِسَخَطِ اللَّهِ مِنَ الْمَهَانَةِ وَالْعَذَابِ الْأَلِيمِ . وَقَالَ  
بَعْضُهُمْ : هَذِهِ الْآيَةُ خَاصَّةٌ فِي الْمُؤْمِنِينَ ؛ أَيُّ هُمْ  
طَبَقَاتٌ بَعْضُهُمْ أَرْفَعُ مِنْ بَعْضٍ فِي الْجَنَّةِ

الكتاب: جامع البيان في تأويل القرآن

المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن  
غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى):  
310هـ)

القول في تأويل قوله: { وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا  
وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ } (132)

قال أبو جعفر: يقول تعالى ذكره: ولكل عامل في  
طاعة الله أو معصيته، منازل ومراتب من عمله  
يبلغه الله إياها، ويثيبه بها، إن خيراً فخييراً وإن  
شراً فشرراً

وقوله (وَلِكُلِّ ذَرْجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا) يقول تعالى ذكره: ولكل هؤلاء الفريقين: فريق الإيمان بالله واليوم الآخر، والبرّ بالوالدين، وفريق الكفر بالله واليوم الآخر، وعقوق الوالدين اللذين وصف صفتهم ربنا عزّ وجلّ في هذه الآيات منازل ومراتب عند الله يوم القيامة، مما عملوا، يعني من عملهم الذي عملوه في الدنيا من صالح وحسن وسيء يجازيهم الله به.

وقد حدثني يونس، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: قال ابن زيد، في قوله (وَلِكُلِّ ذَرْجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا) قال: درج أهل النار يذهب سفالا ودرج أهل الجنة يذهب علوا (وَلِيُؤْتِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ) يقول جلّ ثناؤه: وليعطى جميعهم أجور أعمالهم التي عملوها في الدنيا، المحسن منهم بإحسانه ما وعد الله من الكرامة، والمسيء منهم بإساءته ما أعدّه من الجزاء (وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) يقول: وجميعهم لا يظلمون: لا يجازى المسيء منهم إلا عقوبة على ذنبه، لا على ما لم يعمل، ولا يحمل عليه ذنب غيره، ولا يبخس المحسن منهم ثواب إحسانه.

الكتاب: تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم

المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327هـ)

قَوْلُهُ تَعَالَى: وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا

7904 - حَدَّثَنَا أَبُو زُرْعَةَ، ثنا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ، حَدَّثَنِي ابْنُ لَهَيْعَةَ حَدَّثَنِي عَطَاءُ بْنُ دِينَارٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ: قَوْلُهُ: دَرَجَاتٌ يَعْنِي فَضَائِلَ وَرَحْمَةً.

الكتاب: الإبانة الكبرى لابن بطة

المؤلف: أبو عبد الله عبيد الله بن محمد بن محمد بن حمدان العُكْبَرِي المعروف بابن بطة العكبري (المتوفى: 387هـ)

"وَالْفَضَائِلُ فِي الْأَعْمَالِ وَالْأَخْلَاقِ وَالِاسْتِيقَابِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ تَفَاضَلَ النَّاسِ عِنْدَ خَالِقِهِمْ ، وَعَلَا بَعْضُهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: {تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ} [البقرة: 253]. وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: {وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ} [الإسراء: 55].

وَقَالَ: {وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا} [الأنعام:  
 132]. وَقَالَ: {لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ  
 الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا  
 مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى} [الحديد:  
 10]. وَقَالَ: {لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ  
 غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
 بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ  
 وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ  
 الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ  
 أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ  
 اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا} [النساء: 96]. وَقَالَ:  
 {وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ  
 وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ} [التوبة: 100]. -  
 [836]- وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: {وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ  
 أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ} [الواقعة: 10]. فَقَدْ عَلِمَ أَهْلُ  
 الْعِلْمِ وَالْعَقْلُ أَنَّ السَّابِقَ أَفْضَلُ مِنَ الْمَسْبُوقِ ,  
 وَالنَّابِعَ دُونَ الْمَتَّبِعِ , وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُفَضِّلِ  
 النَّاسَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ بِوَثَاقَةِ الْأَجْسَامِ , وَلَا  
 بِصَبَاحَةِ الْوَجْهِ , وَلَا بِحُسْنِ الرَّيِّ , وَكَثْرَةِ  
 الْأَمْوَالِ , وَلَوْ كَانُوا بِذَلِكَ مُتَّفَاضِلِينَ لَمَا كَانُوا بِهِ  
 عِنْدَهُ مَمْدُوحِينَ , لِأَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ هُوَ بِهِمْ , وَلَا مِنْ  
 فَعْلِهِمْ , فَعَلِمْنَا أَنَّ الْعُلُوَّ فِي الدَّرَجَاتِ وَالتَّفَاضُلَ  
 فِي الْمَنَازِلِ إِنَّمَا هُوَ بِفَضْلِ الْإِيمَانِ , وَقُوَّةِ الْيَقِينِ  
 , وَالْمُسَابَقَةِ إِلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ الرَّائِيَةِ , وَالنِّيَّاتِ

**الصَادِقَةُ مِنَ الْقُلُوبِ الطَّاهِرَةِ** , قَالَ اللهُ تَعَالَى: { أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ } [الجاثية: 21]. وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: { أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ } [ص: 28]. فَهَذَا وَأَشْبَاهُهُ فِي كِتَابِ اللهِ يُدُلُّ الْعُقَلَاءَ عَلَى زِيَادَةِ الْإِيمَانِ وَتُقْصَانِهِ , وَتَفَاضُلِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ , وَعُلُوِّهِمْ فِي الدَّرَجَاتِ. وَبِمَثَلِ ذَلِكَ جَاءَتِ السُّنَّةُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ , وَعَنِ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ وَفُقَهَاءِ الْمُسْلِمِينَ , وَلَوْ كَانَ الْإِيمَانُ كُلُّهُ وَاحِدًا لَا تُقْصَانُ لَهُ وَلَا زِيَادَةٌ , لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ فَضْلٌ , وَلَا سَنَوَاتِ النِّعْمَةِ فِيهِ , وَلَا يَسْتَوِي , وَبَطَلَ الْعُقْلُ الَّذِي فَضَّلَ اللهُ بِهِ -[837]- الْعُقَلَاءَ , وَشَرَّفَ بِهِ الْعُلَمَاءَ وَالْحُكَمَاءَ , وَبِإِتِمَامِ الْإِيمَانِ دَخَلَ النَّاسُ الْجَنَّةَ , وَبِالزِّيَادَةِ فِي الْإِيمَانِ تَفَاضَلَ الْمُؤْمِنُونَ فِي الدَّرَجَاتِ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَ اللهِ , وَبِالنُّقْصَانِ مِنْهُ دَخَلَ الْمُفْضَرُّونَ النَّارَ , فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. وَإِنَّ الْإِيمَانَ دَرَجَاتٌ وَمَنَازِلٌ يَتَفَاضَلُ بِهَا الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ اللهِ , وَمَتَى تَأَمَّلْ مُتَأَمِّلٌ وَصَفَ اللهُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَتَفْضِيلَهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَكَيْفَ حَرَبَهُمْ إِلَيْهِ بِالسَّبَاقِ عَلِمَ أَنَّ اللهُ قَدْ سَبَقَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْإِيمَانِ كَمَا سَبَقَ بَيْنَ الْخَيْلِ فِي الرَّهَانِ , ثُمَّ قَبِلَهُمْ

عَلَى دَرَجَاتِهِمْ إِلَى السَّبَقِ إِلَيْهِ , فَجَعَلَ كُلَّ امْرِئٍ  
 مِنْهُمْ عَلَى دَرَجَةٍ سَبَقَهُ لَا يُفْصَهُمْ فِيهَا مِنْ حَقِّهِ ,  
 لَا يَتَّقَدُّ مَسْبُوقٌ سَابِقًا , وَلَا مَفْضُولٌ فَاضِلًا .  
 وَبِذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ أَوَائِلَ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى أَوَاخِرِهَا ,  
 وَلَوْ لَمْ يَكُنْ لِلسَّابِقِينَ بِالإِيمَانِ فَضْلٌ عَلَى  
 الْمَسْبُوقِينَ لِلْحَقِّ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا فِي الْفَضْلِ  
 , وَلَتَقَدَّمَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لِمَنْ سَبَقَ إِلَى اللَّهِ فَضْلٌ عَلَى  
 مَنْ أَبْطَأَ عَنْهُ , وَلَكِنْ بِدَرَجَاتِ الإِيمَانِ قُدِّمَ  
 السَّابِقُونَ , وَبِالإِطِّئَاءِ عَنِ الإِيمَانِ أُخِّرَ  
 الْمُفْصَرُونَ , وَلَا تَكُ قَدْ تَجَدُّ فِي الْآخِرِينَ مِنْ  
 الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُوَ أَكْثَرُ عَمَلًا , وَأَشَدُّ اجْتِهَادًا , وَكَذَا  
 مِنَ الْأَوَّلِينَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرُ مِنْهُمْ صَلَاةً , وَأَكْثَرُ  
 مِنْهُمْ صِيَامًا , وَأَكْثَرُ مِنْهُمْ حَجًّا وَجِهَادًا , وَأَنْفَقَ  
 مَالًا , وَلَوْ لَا سَوَابِقُ الإِيمَانِ وَفَضْلُهُ لَمَا فَضَلَ  
 الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا , وَلَكَانَ الْآخِرُونَ لِكثْرَةِ  
 الْعَمَلِ مُقَدَّمِينَ عَلَى الْأَوَّلِينَ , وَلَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَبَى  
 أَنْ يُدْرِكَ أَحَدٌ بِآخِرِ دَرَجَاتِ الإِيمَانِ أَوْلَهَا ,  
 وَيُؤَخَّرُ مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ بِسَبَقِهِ , أَوْ يُقَدَّمَ مَنْ آخَرَ اللَّهُ  
 بِإِطِّئَاءِهِ , أَلَا تَرَى يَا أَخِي رَجَمَكَ اللَّهُ كَيْفَ نَدَبَ  
 اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الإِسْتِيقَابِ إِلَيْهِ , فَقَالَ تَعَالَى:  
 {سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ} [الحديد: 21]  
 الْآيَةَ . وَقَالَ: {وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ  
 وَالْأَنْصَارِ} [التوبة: 100] الْآيَةَ . -[838]- فَبَدَأَ  
 بِالْمُهَاجِرِينَ الْأَوَّلِينَ عَلَى دَرَجَاتِهِمْ فِي السَّبَقِ , ثُمَّ

تَنَى بِالْأَنْصَارِ عَلَى سَبْقِهِمْ ثُمَّ تَلَّتْ بِالتَّابِعِينَ لَهُمْ  
بِإِحْسَانٍ ، فَوَضَعَ كُلَّ قَوْمٍ عَلَى دَرَجَاتِهِمْ ،  
وَمَنَّا زِلَهُمْ عِنْدَهُ ، ثُمَّ ذَكَرَ مَا فَضَّلَ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ  
بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ، فَبَدَأَ بِالرُّسُلِ وَالْأَنْبِيَاءِ ،  
فَقَالَ: { تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ }  
[البقرة: 253] ، وَقَالَ: { وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ  
عَلَى بَعْضٍ } [الإسراء: 55]. وَأَمَرَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَتَأَمَّلَ ذَلِكَ ، فَقَالَ تَعَالَى: { كَلَّا نُمِدُّ  
هُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ  
رَبِّكَ مَحْظُورًا انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى  
بَعْضٍ وَللْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا }  
[الإسراء: 20]. وَقَالَ تَعَالَى: { هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ  
اللَّهِ } [آل عمران: 163]. وَقَالَ تَعَالَى: { وَيُؤْتِ  
كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ } [هود: 3]. وَقَالَ: { لَا  
يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ  
أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا }  
[الحديد: 10] .-[839]- وَقَالَ: { يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ  
آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ }  
[المجادلة: 11]. وَقَالَ: { وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ  
عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا } [النساء: 95].  
وَقَالَ: { الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ  
هُمُ الْفَائِزُونَ } [التوبة: 20]. فَهَذِهِ دَرَجَاتُ  
الإِيمَانِ وَمَنَّا زِلُهُ، تَفَاضَلِ النَّاسُ بِهَا عِنْدَ اللَّهِ ،

وَاسْتَبَقُوا إِلَيْهِ بِالطَّاعَةِ بِهَا , فَأَلِيمَانُ هُوَ الطَّاعَةُ ,  
 وَبِذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ , لِأَنَّهُمْ  
 أَطَاعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ , وَلِأَنَّهُمْ أَسْلَمُوا مِنْ خَوْفِ  
 اللَّهِ , وَأَسْلَمَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ خَوْفِ سُيُوفِهِمْ ,  
 وَقَضَلَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ بِطَوَاعِيَّتِهِمْ لِلَّهِ  
 وَلِرَسُولِهِ , وَكَذَلِكَ قَالَ تَعَالَى: { مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ  
 فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ } [النساء: 80]. وَقَالَ: { وَأَطِيعُوا اللَّهَ  
 وَالرَّسُولَ } [آل عمران: 132]. وَقَالَ: { وَمَا  
 آتَاكُمُ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا }  
 [الحشر: 7] , وَقَالَ: { وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ }  
 [الممتحنة: 12] , يَعْنِي فِي سُنَنِ الرَّسُولِ . -  
 [840]- وَخَلَقَ اللَّهُ الْخُلُقَ لَطَاعَتِهِ , إِلَّا مَنْ سَبَقَ  
 عَلَيْهِ الْقَوْلُ فِي كِتَابِهِ بِشَقْوَتِهِ . فَقَالَ: { وَمَا خَلَقْتُ  
 الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ } [الذاريات: 56].  
 وَقَالَ: { أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
 وَمَنْ فِي الْأَرْضِ } . وَقَالَ: { وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي  
 السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ } .  
 وَقَالَ: { أَنْتَبِهَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا } [فصلت: 11] . . .  
 الْأَيُّهُ فَأَلِيمَانُ يَا أَخِي رَحِمَكَ اللَّهُ هُوَ الْقَوْلُ ,  
 وَالْعَمَلُ هُوَ الطَّاعَةُ , وَالْقَوْلُ تَبِعَ لِلطَّاعَةِ وَالْعَمَلِ  
 , وَالنَّاسُ يَتَفَاضَلُونَ فِيهِ عَلَى حَسَبِ مَقَادِيرِ  
 عُقُولِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ بِرَبِّهِمْ , وَشِدَّةِ اجْتِهَادِهِمْ فِي  
 السَّبْقِ بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ إِلَيْهِ . وَقَدْ شَرَحَتِ السُّنَّةُ  
 عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابِهِ

رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ زِيَادَةَ  
الإِيمَانِ وَنُقْصَانَهُ وَتَفَاضُلَ أَهْلِهِ بَعْضِهِمْ عَلَى  
بَعْضٍ

الكتاب: كواشف زيوف

المؤلف: عبد الرحمن بن حسن حَبَنَكَّة الميّداني  
الدمشقي (المتوفى: 1425هـ)

قال الله عز وجل في سورة (الأنعام/6  
مصحف/55 نزول):

{ولكلّ درجات مما عملوا وما ربك بغافلٍ عما  
يعملون} .

وقال في سورة (الأحقاف/46 مصحف/66  
نزول):

{ولكلّ درجاتٌ مما عملوا وليوفّيهم أعمالهم وهم  
لا يُظلمون} .

فذل هذان النصان على تفاوت درجات الجزاء  
عند الله، مقابل تفاوت درجات أعمال العاملين في  
مدة امتحانهم في الحياة الدنيا.

## هجرت؛ احكام كه در محور اعلاى كلمة الله سبحانه و تعالى مى چرخد

به منظور نائل شدن به هدف اظهار دين؛ احكام  
ديگرى وجود دارد كه بر محور اين هدف بزرگ مى  
چرخند مانند: قتال، جهاد، جزيه، دعوت و غيره.  
يكى از اين احكام و ارزش ها هجرت در سبيل الله  
سبحانه و تعالى مى باشد.

دو حديث در مورد هجرت وجود دارد كه ظاهراً  
متناقض يك ديگر اند.

" لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ

" لَا تَنْقَطِعُ الْهَجْرَةُ، حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ

اولين حديث بيان مى كند كه بعد از فتح مكه  
هيچ هجرت نيست و حديث دومى نشان مى دهد

که هجرت تا قیامت وجود دارد. بعضی مردمان سطحی نگر خواهند گفت که اولین حدیث صحیح و دومی آن حسن صحیح می باشد و به این شکل مطابق نظریات آن ها مشکل حل می گردد. اما اکثریت فقها با چنین طریقه سطحی استدلال نمی نمایند. با در نظر داشت نسخه های دیگر حدیث، یک شخص واضحاً به این نتیجه می رسد که اله شرعی هجرت از دید دسته جمعی ضعف اسلام و از دید فردی فتنه دین بود. بنا بر این بعد از فتح مکه اولین اله دیگر وجود نداشت اما دومین اله برای افراد باقی ماند. در حال حاضر دیده می شود که امت اسلامی نه امام و نه قدرت دارند، پس اولین اله دوباره موجود است و الله سبحانه و تعالی بهتر می داند.

### احادیث در مورد هجرت

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ ، قَالَ : حَدَّثَنِي مَنْصُورٌ ، عَنْ مُجَاهِدٍ ، عَنْ طَاوُسٍ ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ،

قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: " لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ وَلَكِنْ جِهَادٌ وَنِيَّةٌ، وَإِذَا اسْتُنْفِرْتُمْ فَانْفِرُوا "

وَحَدَّثَنِي الْأَوْزَاعِيُّ ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ أَبِي رَبَاحٍ ، قَالَ : زُرْتُ عَائِشَةَ مَعَ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرِ اللَّيْثِيِّ فَسَأَلْتُهَا عَنِ الْهِجْرَةِ، فَقَالَتْ : " لَا هِجْرَةَ الْيَوْمَ كَانَ الْمُؤْمِنُونَ يَفِرُّ أَحَدُهُمْ بِدِينِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَى رَسُولِهِ مَخَافَةَ أَنْ يُفْتَنَ عَلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ **أُظْهِرَ اللَّهُ الْإِسْلَامَ** ، وَالْيَوْمَ يَعْبُدُ رَبَّهُ حَيْثُ شَاءَ وَلَكِنْ جِهَادٌ وَنِيَّةٌ "

وَفِي مِثْلِ ذَلِكَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ الرَّوَدْبَارِيُّ ، أَنبَأَ أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرٍ ، ثنا أَبُو دَاوُدَ ، ثنا إِبرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى الرَّازِيُّ ، أَنبَأَ عَيْسَى ، عَنْ حَرِيْزٍ ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَوْفٍ ، عَنْ أَبِي هِنْدٍ ، عَنْ مُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ : " **لَا تَنْقَطِعُ الْهِجْرَةُ، حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ،** وَلَا تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ، حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا

نظر علما در مورد هجرت

الكتاب: المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج

**المؤلف:** أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف  
النوي (المتوفى: 676هـ)

أَنَّ إِقَامَتَهَا فِي دَارِ الْكُفْرِ حَرَامٌ إِذَا لَمْ تَسْتَطِعْ  
إِظْهَارَ الدِّينِ وَتَخَشَى عَلَى دِينِهَا وَنَفْسِهَا

الكتاب: فتح الباري شرح صحيح البخاري

**المؤلف:** أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل  
العسقلاني الشافعي

أَشَارَتْ عَائِشَةُ إِلَى بَيَانِ مَشْرُوعِيَّةِ الْهَجْرَةِ وَأَنَّ  
سَبَبَهَا خَوْفُ الْفِتْنَةِ وَالْحُكْمُ يَدُورُ مَعَ عِلَّتِهِ

وَقَالَ الْخَطَّابِيُّ كَانَتْ الْهَجْرَةُ أَيَّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَوَّلِ الْإِسْلَامِ مَطْلُوبَةً ثُمَّ  
أَفْتُرِضَتْ لَمَّا هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ إِلَى حَضْرَتِهِ  
لِلْقِتَالِ مَعَهُ وَتَعَلَّمَ شَرَائِعَ الدِّينِ وَقَدْ أَكَّدَ اللَّهُ ذَلِكَ فِي  
عِدَّةِ آيَاتٍ حَتَّى قَطَعَ الْمُوَالَاةَ بَيْنَ مَنْ هَاجَرَ وَمَنْ  
لَمْ يُهَاجِرْ فَقَالَ تَعَالَى وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا  
لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يَهَاجِرُوا فَلَمَّا  
فُتِحَتْ مَكَّةُ وَدَخَلَ النَّاسُ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ جَمِيعِ  
الْقِبَائِلِ سَقَطَتِ الْهَجْرَةُ الْوَاجِبَةُ وَبَقِيَ الْإِسْتِحْبَابُ  
وَقَالَ الْبَعُوعِيُّ فِي شَرْحِ السُّنَنِ يَحْتَمِلُ الْجَمْعُ بَيْنَهُمَا

بِطَّرِيقٍ أُخْرَى بِقَوْلِهِ لَا هِجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ أَيُّ مَنْ  
مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَقَوْلُهُ لَا تَنْقَطِعُ أَيُّ مَنْ دَارَ الْكُفْرِ  
فِي حَقِّ مَنْ أَسْلَمَ إِلَى دَارِ الْإِسْلَامِ

الكتاب: طرح التثريب في شرح التقريب  
(المقصود بالتقريب: تقريب الأسانيد وترتيب  
المسانيد)

المؤلف: أبو الفضل زين الدين عبد الرحيم بن  
الحسين بن عبد الرحمن بن أبي بكر بن إبراهيم  
العراقي (المتوفى: 806هـ)

هِجْرَةُ مَنْ كَانَ مُقِيمًا بِلَادِ الْكُفْرِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى  
إِظْهَارِ الدِّينِ، فَإِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَهَاجِرَ إِلَى بِلَادِ  
الْإِسْلَامِ كَمَا صَرَّحَ بِهِ أَصْحَابُنَا

الكتاب: عمدة القاري شرح صحيح البخاري

المؤلف: أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى  
بن أحمد بن حسين الغيتابي الحنفي بدر الدين  
العينى (المتوفى: 855هـ)

هَجْرَة من كَانَ مُقِيمًا بِبِلَادِ الْكُفْرِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى  
إِظْهَارِ الدِّينِ فَإِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُهَاجِرَ إِلَى دَارِ  
الإِسْلَامِ كَمَا صَرَحَ بِهِ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ

الكتاب: شرح سنن ابن ماجه

مجموع من 3 شروح

1- «مصباح الزجاجة» للسيوطي (ت 911 هـ)

2- «إنجاح الحاجة» لمحمد عبد الغني المجددي  
الحنفي (ت 1296 هـ)

3- «ما يليق من حل اللغات وشرح المشكلات»  
لفخر الحسن بن عبد الرحمن الحنفي الكنكوهي  
(1315 هـ)

الهِجْرَة من دَارِ الْحَرْبِ لِأَنَّ إِقَامَتَهَا فِي دَارِ الْكُفْرِ  
حَرَامٌ إِذَا لَمْ تَسْتَطِعْ إِظْهَارَ الدِّينِ وَسَوَاءٌ فِي ذَلِكَ  
الشَّابَّةُ وَالْكَبِيرَةُ

الكتاب: إرشاد الساري لشرح صحيح البخاري

المؤلف: أحمد بن محمد بن أبي بكر بن عبد  
الملك القسطلاني القتيبي المصري، أبو العباس،  
شهاب الدين (المتوفى: 923هـ)

وسألتها (عن الهجرة فقالت: لا هجرة اليوم) أي  
بعد الفتح (كان المؤمنون) قبل الفتح (يفر أحدهم)  
من مكة (بدينه إلى الله تعالى وإلى رسوله -صَلَّى  
اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-) إلى المدينة وسقطت التصلية  
لأبي ذر (مخافة أن يفتن عليه) أي على دينه  
فكانت واجبة لذلك ولتعلم الشرائع والأحكام  
وقتال الكفار (فأما اليوم) بعد الفتح (فقد أظهر الله  
الإسلام) وفشت الشرائع والأحكام (واليوم)  
وللأصيلي وأبي ذر عن الكشميهني والمؤمن بدل  
قوله

واليوم (يعبد ربه حيث شاء) **فالحكم يدور مع  
علته**. قال الماوردي: إذا قدر على إظهار الدين  
في بلد من بلاد الكفر فقد صارت البلاد به دار  
إسلام فالإقامة فيها أفضل من الرحلة لما يترجى  
من دخول غيره في الإسلام (ولكن جهاد) في  
الكفار (ونية) أي وثواب نية في الجهاد أو الهجرة  
نعم ما دام في الدنيا دار كفر فالهجرة منها واجبة  
على من أسلم وخاف أن يفتن في دينه.

(وقال) تعالى في سورة النساء: (إن الذين توفاهم الملائكة) ملك الموت وأعوانه وتوفاهم ماض أو مضارع أصله تتوفاهم حذفت ثانية تاءيه (ظالمي أنفسهم) حال من ضمير المفعول في توفاهم أي في حال ظلمهم أنفسهم بالكفر وترك الهجرة (قالوا) أي الملائكة توبيخاً لهم (فيم كنتم) في أي شيء كنتم من أمر دينكم (قالوا كنا مستضعفين) عاجزين عن الهجرة (في الأرض) [النساء: 97] أرض مكة أو عاجزين عن إظهار الدين وإعلاء كلمته (إلى قوله: {واجعل لنا من لذك نصيراً}) [النساء: 75]

الكتاب: المجالس الوعظية في شرح أحاديث خير البرية صلى الله عليه وسلم من صحيح الإمام البخاري

المؤلف: شمس الدين محمد بن عمر بن أحمد السفيري الشافعي (المتوفى: 956هـ)

قال العلماء: الهجرة فعلة من الهجر ضد الوصل (1) ، ثم غلب ذلك على الخروج من أرض إلى أرض وترك الأولى للثانية، وتقسيم الهجرة إلى ثمانية أقسام

الأولى: الهجرة الأولى إلى الحبشة عندما أذى الكفار الصحابة خرج من الصحابة سراً أحد عشر نسوة منهم: عثمان بن عفان وزوجته رقية بنت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - .

الثانية: الهجرة من مكة إلى المدينة.

الثالثة: هجرة القبائل إلى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - لتعلم الشرائع، ثم يرجعون إلى الأوطان، ويعلمون قومهم.

الرابعة: هجرة من أسلم من مكة ليأتي إلى النبي - صلى الله عليه وسلم - ثم يرجع إلى مكة.

الخامسة: هجرة ما نهي الله عنه.

السادسة: الهجرة الثانية إلى أرض الحبشة مرتين، فإنهم هاجروا إلى أرض الحبشة مرتين كما هو معروف في السير، وجميع من هاجر إلى أرض الحبشة إثنان وثمانون رجلاً سوى النساء والصبيان.

السابعة: هجرة من كان مقيماً ببلاد الكفر ولا يقدر على إظهار الدين فإنه يجب عليه أن يهاجر إلى بلاد الإسلام كما صرح به العلماء.

الثامنة: الهجرة إلى الشام في آخر الزمان عند ظهور الفتن

فإن قيل: هل الهجرة باقية إلى يومنا هذا أو انقطعت بفتح مكة؟

فالجواب: أن الأحاديث تعارضت في ذلك ففي الصحيحين أن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: «لا هجرة بعد الفتح ولكن جهاد ونية» (1) فهذا يدل على انقطاعها.

وقد روى أبو داود والنسائي مرفوعاً «لا تنقطع الهجرة حتى تقطع التوبة، ولا تنقطع التوبة حتى تطلع الشمس من مغربها» (2) فهذا يدل على عدم انقطاعها، وجمع بينهما بأن الهجرة كانت إلى الإسلام فرضاً، ثم صارت بعد فتح مكة مندوباً إليها غير مفروضة، فالمنقطعة هي الفرض والباقية هي الندب، وقوله - صلى الله عليه وسلم - كما هو ثابت في بقية الروايات.

الكتاب: نيل الأوطار

المؤلف: محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250هـ)

دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الْهَجْرَةَ بَاقِيَةٌ مَا بَقِيَتْ الْمُقَاتَلَةُ لِلْكَفَّارِ  
قَوْلُهُ: (لَا هَجْرَةَ بَعْدَ الْفَتْحِ) أَصْلُ الْهَجْرَةِ هَجْرُ  
الْوَطَنِ، وَأَكْثَرُ مَا تُطْلَقُ عَلَى مَنْ رَحَلَ مِنَ الْبَادِيَةِ  
إِلَى الْقَرْيَةِ قَوْلُهُ: (وَلَكِنْ جِهَادٌ وَنِيَّةٌ) قَالَ الطَّبِيُّ  
وَعَبْرَةٌ: هَذَا الْإِسْتِدْرَاكُ يَقْتَضِي مُخَالَفَةَ حُكْمِ مَا  
بَعْدَهُ لِمَا قَبْلَهُ. وَالْمَعْنَى أَنَّ الْهَجْرَةَ الَّتِي هِيَ مُفَارَقَةُ  
الْوَطَنِ الَّتِي كَانَتْ مَطْلُوبَةً عَلَى الْأَعْيَانِ إِلَى  
الْمَدِينَةِ انْقَطَعَتْ إِلَّا أَنَّ الْمُفَارَقَةَ بِسَبَبِ الْجِهَادِ  
بَاقِيَةٌ، وَكَذَلِكَ الْمُفَارَقَةُ بِسَبَبِ نِيَّةٍ صَالِحَةٍ كَالْفِرَارِ  
مِنْ دَارِ الْكُفْرِ وَالْخُرُوجِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ وَالْفِرَارِ  
بِالَّذِينَ مِنَ الْفِتَنِ وَالنِّيَّةِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ قَوْلُهُ: (وَإِذَا  
أَسْتَنْفَرْتُمْ فَاَنْفَرُوا) .

قَالَ النَّوَوِيُّ: يُرِيدُ أَنَّ الْخَيْرَ الَّذِي انْقَطَعَ بِانْقِطَاعِ  
الْهَجْرَةِ يُمَكِّنُ تَحْصِيلَهُ بِالْجِهَادِ وَالنِّيَّةِ الصَّالِحَةِ،  
وَإِذَا أَمَرَكُمْ الْإِمَامُ بِالْخُرُوجِ إِلَى الْجِهَادِ وَنَحْوِهِ مِنْ  
الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ فَاخْرُجُوا إِلَيْهِ. قَالَ الطَّبِيُّ: إِنَّ  
قَوْلَهُ: " وَلَكِنْ جِهَادٌ . . . الْخ " مَعْطُوفٌ عَلَى مَحَلِّ  
مَذْخُولٍ " لَا هَجْرَةَ " أَيِ الْهَجْرَةِ مِنَ الْوَطَنِ إِذَا  
لِلْفِرَارِ مِنَ الْكُفَّارِ، أَوْ إِلَى الْجِهَادِ أَوْ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ  
كَطَلَبِ الْعِلْمِ فَانْقَطَعَتْ الْأُولَى وَبَقِيَتْ الْأُخْرَى  
فَاغْتَبَيْتُمُوهَا وَلَا تَقَاعَدُوا عَنْهَا بَلْ إِذَا أَسْتَنْفَرْتُمْ  
فَاَنْفَرُوا. قَالَ الْحَافِظُ: وَلَيْسَ.

الأمرُ في انقِطَاعِ الْهَجْرَةِ مِنَ الْكُفَّارِ عَلَى مَا قَالَ  
انْتَهَى.

وَقَدْ اُخْتَلِفَ فِي الْجَمْعِ بَيْنَ أَحَادِيثِ الْبَابِ، فَقَالَ  
الْخَطَّابِيُّ وَغَيْرُهُ: كَانَتْ الْهَجْرَةُ فَرْضًا فِي أَوَّلِ  
الْإِسْلَامِ عَلَى مَنْ أَسْلَمَ لِقَلَّةِ الْمُسْلِمِينَ بِالْمَدِينَةِ  
وَحَاجَتِهِمْ إِلَى الْإِجْتِمَاعِ، فَلَمَّا فَتَحَ اللَّهُ مَكَّةَ دَخَلَ  
النَّاسُ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا، فَسَقَطَ فَرْضُ الْهَجْرَةِ  
إِلَى الْمَدِينَةِ وَبَقِيَ فَرْضُ الْجِهَادِ وَالنِّيَّةِ عَلَى مَنْ  
قَامَ بِهِ أَوْ نَزَلَ بِهِ عَدُوٌّ انْتَهَى.

قَالَ الْحَافِظُ: وَكَانَتْ الْحِكْمَةُ أَيْضًا فِي وُجُوبِ  
الْهَجْرَةِ عَلَى مَنْ أَسْلَمَ لَيْسَلَمْ مِنْ أَدَى مَنْ يُؤْذِيهِ مِنَ  
الْكُفَّارِ فَإِنَّهُمْ كَانُوا يُعَذِّبُونَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ إِلَى أَنْ  
يَرْجِعَ عَنْ دِينِهِ، وَفِيهِمْ نَزَلَتْ: {إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمْ  
الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا  
مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ  
وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا} [النساء: 97] الْآيَةَ، وَهَذِهِ  
الْهَجْرَةُ بَاقِيَةُ الْحُكْمِ فِي حَقِّ مَنْ أَسْلَمَ فِي دَارِ  
الْكَفْرِ وَقَدَرَ عَلَى الْخُرُوجِ مِنْهَا

الكتاب: الحديث الموضوعي

المؤلف: مناهج جامعة المدينة العالمية

وقد قسم بعض العلماء **الهجرة** إلى خمسة أقسام:

الأولى: **الهجرة** إلى الحبشة.

الثانية: **الهجرة** من مكة إلى المدينة.

الثالثة: هجرة القبائل إلى رسول الله -صلى الله عليه وسلم.

الرابعة: هجرة من أسلم من أهل مكة.

الخامسة: هجرة ما نهى الله عنه.

وأضاف بعضهم ثلاثة أقسام أخرى:

أولها: **الهجرة** الثانية إلى أرض الحبشة؛ فإن الصحابة هاجروا إليها مرتين.

الثانية: هجرة من كان مقبلاً ببلاد الكفر، ولا يقدر على **إظهار الدين**؛ فإنه يجب عليه أن يهاجر إلى دار الإسلام، كما صرح بذلك بعض العلماء.

الثالثة: **الهجرة** إلى الشام في آخر الزمان

## حدیث (از خود تان مواظبت نمائید)

بدون شک تطبیق دسته جمعی و فردی اسلام با گذشت هر دهه مشکل تر گردیده است. حالت فتنه اکثریت مسلمانان را دچار غلط فهمی می نماید. حالت غلط فهمی دقیقاً همان چیزی ست که در زمان فتنه توقع می رود. در واقع؛ غلط فهمی یکی از برجسته ترین نشانه ها یا علائم زمان فتنه می باشد، یعنی ندانستن تکلیف فردی من حیث جزء از امت یا ندانستن تکلیف دسته جمعی من حیث بسته امت. در حال حاضر وضعیت تمام امت چنین است، هم چنان می توان در میان بخش های مختلف امت، غلط فهمی های متفاوت را با درجه های مختلف در یافت. بعضی فرزندان این امت تسلیم حالت موجوده شده اند و به هیچ وجه به تطبیق اسلام باور ندارند، حتی رد کامل تطبیق اسلام باعث خارج شدن از امت می گردد "یعنی کافر می

شود" و یا کاملاً مایوش گردیدند که این کار به تنهای خود گناه خطرناک و بزرگ محسوب می شود. تعداد دیگری وجود دارد که بی نهایت خوشبین و باور مطلق دارند که دوران طلایی اسلام یعنی زمان خلفای راشدین و حتی زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم باید کاپی و عملی گردد، تمام آن لازم و نیازمند قدرت و مبارزه درست می باشد. بگذارید، کسانی که به تطبیق اسلام از روی یأس نه از روی کفر، باور ندارند را به نام بدبین و عیبجو و کسانی که بی نهایت خوش بین اند را به نام ساده لوح مسمی نمائیم. در این صورت؛ اشخاص ساده لوح نسبت به اشخاص بد بین بهتر اند. اشخاص که کاملاً به تطبیق اسلام باور ندارند و یا فکر می کنند که اسلام دین فرسوده و کهنه است، بدون شک که از دایره اسلام خارج اند. هر دو دسته از مردم فوق الذکر به درجه های مختلف دارای اشتباهات خود اند فعلاً وقت مناسب برای توضیح آن ها نیست.

## علایم و نشانه های دسته بدبین و استدلال آن ها:

آن ها ادعا می نمایند که نمی توان اسلام را تطبیق نمود، در حقیقت می گویند که اسلام به جز در زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم دیگر هرگز تطبیق نشده است که این نوع مردم بدترین مردم بد بین می باشند. این ها تقریباً 15 الی 20 درصد امت را تشکیل می دهند که دارای مکاتب فکری و فقهی خاص خود اند. بعضی این مردمان بد بین و عیجوجو در 1440 سال گذشته مانند اسماعلیه یا علویه اسلام را ترک کردند و تعداد دیگری آن ها منتظر مهدی اند تا اسلام را به شکل درست آن تطبیق نماید. علایم و نشانه های مردمان ساده لوح این است که آن ها علاقه شدید به تطبیق کامل و بدون عیب و نقص اسلام دارند و توقع دارند که اسلام باید درست مانند زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم تطبیق گردد. و می

گویند که چرا نمی توانیم مانند پیامبر صلی الله علیه و سلم اسلام را تطبیق نمائیم؟ اگر چنین شود، پس اسلام دین خیالی و غیر واقعی می گردد و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم هیچ مفهوم و ارزشی نمی داشت. آن ها هم چنان از تطبیق اسلام چنان توقع دارند که زنده گی این دنیا را مانند زنده گی در جنت بسازد.

مسیر درست میان دو گروه افراطی موجود است.

اسلام باید تطبیق گردد و تا قیام قیامت قابل تطبیق می باشد. اما آیا می توانیم اسلام را مانند پیامبر صلی الله علیه و سلم تطبیق نمائیم؟ بدون شک که نمی توانیم. آیا مهدی می تواند حتی بهتر از خلفای راشدین و پیامبر صلی الله علیه و سلم اسلام را تطبیق نماید؟ معاذالله سبحانه و

تعالی. این نوع دید تقریباً کفر است اگر به آن باور و اعتقاد گردد.

ما تلاش نموده ایم تا بعضی غلط فهمی ها را در بخش های قبلی راجع به بعضی مفاهیم مهم بر طرف نمائیم و کوشش نمودین ترتیب عمومی آن را رعایت کنیم تا فهم و درک خواننده از این رساله سهل تر گردد. در پاراگراف های ذیل بعضی مفاهیم را تکرار خواهیم نمود.

امر به معروف در حقیقت تطبیق اسلام می باشد یا برعکس آن؛ تطبیق اسلام امر به معروف است. امر به معروف به شکل دسته جمعی صورت می گیرد، بنابر این بالای تمام امت فرض است. برای انجام آن لازم است تا امام تعیین گردد و امت باید

از وی اطاعت نمایند در عین حال ناظر (مراقب) حکام نیز باشند و اگر حکام انحراف نمودند باید آن‌ها را محاسبه نمایند یا نظر به شرایط اسلامی آن‌ها را عزل نمایند. سپس؛ این دین باید به تمام بشر با طریقه و اصالیب درست آن برسد. پی می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام کاملاً، بدون هیچ شک و شبهه دین سیاسی ست. اسلام غیر سیاسی وجود ندارد، که در حقیقت آن رهبانیت است که جهان معاصر مخصوصاً دولت ملت تلاش دارد تا آن را بالای مسلمانان تحمیل نماید. در زمان معاصر خطر ناک ترین شکل فتنه همین (اسلام غیر سیاسی) است که حتی اکثریت مسلمانان از آن بی‌خبر اند. این رهبانیت چیزی جدید نیست، اما شکلی را به خود گرفته که اسلام را تقریباً غیر قابل شناخت نموده و مفهوم حدیث نیز همین است که "اسلام به شکل غریب ظهور نمود و دوباره غریب خواهد شد" و الله سبحانه و تعالی بهتر می‌داند.

درین جا می خواهیم بعضی این غلط فهمی ها را  
با وضاحت آن ها بر طرف نمائیم.

### مواظب خود باشید.

یکی از غلط فهمی ها این است که در زمان فتنه  
چگونه یک مسلمان انزوا گرا می شود. در این  
مورد بعضی احادیث وجود دارد.

(15331)- [8 : 165] أَخْبَرَنَا أَبُو سَعِيدٍ بْنُ أَبِي  
عَمْرٍو ، أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّفَّارُ  
، ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَهْدِيٍّ ، ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ ،  
حَدَّثَنِي اللَّيْثُ ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ ، حَدَّثَنِي خَالِدُ  
بْنُ أَبِي عِمْرَانَ ، حَدَّثَنِي أَبُو عِيَّاشٍ ، عَنْ ابْنِ  
عُجْرَةَ الْأَنْصَارِيِّ ، أَنَّهُ قَالَ : خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ  
اللَّهِ وَنَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ أَنَا تَاسِعُ تِسْعَةٍ ، فَقَالَ لَنَا : " أَتَسْمَعُونَ؟ هَلْ تَسْمَعُونَ؟ ثَلَاثَ مَرَارٍ، إِنَّهَا  
سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةً، فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِمْ فَصَدَّقَهُمْ  
بِكَذِبِهِمْ، وَأَغَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ، فَلَسْتُ مِنْهُ وَلَيْسَ  
مَنِّي، وَلَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ  
دَخَلَ عَلَيْهِمْ وَلَمْ يُصَدِّقْهُمْ بِكَذِبِهِمْ، وَلَمْ يُعِنْهُمْ عَلَى  
ظُلْمِهِمْ، فَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَسِيرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ ". قَالَ : وَحَدَّثَنِي أَيْضًا، عَنْ سَهْلِ بْنِ

**سَعْدٌ**، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ : " كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ فِي حُثَالَةٍ مِنَ النَّاسِ مَرَجَتْ أَمَانَتُهُمْ وَعُهُودُهُمْ، وَكَانُوا هَكَذَا، ثُمَّ أَدْخَلَ أَصَابِعَهُ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ، فَقَالُوا : فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ كَيْفَ نَفْعَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : خُذُوا مَا تَعْرِفُونَ، وَدَعُوا مَا تُنْكِرُونَ "، ثُمَّ خَصَّ بِهِدَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ، فَقَالَ : مَا تَأْمُرُنِي بِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا كَانَ ذَلِكَ؟ قَالَ : " أَمْرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، عَلَيْهِ بِنَفْسِكَ، وَإِيَّاكَ وَعَامَّةَ الْأُمُورِ "

حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ يَعْقُوبَ الطَّلَقَانِيُّ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ، أَخْبَرَنَا عُنْبَةُ بْنُ أَبِي حَكِيمٍ، حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ جَارِيَةَ اللَّحْمِيِّ، عَنْ أَبِي أُمَيَّةَ الشَّعْبَانِيِّ، قَالَ أَتَيْتُ أَبَا ثَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيَّ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ تَصْنَعُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ آيَةُ آيَةٍ قُلْتُ قَوْلُهُ : ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ) قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْهَا خَبِيرًا سَأَلْتُ عَنْهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

بَلِ انْتَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنَاهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ حَتَّى إِذَا رَأَيْتَ شُحًّا مُطَاعًا وَهَوًى مُتَّبَعًا وَدُنْيَا مُؤْتَرَةً وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ **فَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ** وَدَعِ الْعَوَامَّ فَإِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ أَيَّامًا الصَّيْرُ فِيهِنَّ مِثْلُ

الْقَبِيضِ عَلَى الْجَمْرِ لِلْعَامِلِ فِيهِمْ مِثْلُ أَجْرِ خَمْسِينَ رَجُلًا يَعْمَلُونَ مِثْلَ عَمَلِكُمْ " . قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ وَرَأَدَنِي غَيْرُ عَثْبَةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَجْرُ خَمْسِينَ رَجُلًا مِنَّا أَوْ مِنْهُمْ قَالَ " لَا بَلْ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ " . قَالَ أَبُو عَيْسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ .

من نزد ابو ثعلبة الخشنی رفتم و به او گفتم: "این آیت را چگونه تعبیر می کنی؟" او گفت: "کدام آیت؟" من گفتم: الله سبحانه و تعالی می فرماید: از خود تان مواظبت کنید! اگر هدایت شدید، هیچ ضرری به شما نمی رسد (مائده:105). او گفت: "خوب، قسم به الله سبحانه و تعالی! من در مورد آن از شخص عالم پرسیدم، من در مورد آن از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسیدم. پس، او صلی الله علیه و سلم گفت: "بیش تر خیر را انجام بده (امر کن) و از منکر دوری نما (منع کن)، حتی اگر ببینید که از حرص و شهوات پیروی می شود و دنیا را ترجیح داده شده و هر کس با عقیده اش در تعجب است. پس؛ باید به طور خاص

مواظب خود باشید و تشویش مردم عام نکنید. روز های در پیش رو است که صبر نمودن مانند نگه داشتن قوغ آتش است. برای کسی که در میان آن ها اعمال نیک انجام می دهند ثواب 50 شخص است که مانند شما عمل می کند." عبدالله بن المبارک گفت: "این برای من به غیر از شخص عتبه اضافه گردید که گفته شد: "ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! ثواب 50 تن از میان ما یا از آن ها؟" او صلی الله علیه و سلم گفت: "نخیر! بلکه ثواب 50 تن از میان شما".

اسم الكتاب: جامع البيان عن تأويل آي القرآن

الحکم علی المتن: صحیح لغیره | إسناده حسن

(11792)- [9 : 48] حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَهْلٍ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ ، عَنْ ابْنِ الْمُبَارَكِ ، وَغَيْرِهِ ، عَنْ عُثْبَةَ بْنِ أَبِي حَكِيمٍ ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ جَارِيَةَ ، عَنْ أَبِي أُمَيَّةَ الشَّعْبَانِيِّ ، قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا

**تُعَلِّبَةُ الْخُسْنَى** : كَيْفَ نَصَنَعُ بِهِذِهِ الْآيَةِ : ف يَأْيُهَا  
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا  
اهْتَدَيْتُمْ ؟ فَقَالَ أَبُو تُعَلِّبَةَ : سَأَلْتُ عَنْهَا خَبِيرًا ،  
سَأَلْتُ عَنْهَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَقَالَ : " انْتَمَرُوا  
بِالْمَعْرُوفِ ، وَتَنَاهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، حَتَّى إِذَا رَأَيْتَ  
شَخْصًا مُطَاعًا ، وَهَوَى مُتَّبِعًا ، وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ  
بِرَأْيِهِ ، فَعَلَيْكَ بِخَوِصَّةِ نَفْسِكَ ، وَدِرِّ عَوَامِهِمْ ، فَإِنَّ  
وَرَاءَكُمْ أَيَّامًا أَجْرُ الْعَامِلِ فِيهَا كَأَجْرِ خَمْسِينَ مِنْكُمْ

اسم الكتاب: الوسيط في تفسير القرآن المجيد

(318)- [2 : 239] أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ  
الْقَاضِي ، حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ ،  
أَخْبَرَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْوَلِيدِ بْنِ مَزِيدٍ ، أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ  
بْنُ شُعَيْبٍ ، أَخْبَرَنَا عُقْبَةُ بْنُ أَبِي حَكِيمٍ ، حَدَّثَنِي  
عَمْرُو بْنُ جَارِيَةَ ، عَنْ أَبِي أُمَيَّةَ ، قَالَ : أَتَيْنَا أَبَا  
تُعَلِّبَةَ الْخُسْنَى ، فَقُلْنَا : كَيْفَ نَصَنَعُ بِهِذِهِ الْآيَةِ؟  
قَالَ : أَيُّهُ آيَةٌ؟ فَقُلْتُ : ف يَأْيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ  
أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ فَقَالَ :  
أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْهَا خَبِيرًا ، سَأَلْتُ عَنْهَا رَسُولَ  
اللَّهِ فَقَالَ : " نَعَمْ ، انْتَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنَاهَوْا عَنِ  
الْمُنْكَرِ ، حَتَّى إِذَا رَأَيْتَ شَخْصًا مُطَاعًا ، وَهَوَى  
مُتَّبِعًا ، وَذُنُوبًا مُؤْتَرَةً ، وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ ،

وَرَأَيْتَ الْأَمْرَ لَا يُدَانِ لَكَ بِهِ، فَعَلَيْكَ نَفْسِكَ وَدَعْ  
أَمْرَ الْعَوَامِّ

اسم الكتاب: حلية الأولياء لأبي نعيم

(1446)- [1447] ثنا أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ سَلْمٍ ،  
ثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَبَّارِ ، ثنا أَبُو الرَّبِيعِ الرَّهْرَانِيُّ  
، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ ، عَنْ عَثْبَةَ بْنِ أَبِي حَكِيمٍ  
، حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ جَارِيَةَ اللَّحْمِيُّ ، حَدَّثَنِي أَبُو  
أُمَيَّةَ الشَّعْبَانِيُّ ، قَالَ : أَتَيْتُ أَبَا ثَعْلَبَةَ الْخُسَنِيَّ ،  
فَقُلْتُ : يَا أَبَا ثَعْلَبَةَ، كَيْفَ تَقُولُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ : **ف**  
**عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ؟**  
فَقَالَ : أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْهَا حَبِيرًا، سَأَلْتُ عَنْهَا  
رَسُولَ اللَّهِ

فَقَالَ : " بَلِ انْتَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنَاهَوْا عَنِ  
الْمُنْكَرِ، حَتَّى إِذَا رَأَيْتَ شَخْصًا مُطَاعًا، وَهَوَى  
مُنْتَبِعًا، وَدُنْيَا مُؤْتَرَةً، وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ،  
فَعَلَيْكَ أَمْرَ نَفْسِكَ وَدَعْ عَنْكَ أَمْرَ الْعَوَامِّ، فَإِنَّ مِنْ  
وَرَائِكُمْ أَيَّامًا الصَّبْرُ فِيهِنَّ مِثْلُ قَبِيضٍ عَلَى الْجَمْرِ،  
لِلْعَامِلِ فِيهَا مِثْلُ أَجْرِ خَمْسِينَ رَجُلًا يَعْمَلُونَ مِثْلَ  
عَمَلِهِ "، وَزَادَ فِي غَيْرِهِ، قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَجْرُ  
خَمْسِينَ مِنْهُمْ؟ قَالَ : " أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ

اسم الكتاب: منتنقى من حديث أبي بكر الأنباري

(34) حَدَّثَنَا جَعْفَرٌ ، قَتْنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ  
الْمَعْنِيُّ أَبُو الْحَسَنِ ، قَتْنَا سَلَامُ بْنُ مَسْكِينٍ ، عَنِ  
الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ،  
قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِي : " يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ ،  
وَكَيْفَ أَنْتَ إِذَا بَقِيَتْ فِي حُنَّالَةٍ مِنَ النَّاسِ مَرَجَتْ  
عُهُودُهُمْ وَأَمَانَتُهُمْ حَتَّى صَارُوا هَكَذَا؟ " ، وَشَبَّكَ  
بَيْنَ أَصَابِعِهِ ، قَالَ : قُلْتُ : فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي فَكَيْفَ  
أَصْنَعُ؟ قَالَ :

عَلَيْكَ بِمَا تَعْرِفُ وَتَدْعُ مَا تُنْكِرُ ، وَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ  
نَفْسِكَ وَدَعِ عَوَامَهَا "

اسم الكتاب: التمهيد لابن عبد البر

(2985) - [ 17 : 440 ] وَقَدْ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ  
الْمَلِكِ ، حَدَّثَنَا ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ ، وَحَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ  
نَصْرِ ، حَدَّثَنَا قَاسِمُ بْنُ أَصْبَغَ ، قَالَا : حَدَّثَنَا  
إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَبْسِيُّ ، أَخْبَرَنَا وَكَيْعٌ ، عَنِ  
الْأَعْمَشِ ، عَنْ 17 : 441 مُسْلِمِ الْبَطِينِ ، عَنْ  
عَدَسَةَ ، قَالَ : " مَرَّ بِنَا ابْنُ مَسْعُودٍ ، فَأَهْدَى لَهْ

طَائِرٌ، فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ : وَدِدْتُ أَنِّي حَيْثُ صَيِّدُ هَذَا الطَّائِرِ، لَا يُكَلِّمُنِي أَحَدٌ وَلَا أَكَلُمُهُ "، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَعَبِيدِ اللَّهِ بْنِ عَمَرَ : " إِذَا رَأَيْتَ النَّاسَ مَرَجَتْ عُهُودُهُمْ، وَخَفَّتْ أَمَانَاتُهُمْ، فَالزَّمْ بَيْتَكَ، وَأَمْلِكْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ، وَخُذْ مَا تَعْرِفُ، وَدَعْ مَا تُنْكِرُ

اسم الكتاب: الأملالي الخميسية للشجري

(2084) أَخْبَرَنَا أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحِيمِ ، بِقِرَاعَتِي عَلَيْهِ، قَالَ : أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ حِبَّانَ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا بَهْلُولُ بْنُ إِسْحَاقَ الْأَنْبَارِيُّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ عَمَارَةَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ حَزْمٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، قَالَ : " يُوشِكُ أَنْ يُعْرِبَلَ النَّاسُ عَرَبَلَةً، فَيَبْقَى حُنَّالَةٌ مِنَ النَّاسِ قَدْ مَرَحَتْ عُهُودُهُمْ وَأَمَانَاتُهُمْ، وَكَانُوا هَكَذَا، وَشَبَّكَ بَدْيِهِ، قَالُوا : كَيْفَ نَصْنَعُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ؟ قَالَ : تَأْخُذُونَ بِمَا تَعْرِفُونَ، وَتَدْعُونَ مَا تُنْكِرُونَ، وَتُقْبِلُونَ عَلَى خَاصَّتِكُمْ، وَتَدْعُونَ عَامَّتِكُمْ

اسم الكتاب:المستدرک علی الصحیحین

(2597)- [2 : 159] حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ ، ثنا بَحْرُ بْنُ نَصْرِ بْنِ سَابِقِ الْخَوْلَانِيِّ ، ثنا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبٍ ، حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، عَنْ عُمَارَةَ بْنِ حَرْمٍ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ :

" يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ زَمَانٌ يُعْرِبِلُ النَّاسَ عَرَبِلَةً ، وَيَبْقَى حُنَالَةً مِنَ النَّاسِ قَدْ مَرَجَتْ عُهْدُهُمْ وَأَمَانَاتُهُمْ ، وَاخْتَلَفُوا فَكَانُوا هَكَذَا " ، وَشَبَكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ، قَالُوا : فَكَيْفَ بِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : " تَأْخُذُونَ مَا تَعْرِفُونَ وَتَدْرُونَ مَا تُنْكِرُونَ ، وَتَقْبَلُونَ عَلَى أَمْرِ خَاصَّتِكُمْ ، وَتَدْعُونَ أَمْرَ عَامَّتِكُمْ "

هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ ، وَلَمْ يُخْرَجْ بِهِ فِي السِّيَاقَةِ

اسم الكتاب:المعجم الأوسط للطبراني

(4431)- [4299] حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ ، قَالَ : حَدَّثَنِي عَيْسَى بْنُ سَالِمِ السَّاسِيِّ ،

قَالَ : نَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، عَنْ مَعْمَرٍ ، عَنْ  
 أَيُّوبَ ، عَنِ ابْنِ سِيرِينَ ، عَنْ عُقْبَةَ بْنِ أَوْسٍ ،  
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، قَالَ : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ :  
 " كَيْفَ أَنْتَ إِذَا بَقِيتَ فِي حُنَّالَةٍ مِنَ النَّاسِ ، قَدْ  
 مَرَجَتْ فِيهَا عُهودُهُمْ وَأَمَانَتُهُمْ ، وَاخْتَلَفُوا  
 فَصَارُوا هَكَذَا؟ " وَخَالَفَ بَيْنَ أَصْبُعَيْهِ ، قَالُوا :  
 كَيْفَ الْمَخْرَجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : " خُذْ مَا  
عَرَفْتَ ، وَدَعْ مَا أَنْكَرْتَ ، وَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ ،  
وَإِيَّاكَ وَعَوَامَهُمْ

اسم الكتاب: المعجم الأوسط للطبراني

(2856) - [2776] بِهِ : قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : "  
 كَيْفَ أَنْتَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو إِذَا كُنْتَ فِي حُنَّالَةٍ  
 مِنَ النَّاسِ؟ " قَالَ : وَدَاكَ مَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟  
 قَالَ : " ذَلِكَ إِذَا مَرَجَتْ أَمَانَتُهُمْ وَعُهُودُهُمْ ،  
 فَصَارُوا هَكَذَا " ، وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ، قَالَ : فَكَيْفَ  
 أَصْنَعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : " تَعْمَلْ بِمَا تَعْرِفُ  
 وَتَدَعْ مَا تُنْكِرُ ، وَتَعْمَلْ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ ، وَتَدَعْ عَوَامَ  
 النَّاسِ

اسم الكتاب: الخامس من مشيخة ابن حيويه

(13) أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ  
الْبَاغَنْدِيُّ الْوَاسِطِيُّ ، قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَأَنَا أَسْمَعُ ، قَالَ  
: نَنَا أَبُو طَاهِرٍ ، نَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ سُلَيْمِ الْوَاسِطِيِّ ،  
حَدَّثَنِي أَبُو حَازِمٍ ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ ،  
قَالَ : حَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمًا ، وَنَحْنُ فِي مَجْلِسٍ فِيهِ  
عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ ، وَابْنُهُ ، فَقَالَ : " كَيْفَ بِكُمْ إِذَا  
أُخْرْتُمْ فِي زَمَانِ حُنَّالَةٍ مِنَ النَّاسِ ، مُزِجَتْ  
عُهُودُهُمْ وَتُدُورُهُمْ ، وَكَانُوا هَكَذَا " .

وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ، فَقَالُوا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ ،  
فَقَالَ : " تَأْخُذُونَ بِمَا تَعْرِفُونَ ، وَتَذَرُونَ مَا  
تُنْكِرُونَ ، وَيُقْبَلُ أَحَدُكُمْ عَلَى خَاصَّةِ نَفْسِهِ ،  
وَتَذَرُونَ أَمْرَ الْعَامَّةِ

اسم الكتاب:المستدرک علی الصحیحین

(5445) - [3 : 343] أَخْبَرَنَا أَبُو النَّضْرِ مُحَمَّدُ  
بْنُ يُوسُفَ الْقَفِيهِ وَأَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ  
الْقَارِيِّ الرَّاهِدُ ، قَالَا : نَنَا عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدِ الدَّارِمِيِّ  
، نَنَا أَبُو تَوْبَةَ الرَّبِيعِ بْنُ نَافِعٍ ، نَنَا رَبِيعَةُ بْنُ يَزِيدَ  
، عَنْ أَبِي الْأَشْعَثِ الصَّنْعَانِيِّ ، عَنْ أَبِي عُثْمَانَ  
النَّهْدِيِّ ، عَنْ أَبِي نُزَيْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، قَالَ : قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : " يَا أَبَا دَرٍّ ،  
كَيْفَ أَنْتَ إِذَا كُنْتَ فِي حُنَّالَةٍ ؟ " ، وَشَبَّكَ بَيْنَ  
أَصَابِعِهِ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا تَأْمُرُنِي ؟ قَالَ :  
" اصْبِرْ ، اصْبِرْ ، اصْبِرْ ، خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ ،  
وَخَالِفُوهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ " .

هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ ، وَلَمْ  
يُخَرِّجَاهُ

این حدیث چگونه باید درک و فهم گردد و تناقض  
آن با بیشترین احادیث که در فوق و در  
موضوعات بعدی خواندیم در چیست و تناقض  
این حدیث با مفاهیم اساسی که در اقوال علما،  
اصحاب و نصوص مواجه شدیم، چگونه است.  
چگونه تمام آن‌ها موافق و بدون تناقض فهم می  
گردند؟ اول تر از همه؛ باید بدانیم که همیشه یک  
جزء از امت وجود خواهد داشت و تا قیامت طرف  
دار معنی لفظی کلمات خواهند بود. آن‌ها هر  
متن را تحت الفظی ترجمه خواهند کرد و  
تناقضات باعث اذیت آن‌ها نمی‌گردد. گاهی

اوقات این کار را ظاهراً بدون اخلاص انجام می دهند قسمی که در حالت بعضی اصحاب در زمان فتنه چنین بود. ما قبلاً تشریح نمودیم که اصحاب از خون ریزی میان مسلمین جلوگیری نمودند و حالت سیاسی غیر فعال را انتخاب کردند. سایر مردم از هوای خود پیروی نمودند قسمی که فعلاً جریان دارد و همین حالت شامل علمای درباری نیز می گردد، الله سبحانه و تعالی بهتر می داند. برای طبقه دوم فوق الذکر هیچ کمک از جانب الله سبحانه و تعالی نیست و توضیحات ذیل بالای آن ها هیچ تاثیری ندارد. اکثریت اوقات، بحث نمودن با چنین اشخاص بی فایده و ضایع نمودن وقت است. اشخاص که میتود ترجمه تحت الفظی متون را به شکل مثبت و منفی اتخاذ می نمایند و می دانند که چی وقت در ترجمه لفظی تاکید نمایند و چی وقت متون ظاهراً متناقض را هماهنگ سازند، چی وقت متون غیر محدود را توصیف و دسته بندی نمایند، باید بدانند وقتی

که دو حدیث ظاهراً متناقض یک دیگر اند و هیچ دلیل برای رد صحیح بودن آن وجود ندارد، هیچ راه نیست مگر این که این دو حدیث یا متون بیش تر را هماهنگ سازیم. چگونگی انجام آن نیاز به دوره آموزشی خاص دارد، اما مفکوره عمومی آن باید واضح باشد و باید از آن آگاه باشیم. وقتی که در یک حدیث بیان می گردد که بعد از فتح مکه هیچ هجرت نیست و حدیث دومی می گوید که هجرت تا قیامت ادامه دارد، این تناقض ظاهری باید جمع گردد. شما به ساده گی گفته نمی توانید که، آه یکی آن جعلی و دیگر آن صحیح است. آه تمام قسمت های حدیث ساخته گی و جعلی است، آه، معاذ الله سبحانه و تعالی، یعنی این که پیامبر صلی الله علیه و سلم اشتباه کرده است و بد تر از همه سنت ضد و نقیض است، پس باید تنها قرآن را اساس بگیریم. ما قبلاً این دو حدیث را در موضوعات قبلی بیان نمودیم و به آن اکتفا می نمائیم. بیائید روی موضوع انزوای گرائی

به حیث یک مسلمان بحث نمائیم. فقط به حیث تذکر؛ تعداد راویان از آن ها راه حل انزواگرائی روایت می شود تقریباً محدود به یک راوی می باشد و یا اگر خوش بین بوده و تعداد زیاد را انتخاب نمائیم، پس؛ از سه یا چهار صحابه بیش تر نمی گردد. بدون شک که در زمان فتنه بعضی اصحاب حالت انزواگرائی را عملاً انتخاب نموده بودند. اسناد اکثر این احادیث حسن و متن آن صحیح لغیره می باشد. صحیح ترین حدیث از یک صحابه "ابا ثعلبة الخشنی" روایت شده است. پس؛ مقایسه این حدیث با مفاهیم اساسی و محکم و مقایسه آن با احادیث زیاد دیگر، تنها از نظر کمیت، یک در مقابل چندین حدیث قرار می گیرد. این صرفاً یک تذکر بود. بنا بر این؛ اگر یک شخص اصرار نماید که یک جهت را انتخاب و جهت دیگر را رد نماید، واضح است که دید انزواگرائی رد می گردد. اما روش ما چنین نیست.

بیائید با موضوعات ذیل شروع نمائیم که بعضی قسمت های آن متواتر بالمعنی می باشد.

اسم الكتاب: مسند أبي يعلى الموصلي

(121)- [128] حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ الْعَنْبَرِيُّ ، حَدَّثَنَا أَبِي ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي خَالِدٍ ، عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ تَقْرَأُونَ هَذِهِ الْآيَةَ، وَتَضَعُونَهَا عَلَى غَيْرِ مَا وَضَعَهَا اللَّهُفَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ، إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُعَيِّرُوهُ، يُوشِكُ أَنْ يُعَمَّهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ " ، حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ ، حَدَّثَنَا أَبِي ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ ، عَنْ الْحَكَمِ ، عَنْ قَيْسِ بْنِ أَبِي حَازِمٍ ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ ، بِمِثْلِ ذَلِكَ لَا يَذْكَرُ النَّبِيُّ

بی توجهی در مفهوم امر به معروف و این که گفته شود امر به معروف سبب غضب الله سبحانه و تعالی می گردد، تقریباً کفر است. امر به معروف کاملاً مفکوره اساسی و محکم است که رد آن منجر به کفر می گردد مگر این که یک شخص اشتباهاً از روی جهالت، ترس یا رخصت های شرعی دیگر مانند دیوانه بودن آن را رد نماید از این امر مستثنی است. پس حالا باید واضح شده باشد که انزوا گرائی کاملاً با این مفکوره در تضاد قرار دارد. اگر کسی می گوید که من هیچ تناقض یا تضاد را نمی بینم، پس با در نظر داشت تمام جوانب فکر کنم که هر نوع بحث دیگر بی فایده باشد مخصوصاً وقتی که یک شخص تمام موضوعات قبلی را خوانده است. شما یا مریض یا بی نهایت احمق هستید و یا توانائی فهم این موضوع را ندارید. به هر صورت؛ اصلاً درست نیست که با شما بحث گردد. الله سبحانه و تعالی شما را شفا دهد یا عقل بیش تر اعطا نماید.

اشخاص که میان این احادیث تناقض را مشاهده می نمایند، توجه نمایند که پاسخ ما چیست. آیا در رابطه به سیاق که حدیث روایت شده به خاطر عدم موجودیت علم زبان شناسی یا شاید به خاطر عدم موجودیت علم، غلط فهمی صورت گرفته است؟ آیا ممکن است به شکلی این متن را درک کنیم که انزوا گرائی را مستثنی سازیم؟ آیا هدف این متن تنها یک شخص مشخص است یا گروه ها یا زمان؟ آیا حدیث دیگر وجود دارد که این حدیث مشخص را منحصر یا محدود نماید؟ بگذارید از این جا شروع نمائیم.

**الحکم علی السند:** اسناد متصل ، رجاله ثقات

اسم الكتاب: أسد الغابة

(1895) أخبرنا أبو موسى ، كتابه، أخبرنا أبو غالب أحمد بن العباس ، أخبرنا أبو بكر بن ريدة . ح قال أبو موسى : وأخبرنا أبو علي ، أخبرنا أحمد بن عبد الله ، قالوا : حدثنا سليمان بن أحمد ،

أخبرنا أحمد بن داود المكي ، حدثنا مسلم بن إبراهيم ، أخبرنا مالك بن مغول ، عن علي بن مدرك ، عن أبي عامر ، أنه كان فيهم شيء فاحتبس عن النبي فقال له النبي : "

ما حبسك؟" ، قال : قرأت هذه الآية : **ف يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ** فقال له النبي : " لا يضركم من ضل من الكفار إذا اهتديتم

اسم الكتاب: المعجم الكبير للطبراني

(18286)- [799] حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ دَاوُدَ الْمَكِّيُّ ، ثنا مُسْلِمُ بْنُ إِبرَاهِيمَ ، نا مَالِكُ بْنُ مِغُولٍ ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُدْرِكٍ ، عَنْ أَبِي عَامِرٍ ، أَنَّهُ كَانَ فِيهِمْ شَيْءٌ فَاحْتَبَسَ عَنِ النَّبِيِّ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ : " مَا حَبَسَكَ؟ قَالَ : قَرَأْتُ هَذِهِ الْآيَةَ : **ف يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ** ، قَالَ لَهُ النَّبِيُّ : **يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ مِنَ الْكُفَّارِ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ** "

اسم الكتاب: مسند أحمد بن حنبل

(17452)-(17342] حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ عَبْدِ  
الْوَارِثِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا مَالِكُ بْنُ مَعْوَلٍ ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ  
بْنُ مُدْرِكٍ ، عَنْ أَبِي عَامِرٍ الْأَشْعَرِيِّ ، كَانَ رَجُلٌ  
قُتِلَ مِنْهُمْ بِأَوْطَاسٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ :

يَا أَبَا عَامِرٍ ، أَلَا غَيْرَتٌ؟ ! " فَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ يَا أَيُّهَا  
الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا  
اهْتَدَيْتُمْ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ وَقَالَ : " أَيُّنَ ذَهَبْتُمْ  
! إِنَّمَا هِيَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ  
مِنَ الْكُفَّارِ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ

اساساً اين سه حديث دارای محتوای یک سان با  
الفاظ نسبتاً مختلف می باشند. این احادیث اصلاً  
بیان می کنند که کفر و ضلالت کفار بالای فرد  
مومن تاثیر نمی گذارد و دلالت بر این دارد که  
ضلالت مسلمانان در میان خود شان بالای سایر  
امت اثر ندارد. اما احادیث دیگری وجود دارند و  
واضح می سازند که وضعیت اکثریت مسلمانان  
بالای افراد تاثیر دارد. ما قبلاً بعضی این احادیث  
را در بخش امر به معروف نقل کرده ایم. تنها یک

تعداد این احادیث کافی ست که این مفهوم را قوی سازند.

اسم الكتاب: جزء أبي عثمان سعدان بن نصر بن منصور المخرمي

(110) حدثنا سعدان، قال : حدثنا سفيان ، عن الزهري ، عن عروة ، عن زينب بنت أبي سلمة ، عن حبيبة ، عن أمها أم حبيبة ، عن زينب زوج النبي قالت : استيقظ النبي من نوم محمر وجهه، وهو يقول : لا إله إلا الله، ثلاث مرات، ويل للعرب من شر قد اقترب، فتح من ردم يأجوج ومأجوج مثل هذه، وحلق حلقة بإصبعه، قلت : يا رسول الله أنهلك وفينا الصالحون؟ قال : نعم إذا كثر الخبث

اسم الكتاب: المعجم الأوسط للطبراني

(7516)- [7319] حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ الْأَخْرَمُ ، نَا مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورِ الطُّوسِيِّ ، نَنَا يَحْيَى بْنُ إِسْحَاقَ السَّيْلِيِّ ، نَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ سَعْدٍ ، عَنْ

أَبِيهِ سَعْدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ ، عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ ، قَالَتْ : دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ وَهُوَ يَقُولُ : " إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، وَيُلِّمُ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِّ اقْتَرَبَ ، فَتُح مِنْ رَدْمٍ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مِثْلُ هَذِهِ " ، وَحَلَّقَ تِسْعِينَ ، قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَنَّهُلِكَ وَفِينَا الصَّالِحُونَ؟ قَالَ : " نَعَمْ ، إِذَا كَثُرَ الْخَبَثُ

اسم الكتاب:مسند أحمد بن حنبل

(9479)- [9398] حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ الْأَعْمَشُ : لَا أَرَاهُ إِلَّا قَدْ رَفَعَهُ ، قَالَ : " وَيُلِّمُ لِلْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدِّ اقْتَرَبَ ، أَفْلَحَ مَنْ كَفَّ يَدَهُ " ، وَوَأَفَقَهُ أَبُو مُعَاوِيَةَ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

حديث ديكر:

اسم الكتاب:جامع البيان عن تأويل آي القرآن

إسناده حسن| الحكم على المتن: صحيح لغيره

(11782)- [9 : 44] حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَرَفَةَ ، قَالَ : ثنا شَبَابَةُ بْنُ سَوَّارٍ ، قَالَ : ثنا الرَّبِيعُ بْنُ صُبَيْحٍ ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عِقَالٍ ، قَالَ : قِيلَ لِابْنِ عَمْرٍ لَوْ جَلَسْتَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ فَلَمْ تُأْمَرْ وَلَمْ تُنْهَ ،

قَالَ اللهُ، تَعَالَى ذِكْرُهُ يَقُولُ : " فَعَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا  
يَصُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ :  
إِنَّهَا لَيْسَتْ لِي وَلَا لِأَصْحَابِي ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللهِ،  
قَالَ : " أَلَا فَلْيُبْلِغِ الشَّاهِدُ الْعَائِبَ " ، فَكُنَّا نَحْنُ  
الشُّهُودَ وَأَنْتُمْ الْعَائِبَ، وَلَكِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ لِأَقْوَامٍ  
يَجِيبُونَ مِنْ بَعْدِنَا، إِنْ قَالُوا لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُمْ "

این حدیث مفهوم آیت را مشخص و محدود می  
نماید. به هیچ وجه منظور آن اصحاب نیست، بلکه  
منظور آن نسل بعدی می باشد. این مفهوم توسط  
بعضی احادیث دیگر تقویت می گردد. تنها به  
آوردن تعداد آن ها اکتفا می نمائیم.

حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ حَفْصُ بْنُ عُمَرَ ، قَالَ : ثنا أَبُو  
حَاتِمٍ ، بِإِسْنَادِهِ ، عَنْ أَنَسٍ ، قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللهِ:  
" يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ  
كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ "

اسم الكتاب:تاریخ دمشق لابن عساکر

(69561) أَنْبَأَنَا أَبُو الْعَنَانِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ  
حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ ، أَنَا أَبُو الْفَضْلِ وَأَبُو الْحُسَيْنِ

وَأَبُو الْعَنَائِمِ ، وَاللَّفْظُ لَهُ ، قَالُوا : أَنَا أَبُو أَحْمَدَ ، زَادَ أَحْمَدُ : وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ، قَالَا : أَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِانَ ، أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ ، أَنَا الْبُخَارِيُّ ، قَالَ : يُحْمَدُ أَبُو أُمَيَّةَ الشَّعْبَانِيُّ الشَّامِيُّ سَمِعَ أَبَا نَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيَّ ، عَنِ النَّبِيِّ : " إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ أَيَّامَ الصَّبْرِ ، الصَّبْرُ فِيهِنَّ كَقَبْضٍ عَلَى الْجَمْرِ

## نتیجه گیری

ما می توانستیم که این موضوع را در ده ها صفحه دیگر ادامه دهیم، اما می کنم همین قدر کافی ست که بگویم که این حدیث غیر محدود یا غیر منحصر نیست تنها از نقطه نظر تعداد، به طور صحیح از یک صحابه روایت شده که ظاهراً با مفاهیم اساسی و محکم و حتی با احکام در تضاد و تناقض قرار دارد اگر صرفاً تحت الفظی ترجمه گردد. در آن صورت، منظور آن اشخاص بسیار مشخص و زمان ها و شرایط مشخص می گردد. هدف رساله این نیست تا داخل جزئیات مشخص گردد. این کار بعضی ها را دچار فتنه و تعداد دیگر را بی دقت یا بی احتیاط خواهد ساخت.

پس به همین قدر اکتفا می‌نمائیم و امید است که اشخاص دارای بصیرت با تصور این که بهتری می‌دانند، نیز در جزئیات چنین مسایل داخل نگردند. امر به معروف، رعایت امور امت بالای امت فرض است و در شرایط مختلف باای افراد تا قیام قیامت نیز فرض می‌باشد و هیچ فرد از این امر مستثنی نیست، مگر در شرایط بی‌نهایت خاص.

و اگر کسی با حالت انزوا گرائی بعضی اصحاب در زمان فتنه استدلال می‌نماید، پاسخ ما این است که اصحاب انزوا گرا نبودند، اما آن‌ها از مقاومت مسلحانه خود داری نمودند. دلیل آن کارشان احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم است که ریختن خون مسلمان را به خاطر دلایل سیاسی حرام کرده است. آن‌ها سکوت اختیار نکردند و یا مانند رجب‌ان به شکل دسته جمعی امر و نهی را ترک ننمودند. بلکه، آن‌ها از فتنه و

ریختن خون نا حق خود داری نمودند. تمام احادیث که ظاهراً طوری به نظر می رسد که دعوت به انزوا گرائی می کند، در حقیقت در مورد جلوگیری از قتل های نا حق در میان مسلمین می باشند.

اسم الكتاب: شعب الإيمان للبيهقي

(4931) أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ الرَّقِيُّ ، ثنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى ، ثنا شَيْبَانُ ، عَنِ الْأَعْمَشِ ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : **وَيْلٌ لِلْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ ، أَفْلَحَ مَنْ كَفَّ يَدَهُ ، اقْتَرَبُوا يَا بَنِي فَرُوحٍ إِلَى الدُّكْرِ ، وَاللَّهِ إِنَّ مِنْكُمْ لَرَجَالًا ، لَوْ أَنَّ الْعِلْمَ كَانَ مُعْلَقًا بِالثَّرْيَاءِ لَتَنَاوَلُوهُ**

اسم الكتاب: مسند أحمد بن حنبل

(10710) - [10543] حَدَّثَنَا حَسَنٌ وَهَاشِمٌ ، قَالَا : حَدَّثَنَا شَيْبَانُ ، عَنْ عَاصِمٍ ، عَنْ زِيَادِ بْنِ قَيْسٍ ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : " **وَيْلٌ لِلْعَرَبِ**

مِنْ شَرِّ قَدْ أَقْتَرَبَ، يَنْفُصُ الْعِلْمُ، وَيَكْتُرُ الْهَرْجُ " ،  
قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ : " الْقَتْلُ

حَدَّثَنَا عَيَّاشُ بْنُ الْوَلِيدِ ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى ،  
حَدَّثَنَا مَعْمَرٌ ، عَنِ الرَّهْرِيِّ ، عَنْ سَعِيدٍ ، عَنْ أَبِي  
هُرَيْرَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ

قَالَ : " يَتَقَارَبُ الزَّمَانُ، وَيَنْفُصُ الْعَمَلُ، وَيُفْقَى  
الشُّحُ ، وَتُظْهِرُ الْفِتْنُ، وَيَكْتُرُ الْهَرْجُ، قَالُوا : يَا  
رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّهُ هُوَ؟ قَالَ : الْقَتْلُ الْقَتْلُ "

أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ لَيْسَ عَلَيْهَا عَذَابٌ فِي  
الْآخِرَةِ عَذَابُهَا فِي الدُّنْيَا الْفِتْنُ وَالزَّلَازِلُ وَالْقَتْلُ "

از ابو موسى روايت است:

پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: "بالای امت من  
رحم شده است. هیچ مجازات در آخرت نخواهند

داشت، اما مجازات آن ها در این دنیا امتحان،  
زمین لرزه و کشته شدن خواهد بود."

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ  
شَقِيقٍ، قَالَ كُنْتُ مَعَ عَبْدِ اللَّهِ وَأَبِي مُوسَى فَقَالَ قَالَ  
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ لَأَيَّامًا يَنْزِلُ فِيهَا الْجَهْلُ،  
وَيُرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ، وَيَكْثُرُ فِيهَا الْهَرْجُ، وَالْهَرْجُ  
الْقَتْلُ

عبدالله و ابو موسی روایت می کنند:

پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: "نزدیک برپا  
شدن قیامت روز های می آید که در آن جهالت  
دینی گسترش یافته، علم نا پذیر خواهد شد و  
هرج بیش تر خواهد گردید، هرج؛ قتل معنی می  
دهد."

قَالَ الشَّافِعِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْقَدِيمِ : وَأَنْكَرَ قَوْمٌ قِتَالَ  
أَهْلِ الْبَغْيِ، وَقَالُوا : أَهْلُ الْبَغْيِ هُمْ أَهْلُ الْكُفْرِ،

وَأَيْسُوا بِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَلَا يَجُلُ قِتَالُ الْمُسْلِمِينَ،  
لَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : " لَا يَجُلُ دَمٌ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ إِلَّا  
بِثَلَاثَةٍ : الْمُرْتَدُّ بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَالرَّانِي بَعْدَ  
الْإِحْصَانِ، وَالْقَاتِلُ فَيُقْتَلُ " ، فَقَالُوا : حَرَّمَ رَسُولُ  
اللَّهِ الدَّمَاءَ إِلَّا مِنْ هَذِهِ الْجَهَةِ، فَلَا يَجُلُ الدَّمُ إِلَّا بِهَا،  
وَقِتَالُ الْمُسْلِمِ كَقِتْلِهِ، لَأَنَّ الْقِتَالَ يَصِيرُ إِلَى الْقَتْلِ،  
قَالَ الشَّافِعِيُّ : يُقَالُ لَهُمْ : أَمَرَ اللَّهُ بِقِتَالِ الْفِتَى  
الْبَاغِيَةِ، وَأَمَرَ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ وَلَيْسَ الْقِتَالُ مِنْ  
الْقَتْلِ بِسَبِيلٍ، قَدْ يَجُوزُ أَنْ يَجَلَ قِتَالُ الْمُسْلِمِ وَلَا  
يَجَلَ قِتْلُهُ، كَمَا يَحَلُّ جَرْحُهُ وَضَرْبُهُ وَلَا يَجَلُ قِتْلُهُ،  
ثُمَّ سَاقَ الْكَلَامَ، إِلَى أَنْ قَالَ : مَعَ أَنَّ أَصْحَابَ  
رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يُنْكِرُوا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
قِتَالَهُ الْخَوَارِجَ، وَأَنْكَرُوا قِتَالَهُ أَهْلَ الْبَصْرَةِ وَأَهْلَ  
الشَّامِ وَكَرَهُوا، وَلَمْ يَكْرَهُوا صَنْبِعَةَ بِالْخَوَارِجِ،  
قَالَ الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ : هَكَذَا.